

Holy Bible

Aionian Edition®

ترجمه قدیم

Old Persion Version Bible

New Testament

Holy Bible Aionian Edition ®

ترجمه قدیم

Old Persian Version Bible
New Testament

CC Attribution NoDerivatives 4.0, 2018-2024

Source text: eBible.org

Source version: 7/13/2024

Source copyright: Public Domain
Wycliffe Bible Translators, 1895

Formatted by Speedata Publisher 4.19.18 (Pro) on 7/19/2024

100% Free to Copy and Print

TOR Anonymously

<https://AionianBible.org>

Published by Nainoia Inc

<https://Nainoia-Inc.signedon.net>

We pray for a modern public domain translation in every language

Report content and format concerns to Nainoia Inc

Volunteer help is welcome and appreciated!

Celebrate Jesus Christ's victory of grace!

مقدمة

فارسی at AionianBible.org/Preface

The *Holy Bible Aionian Edition* ® is the world's first Bible *un-translation*! What is an *un-translation*? Bibles are translated into each of our languages from the original Hebrew, Aramaic, and Koine Greek. Occasionally, the best word translation cannot be found and these words are transliterated letter by letter. Four well known transliterations are *Christ*, *baptism*, *angel*, and *apostle*. The meaning is then preserved more accurately through context and a dictionary. The Aionian Bible un-translates and instead transliterates eleven additional Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and all mankind, and the nature of afterlife destinies.

The first three words are *aiōn*, *aiōnios*, and *aīdios*, typically translated as *eternal* and also *world* or *eon*. The Aionian Bible is named after an alternative spelling of *aiōnios*. Consider that researchers question if *aiōn* and *aiōnios* actually mean *eternal*. Translating *aiōn* as *eternal* in Matthew 28:20 makes no sense, as all agree. The Greek word for *eternal* is *aīdios*, used in Romans 1:20 about God and in Jude 6 about demon imprisonment. Yet what about *aiōnios* in John 3:16? Certainly we do not question whether salvation is *eternal*! However, *aiōnios* means something much more wonderful than infinite time! Ancient Greeks used *aiōn* to mean *eon* or *age*. They also used the adjective *aiōnios* to mean *entirety*, such as *complete* or even *consummate*, but never infinite time. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs. So *aiōnios* is the perfect description of God's Word which has *everything* we need for life and godliness! And the *aiōnios* life promised in John 3:16 is not simply a ticket to *eternal* life in the future, but the invitation through faith to the *consummate* life beginning now!

The next seven words are *Sheol*, *Hadēs*, *Geenna*, *Tartaroō*, *Abyssos*, and *Limnē Pyr*. These words are often translated as *Hell*, the place of *eternal punishment*. However, *Hell* is ill-defined when compared with the Hebrew and Greek. For example, *Sheol* is the abode of deceased believers and unbelievers and should never be translated as *Hell*. *Hadēs* is a temporary place of punishment, Revelation 20:13-14. *Geenna* is the Valley of Hinnom, Jerusalem's refuse dump, a temporal judgment for sin. *Tartaroō* is a prison for demons, mentioned once in 2 Peter 2:4. *Abyssos* is a temporary prison for the Beast and Satan. Translators are also inconsistent because *Hell* is used by the King James Version 54 times, the New International Version 14 times, and the World English Bible zero times. Finally, *Limnē Pyr* is the Lake of Fire, yet Matthew 25:41 explains that these fires are prepared for the Devil and his angels. So there is reason to review our conclusions about the destinies of redeemed mankind and fallen angels.

The eleventh word, *e/ēsē*, reveals the grand conclusion of grace in Romans 11:32. Take the time to understand these eleven words. The original translation is unaltered and a note is added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. To help parallel study and Strong's Concordance use, apocryphal text is removed and most variant verse numbering is mapped to the English standard. We thank our sources at eBible.org, Crosswire.org, unbound.Biola.edu, Bible4u.net, and NHEB.net. The Aionian Bible is copyrighted with creativecommons.org/licenses/by-nd/4.0, allowing 100% freedom to copy and print, if respecting source copyrights. Check the Reader's Guide and read online at AionianBible.org, with Android, and TOR network. Why purple? King Jesus' Word is royal... and purple is the color of royalty!

History

فارسی at AionianBible.org/History

- 04/15/85 - Aionian Bible conceived as B. and J. pray.
- 12/18/13 - Aionian Bible announced as J. and J. pray.
- 06/21/15 - Aionian Bible birthed as G. and J. pray.
- 01/11/16 - AionianBible.org domain registered.
- 06/21/16 - 30 translations available in 12 languages.
- 12/07/16 - Nainoia Inc established as non-profit corporation.
- 01/01/17 - Creative Commons Attribution No Derivatives 4.0 license added.
- 01/16/17 - Aionian Bible Google Play Store App published.
- 07/01/17 - 'The Purple Bible' nickname begins.
- 07/30/17 - 42 translations now available in 22 languages.
- 02/01/18 - Holy Bible Aionian Edition® trademark registered.
- 03/06/18 - Aionian Bibles available in print at Amazon.com.
- 10/20/18 - 70 translations now available in 33 languages.
- 11/17/18 - 104 translations now available in 57 languages.
- 03/24/19 - 135 translations now available in 67 languages.
- 10/28/19 - Aionian Bible nursed as J. and J. pray.
- 10/31/19 - 174 translations now available in 74 languages.
- 02/22/20 - Aionian Bibles available in print at Lulu.com.
- 05/25/20 - Illustrations by Gustave Doré, La Grande Bible de Tours, Felix Just.
- 08/29/20 - Aionian Bibles now available in ePub format.
- 12/01/20 - Right to left and Hindic languages now available in PDF format.
- 03/31/21 - 214 translations now available in 99 languages.
- 11/17/21 - Aionian Bible Branded Leather Bible Covers now available.
- 12/20/21 - Social media presence on Facebook, Twitter, LinkedIn, YouTube, etc.
- 01/01/22 - 216 translations now available in 99 languages.
- 01/09/22 - StudyPack resources for Bible translation study.
- 02/14/22 - Strong's Concordance from Open Scriptures and STEPBible.
- 02/14/23 - Aionian Bible published on the TOR Network.
- 12/04/23 - Eleēsē added to the Aionian Glossary.
- 02/04/24 - 352 translations now available in 135 languages.
- 05/01/24 - 371 translations now available in 151 languages.

جدول محتوا

عهد جدید

1	متی
26	مرقس
42	لوقا
69	یوحنا
90	کارهای رسولان
115	رومیان
126	اول قرنتیان
136	دوم قرنتیان
143	غلاطیان
147	افسیسیان
151	فیلیپیان
154	کولسیان
157	۱ تسالونیکیان
160	۲ تسالونیکیان
162	۱ تیموتاؤس
165	۲ تیموتاؤس
167	تیطس
169	فلیمیون
170	عبرانیان
178	یعقوب
181	اول پطرس
184	دوم پطرس
186	اول یوحنا
189	دوم یوحنا
190	سوم یوحنا
191	یهودا
192	مکاشفة یوحنا

ضمیمه

راهنمای خوانندگان

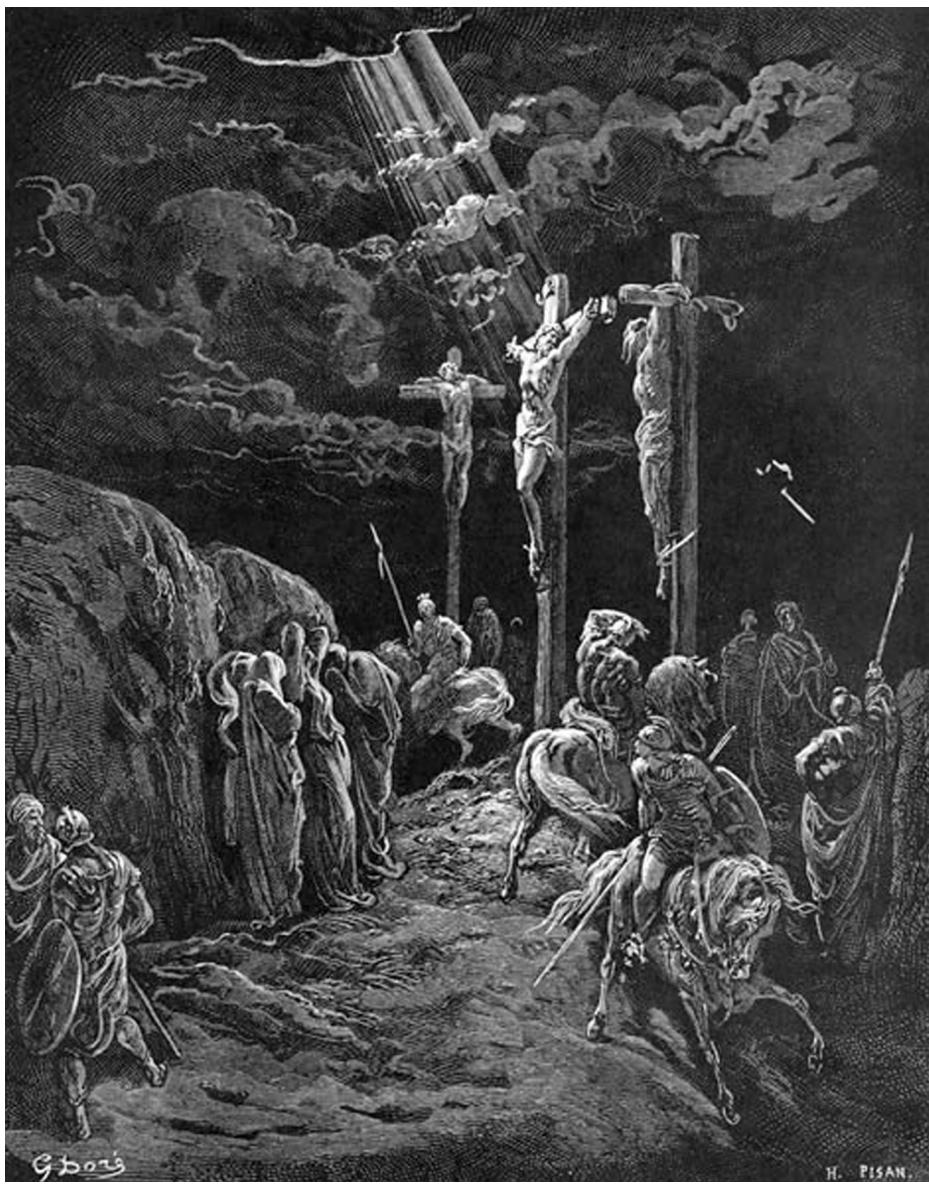
واژه نامه

نقشه ها

سرنوشت

Doré تصاویر

عهد جدید



فراتر

H. PISAN.

عیسی گفت: «ای پدر اینها را بیامز، زیرا که نمی دانند چه می کنند.» پس جامه های او را تقسیم کردند و قرعه افکیدند.

لوقا ۲۳:۳۴

بدو امر کرده بود، بعمل آورد و زن خویش را گرفت ۲۵ و تا پس
نخستین خود را نزاید، او را نشناخت؛ و او را عیسی نام نهاد.

- ۱ کتاب نسب نامه عیسی مسیح بن داود بن ابراهیم: ۲
- ۲ و چون عیسی در ایام هیرودیس پادشاه دریت لحم یهودیه
برادران او را آورد. ۳ و یهودا، فارص و زارح را از تamar آورد و فارص،
حضرمن را آورد و حضرمن، ارام را آورد. ۴ و ارام، عمنیاداب
را آورد و عمنیاداب، نحشون را آورد و نحشون، شلمون را آورد.
۵ و شلمون، بوغر را از راحاب آورد و بوغر، عوبیدرا از راعوت
آورد و عوبید، یسا را آورد. ۶ و یسا داود پادشاه را آورد و داود
پادشاه، سلیمان را از زن اوریا آورد. ۷ و سلیمان، رحیعام را آورد و
رحیعام، ایبا را آورد و ایبا، آسا را آورد. ۸ و آسا، یهوشاپاط را آورد و
یهوشاپاط، یورام را آورد و یورام، عزیما را آورد. ۹ و عزیما، یوقات را آورد
و یوقات، احاز را آورد و احاز، حرقیما را آورد. ۱۰ و حرقیما، منسی را
آورد و منسی، آمون را آورد و آمون، یوشیما را آورد. ۱۱ و یوشیما، یکنیا
و برادرانش را در زمان جلای بابل آورد. ۱۲ و بعد از جلای بابل،
یکنیا، سالنتیل را آورد و سالنتیل، زربوابل را آورد. ۱۳ زربوابل،
ایبیهود را آورد و ایبیهود، ایلیقایم را آورد و ایلیقایم، عازور را آورد.
۱۴ و عازور، صادوق را آورد و صادوق، یاکین را آورد و یاکین،
ایلیهود را آورد. ۱۵ و ایلیهود، ایلعازر را آورد و ایلعازر، متان را آورد و
متان، یعقوب را آورد. ۱۶ و یعقوب، یوسف شوهر مریم را آورد که
عیسی مسمی به مسیح از او متولدشد. ۱۷ پس تمام طبقات، از
ابراهیم تا داود چهارده طبقه است، و از داود تا جلای بابل چهارده
طبقه، و از جلای بابل تا مسیح چهارده طبقه. ۱۸ اما ولادت
عیسی مسیح چنین بود که چون مادرش مریم به یوسف نامرد شده
بود، قل از آنکه با هم آید، او را از روح القدس حامله یافتند. ۱۹
و شوهری یوسف چونکه مرد صالح بود و نخواست او را عبرت
نماید، پس اراده نمود او را به پنهانی رها کند. ۲۰ اما چون او
در این چزهاتفکر می کرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بروی
ظاهر شده، گفت: «ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم
مترس، زیرا که آنچه در روی قرار گرفته است، از روح القدس است،
او اپسی خواهد زايد و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که
برای آن واقع شد تاکلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام
گردد ۲۳ که اینک باکه آبستن شده پسری خواهند زايد و نام او
او مت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.» ۲۲ و این همه
مجوسیان او را سخریه نموده اند، بسیار غضبناک شده، فرماد و
جمعی اطفالی را که دریت لحم و تمام نواحی آن بودند، از دو
ساله و کمتر موافق وقتی که از مجوسیان تحقیق نموده بود، به قتل
رسانید. ۲۴ پس چون یوسف از خواب بیدار شد، چنانکه فرشته خداوند

تمام شد: «آوازی در راهه شنیده شد، گریه و زاری و ماتم عظیم که می‌آیی؟» ۱۵ عیسی در جواب وی گفت: «الان بگذار زیرا که ما راحیل برای فرزندان خود گریه می‌کند و تسلی نمی‌پذیرد زیرا که راه مهچینین مناسب است تا تمام عدالت را به کمال رسانیم.» ۱۶ نیستند.» ۱۹ اما چون هیرودبیس وفات یافت، ناگاه فرشته خداوند اما عیسی چون تعجبیدیافت، فور از آب برآمد که در ساعت آسمان در مصر به یوسف در خواب ظاهر شده، گفت: ۲۰ «برخیز و بروی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده، بر طفل و مادرش را برداشت، به زمین اسرائیل روانه شو زیرا آنانی که وی می‌آید.» ۲۱ آنگاه خطای از آسمان دررسید که «این است پسر قصد جان طفل داشتند فوت شدند.» ۲۱ پس برخاسته، طفل و حبیب من که ازاو خشنودم.»

مادر او را برداشت و به زمین اسرائیل آمد. ۲۲ اما چون شنید که ۴ آنگاه عیسی بدست روح به بیابان برده شدتا ابلیس او را ارکلاوس به جای پدر خود هیرودبیس بر بیوه دیه پادشاهی می‌کند، از تجربه نماید. ۲ و چون چهل شبانه روزه داشت، آخر گرسنه رفتن بدان سمت ترسید و در خواب وحی یافته، به نواحی جلیل گردید. ۳ پس تجربه کننده نزد او آمد، گفت: «اگر پسر برگشت. ۲۳ و آمده در بلدهای مسحی به ناصره ساکن شد، تا خداهستی، بگو تا این سنگها نان شود.» ۴ در جواب گفت: آنچه به زیان انبیا گفته شده بود تمام شود که «به ناصری خوانده» «مکتوب است انسان نه محض نان زیست می‌کند، بلکه به هر خواهد شد.»

۳ و در آن ایام، یحیی تعییدهنه در بیابان بیوه دیه ظاهر شد و شهر مقدس برد و برگنگه هیکل بپای داشته، ۶ به وی گفت: موعظه کرده، می‌گفت: ۲ «توبه کنید، زیرا ملکوت آسمان نزدیک» «اگر پسرخدا هستی، خود را به زیر انداز، زیرا مکتوب است است.» ۳ زیرا همین است آنکه اشعیای نبی از او خبرداده، که فرشتگان خود را درباره تو فرمان دهد تاتو را بدستهای خود می‌گوید: «صدای ندا کنندهای در بیابان که راه خداوند را مهیا برگزیند، مبادا پایت به سنگی خورد.» ۷ عیسی وی را گفت: «و سازید و طرق او را راست نمایید.» ۴ و این یحیی لباس از پشم نیزمکتوب است خداوند خدای خود را تجربه مکن.» ۸ پس شترمی داشت، و کمرپند چرمی بر کمر و خوارک او ازملخ و ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برد و همه ممالک جهان و جلال عسل بری می‌بود. ۵ در این وقت، اورشلیم و تمام بیوه دیه و جمیع آنها را بدلو نشان داده، ۹ به وی گفت: «اگر افتاده مرا سجده حوالی اردن نزد او بیرون می‌آمدند، ۶ و به گناهان خود اعتراض کنی، همانا این همه را به تو بخشم.» ۱۰ آنگاه عیسی وی کرده، در اردن از وی تعییدمی یافتدند. ۷ پس چون بسیاری از راگفت: «دور شوای شیطان، زیرا مکتوب است که خداوند خدای فریسان و صدو قیان را دید که بجهت تعیید وی می‌آیند، بدیشان خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما.» ۱۱ در ساعت ابلیس گفت: «ای افعی زادگان، که شما را اعلام کرد که از غضب او را رها کرد و اینک فرشتگان آمد، او را پرستاری می‌نمودند. ۱۲ آینده بگزیرید؟ ۸ اکنون ثمره شایسته توبه بیاورید، ۹ و این سخن و چون عیسی شنید که یحیی گرفتار شده است، به جلیل روانه را به حاضر خود راه مددیک که پدر ما ابراهیم است، زیرا به شما شد، ۱۲ و ناصره را ترک کرده، آمد و به کفرناحوم، به کناره دریا می‌گوییم خداقادر است که از این سنگها فرزندان برای ابراهیم در حدود زبولون و نفتالیم ساکن شد. ۱۴ تا تمام گردد آنچه به برانگیزیان. ۱۰ و الحال تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است، زبان اشعیای نبی گفته شده بود ۱۵ که «زمین زبولون و زمین پس هر درختی که ثمره نیکنیاورد، بردید و در آتش افکنده شود. نفتالیم، راه دریا آن طرف اردن، جلیل است؛ ۱۶ قومی که در ۱۱ من شمارا به آب به جهت توبه تعیید می‌دهم. لکن او که ظلمت ساکن بودند، نوری عظیم دیدند و بزشنینندگان دیار موت بعد از من می‌آید از من تواناتر است که لایق برداشتن نعلین او و سایه آن نوری تایید.» ۱۷ از آن هنگام عیسی به موعظه شروع نیستم؛ او شما را به روح القدس و آتش تعیید خواهد داد. ۱۲ او کرد و گفت: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است.» ۱۸ غربال خود را در دست دارد و خمن خود را نیکو پاک کرده، گندم و چون عیسی به کناره دریای جلیل می‌خرامید، دو برادر یعنی خویش را در ابیار ذخیره خواهد نمود، ولی کاه رادر آتشی که شمعون مسمی به پطرس و برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا خاموشی نمی‌پذیرد خواهد سوزانید. ۱۹ آنگاه عیسی از جلیل به می‌اندازند، زیرا صیاد بودند. آنچه عقب من آید اردن نزد یحیی آمدتا از او تعیید باید. ۲۰ اما یحیی او را منع تا شما را صیاد مردم گردانم.» ۲۰ در ساعت دامها را گلدارده، از نموده، گفت: «من احتیاج دارم که از تو تعیید یابم و توند من عقب او روانه شدند. ۲۱ و چون از آنجا گذشت دو برادر دیگر

یعنی یعقوب، پسر زیدی و برادرش یوحنا را دید که در کشتی با هر که یکی از این احکام کوچکترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم پدر خویش زیدی، دامهای خود را اصلاح می کنند؛ ایشان را نیز دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. اما هر که بعمل دعوت نمود. ۲۲ در حال، کشتی و پدر خود را ترک کرده، از آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد عقب او روانه شدند. ۲۳ و عیسی در تمام جلیل می گشت و شد. ۲۰ زیرا به شما می گویم، تاعالت شما بر عدالت کاتبان و در کایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه همی نمود و فریسان افون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهد شد. هر مرض و هر درد قوم راشفا می داد. ۲۴ و اسم او در تمام سوریه ۲۱ «شینیده اید که به اولین گفته شده است "قتل مکن و هر که شهرت یافت، و جمیع مرضیانی که به انواع امراض و دردها مبتلا قتل کند سزاوار حکم شود." ۲۲ لیکن من به شما می گویم، هر که بودند و دیوانگان و مصروعان و مفلوجان را نزد او آورند، و ایشان را به برادر خود بی سبب خشم گیرد، مستوجب حکم باشد و هر که برادر خود را راقا گوید، مستوجب قصاص باشد و هر که احمد گوید، شفا بخشید. ۲۵ و گروهی بسیار از جلیل و دیکاپولس واوشیم و مستحق اتش جهنم بود. ۲۳ پس هرگاه هدیه بهودیه و آن طرف اردن در عقب اروانه شدند.

(Geenna g1067)

خد را به قربانگاه ببری و آنجا به خاطرت آید که برادرت بر تو حقی دارد. ۲۴ هدیه خود را پیش قربانگاه واکدار و رفه، اول با برادرخویش صلح نما و بعد آمده، هدیه خود را بگذران. ۲۵ با مدعی خود مادامی که با وی در راه هستی صلح کن، مبادا مدعی، تو را به قاضی سپارد و قاضی، تو را به داروغه تسلیم کند و در زندان افکنده شوی. ۲۶ هر آینه به تو می گوییم، که تا فلس آخر را ادا نکنی، هرگز از آنجا بیرون نخواهی آمد. ۲۷ شینیده اید که به اولین گفته شده است "زنامکن". ۲۸ لیکن من به شما می گویم، هر کس به زنی نظر شهوت اندارد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. ۲۹ پس اگر چشم راست تو را بغلزارند، قلعش کن و از خود دور انداز زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضای تبا گردد، ازانکه تمام بدنت در جهنم افکنده شود. ۳۰ و اگر دست راست تو را بغلزارند، قطعش کن و از خود دور انداز، زیرا تو را مفیدتر آن است که عضوی از اعضای تو نابود شود، از آنکه کل جسدت در دوزخ افکنده شود. ۳۱ «باز شینیده اید که به اولین گفته شده است هر که از زن خود مفارق است جوید، طلاق نامهای بدو بدهد. ۳۲ لیکن من به شما می گویم، هر کس بغیر علت زنا، زن خود را از خود جدا کند باعث زنا کردن اموی باشد، و هر که زن مطلقه را نکاح کند، زنا کرده باشد. ۳۳ «باز شینیده اید که به اولین گفته شده است که "قسم دروغ مخور، بلکه قسم های خود را به خداوند وفا کن." ۳۴ لیکن من به شما می گویم، هرگز قسم مخورید، نه به آسمان زیرا که عرش خداست، ۳۵ و نه به زمین زیرا که پای انداز او است، و نه به ارشلیم زیرا که شهر پادشاه عظیم است، ۳۶ و نه بسر خود قسم یاد کن، زیرا که مونی را مفید یا سیاه نمی توانی کرد. ۳۷ بلکه سخن شما بای بای و نی باشد زیرا که زیاده نقدهای از تورات هرگز زایل نخواهد شد تا همه واقع شود. ۱۹ پس براین از شریر است. ۳۸ «شینیده اید که گفته شده است." چشمی

به چشمی و دندانی به دندانی ”^{۳۹} لیکن من به شمامی گویم، است، بر زمین نیز کرده شود. ^{۱۱} نان کفاف ما را امروز به ما با شیر مقاومت مکنید بلکه هر که برسخاره راست تو طپانچه زند، بدء. ^{۱۲} و قرض های ما را بخشن چنانکه ما نیز قفسداران خود را دیگری را نیز به سوی او بگردان، ^{۴۰} و اگر کسی خواهد با تو می بخشیم. ^{۱۳} و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شیر ما راههای دعا و اکند و فای تور را بگرد، عبای خود را نیز بدوواگذار، ^{۴۱} و ^{۵۵}. ^{۱۴} «زیرا هرگاه تقصیرات مردم را بدلشان بیامزید، پدر آسمانی هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او شما، شما را نیز خواهد آمرزید. ^{۱۵} اما اگر تقصیرهای مردم را برو. ^{۴۲} هر کس از تو سوال کند، بدو بخشن و از کسی که قرض نیامزید، پدر شما هم تقصیرهای شما را نخواهد آمرزید. ^{۱۶} «اما از تو خواهد، روی خود را مگردان. »^{۴۳} «شنبهاید که گفته شده چون روزه دارد، مانند ریاکاران ترشو میاشید زیرا که صورت خوبیش است ”همسایه خورا محبت نما و با دشمن خود عداوت کن.“ را تغییری دهند تا در نظر مردم روزه دار نمایند. هر آیه به شما ^{۴۴} امامن به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایند و می گوییم اجر خود را یافه اند. ^{۱۷} لیکن تجون روزه داری، سر خود برای لعن کنندگان خود برقک بطليید و به آنانی که او شما نفرت را تدھین کن و روی خود را بشوی ^{۱۸} تا در نظر مردم روزه دار کنند، احسان کنید و به هر که به شما فحش دهد و جفا رساند، ننمایی، بلکه در حضور پدرت که در نهان است؛ و پدر نهان بین دعای خبرکنید، ^{۱۹} تا پدر خود را که در آسمان است پرسان تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد. ^{۲۰} «گنجها برای خود بر زمین شوید، زیرا که آفتاب خود را بر بدان و نیکان طالع می سازد و نیتدوزید، جایی که بید و زنگ زیان می رساند و جایی که دزدان باران بر عادلان و ظالمان می باراند. ^{۲۱} زیرا هرگاه آنانی را محبت نقب می زند و دزدی می نمایند. ^{۲۰} بلکه گنجها بجهت خود در نمایند که شما رامحبت می نمایند، چه اجر دارد؟ آیا با جگگیران آسمان بیندوزید، جایی که بید و زنگ زیان نمی رساند و جایی که چنین نمی کنند؟ ^{۲۲} و هرگاه برادران خود را فقط سلام گوید چه دزدان نقب می زند و دزدی نمی کنند. ^{۲۱} زیرا هر جا گنج فضیلت دارد؟ آیا با جگگیران چنین نمی کنند؟ ^{۲۲} پس شما کامل تواست دل تو نیز در آنجا خواهد بود. ^{۲۲} «جراغ بدن چشم باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.

^{۲۳} اما اگر چشم تو فاسد است، تمام جسدت تاریک می باشد. پس ^{۲۴} «نهار عدالت خود را پیش مردم به جامایورد تا شما را بینند و الا نزد پدر خود که در آسمان است، اجری ندارید. ^۲ پس چون صدقه دهی، پیش خود کرنا منواز چنانکه ریاکاران در کنایس و بازارها می کنند، تا نزد مردم اکرام یابند. هر آیه به شما می گوییم اجر خود را یافته اند. ^۳ بلکه تو چون صدقه دهی، دست چپ تو از آنچه دست راست می کند مطلع نشود، ^۴ تا صدقه تو در نهان باشد و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا اجر خواهد داد. ^۵ «و چون عبادت کنی، مانند ریاکاران میاش زیرا خوش دارند که در کنایس و گوشه های کوچه ها ایستاده، نماز گذارند تا مردم ایشان را بینند. هر آیه به شما می گوییم اجر خود را تاحصیل نموده اند. ^۶ لیکن تو چون عبادت کنی، به حجره خود داخل شو و در را بسته، پدر خود راکه در نهان است عبادت نما؛ و پدر نهان بین تو، تو را آشکارا جزا خواهد داد. ^۷ و چون عبادت کنید، مانند چن تامی کنید، چگونه نمو می کنند! نه محبت می کنند و نه می ریستند! ^{۲۹} لیکن به شما می گوییم سلیمان هم با همه جلال خود چون یکی از آنها آراسته نشد. ^{۲۰} پس اگر خدا علف صحراء گفت مسجیب می شوند. ^۸ پس مثل ایشان میاشید زیرا که پدر را که امروز هست و فردا در تئور افکنده می شود چنین پیوشاند، ای کم ایمان آیا نه شما را از طریق اولی؟ ^۹ پس اندیشه مکنید و مگویید چه بخوریم یا چه بنویشیم یا چه بپوشیم. ^{۳۰} زیرا که در طلب جمیع این چیزها امت ها می باشند. اما پدر آسمانی شمامی تو مقدس باد. ^{۱۰} ملکوت تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان

داند که بدین همه‌چیز احتیاج دارد. ۳۳ لیکن اول ملکوت خدا گوید داخل ملکوت آسمان گردد، بلکه آنکه اراده پدرم را که در وعدالت او را بطلیل کد این همه برای شما مزید خواهد شد. ۳۴ آسمان است به جا آورد. «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو نبوت ننمودیم و به اسم تو دیوها پس در اندیشه فردا می‌اشید زیرا فردا اندیشه خود را خواهد کرد. «خداوندا، خداوندا، آیا به نام تو معجزات بسیار ظاهرناساختیم؟» ۲۲ بدی امروز برای امروز کافی است.

آنگاه به ایشان صریح خواهم گفت که «هرگز شما را نشناختم!

۷ «حكم مکنید تا بر شما حکم نشود. ۲ زیرا بدان طریقی که حکم کنید بر شما نیز حکم خواهد شد و بدان پیمانه‌ای که پیمایید برای شما خواهند پیمود. ۳ و چون است که خس را در چشم برادر خود می‌بینی و چوبی را که چشم خود داری نمی‌بایی؟ ۴ یا چگونه به برادر خودمی گویی «اجازت داد تا خس را از چشمت بیرون کنم» و اینک چوب در چشم تو است؟ ۵ ای ریاکار، اول چوب را از چشم خود بیرون کن، آنگاه نیک خواهی دید تا خس را از چشم برادرت بیرون کنی! ۶ «آنچه مقدس است، به سگان مدهید و نه مروازیدهای خود را پیش گرازان اندازید، مباراً آنها را پایمال کنند و برگشته، شما را برند. ۷ «سوال کنید که به شما داده خواهد شد؛ بطلیلید که خواهید

یافت؛ بکویید که برای شما بازکرده خواهد شد. ۸ زیرا هر که ۸ و چون او از کوه به زیر آمد، گروهی بسیار از عقب او روانه سوال کند، یابد و کسی که بطلیل دریافت کنید و هر که بکویید برای شدند. ۹ که ناگاه ابرصی آمد و او را پرسش نموده، گفت: «ای اوگشاده خواهد شد. ۹ و کدام آدمی است از شما که پسرش خداوند اگریخواهی، می‌توانی مرا ظاهر سازی.» ۱۰ عیسی دست نانی از او خواهد و سنگی بدو دهد؟ ۱۰ یا اگر ماهی خواهد ماری آورده، او را لمس نمود و گفت: «می‌خواهم؛ ظاهر شو!» که فور

بدو بخشند؟ ۱۱ پس هرگاه شما که شریر هستید، دادن بخشش برص او ظاهرگشت. ۱۱ عیسی بدو گفت: «زنهر کسی را اطلاع های نیکو را به اولاد خود می‌دانید، چقدر زیاده پدر شما که ندهی بلکه رفته، خود را به کاهن بمنا و آن هدیه‌ای را که موسی درآسمان است چیزهای نیکو را به آنانی که از اوسوال می‌کنند فرمود، بگذران تا بجهت ایشان شهادتی باشد.» ۱۲ و چون عیسی

خواهد بخشید! ۱۲ لهذا آنچه خواهید که مردم به شما کنند، وارد کفرناحوم شد، بوزیاشی از نزد وی آمد و بدو التمام نموده، ۱۳ شما نیز بدانش همچنان کنید، زیرا این است تواری و صحف گفت: «ای خداوند، خادم من مخلوق در خانه خوایید و بشدت

انجیا، ۱۳ «از در تنگ داخل شوید. زیرا فراخ است آن در و وسیع مطالع است.» ۱۴ عیسی بدو گفت: «من آمده، او را شفا خواهم است آن طریقی که مودی به هلاکت است و آنانی که بدان داخل داد.» ۱۴ بوزیاشی در جواب گفت: «خداوند، لایق آن نی ام که می‌شوند بسیارند. ۱۴ زیرا تنگ است آن در و دشوار است آن زیرسقف من آمی. بلکه فقط سخنی بگو و خادم من صحت

طریقی که مودی به حیات است و یاندگان آن کمند. ۱۵ «اما از خواهد یافت. ۱۵ زیرا که من نیز مردی زیرحکم هستم و سپاهیان را انبیای کذبه احتزار کنید، که به لباس می‌شها نزد شما می‌آیند زیر دست خود دارم؛ چون به یکی گویم برو، می‌رود و به دیگری

ولی در باطن، گرگان درزنه می‌باشند. ۱۶ ایشان را از میوه های بیا، می‌آید و به غلام خود فلاں کار را بکن، می‌کند.» ۱۶ عیسی ایشان خواهید شناخت. آیا انگور را از خار و انجیر را از خس چون این سخن را شنید، متعجب شده، به همراهان خود گفت:

۱۷ همچنین هر درخت نیکو، میوه نیکو می‌آورد و «هراین به شما می‌گویم که چنین ایمانی در اسرائیل هم نیافردا. درخت بد، میوه بد می‌آورد. ۱۸ نمی‌تواند درخت خوب میوه بد ۱۸ و به شما می‌گویم که بسا از منشرق و مغرب آمده، در ملکوت آورد، و نه درخت بد میوه نیکو آورد. ۱۹ هر درختی که میوه نیکو آسمان با ابراهیم و اسحاق و یعقوب خواهد نشست؛ ۱۹ اما نیاورد، بریده و در آتش افکنده شود. ۲۰ لهذا از میوه های ایشان، پسران ملکوت بیرون افکنده خواهد شد، در ظلمت خارجی جای ایشان را خواهید شناخت. ۲۱ «نه هر که مرا «خداوند، خداوند» که گریه و فشار دندان باشد. ۲۱ پس عیسی به بوزیاشی گفت:

«برو، بر وفق ایمان تو را عطاشود،» که در ساعت خادم او ۹ پس به کشتی سوار شده، عبور کرد و به شهر خویش آمد. صحبت یافت. ۱۴ و چون عیسی به خانه پطروس آمد، مادرزن او را ۲ ناگاه مفلوجی را بر بستر خوابانیده، نزد وی آوردندا. چون عیسی دید که تب کرده، خوابیده است. ۱۵ پس دست او را لمس کرد ایمان ایشان را دید، مفلوج را گفت: «ای فرزند، خاطر جمع و تب او رها کرد. پس برخاسته، به خدمت گذاری ایشان دار که گناهات آمرزیده شد.» ۳ آنگاه بعضی از کتابان با خود مشغول گشت. ۱۶ اما چون شام شد، بسیاری از دیوانگان را به گفتند: «این شخص کفر می‌گوید.» ۴ عیسی خیالات ایشان نزدا آوردن و محض سختی ارواح را بیرون کرد و همه میریضان را رادرک نموده، گفت: «از بهره‌چه خیالات فاسد به خاطر خود راه نشاند.» ۱۷ تا سخنی که به زیان اشعاری نبی گفته شده می‌دیدیم ۵ زیرا کدام سهل تراست، گفت اینکه گناهان تو آمرزیده بود تمام گردد که «او ضعف‌های ما را گرفت و مرض‌های ما شد یا گفتمن آنکه برخاسته بخرام؟ ۶ لیکن تا بدانید که پسرانسان را برداشت.» ۱۸ چون عیسی جمعی کثیر دور خود دید، فرمان داد را قدرت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست...» آنگاه مفلوج را تا به کاره دیگر روند. ۱۹ آنگاه کاتی پیش آمده، بدو گفت: گفت: «برخیز و بستر خود را برداشته، به خانه خود رفته! ۷ و آن گروه چون این عمل «استادا هرجا روی، تو رامتابعت کنم.» ۲۰ عیسی بدو گفت: درحال برخاسته، به خانه خود رفت! ۸ و آن گروه چون این عمل «رویاهان را سوراخها و مرغان هوا را آشیانه‌ها است. لیکن پسر را دیدند، متوجه شده، خدابی را که این نوع قدرت به مردم عطا انسان را جای سر نهادن نیست.» ۲۱ و دیگری از شاگردانش بدو فرموده بود، تمجید نمودند. ۹ چون عیسی از آنجا می‌گذشت، گفت: «خداآندا اول مارا خصت ده تا رفته، پدر خود را دفن مردی رامسمی به متی به باج گاه نشسته دید. بدو گفت: «مرا کنم.» ۲۲ عیسی وی را گفت: «مرا متابعت کن و بگذار که متابعت کن.» در حال برخاسته، از عقب وی روایه شد. ۱۰ مرد‌گان، مردگان خود را دفن کنند.» ۲۳ چون به کشتی سوار واقع شد چون او در خانه به غذا نشسته بود که جمعی از شد، شاگردانش از عقب او آمدند. ۲۴ ناگاه اضطراب عظیمی در باجگیران و گناهکاران آمده، با عیسی و شاگردانش بشنستند. ۱۱ دریاپدید آمد، بحدی که امواج، کشتی را فرومی‌گرفت؛ او در «و فریسیان چون دیدند، به شاگردان او گفتند: «چرا استاد شما خواب بود. ۲۵ پس شاگردان پیش آمده، او را بیدار کرده، گفتند: با باجگیران و گناهکاران غذا می‌خورد؟» ۱۲ عیسی چون شنید، «خداآندا، مارا دریاب که هلاک می‌شون!» ۲۶ بدیشان گفت: گفت: «نه تندرستان بلکه میریضان احتیاج به طیب دارند. ۱۳ «ای کم‌ایمانان، چرا ترسان هستید؟» آنگاه برخاسته، پادها و دریا لکن رفته، این را دریافت کید که «رحمت می‌خواهم نه قربانی،» را نهیب کرد که آرامی کامل پدید آمد. ۲۷ اما آن اشخاص تعجب زیرا نیامدهام تاعادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم.» نموده، گفتند: «این چگونه مردی است که پادها و دریا نیازوا را ۱۴ آنگاه شاگردان یحیی نزد وی آمده، گفتند: «چون است که ما اطاعت می‌کنند!» ۲۸ و چون به آن کاره در زمین جرجسیان و فریسیان روزه بسیاری داریم، لکن شاگردان تو روزه نمی‌دارند؟» رسید، دو شخص دیوانه از قبرها بیرون شده، بدیورخوردندا و بحدی ۱۵ عیسی بدیشان گفت: «آیا پسران خانه عروسی، مادامی که تندخوی بودند که هیچ کس از آن راه نتوانستی عبور کنند. ۲۹ در داماد با ایشان است، می‌توانند ماتم کنند؟ و لکن ایامی می‌آید که ساعت فریاد کرده، گفتند: «یا عیسی این الله، ما را با توجه کار داماد از ایشان گرفته شود؛ در آن هنگام روزه خواهد داشت. ۱۶ است؟ مگر در اینجا آمده‌ای تا ما را قبیل از وقت عذاب کنی؟» و یهیج کس بر جامه کهنه پاره‌ای از پارچه نو و صله نمی‌کند زیرا که ۲۰ و گله‌گزار بسیاری دور از ایشان می‌چرید. ۳۱ دیوها از وی آن وصله از جامه جدا می‌گردد و دریدگی بدتر می‌شود. ۱۷ و استدعا نموده، گفتند: «هرگاه ما را بیرون کنی، در گله‌گزاران ما شراب نو را درمشکه‌های کهنه نمی‌ریزند والا مشکه‌ها دریده شده، را بفرست.» ۳۲ ایشان را گفت: «بروید!» در حال بیرون شده، شراب ریخته و مشکه‌ها تباہ گردد. بلکه شراب نو را در مشکه‌ای داخل گله‌گزاران گردیدند که فی الفور همه آن گزاران از بلندی به نو می‌ریزند تا هر دوم حفظ باشد.» ۱۸ او هنوز این سخنان را دریا جسته، در آب هلاک شدند. ۳۳ اما شبانان گریخته، به شهر بدیشان می‌گفت که ناگاه رئیسی آمد و او را پرسش نموده، رفته‌ند و تمام آن حادثه و ماجراه دیوانگان را شهرت دادند. ۳۴ گفت: «اکنون دختر من مرده است. لکن بیا و دست خود را واپس تمام شهر برای ملاقات عیسی بیرون آمد. چون او را دیدند، بر وی گذار که زیست خواهد کرد.» ۱۹ پس عیسی به اتفاق شاگردان خود برخاسته، از عقب او روان شد. ۲۰ و ایک زنی که مدت دوازده سال به مرض استحاضه مبتلا می‌بود، از عقب او

آمده، دامن ردای او را لمس نمود، ۲۱ زیرا با خود گفته بود: «اگر ۶ بلکه نزد گوسفندان گم شده اسرائیل بروید. ۷ و چون می‌روید، محض رداش را لمس کنم، هر آینه شفایابم. ۲۲ عیسی برگشته، موعظه کرده، گویید که ملکوت آسمان نزدیک است. ۸ بیماران را نظر بر وی اندادخته، گفت: «ای دختر، خاطر جمع باش زیرا که شفا دیدی، ابرسان راطاهر سازید، مردگان را زنده کنید، دیوها ایمانت تو را شفا داده است!» در ساعت آن زن رستگارگردید. ۲۳ را بیرون نمایید. مفت یافته‌اید، مفت بدیده. ۹ طلا یا نقره یا و چون عیسی به خانه رئیس درآمد، نوحه‌گران و گروهی از شورش مس در کمرهای خود ذخیره مکنید، ۱۰ و برای سفر، توشه‌دان کنندگان را دیده، ۲۴ بدیشان گفت: «راه دیده، زیرا دختر نمرده یا دو پیراهن یا کفشها یا عصبارندارید، زیرا که مزدور مستحق بلکه در خواب است.» ایشان بروی سخزه کردند. ۲۵ اما چون خوارک خوداست. ۱۱ و در هر شهری یا قریه‌ای که داخل شود، آن گروه بیرون شدند، داخل شده، دست آن دختر را گرفت که در پرسید که در آنجا که در لیاقت دارد؛ پس در آنجا بمانید تا بیرون ساعت برخاست. ۲۶ و این کار در تمام آن مز و بوم شهرت بروید. ۱۲ و چون به خانه‌ای درآید، بر آن سلام نمایید؛ ۱۳ یافت. ۲۷ و چون عیسی از آن مکان می‌رفت، دو کورفیاد کان پس اگر خانه لایق باشد، سلام شما بر آن واقع خواهد شد و در عقب او افتاده، گفتند: «پس داودا، بر ما ترحم کن!» ۲۸ اگر لایق بود، سلام شما به شما خواهد برگشت. ۱۴ و هر که شما و چون به خانه درآمد، آن دوکور نزد او آمدند. عیسی بدیشان را قبول نکند یا به سخن شماگوش ندهد، از آن خانه یا شهر گفت: «آیا ایمان دارید که این کار را می‌توانم کرد؟» گفتندش: بیرون شده، خاک پایهای خود را برافشارید. ۱۵ هر آینه به شمامی «بلی خداوندا.» ۲۹ در ساعت چشمان ایشان را لمس کرده، گوییم که در روز حزا حالت زمین سドوم و غمومه از آن شهر سهل تر گفت: «بر وفق ایمانتان به شما بشود.» ۳۰ در حال چشمانتان خواهد بود. ۱۶ هان، من شما را مانند گوسفندان در میان گرگان باز شد و عیسی ایشان را به تاکید فرمود که «زنهر کسی اطلاع می‌فرستم؛ پس مثل مارها هوشیار و چون کوتولان ساده باشید. نیابد.» ۳۱ اما ایشان بیرون رفت، او را در تمام آن نواحی شهرت ۱۷ اما از مردم برحدار باشید، زیرا که شما را به مجلسها تسلیم دادند. ۳۲ و هنگامی که ایشان بیرون می‌رفتند، ناگاه دیوانه‌ای خواهند کرد و در کنایس خود شما را تازیانه خواهند زد، ۱۸ و در گنگ را نزد او آوردن. ۳۳ و چون دیویرون شد، گنگ، گویا حضور حکام و سلاطین، شما را بخاطر من خواهند برد تا بر گردید و همه در تعجب شده، گفتند: «در اسرائیل چنین امر هرگز ایشان و بر امت‌ها شهادتی شود. ۱۹ اما چون شما را تسلیم دیده نشده بود.» ۳۴ لیکن فریسیان گفتند: «به واسطه رئیس کنند، اندیشه مکنید که چگونه یا چه بگویید زیرا در همان ساعت دیوها، دیوها را بیرون می‌کند.» ۳۵ و عیسی در همه شهرها و به شمااعطا خواهد شد که چه باید گفت، ۲۰ زیرا گوینده شما دهات گشته، در کنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت نیستید بلکه روح پدر شما، در شما گوینده است. ۲۱ و برادر، موعظه می‌نمود و هر مرض و رنج مردم را شفامی داد. ۳۶ و چون برادر را و پدر، فرزند را به موت تسلیم خواهند کرد و فرزندان بر جمع کمی دید، دلش بر ایشان بسوخت زیرا که مانند گوسفندان و الدین خود برخاسته، ایشان را به قتل خواهند رسانید؛ ۲۲ و به بی‌شبان، پریشان حال و پراکنده بودند. ۳۷ آنگاه به شاگردان خود جهت اسم من، جمیع مردم از شما نفرت خواهند کرد. لیکن هر که گفت: «حصاد فراوان است لیکن عمله کم. پس از صاحب تا به آخر صبر کن، نجات یابد. ۲۳ و وقتی که در یک شهر بر شما چفا کنند، به دیگری فرار کنید زیرا هر آینه به شما می‌گوییم حصاد استدعا نمایید تا عمله در حصاد خود بفرستد.»

۱۰ و دوازده شاگرد خود را طلبیده، ایشان را بر ارواح پلید شاگرد از معلم خود افضل نیست و نه غلام از آقایش برتر. ۲۵ کافی است شاگرد را که چون استاد خویش گردد و غلام را که و نامهای دوازده رسول این است: اول شمعون معروف به پطرس شاگرد را که آنها را بیرون کنند و هر بیماری و رنجی را شفا بخواهند. ۲ و برادرش اندریاس؛ یعقوب بن زیدی و برادرش یوحنا؛ ۳ فلیپس و برتویما؛ توما و متی با جگیر؛ یعقوب بن حلفی و لی معروف به تدی؛ ۴ شمعون قانوی و پیهودای اسخیریوطی که او را تسلیم آنچه در تاریکی به شما می‌گوییم، در روشنایی بگویید، و آنچه نمود. ۵ این دوازده را عیسی فرستاده، بدیشان وصیت کرده، در گوش شنید بر باهم موعظه کنید. ۲۶ لهذا از ایشان متربید زیرا چیزی مسخور نیست که مکثوف نگردد و نه مجھولی که معلوم نشود. ۲۷ آنچه در تاریکی به شما می‌گوییم، در روشنایی بگویید، و آنچه در گوش شنید بر باهم موعظه کنید. ۲۸ واژ قاتلان جسم که قادر بر کشتن روح نی اند، بیم مکنید بلکه از او بترسید که قادر

پادشاهان می باشند. ۹ لیکن بجهت دیدن چه چیزیرون رفید؟ آیا ۱۰ آیا دوگچشک به یک فلسفه فروخته نمی شود؟ و نی را؟ بلی به شما می گوییم از نسی افضلی را! ۱۱ زیرا همان است حال آنکه یکی از آنها جز به حکم پدر شما به زمین نمی افتد. آنکه درباره اومکتوب است: «اینک من رسول خود را پیش روی تو لیکن همه موباهی سر شما نیز شمرده شده است. ۱۲ پس می فرمدم تا راه تو را پیش روی تو مهیا سازد.» ۱۳ هر آنی به شما ترسان مبایشید زیرا شما از گنجشکان بسیار افضل هستید. ۱۴ پس می گوییم که از اولاد زنان، بزرگتر از بحیی تعییدهندۀ برخاست، هر که مرا پیش مردم افکار کند، من نیز در حضور پدر خود که در لیکن کوچکتر در ملکوت آسمان از وی بزرگتر است. ۱۵ و از آسمان است، او را قرار خواهم کرد. ۱۶ اما هر که مرا پیش مردم ایام بحیی تعییدهندۀ تا الان، ملکوت آسمان معجور می شود و انکار نماید، من هم در حضور پدر خود که در آسمان است او را جباران آن را به زوری ربایند. ۱۷ زیرا جمیع انبیا و تواتات تا بحیی انکار خواهم نمود. ۱۸ گمان مباید که آمدام تا سلامتی بر زمین اخبار می نمودند. ۱۹ و اگر خواهید قول کنید، همان است الیاس بگذارم. نیامدهام تا سلامتی بگذارم بلکه شمشیر را. ۲۰ زیرا که باید بیاید. ۲۱ هر که گوش شما دارد بشنوید. لیکن این آمدام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از طایفه را به چه چیزیشیه نمایم؟ اطفالی را مانند که در کوچه آمدام تا مادر شوهرش جداسازم. ۲۲ و دشمنان شخص، اهل خانه او هانشسته، رفیقان خویش را صدا زده، ۲۳ می گویند: «برای شما مادر شوهرش جداسازم. ۲۴ و هر که پدر یا مادر را بیش از من دوست دارد؛ نی ناخنیم، رقص نکردید؛ نوحه گری کردیم، سینه نزدید.» ۲۵ لایق من نیاشد و هر که پسر یا دختر را از من زیاده دوست دارد، زیرا که بحیی آمد، نه می خورد و نه می آشامید، می گویند دیو دارد. لایق من نیاشد. ۲۶ و هر که صلیب خود را برینداشته، از عقب من ۲۷ پسر انسان آمد که می خورد و می نوشد، می گویند اینک مردی نیاید، لایق من نیاشد. ۲۸ هر که جان خود را دریابد، آن را هلاک پرخور و میگسار و دوست با جگیران و گناهکاران است. لیکن سازد و هر که جان خود را بخاطر من هلاک کرد، آن را خواهد حکمت افزونان خود تصدیق کرده شده است.» ۲۹ «و عده آرامش دریافت. ۳۰ هر که شما را قبول کند، مرا قبول کرده و کسی که مرا درون ۳۱ آنگاه شروع به ملامت نمود بر آن شهرهایی که اکثر از قبول کرده، فرستنده مرا قبول کرده باشد. ۳۲ و آنکه نبی ای را به معجزات وی در آنها ظاهر شد زیرا که توبه نکرده بودند: ۳۳ «وای اسم نبی پذیرید، اجرت نبی یابد و هر که عادل را به اسم عادلی بر توابی خیززین! وای بر توابی بیت صیدا! زیرا اگر معجزاتی که در پذیرفت، مزد عادل را خواهد یافت. ۳۴ و هر که یکی از این صغار شما ظاهر گشت، در صور و صیدون ظاهر می شد، هر آنیه مدتی در را کاسه‌ای از آب سرد محض نام شاگرد نوشاند، هر آنیه به شمامی پلاس و خاکستر توبه می نمودند. ۳۵ لیکن به شما می گوییم که در روز جزا حالت صور و صیدون از شمامهای خواهد بود. ۳۶ و

توابی کفرناحوم که تا به فلک سرافراشته‌ای، به جهنم سرنگون خواهی شد زیرا هرگاه معجزاتی که در تو پدید آمد در سلسله ظاهر می شد، هر آنیه باقی می ماند. (Hadēs g86) ۳۷ لیکن شاگردان خود را فرستاده، ۳۸ بدو گفت: «آیا آن آینده تو بتویی یا منتظر دیگری باشیم؟» ۳۹ عیسی در جواب ایشان گفت: «بروید و یعنی را از آنچه شنیده و دیده‌اید، اطلاع دهید ۴۰ که کوران بینا می گردند و لئگان به رفارم می آیندو ابرصان ظاهر و کران شناو و مردگان زنده می شوند و فقیران بشارت می شنوند؛ ۴۱ و خوشابحال همه چیز را به من سپرده است و کسی پسر را نمی شناسد بجز کسی که در من نلغزد.» ۴۲ و چون ایشان می رفتد، عیسی با پدر و نه پدر را هیچ کس می شناسد غیر از پسر و کسی که پسر آن جماعت درباره بحیی آغاز سخن کرد که «بجهت دیدن چه بخواهد بدومکشوف سازد. ۴۳ باید نزد من ای تمام حتمتکشان و چیز بیرون شدید؟ آیا نی را که از باد در جنبش است؟ ۴۴ بلکه گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید. ۴۵ بیوغ مرأ بر خود بجهت دیدن چه چیز بیرون شدید؟ آیا مردی را که لیاس فاخر گیرید و از من تعلیم یابید زیرا که حليم و افتاده‌دل می باشم و در بر دارد؟ اینک آنایی که رخت فاخر می پوشند در خانه های

در نفوس خود آرامی خواهید یافت؛ ۳۰ زیرا بوغ من خفیف است و ۲۴ لیکن فریسیان شنیده، گفتند: «این شخص دیوها را بریون نمی کند مگر به باری بعلزیبول، رئیس دیوها!» ۲۵ عیسی خیالات ایشان را درک نموده، بدیشان گفت: «هر مملکتی که بر خود

منقسم گردد، ویران شود و هر شهری یا خانه‌ای که برخود منقسم گردد، برقرار نماند. ۲۶ لهذا اگر شیطان، شیطان را بیرون کند، هر آینه بخلاف خود منقسم گردد. پس چگونه سلطنتش پایدار ماند؟ ۲۷ و اگر من به وساطت بعلزیبول دیوها را بیرون می‌کنم، پسران شما آنها را به باری که بیرون می‌کنند؟ از این جهت ایشان بر شما داوری خواهد کرد. ۲۸ لیکن هرگاه من به روح خدا دیوهایها را اخراج می‌کنم، هر آینه ملکوت خدا بر شما رسیده است. ۲۹ و چگونه کسی بتواند در خانه شخصی زورآور درآید و اسباب او را غارت کند، مگر آنکه اول آن زورآور را بیندد و پس خانه او را تاراج کند؟ ۳۰ هر که با من نیست، بخلاف من است و هر که با من جمع نکند، پراکنده سازد. ۳۱ از این رو، شما را می‌گویم هر نوع گناه و کفر از انسان آمرزیده می‌شود، لیکن کفر به روح القدس از انسان غفو نخواهد شد. ۳۲ و هر که بخلاف پسر انسان سخنی گوید، آمرزیده شود اما کسی که بخلاف روح القدس گوید، در این عالم و در عالم آینده، هرگر آمرزیده نخواهد شد. (aiōn g165) ۳۳ یا

درخت را نیکو گردانید و میوه‌اش رانیکو، یا درخت را فاسد سازید و میوه‌اش رافاسد، زیرا که درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود. ۳۴ ای افعی زادگان، چگونه می‌توانید سخن نیکو گفت و حال آنکه بد هستید زیرا که زیان از زیادتی دل سخن می‌گوید. ۳۵ مرد نیکو از خزانه نیکوی دل خود، چیزهای خوب برمی‌آورد و مرد بد از خزانه بد، چیزهای بد بیرون می‌آورد. ۳۶ لیکن به شما می‌گویم که هرسخن باطل که مردم گویند، حساب آن را در روز داوری خواهند داد. ۳۷ زیرا که از سخنان خود عادل شمرده خواهی شد و از سخنهای تو بر توحیم خواهد شد. ۳۸ آنگاه بعضی از کتابان و فریسان در جواب گفتند: «ای استاد می‌خواهیم از تو آینی ببینم.» ۳۹ او در جواب ایشان گفت: «فقه شریر و زناکار آینی می‌طلبند و بدیشان جز آیت یونس نبی داده نخواهد شد. ۴۰ زیرا همچنانکه یونس سه شب‌انرزو در شکم ماهی ماند، پسر انسان نیز سه شب‌انرزو در شکم زمین خواهد بود. ۴۱ مردمان نینوا در روز داوری با این طایفه برخاسته، بر ایشان حکم خواهند کرد زیرا که به موعظه یونس توبه کردن و اینک بزرگتر از یونس در اینجا است. ۴۲ ملکه جنوب در روز داوری با این فرقه برخاسته، بر ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، و اینک شخصی بزرگتر از سلیمان در اینجا است. ۴۳ و

بار من سپک.»

۱۲ در آن زمان، عیسی در روز سبت از میان کشتارها می‌گذشت و شاگردانش چون گرسنه بودند، به چیدن و خوردن خوشة هاگزار کردند. ۲ اما فریسان چون این را دیدند، بدگفتند:

«اینک شاگردان تو عملی می‌کنند که کردن آن در سبت جایز نیست.» ۳ ایشان را گفت: «مگر نخوانده‌اید آنچه داود و رفیقانش کردند، وقتی که گرسنه بودند؟ ۴ چه طور به خانه خدا درآمد، ناهای اینکه تقدمه را خورد که خوردن آن بر او و رفیقانش حلال نبود بلکه بر کاهنان فقط. ۵ یا در تورات نخوانده‌اید که در روزهای سبت، کهنه درهیکل سبت را حرمت نمی‌دارند و بی‌گناه هستند؟

۶ لیکن به شما می‌گوییم که در اینجا شخصی بزرگتر از هیکل است! ۷ و اگر این معنی را درک می‌کردید که رحمت می‌خواهم نه قربانی، بی‌گناه را مذمت نمی‌نمودید. ۸ زیرا که پسرانسان درآمد، ۹ که ناگاه شخص دست خشکی حاضر بود. پس از این مالک روز سبت نیز است.» ۹ و از آنجا رفته، به کیسیه ایشان

گرفتند: «آیا در روز سبت شفا دادن جایز است یا نه؟» ۱۰ ادعایی بر او وارد آورند. ۱۱ وی به ایشان گفت: «کیست از شما که یک گوسفند داشته باشد و هرگاه آن در روز سبت به حفراهی افتاد، او را نخواهد گرفت و بیرون آورد؟ ۱۲ پس چقدر انسان از گوسفند افضل است. بنابراین در سبت‌ها نیکویی کردن روا است.»

۱۳ آنگاه آن مرد را گفت: «دست خود را دراز کن!» پس دراز کرده، مانند دیگری صحیح گردید. ۱۴ اما فریسان بیرون رفته، بر او شورا نمودند که چطور او را هلاک کنند. ۱۵ عیسی این را درک نموده، از آنجا روانه شلو گروهی بسیار از عقب او آمدند.

پس جمیع ایشان را شفا بخشید، ۱۶ و ایشان را قدرن فرمود که او را شهرت ندهند. ۱۷ تا تمام گردد کلامی که به زیان اشعیای نبی گفته شده بود: «اینک بنده من که او برگردام و حبیب من

که خاطر از وی خرسند است. روح خود را بر وی خواهمن نهاد تالیف را بر امته‌ها اشتخار نماید. ۱۹ نزاع و فغان نخواهد کرد و کسی آواز او را در کوچه هانخواهد شنید. ۲۰ نی خرد شده را

نخواهد شکست و فتیله نیمه سوخته را خاموش نخواهد کرد تا آنکه انصاف را به نصرت بپرورد. ۲۱ و به نام او امته‌ها امید خواهند داشت.» ۲۲ آنگاه دیوانه‌ای کور و گنگ را نزد او آوردند و او را شفا داد چنانکه آن کور و گنگ، گویا و بیناشد. ۲۳ و تمام آن گروه در حیرت افتاده، گفتند: «آیا این شخص پسر داود نیست؟»

۲۴ متنی

وقتی که روح پلید از آدمی بیرون آید، در طلب راحت به جایهای و به گوشها بشنوند و به دلهای فهمند و بازگشت کنند و من ایشان بی آب گردش می کند و نمی باید. ۴۴ پس می گوید "به خانه خود را شغا دهم." ۱۶ لیکن خوشابه حال چشمان شما زیرا که می بینند که از آن بیرون آمدم برمی گردم، "و چون آید، آن را خالی و گوشاهای شما زیرا که می شنوند ۱۷ زیرا هر آینه به شما می گویم جاروب شده و آراسته می بینند. ۴۵ آنگاه می رود و هفت روح دیگر بسا انبیا و عادلان خواستند که آنچه شما می بینید، ببینتو ندیدند بدتر از خود را برداشته، ساکن آنجامی شوند و آنچه می شنوید، بشنوند و نشینیدند. ۱۸ پس شما مثل بزرگ را و انجام آن شخص بدتر از آغازش می شود. همچنین به این فرقه بشنوید. ۱۹ کسی که کلمه ملکوت را شنیده، آن را نفهمید، شریر خواهد شد.» ۲۰ او با آن جماعت هنوز سخن می گفت شریعی آید و آنچه در دل او کاشته شده است می باید، همان که ناگاه مادر و برادرانش در طلب گفتگوی وی بیرون ایستاده است آنکه در راه کاشته شده است. ۲۰ و آنکه بر سنگلاخ بودند. ۲۱ و شخصی وی را گفت: «اینک مادر تو و برادرانت ریخته شده، اوست که کلام را شنیده، فی الفور به خشودی قبول بیرون ایستاده، می خواهند با تو سخن گویند.» ۲۲ در جواب قایل می کنند، ۲۱ ولکن ریشه ای در خود ندارد، بلکه فانی است و گفت: «کیست مادر من و برادرانم کیانند؟» ۲۳ و دست خود را هرگاه سخنی یا صدمه ای به سبب کلام بر او وارد آید، در ساعت به سوی شاگردان خود دراز کرده، گفت: «اینکند مادر من و لغتش می خورد.» ۲۴ و آنکه در میان خارها ریخته شد، آن است برادرانم. ۵۰ زیرا هر که اراده پدر مرا که در آسمان است به جا آورد، کلام را بشنوید واندیشه این جهان و غرور دولت، کلام را خفه کند و بی ثمر گردد. (aiōn g165) ۲۲ و آنکه در زمین نیکو کاشته همان برادر و خواهر و مادر من است.»

۱۳ شد، آن است که کلام را شنیده، آن را می فهمد و بارآور شده، در همان روز، عیسی از خانه بیرون آمده، به کناره دریا نشست ۲ و گروهی بسیار بر وی جمع آمدند، تقسیمی که او به کشتی سور شده، قوار گرفت و تمامی آن گروه بر ساحل ایستادند؛ ۳ و معانی بسیار به مثلاها برای ایشان گفت: «وقتی بزرگی بجهت پاشیدن تخم بیرون شد. ۴ و چون تخم می پاشید، قادری در راه افتاد و مرغان آمده، آن را خوردند. ۵ و بعضی برسنگلاخ جایی که خاک زیاد نداشت افتاده، بزودی سبز شد، چونکه زمین عمق نداشت، ۶ و چون آفتاب برمد بسوخت و چون ریشه نداشت خشکید. ۷ و بعضی در میان خارها ریخته شد و خارها نمو کرده، آن را خفه نمود. ۸ و برخی در زمین نیکو کاشته شده، بار آود، بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی. ۹ هر که گوش شنودارد بشنوید.» ۱۰ آنگاه شاگردانش آمده، به وی گفتند: «ازچه جهت با اینها به مثلاها سخن می رانی؟» ۱۱ در جواب ایشان گفت: «دانستن اسرار ملکوت آسمان به شما عطا شده است، لیکن بدیشان عطانشده، ۱۲ زیرا هر که دارد بدو داده شود و افروزی یابد. اما کسی که ندارد آنچه دارد هم از او گرفته خواهد شد. ۱۳ از این جهت با اینها به مثلاها سخن می گوییم که نگرانند و نمی بینند و شنوا هستند و نمی شنوند و نمی فهمند. ۱۴ و در حق ایشان نبوت اشعا تمام می شود که می گوید: "به سمع خواجه شنید و خواهید فهمید و نظر کرده، خواهید نگریست و خواهد دید. ۱۵ زیرا قلب این قوم سنگین شده و به گوشها به سنگینی شنیده اند و چشمان خود را بر هم نهاده اند، مبادا به چشمها بینند مثل بدیشان هیچ نگفت، ۱۶ تا تمام گردد کلامی که به زبان

نبی گفته شد: «دهان خود را به مثلاً باز می کنم و به چیزهای گفت: «نبی بی حرمت نباشد مگر در وطن و خانه خویش.» ۵۸ و مخفی شده از بین اعماق عالم تقطّع خواهم کرد.» ۳۶ آنگاه عیسیٰ به سبب بی ایمانی ایشان معجزه بسیار در آنجا ظاهر نساخت.

در آن هنگام هیروودیس تیترارخ چون شهرت عیسی را
وی آمده، **غفتند**: «**هلا**، کرکاس مزمعه را بجهت ما شرس فما.»

است، ۳۸ و مزمعه، این جهان است و تخم نیکو اینای ملکوت و می‌گردد». ۳ زیرا که هیرودیس یحیی را بخاطر هیرودیا، زن برادر کرکسها، پسران شریزند. ۳۹ و دشمنی که آنها را کاشت، ابلیس

است و موسم حصاد، عاقیت این عالم و دروندگان، فرشتگانند.

۴۰. (aiōn g165) همانطور در عاقبت این عالم خواهد شد، آتش می سوزاند، کرکاسهای را جمیع کرده، در نیست.» ۵ و وقتی که قصید قتل او کرد، از مردم ترمیم زیرا که او

g165) ۴۱ که پسر انسان ملائکه خود را فرستاده، همه لغزش را نی می دانستند. ۶ اما چون بزم میلاد هیرودیس را می آراستند، دختر هیرودیا در مجلس رقص کرده، هیرودیس را شاد نمود. ۷ از

دهنگان و بدکاران را جمع خواهند کرد، ۴۲ و ایشان را به تور این رو قسم خودرده، وعده داد که آنچه خواهد بدل بدهد. ۸ و آتش، خواهند انداخت، جایی که گردی و فشار دنдан بود. ۴۳

آنکه عادلان در ملکوت پدر خود مثل آفتاب، درخشان خواهند
در طقی به من عنایت فرمایند. ۹ آنگاه پادشاه پرینجید، لیکن

شده. هر که گوش شنوا دارد بشنوید. ۴۴ «و ملکوت آسمان گنجی بجهت پاس قسم و خاطر همتشیان خود، فرمود که بدنهای ۱۰ و را ماند، مخفی شد در زیر، که شخصی آن را یافته، بینان نموده

از ناس، مطلع شده در زمینه سیاستی از رایانه، پیچن میتوان
فرستاده، سر بحی را در زندان از تن جدا کرد، ۱۱ و سر او را در
از خوشی آن رفته، آنچه داشت فروخت و آن زمین را خرید. ۴۵

باز ملکوت آسمان تاجری را ماند که جویای مراریدهای خوب پسرش، ۴۶ و حن، یک موادی که گانهایها نافت، افت و ماملک خود پرید. ۱۲ پس شاگردانش آمده، جسد او را برداشته، به خاک

پاسه، ۶۶ و چون پی مراوید درایله یاد، رفته و مایمیت خود را فروخته، آن را خرید. ۴۷ «ایض ملکوت آسمان مثل دامی است شنید، به کشته، سواشه، از آنجا به ویانهای به خلوت رفت. و

که به دریا افکنید شود و از هر جنسی به آن درآید، ۴۸ و چون پر شیدند، به سینی مورسیده، از آنچه به ویرانی به سوی رفت. و

شود، به خاراچ کشید و بسته، حیچهار در طروف جمع گند
شدند. ۱۴ پس عیسیٰ بیرون آمده، گروهی بسیار دیده، بر ایشان
و بدھا را دور انداخت. ۴۹ بیدنپر در آخر این عالم خواهد شد.
احم فرمود و میان اینها ایشان را شفای داد. ۱۵ و در وقت عصمه،

فشنگان بیرون آمده، طالخین را از میان صالحین جدا کرده
لایون (lion) ۱۶۵

(۵۰) ایشان را در تنور انش حواهیدنداخت، جایی الان گذشته. پس این گروه رامرخص فرماتا به دهات رفه بجهت که گریه و فشار دندان می‌باشد.» ۱۵ عیسی ایشان را گفت: «آیا محمد غذاخندان.» ۱۶ عیسی ایشان را گفت: «احتساب به وقت.

همه این امور را فهمیده اید؟» گفتند: «بلی خداوند!». ۵۲ ایشان را غذا دهید. ۱۶ عیسیٰ ایشان را گفت: «اختیاج به رفته خود علاج بفرمای!»

ایشان گفت: «بنابراین، هر کاتبی که در ملکوت اسمان تعیین پنج نان و دو ماهی تداریم!» ۱۸ گفت: «آنها را اینجا به نزد من یافته است، مثل صاحب خانه‌ای است که از خزانه خوش چیزهای آورده!» ۱۹ همان حمایت فرمود تا رسیده نشسته باشد: «ننان و

نو و کنه بیرون می آورد.» ۵۳ و چون عیسیٰ این مثلها را به دو ماهی را گرفته، به سوی آسمان نگریسته، برکت داد و نان را پیورید! ۱۹ و بدان جماعت فرمود تا بر سیزده تشتنند و پنچ نان و

اعتماد رسائیت، از آن موضع روانه شد. ۵۴ و چون به وطن خویش پاره کرده، به شاگردان سپرد و شاگردان بدان جماعت. ۲۰ و همه آمد، ایشان را در کنیسه ایشان تعلیم داد، بقسمی که معجب خواسته شد.^{۵۵}

شده، گفتند: «از کجا این شخص چنین حکمت و معجزات را پسرشند و از پاره های باقی مانده دوازده سبد پرکرد».

نامی نیست؟ و برادرانش یعقوب و یوسف و شمعون و پیهود؟ ۵۶ و ۵۷ ایشان را که همچنان که
بهم رسانید؟ ۵۸ ایا آن پسر نجار نمی باشد؟ و ایا مادرش مریم مrod بودند. ۲۲ بی درنگ عیسی شاگردان خود را اصرارنمود تا به

همه خواهرانش نزد ما نمی باشند؟ پس این همه را از کجا بهم را رخصت دهد. ۲۳ وچون مردم را روانه نمود، به خلوت برای

^{۵۷} رسانید؟» و درباره او لغزش خودرند. لیکن عیسی بیدیشان

عبادت بر فراز کوهی برآمد. وقت شام در آنجا تنها بود. ۲۴ اما که فریسیان چون این سخن را شنیدند، مکروهش داشتند؟^{۱۳} او کشتنی در آن وقت در میان دریا به سبب بادمخالف که می‌وزید، به در جواب گفت: «هر نهالی که پدرآسمانی من نکاشته باشد، امواج گرفتار بود. ۲۵ و دریاس چهارم از شب، عیسی بر دریا کنده شود. ۱۴ ایشان رواگذارید، کوران راهنمایان کورانید و هرگاه خرامیده، به سوی ایشان روانه گردید. ۲۶ اما چون شاگردان، او را کور، کور را راهنمای شود، هر دو در چاه افتند. ۱۵ پطرس در بر دریا خرامان دیدند، مضطرب شده، گفتند که خیالی است؛ و از جواب او گفت: «این مثل را برای ما شرح فرما.» ۱۶ عیسی خوف فریاد برآوردند. ۲۷ امامعیسی ایشان را بی تامل خطاب کرده، گفت: «آیا شما نیز تا به حال بی ادراک هستید؟^{۱۷} یا هنوز گفت: «خاطر جمع دارید! متم ترسان مبایشید!» ۲۸ پطرس در نیاقهاید که آنچه از دهان فرو می‌رود، داخل شکم می‌گردد و در جواب او گفت: «خداآندا، اگر تو بی مرا بفرمای تا بر روی آب، نزد میز افکنیده می‌شود؟^{۱۸} لیکن آنچه از دهان برآید، از دل صادر تو آیم.» ۲۹ گفت: «بیا!» در ساعت پطرس از کشتنی فرود می‌گردد و این چیزها است که انسان را نجس می‌سازد. ۱۹ زیرا شده، بروی آب روانه شد تا نزد عیسی آید. ۲۰ لیکن چون باد را که از دل برمی آید، خیالات بد و قتلها و زناها و فسقها و دزدیها شدید دید، ترسان گشت و مشرف به غرق شده، فریاد برآورده، و شهادات دروغ و کفرها. ۲۰ اینها است که انسان را نجس گفت: «خداآندا مردیراپ.» ۲۱ عیسی درنگ دست آورده، می‌سازد، لیکن خوردن به دستهای ناشسته، انسان را نجس نمی‌را بایگرفت و گفت: «ای کمایمان، چرا شک آوردی؟» ۲۲ گرداند. ۲۱ پس عیسی از آنجا بیرون شده، به دیارصور و صیدون و چون به کشتنی سوار شدند، بادسکن گردید. ۲۳ پس اهل رفت. ۲۲ ناگاه زن کنعتیهای از آن حدوود بیرون آمد، فریاد کنان کشتنی آمده، او را پیشتر کرده، گفتند: «فی الحقيقة تو پسر خدا وی را گفت: «خداآندا، پسر دادا، بر من رحم کن زیرا دختر من هستی!» ۲۴ آنگاه عبور کرده، به زمین جنیسه آمدند، ۲۵ و اهل سخت دیوانه است. ۲۳ لیکن هیچ جوابش نداد تا شاگردان او آن موضع او را شناخته، به همگی آن نواحی فرستاده، همه بیماران پیش آمده، خواهش نمودند که «او را مرضخ فرمای زیرا در عقب را نزد او آوردند، ۲۶ و از او اجازت خواستند که محض دامن ما شورش می‌کند.» ۲۴ او در جواب گفت: «فرستاده نشده‌ام رداش را لمس کنند و هر که لمس کرد، صحت کامل یافت.» ۲۵ پس آن زن آمده، او را پیشتر کرده، گفت: «خداآندا مرا باری کن.» ۲۶ در ۱۵ آنگاه کاتیان و فریسیان اورشیلم نزد عیسی آمده، گفتند: ^۲ جواب گفت که «نان فرزندان را گرفتن و نزد سگان انداختن چون است که شاگردان تو از تقلید مشایخ تجاوز می‌نمایند، زیرا هرگاه نان می‌خورند دست خود رانمی شویند؟» ^۳ او در جواب ایشان گفت: «شمانیز به تقلید خویش، از حکم خدا چرا تجاوزمی کنید؟ ^۴ زیرا خدا حکم داده است که مادر و پدر خود را حرمت خواهش تو بشود.» که در همان ساعت، دخترش شفا یافت. ۲۹ دار و هر که پدر یا مادر را دشنام دهد البه هلاک گردد. ^۵ لیکن عیسی از آنجا حرکت کرده، به کناره دریای جلیل آمد و برفراز کوه شمامی گویید هر که پدر یا مادر خود را گوید آنچه ازمن به تو نفع برآمده، آنچا بنشست. ۳۰ و گروهی بسیار، لنگان و کوران و رسد هدیه‌ای است، ^۶ و پدر یا مادر خود را بعد از آن احترام نمی‌گیگان و شلان و جمعی از دیگران را با خود برداشته، نزد او آمدند و نماید. پس به تقلید خود، حکم خدا را باطل نموده‌اید. ^۷ ای ایشان را بر پایهای عیسی افکنند و ایشان را شفا داد، ^{۲۱} بقسمی ریاکاران، اشیاء در باره شما نیکو نبوت نموده است که گفت: که آن جماعت، چون گیگان را گویا و شلان را تندرست و لنگان ^۸ این قوم به زیانهای خود به من تقریب می‌جویند و به لبای خویش مرا تمجیدمی نمایند، لیکن دلشان از من دور است. ^۹ پس عبادت مرا عبث می‌کنند زیرا که احکام مردم را بمنزله فرایض تعییم می‌دهند.» ۱۰ و آن جماعت دل بسوخت زیرا که الحال سه روز است که ^{۱۱} گوش داده، بفهمید؛ ^{۱۱} نه آنچه به دهان فرومی رود انسان را ایشان را گرسنه برگردانم مبادا در راه ضعف کنند.» ^{۳۳} شاگردانش نجس می‌سازد بلکه آنچه از دهان بیرون می‌آید انسان را نجس به او گفتند: «از کجا در بیان ما را آنقدر نان باشد که چنین می‌گرداند.» ^{۱۲} آنگاه شاگردان وی آمده، گفتند: «آیا می‌دانی آنبو را سیر کنند؟» ^{۱۳} عیسی ایشان را گفت: «چند نان دارید؟»

گفتند: «هفت نان و قدری از ماهیان کوچک.» ۳۵ پس مردم را ۱۹ وکلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ آنچه بر فرمود تا بزمین بنشینند. ۲۶ و آن هفت نان و ماهیان را گرفته، زمین بیندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در شکر نمود و پاره کرده، به شاگردان خود داد و شاگردان به آن آسمان گشاده شود. ۲۰ آنگاه شاگردان خود را قدغن فرمود که به جماعت. ۳۷ و همه خورده، سیرشدند و از خرده های باقیمانده هیچ کس نگویند که او مسیح است. و از آن زمان عیسی به هفت زنبل پربرداشتند. ۳۸ و خورندگان، سوای زنان و اطفال شاگردان خود خبرداردن آغاز کرد که رفتن او به اورشلیم و زحمت چهار هوار مرد بودند. ۳۹ پس آن گروه را رخصت داد و به کشتنی بسیار کشیدن از مشایخ و روسای کهنه و کاتبان و کشته شدن و در سوار شده، به حمله مجذل آمد.

۱۶ آنگاه فریسان و صدوقیان نزد او آمده، از روی امتحان از هرگز واقع نخواهد شد!» ۲۳ اما اوپرگشته، پطرس را گفت: «دور وی خواستند که آبی آسمانی برای ایشان ظاهر سازد. ۲ ایشان شو از من ای شیطان زیرا که باعث لغوش من می‌باشی، زیرا نه راجحاب داد که «در وقت عصر می‌گویند هوا خوش خواهد بود زیرا آسمان سرخ است؛ ۳ و صحبتگاهان می‌گویند امروز هوا بد خواهد شدزیرا که آسمان سرخ و گرفته است. ای ریاکاران می‌دانید صورت آسمان را تمیز دهید، اماعلامات زمانها را نمی‌توانید! ۴ فقه شریز زناکار، آبی می‌طلبند و آبی بدیشان عطا نخواهد شدجر آبی یونس نبی.» پس ایشان را رها کرده، روانه شد. ۵ و شاگردانش چون بدان طرف می‌رفتند، فراموش کردند که نان بردارند. ۶ عیسی اینکه آدمی چه چیز را فدای جان خود خواهد ساخت؟ ۷ زیرا که ایشان را گفت: «آگاه باشید که از خمیرمایه فریسان و صدوقیان احتیاط کنید!» ۷ پس ایشان در خود تفکر نموده، گفتند: «از آن است که نان بزنداشته ایم.» ۸ عیسی این را درک نموده، بدیشان گفت: «ای سست ایمانان، چرا در خود تفکر کنید از نبینند که در ملکوت خود می‌آید، ذاته موت را نخواهند چشید.» آنجهت که نان نیاورده اید؟ ۹ آیا هنوز نفهمیده و یاد نیاورده اید آن پیچ نان و پینچ هزار نفر و چند سیدی را که برداشید؟ ۱۰ و نه آن ۱۷ و بعد از شش روز، عیسی، پطرس و یعقوب و برادرش هفت نان و چهار هزار نفر و چند زنبلی را که برداشید؟ ۱۱ بوحنا را برداشته، ایشان را در خلوت به کوهی بلند برد. ۲ و پس چرا نفهمیدید که درباره نان شما را نگفتم که از خمیرمایه در نظر ایشان هیات او متبدل گشت و چهره‌اش چون خورشید، فریسان و صدوقیان احتیاط کنید؟ ۱۲ آنگاه دریافتند که نه از درخشند و جامه‌اش چون نور، سفیدگرید. ۳ که ناگاه موسی و خمیرمایه نان بلکه از تعلیم فریسان و صدوقیان حکم به احتیاط الیاس بر ایشان ظاهر شده، با او گفتگو می‌کردند. ۴ اما پطرس به فرموده است. ۱۳ و هنگامی که عیسی به نواحی قیصریه فیلیپ عیسی متوجه شده، گفت که «خداؤندا، بودن ما در اینجا نیکو آمد، از شاگردان خود پرسیده، گفت: «مردم را که پسر انسان است! اگر بخواهی، سه سایان در اینجا بسازیم، یکی برای تو و چه شخص می‌گویند؟» ۱۴ گفتند: «بعضی بحی تعمیددهند و یکی بجهت موسی و دیگری برای الیاس.» ۵ و هنوز سخن بر بعضی الیاس و بعضی ارمیا یا یکی از انبیا. ۱۵ ایشان را گفت: زیانش بود که ناگاه ابری درخشند و ایشان سایه افکند و اینک «شما را که می‌دانید؟» ۱۶ شمعون پطرس در جواب گفت که آوازی از ابر دررسید که «این است پسر حبیب من که از وی توبی مسیح، پسر خدای زنده!» ۱۷ عیسی در جواب وی گفت: خشنودم. او را بشنوید!» ۶ و چون شاگردان این را شنیدند، به روی «خوشحال توابی شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو درافتاده، بیهایت ترسان شدند. ۷ عیسی نزدیک آمده، ایشان را کشف نکرده، بلکه پدر من که درآسمان است. ۱۸ و من نیز لمس نمود و گفت: «برخیزید و ترسان مباشید!» ۸ و چشممان تو را می‌گوییم که تویی پطرس و بر این صخره کلیساخی خود را خود را گشوده، هیچ کس راجز عیسی تنها نمی‌داندند. ۹ و چون بنا می‌کنم و ابواب جهنم بر آن استیلا نخواهد یافت. **(Hadēs)** ایشان از کوه به زیر می‌آمدند، عیسی ایشان را قدغن فرمود که

«تاپسر انسان از مردگان بزنخیزد، زنها را به کسی باز طلب نموده، در میان ایشان بریا داشت ۳ و گفت: «هرآینه به نگویید.» ۱۰ شاگردانش از او پرسیده، گفتند: «پس کاتبان چرا شما می‌گوییم تا بازگشت نکنید و مثل طفل کوچک نشوید، هرگر می‌گویند که می‌باشدی ایشان اول آید؟» ۱۱ او در جواب گفت: داخل ملکوت آسمان نخواهد شد. ۴ پس هر که مثل این بجهه «البته ایشان می‌آید و تمام چیزها را اصلاح خواهدنمود. ۱۲ لیکن کوچک خود را فروتن سازد، همان در ملکوت آسمان بزرگ است. به شما می‌گوییم که الحال ایشان آمده است و او را نشناختند بلکه ۵ و کسی که چنین طفلی را به اسم من قبول کند، مرا پذیرفته آنچه خواستندبا وی کردند؛ به همانطور پسر انسان نیز از ایشان است. ۶ و هر که یکی از این صغیر را که به من ایمان دارند، زحمت خواهد دید. ۱۳ آنگاه شاگردان دریافتند که دریاره یعنی لعرش دهد او را بهتر می‌بود که سنگ آسیایی بر گردش آورخته، تعییددهنده بدیشان سخن می‌گفت. ۱۴ و چون به نزد جماعت در قعر دریا غرق می‌شد! ۷ وای بر این جهان پهسب لغرشها؛ رسیدند، شخصی پیش آمد، نزد وی زانو زده، عرض کرد: ۱۵ زیرا که لا بد است از وقوع لغرشها، لیکن وای بر کسی که سبب «خداؤندا، بر پسر من رحم کن زیرا مصروع و به شدت متالم لغوش باشد. ۸ پس اگر دستت یا پایت تو را بیلغاند، آن را قطع است، چنانکه بارها در آتش و مکرر در آب می‌افتد. ۹ و او را کرده، از خود دور انداز زیرا تورا بهتر است که لنگ یا شل داخل نزد شاگردان تو آوردم، نتوانستند او را شفا دهند.» ۱۷ عیسی در حیات شوی از اینکه با دو دست یا دو پا در نار جاودانی افکنده جواب گفت: «ای فرقه بی ایمان کج رفار، تا به کی با شمایشیم شوی. (aiōnios g166) ۹ و اگر چشمت تو را لغوش دهد، آن و تا چند متحمل شما کردم؟ او را نزد من آورید.» ۱۸ پس عیسی را قلع کرده، از خود دور انداز زیرا تو را بهتر است بایک چشم او را نهیب داده، دیور ازوی بیرون شد و در ساعت، آن پسر شفای وارد حیات شوی، از اینکه با دو چشم در آتش جهنم افکنده یافت. ۱۹ اما شاگردان نزد عیسی آمده، در خلوت از اوپریتند: شوی. (Geenna g1067) ۱۰ زنها را کی از این صغیر را حقیر «چرا ما نتوانستیم او را بیرون کنیم؟ ۲۰ عیسی ایشان را گفت: مشمارید، زیرا شما را می‌گوییم که ملانکه ایشان دائم درآسمان «بسیب بی ایمانی شما. زیرا هرآینه به شما می‌گوییم، اگر ایمان به روی پدر مرا که در آسمان است می‌بینند. ۱۱ زیرا که پسر انسان قدر دانه خردلی می‌داشتند، بدین کوه می‌گفتند از اینجاد بانجا آمده است تا گم شده رانجات بخشد. ۱۲ شما چه گمان می‌برید، منتقل شو، البته منتقل می‌شد و هیچ امری بر شما محال نمی‌اكگرکسی را صد گوسفند باشد و یکی از آنها گم شود، آیا آن نود بود. ۲۱ لیکن این جنس جز به دعا و روزه بیرون نمی‌رود.» و نه را به کوهسار نمی‌گذارد و به جستجوی آن گم شده نمی‌شود و چون ایشان در جلیل می‌گشتد، عیسی بدیشان گفت: رود؟ ۱۲ و اگر اتفاق آن را دریابد، هرآینه به شما می‌گوییم بر آن «پسر انسان بدست مردم تسليم کرده خواهد شد، ۲۳ و او را یکی بیشتر شادی می‌کند از آن نود و نه که گم نشده‌اند. ۱۴ خواهند کشت و درروز سوم خواهد برخاست.» پس بسیار محزون همچنین اراده پدر شما که در آسمان است این نیست که یکی از شدند. ۲۴ و چون ایشان وارد کفرناحوم شدند، محصلان دو این کوچکان هلاک گردد. ۱۵ «و اگر برادرت به تو گناه کرده درهم نزد پطرس آمده، گفتند: «ایا سたاد شما دو درهم را نمی‌باشد، برو و او میان خود و او در خلوت الزام کن. هرگاه سخن دهد؟» ۲۵ گفت: «بلی.» و چون به خانه درآمده، عیسی بر او تو را گوش گرفت، برادر خود را دریافتی؛ ۱۶ و اگر نشنود، یک یا سبقت نموده، گفت: «ای شمعون، چه گمان داری؟ پادشاهان دو نفر دیگر با خود بردار تالار زیان دو سه شاهد، هر سخنی جهان از چه کسان عشر و جزیه می‌گیرند؟ از فرزندان خویش یا از ثابت شود. ۱۷ واگر سخن ایشان را رد کنند، به کلیسا بگو. و بیگانگان؟» ۲۶ پطرس به وی گفت: «از بیگانگان.» عیسی اگرکلیسا را قبول نکنند، در نزد تو مثل خارجی یا باجگیر باشد. ۱۸ بدو گفت: «پس یقین پسران آزادند! ۲۷ لیکن مبادا که ایشان را هرآینه به شما می‌گوییم آنچه بزمین بندید، در آسمان بسته شده بزنجاییم، به کناره دریا رفته، قلابی بینداز و اول ماهی که بیرون باشد و آنچه بزمین گشايد، در آسمان گشوده شده باشد. ۱۹ می‌آید، گرفته و دهانش را باز کرده، مبلغ چهار درهم خواهی یافت. باز به شما می‌گوییم هر گاه دو نفر از شما در زمین دریاره هرچه که آن را برداشته، برای من و خود بدیشان بده!»

۱۸ در همان ساعت، شاگردان نزد عیسی آمده، گفتند: «چه کس در ملکوت آسمان بزرگتر است؟» ۲ آنگاه عیسی طفلی اسم من جمع شوند، آنجا درمیان ایشان حاضرم.» ۲۱ آنگاه پطرس نزد او آمده، گفت: «خداؤندا، چند مرتبه برادرم به من

خطا ورزد، می باید او را آمرزید؟ آیا تا هفت مرتبه؟» ۲۲ عیسی بدو بغیر علت زناطلاق دهد و دیگری را نکاح کند، زانی است و گفت: «تو را نمی گوییم تا هفت مرتبه، بلکه تا هفتاد هفت مرتبه! هر که زن مطلعه ای را نکاح کند، زنا کند.» ۱۰ شاگردانش بدو ۲۳ از آنجهت ملکوت آسمان پادشاهی راماند که با غلامان خود گفتند: «اگر حکم شوهر بازن چنین باشد، نکاح نکردن بهتر اراده محاسبه داشت. ۲۴ و چون شروع به حساب نمود، شخصی است!» ۱۱ ایشان را گفت: «تمامی خلق این کلام را نمی را نزد او آوردهند که ده هزار قسطار به او بدھکار بود. ۲۵ و چون چیزی پذیرند، مگر به کسانی که عطا شده است. ۱۲ زیرا که خصی ها نداشت که ادا نماید، آقایش امر کرد که او را زن و فرزندان و می باشند که از شکم مادر چنین متولد شدند و خصی ها هستند که تمام مایملک اوفروخته، طلب را صول کنند. ۲۶ پس آن غلام از مردم شخصی شده اند و خصی ها می باشند که بجهت ملکوت رویه زمین نهاده او را پرستش نمود و گفت: «ای آقاما مهلت ده تا خدا خود را شخصی نموده اند. آنکه تو ایشان قبول دارد پذیرد.» ۱۳ همه را به تو ادا کم.» ۲۷ آنگاه آقای آن غلام بر وی ترحم آنگاه چند بچه کوچک را نزد او آورده تادستهای خود را بر ایشان نموده، او را هرا کرد و قوض او را بخشدید. ۲۸ لیکن چون آن غلام نهاده، دعا کند. اما شاگردان، ایشان را نهیب دادند. ۱۴ عیسی بیرون رفت، یکی از همقطاران خود را یافت که از او صدیقار گفت: «بچه های کوچک را بگذارید و از آمدن نزد من، ایشان طلب داشت. او را بگفت و گلوپیش رافشده، گفت: «طلب را منع مکنید، زیرا ملکوت آسمان از مثل اینها است.» ۱۵ و مرا ادا کن!» ۲۹ پس آن همقطار بر پایهای او افتاده، التمس دستهای خود را بر ایشان گذارده از آن جا روانه شد. ۱۶ ناگاه نموده، گفت: «مرا مهلت ده تا همه را به تو رد کنم.» ۳۰ شخصی آمده، وی را گفت: «ای استادنیکو، چه عمل نیکو کنم اما اوقیول نکرد بلکه رفته، او را در زیدان انداخت تا قرض را ادا تا حیات جاودانی یابم؟» (aiōnios g166) ۱۷ وی را گفت: ۳۱ چون همقطاران وی این واقعی را دیدند، بسیار غمگین «از چه سبب مرا نیکو گفتی و حال آنکه کسی نیکو نیست، شده، رفتند و آنچه شده بود به آقای خود بازگفتند. ۳۲ آنگاه جز خدا فقط. لیکن اگر بخواهی داخل حیات شوی، احکام را مولایش او راطبیده، گفت: «ای غلام شیر، آیا تمام آن قرض را نگاه دار.» ۱۸ بدو گفت: «کدام احکام؟» عیسی گفت: «قتل محض خواهش تو به تو نبخشیدم؟» ۳۳ پس آیا تو را نیز لازم نبود مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، و پدر و که بر همقطار خود رحم کنی چنانکه من بر تو رسم کدم؟» ۳۴ مادر خود را حرمت دار و همسایه خود را مثل نفس خود دوست پس مولای او درغضب شده، او را به جلادان سپرد تا تمام قرض دار.» ۲۰ جوان وی را گفت: «همه اینها را از طفولیت نگاه را بدهد. ۳۵ به همینطور پدر آسمانی من نیز با شاعمل خواهد داشتم. دیگر مرا چه ناقص است؟» ۲۱ عیسی بدو گفت: «اگر نمود، اگر هر یکی از شما برادر خودرا از دل نبخشد.»

۱۹ و چون عیسی این سخنان را به اتمام رسانید، از جلیل چون جوان این سخن را شنید، دل تنگ شده، برفت زیرا که مال روانه شده، به حدودیهودیه از آن طرف اردن آمد. ۲ و گروهی بسیار از عقب او آمدند و ایشان را در آنجا شفا بخشدید. ۳ پس شما می گوییم که شخص دولتمند به ملکوت آسمان به دشواری فریسیان آمدند تا او را امتحان کنند و گفتند: «آیا جایز است مرد، داخل می شود. ۲۴ و باز شمارا می گوییم که گذشتمن شتر از سوراخ سوزن، آسانتر است از دخول شخص دولتمند در ملکوت خدا.» ۲۵ شاگردان چون شنیدند، بغاایت متوجه گشته، گفتند: «پس که می توانند نجات یابد؟» ۲۶ عیسی متوجه ایشان شده، گفت: «ندانسان این محل است لیکن نزد خدا همه چیز ممکن است.» آنگاه پطرس در جواب گفت: «اینک ما همه چیزها را ترک نسازد.» ۷ به وی گفتند: «پس از بهجه موسی امر فرمود که زن را کرده، تو را متابعت می کنیم. پس ما را چه خواهد بود؟» ۲۸ طلاق نمانه دهد و جدا کنند؟» ۸ ایشان را گفت: «موسی به سبب عیسی ایشان را گفت: «هر آینه به شما می گوییم شما که مرا سنتگلی شما، شما را اجازت داد که زنان خود را طلاق دهید. متابعت نموده اید، در معاد وقتی که پسر انسان بر کرسی جلال لیکن از ابتدا چنین نبود. ۹ و به شما می گوییم هر که زن خود را خود نشیند، شما نیز به دوازده کرسی نشسته، بر دوازده سبط

اسرائيل داوری خواهید نمود. ۲۹ و هر که بخاطر اسم من، خانه «چه خواهش داری؟» گفت: «بفرما تا این دو پسر من در ملکوت هایا برادران یا خواهان یا پدر یا مادر یا زن یافزندان یا زمینها تو، یکی بر دست راست و دیگری بر دست چپ تو بنشینند.» را ترک کرد، صد چندان خواهد یافت و وارت حیات جاودانی ۲۲ عیسی در جواب گفت: «نمی دانید چه می خواهید. آیا خواهد گشت. ۳۰ لیکن بسا اولین که آخرین می توانید از آن کاسه ای که من می نوشم، بنوشید و تعییدی را می گردند و آخرین، اولین!»

۲۰ «زیرا ملکوت آسمان صاحب خانه ای را ماند که بامدادان بیرون رفت تا عمله بجهت تاکستان خود به مرد بگیرد. ۲ پس با عمله، روزی یک دینار قرار داده، ایشان را به تاکستان خود فرستاد. ۳ و قریب به ساعت سوم بیرون رفته، بعضی دیگر را در بازار بیکار ایستاده دید. ۴ ایشان را نیز گفت: «شما هم به تاکستان بروید و آنچه حق شما است به شما می دهم.» پس رفندت. ۵ باز قریب به ساعت ششم و نهم رفته، همچینی کرد. ۶ و قریب به ساعت یازدهم رفته، چند نفر دیگر بیکار ایستاده یافت. ایشان را گفت: «از بهره چه تمایی روز در اینجا بیکار ایستاده اید؟» ۷ گفتندش: «هیچ کس ما را به مزد نگرفت.» بدیشان گفت: «شما خود رادر راه بسیاری فدا سازد.» ۲۹ و هنگامی که از اریحا بیرون نیز به تاکستان بروید و حق خویش را خواهید یافت.» ۸ و چون می رفندت، گروهی بسیار از عقب او می آمدند. ۳۰ که ناگاه دومرد وقت شام رسید، صاحب تاکستان به ناظر خود گفت: «مزدوران را طلبیده، از آخرین گرفته تا اولین مزد ایشان را ادا کن.» ۹ پس یازده ساعتیان آمده، هر نفری دیناری یافتند. ۱۰ و اولین آمده، گمان برند که بیشتر خواهد یافت. ولی ایشان نیز هر نفری دیناری یافتند. ۱۱ اما چون گرفتند، به صاحب خانه شکایت نموده، ۱۲ گفتند که «این آخرین، یک ساعت کار کردند و ایشان را با ما که متحمل سختی و حرارت روز گردیده ایم مساوی ساخته ای؟» ۱۳ او در جواب یکی از ایشان گفت: «ای رفیق بر تو ظلمی نکردم. مگر به دیناری با من قرار ندادی؟ ۱۴ حق خود را گرفته برو.

۲۱ می خواهیم بدين آخری مثل تو دهم. ۱۵ آیا مرا جایز نیست که از ۱۶ پنایرین اولین آخرین و آخرین اولین خواهند بکنم؟ مگر چشم توبد است از آن رو که زیعون شدند. آنگاه عیسی دو نفر از شاگردان خود را فرستاد، ۲ شد، زیراخوانده شدگان بسیارند و برگزیدگان کم.» ۱۷ و چون در حال، الاغی با کرواش بسته خواهید یافت. آنها را باز کرده، عیسی به اورشلیم رسید، دواره شاگرد خود را در اثنای راه به نزد من آوردی. ۱۸ و هرگاه کسی به شما سخنی گوید، بگویید خلوت طلبیده بدیشان گفت: «اینک به سوی اورشلیم می رویم خداوند بینها احتیاج دارد که فی الفور آنها را خواهد فرستاد.» ۴ و پسر انسان به روسای کهنه و کاتبان تسليم کرده خواهد شد و این همه واقع شد تا سخنی که نبی گفته است تمام شود ۵ که حکم قتل او را خواهد داد، ۱۹ و او را به امت ها خواهد سپرد تا «دختر صهیون را گویند اینک پادشاه تو نزد تو می آید با فروتنی و او را سلطها کنید و تازیانه زند و مصلوب نمایند و در روز سوم خواهد سواره بر حمار و بر کوه الاغ.» ۶ پس شاگردان رفته، آنچه عیسی برخاست. ۲۰ آنگاه مادر دو پسر زیبدی با پسران خود نزدی بدبیشان امر فرمود، بعمل آوردن ۷ و الاغ را با کوه آورده، رخت آمده و پرستش نموده، از او چیزی درخواست کرد. ۲۱ بدرو گفت: خود را بر آنها انداختند و او بر آنها سوار شد. ۸ و گروهی بسیار،

رختهای خود را در راه گسترانیدند و جمیع از درختان شاخه‌ها عیسی گفتند: «نمی دانیم». بدیشان گفت: «من هم شما را برپیده، در راه می گستردند. ۹ و جمیع از پیش و پس او رفته، نمی گوییم که به چه قدرت این کارها را می کنم. ۲۸ لیکن چه فریاد کنان می گفتند: «هوشیاعانا پسر دادو، مبارک باد کسی که به گمان دارید؟ شخصی را دو پسربود. نزد نخستین آمده، گفت: اسم خداوند می آید! هوشیاعانا در اعلیٰ علیم!» ۱۰ و چون وارد «ای فرزند امروز به تاکستان من رفته، به کار مشغول شو.» ۲۹ اورشليم شد، تمام شهر به آشوب آمده، می گفتند: «این کیست؟» در جواب گفت: «نخواهم رفت.» اما بعد پشیمان گشته، برفت. آن گروه گفتند: «این است عیسی نبی از ناصره جلیل.» ۱۲ ۳۰ و به دومین نیز همچنین گفت. اور جواب گفت: «ای آقا پس عیسی داخل هیکل خدا گشته، جمیع کسانی را که در من می روم.» ولی نرفت. ۲۱ کدامیک از این دو خواهش پدر را هیکل خرد و فروش می کردند، بیرون نمود و تختهای صرافان و به جا آورد؟» گفتند: «اوی!» عیسی بدیشان گفت: «هرآینه به کرسیهای کبوترفروشان را واژگون ساخت. ۱۳ و ایشان را گفت: شما می گوییم که با جگیران و فاحشه ها قابل از شما داخل ملکوت «مکتوب است که خانه من خانه دعا نماید می شود. لیکن شما خدا می گردند، ۲۲ زانو که بیحیی از راه عدالت نزد شما آمد و بدو مغاره زدن اش ساخته اید.» ۱۴ و کوران و شلان در هیکل، نزد او ایمان نیاوردید، اما با جگیران و فاحشه ها بدوا ایمان آوردند و شما آمدند و ایشان را شفا بخشید. ۱۵ اما روسای کنه و کاتبان چون چون دیدند آخر هم پشیمان نشیدند تا بدو ایمان آورید. ۲۳ و عجایی که از او صادر می گشت و کودکان را که در هیکل فریاد مثلی دیگر بشنوید: صاحب خانه ای بود که تاکستانی غرس نموده، برآورده، «هوشیاعانا پسر دادو» می گفتندیدند، غضبنا گشته، خطیره ای گردش کشید و چرخشی در آن کند و برجی بنا نمود. ۱۶ به وی گفتند: «نمی شنوی آنچه اینها می گویند؟» عیسی پس آن را به دهقانان سپرده، عازم سفر شد. ۳۴ و چون موسم میوه بدیشان گفت: «بلي مگر نخوانده اید این که از دهان کودکان و نزدیک شد، غلامان خود را نزد دهقانان فرستاد تا میوه های او را شیرخوارگان حمد را مهیا ساختی؟» ۱۷ پس ایشان را واگذاره، از بردازند. ۳۵ اماده هقانان غلامانش را گرفته، بعضی را زند و بعضی شهر بسوی بیت عنیارت، در آنجا شب را بسر برد. ۱۸ بامدادان را کشند و بعضی را سنتگسار نمودند. ۲۶ باز غلامان دیگر، چون به شهر مراجعت می کرد، گرسنه شد. ۱۹ و در کناره راه یک بیشتر از او لین فرستاده، بدیشان نیز به همانطور سلوک نمودند. ۳۷ درخت انجیر دیده، نزد آن آمد و جز بیک بر آن هیچ نیافت. پس بالآخره پسر خود را نزد ایشان فرستاده، گفت: «پسر ما حرمت آن را گفت: «از این به بعد میوه تا به ابد بر تونشود!» که در خواهند داشت.» ۳۸ اما دهقانان چون پسر را دیدند با خود گفتند: ساعت درخت انجیر خشکید! (aiōn g 165) ۲۰ چون شاگردان «این وارت است. بیاید اورا بکشیم و میراث را ببریم.» ۲۹ آنگاه این را دیدند، متعجب شده، گفتند: «چه بسیار زود درخت انجیر او را گرفته، بیرون تاکستان افکنیده، گشتند. ۴۰ پس چون مالک خشک شده است!» ۲۱ عیسی در جواب ایشان گفت: «هرآینه تاکستان آید، به آن دهقانان چه خواهد کرد؟» ۴۱ گفتند: «البته به شما می گوییم اگر ایمان می داشتید و شک نمی نمودید، نه آن بد کاران را به سختی هلاک خواهد کرد و باغ را به باغانان همین را که به درخت انجیر شدمی کردید، بلکه هر گاه بدین دیگرخواهد سپرد که میوه هایش را در موسم بدودهند.» ۴۲ عیسی کوه می گفتند: «متقل شده به دریا افکنده شو» چنین می شد. ۲۲ بدیشان گفت: «مگر در کتب هرگز نخوانده اید این که سنگی را و هر آنچه با ایمان به دعا طلب کنید، خواهد یافت.» ۲۳ و چون که معمارانش ردمودند، همان سر زاویه شده است. این از جانب به هیکل درآمده، تعلیم می داد، روسای کنه و مشایخ قوم نزد او خداوند آمد و در نظر ما عجیب است. ۴۳ از این جهت شما را آمد، گفتند: «به چه قدرت این اعمال را می نمایی و کیست که می گوییم که ملکوت خدا از شما گرفته شده، به امی که میوه اش را این قدرت را به تو داده است؟» ۴۴ عیسی در جواب ایشان بیاورند، عطا خواهد شد. ۴۴ و هر که بر آن سنگ افتد، منکرسنود گفت: «من نیز از شما سخنی می پرسم. اگرآن را به من گویید، و اگر آن بر کسی افتد، نرمش سازد.» ۴۵ و چون روسای کنه و من هم به شما گوییم که این اعمال را به چه قدرت می نماییم: فریسان مثلهایش راشنیدند، دریافتند که درباره ایشان می گوید. ۴۶ تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان یا از انسان؟ ایشان با وچون خواستند او را گرفتار کنند، از مردم ترسیدند زیرا که او را نبی خود تفکر کرده، گفتند که «اگر گوییم از آسمان بود، هرآینه گوید می دانستند. پس چرا به وی ایمان نیاوردید. ۴۶ و اگر گوییم از انسان بود، از مردم می ترسیم زیرا همه یحیی را نبی می دانند.» ۴۷ پس در جواب

۲۲ و عیسی توجه نموده، باز به مثلها ایشان را خطاب کرده، زن را به برادر خود ترک کرد. ۲۶ و همچنین دومین و سومین تا گفت: ۲ «ملکوت آسمان پادشاهی را ماند که برای پسر خویش هفتمین، ۲۷ و آخر از همه آن زن نیز مرد. ۲۸ پس او در قیامت، عروسی کرد. ۳ و غلامان خود را فرستاد تا دعوت شدگان را به زن کدامیک از آن هفت خواهد بود زیرا که همه او را داشتند؟» عروسی بخوانند و نخواستند بیایند. ۴ باز غلامان دیگر روانه ۲۹ عیسی در جواب ایشان گفت: «گمراه هستید از این رو که نموده، فرمود: «دعوت شدگان را بگویید که اینک خوان خود را کتاب و قوت خدا رادر نباfteاید، ۳۰ زیرا که در قیامت، نه نکاح حاضر ساخته‌ام و گاوan و پرواریهای من کشته شده و همه چیز می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند بلکه مثل ملانکه خدا در آسمان آمده است، به عروسی بیایید.» ۵ ولی ایشان بی‌اعتنای نموده، می‌باشد. ۳۱ اما درباره قیامت مردگان، آیا نخوانده‌اید کلامی را راه خود را گرفتند، یکی به مزععه خود و دیگری به تجارت خویش که خدا به شما گفته است، ۳۲ من هستم خدای ابراهیم و رفت. ۶ و دیگران غلامان او را گرفته، دشمن داده، کشتند. ۷ خدای اسحاق و خدای یعقوب؟ خدا، خدای مردگان نیست بلکه پادشاه چون شنید، غضب نموده، لشکریان خود را فرستاده، آن خدای زندگان است.» ۳۳ و آن گروه چون شنیدند، از تعیلم وی قاتلان را به قتل رسانید و شهر ایشان را بساخت. ۸ آنگاه غلامان متوجه شدند. اما چون فریسان شنیدند که صدو قوان را مجاب خود را فرمود: «عروسی حاضر است؛ لیکن دعوت شدگان لیاقت نموده است، با هم جمع شدند. ۳۵ و یکی از ایشان که فقیه نداشتند. ۹ الان به شوارع عامه بروید و هر که را بیایید به عروسی بود، از وی به طریق امتحان سوال کرده، گفت: «ای استاد، بطليپید.» ۱۰ پس آن غلامان به سر راهها رفته، نیک و بد هر که را کدام حکم در شریعت بزرگتر است؟» ۳۷ عیسی وی را گفت: یافتند جمع کردند، چنانکه خانه عروسی از مجلسیان مملو گشت. «اینکه خداوند خدای خود را به همه دل و تمامی نفس و تمامی آنگاه پادشاه بجهت دیدن اهل مجلس داخل شده، شخصی را فکر خود محبت نماید. ۳۸ این است حکم اول و اعظم. ۴۰ و دوم در آنجا دید که جامه عروسی در بر ندارد. ۱۲ بدوقفت: «ای عزیز مثل آن است یعنی همسایه خود را مثل خود محبت نماید. ۴۱ چطور در اینجا آمدی و حال آنکه جامه عروسی در بر نداری؟» بدین دو حکم، تمام تورات و صحف اینیا متعلق است.» ۴۲ او خاموش شد. ۱۳ آنگاه پادشاه خادمان خود را فرمود: «این چون فریسان جمع بودند، عیسی از ایشان پرسیده، ۴۲ گفت: شخص را دست و پا بسته بردارید و در ظلمت خارجی اندازید، «درباره مسیح چه گمان می‌برید؟ او پسر کیست؟» بدلو گفتند: جایی که گریه و فشار دندان باشد. ۱۴ زیرا طلبیدگان بسیارند و «پسر داد». ۴۳ ایشان را گفت: «پس چطور داد در روح، او برگردان گردان.» ۱۵ پس فریسان رفته، شورا نمودند که چطور او را خداوند می‌خوانند؟ چنانکه می‌گوید: «۴۴ «خداوندیه خداوند من در گفتگو گرفتار سازند. ۱۶ و شاگردان خودرا با همرویدیان نزد وی گفت، بدست راست من بنشین تادشمنان تو را پای انداز تو فرستاده، گفتند: «استادامی دانیم که صادق هستی و طریق خدا را سازم.» ۴۵ پس هرگاه داد و بر خداوند می‌خواند، چگونه پرسش به راستی تعیلم می‌نمایی و از کسی باک نداری زیرا که به ظاهر می‌باشد؟» ۴۶ و هیچ‌کس قدرت جواب وی هرگز نداشت و نه خلق نمی‌نگری. ۱۷ پس به ما بگو رای تو چیست. آیا جویه کسی از آن روز دیگر جرات سوال کردن از او نمود.

دادن به قیصر رواست یا نه؟» ۱۸ عیسی شارت ایشان را درک ۲۳ آنگاه عیسی آن جماعت و شاگردان خود را خطاب کرده، گفت: «ای ریاکاران، چرا مرا تجربه می‌کنید؟» ۱۹ سکه کرده، ۲ گفت: «کاتبان و فریسان بر کرسی موسی نشسته‌اند. ۳ جزیه را به من بنمایید.» ایشان دیباری نزد وی آورده‌اند. ۲۰ بدیشان پس آنچه به شما گویند، نگاه دارید و به جا آورید، لیکن مثل گفت: «این صورت و رقم از آن کیست؟» ۲۱ بدلو گفتند: «از اعمال ایشان مکنید زیرا می‌گویند ونمی کنند. ۴ زیرا بارهای گران آن قیصر.» بدیشان گفت: «مال قیصر را به قیصر ادا کنید و مال و دشوار رامی بندند و بر دوش مردم می‌نهند و خودنمی خواهند خدا را بخدا!» ۲۲ چون ایشان شنیدند، متعجب شدند او را آنها را به یک انگشت حرکت دهنده. ۵ و همه کارهای خود را واگذارده، برفتند. ۲۳ و در همان روز، صدو قوان که منکر قیامت می‌کنند تا مردم، ایشان را بیینند. حمایلهای خود را عرض و هستند نزد او آمده، سوال نموده، ۲۴ گفتند: «ای استاد، موسی دامنهای قبای خود را پهن می‌سازند، ۶ و بالا نشستن در رضیافتها و گفت اگر کسی بی‌اولاد بمیرد، می‌باید برادرش زن او را نکاح کرسیهای صدر در کنایس را دوست می‌دارند، ۷ و تعظیم در کند تا نسلی برای برادر خود پیدا نماید. ۲۵ باری در میان ما کوچجه‌ها را و یکه مردم ایشان را آقا آقا بخوانند. ۸ لیکن شما آقا هفت برادر بودند که اول زنی گرفته، بمرد و چون اولادی نداشت

خوانده مشوید، زیرا استاد شما یکی است یعنی مسیح و جمیع که قبهرهای انبیا را بنا می‌کنید و مدفنهای صادقان رازینت می‌دهید، شما برادرانید. ۹ و هیچ‌کس را بر زمین، پدر خود مخواهید زیرا پدر ۳۰ و می‌گویید: «اگر در ایام پدران خود می‌بودیم، در ریختن شما یکی است که در آسمان است. ۱۰ و پیشواخوانده مشوید، خون انبیا با ایشان شریک نمی‌شدم!» ۳۱ پس بر خود شهادت زیرا پیشوای شما یکی است یعنی مسیح. ۱۱ و هر که از شما بزرگتر می‌دید که فرزندان قاتلان انبیا هستند. ۳۲ پس شما پیمانه پدران باشد، خادم شما بود. ۱۲ و هر که خود را بلند کند، پست گردد و خود را لبیر کنید! ۳۳ ای ماران و افعی زادگان! چگونه از عذاب هر که خود را فروتن سازد سرافرازگرد. ۱۳ وای بر شمایی کاتبان و جهنم فراخواهید کرد؟ (Geenna g1067) ۳۴ لهذا الحال انبیا و فریسان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می‌بندید، حکماء و کتابان نزد شما می‌فرستم و بعضی را خواهید کشت و به زیرا خود داخل آن نمی‌شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع دار خواهید کشید و بعضی را در کتابیس خود تازیانه زده، از شهر به می‌شوید. ۱۴ وای بر شمایی کاتبان و فریسان ریاکار، زیرا خانه شهر خواهیدراند، ۲۵ تا همه خونهای صادقان که بر زمین ریخته های بیوه‌زن رامی بلعید و از روی ربا نماز را طویل می‌کنید؛ از آنرو شد بر شما وارد آید، از خون هاییل صدیق تا خون زکریا بن برخیا عذاب شدیدتر خواهید یافت. ۱۵ وای بر شمایی کاتبان و فریسان که او را در میان هیکل و مذبح کشته‌ید. ۳۶ هر آنچه به شما می‌گویند ریاکار، زیرا که برو بحر را می‌گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا که این همه بر این طایفه خواهد آمد! ۳۷ «ای اورشليم، اورشليم، شداو را دو مرتبه پست‌تر از خود، پسر جهنم می‌سازید! (Geenna g1067) قاتل انبیا و منسگسار کننده مرسلان خود! چند مرتبه خواستم فرزندان ۱۶ وای بر شمایی راهنمایان کور که می‌گویید: «هر که تو را جمع کنم، مثل مرغی که جوجه های خود را زیر بال خود به هیکل قسم خورد باکی نیست لیکن هر که به طلاهی هیکل جمع می‌کند و نخواستید! ۳۸ اینک خانه شما برای شما ویران قسم خورد باید وفا کند.» ۱۷ ای نادانان و نایبیانان، آیا کدام گذاره می‌شود. ۳۹ زیرا به شما می‌گویند از این پس مرا نخواهید افضل است؟ طلا یا هیکلی که طلا را مقدس می‌سازد؟ ۱۸ «و دید تا بگوید مبارک است او که به نام خداوند می‌آید.»

هر که به مذبح قسم خورد باکی نیست لیکن هر که به هدایات که بر آن است قسم خورد، باید ادا کند. ۱۹ ای جهال و کوران، کدام افضل است؟ هدیه یا مذبح که هدیه را تقاضی می‌نماید؟ ۲۰ پس هر که به مذبح قسم خورد، به آن و به هرچه بر آن است قسم خورده است؛ ۲۱ و هر که به هیکل قسم خورد، به آن و به او که در آن ساکن است، قسم خورده است؛ ۲۲ و هر که به آسمان قسم خورد، به کرسی خدا و به او که بر آن نشسته است، قسم خورده باشد. ۲۳ وای بر شمایی کاتبان و فریسان ریاکار که عنانع و ثبت و زیره را عشر می‌دهید و اعظم احکام شربعت، یعنی عدالت و رحمت و ایمان را ترک کرده‌اید! می‌بایست آنها را به جا آورده، اینها را نیز ترک نکرده باشد. ۲۴ ای راهنمایان کور که پشه را صافی می‌کنید و شتر را فرو می‌برید! ۲۵ وای بر شمایی کاتبان و فریسان ریاکار، از آن رو که بیرون پیاله و بشقاب را پاک می‌نماید و درون آنها مملو از جبر و ظلم است. ۲۶ ای فریسان کور، اول درون پیاله و بشقاب را طاهرساز تا بیرونش نیز ظاهر شود! ۲۷ وای بر شمایی کاتبان و فریسان ریاکار که چون قبور سفید شده می‌باشد که از بیرون، نیکو می‌نماید لیکن درون آنها از استخوانهای مردگان و سایر نجاسات پر است! ۲۸ همچنین شما نیز ظاهر شده، بسیاری را گمراه کنید. ۱۲ و بجهت افونی گناه محبت بسیاری سرد خواهد شد. ۱۳ لیکن هر که تا به انتها شرارت مملو هستید. ۲۹ وای بر شمایی کاتبان و فریسان ریاکار

صیر کنید، نجات یابد. ۱۴ و به این بشارت مملکوت در تمام عالم منکوحه می‌شدند تا روزی که نوح داخل کشتی گشت، ۳۹ و موعظه خواهد شد تا بر جمیع امت‌ها شهادت شود؛ آنگاه انتها نفهمیدند تا طوفان آمده، همه را ببرد، همچنین ظهر پسر انسان خواهد رسید. ۱۵ «پس چون مکروه ویرانی را که به زیان دانایان نیزخواهد بود. ۴۰ آنگاه دو نفری که در مزععه‌ای می‌باشند، یکی نبی گفته شده است، در مقام مقدس بر پاشده بینید هرکه خواند گرفته و دیگری واگذاره شود. ۴۱ و دو زن که دستام می‌کنند، دریافت کنند ۱۶ آنگاه هرکه در پیهودیه باشد به کوهستان بگریزد؛ یکی گرفته و دیگری رها شود. ۴۲ پس بیدار باشید زیرا که نمی‌دریافتد که در مزرعه است، بجهت برداشتن چیزی از خانه به زیر نیاید؛ دانید در کدام ساعت خداوند شما می‌آید. ۴۳ لیکن این را بدانید و هرکه در مزرعه است، بجهت برداشتن رخت خود برگردد. که اگر صاحب خانه می‌دانست در چه پاس از شب دزد می‌آید، ۱۷ لیکن وای برآبستان و شیر دهنگان در آن ایام! ۴۴ پس بیداری ماند و نمی‌گذاشت که به خانه‌اش نتف زند. ۴۵ لهذا دعاکید تا فرار شما در زمستان یا در سیبت نشود، ۲۱ زیرا که در شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گمان نبرید، پسر انسان آن زمان چنان مصیبت عظیمی ظاهر می‌شود که از ابدا عالم تا می‌آید. ۴۵ «پس آن غلام امین و دانا کیست که آقایش او را بر کنون نشده و نخواهد شد! ۲۲ و اگر آن ایام کوتاه نشده، هیچ اهل خانه خود بگمارد تا ایشان را در وقت معین خوراک دهد؟ بشیری نجات نیافری، لیکن بخاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خوشابحال آن غلامی که چون آقایش آید، او را در چنین کار خواهد شد. ۲۳ آنگاه اگر کسی به شما گوید: «اینک مسیح در مشغول یابد. ۴۷ هرآینه به شما می‌گوییم که او را بر تمام مایمعلک اینجا یا در آنجا است» باور مکنید، ۲۴ زیرا که مسیحیان کاذب خود خواهد گماشت. ۴۸ لیکن هرگاه آن غلام شریر با خود گوید و اینبا کذبه ظاهر شده، علامات و معجزات عظیمه چنان خواهد که آقای من در آمدن تاخیر می‌نماید، ۴۹ و شروع کند به زدن نمود که اگر ممکن بودی برگزیدگان را نیز گمراه کردند. ۵۰ همقطاران خود و خوردن و نوشیدن با میگساران، ۵۰ هرآینه آقای اینک شما را پیش خبر دادم. ۵۱ «پس اگر شما را گویند: اینک آن غلام آید، در روزی که منتظریا شد و در ساعتی که نداند، در صحراست، بیرون مروید یا آنکه در خلوت است، باور مکنید، و او را دو پاره کرده، نصیبیش را با ریاکاران قرار دهد در مکانی که ۵۲ زیرا همچنان که برق از مشرق ساطع شده، تا به مغرب ظاهر گریه و فشار دندان خواهد بود.

۲۵ «در آن زمان مملکوت آسمان مثل ده باکره خواهد بود مرداری باشد، کرکسان در آنجا جمع شوند. ۲۸ و هرجا که مطلعهای خود را برداشته، به استقبال داماد بیرون رفتند. ۲ که مطلعهای خود را برداشته، هیچ اهل خانه خود را ندادند و سفارگان از آسمان فرو ریزند و قوهای افلاک متزلول گردد. ۳۰ آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدید گرددو در آن وقت، جمیع طوابیق زمین سینه زنی کنندو پسر انسان را بینند که بر داماد بطبول اجمامید، همه پیشکی زده، خفتند. ۴ و درصف خود را با صور بلند آواز فرستاده، برگزیدگان او را ازباده‌ای از ابرهای آسمان، با قوت و جلال عظیم می‌آید؛ ۳۱ و فرشتگان کران تا بکان فلک فراهم خواهید آورد. ۳۲ «پس از درخت انجر مثلش را فراگیرید که چون شاخه‌اش نازک شده، برگها می‌آورد، می‌فهمید که تابستان نزدیک است. ۳۳ همچنین شما نیز چون این همه را بینید، بفهمید که نزدیک بلکه بر در است. ۳۴ هرآینه به زدفروشنندگان رفته، برای خود بخرید. ۱۰ و در حینی که ایشان بجهت خرید می‌رفتند، داماد برسید و آنانی که حاضر بودند، با ۳۵ آسمان و زمین زايل خواهد شد، لیکن سخنان من هرگز زايل نخواهد شد. ۳۶ «اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، حتی ملاٹیکه آسمان جز پدر من و بس. ۳۷ لیکن چنانکه ایام نوح جواب گفت: «هرآینه به شمامی گویم شما را نمی‌شناسم. ۱۳ پس بیدار باشید زیرا که آن روز و ساعت را نمی‌دانید. ۱۴ «زیرا ایام قبل از طوفان می‌خوردند و می‌آشامیدند و نکاح می‌کردند و

چنانکه مردی عازم سفر شده، غلامان خود را طلبید و اموال خود دادید، ۳۶ عریان بودم مرا پوشانیدید، مريض بودم عيادتم کردید، در را بدشان سپرید، ۱۵ يكى را پنج قسطار و ديگر را دو و سومى را حبس بودم ديدن من آميدید. ۳۷ آنگاه عادلان به پاسخ گويند: اي يك داد؛ هر يك را بحسب استعدادش. و بي درنگ متوجه سفر خداوند، کي گرسنه ات ديديم تاطعمات دهيم، يا تشنه ات یاقفهم شد. ۱۶ پس آنکه پنج قسطار یاقفهم بود، رفته و با آنها تجارت تا سيراهت نمايم، ۲۸ يا کي تو را غريب یاقفهم تا را جادهم نموده، پنج قسطار ديگر سود کرد. ۱۷ و همچنان صاحب دوقسطار يا عريان تا پوشانيم، ۳۹ و کي تو را مريض یامحبوس یاقفهم تا نيز دو قسطار ديگر سود گرفت. ۱۸ اما آنکه يك قسطار گرفته عيادت کيئم؟ ۴۰ پادشاه در جواب ايشان گويد: هرآيه به شما بود، رفته زمين را کند و نقد آفای خود را پنهان نمود. ۱۹ «و می گويم، آنچه به يكى از اين برداران کوچگرkin من کردید، به من بعد از مدت مديد، آفای آن غلامان آمده، از ايشان حساب کردهايد. ۴۱ «پس اصحاب طرف چپ را گويد: اي ملعونان، از خواست. ۴۰ پس آنکه پنج قسطار یاقفهم بود، پيش آمده، پنج قسطار من دور شويد در آتش جاوداني که برای ايليس و فرشتگان او مهيا ديگرآورده، گفت: خداوندا پنج قسطار به من سپردي، اينك پنج شده است. (aiōnios g166) ۴۲ زيرا گرسنه بودم مرا خوارك قسطار ديگر سود کردم.» ۲۱ آفای او به وي گفت: آفرين ای غلام نداديد، تشنه بودم مرا آتب نداديد، ۴۳ غريب بودم مرا جا نداديد، نيك متدين! بر چيزهای اندک امين بودی، تو را بر چيزهای سيار عريان بودم مرا نبوشانيدید، مريض و محبوس بودم عيادتم نموديد. خواهم گماشت. به شادي خداوند خود داخل شو! ۲۲ و صاحب ۴۴ پس ايشان نيز به پاسخ گويند: اي خداوند، کي تو را گرسنه يا دو قسطار نيز آمده، گفت: اي آقا دو قسطار سليم من نمودي، اينك تشنه یاغريب يا برهنه يا مريض يا محبوس یا غريب ديده، خدمت نکرديم؟ نيك متدين! بر چيزهای کم امين بودی، تو را بر چيزهای سيار به يكى از اين کوچگران نکرديد، به من نکردهايد. ۴۶ و ايشان می گمارم. در خوشی خداوند خود داخل شو! ۲۴ پس آنکه يك درعذاب جاوداني خواهند رفت، اما عادلان درحيات جاوداني.»

قطار گرفته بود، پيش آمده، گفت: اي آقا چون تو رامي شناختم (aiōnios g166)

که مرد درشت خوبی می باشي، از جايی که نکاشته اي می دروي و ۲۶ و چون عيسى همه اين سخنان را به اتمام رسانيد، به از جايی که نيفشانده اي جمع می کني، ۲۵ پس ترسان شده، رفم شاگردان خود گفت: «مي دانيد که بعد از دو روز عيد فصح و قسطار تو را زير زمين نهفتم. اينك مال توموگود است. ۲۶ آفایش است که پسر انسان تسليم کرده می شود تا مصلوب گردد.» ۳ در جواب وي گفت: اي غلام شير بيكاراه! دانسته اي که از جايی آنگاه روسای كهنه و كاتبان و مشابيخ قوم در ديوانخانه رئيس کهنه که نکاشتمان ميدروم و از مكانی که پيشايداهام، جمع می کنم. ۲۷ که قيافا نام داشت جمع شده، ۴ شورا نمودند تا عيسى را به حيله از همين جهت تو را می بايست نقد مراهبه صرافان بدھي تا وقتی که گرفتار ساخته، به قتل رسانند. ۵ اما گفتند: «نه در وقت عيد مباردا ييام مال خود را ياسود ييام. ۲۸ الحال آن قسطار را از او گرفته، آشونی در قوم بر پا شود». ۶ و هنگامی که عيسى در بيت عنیا در به صاحب ده قسطار بدھيد. ۲۹ زيرا به هرکه دارداده شود و خوانه شمعون ابرص شد، ۷ زنی با شيشه اي عطر گرانبهاند او افروزني يابد و از آنکه ندارد آنچه دارنديز گرفته شود. ۲۰ و آن غلام آمده، چون بنشست بر سر وي ریخت. ۸ اما شاگردانش چون اين بی نفع را در ظلمت خارجي اندازید، جايی که گریه و فشار دندان خواهد بود. ۲۱ «اما چون پسر انسان در جلال خود باجميع ملايکه مقدس خويش آيد، آنگاه بر كرسى جلال خود خواهد شود.» ۱۰ عيسى اين را درک کرده، بدشان گفت: «چرا بدين نشست، ۳۲ و جمیع امتها در حضور او جمع شوند و آنها را از زن حزمت می دهيد؟ زيرا کار نیکو به من کرده است. ۱۱ زيرا که همديگر جدامي کند به قسمی که شيان ميشها را از براها جدامي گفترا را هميشه نزد خودداريد اما مرا هميشه نداريد. ۱۲ و اين زن که ۳۳ و ميشها را بر دست راست و براها را بر چپ خود قرار دهد. ۳۴ آنگاه پادشاه به اصحاب طرف راست گويد: بيايداي برکت یافتگان از پدر من و ملکوتی را که از ابتداي عالم براي کرده شود، کاراين زن نيز بجهت يادگاري او مذکور خواهد شد.» شما آماده شده است، به ميراث گيريد. ۳۵ زيرا چون گرسنه بودم ما طعام داديد، تشنه بودم سيراهم نموديد، غريب بودم مرا جا

بود، نزد روسای کهنه رفته، ۱۵ گفت: «مرا چند خواهید داد تا او پطرس و دو پسر زیبدی را برداشته، بی نهایت غمگین و دردنگ را به شماتسلیم کنم؟» ایشان سی پاره نقره با وی قاردادند. ۱۶ و شد. ۳۸ پس بدیشان گفت: «نفس من از غایت الم مشرف به از آن وقت در صدد فرصت شد تا اورا بدیشان تسليم کند. ۱۷ موت شده است. در اینجا مانده با من بیدار باشید.» ۳۹ پس پدر پس در روز اول عید فطیر، شاگردان نزد عیسی آمد، گفتند: «کجا قدری پیش رفته، به روی درافتاد و دعا کرده، گفت: «ای پدر می خواهی فصح را آماده کنیم تا بخوری؟» ۱۸ گفت: «به شهر، من، اگر ممکن باشد این پیاله از من بگذرد؛ لیکن نه به خواهش نزدفلان کس رفته، بدو گویید: «استاد می گوید وقت من نزدیک من، بلکه به اراده تو.» ۴۰ و نزد شاگردان خود آمد، ایشان را در شد و فصح را در خانه تو با شاگردان خود صرف می نمایم.» «خواب یافت. و به پطرس گفت: «آیا همچنین نمی توانستید یک شاگردان چنانکه عیسی ایشان را امر فرمود کردند و فصح را ساعت با من بیدار باشید؟» ۴۱ بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض مهیا ساختند. ۴۲ چون وقت شام رسید با آن دوازده بنشست. ۲۱ آزمایش نیفتید! روح راغب است، لیکن جسم ناتوان.» ۴۲ و و گفتی که ایشان غذا می خوردند، او گفت: «هر آینه به شما می گویم بار دیگر رفته، بازدعا نموده، گفت: «ای پدر من، اگر ممکن که یکی از شما مراتسلیم می کند!» ۲۲ پس بغايت غمگین شده، نیاشد که این پیاله بدون نوشیدن از من بگذرد، آنچه اراده توانست هریک از ایشان به وی سخن آغاز کردند که «خداندا آیا من بشود». ۴۳ و آمده، باز ایشان را در خواب یافت زیرا که چشمان آنم؟» ۴۴ او در جواب گفت: «آنکه دست با من در قاب فرو ایشان سنجن شده بود. ۴۵ آنگاه نزد شاگردان آمد، بدیشان برد، همان کس مرا تسليم نماید! ۴۶ هر آینه پسر انسان به همانطور سوم به همان کلام دعا کرد. ۴۷ آنگاه نزد شاگردان آمد، بدیشان که درباره او مکتوب است رحلت می کند. لیکن وای بر آنکسی که گفت: «مامقی را بخواهد واستراحت کنید. الحال ساعت رسیده پسر انسان بدانست او تسليم شود! آن شخص را بهتر بودی که تولد است که پسر انسان به دست گناهکاران تسليم شود. ۴۸ برخیزید نیافتنی!» ۴۹ و یهودا که تسليم کننده وی بود، به جواب گفت: «برویم. اینک تسليم کننده من نزدیک است!» ۵۰ و هنوز سخن «ای استاد آیا من آنم؟» به وی گفت: «تو خود گفتی!» ۵۱ و می گفت که ناگاه یهودا که یکی از آن دوازده بود با جمعی کثیر با چون ایشان غذا می خوردند، عیسی نان را گرفته، برکت داد و پاره شمشیرهاو چوپها از جانب روساء کهنه و مشایخ قوم آمدند. ۵۲ و کرده، به شاگردان داد و گفت: «بگیرید و بخورید، این است بدن تسليم کننده او بدیشان نشانی داده، گفته بود: «هر که را بوسه من.» ۵۳ و پیاله را گرفته، شکر نمود و بدیشان داده، گفت: زنم، همان است. او رامحکم بگیرید.» ۵۴ در ساعت نزد عیسی «همه شما از این بنویشید، ۵۵ زیرا که این است خون من در عهد آمده، گفت: «سلام یا سیدی!» و او را بوسید. ۵۶ عیسی وی را جدید که در راه بسیاری بهجهت آمزش گاهان ریخته می شود. ۵۷ گفت: «ای رفیق، از بهرهچه آمدی؟» آنگاه پیش آمده، دست بر اما به شمامی گویم که بعد از این از میوه مو دیگر نخواهم عیسی انداخته، او را گرفتند. ۵۸ و ناگاه یکی از همراهان عیسی نوشید تا روزی که آن را با شما در ملکوت پدرخود، تاره آشام.» دست آورده، شمشیر خود را از غلاف کشیده، بر غلام رئیس ۵۹ پس تسبیح خواندند و به سوی کوه زیتون روانه شدند. ۶۰ آنگاه عیسی وی را آنگاه عیسی بدیشان گفت: «همه شما امشب درباره من لغزش گفت: «شمشیر خود را غلاف کن، زیرا هر که شمشیر گیرد، به می خورید چنانکه مکتوب است که شبان را می زنم و گوسفندان شمشیر هلاک گردد. ۶۱ آیا گمان می بردی که نمی توانم الحال از گله پراکنده می شوند. ۶۲ لیکن بعد از برخاستم، پیش از شما به پدرخود درخواست کنم که زیاده از دوازده فرج ازملائیکه برای من جلیل خواهم رفت.» ۶۳ پطرس در جواب وی گفت: «هر گاه حاضر سازد؟» ۶۴ لیکن در این صورت کتب چگونه تمام گردد که همه درباره تو لغزش خورند، من هرگز نخورم.» ۶۵ عیسی به همچنین می بایست بشود؟» ۶۶ در آن ساعت، به آن گروه گفت: وی گفت: «هر آینه به تو می گویم که در همین شب قبل ازیانک گویا بر دزد بهجهت گرفتن من با تیغها و چوپها بیرون آمدید! هر زدن خروس، سه مرتبه مرا انکار خواهی کرد!» ۶۷ پطرس به وی روز با شما در هیکل نشسته، تعلیم می دادم و مرا نگرفتید. ۶۸ گفت: «هرگاه مردم با تو لازم شود، هرگز تو را انکار نکن!» و لیکن این همه شد تا کتب انبیا تمام شود.» در آن وقت جمیع سایر شاگردان نیز همچنان گفتند. ۶۹ آنگاه عیسی با ایشان به شاگردان او را واگذارده، پکرخشتند. ۷۰ و آنایی که عیسی را گرفته موضعی که مسمی به جتیسمانی بود رسیده، به شاگردان خود بودند، او را نزدقیافا رئیس کهنه جایی که کتابان و مشایخ جمع گفت: «در اینجا بنشینید تا من رفته، در آنجا دعا کنم.» ۷۱ و بودند، بردن. ۷۲ اما پطرس از دور در عقب او آمده، به خانه

رئیس کهنه درآمد و با خادمان بنشست تا انجام کار را ببیند. ۵۹ «دانی!» ۵ پس آن نقره را درهیکل انداخته، روانه شد و رفته خود را پس روسای کهنه و مشایخ و تمامی اهل شورا طلب شهادت خفه نمود. ۶۰ اما روسای کهنه نقره را بر داشته، گفتند: «انداختن دروغ بر عیسی می‌کردند تا او را بقتل رسانند». ۶۱ لیکن نیافتند. این در بیت‌المال جایز نیست زیرا خونبها است. ۷ پس شورا با آنکه چند شاهد دروغ پیش آمدند، هیچ نیافتند. آخر دو نفر نموده، به آن مبلغ، مزره کوزه‌گر را بهجهت مقبره غرباء خردند. ۸ آمده، ۶۲ گفتند: «این شخص گفت: "می‌توانم هیکل خدا را از آن جهت، آن مزره تا امروز بحقیق الدم مشهور است". ۹ آنگاه خراب کنم و در سه روزش بنا نمایم.» ۶۳ پس رئیس کهنه سخنی که به زبان ارمای نبی گفته شده بود تمام گشت که «سی برخاسته، بدبو گفت: «هیچ جواب نمی‌دهی؟ چیست که اینها بر پاره نقره را برداشتند، بهای آن قیمت کرده شده‌ای که بعضی تو شهادت می‌دهند؟» ۶۴ اما عیسی خاموش ماند! تا آنکه رئیس از بنی اسرائیل بر او قیمت گذارند. ۱۰ و آنها را بهجهت مزره کهنه روی به وی کرده، گفت: «تو را به خلای حی قسم می‌دهم کوزه‌گر دادند، چنانکه خداوند به من گفت». ۱۱ اما عیسی مارا بگوی که تو مسیح پس خدا هستی یا نه؟» ۶۵ عیسی به در حضور والی ایستاده بود. پس والی از او پرسیده، گفت: «آیا وی گفت: «تو گفتی! و نیز شما رامی گویی بعد از این پسر تو پادشاه یهود هستی؟» عیسی بدبو گفت: «تو می‌گویی!» ۱۲ انسان را خواهید دید که بر دست راست قوت نشسته، بر ایهای و جون روسای کهنه و مشایخ از او شکایت می‌کردند، هیچ جواب آسمان می‌آید!» ۶۶ در ساعت رئیس کهنه رخت خود را چاک نمی‌داد. ۱۳ پس پلاطس وی را گفت: «نمی‌شنوی چقدر بر زده، گفت: «کفر گفت! دیگر ما را چه حاجت به شهود است؟ تو شهادت می‌دهند؟» ۱۴ اما در جواب وی، یک سخن هم الحال کفرش را شنیدید! ۱۵ چه مصلحت می‌بینید؟ ایشان در نگفت، بقسمی که والی بسیار معجب شد. ۱۶ و در هر عیدی، جواب گفتند: «مستوجب قتل است!» ۱۷ آنگاه آب دهان بر رسم والی این بود که یک زندانی، هر که را می‌خواستند، برای رویش انداخته، او را طپانجه می‌زند و بعضی سیلی زده، ۱۸ جماعت آزاد می‌کرد. ۱۹ و در آن وقت، زندانی مشهور، برابا نام می‌گفتند: «ای مسیح، به ما بتوت کن! کیست که تو را زده داشت. ۲۰ پس چون مردم جمع شدند، پلاطس ایشان را گفت: است؟» ۶۹ اما پطرس در ایوان بیرون نشسته بود که ناگاه کنیزکی «که را می‌خواهید برای شما آزاد کنم؟ برابا یا عیسی مشهور به نزد وی آمده، گفت: «تو هم با عیسی جلیلی بودی!» ۷۰ او مسیح را؟» ۲۱ چون زیرا که دانست او را از حسد تسليم کرده بودند. رویروی همه انکار نموده، گفت: «نمی‌دانم چه می‌گویی!» ۷۱ و ۲۲ چون بر مسند نشسته بود، زنش نزد او فرستاده، گفت: «با این چون به دهلیز بیرون رفت، کنیزی دیگر او را دیده، به حاضرین مرد عادل تو را کاری نپاشد، زیرا که امروز در خواب دریار او گفت: «این شخص نیز از رفقاء عیسی ناصری است!» ۷۲ باز زحمت بسیار بودم.» ۲۰ اما روسای کهنه و مشایخ، قوم را بر قسم خودره، انکار نمود که «این مرد را نمی‌شناسم». ۷۳ بعد از این ترغیب نمودند که برابا را بخواهند و عیسی راهلاک سازند. چندی، آناتی که ایستاده بودند پیش آمده، پطرس را گفتند: «البته ۲۱ پس والی بدبیشان متوجه شده، گفت: «کدامیک از این دو تو هم از اینها هستی زیرا که لهجه تو بر تولدات می‌نماید!» ۷۴ نفر را می‌خواهید بهجهت شما رها کنم؟ گفتند: «برابا را!» ۲۲ پس آغاز لعن کردن و قسم خوردن نمود که «این شخص را نمی‌پلاطس بدبیشان گفت: «پس با عیسی مشهور به مسیح چه شناسم.» و در ساعت خروس بانگ زد ۷۵ آنگاه پطرس سخن کنم؟» ۷۶ جمیع گفتند: «مصلوب شود!» ۲۳ والی گفت: «چرا؟ عیسی را به یاد آورد که گفته بود: قبل از بانگ زدن خروس، سه چه بدی کرده است؟» ایشان بیشتر فریاد زده، گفتند: «مصلوب مرتبه ما انکار خواهی کرد.» پس بیرون رفته زارزار بگریست. ۷۷ چون پلاطس دید که ثمری ندارد بلکه آشوب زیاده می‌گردد، آب طبلیده، پیش مردم دست خود را شسته گفت: «من

۲۷ و چون صبح شد، همه روسای کهنه و مشایخ قوم بر عیسی شورا کردند که اروا هلاک سازند. ۲ پس او را بند نهاده، بردند و در جواب گفتند: «خون او بر ما و فرزندان ما باد!» ۲۶ آنگاه برابا به پنطیوس پلاطس والی تسليم نمودند. ۳ در آن هنگام، چون رابرای ایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، سپرد تا او را مصلوب بیهودا تسليم کننده او دید که بر او فتوا دادند، پشمیمان شده، سی کنند. ۲۷ آنگاه سپاهیان والی، عیسی را به دیوانخانه برده، تمامی پاره نقره را به روسای کهنه و مشایخ رد کرده، ۴ گفت: «گناه فوج را گرد وی فراهم آوردن.» ۲۸ و او را عیان ساخته، لباس قمزی کردم که خون بیگناهی را تسليم نمودم.» گفتند: «ما را چه، خود بدو پوشانیدند، ۲۹ و تاجی از خار بافتند، بر سرش گذارند و

لی بدست راست او دادند و پیش وی زانو زده، استهزاکنان او می‌کردند، چون زلزله و این وقایع را دیدند، بینهایت ترسان شده، را می‌گفتند: «سلامای پادشاه یهود!» ۳۰ و آب دهان بر وی گفتند: «فی الواقع این شخص پسر خدا بود.» ۵۵ و در آنجا زنان افکنده، نی را گرفته بر سرش می‌زدند. ۳۱ و بعد از آنکه او بسیاری که از جلیل در عقب عیسی آمده بودند تا او را خدمت را استهزاکرده بودند، آن لباس را از وی کنده، جامه خودش را کنده، از دور نظاره می‌کردند، ۵۶ که از آن جمله، مریم مجده‌ی پوشانیدند و او را بجهت مصلوب نمودن بیرون بردند. ۳۲ و بود و مریم مادر بعقوب ویشه و مادر پسران زیدی. ۵۷ اما چون چون بیرون می‌رفتند، شخصی قیروانی شمعون نام را یافته، او را وقت عصر رسید، شخصی دولتمند از اهل رامه، یوسف نام که او بجهت بزدن صلیب مجبور کردند. ۳۳ و چون به موضوعی که به نیز ارشاگردان عیسی بود آمد، ۵۸ و نزد پیلاطس رفته، جسد جلجنایی کاسه سر مسمی بود رسیدند. ۳۴ سرکه ممزوج به عیسی را خواست. آنگاه پیلاطس فرمان داد که داده شود. ۵۹ مر بجهت نوشیدن بدو دادند. اما چون چشید، نخواست که پس یوسف جسد را برداشته، آن را در کنان پاک پیچیده، ۶۰ او بنوشد. ۳۵ پس او را مصلوب نموده، رخت او را تقسیم نمودند را در قبری نو که برای خود از سنگ تراشیده بود، گذارد و سنگی و بر آنها قرعه انداختند تا آنچه به زبان نبی گفته شده بود تمام بزرگ بر سر آن غلطانیده، برفت. ۶۱ و مریم مجده‌ی و مریم دیگر شود که «رخت مرای درمیان خود تقسیم کردند و بر لباس من قعره در آنجا، در مقابل قبرنیشته بودند. ۶۲ و در فرادی آن روز که بعد انداختند.» ۶۳ و در آنجا به نگاهبانی او نشستند. ۳۷ و تقسیر از روز تهیه بودروسانی کهنه و فریسان نزد پیلاطس جمع شده، ۶۳ نامه او را نوشته، بالای سرش آویختند که «این است عیسی، گفتند: «ای آقا ما را یاد است که آن گمراه کننده و قتی که زنده پادشاه یهود!» ۳۸ آنگاه دو دزد یکی بر دست راست و دیگری بود گفت: «بعد از سه روزی مری خیز.» ۶۴ پس بفرما قبر را تا سه برچیش با وی مصلوب شدند. ۳۹ و راهگذاران سرهای خود را روزنگاهبانی کنند مبادا شاگردانش در شب آمده، اورا بزدند و به جنبانیده، کفر گویان. ۴۰ می‌گفتند: «ای کسی که هیکل را خراب مردم گویند که از مردگان برخاسته است و گمراهی آخر، از اول می‌کنی و در سه روز آن را می‌سازی، خود را نجات ده. اگر پسر بدر شود.» ۴۵ پیلاطس بدیشان فرمود: «شما کشیکچیان دارید. خداهستی، از صلیب فرد بیا!» ۴۱ همچنین نیزروسانی کهنه با بروید چنانکه دانید، محافظت کنید.» ۶۶ پس رفتد و سنگ را کاتبان و مسایخ استهزاکنان می‌گفتند: «۴۲ دیگران را نجات مختوم ساخته، قبر را باکشیکچیان محافظت نمودند.

داد، اما نمی‌تواند خود را برها ند. اگر پادشاه اسرائیل است، اکنون ۲۸ و بعد از سبت، هنگام فجر، روز اول هفته، مریم مجده‌ی از صلیب فرد آید تا بدو ایمان آوریم! ۴۳ بر خداتوکل نمود، اکنون و مریم دیگرچهت دیدن قیرآمدند. ۲ که ناگاه زلزله‌ای عظیم او را نجات دهد، اگر بدور غربت دارد زیرا گفت پسر خدا هستم! ۴۴ و همچنین آن دو دزد نیز که با وی مصلوب بودند، او را دشنام حادث شد از آنرو که فرشته خداوند از آسمان نزول کرده، آمد و سنگ را از در قبر غلطانیده، برآن بشنست. ۳ و صورت او مثل می‌دانند. ۴۵ و از ساعت ششم تا ساعت نهم، تاریکی تمام زمین برق و لیامش چون برق سفید بود. ۴ و از ترس او کشیکچیان به را فرو گرفت. ۴۶ و نزدیک به ساعت نهم، عیسی به آوار بلند لزه درآمده، مثل مرده گردیدند. ۵ اما فرشته به زنان متوجه شده، صدا زده گفت: «ایلی ایلی لاما سبقتنی.» یعنی الهی الهی ما چرا گفت: شما ترسان می‌باشید! ۶ در اینجا نیست زیرا چنانکه گفته بود ترک کردی. ۴۷ اما بعضی از حاضرین چون این را شنیدند، گفتند که او لباس را می‌خواند. ۴۸ در ساعت یکی از آن میان دویده، و به زودی رفته شاگردانش را خبر دهید که از مردگان برخاسته است. اینک پیش از شما به جلیل مرد. در آنجا او را خواهید دید. اینک شما را گفتمن.» ۴۹ و دیگران گفتند: «بگذار تا بینیم که آیالیاس می‌آید او را برها ند.» ۵۰ عیسی باز به آوار بلند صیحه زده، روح را تسليم نمود. ۵۱ که ناگاه پرده هیکل از سر تا پا دو پاره و در هنگامی که بجهت اخبار شاگردان او می‌رفتند، ناگاه عیسی شد و زمین متزلزل و سنگها شکافته گردید، ۵۲ و قبرها گشاده شد بدیشان برخورد، گفت: «سلام بر شما باد!» پس پیش آمده، به وسیاری از بدنهای مقدسین که آرامیده بودند برخاستند، ۵۳ و بعد قدمهای اوچسبیده، او را پرستش کردند. ۱۰ آنگاه عیسی بدیشان از برخاستن وی، از قبورآمده، به شهر مقدس رفتد و بر بسیاری گفت: «ترسید! رفته، برادرانم را بگویند که به جلیل بروند که در ظاهرشند. ۵۴ اما یوزباشی و رفقایش که عیسی رانگاهبانی

آنجا مرا خواهند دید.» ۱۱ و چون ایشان می‌رفتند، ناگاه بعضی از کشیکچیان به شهر شده، روسای کهنه را از همه این وقایع مطلع ساختند. ۱۲ ایشان با مشایخ جمع شده، شورا نمودند و نقره بسیار به سپاهیان داده، ۱۳ گفتند: «بگویید که شبانگاه شاگردانش آمده، وقی که ما در خواب بودیم او را دزدیدند. ۱۴ و هرگاه این سخن گوش زد والی شود، همانا ما او را برگردانیم و شما را مطمئن سازیم.» ۱۵ ایشان پول را گرفته، چنانکه تعلیم یافتد کردند و این سخن تامروز در میان یهود منتشر است. ۱۶ اما یازده رسول به جلیل، بر کوهی که عیسی ایشان را نشان داده بود رفتهند. ۱۷ و چون او را دیدند، پرسش نمودند. لیکن بعضی شک کردند. ۱۸ پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است. ۱۹ پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم اب و این و روح القدس تعمید دهید. ۲۰ و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» آمين. (aiōn g165)

برای هلاک کردن ما آمدی؟ تو را می‌شناسم کیستی، ای قدوس

خداؤ!» ۲۵ عیسی به وی نهیب داد، گفت: «خاموش شو و از او

۱ ابتدا انجیل عیسی مسیح پسر خدا. ۲ چنانکه در اشیاع نبی درآی!» ۲۶ در ساعت آن روح خبیث او را مصروف نمود و به مکتوب است، «اینک رسول خود را پیش روی تو می‌فرستم تاراه آواز بلند صدازده، از او بیرون آمد. ۲۷ و همه متوجه شدند، تو را پیش تو مهیا سازد. ۳ صدای ندا کننده‌ای در بیان که بحدی که از همیدیگر سوال کرده، گفتند: «این چیست و این راه خداوند را مهیا سازید و طرق او را راست نمایید.» ۴ یعنی چه تعلیم تازه است که ارواح پلید رانیز با قدرت امر می‌کند و تعییندهنده در بیان طاهر شد و بجهت آمزش گناهان به تعیین اطاعتمند می‌نمایند؟» ۵ و اسم او فور در تمامی مز و بوم جلیل توبه موعظه می‌نمود. ۶ و تمامی مز و بوم پیوه دیه و جمیع سکنه شهرت یافت. ۷ و ۸ از کیسیه بیرون آمده، فور با یعقوب و یوحنا اورشلیم نزد وی بیرون شدند و به گناهان خود معرفت گردیده، در به خانه شمعون و اندریاس درآمدند. ۹ و مادرزین شمعون تب رود ازون از او تعیینده می‌یافتدند. ۱۰ و یعنی را لباس از پشم شتر کرده، خواهید بود. در ساعت وی را از حالت او خبر دادند. ۱۱ و کمربند چرمی بر کمر می‌بود و خوارک وی ازملخ و عسل بزی. ۱۲ پس نزدیک شده، دست او را گرفته، برخیزانیدش که همان وقت و موضعه می‌کرد و می‌گفت که «بعد از من کسی تواناتر از من تب از او زایل شد و به خدمت گذاری ایشان مشغول گشت. می‌آید که لايق آن نیستم که خم شده، دوال نعلین او را باز کنم. ۱۳ شامگاه چون آفتاب به مغرب شد، جمیع مریضان و مجانین من شما را به آب تعیین دادم. لیکن او شما را به روح القدس را پیش او آوردند. ۱۴ و تمام شهر بر در خانه ازدحام نمودند. تعیین خواهد داد.» ۱۵ واقع شد در آن ایام که عیسی از ناصره ۱۶ و بسا کسانی را که به انواع امراض مبتلا بودند، شفا داد جلیل آمده در اردن از یعنی تعیین یافت. ۱۷ و چون از آب برآمد، دیوهای بسیاری بیرون کرده، نگذارد که دیوهارف زنند زیرا که او در ساعت آسمان را شکافته دید و روح را که مانند کبوتری بروی را شناختند. ۱۸ با مدادان قبل از صبح برخاسته، بیرون رفت و به نازل می‌شد. ۱۹ و آوازی از آسمان دررسید که «توپسر حبیب ویرانه‌ای رسیده، در آنجا به دعا مشغول شد. ۲۰ و شمعون و من هستی که از تو خشنودم.» ۲۱ پس بی درنگ روح وی را به رفاقتی دری او شناختند. ۲۲ چون او را دریافتند، گفتند: «همه تو بیابان می‌برد. ۲۳ و مدت چهل روز در صحراء بود و شیطان او رامی طلبند.» ۲۴ بدیشان گفت: «به دهات مجاوره‌م برویم تا راجحه می‌کرد و با وحش بسر می‌برد و فرشتگان او را پرستاری در آنها نیز موضعه کنم، زیرا که بجهت این کار بیرون آدم.» ۲۵ و بعد از گرفتاری یعنی، عیسی به جلیل آمده، به ۲۶ پس در تمام جلیل درکنایس ایشان وعظ می‌نمود و دیوها را بشارت ملکوت خدا موضعه کرده، ۲۷ می‌گفت: «وقت تمام شد اخراج می‌کرد. ۲۸ و ابرصی پیش وی آمده، استدعا کرد وزانو و ملکوت خاندزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان زده، بدو گفت: «اگر بخواهی، می‌توانی مراطاهر سازی!» ۲۹ بیاورید.» ۳۰ و چون به کناره دریای جلیل می‌گشت، شمعون و عیسی ترحم نموده، دست خود را دراز کرد و او را لمس نموده، برادرش اندریاس را دید که دامی در دریا می‌اندازند زیرا که صیاد گفت: «می‌خواهم. طاهر شو!» ۳۱ و چون سخن گفت، فی بودند. ۳۲ عیسی ایشان را گفت: «از عقب من آیید که شما الفور برص از او زایل شده، پاک گشت. ۳۳ و اورا قدغن کرد و را صیاد مردم گردان». ۳۴ بی تامل دامهای خود را گذارده، از فور مخصوص فرموده، ۳۵ گفت: «زنهار کسی را خبر مده، بلکه بی او روانه شدند. ۳۶ و از آنجا قدری پیشترفت، یعقوب بن رفنه خود را به کاهن بنما و آنچه موسی فرموده، بجهت تطهیر زیدی و برادرش بیوحا را دید که در کشتن دامهای خود را اصلاح خود بگذران تا برای ایشان شهادتی بشود. ۳۷ لیکن او بیرون رفته، می‌کنند. ۳۸ در حال ایشان را دعوت نمود. پس پدر خود زیدی را به موضعه نمودن و شهرت دادن این امر شروع کرد، بقسمی که با مزدوران در کشتن گذارده، از عقب وی روانه شدند. ۳۹ و بعد از آن او نتوانست آشکارا به شهر درآید بلکه در ویرانه‌های چون وارد کفرناحوم شدند، بی تأمل در روز سیست به کیسیه درآمد، بیرون بسر می‌برد و مردم از همه اطراف نزد وی می‌آمدند.

۴۰ به قسمی که از تعلیم وی حیران شدند، زیرا که ایشان را مقنده رانه تعلیم می‌داد نه مانند کاتبان. ۴۱ و بعد از چندی، باز وارد کفرناحوم شده، چون شهرت در کیسیه ایشان شخصی بود که روح پلیدداشت. ناگاه صیحه یافت که در خانه است، ۴۲ بی درنگ جمیع ازدحام نمودند و در کیسیه ایشان شخوصی بود که بیرون در نیز گنجایش نداشت و برای ایشان کلام را ۴۳ گفت: «ای عیسی ناصری ما را با تو چه کار است؟ آیا بقسمی که بیرون در نیز گنجایش نداشت و برای ایشان کلام را

بیان می کرد. ۳ که ناگاه بعضی نزد وی آمده مفلموجی را به دست ریزد و گرنه آن شراب نو مشکها را بدرد و شراب ریخته، مشکهای مختلف چهار نفر برداشته، آوردن. ۴ و چون به سبب جمعیت نتوانستند نزد می گردند. بلکه شراب نو را در مشکهای نواید ریخت. ۲۳ و او برسید، طاق جای را که او بود باز کرده و شکافه، تختی را که چنان افتاد که روز سیتی از میان مزروعه ها می گذشت و شاگردانش مفلوج بر آن خواهید بود، به زیر هشتند. ۵ عیسی چون اینام هنگامی که می رفتد، به چیدن خوشها شروع کردند. ۲۴ فریسان ایشان را دید، مفلوج را گفت: «ای فرزند، گناهان تو آمرزیده بدو گفتند: «اینک چرا در روزبست مرتكب عملی می باشند که شد.» ۶ لیکن بعضی از کاتبان که در آنجا نشسته بودند، در دل روا نیست؟» ۲۵ او بدیشان گفت: «منگر هرگز نخوانده اید که خود تفکر نمودند ۷ که «چرا این شخص چنین کفر می گوید؟ داد چه کرد چون او و فقایش محتاج و غرسته بودند؟» ۲۶ چگونه غیر از خدای واحد، کیست که بتواند گناهان را پیامزد؟» ۸ در ایام ایپیار رئیس کنه به خانه خدا درآمد، نان تقدمه را خورد ساعت عیسی در روح خود ادراک نموده که خود چنین فکر که خوردن آن جز به کاهنان روا نیست و به رفای خود نیزداد؟» می کنند، بدیشان گفت: «از بهرچه این خیالات را بهاطار خود ۲۷ و بدیشان گفت: «سبت بجهت انسان مقرر شد نه انسان راه می دهید؟ ۹ کدام سهل تر است؟ مفلوج را گفتن گناهان تو برای سبت. ۲۸ بنابراین پسر انسان مالک سبت نیزهست.»

آمرزیده شد؟ یا گفتن بrixiz و بستر خود را برداشته بخرام؟ ۱۰ لیکن ۳ و باز به کنیسه درآمد، در آنجا مرد دست خشکی بود. ۲ تا بدانید که پسر انسان را سلطاعت آمرزیدن گناهان بر روی زمین هست...» مفلوج را گفت: ۱۱ «تو را می گوییم بrixiz و بستر خود را برداشته، به خانه خود برو!» ۱۲ او برحاست و بی تامل باشیست!» ۴ و بدیشان گفت: «آیا در روز سبت کدام جایز است؟ نیکوکر کدن یا بدی؟ جان رانجات دادن یا هلاک کردن؟» ۵ ایشان خاموش ماندند. ۶ پس چشمان خود را بر ایشان با غضب شدیده بودیم!» ۱۳ و باز به کناره دریا رفت و تمام آن گروه نزد او آمدند و ایشان را تعلیم می داد. ۱۴ و هنگامی که می رفت لاوی این حلقی را بر باجگاه نشسته دید. بدو گفت: «از عقب من پیا!» پس برحاسته، در عقب وی شافت. ۱۵ و وقتی که او در خانه وی نشسته بود، پسیاری از باجگیران و گناهکاران باعیسی و شاگردانش نشستند زیرا پسیار بودند و پیروی او می کردند. ۱۶ و چون کاتبان و فریسان او را دیدند که با باجگیران و گناهکاران می خورد، به شاگردان او گفتند: «چرا با باجگیران و گناهکاران اکل و شرب می نماید؟» ۱۷ عیسی چون این را شنید، بدیشان گفت: «تندرستان احتیاج به طیب ندارند بلکه مرضیان. و نیامدمن تا عادلان را بلکه تا گناهکاران را به توبه دعوت کنم.» ۱۸ و شاگردان یحیی و فریسان روزه می داشتند. پس آمده، بدو گفتند: «چون است که شاگردان یحیی و فریسان روزه می دارند و شاگردان تو روزه نمی دارند!» ۱۹ عیسی بدیشان گفت: «آیا میکن است پسران خانه عروسی مادامی که داماد با ایشان است روزه بدارند؟» ۲۰ زمانی که داماد را با خود دارند، نمی توانند روزه دارند. لیکن ایامی می آید که داماد از ایشان گرفته شود. در آن ایام روزه خواهند داشت. ۲۱ وهیچ کس بر جامه کنه، پارهای از پارچه نو و صله نمی کند، والا آن وصله نو از آن کنه جدامی گردد و دریدگی بوائز جس یعنی پسران رعد نام گذارد. ۲۲ و اندrias و فیلپس و بدتر می شود. ۲۳ و کسی شراب نو را در مشکهای کنه نمی

برتولما و متی و توما و يعقوب بن حلفی و تدی و شمعون قانوی، حاصل پیدا نمود که روید و نمو کرد و بازآورد، بعضی سی و بعضی ۱۹ و یهودای اسخريوطی که او را تسلیم کرد. ۲۰ و چون به خانه شصت و بعضی صد.» ۹ پس گفت: «هرکه گوش شنوا دارد، درآمدند، باز جمیع فراهم آمدند بطوری که ایشان فرصت نان بشنیدو!» ۱۰ و چون به خلوت شد، رفاقت او با آن دوازده شرح خوردن هم نکردند. ۲۱ و خویشان او چون شنیدند، بیرون آمدند تا این مثل را از او پرسیدند. ۱۱ به ایشان گفت: «به شما دانستن او را بردارند زیرا گفته‌تند بی خود شده است.» ۲۲ و کاتبانی که از سر ملکوت خدا عطا شده، اما به آنانی که بیرونند، همه‌چیز به اورشیلم آمده بودند، گفته‌تند که بعلیبول دارد و به پاری رئیس دیوهای، مثلهای شود، ۱۲ تا نگران شده بنگردند و نبینند و شنواشند پشنوند دیوهای را اخراج می‌کند. ۲۳ پس ایشان را پیش طلبیده، مثلها زده، و نفهمید، میادا بازگشت کرده گاهان ایشان آمرزیده شود.» ۱۳ و بدیشان گفت: «چطیر می‌تواند شیطان، شیطان را بیرون کند؟» ۲۴ بدیشان گفت: «آیا این مثل را نفهمیده‌اید؟ پس چگونه سایر مثلهای و اگر مملکتی برخلاف خود منقسم شود، آن مملکت نتواند پایدار را خواهید فرمید؟» ۱۴ بزرگ کلام را می‌کارد. ۱۵ و ایناند به کناره بمانند. ۲۵ و هرگاه خانه‌ای به ضد خویش منقسم شد، آن خانه راه، جایی که کلام کاشته می‌شود؛ و چون شنیدند فور شیطان نمی‌تواند استقامت داشته باشد. ۲۶ و اگر شیطان با نفس خود آمده کلام کاشته شده در قلوب ایشان را می‌راید. ۱۶ و ایض مقاومت نماید و منقسم شود، او نمی‌تواند قائم ماند بلکه هلاک کاشته شده در سنگلاخ، کسانی می‌باشند که چون کلام را بشنوند، می‌گردد. ۲۷ و هیچ‌کس نمی‌تواند به خانه مردزو آور درآمده، در حال آن را به خوشی قبول کنند، ۱۷ ولکن ریشه‌ای در خود اسباب او را غارت نماید، جرائمه که اول آن زوآور را بینند و بعد از ندارند بلکه فانی می‌باشند؛ و چون صدمه‌ای یا زحمتی به سبب آن خانه اورا اخراج می‌کند. ۲۸ هراینه به شما می‌گویم که همه کلام روی دهد در ساعت لغزش می‌خورند. ۱۸ و کاشته شده در گناهان از پی آم آمرزیده می‌شود و هر قسم کفر که گفته باشند، خاره‌آنانی می‌باشند که چون کلام را بشنوند، ۱۹ اندیشه‌های ۲۹ لیکن هرکه به روح القدس کفر گوید، تا به ابد آمرزیده نشود خفه می‌کند و بی‌ثمر می‌گردد. (aiōn g165) (aiōn g165, aiōniοs) (aiōn g166)

۲۰ زیرا که می‌گفتند روحی پلید دارد. ۳۱ پس برادران و درزمنین نیکو آناند که چون کلام را بشنوند آن رامی پذیرند و ثمر مادر او آمدند و بیرون ایستاده، فستادند تا او را طلب کنند. ۳۲ می‌آورند، بعضی سی و بعضی شصت و بعضی صد.» ۲۱ پس آنگاه جماعت گرد او نشسته بودند و به وی گفته‌ند: «اینکه مادرت بدیشان گفت: «آیا چرا غر را می‌آورند تازیر پیمانه‌ای یا تختی و نه و برادرانست بیرون تو را می‌طلبند.» ۳۳ در جواب ایشان گفت: بر چرا خداوند گذارند؟ زیرا که چیزی پنهان نیست که آشکارا «کیست مادر من و برادرانم کیانند؟» ۳۴ پس برآنانی که گرد وی نگردد و هیچ چیز مخفی نشود، مگر تا به ظهور آید. ۲۳ هرکه نشسته بودند، نظر افکنده، گفت: «ایناند مادر و برادرانم، ۳۵ زیرا گوش شنوا شدند.» ۲۴ و بدیشان گفت: «باخرا برآشید هرکه اراده خدا را بهجا آرده‌هانم برادر و خواهر و مادر من باشد.» که چه می‌شوند، زیرا به هر میزانی که وزن کنید به شما پیموده شود، بلکه از برای شماکه می‌شوند افرون خواهد گشت. ۲۵ زیرا و باز به کناره دریا به تعلیم دادن شروع کردو جمیع کثیر نزد هرکه دارد بد و داده شود و از هرکه ندارد آنچه نیز دارد گرفته خواهد او جمع شدند بطوری که به کشتنی سوار شده، بر دریا قرار گرفت ۲۶ و گفت: «همچنین ملکوت خدا مانند کسی است که به مثلها چیزهای بسیار می‌آموخت و در تعلیم خود بدیشان گفت: ۳ «گوش گیرید! اینکه بزرگی بجهت تخم پاشی بیرون رفت. ۴ و چون تخم می‌پاشید، قدری بر راه ریخته شده، مرغان هوا آمده خوشید. ۵ و پارهای بر سنگلاخ پاشیده شد، در جایی که آنها را برجیدند. ۶ و پارهای بر سنگلاخ پاشیده شد، در خاک بسیار نبود. پس چون که زمین عمق نداشت به زودی روید، تشبیه کنیم و برای آن چه مثل بزنیم؟ ۳۱ مثل دانه خردلی است و چون آفتاب برآمد، سوخته شد و از آنرو که ریشه نداشت که وقتی که آن را بر زمین کارند، کوچکترین تخمهاز میزینی خشکید. ۷ و قادری در میان خارها ریخته شد و خارها نمو کرده، باشد. ۳۲ لیکن چون کاشته شد، می‌روید و بزرگ از جمیع بقول آن را خفه نمود که ثمری نیاورد. ۸ و مابقی در زمین نیکو افتداد و می‌گردد و شاخه‌های بزرگ می‌آورد، چنانکه مرغان هوا زیر سایه‌اش

می توانند آشیانه گیرند.» ۳۳ و به مثلهای بسیار مانند اینها بقدرتی نزد عیسی رسیده، آن دیوانه را که لجنون داشته بود دیدند که استعفاط شنیدن داشتند، کلام را بدیشان بیان می فرمود، ۲۴ و نشسته و لباس پوشیده و عاقل گشته است، بترسیدند. و آنانی بدون مثل بدیشان سخن نگفت. لیکن در خلوت، تمام معانی را که دیده بودند، سرگذشت دیوانه و گرازان را بدیشان بازگفتند. ۱۷ برای شاگردان خود شرح می نمود. ۲۵ و در همان روز وقت شام، پس شروع به التماس نمودند که از حدود ایشان روانه شد. ۱۸ و بدیشان گفت: «به کناره دیگر عبور کنیم.» ۲۶ پس چون آن چون به کشتنی سوار شد، آنکه دیوانه بود ازوی استدعا نمود که با گروه رارخصت دادند، او را همانطوری که در کشتنی بود را بدشتند وی باشد. ۱۹ اما عیسی وی را اجازت نداد بلکه بدو گفت: «به چند زورق دیگر نیز همراه او بود.» ۲۷ که ناگاه طوفانی عظیم از خانه نزدیکیشان خود برو و ایشان را خبر ده از آنجه خداوند با تو باد پدید آمد و امواج بر کشتنی می خورد بقسمی که برمی گشت. کرده است و چگونه به تو رحم نموده است.» ۲۰ پس روانه ۲۸ و او در موخر کشتنی بر بالشی خفته بود. پس اورا بیدار کرده شده، در دیکاپولس به آنجه عیسی با وی کرده، موقعه کردن گفتند: «ای استاد، آیا تو را باکی نیست که هلاک شویم؟» ۲۹ آغاز نمود که همه مردم متوجه شدند. ۲۱ و چون عیسی باز به در ساعت اوپرخاسته، باد را نهیب داد و به دریا گفت: «ساکن آنطرف، در کشتنی عبور نمود، مردم بسیار بر وی جمع گشتند شو و خاموش باش!» که باد ساکن شده، آرامی کامل پدید آمد. و برکاره دریا بود. ۲۲ که ناگاه یکی از روسای کنیسه، بایوس ۴۰ و ایشان را گفت: «از بهرجه چنین ترسانید و چون است که نام آمد و چون او را بدید بر پایهایش افتاده، ۲۳ بدو التماس ایمان ندارید؟» ۴۱ پس ای نهایت ترسان شده، به یکدیگر گفتند: بسیار نموده، گفت: «نفس دخترک من به آخر رسیده. بیا و بر این کیست که باد و دریا هم او را اطاعت می کنند؟» ۲۴ پس با او روانه شده، خلق بسیار نیز از بی او افتاده، بر وی ازدحام می نمودند.

۵ پس به آن کناره دریا تا به سزمین چاریان آمدند. ۲ و چون آنگاه زنی که مدت دوازده سال به استحاضه مبتلا می بود، از کشتنی بیرون آمد، فی الفور شخصی که روحی پلید داشت از قبور بیرون شده، بدو برخورد. ۳ که در قبور ساکن می بود و هیچ کس به زنجیرها هم نمی توانست اورا بند نماید، ۴ زیرا که بارها او را به کندها وزنجیرها بسته بودند و زنجیرها را گسیخته و کندها را شکسته بود و احدی نمی توانست او را رام نماید، ۵ پیوسته شب و روز در کوهها و قبرها فربی می زد و خود را به سنتگها مجرح می ساخت. ۶ چون عیسی را از دور دید، دوان دوان آمده، او را سجده کرد، ۷ و به آواز بلند صیحه زده، گفت: «ای عیسی، پسر خدای تعالی، مرا با توجه کار است؟ تو را به خدا شاگردانش بدو گفتند: «می بینی که مردم بر توازن حمام می نمایند! و قسم می دهم که مرا معذب نسازی.» ۸ زیرا بدو گفتنه بود: «ای روح پلید از این شخص بیرون بیا!» ۹ پس از اوپریسید: «اسم تو چیست؟» «به وی گفت: «نام من لجنون است زیرا که بسیاریم.» ۱۰ پس بدوا التماس بسیار نمود که ایشان را از آن سزمین بیرون نکند. ۱۱ و در حوالی آن کوهها، گله گزاریسواری می چرید. گفت: «ای دختر، ایمان تو را شنا داده است. به سلامتی برو و همه دیوها از وی خواهش نموده، گفتند: «ما را به گرازان از بالای خویش رستگار باش.» ۱۲ فور عیسی ایشان را جازت بفرست تادر آنها داخل شویم.» ۱۳ عیسی چون سخنی داد. پس آن ارواح خبیث بیرون شده، به گرازان داخل گشتند و آن دیگر برای چه استاد را زحمت می دهی؟» ۱۴ عیسی چون سخنی گله از بلندی به دریاجست و قریب بدو هزار بودند که در آب را که گفته بودند شنید، درساعت به رئیس کنیسه گفت: «مترس خفه شدند. ۱۵ و خوک با نان فرار کرده، در شهر و مزرعه ها خبر ایمان آور وس!» ۱۶ و چون هیچ کس را اجازت نداد که از عقب او بیایند. ۱۷ پس چون به

خانه رئیس کنیسه رسیدند، جمیع شوریه دید که گریه و نوحه است با چون یکی از انبیا. ۱۶ اما هیرودیس چون شنید گفت: بسیار می نمودند. ۳۹ پس داخل شده، بدیشان گفت: «چرا غوغای این همان یحیی است که من سرش را از تن جدا کرد که از و گریه می کنید؟ دختر نمرده بلکه در خواب است.» ۴۰ ایشان بر مردگان برخاسته است.» ۱۷ زیرا که هیرودیس فرستاده، یحیی را وی سخریه کردند لیکن او همه را بیرون کرد، پدر و مادر دختر را گرفتار نموده، او رادر زندان بست بخاطر هیرودیا، زن برادر او با رفیقان خویش برداشته، به جایی که دختر خواپیده بود، داخل فیلیپس که او را در نکاح خویش آورده بود. ۱۸ از آن جهت که شد. ۴۱ پس دست دختر را گرفته، به وی گفت: «طلیبا قومی.» یحیی به هیرودیس گفتند: «نگاه داشتن زن برادرت بر تو روا که معنی آن است: «ای دختر، تو را می گوییم برحیز.» ۴۲ در نیست.» ۱۹ پس هیرودیا از او کیمی داشته، می خواست اور ا ساعت دختر برخاسته، خرامید زیرا که دوازده ساله بود. ایشان به قتل رساند اما نمی توانست، ۲۰ زیرا که هیرودیس از یحیی بینهایت متعجب شدند. ۴۳ پس ایشان را به تاکید بسیار فرمود: می ترسید چونکه او را مرد عادل و مقدس می دانست و رعایتش «کسی از این امر مطلع نشود.» و گفت تا خوارکی بدو دهدن. می نمود و هرگاه از او می شنید بسیار به عمل می آورد و به خوشی سخن او را اصلاح می نمود. ۲۱ اما چون هنگام فرصت رسید که

۶ پس از آنجا روانه شده، به وطن خویش آمد و شاگردانش از هیرودیس در روز میلاد خودمان از خود و سرتیبان و روسای جلیل عقب او آمدند. ۲ چون روز سبت رسید، در کنیسه تعليم دادن را ضیافت نمود؛ ۲۲ و دختر هیرودیا به مجلس درآمده، رقص کرد و هیرودیس و اهل مجلس را شاذنمود. پادشاه بدان دختر گفت: «آنچه خواهی ازمن بطلب تا به تو دهم.» ۲۳ و از برای او قسم خوردکه آنچه از من خواهی حتی نصف ملک مراهراهی به تو عطا کنم.» ۲۴ او بیرون رفته، به مادر خود گفت: «چه بطلبم؟» عیسی ایشان را گفت: «تبی بی حرمت نباشد جز در وطن خود و میان خویشان و در خانه خود. ۵ و در آنچاهیچ معجزه ای نتوانست نمود جز اینکه دستهای خود را بر چند مرضی نهاده، ایشان را شفا به شدت محزون گشت، لیکن بجهت پاس قسم و خاطر اهل مجلس نخواست او را محروم نماید. ۲۷ بی درنگ پادشاه جladی فرستاده، فرمود تا سرش را بایورد. ۲۸ و او به زندان رفته سر او را از قدرت داد، ۸ و ایشان را قدغن فرمود که «جز عصا فقط، هیچ چیز پرنداری، نه توشه دان و نه پول در کمریند خود، ۹ بلکه موذای در پا کنید و دو قیا در بر نکنید.» ۱۰ و بدیشان گفت: «در هر جادا خل خانه ای شوید، در آن بمانید تا از آنجا کوچ کنید. ۱۱ و هرجا که شما را بول نکنید و به سخن شما گوش نگیرند، از آن مکان بیرون رفته، خاک پایهای خود را بیفشارید تا بر آنها شهادتی گردد. هر آنچه به شما می گویی حالت سلام و غموده در روز جزا از آن شهر سهل تر خواهد بود.» ۱۲ پس روانه شده، موعظه کردند که توبه کنند، ۱۳ و بسیار دیوها را بیرون کردند و مربیان کثیر راروغن مالیده، شفا دادند. ۱۴ و هیرودیس پادشاه شنید زیرا که اسم او شهرت یافته بود و گفت که «یحیی تعمیدهنده از مردگان گرفت. ۱۵ و چون بیشتری از روز سپری گشت، شاگردانش نزد اوی آمده، گفتند: «این مکان ویرانه است و وقت منقضی شده. اما بعضی گفتند که الیاس است و بعضی گفتند که نبی ای آینها را رخصت ده تا به اراضی و دهات این نواحی رفته، نان

بجهت خود بخزند که هیچ خوراکی ندارند.» ۳۷ در جواب ایشان نشوید غذا نمی خورند، ۴ و چون از بازارها آید تا نشوید چیزی گفت: «شما ایشان را غذا دهید!» وی را گفتند: «مگر رفته، نمی خورند و بسیار رسم دیگر هست که نگاه می دارند چون دویست دینار نان بخریم تا اینها را طعام دهیم!» ۳۸ بدیشان شستن پیالهها و آتفابهها و ظروف مس و کرسیها. ۵ پس فریسان گفت: «جند نان دارید؟ رفته، تحقیق کنید.» پس دریافت کرده، و کاتبان از اوپریسند: «چون است که شاگردان تو به تقليد مشایخ گفتند: «پنج نان و دو ماهی.» ۳۹ آنگاه ایشان را گفتم که «همه سلوک نمی نمایند بلکه به دستهای ناپاک نان می خورند!» ۶ را دسته دسته بر سبزه بنشانید.» ۴۰ پس صفات صفت، صد صد و در جواب ایشان گفت: «نیکو اخبار نموداش عیار درباره شما ای پنجاه پنجاه نشستند.» ۴۱ و آن پنج نان و دو ماهی را گرفته، به ریاکاران، چنانکه مكتوب است: این قوم به لبهای خود مردمت سوی آسمان نگریسته، برکت داد و نان را پاره نموده، به شاگردان می دارندلیکن دلشان از من دور است. ۷ پس مرا عبث عبادت خود بسپرد تا پیش آنها بگذارند و آن دو ماهی را بر همه آنها تقسیم می نمایند زیرا که رسم انسانی را به جای فرایض تعلیم می دهند، ۸ نمود. ۴۲ پس جمیع خورده، سیر شدند. ۴۳ و از خرده های نان و زیرا حکم خدا را ترک کرده، تقليد انسان را نگاه می دارند، چون ماهی، دوازده سبد پر کرده، برداشتند. ۴۴ و خورندها نان، قریب شستن آتفابهها و پیالهها و چنین رسم دیگر بسیار بعمل می آورید.» به پنج هزارمرد بودند. ۴۵ فی الفور شاگردان خود را الحاج فرمود ۹ پس بدیشان گفت که «حکم خدا را نیکو باطل ساخته اید تا که به کشته سوار شده، پیش از او به بیت صیدا عبورکنند تا خود تقليد خود را محکم بدارید. ۱۰ از اینجهت که موسی گفت پدر آن جماعت را مرخص فرماید. ۴۶ و چون ایشان را مرخص نمود، و مادرخود را حرمت دار و هر که پدر یا مادر را دشمن دهد، البته بجهت عبادت به فراز کوهی برآمد. ۴۷ و چون شام شد، کشته هلاک گردد. ۱۱ لیکن شما می گویید که هرگاه شخصی به پدر در میان دریا رسید و او تنها بر خشکی بود. ۴۸ و ایشان را در راندن یا مادر خود گوید: «آنچه ازمن نفع یابی قربان یعنی هدیه برای کشته خسته دید زیرا که بادمخالف بر ایشان می وزید. پس نزدیک خداست.» ۱۲ و بعد از این او را اجازت نمی دهید که پدر یا پاس چهارم از شب بر دریا خرامان شده، به نزد ایشان آمد و مادرخود را هیچ خدمت کند. ۱۳ پس کلام خدا را به تقليدی که خواست از ایشان بگذرد. ۴۹ اما چون او را بر دریا خرامان دیدند، خود جاری ساخته اید، باطل می سازید و کارهای مثل این بسیار تصور نمودند که این خیالی است. پس فریاد برآوردند، ۵۰ زیرا که به جامی آورید.» ۱۴ پس آن جماعت را پیش خوانده، بدیشان همه او را دیده، مضطرب شدند. پس بزرگ بدیشان خطاب گفت: «همه شما به من گوش دهید و فهم کنید. ۱۵ هیچ چیز کرده، گفت: «خاطر جمع دارید! من هستم، ترسان میباشد!» نیست که از بیرون آدم داخل او گشته، بتواند او را نجس سازد ۵۱ و تا نزد ایشان به کشته سوار شد، باد ساکن گردید چنانکه بلکه آنچه از درونش صادر شود آن است که آدم را ناپاک می سازد. پینهایت درخود متغیر و متعجب شدند، ۵۲ زیرا که معجزه نان را ۱۶ هر که گوش شنوا دارد بشنود. ۱۷ و چون از نزد جماعت به درز نکرده بودند زیرا دل ایشان سخت بود. ۵۳ پس از دریا خانه درآمد، شاگردانش معنی مثل را از او پرسیدند. ۱۸ بدیشان گذشته، به سرمهین چنیسارت آمده، لنگر انداختند. ۵۴ و چون از گفت: «مگر شما نیز همچنین بی فهم هستید و نمی دانید که آنچه کشته بیرون شدند، مردم در حال او را شناختند، ۵۵ و در همه از بیرون آدم می شود، نمی تواند او را ناپاک سازد، ۱۹ زیرا آن نواحی بشتاگ می گشتند و بیماران را بر تختهایهاده، هر جا که داخل دلش نمی شود بلکه به شکم می رود و خارج می شود که می شنیدند که او در آنجا است، می آورند. ۵۶ و هر جایی به مزیله ای که این همه خوارک را پاک می کنند.» ۲۰ و گفت: که به دهات یا شهرها یا اراضی می رفت، مریضان را بر راهها «آنچه از آدم بیرون آید، آن است که انسان را ناپاک می سازد، ۲۱ می گذارندلو از او خواهش می نمودند که محض دامن ردای او را زیرا که از درون دل انسان صادر می شود، خیالات بد و زنا و لمس کنند و هر که آن را لمس می کرد شفامی یافت.

۷ و فریسان و بعضی کاتبان از اورشلیم آمده، نزد او جمع درون صادر می گردد و آدم را ناپاک می گرداند.» ۲۴ پس از آنچه برخاسته به حوالی صور و صیلون رفته، به خانه درآمد و خواست که هیچ کس مطلع نشود، لیکن نتوانست مخفی بماند، ۲۵ و همه یهود تممسک به تقليد مشایخ نموده، تا دستها را بدقت که زنی که دخترک وی روح پلیداشت، چون خبر او را بشنید،

فور آمده بربایهای او افتاد. ۲۶ و او زن یونانی از اهل فینیقیه صوریه «از برای چه این فرقه آیتی می‌خواهد؟ هرآیه به شما می‌گوییم آیتی بود. پس از وی استدعا نمود که دیو را از دخترش بیرون کرد. ۲۷ بدین فرقه عطا نخواهد شد.» ۱۳ پس ایشان را گذارد و باز به عیسی وی را گفت: «بگذار اول فرزندان سیر شوند زیرا نان فرزندان کشته سوارشده، به کاره دیگر عبور نمود. ۱۴ و فراموش کردند راگفنهن و پیش سکان انداختن نیکو نیست.» ۲۸ آن زن در جواب که نان بردازند و با خود در کشته چریک نان نداشتند. ۱۵ آنگاه وی گفت: «بلی خداوندا، زیرا سگان نیز پس خرده های فرزندان را ایشان را قدر غم فرمود که «باخبر باشید و از خمیر مایه فریسیان و از زیر سفره می‌خورند.» ۲۹ وی را گفت؛ «بجهت این سخن برو خمیر مایه هیرودیس احتیاط کنید!» ۱۶ ایشان با خوداندیشیده، که دیو از دخترت بیرون شد.» ۳۰ پس چون به خانه خود رفت، گفتند: «از آن است که نان نداریم.» ۱۷ عیسی فهم کرده، دیو را بیرون شده و دختر را بربیستر خواهید یافت. ۳۱ و باز از بدبیشان گفت: «چرا فکرمنی کنید از آنجهت که نان ندارید؟ آیا نواحی صور روانه شده، از راه صیدون در میان حملون دیکابولیس به هنوزنفهیمه و درک نکرداید و تا حال دل شما سخت است؟ دریای جلیل آمد. ۳۲ آنگاه کری را که لکنت زیان داشت نزد وی ۱۸ آیا چشم داشته نمی‌بینید و گوش داشته نمی‌شود و به یاد آورده، التماس کردند که دست بر او گذارد. ۳۳ پس او را از ندارید؟ ۱۹ وقتی که پنج نان را برای پنج هزار نفر پاره کردم، میان جماعت به خلوت بوده، انگشتان خود را در گوشها ای او چند سبییر از برادرها برداشته؟» ۲۰ بدو گفتند: «دوازده.» ۲۱ و گذاشت و آب دهان انداخته، زیانش را لمس نمود؛ ۳۴ و به سوی وقی که هفت نان را بجهت چهار هزار کس؛ پس زنبیل پر از آسمان نگرسیه، آهی کشید و بدو گفت: «افح!» یعنی باز شو ریشه ها برداشته؟» ۲۲ گفتندش: «هفت.» ۲۱ پس بدبیشان گفت: ۲۵ در ساعت گوشها ای او گشاده و عقده زیانش حل شده، به «چرا نمی فهمید؟» ۲۳ چون به بیت صیدا آمد، شخصی کور را درستی تکلم نمود. ۲۶ پس ایشان را قدغن فرمود که هیچ کس را نزد او آوردند و التماس نمودند که او را لمس نماید. ۲۳ پس خبرنده؛ لیکن چندان که بیشتر ایشان را قدغن نمود، زیادتر او را دست آن کور را گرفته، او را از قریه بیرون برد و آب دهان بر شهرت دادند. ۳۷ و پنهایت متحیر گشته می گفتند: «همه کارها چشمان او افکنده، و دست بر او گذارده از او پرسید که «چیزی را نیکوکرده است؛ کران را شنوا و گنگان را گویامی گرداندا.» می بینی؟» ۲۴ اوبالا نگرسیسته، گفت: «مردمان را خرامان، چون درختها می بینم.» ۲۵ پس بار دیگر دستهای خودرا بر چشممان او و در آن ایام باز جمعیت، بسیار شده و خوارکی نداشتند. ۲۶

گذارده، او را فرمود تا بالانگریست و صحیح گشته، همه چیز را به عیسی شاگردان خود را پیش طلبیده، به ایشان گفت: «بر این خوبی دید. ۲۶ پس او را به خانه اش فرستاده، گفت: «داخل ده گروه دلم بسوخت زیرا الان سه روز است که با من می باشندو هیچ مشو و هیچ کس را در آن جا خبر مده.» ۲۷ و عیسی با شاگردان خوراک ندارند. ۳ و هرگاه ایشان را گرسنه به خانه های خود خود به دهات قیصریه فیلیپ رفت. و در راه از شاگردانش پرسیده، برگردانم، هرآیه در راه ضعف کنند، زیرا که بعضی از ایشان از راه گفت که «مردم مرآ که می دانند؟» ۲۸ ایشان جواب دادند که دور آمدند.» ۴ شاگردانش وی را جواب دادند: «از کجا کسی «یحیی تعمیدهنده و بعضی الیاس و بعضی یکی از اینها.» ۲۹ می تواند اینها را در این صحراء از نان سیر گرداند؟» ۵ از ایشان او از ایشان پرسید: «شمامرا که می دانید؟» پطرس در جواب او پرسید: «چند نان دارید؟» ۶ گفتند: «هفت.» ۶ پس جماعت را گفت: «تموییح هستی.» ۷ پس ایشان را فرمود که «هیچ کس فرمود تا بر زمین بنشینند؛ و آن هفت نان را گرفته، شکر نمود و را از او خبر ندهند.» ۳۱ آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که پاره کرده، به شاگردان خود داد تا پیش مردم گذارند. پس نزد آن «لازم است پسر انسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و روسای گروه نهادند.» ۷ و چند ماهی کوچک نیز داشتند. آنها را نیز برك کهنه و کابان را شد و کشته شد، بعد از سه روز برخیزند. ۳۲ داده، فرمود تا پیش ایشان نهند. ۸ پس خورده، سیر شدند و هفت و چون این کلام را عالانیه فرمود، پطرس او را گرفته، به منع کردن زنبیل پر از پاره های باقی مانده برداشتند. ۹ و عدد خورندها کان قریب به چهار هزار بود. پس ایشان را مرخص فرمود. ۱۰ و بی درنگ با شاگردان به کشته سوار شده، به نواحی دلمانوته آمد. ۱۱ و اندیشه نمی کنی بلکه چیزهای انسانی را.» ۳۴ پس مردم را با فریسیان بیرون آمدند، با وی به مباحثه شروع کردند. و از راه امتحان شاگردان خود خوانده، گفت: «هر که خواهد از عقب من آید، آیتی آسمانی از او خواستند.» ۱۲ او از دل آهی کشیده، گفت: «خویشتن را انکارکنند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نمایند.

۳۵ زیرا هرکه خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد؛ «ای استاد، پسر خود رانزد تو آوردم که روحی گنگ دارد، ۱۸ و هرکه جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند. هر جا که او را بگیرد می‌اندازدش، چنانچه کف برآورده، دندانها می‌زیند که شخص را چه سود دارد هر گاه تمام دنیا را برد و بهم می‌ساید و خشک می‌گردد. پس شاگردان تو را گفتم که او را نفس خود را بیارد؟^{۳۷} یا آنکه آدمی چه چیز را به عوض جان بیرون کنند، توانستند.»^{۱۹} او ایشان را جواب داده، گفت: خود بددهد؟^{۳۸} زیرا هرکه در این فرقه زناکار و خطکار از من و «ای فرقه بی‌ایمان تا کی با شما باشم و تا چه حدمتحمل شما سخنان من شرمده شود، پسر انسان نیز وقی که با فرشتگان شوم! او را نزد من آورید.»^{۲۰} پس اورانزد و آوردند. چون او را مقدس درجلال پدر خویش آید، از او شرمده خواهد گردید.»

۶ دید، فور آن روح او را مصروف کرد تا بر زمین افتاده، کف برآورده درجلال پدر خویش آید، از پسر سید: «چند وقت است که او وغلطان شد.»^{۲۱} پس از پدر وی پرسید: «چند وقت است که او و بدیشان گفت: «هرآیه به شما می‌گویم بعضی از را این حالت است؟»^{۲۲} گفت: «ازطفولیست.»^{۲۲} و بارها او را در ایستادگان در اینجا می‌باشد که تاملکوت خدا را که به قوت آتش و در آب انداخت تا او را هلاک کند. حال اگر می‌توانی بر ماترholm کرده، ما را مدد فرما.»^{۲۳} عیسی وی را گفت: «اگر می‌توانی ایمان آری، مومن را همه‌چیزممکن است.»^{۲۴} در ساعت فراز کوهی به خلوت برد و هیاش در نظر ایشان متغیر گشت.^۳

۷ و لباس او درخشناد و چون برف بغایت سفید گردید، چنانکه هیچ گازی بر روی زمین نمی‌تواند چنان سفید نماید. ^۴ والیاس با موسی بر ایشان ظاهر شده، با عیسی گفتگو می‌کردند.^۵ پس پطرس ملتفت شده، به عیسی گفت: «ای استاد، بودن ما در اینجا نیکو است! پس سه سایبان می‌سازیم، یکی برای تو و آمد و مانند مرده گشت، چنانکه بسیاری گفتند که فوت شد. دیگری برای موسی و سومی برای الیاس!»^۶ از آنرو که نمی‌دانست چه بگوید، چونکه هراسان بودند. ^۷ ناگاه ابری بر ایشان سایه انداخت و آوازی از ابردرسید که «این است پسر حبیب من، از او بشنوید.»^۸ در ساعت گردآگرد خود نگریسته، جزعیسی تنها با خود هیچ کس را ندیدند.^۹ و چون از کوه به زیر می‌امند، ایشان راقدغن فرمود که تا پسر انسان از مردگان بزنخیزد، از آنچه دیده‌اند کسی را خبر ندهند.^{۱۰} و این سخن را در خاطر خود نگاه داشته، از یکدیگرسوال می‌کردند که براحتی از مردگان چه باشد.^{۱۱} پس از او استفسار کرده، گفتند: «چرا کاتبان می‌گویند که الیاس باید اول بیاید؟»^{۱۲} او در جواب ایشان گفت که «الیاس الله اول می‌آید و همه‌چیز را اصلاح می‌نماید و چگونه درباره پسرانسان مکتوب است که می‌باید زحمت بسیارکشد و حقیر شمرده شود.»^{۱۳} لیکن به شمامی گویم که الیاس هم آمد و با وی آنچه خواستند کردند، چنانچه در حق وی نوشته شده است.^{۱۴} پس چون نزد شاگردان خود رسید، جمعی کثیر گرد ایشان دید و بعضی از کاتبان را که با ایشان مباحثه می‌کردند.^{۱۵} در ساعت، تمامی خلق چون او را بیدیند در حیرت افتادند و دون دوان آمد، او را سلام دادند.^{۱۶} آنگاه از کاتبان پرسید که با اینها چه مباحثه دارید؟^{۱۷} یکی از آن میان در جواب گفت: «ای استاد، شخصی را دیدیم که به نام تو دیویها بیرون می‌کرد و متابعت ما

نمی نمود؛ و چون متابعت مانمی کرد، او را ممانعت نمودیم.» گفت: «هرکه زن خود را طلاق دهد و دیگری را نکاح کند، عیسی گفت: «او را منع مکنید، زیرا هیچ کس نیست که برق وی زنا کرده باشد. ۱۲ و اگر زن از شوهر خود جداشود و معجزه‌ای به نام من بنماید و بتواند به زودی درحق من بد گوید. منکوحه دیگری گردد، متکب زنا شود.» ۱۳ و بچه‌های کوچک ۴۰ زیرا هرکه ضد مانع نیست باماست. ۴۱ و هرکه شما از این رو را نزد او آوردن تایلشان را لمس نماید؛ اما شاگردان آورندگان که از آن مسیح هستید، کاسه‌ای آب به اسم من بتوشاند، هرآیه رامع کردند. ۴۲ و هرکه یکی گفت: «بگذارید که بچه‌های کوچک نزد من آیند و ایشان را از این می‌گویند اجر خود را ضایع نخواهد کرد. ۴۳ و هرگاه دستت تو را بلغراند، آن را ببریزید تو را بهتر است که داخل آن نشود.» ۱۶ پس ایشان را در آغوش کشید و دست بر شل داخل حیات شوی، ازینکه با دو دست وارد جهنم گردی، ایشان نهاده، برکت داد. ۱۷ چون به راه می‌رفت، شخصی دوان در آتشی که خاموشی نپذیرد؛ **(Geenna g1067)** ۴۴ جایی دوان آمده، پیش او زانو زده، سوال نمود که «ای استادنیکو چه که کرم ایشان نمیرد و آتش، خاموشی نپذیرد. ۴۵ و هرگاه بایت کنم تا وارث حیات جاودانی شوم؟» **(aiōnios g166)** ۱۸ عیسی تو را بلغراند، قلعش کن زیرا تو را مفیدتر است که لنگ داخل بدو گفت: «چرا مرا نیکو گفتنی و حال آنکه کسی نیکو نیست حیات شوی از آنکه با دو پا به جهنم افکنده شوی، در آتشی که جز خدا فقط؟» ۱۹ احکام را می‌دانی، زنا ممکن، قتل ممکن، خاموشی نپذیرد؛ **(Geenna g1067)** ۴۶ آنجایی که کرم ایشان دردی ممکن، شهادت دروغ مده، دغاباری ممکن، پدر و مادر خود نمیرد و آتش، خاموش نشود. ۴۷ و هرگاه چشم تو تو را لغوش راحرمت دار.» ۲۰ او در جواب وی گفت: «ای استاد، این دهد، قلعش کن زیرا تو را بهتر است که با یک چشم داخل همه را از طفویلت نگاه داشتم.» ۲۱ عیسی به وی نگریسته، ملکوت خدا شوی، از آنکه با دو چشم درآتش جهنم انداخته او را محبت نمود و گفت: «تو را یک چیز ناقص است: برو و شوی،

(Geenna g1067) ۴۸ جایی که کرم ایشان نمیرد و آتش آنچه داری بفروش و به فقره بده که در آسمان گنجی خواهی خاموشی نیابد. ۴۹ زیرا هرکس به آتش، نمکین خواهد شد و هر یافت و بیا صلیب را پداشته، مرا پیروی کن.» ۲۲ لیکن او از قربانی به نمک، نمکین می‌گردد. ۵۰ نمک نیکو است، لیکن هر این سخن ترش رو و محزون گشته، روانه گردید زیرا اموال بسیار گاه نمک فاسد گردد به چه چیز آن را اصلاح می‌کنید؟ پس در داشت. ۲۳ آنگاه عیسی گذاگرد خود نگریسته، به شاگردان خود خود نمک بدارید و با یکدیگر صلح نماید.»

۲۴ چون شاگردانش از سخنان او در حیرت افتادند، عیسی باز و از آنجا برخاسته، از آن طرف اردن به نواحی یهودیه توجه نموده، بدیشان گفت: «ای فرزندان، چه دشوار است دخول آمد. و گروهی باز نزدی جمع شدند و او بمحاسب عادت خود، آنایی که به مال و اموال توکل دارند در ملکوت خدا! ۲۵ سهل بازدیدشان تعلیم می‌داد. ۲ آنگاه فریسان پیش آمده، از روی تراست که شتر به سوراخ سوزن درآید از اینکه شخص دولتمند امتحان ازو سوال نمودند که «ایا مرد را طلاق دادن زن خویش به ملکوت خدا داخل شود!» ۲۶ ایشان بغايت تعبيرگشته، با جاييز است.» ۳ در جواب ایشان گفت: «موسی شما را چه يكديگر مي گفتند: «پس که می‌تواندنجات یابد؟» ۲۷ عیسی به فرموده است؟» ۴ گفتند: «موسی اجازت داد که طلاق نامه ایشان نظر کرده، گفت: «نزد انسان محال است لیکن نزد خدا نیست زیرا که همه‌چیز نزد خدا ممکن است.» ۲۸ پطرس بدلوگفشن سنگدلی شما این حکم را برای شما نوشت. ۶ لیکن از ابتدای گرفت که «اینک ما همه‌چیز را ترک کرده، تورا پیروی کردہ‌ایم.» خلقت، خدا ایشان را مرد و زن آفرید. ۷ از آن جهت باید مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، با زن خویش پیویند، ۸ و این دو یک تن خواهند بود چنانکه از آن پس دو نیستند بلکه یک جسد. ۹ پس آنچه خدا پیوست، انسان آن راجدا نکند.» ۱۰ و در خانه باز شاگردانش از این مقدمه ازوی سوال نمودند. ۱۱ بدیشان

اما بسا اولین که آخرین «جه می خواهی از بهر تو نمایم؟» کور بدوقفت: «یا سیدی آنکه می گردندو آخرین اولین». ۳۲ و چون در راه به سوی اورشلیم بیانی یابم. ۵۲ عیسی بدلوقفت: «برو که ایمانت تو را شفا داده می رفتد و عیسی در جلو ایشان می خرمید، در حیرت افتادند و است.» درساعت بینا گشته، از عقب عیسی در راه روانه شد.

چون از عقب او می رفتد، ترس بر ایشان مستولی شد. آنگاه آن ۱۱ و چون نزدیک به اورشلیم به بیت فاجی و بیت عنیا بر

دوازده را باز به کارکشیده، شروع کرد به اطلاع دادن به ایشان از کوه زیتون رسیدند، دو نفر از شاگردان خود را فرستاده، ۲ بدبیشان آنچه بر وی وارد می شد، ۳۳ که «اینک به اورشلیم می رویم و پسر

انسان بدست روسای کهنه و کاتبان تسليم شود و بروی فتوای قتل دهند و اروا به امتهای سپارتند، ۳۴ و بروی سخریه نموده، تازیانه اش گفت: «بین قریه ای که پیش روی شما است بروید و چون وارد آن

شدید، درساعت کره الاغی را بسته خواهید یافت که تا به حال هیچ کس بر آن سوارنشده؛ آن را باز کرده، بیاورید. ۳ و هرگاه زند و آب دهان بر وی افکنده، او را خواهید کشت و روز سوم

خواهد برخاست.» ۳۵ آنگاه یعقوب و یوحنا دو پسر زیدی نزدی آمده، گفتند: «ای استاد، می خواهیم آنچه از تو سوال کنیم برای ما

پکنی.» ۳۶ ایشان را گفت: «جه می خواهید برای شما یک؟» ۳۷ گفتند: «به ما عطا فرما که یکی به طرف راست و دیگری

برچپ تو در جلال تو پنشینیم.» ۳۸ عیسی ایشان را گفت: «نمی فهمید آنچه می خواهید. آیا می توانید آن پالای را که من می نوشم،

بنویشید و تعمیدی را که من می پذیرم، پذیرید؟» ۳۹ وی را گفتند: «می توانیم.» ۴۰ عیسی بدبیشان گفت: «پالای را که من می نوشم

خواهید آشامید و تعمیدی را که من می پذیرم خواهید پذیرفت. ۴۰ لیکن نشستن بدست راست و چپ من از آن من نیست که

بدهم جز آنان را که از بهر ایشان مهمی شده است.» ۴۱ و آن ده

نفر چون شنیدند بر یعقوب و یوحنا خشم گرفتند. ۴۲ عیسی ایشان را خوانده، به ایشان گفت: «می دانید آنانی که حکام امتهای شمرده می شوند بربایشان ریاست می کنند و بزرگانشان بر ایشان

ملسطنند. ۴۳ لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. ۴۴ و هر که

خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد. ۴۵ زیرا که پسر انسان نیز نیامده تام خدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای

بسیاری کند.» ۴۶ وارد اریحا شدند. و وقتی که او با شاگردان

وارد اورشلیم شدند. و چون عیسی داخل هیکل گشت، به بیرون کردن آنانی که در هیکل خرید و فروش می کردند شروع نمود و تخت

های صرافان و کرسیهای کوتوفرشان را واژگون ساخت، ۱۶ و عیسی ناصری است، فریاد کردن گرفت و گفت: «ای عیسی

ابن دادو من ترحم کن.» ۴۸ و چندان که بسیاری او را نهیب می دادند که خاموش شود، زیادتر فریاد برمی آورد که پسر دادو بر

من ترحم فرما. ۴۹ پس عیسی ایستاده، فرمود تا او را بخوانند. آنگاه آن کور را خوانده، بد و گفتند: «خاطر جمع دار برخیز که

تو را می خواند.» ۵۰ درساعت ردای خود را دور انداخته، بر پا

جست و نزد عیسی آمد. ۵۱ عیسی به وی التفات نموده، گفت:

بیرون رفت. ۲۰ صبحگاهان، در اثنای راه، درخت انجیر را از تامیرات از آن ماگردد. پس او را گرفته، مقتول ساختند و او را ریشه خشک یافتند. ۲۱ پطرس به خاطر آورده، وی را گفت: «ای بیرون از تاکستان افکیدن.» پس صاحب تاکستان چه خواهد استاد، اینک درخت انجیری که نفریش کردی خشک شده!» ۲۲ کرد؟ او خواهد آمد و آن باغبان را هلاک ساخته، باع را به دیگران عیسی در جواب ایشان گفت: «به خدا ایمان آورید، زیرا که خواهد سپرد.» ۲۳ آیا این نوشته رخوانده‌اید: سنگی که عمارانش هرآینه به شما می‌گوییم هرکه بدین کوه گوید منتقل شده، به دریا رد کردند، همان سر زاویه گردید؟ ۱۱ این از جانب خداوند شد و افکنده شو و در دل خود شک نداشته باشد بلکه یقین دارد که در نظر ما عجیب است. ۱۲ آنگاه خواستند او را گرفار سازند، آنچه گویدمی شود، هرآینه هرآنچه گوید بد عطا شود. ۲۴ بنابراین اما از خلق می‌ترسیدند، زیرا می‌دانستند که این مثل را برای ایشان به شما می‌گوییم که بدین کوه گوید پس از خلق می‌کنید، یقین بدانید که آورده. پس او را واگذارده، برفتند. ۱۳ و چند نفر از فرسیان و آن را یافته‌اید و به شما عطا خواهد شد. ۲۵ و وقتی که به دعا هیرودیان را نزدی فرستادند تا او را به سختی به دام آورند. ۱۴ باستید، هرگاه کسی به شما خطا کرده باشد، او را بیخشید ایشان آمده، بد گفتند: «ای استاد، ما را یقین است که تو تانکه پدر شما نیز که در آسمان است، خطای ای شما را معاف راستگو هستی و از کسی باک نداری، چون که به ظاهر مردم دارد. ۲۶ اما هرگاه شما نیخشید، پدر شما نیز که در آسمان است نمی‌نگری بلکه طریق خدرا به راستی تعلیم می‌نمایی. جزیه دادن تصصیرهای شما را نخواهد بخشید.» ۲۷ و باز به اورشیم آمدند. به قصر جایز است یا نه؟ بد همیم یا ندهمیم؟ ۱۵ اما او را کاری ایشان و هنگامی که او در هیکل می‌خرامید، روسای کهنه و کاتبان و را در کرکده، بدیشان گفت: «چرا مرا امتحان می‌کنید؟ دیباری مشایخ نزد وی آمده، ۲۸ گفتندش: «به چه قدرت این کارها را نزد من آید تا آن را بینم.» ۱۶ چون آن را حاضر کردند، بدیشان می‌کنی و کیست که این قدرت را به توانده است تا این اعمال را گفت: «این صورت و رقم از آن کیست؟» وی را گفتند: «از آن بهجا آری؟» ۲۹ عیسی در جواب ایشان گفت: «من از شما نیز قیصر.» ۱۷ عیسی در جواب ایشان گفت: «آنچه از قیصر است، سختی می‌پرسم، مرا جواب دهید تا من هم به شما گوییم به چه به قیصر رد کنید و آنچه از خداست، به خدا.» و از او متعجب قدرت این کارها را می‌کنم. ۲۰ تعیید یعنی از آسمان بود یا از شدن. ۱۸ و صدو قیان که منکر هستند نزد وی آمده، از او سوال انسان؟ مرا جواب دهید.» ۲۱ ایشان در دلای خود تفکر نموده، گفتند: «ای استاد، موسی به ما نوشت که هرگاه برادر گفتند: «اگر گوییم از آسمان بود، هرآینه گوید پس چرا بدایمان کسی بمیرد و زنی بازگذاشته، اولادی نداشته باشد، برادرش زن او نیاوردید. ۲۲ و اگر گوییم از انسان بود،» از خلق بیم داشتند از رابگیری تا از بهر برادر خود نسلی پیدا نماید. ۲۰ پس هفت برادر آنچه که همه یعنی را نبی ای برقی می‌دانستند. ۲۳ پس در جواب بودند که نخستین، زنی گرفته، بمرد اولادی نگذاشت. ۲۱ پس عیسی گفتند: «نمی‌دانیم.» عیسی بدیشان جواب داد: «من هم ثانی او را گرفته، هم بی اولاد فوت شد و همچنین سومی.» ۲۲ تا شما را نمی‌گوییم که به کدام قدرت این کارها را بهجا می‌آورم.» آنکه آن هفت او را گرفتند و اولادی نگذاشتند و بعد از همه، زن فوت شد. ۲۳ پس در قیامت چون برخیزند، زن کدامیک از ایشان خواهد بود از جهت که شخصی خواهد بود از آنچه که هر هفت، او را به زنی گرفته بودند؟ ۲۴ تاکستانی غرس نموده، حصاری گردش کشید و چرخشته بساخت عیسی در جواب ایشان گفت: «آیا گمراه نیستید از آنرو که کتب ویرجی بنا کرده، آن را به دهقانان سپرد و سفر کرد. ۲ و در موسم، نوکری نزد دهقانان فرستاد تا ازموه باع از باغبانان بگیرد. ۳ اما نه نکاح می‌کنند و نه منکوحه می‌گردند، بلکه مانند فرشتگان، در ایشان او را گرفته، زندن و تهی دست روانه نمودند. ۴ باز نوکری آسمان می‌باشد. ۲۶ اما در باب مردگان که برمی‌خیزند، در دیگرند ایشان روانه نمود. او را نیز سنگسار کرده، سراو را شکستند کتاب موسی در ذکریوته نخوانده‌اید چگونه خدا او را خطاب کرده، و بی حرمت کرده، برگردانیدندش. ۵ پس یک نفر دیگر فرستاده، گفت که منم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب او را نیز کشند و بسادیگران را که بعضی را زندن و بعضی را به قتل رسانیدند. ۶ و بالاخره یک پسر حبیب خود را باقی داشت. او شما بسیار گمراه شده‌اید.» ۲۸ و یکی از کاتبان، چون مباحثه را نزد ایشان فرستاده، گفت: پسمرما حرمت خواهند داشت. ۷ ایشان را شنیده، دید که ایشان را جواب نیکو داد، پیش آمده، از لیکن دهقانان با خود گفتند: این وارث است؛ بیاید او را بکشیم او پرسید که «اول همه احکام کدام است؟» ۲۹ عیسی او را

جواب داد که «اول همه احکام این است که بشنوای اسرائیل، ازوی پرسیدند: ۴ «ما را خبر بد که این امور کی واقع می شود و خداوند خدای ما خداوند واحد است. ۵ و خداوند خدای خود را عالمت نزدیک شدن این امور چیست؟» ۵ آنگاه عیسی در جواب به تمامی دل و تمامی جان و تمامی خاطر و تمامی قوت خود ایشان سخن آغاز کرد که «نهار کسی شما را گمراه نکند! ۶ مجتب نما، که اول از احکام این است. ۷ و دوم مثل اول است زیرا که بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت که من هستم که همسایه خود را چون نفس خود مجتب نما. بزرگتر از این دو، و بسیاری را گمراه خواهند نمود. ۸ اما چون جنگها و اخبار حکمی نیست.» ۹ کاتب وی را گفت: «آقین ای استاد، نیکو جنگها را بشنوید، مضطرب مشوید زیرا که وقوع این حادث گفته، زیرا خدا واحد است و سوای او دیگری نیست، ۱۰ و ضروری است لیکن انتها هنوز نیست. ۱۱ زیرا که امتنی بر امتنی رایه تمامی دل و تمامی فهم و تمامی نفس و تمامی قوت محبت و مملکتی بر مملکتی خواهند براحت است و زلزله هادر جایها حادث نمودن و همسایه خود را مثل خود مجتب نمودن، از همه قربانی خواهد شد و قحطی ها و اغتشاش ها پدید می آید؛ و اینها ابتدای های سوختنی و هدایا افضل است.» ۱۲ چون عیسی پدید که دردهای زمین باشد. ۱۳ لیکن شما از برای خود احتیاط کنید زیرا عاقلانه جواب داد، به وی گفت: «از ملکوت خدارور نیستی.» که شما را به شوراهای خواهند سپرد و در کایاں تازیانه های خواهند و بعد از آن، هیچ کس جرات نکرده که ازو او سوالی کند. ۱۴ و زد و شما را پیش حکام و یادداشان بخاطر من حاضر خواهند هنگامی که عیسی در هیکل تعلیم می داد، متوجه شده، گفت: کرد تا برایشان شهادتی شود. ۱۵ و لازم است که انجیل اول «چگونه کاتبان می گویند که مسیح پسر داد است؟ ۱۶ و حال بر تمامی امتها موضعه شود. ۱۷ و چون شما را گرفته، تسلیم آنکه خود داد و در روح القدس می گوید که خداوند به خداوند کنند، میدیشید که چه بگویید و متفکر مباشید بلکه آنچه در آن من گفت بر طرف راست من بنشین تا دشمنان تو را پای انداز تو ساعت به شما عطا شود، آن را گویند زیرا گوینده شما نیستید بلکه سازم؟ ۱۸ خود داد او را خداوند می خواند؛ پس چگونه او را پسر روح القدس است. ۱۹ آنگاه برادر را و پدر، فرزند را به می باشد؟» و عوام الناس کلام او را به خشنودی می شنیدند. ۲۰ هلاکت خواهند سپرد و فرزندان بروالدین خود براحته، ایشان را به پس در تعلیم خود گفت: «از کاتبان احتیاط کنید که خرامیدن در قتل خواهند رسانید. ۲۱ و تمام حلق بجهت اسم من شما را دشمن لیاس دراز و تعظیم های دریاز را ۲۲ و کرسی های اول در کتابس خواهند داشت. اما هر که تا به آخر صیر کنند، همان نجات یابد. و جایهای صدر در ضیافت ها را دوست می دارند. ۲۳ اینان که ۲۴ «پس چون مکروه ویرانی را که به زبان دانیال نبی گفته شده خانه های بیوه زنان را می باغند و نماز را به ریاطول می دهند، عقوبت است، در جایی که نمی باید بپا بینید - آنکه می خواند بهم دشیدتر خواهند یافت.» ۲۵ و عیسی در مقابل بیت الممال نشسته، آنگاه آنانی که در پهوده می باشند، به کوهستان فرار کنند. ۲۶ و نظاره می کرد که مردم به چه وضع پول به بیت الممال می اندانزند؛ و هر که بر بام باشد، به زیر نیاید و به خانه داخل نشود تا چیزی بسیاری از دولتمدان، بسیاری انداختند. ۲۷ آنگاه بیوه زنی فقیر از آن برد، ۲۸ و آنکه در مزرعه است، بر نگردد تا رخت خود آمده، دوقلس که یک ربع باشد انداخت. ۲۹ پس شاگردان خود را بردارد. ۳۰ اما وای بر آبستان و شیر دهنگان در آن ایام پیش خوانده، به ایشان گفت: «هر آنیه به شما می گوییم این بیوه زن ۳۱ و دعا کنید که فرار شما در زمستان نشود، ۳۲ زیرا که در آن مسکین از همه آنانی که در خزانه انداختند، بیشتر داد. ۳۳ زیرا ایام، چنان مصیبی خواهد شد که از ابتدای خلقتی که خدا که همه ایشان از زیادتی خود دادند، لیکن این زن از حاجتمندی آفرید تاکنون نشده و نخواهد شد. ۳۴ و اگر خداوند آن روزها را خود، آنچه داشت انداخت، هیچ بشری نجات نیافری. لیکن بجهت برگزیدگانی که انتخاب نموده است، آن ایام را کوتاه ساخت. ۳۵ و چون او از هیکل بیرون می رفت، یکی از شاگردانش بدلو هرگاه کسی به شما گوید اینک مسیح در اینجاست یا اینک در آنجا، باور نکنید. ۳۶ زانو که مسیحان دروغ و انبیای کذبه است!» ۳۷ عیسی در جواب وی گفت: «آیا این عمارت های ظاهر شده، آیات و معجزات ایشان صادر خواهد شد، بقسمی عظیمه را می نگری؟ بدان که سنگی بر سنگی گذارده نخواهد شد، مگر آنکه به زیرافکنده شود!» ۳۸ و چون او بر کوه زیتون، لیکن شما بر جذر باشید! ۳۹ و در آن روزهای بعد از آن مصیبیت مقابل هیکل نشسته بود، پطرس و یعقوب و یوحنا و اندrias سر خورشید تاریک گردد و ماه نور خود را بازگیرد، ۴۰ و ستارگان

از آسمان فرو ریند و قوای افلاک متزلزل خواهد گشت. ۲۶ آنگاه نقدی بدو بدھند. او در صدد فرصت موافق برای گرفتاری وی پسر انسان را بینند که با قوت و جلال عظیم بر ابیرها می‌آید. ۲۷ روز اول از عید فطیر که در آن فصح راذب می‌کردند، در آن وقت، فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تابه شاگردانش به وی گفتند: «کجا می‌خواهی برویم تدارک بینیم تا اقصای فلک فراهم خواهد آورد. ۲۸ «الحال از درخت انجیر فصح را بخوری؟» ۲۹ پس دو نفر از شاگردان خود رافستاده، مثلش را فراگیرید که چون شاخه‌اش نازک شده، برگ می‌آوردمی بدیشان گفت: «به شهر بروید و شخصی با سیوی آب به شما دانید که تابستان نزدیک است. ۳۰ همچنین شما نیز چون این خواهد بودخورد. از عقب وی بروید، ۱۴ و به هرجایی که در آید چیزها را واقع بینید، بدانید که نزدیک بلکه بر در است. ۳۱ هرآیه صاحب خانه را گوید: استاد می‌گوید مهمانخانه کجا است تافصح به شمامی گویم تا جمیع این حوادث واقع نشود، این فقه نخواهید را با شاگردان خود آنچا صرف کنم؟ ۱۵ و او بالاخانه برگ مفروش گذشت. ۳۲ آسمان و زمین زایل می‌شود، لیکن کلمات من هرگز و آماده به شما نشان می‌دهد. آنچا از پهر ما تدارک بینید. ۱۶ زایل نشود. ۳۲ ولی از آن روز و ساعت غیر از پدرهیچ کس اطلاع شاگردانش روانه شدن و به شهر رفته، چنانکه او فرموده بود، یافتند ندارد، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم. ۳۳ «پس برحدر و فصح را آماده ساختند. ۱۷ شامگاهان با آن دوازده آمد. ۱۸ بیدار شده، دعا کنیدزیرا نمی‌دانید که آن وقت کی می‌شود. ۳۴ و چون نشسته غذا می‌خوردند، عیسی گفت: «هرآیه به شما مثل کسی که عازم سفر شده، خانه خود را واگذار و خادمان خود می‌گوییم که، یکی از شما که با من غذامی خورد، مرا تسليم را قدرت داده، هر یکی را به شغلی خاص مقرر نماید و دریان را خواهد کرد. ۱۹ ایشان غمگین گشته، یک یک گفتند پیدار شده، دعا کنیدزیرا نمی‌دانید که آیا من آنم و دیگری که آیا من هستم. ۲۰ او در جواب ایشان در چه وقت صاحب خانه می‌آید، در شام یا نصف شب یا بانگ گفت: «یکی از دوازده که با من دست در قاب فرومود! ۲۱ خروس یا صیبح. ۳۶ مبادا ناگهان آمده شما را خفته یابد. ۳۷ اما به درستی که پسر انسان بطوری که دریار او مکتوب است، آنچه به شما می‌گوییم، به همه می‌گوییم: بیدار باشید!»

۱۴ و بعد از دو روز، عید فصح و فطیر بود که روسای کهنه و مترصد بودند که به چه حیله او را دستگیر کرده، به قتل رسانند. ۲ لیکن می‌گفتند: «نه در عید مبادا در قوم اغتشاشی پیداید آید.» ۳ و هنگامی که او در بیت عینا در خانه شمعون ابرص به غذا نشسته بود، زنی با شیشه‌ای از عطرگرانیها از سنبل خالص آمده، شیشه را شکسته، برس وی ریخت. ۴ و بعضی در خود خشم نموده، گفتند: «چرا این عطر تلف شد؟ ۵ زیرا ممکن بوداین عطر زیباتر از سیصد دینار فروخته، به فقرداده شود.» و آن زن را سرزنش نمودند. ۶ امام عیسی گفت: «او را واگذارید! از برای چه او رازحتمت می‌دهید؟ زیرا که با من کاری نیکی کرده است، ۷ زیرا که فقرا را همیشه با خود دارید و هرگاه بخواهید می‌توانید با ایشان احسان کنید، لیکن مرا با خود ندارید. ۸ آنچه در قوه او بود کرد، زیرا که جسد مرا بجهت دفن، پیش تدهیں کرد.

۹ هرآیه به شما می‌گوییم در هر جایی از تمام عالم که به این انجیل موعظه شود، آنچه این زن کرد نیز بجهت یادگاری و مذکور خواهد شد.» ۱۰ پس یهودای اسخربوطی که یکی از آن دوازده بود، به نزد روسای کهنه رفت تا او را بیداشان تسليم کند.

۱۱ ایشان سخن او را شنیده، شاد شدند و بد و عده دادند که اینجا بنشینید تا دعا کنم. ۳۳ و پطرس و یعقوب ویوحننا را همراه

برداشته، مضطرب و دلتنگ گردید ^{۳۴} و بدیشان گفت: «نفس می گفت: من این هیکل ساخته شده به دست را خراب می کنم و من از حزن، مشرف بر موت شد. اینجا بمانید و بیدار باشید.» در سه روز، دیگری انسان‌ساخته شده به دست، بنا می کنم. ^{۵۹} و ^{۳۵} و قدری پیشتر رفته، به روی بر زمین افتاد و دعا کرد تا اگر در این هم باز شهادت‌های ایشان موافق نشد. ^{۶۰} پس رئیس ممکن باشد آن ساعت ازو او بکندر. ^{۳۶} پس گفت: «با ابا پدر، کهنه از آن میان برخاسته، از عیسی پرسیده، گفت: «هیچ جواب همه‌چیز نزد تو ممکن است. این پیاله را از من بگذران، لیکن نه نمی دهی؟ چه چیز است که ایها در حق تو شهادت می دهند؟» به خواهش من بلکه به اراده تو.» ^{۳۷} پس چون نموده، گفت: «آیا تو مسیح پسر خدای مبارک هستی؟» نمی توانستی یک ساعت بیدار باشی؟ ^{۳۸} بیدار باشید و دعا کنید ^{۶۲} عیسی گفت: «من هستم؛ و پسر انسان را خواهید دید که تادر آزمایش نیفتید. روح البه راغب است لیکن جسم ناتوان.» بطرف راست قوت نشسته، در ابرهای آسمان می آید. ^{۶۳} آنگاه ^{۳۹} و باز رفته، به همان کلام دعانمود. ^{۴۰} و نیز برگشته، ایشان را رئیس کهنه جامه خود را چاک زده، گفت: «دیگرچه حاجت به در خواب یافت زیرا که چشمان ایشان سنگین شده بود وندانستند شاهدان داریم؟ ^{۴۱} کفر او را شنیدید! چه مصلحت می داشتید؟» او را چه جواب دهنده. ^{۴۲} و مرتبه سوم آمد، بدیشان گفت: پس همه بر او حکم کردند که مستوجب قتل است. ^{۴۳} و بعضی «مابقی را بخواهد واستراحت کنید. کافی است! ساعت رسیده شروع نمودند به آب دهان بروی انداختن و روی او را پوشانیده، او است. اینک پسر انسان به دستهای گناهکاران تسلیم می شود. را می زدنلو می گفتند نبوت کن. ملازمان او را می زندان. ^{۴۴} و در ^{۴۲} برخیزید بروم که اکنون تسلیم کننده من نزدیک شد.» ^{۴۳} در وقتی که پطرس در ایوان پایین بود، یکی از کنیان رئیس کهنه آمد ساعت وقتی که او هنوز سخن می گفت، یهودا که یکی از آن ^{۴۵} و پطرس را چون دید که خود را گرم می کند، بر او نگریسته، دوازده بود، با گروهی بسیار باشمیرها و چوبها از جانب روسای گفت: «تو نیز با عیسی ناصری می بودی؟ ^{۴۶} او انکار نموده، کهنه و کاتبان و مشایخ آمدند. ^{۴۷} و تسلیم کننده او بدیشان گفت: «نمی دانم و نمی فهمم که توجه می گویی!» و چون بیرون نشانی داده، گفته بود: «هر که را بیوسم، همان است. او را بگیرید به دهلیز خانه رفت، ناگاه خروس بانگ زد. ^{۴۹} و باز دیگر آن و با حفظ تمام بپرید.» ^{۴۵} و در ساعت نزد اوی شده، گفت: «با کنیز اورا دیده، به حاضرین گفتند گرفت که «این شخص از آنها سیدی، یا سیدی.» و اوی را بوسید. ^{۴۶} ناگاه دستهای خود را بر است!» ^{۷۰} او باز انکار کرد. و بعد از زمانی حاضرین بار دیگر به اوی انداخته، گرفتندش. ^{۴۷} و یکی از حاضرین شمشیر خود را پطرس گفتند: «در حقیقت تو از آنها می باشی زیرا که جلیلی نز کشیده، بر یکی از غلامان رئیس کهنه زده، گوشش را بپرید. هستی و لهجه تو چنان است.» ^{۷۱} پس به لعن کردن و قسم عیسی روی بدیشان کرده، گفت: «گویا بر دزد با شمشیرها خوردن شروع نمود که آن شخص را که می گویند نمی شناسم.» ^{۴۸} و چوبها بجهت گرفتن من بیرون آمدید! ^{۴۹} هر روز در نزد شما در ^{۷۲} ناگاه خروس مرتبه دیگر بانگ زد. پس پطرس را به مخاطر آمد هیکل تعلیم می دادم و مرا نگرفتید. لیکن لازم است که کسب آنچه عیسی بدو گفتند بود که «قبل از آنکه خروس دومرتبه بانگ تمام گردد.» ^{۵۰} آنگاه همه او را وگذارده بگریختند. ^{۵۱} و یک زند، سه مرتبه مرا انکار خواهی نمود.» و چون این را به مخاطر آورد، جوانی باجاداری بر بدن برخene خود پیچیده، از عقب اروانه شد. بگریست.

چون جوانان او را گرفتند، ^{۵۲} چادر را گذاarde، برخene از دست ^{۱۵} بامدادان، بی درنگ روسای کهنه با مشایخ و کاتبان و ایشان گریخت. ^{۵۳} و عیسی را نزد رئیس کهنه بردن و جمیع تمام اهل شورامشورت نمودند و عیسی را بند نهاده، بردن و به روسای کاتبان و مشایخ و کاتبان بر او جمع گردیدند. ^{۵۴} و پلاطس تسلیم کردند. ^۲ پلاطس از او پرسید: «آیا تو پادشاه پطرس از دور در عقب او می آمد تا به خانه رئیس کهنه درآمد، با ملازمان بنشت و نزدیک آتش خود را گرم می نمود. ^{۵۵} و روسای روسای کهنه ادعای بسیار بر او می نمودند، ^۴ پلاطس باز از او کهنه و جمیع اهل شورا در جستجوی شهادت بر عیسی بودند تا او را بکشند و هیچ نیافتد، ^{۵۶} زیرا که هر چند بسیاری بر وی شهادت دروغ می دادند، اما شهادت های ایشان موافق نشد. ^{۵۷} و بعضی برخاسته شهادت دروغ داده، گفتند: «ماشیدیم که او

خواستند، بجهت ایشان آزاد می‌کرد. ۷ و برایانامی با شرکای فنه رسید تا ساعت نهم تاریکی تمام زمین را فرو گرفت. ۳۴ و در او که در فتنه خونریزی کرده بودند، در حبس بود. ۸ آنگاه مردم ساعت نهم، عیسی به آواز بلند ندا کرد، گفت: «ایلوئی ایلوئی، صدازده، شروع کردن به خواستن که بمحاسب عادت با ایشان لما سبقتنی؟» یعنی «الهی الهی چرا مراواگذاری؟» ۳۵ و بعضی عمل نماید. ۹ پلاطس در جواب ایشان گفت: «آیا می خواهید از حاضرین چون شنیدند گفتند: «الیاس را می خواند.» ۳۶ پس پادشاه یهود را برای شما آزاد کنم؟» ۱۰ زیرا یافته بود که روسای شخصی دویده، اسفنجی را از سرکه پر کرد و بسر نی نهاده، کهنه او را از راه حسد تسليم کرده بودند. ۱۱ اما روسای کهنه بدو نوشانید و گفت: «بگذارید ببینم مگر الیاس بیاید تا او را مردم را تحریض کرده بودند که بلکه برای را برای ایشان رها کند. پایین آرد.» ۳۷ پس عیسی آواری بلند براورده، جان بداد. ۲۸ ۱۲ پلاطس باز ایشان را در جواب گفت: «پس چه می خواهید آنگاه پرده هیکل از سر تا پا دویاره شد. ۲۹ و چون بیزاری بکنم با آن کس که پادشاه یهودش می گویند؟» ۱۳ ایشان بار که مقابله وی ایستاده بود، دید که بدیطور صدا زده، روح را دیگر فریاد کردن که «او را مصلوب کن!» ۱۴ پلاطس بدیشان سپرد، گفت: «فی الواقع این مرد، پسر خدا بود.» ۴۰ و زنی چند گفت: «چرا؟ چه بدی کرده است؟» ایشان بیشتر فریاد براورده از دور نظر می کردند که از آنجلمه مریم مجده لی بود و مریم مادر که «او را مصلوب کن.» ۱۵ پس پلاطس چون خواست که مردم یعقوب کوچک و مادر بیشا و سالومه، که هنگام بودن او را خشنود گرداند، برای را برای ایشان آزاد کرد و عیسی را تازیانه زده، در جلیل پیروی و خدمت او می کردند. و دیگر زنان بسیاری که تسليم نمود تا مصلوب شود. ۱۶ آنگاه سپاهیان او را به سری که به اورشیل آمد بودند. ۴۲ و چون شام شد، از آن جهت روز دارالولایه است بده، تمام فوج را فرام آوردند ۱۷ و جمامه ای قمرز بر تهیه یعنی روز قیل از سبیت بود، ۴۳ یوسف نامی از اهل رامه که او پوشانیدند و تاجی از خاریقه، بر سرش گذاشتند ۱۸ و او را مرد شریف از اعضای شورا و نیز منظر ملکوت خدا بود آمد و سلام کردن گفتند که «سلام ای پادشاه یهود!» ۱۹ و نی بر سراو جرات کرده نزد پلاطس رفت و جسد عیسی را طلب نمود. ۴۴ زندن و آب دهان بر وی انداخته و زانو زده، بدو تعظیم می نمودند. پلاطس تعجب کرد که بدین زودی فوت شده باشد، پس بیزاری ۲۰ و چون او را استهزا کرده بودند، لیاس قرمز را از وی کنده جامه را طلبیده، از او پرسید که «ایا چندی گذشته وفات نموده است؟» خودش را پوشانیدند و او را بیرون بردند تا مصلوب شون سازند. ۲۱ و ۴۵ چون از بیزاری شوشا نیزمنظر ملکوت خدا داشت. راهگذری را شمعون نام، از اهل قیریان که از بلوکات می آمد، و ۴۶ پس کتابی خربیده، آن را از صلیب به زیر آورد و به آن کتابان پدر اسکندر و رفس بود، مجبور ساختند که صلیب او را بردارد. کفن کرده، در قبری که ازنگ تراشیده بود نهاد و سنگی بر سر ۲۲ پس اورا به موضوعی که جلختا نام داشت یعنی محل کاسه سر قبر غلطانیید. ۴۷ و مریم مجده لی و مریم مادر بیزاریدند که کجا بردند ۲۳ و شراب مخلوط به مر به وی دادند تا بتوشد لیکن قبول گذاشته شد.

نکرد. ۲۴ و چون او را مصلوب کردند، لیاس او را تقسیم نموده، ۱۶ پس چون سبیت گذشته بود، مریم مجده لی و مریم مادر قرعه برآن افکنندند تا هر کس چه برد. ۲۵ و ساعت سوم بود که اورا مصلوب کردند. ۲۶ و تقصیر نامه وی این نوشته شد: «پادشاه وصبع روز یکشنبه را بسیار زود وقت طلوع آفتاب بر سر قبر آمدند. ۲۷ و با وی دو دزد را یکی از دست راست و دیگری از دست چپ مصلوب کردند. ۲۸ پس تمام گشت آن نوشته ای که می گوید: «از خطکاران محسوب گشت.» ۲۹ و راهگذاران او است زیرا بسیار بزرگ بود. ۵ و چون به قبر درآمدند، جوانی را را دشنام داده و سر خود را جنبانیده، می گفتند: «هان ای کسی که که جمامه ای سفید دربرداشت بر جانب راست نشسته دیدند. هیکل را خراب می کنی و در سه روز آن را بنا می کنی، ۳۰ از پس تحریر شدند. ۶ او بیدیشان گفت: «ترسان مبایشید! عیسی صلیب به زیر آمد، خود را برهان!» ۳۱ و همچنین روسای کهنه و ناصری مصلوب را می طلبید؟ او برخاسته است! در اینجایست. کتابان استهزا کتابان با یکدیگر می گفتند؛ «دیگران را نجات داد و آن موضوع را که او را نهاده بودند، ملاحظه کنید. ۷ لیکن رفته، نمی تواند خود را نجات دهد. ۳۲ مسیح، پادشاه اسرائیل، الان شاگردان او و پطرس را اطلاع دهید که پیش از شما به جلیل از صلیب نزول کند تا ببینم و ایمان آوریم.» و آنانی که با وی می رود، اورا در آنجا خواهید دید، چنانکه به شما فرموده بود.» ۸ مصلوب شدند او را دشنام می دادند. ۳۳ و چون ساعت ششم

پس بزودی بیرون شده از قبر گریختند زیرا لرده و حیرت ایشان را فرو

گرفته بود و به کسی هیچ نگفته‌ند زیرا می‌ترسیدند. ۹

The most reliable and earliest manuscripts do not

و صبح‌گاهان، روز اول هفته چون include Mark 16:9-20.)

برخاسته بود، نخستین به مریم مجده‌لیه که از او هفت دیوبیرون
کرده بود ظاهر شد. ۱۰ و او رفته اصحاب اورا که گریه و ماتم
می‌کردند خبر داد. ۱۱ و ایشان چون شنیدند که زنده گشته و پدرو
ظاهر شده بود، پاور نکردند. ۱۲ و بعد از آن به صورت دیگر به
دو نفر از ایشان در هنگامی که به دهات می‌رفتند، هویدا گردید.
۱۳ ایشان رفته، دیگران را خبر دادند، لیکن ایشان را نیز تصدیق
نمودند. ۱۴ و بعد از آن بدان یازده هنگامی که به غذانشته
بودند ظاهر شد و ایشان را به سبب بی‌ایمانی و سخت دلی ایشان
توبیخ نمود زیرا به آنانی که او را برخاسته دیده بودند، تصدیق
نمودند. ۱۵ پس بدیشان گفت: «در تمام عالم بروید و جمیع
خالق را به انجل موعظه کنید. ۱۶ هر که ایمان آورده، تعیید یابد
نجات یابد و اما هر که ایمان نیاورد بر او حکم خواهد شد. ۱۷ و
این آیات همراه ایمانداران خواهد بود که به نام من دیوهای را بیرون
کنند و به زبانهای تازه حرف زند ۱۸ و مارها را بردازند و اگر
زهر قاتلی بخورند ضرری بدیشان نرساند و هرگاه دستها بر مريضان
گذازند شفا خواهند یافت.» ۱۹ و خداوند بعد از آنکه به ایشان
سخن گفته بود، به سوی آسمان مرفوع شده، به دست راست خدا
بنشست. ۲۰ و ایشان بیرون رفته، در هر جامعه می‌کردند و
خداآوند با ایشان کار می‌کرد و به آیاتی که همراه ایشان می‌بود،
کلام را ثابت می‌گردانید.

ایشان اشاره می‌کرد و ساکت ماند. ۲۳ و چون ایام خدمت او

به اتمام رسید، به خانه خود رفت. ۲۴ و بعد از آن روزها، زن

۱ از آنجهت که بسیاری دست خود را درازکردن به سوی او الیصابات حامله شده، مدت پنج ماه خود را پنهان نمود و تالیف حکایت آن اموری که نزد ما به اتمام رسید، ۲ چنانچه گفت: «به اینطور خداوند به من عمل نمود دروزهای که آنانی که از ابتدان ظارگان و خادمان کلام بودند به ما رسانیدند، ۳ مرا منظور داشت، تا ننگ مرا از نظر مردم بدارد.» ۲۶ و در ماه من نیز مصلحت چنان دیدم که همه را من الایه به تدقیق دری بشم جبرائیل فرشته از جانب خدا به بلدی از جلیل که ناصره رفته، به ترتیب به تو بنویسم ای یقوفس عزیز، ۴ تا صحبت آن نام داشت، فستاده شد. ۲۷ نزد باکوهای نامزد مردم مسمی به کلامی که در آن تعليم یافته‌ای دریابی. ۵ در ایام هیرودیس پادشاه یوسف از خاندان داود و نام آن باکره میریم بود. ۲۸ پس فرشته نزد یهودیه، کاهنی زکریا نام از فقه ایبا بود که زن او از دختران هارون او داخل شده، گفت: «سلام برتوای نعمت رسیده، خداوند با بود و الیصابات نام داشت. ۶ و هر دو در حضور خدا صالح و توست و تو در میان زنان مبارک هستی.» ۲۹ چون او را دید، به جمیع احکام و فرایض خداوند، بی عیب سالک بودند. ۷ و ارسخن او مضطرب شده، متفکر شد که این چه نوع تحیت ایشان را فرزندی نبودنیزرا که الیصابات نازد بود و هر دو دیرینه سال است. ۲۰ فرشته بدو گفت: «ای مریم ترسان میاش زیرا که نزد بودند. ۸ واقع شد که چون به نوبت فرقه خود در حضور خدا نعمت یافته‌ای. ۲۱ واینک حامله شده، پسری خواهی زاید کهانت می‌کرد، ۹ حسب عادت کهانت، نوبت او شد که به او راعی‌سی خواهی نامید. ۲۲ او بزرگ خواهد بود و به پسر قدس خداوند درآمده، پیخور بسواند. ۱۰ و در وقت پیخور، تمام حضرت اعلیٰ، مسمی شود، و خداوند خداتخت پدرش داود جماعت قوم بیرون عبادت می‌کردند. ۱۱ ناگاه فرشته خداوند به را پدرو عطا خواهد فرمود. ۲۳ واو بر خاندان یعقوب تا به ابد طرف راست مذبح پیخور ایستاده، بر وی ظاهر گشت. ۱۲ چون پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.» **(aiōn)**
زکریا را دید، در حیرت افتاده، ترس بر او مستولی شد. ۱۳ فرشته گفت: «این چگونه می‌شود وحال آنکه بدو گفت: «ای زکریا ترسان میاش، زیرا که دعای تو مستجاب مردی را نتشناخته‌ام؟» ۱۴ فرشته در جواب وی گفت: «روح القدس گردیده است وزوجه ات الیصابات برای تو پسری خواهد زایدی او بر تو خواهد آمد وقوت حضرت اعلیٰ بر تو سایه خواهد افکند، از را بحی خواهی نامید. ۱۵ و تو را خوشی و شادی رخ خواهد آنجهت آن مولود مقدس، پسر خدا خوانده خواهد شد. ۲۶ و نمود و بسیاری از ولادت اوسمرور خواهند شد. ۱۶ زیرا که در اینک الیصابات از خوبیان تنویز درپیری به پسری حامله شده حضور خداوند بزرگ خواهد بود و شراب و مسکری نخواهد نویشد و این ماه ششم است، مر او که نازد می‌خواندند. ۱۷ زیرا و از شکم مادر خود، پر از روح القدس خواهد بود. ۱۸ و بسیاری نزد خدا هیچ امری محال نیست.» ۱۸ مریم گفت: «اینک کمیز از بنی اسرائیل را، به سوی خداوند خدای ایشان خواهد برگردانید. خداوند. مرا بر حسب سخن تو واقع شود.» پس فرشته از نزد او ۱۹ و او به روح و قوت الیاس پیش روی وی خواهد خرامید، تا رفت. ۲۰ در آن روزها، مریم برخاست و به بلدی از کوهستان دلهای پدران را به طرف پسران و نافرمانان را به حکمت عادلان پیوهدیه بشتاب رفت. ۲۱ و به خانه زکریا درآمده، به الیصابات بگرداند تا قومی مستعد برای خدا مهیا سازد.» ۲۲ زکریا به فرشته سلام کرد. ۲۳ و چون الیصابات سلام مریم را شنید، بچه در گفت: «این را چگونه بدانم وحال آنکه من پیر هستم و زوجهام رحم او به حرکت آمد و الیصابات به روح القدس پر شده، ۲۴ دیرینه سال است؟» ۲۵ فرشته در جواب وی گفت: «من جبرائیل به آواز بلند صدا زده گفت: «تو در میان زنان مبارک هستی و هستیم که در حضور خدا می‌ایستم و فرشته شدم تا به تو سخن مبارک است ثمره رحم تو.» ۲۶ و از کجا این به من رسید که مادر گوییم و از این امور تورا مژده دهم. ۲۷ و الحال تا این امور واقع خداوند من، به نزد من آید؟» ۲۸ زیرا اینک چون آواز سلام تو نگردد، گنگ شده یارای حرف زدن نخواهی داشت، زیرا سخن گوش زدم شد، بچه از خوشی در رحم من به حرکت آمد. ۲۹ های مرآ که در وقت خود به وقوع خواهد پیوست، باور نکرده.» و خوشبحال او که ایمان آورد، زیرا که آنچه از جانب خداوند ۳۰ و جماعت منتظر زکریایی بودند و از طول توقف او در قدس به وی گفته شد، به انجام خواهد رسید.» ۳۱ پس مریم گفت: متعجب شدند. ۳۲ اما چون بیرون آمده نتوانست با ایشان حرف «جان من خداوند راتمجید می‌کند، ۳۳ و روح من به رهانیده من زند، پس فهمیدند که در قدس رویایی دیده است، پس به سوی خدابوخد آمد، ۳۴ زیرا برحقارت کنیز خود نظرافکرد. زیرا هان از

کون تمامی طبقات مراخوشحال خواهند خواند، ۴۹ زیرا آن قادر، که به آن سپیده از عالم اعلی از ما تقدمنمود، ۷۹ تا ساکنان در به من کارهای عظیم کرده و نام او قدوس است، ۵۰ و رحمت ظلمت و ظل موت را نوردهد. و پایهای ما را به طریق سلامتی او نسلا بعد نسل است. بر آنانی که از او می ترسند. ۵۱ به هدایت نماید.» ۸۰ پس طفل نمو کرده، در روح قوی می گشت. بازوی خود، قدرت را ظاهر فرمود و متکبران را به خیال دل ایشان و تا روز طهر خود برای اسرائیل، دریابان بسر می برد.

پراکنده ساخت. ۵۲ جباران را از تختها به زیر افکنید. و فروتنان را ۵۳ گرسنگان را به چیزهای نیکو سیر فرمود و سرافراز گردانید. ۵۴ چون مسکون را اسم نویسی کنند. ۲ و این اسم نویسی اول شد، دولتمدان را تاهیدست رد نمود. ۵۵ بندۀ خود اسرائیل را باری کرد، هنگامی که کیرینیوس والی سوریه بود. ۳ پس همه مردم هر یک به به یادگاری رحمانیت خویش، ۵۶ چنانچه به اجداد ما گفته بود، شهر خود برای اسم نویسی می رفتند. ۴ و یوسف نیز از جلیل از به ابراهیم و به ذریت او تابدالاپاد.» (aiōn g165) ۵۷ و مريم پسر ناصره به یهودیه به شهر داود که بیت لحم نام داشت، رفت. قریب به سه ماه نزد وی ماند. پس به خانه خود مراجعت کرد. زیرا که او از خاندان و آل داود بود. ۵۸ تا نام او بامریم که نامزد او اما چون الیصابات را وقت وضع حمل رسید، پسری بزاد. بود و نزدیک به زاییدن بود، ثبت گردد. ۶ و وقتی که ایشان در همسایگان و خویشان اوجون شنیدند که خداوند رحمت آنجا بودند، هنگام وضع حمل او رسیده، ۷ پسر نجستین خود عظیمی بر وی کرده، با او شادی کردند. ۵۹ و واقع شد در روز هشتم چون برای ختنه طفل آمدند، که نام پدرش زکريا را بر او ایشان در منزل جای نبود. ۸ و در آن نواحی، شبانان در صحرا می نهادند. ۹ اما مادرش ملتفت شده، گفت: «تی بلکه به بسرمهی بردند و در شب پاسبانی گله های خویش می کردند. ۹ یحیی نامیده می شود.» ۱۰ به وی گفتهند: «از قبیله تو هیچ کس این اسم راندارد.» ۱۱ پس به پدرش اشاره کردند که «او را چه ایشان تایید و بغايت ترسان گشتند. ۱۰ فرشته ایشان را گفت: «متربید، زیرا اینک بشارت خوشی عظیم به شما می دهم که برای یحیی است» و همه معجب شدند. ۱۱ در ساعت، دهان و زبان او باز گشته، به حمدخدا متکلم شد. ۱۲ پس بر تمامی همسایگان ایشان، خوف مستولی گشت و جمیع این وقایع در برای شما این است که طفلی در قنادقه پیچیده و در آخر خوابیده همه کوهستان یهودیه شهرت یافت. ۱۳ و هر که شنید، در خاطر خواهید یافت.» در همان حال فوجی از لشکر آسمانی با خود تفکر نموده، گفت: «این چه نوع طفل خواهد بود؟» و فرشته حاضر شده، خدا را تسبیح کناد می گفتهند: ۱۴ «خدا را در دست خداوند با وی می بود. ۱۵ و پدرش زکريا از روح القدس پر شده نبوت نموده، گفت: ۱۶ «خداوند خدای اسرائیل متبارک باد، زیرا از قوم رفتگی خود تقدمنموده، برای ایشان فدایی قرار داد. ۱۷ و شاخ نجاتی برای مایه فراشت، در خانه بندۀ خود داود. ۱۸ چنانچه به زبان مقدسین گفت که از بدو عالم انبیای اویی بودند، رهایی از دشمنان ما و از دست آنانی که از ما نفرت دارند، ۱۹ تا رحمت را برپاران ما بهجا آرد و عهد مقدس خود را تذکر فرماید. ۲۰ سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یادگرد، که ما را فیض عطا فرماید، تا از دست دشمنان خود رهایی ۲۱ شده بود، شهرت دادند. ۲۲ و هر که می شنید از آنچه شبانان بادیگر گفتند: «الآن به بیت لحم بروم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است بینیم.» ۲۳ پس به شتاب رفته، مريم و یوسف و آن طفل رادر آخر خوابیده یافتد. ۲۴ چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند. ۲۵ و هر که می شنید از آنچه شبانان بادیگر گفتند: «الآن به بیت لحم بروم و این چیزی را که واقع شده و خداوند آن را به ما اعلام نموده است بینیم.» ۲۶ پس به شتاب رفته، مريم و یوسف و آن طفل رادر آخر خوابیده یافتد. ۲۷ چون این را دیدند، آن سخنی را که درباره طفل بدیشان گفته شده بود، شهرت دادند. ۲۸ و هر که می شنید از آنچه شبانان بادیگر گفتند، تعجب می نمود. ۲۹ امامریم در دل خود متفکر بدیشان گفتند، تا قرق از قرارگرفتن او در رحم، او را عیسی نام نهادند، چنانکه شده، این همه سخنان رانگاه می داشت. ۳۰ و شبانان خدا را یافته، او را بی خوف عبادت کنیم. ۳۱ در حضور او به قدوسیت تمجید و حمد کنان برگشتند، به سبب همه آن اموری که دیده و نظرت دارند، ۳۲ تا رحمت را برپاران ما بهجا آرد و عهد مقدس خود را تذکر فرماید. ۳۳ سوگندی که برای پدر ما ابراهیم یادگرد، که ما را فیض عطا فرماید، تا از دست دشمنان خود رهایی ۳۴ یافته، او را بی خوف عبادت کنیم. ۳۵ در حضور او به قدوسیت و عدالت، در تمامی روزهای عمر خود. ۳۶ و تواب طفل نبی حضرت اعلی خوانده خواهی شد، زیرا پیش روی خداوند خواهی هشتم، وقت ختنه طفل رسید، او را عیسی نام نهادند، چنانکه فرشته قبل از قرارگرفتن او در رحم، او را نامیده بود. ۳۷ و چون ایام دهی، در آمرزش گناهان ایشان. ۳۸ به احشای رحمت خدای ما

تقطیر ایشان بر حسب شریعت موسی رسید، او را به اورشلیم بردند تا معلمان نشسته، سختان ایشان را می‌شنود و از ایشان سوال همی به خداوند بگذراند. ۲۳ چنانکه در شریعت خداوند مکتوب است کرد. ۴۷ و هر که سخن او رامی شنید، از فهم و جوابهای او که هر ذکری را حرم را گشاید، مقدس خداوند خوانده شود. ۲۴ متحیرمی گشت. ۴۸ چون ایشان او را دیدند، مضطرب شدند. و تا قربانی گذراند، چنانکه در شریعت خداوند مقرر است، یعنی پس مادرش به وی گفت: «ای فرزند چرا با ماجنین کردی؟ اینک جفت فاختهای یا دو جوجه کبوتر. ۲۵ و اینک شخصی شمعون پدرت و من غمناک گشته تو را جستجو می‌کردیم.» ۴۹ او نام در اورشلیم بود که مرد صالح و منقی و متنظر تسلی اسرائیل بود به ایشان گفت: «از بهرچه مرا طلب می‌کردی، مگرندانسته اید و روح القدس بروی بود. ۴۶ و از روح القدس بدرو وحی رسیده بود که باید من در امور پدر خود باشم؟» ۵۰ ولی آن سخنی را که تا مسیح خداوند را نبینی موت را نخواهی دید. ۲۷ پس بدیشان گفت، نفهمیدند. ۵۱ پس با ایشان روانه شده، به ناصره به راهنمایی روح، به هیکل درآمد و چون والدینش آن طفل یعنی آمد و مطبع ایشان می‌بود و مادر او تمامی این امور را درخاطر خود عیسی را آوردند تا رسوم شریعت را بجهت او بعمل آورند، ۲۸ او نگاه می‌داشت. ۵۲ و عیسی در حکمت و قامت و رضامندی نزد رادر آغوش خود کشیده و خدا را متبارک خوانده، گفت: ۲۹ خدا و مردم ترقی می‌کرد.

«الحال ای خداوند بند خود را رخصت می‌دهی، به سلامتی ۳۰ و در سال پانزدهم از سلطنت طیاریوس قصر، در وقتی بر حسب کلام خود. ۳۰ زیرا که چشمان من نجات تو را دیده است، ۳۱ که آن را پیش روی جمیع امت‌ها مهیا ساخته. ۳۲ ویرادش فیپس تیباراک ایطرومی تراخونیتس ولیسانیوس تیباراک آلبیه نوری که کشف حجاب برای امت‌ها کند و قوم تو اسرائیل را جلال بود.» ۳۳ و یوسف و مادرش از آنچه درباره او گفته شد، تعجب نمودند. ۳۴ پس شمعون ایشان را برکت داده، به مادرش مریم گفت: «اینک این طفل قرار داده شد، برای افتادن و برخاستن بسیاری از آل اسرائیل و برای آنی که به خلاف آن خواهد گفت. ۳۵ و در قلب تو نیز مشمیوی فرو خواهد رفت، تا افکار قلوب بسیاری مکثوف شود.» ۳۶ و زنی نبیه بود، حنا نام، دختر فنوئیل از سبط اشیر بسیار سالخورده، که از زمان بکارت هفت سال با شوهر پسر بوده. ۳۷ و قریب به هشتاد و چهار سال بود که او بیوه گشته از هیکل جدا نمی‌شد، بلکه شبانه‌روز به روزه و مناجات در عبادت مشغول می‌بود. ۳۸ او در همان ساعت درآمد، خدا را شکر نمود و درباره او به همه منتظرین نجات در اورشلیم، تکلم نمود. ۳۹ و چون تمامی رسوم شریعت خداوند را به پایان برد بودند، به شهر خود ناصره جلیل نموده مراجعت کردند. ۴۰ و طفل نمود کرده، به روح قوی می‌گشت و از حکمت پر شده، فیض خدا بروی می‌بود. ۴۱ و والدین او هر ساله بجهت عید فصل، او در جواب ایشان گفت: «هر که دوچاره دارد، به آنکه ندارد اورشلیم می‌رفتند. ۴۲ و چون دوازده ساله شد، موافق رسم عید، به اورشلیم آمدند. ۴۳ و چون روزها را تمام کرده مراجعت می‌نمودند، آن طفل یعنی عیسی، در اورشلیم توقف نموده یوسف و مادرش نمی‌دانستند. ۴۴ بلکه چون گمان می‌برند که او در قافله است، سفرکروزه کردند و او را در میان خویشان و آشنايان خود می‌جستند. ۴۵ و چون او را نیافتند، در طلب او به اورشلیم مکنید ویر هیچ کس افرا مزیند و به مواجب خود اکتفا کنید.» ۴۶ و هنگامی که قوم متتصد می‌بودند و همه در خاطر خود درباره برگشتند. بعد از سه روز، او را در هیکل یافتند که در میان

یحیی تفکر می نمودند که این مسیح است یا نه، ۱۶ یحیی به همه بدو نشان داد. ۶ و ابلیس بدو گفت: «جمعیع این قدرت و متوجه شده گفت: «من شما را به آب تعییدمی دهم، لیکن حشمت آنها را به تو می دهم، زیرا که به من سپرده شده است و شخصی توانتر از من می آید که لیاقت آن ندارم که بند غلیل او را به هر که می خواهم می پخشم. ۷ پس اگر تو پیش من سجده کنی، باز کنم. او شما را به روح القدس و آتش تعیید خواهد داد. ۱۷ او همه از آن تو خواهد شد.» ۸ عیسی در جواب او گفت: «ای غریال خود را به دست خود دارد و خرم خویش را پاک کرده، گدم شیطان، مکتوب است، خداوند خدای خود را پرستش کن و غیر را در اینارخود ذخیره خواهد نمود و کاه را در آتشی که خاموشی او را عابدات منمایم.» ۹ پس او را به اورشلیم برده، برکنگره هیکل قرار نمی پذیرد خواهد سوزانید.» ۱۰ و به تصایع بسیار دیگر، فوم را داد و بدو گفت: «اگر پسر خداهستی، خود را از اینجا به زیر بشارت می داد. ۱۹ اما هیرودیس تبارک چون به سبب هیرودیا، زن انداز. ۱۰ زیرا مکتوب است که فرشتگان خود را درباره تو حکم برادر او فیلیپ و سایر بدبیهای که هیرودیس کرده بود از وی توبیخ فرماید تا تو را محافظت کنند. ۱۱ و تو را به دستهای خود بردازند، یافت، ۲۰ این رانیر بر همه افروزد که یحیی را در زندان حبس میادا پایت به سنگی خورد.» ۱۲ عیسی در جواب وی گفت که نمود. ۲۱ اما چون تمامی قوم تعیید یافته بودند و عیسی هم تعیید «گفته شده است، خداوند خدای خود را تجربه مکن.» ۱۳ و گرفنه دعا می کرد، آسمان شکافه شد ۲۲ و روح القدس به هیات چون ابلیس جمیع تحریبه را به اتمام رسانید، تا مدتی از این جدا جسمانی، مانند کوتولی بر او نازل شد. و آوازی از آسمان دررسید شد. ۱۴ و عیسی به قوت روح، به جلیل برگشت و خبر او در که تو پسر حبیب من هستی که به تو خشنودم. ۲۳ و خود عیسی تمامی آن نواحی شهرت یافت. ۱۵ و او در کنایی ایشان تعلیم وقتی که شروع کرد، قریب به سی ساله بود. و حسب گمان حلق، می داد و همه او را تعظیم می کردند. ۱۶ و به ناصره جایی که پسر یوسف این هالی ۲۴ این مراتب، بن لاوی، بن ملکی، بن یانا، پرورش یافته بود، رسید و به حسب دستور خود در روز سبت به بن یوسف، ۲۵ این مراتب، بن آموس، بن ناحوم، بن حسلی، بن کنیسه درآمد، برای تلاوت برخاست. ۱۷ آنگاه صحیفه اشعار یونجی، ۲۶ این مات، بن مراتب، بن شمعی، بن یوسف، بن یهودا، نبی را بدو دادند و چون کتاب را گشود، موضوعی را یافت که این یوحنایا، بن ریسا، بن زربابل، بن سالتیبل، بن نبی، مکتوب است ۱۸ «روح خداوند بر من است، زیرا که مرا مسح ۲۷ این ملکی، بن ادی، بن قوسان، بن ایلمدادم، بن عیر، ۲۹ کرد تا فقیران را بشارت دهم و مرأ فرستاد، تاشکسته دلان را شفا این یوسفی، بن ایلعاذر، بن یوریم، بن مراتب، بن لاوی، ۳۰ این بخشم و اسیران را به رستگاری و کوران را به بیانای، موضعه کنم و شمعون، بن یهودا، بن یوسف، بن یونان، بن ایلیاقیم، ۳۱ این تاکوییدگان را، آزاد سازم، ۱۹ و از سال پسندیده خداوند موضعه مليا، بن میان، بن مراتب این ناتان، بن داد، ۳۲ این یسی، بن کنم.» ۲۰ پس کتاب را به هم پیچیده، به خادم سپرد و پیشست و عویبد، بن بوغر، بن شلمون، بن نحشون، ۳۳ این عمنیاداب، بن چشمان همه اهل کنیسه بر وی دوخته می بود. ۲۱ آنگاه بدیشان ارام، بن حصرون، بن فارص، بن یهودا، ۳۴ این یعقوب، بن شروع به گفتن کرد که «امروز این نوشته در گوشاهای شما تمام اسحق، بن ابراهیم، بن تارح، بن ناحور، ۳۵ این سروج، بن رعور، شد.» ۲۲ و همه بر وی شهادت دادند و از سخنان فیض آمیزی بن فالج، بن عابر، بن صالح، ۳۶ این قینان، بن ارفکشاد، بن که از دهانش صادر می شد، تعجب نموده، گفتند: «مگر این پسر سام، بن نوح، بن لامک، ۳۷ این متواخال، بن خنوخ، بن یارد، یوسف نیست؟» ۲۳ بدیشان گفت: «هر آینه این مثل را به من بن مهلهلیل، بن قینان، ۳۸ این انوش، بن شیث، بن آدم، بن الله. خواهید گفت، ای طبیب خود را شفا بده. آنچه شنیده ایم که در کفرناحوم از تو صادر شد، اینجا نیز در وطن خویش بمنا.» ۲۴

۴ اما عیسی بر از روح القدس بوده، از اردن مراجعت کرد و روح و گفت: «هر آینه به شمامی گوییم که هیچ نبی در وطن خویش او را به بیابان برد. ۲ و مدت چهل روز ابلیس او را تجربه می نمود و مقبول نباشد. ۲۵ و به تحقیق شما را می گوییم که بسا بیوهزنان در در آن ایام چیزی نخورد. چون تمام شد، آخر گرسنه گردید. ۳ و اسرائیل بودند، در ایام الیاس، وقتی که آسمان مدت سه سال و ابلیس بدو گفت: «اگر پسر خدا هستی، این سنگ را بگو تا نان شش ماه بسته ماند، چنانکه قحطی عظیم در تمامی زمین پدید گردد.» ۴ عیسی در جواب وی گفت: «مکتوب است که انسان آمد، ۲۶ و الیاس نزد هیچ بیوهزنی در صرفه صیدون. ۵ پس ابلیس او را به کوهی بلند برد، تمامی ممالک جهان را در لحظه‌ای در ایام یشوع نبی واحدی از ایشان طاهر نگشت، جز نعمان

سربانی.» ۲۸ پس تمام اهل کیسه چون این سخنان راشنیدند، پر چون از سخن گفتن فارغ شد، به شمعون گفت: «به میانه دریاچه از خشم گشتن.» ۲۹ و برخاسته او را از شهر بیرون کردند و بر قله بران و دامهای خود را برای شکار بیندازید.» ۵ شمعون در جواب کوھی که قریه ایشان برا آن بنا شده بود بردند، تا او را به زیر افکنند. وی گفت: «ای استاد، تمام شب را برج برد چیزی نگفته‌یم، ۳۰ ولی از میان ایشان گذشته، برفت.» ۳۱ و به کفرنامه شهری لیکن به حکم تو، دام را خواهیم انداشت.» ۶ و چون چنین از جلیل فرود شده، در روزهای سبت، ایشان را تعليم می‌داد. ۳۲ کردند، مقداری کثیر از ماهی صید کردند، چنانکه نزدیک بود دام و از تعليم او در حیرت افتادند، زیرا که کلام او باقدرت می‌بود. ایشان گستاخ شود. ۷ و به رفاقت خود که در زورق دیگر بودند ۳۳ و در کیسه مردی بود، که روح دیو خبیث داشت و به آواز اشاره کردند که آمده ایشان را امداد کند. پس آمده هر دو زورق بلند فریاد کان می‌گفت: «آهای عیسی ناصری، ما را با تو را پر کردند بقصیعی که نزدیک بود غرق شوند.» ۸ شمعون پطرس چه کار است، آیا آمده‌ای تا ما را هلاک سازی؟ تو را می‌شناسم چون این را بدید، بر پایهای عیسی افتاده، گفت: «ای خداوند از کیستی، ای قدوس خدا.» ۹ پس عیسی او را نهیب داده، من دور شو زیرا مردی گناهکار.» ۹ چونکه به‌سبب صیدمه‌ای که فرمود: «خاموش باش و ازوی بیرون آی.» در ساعت دیو او را کرده بودند، دهشت بر او و همه رفقاء وی مستولی شده بود. ۱۰ در میان انداخته، از او بیرون شد و هیچ آسمی بدو نرسانید. ۱۱ و هم چنین نزد پریعقوب و یوحنان پسران زیدی که شریک شمعون پس حیرت بر همه ایشان مستولی گشت و یکدیگر را مخاطب بودند. عیسی به شمعون گفت: «مترس. پس از این مردم را صید ساخته، گفتند: «این چه سخن است که این شخص با قدرت و خواهی کرد.» ۱۱ پس چون زورقهارا به کنار آورند همه را ترک قوت، ارواح پلید را امر می‌کند و بیرون می‌آیند!» ۱۲ و شهرت او کرده، از عقب اروانه شدند. ۱۲ و چون او در شهری از شهرها بود در هر موضعی از آن حوالی، پنهن شد. ۱۳ و از کنیسه برخاسته، ناگاه مردی پر از برص آمده، چون عیسی را بدید، به روی درافتاد به خانه شمعون درآمد. و مادرزن شمعون را تب شدیدی عارض و از او درخواست کرده، گفت: «خداوندا، اگر خواهی می‌توانی شده بود، برای او از وی التمام کردند. ۱۴ پس برسر وی آمده، مرا طاهرسازی.» ۱۳ پس او دست آورده، وی را لمس نمود و تب را نهیب داده، تب از او زایل شد. در ساعت برخاسته، به گفت: «می‌خواهم. طاهر شو.» که فور برص از او زایل شد. ۱۴ خدمتگذاری ایشان مشغول شد. ۱۵ و چون آفتاب غروب می‌کرد، و او را قدغن کرد که «هیچ‌کس را خبر مده، بلکه رفته خود را به همه آنانی که اشخاص مبتلا به انواع مرضها داشتند، ایشان را نزد کاهن بنما و هدیه‌ای بجهت طهارت خود، بطوری که موسی وی آوردند و به هر یکی از ایشان دست گذاشده، شفا داد. ۱۶ و فرموده است، بگذران تا بجهت ایشان شهادتی شود.» ۱۵ لیکن دیوها نیز از بسیاری بیرون می‌رفند و صیحه زنان می‌گفتند که «تو خبر او بیشتر شهرت یافت و گروهی پسیار جمع شدند تا کلام او مسیح پسرخدا هستی.» ولی ایشان را قدغن کرده، نگذاشت که را بشنوند و از مرضهای خود شفا یابند، ۱۶ و او به ویرانه‌ها عزلت حرف زند، زیرا که دانستند او مسیح است. ۱۷ روزی از روزها واقع شد که او روانه شده به مکانی ویران رفت و گروهی کثیر در جستجوی او تعليم می‌دادو فریسان و فقهای که از همه بلدان جلیل و یهودیه و آمده، نزد رسیدند و او را باز می‌دانستند که از نزد ایشان نرود. اورشلیم آمده، نشسته بودند و وقت خداوندان برای شفای ایشان صادر ۱۸ به ایشان گفت: «مرا لازم است که به شهرهای دیگر نزد می‌شد، که ناگاه چندنفر شخصی مفتوح را بر بستی آورند به ملکوت خدا بشارت دهم، زیرا که برای همین کار فرستاده و می‌خواستند او را داخل کنند تا پیش روی وی بگذارند. ۱۹ و چون به‌سبب انبوی مردم راهی نیافتند که او را به خانه درآورند بر شده‌ام.» ۲۰ پس در کنایس جلیل موعظه می‌نمود.

۲۱ پشت بام رفته، او را با تعلق از میان سفالها در وسط پیش عیسی و هنگامی که گروهی بر وی ازدحام می‌نمودند تا کلام خدا گذاشند. ۲۰ چون او ایمان ایشان را دید، به وی گفت: «ای را بشنوند، او به کنار دریاچه جنسارت ایستاده بود. ۲۱ و دو زورق مرد، گناهان تو آمرزیده شد.» ۲۱ آنگاه کاتبان و فریسان در خاطر رادر کنار دریاچه ایستاده دید که صیادان از آهایبرون آمده، دامهای خود تفکر نموده، گفتن گرفتند: «این کیست که کفر می‌گوید. ۲۲ جز خدا و بس کیست که بتواند گناهان را یامزد؟» عیسی مال شمعون بود سوار شده، از او درخواست نمود که از خشکی افکار ایشان را درک نموده، در جواب ایشان گفت: «چرا در اندکی دور ببرد. پس در زورق نشسته، مردم را تعليم می‌داد. ۲۳ کدام سهالت است، گفتن اینکه خاطر خود تفکرمی کنید؟

گاهان تو آمرزیده شد، یا گفتن اینکه برخیز و بخرام؟ ۲۴ لیکن تا کهنه روا نیست.» ۵ پس بدیشان گفت: «پسر انسان مالک روز بدانید که پسر انسان را استطاعت آمرزیدن گاهان بر روی زمین سبت نیز هست.» ۶ و در سبت دیگر به کیسی درآمده تعلیم هست، مغلوب را گفت، تو را می‌گوییم برخیز و بستر خود را برداشته، می‌داد و در آنجا مردی بود که دست راستش خشک بود. ۷ و به خانه خود برو.» ۲۵ در ساعت برخاسته، پیش ایشان آنچه بر کاتیان و فریسان چشم او اومی داشتند که شاید در سبت شفا آن خواهیله بوده باشد و به خانه خود خدا را حمد کنای روانه شد. دهد تا شکایتی بر او یابد. او خیالات ایشان را درک نموده، ۸ و حیرت همه را فرو گرفت و خدا را تمجید نمودند و خوف بدان مرد دست خشک گفت: «برخیز و در میان بایست.» در بر ایشان مستولی شده، گفتند: «امروز چیزهای عجیب دیدیم.» حال برخاسته باستان. ۹ عیسی بدبیشان گفت: «از شما چیزی از آن پس بیرون رفته، با جگیری را که لاوی نام داشت، بر می‌پرسم که در روزبست کدام رواست، نیکویی کردن یا بدی، ۲۷ با جگاه نشسته دید. او را گفت: «از عقب من بیا.» ۲۸ در حال رهانیدن جان یا هلاک کردن؟» ۱۰ پس چشم خود را بر جمیع همه‌چیز را ترک کرده، برخاست و در عقب وی روانه شد. ۲۹ و ایشان گردانیده، بدی گفت: «دست خود را دراز کن.» او چنان لاوی ضیافتی بزرگ در خانه خود برای او کرد و جمعی بسیار کرد و فور دستش مثل دست دیگر صحیح گشت. ۱۱ اما ایشان از باجگیران و دیگران با ایشان نشستند. ۲۰ اما کاتیان ایشان از حمایت پر گشته به یکدیگر می‌گفتند که «با عیسی چه کنیم؟» و فریسان همه‌مه نموده، به شاگردان او گفتند: «برای چه با ۱۲ و در آن روزها برفراز کوه برآمد تا عادت کند و آن شب را در باجگیران و گاهکاران اکل و شرب می‌کنید؟» ۳۱ عیسی در جواب عبادت خدا به صبح آورد. ۱۳ و چون روز شد، شاگردان خود ایشان گفت: «تدریستان احتیاج به طبیب ندارد بلکه مرضیان. را پیش طلبیده دوارده نفر از ایشان را انتخاب کرده، ایشان را ۳۲ و نیامدهم تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخواهم.» نیز رسول خواند. ۱۴ یعنی شمعون که او را پطرس نیز نام نهاد و ۳۳ پس به وی گفتند: «از چه سبب شاگردان یحیی روزه بسیار برادرش اندریاس، یعقوب و یوحنا، فیلیپ و برتولماء، ۱۵ متنی و می‌دارند و نیاز می‌خوانند و همچنین شاگردان فریسان نیز، لیکن توما، یعقوب این حلقوی و شمعون معروف به غیور. ۱۶ یهودا شاگردان تواکل و شرب می‌کنند.» ۳۴ بدیشان گفت: «آیامی برادر یعقوب و یهودای اسخريوطی که تسليم کننده وی بود. ۱۷ و با توانید پسران خانه عروسی را مادامی که دامادی ایشان است روزه دار ایشان به زیر آمد، بر جای همواری استاد. و جمعی از شاگردان وی سازید؟ ۳۵ بلکه ایامی می‌آید که داماد از ایشان گرفته شود، آنگاه و گروهی بسیار از قوم، از تمام یهودیه و اورشلیم و کناره دریای صور در آن روزها روزه خواهند داشت.» ۳۶ و مثلی برای ایشان آورد که و صیدون آمدند تا کلام او را بشنوند و از امراض خود شفا یابند. «هیچ کس پارچه‌ای از جامه نورا بر جامه کهنه وصله نمی‌کند ۱۸ و کسانی که از ارواح پلید معدن بودند، شفا یافتد. ۱۹ و والا آن نورا پاره کند و وصله‌ای که از نوگرفته شد نیز در خور آن تمام آن گروه می‌خواستند او را لمس کنند. زیرا قوتی از وی صادر کهنه نبود. ۳۷ و هیچ کس شراب نورا در مشکه‌ای کهنه نمی‌شده، همه را صحبت می‌بخشید. ۲۰ پس نظر خود را به شاگردان ریزد والا شراب نورا، مشکه‌ها را پاره می‌کند و خودش ریخته و مشکه‌ها خویش افکنده، گفت: «خوشابحال شمایی مساكین زیارملکوت تباه می‌گردد. ۳۸ بلکه شراب نورا در مشکه‌های نورا یا بد ریخت تا خدا از آن شما است. ۲۱ خوشابحال شما که اکنون گرسنه‌اید، هر دو محفوظ بماند. ۳۹ و کسی نیست که چون شراب کهنه را زیرا که سیر خواهید شد. خوشابحال شما که الحال گریانید، نوشیده فی الفور نورا طلب کند، زیرا می‌گوید کهنه بهتر است.» زیرا خواهید خنید. ۲۲ خوشابحال شما وقتی که مردم بخاطر پسر انسان از شما نفرت گیرند و شما را از خود جدا سازند و دشنام

۶ و واقع شد در سبت دوم اولین که او از میان کشت زارها دهد و نام شما را مثل شیرپریون کنند. ۲۳ در آن روز شاد باشید می‌گذشت و شاگردانش خوشها می‌چیدند و به کف مالیده و جدند ماید زیرا اینک اجر شما در آسمان عظیم می‌باشد، زیرا که می‌خوردند. ۲ و بعضی از فریسان بدیشان گفتند: «چرا کاری به همینطور پدران ایشان با انبیاسلوک نمودند.» ۲۴ لیکن وای می‌کنید که کردن آن در سبت جائز نیست.» ۳ عیسی در جواب ایشان گفت: «آیا نخوانده اید آنچه داود و رفایش کردن در وقتی شمایی سیرشدگان، زیرا گرسنه خواهید شد. وای بر شما که الان گرسنه بودند، ۴ که چکونه به خانه خدا درآمده نان تقدمه خندازید زیرا که ماتم و گریه خواهید کرد. ۲۶ وای بر شما وقتی را گرفته بخورد و به رفقاء خود نیز داد که خوردن آن جز به که جمیع مردم شما را تحسین کنند، زیرا همچنین پدران ایشان با

انیای کذبه کردند. ۲۷ «لیکن ای شیوندگان شما را می‌گوییم خداوندا خداوندانی گویید و آنچه می‌گوییم بعمل نمی‌آورد. ۴۷ دشمنان خود را دوست دارید و با کسانی که از شما نفرت کنند، هر که نزد من آید و سخنان مرا شنود و آنها را بهجا آورد، شما را احسان کنید. ۲۸ و هر که شما را لعن کند، برای او برت بطبلید و نشان می‌دهم که به چه کس مشابهت دارد. ۴۸ مثل شخصی برای هر که با شما کیهه دارد، دعای خیر کنید. ۲۹ و هر که بر است که خانه‌ای می‌ساخت و زمین را کنده گود نمود و بینادش رخسارتو زند، دیگری را نیز به سوی او بگردان و کسی که ردای تو را بر سنتگ نهاد. پس چون سیلاپ آمده، سیل بر آن خانه زور آورد، را بگیرد، قبا را نیز از او مضایقه مکن. ۳۰ هر که از تو سوال کند نتوانست آن را جنبش دهد زیرا که بر سنتگ بنا شده بود. ۴۹ لیکن بندو بد و هر که مال تو را گیرد از وی باز مخواه. ۳۱ و چنانکه هر که شنید و عمل نیارود مانند شخصی است که خانه‌ای بروی می‌خواهید مردم با شما عمل کنند، شما نیز به همانطور پایشان زمین بی‌بنیاد بنا کرد که چون سیل بر آن صدمه زد، فور افتاد و سلوک نمایید. ۳۲ «زیرا اگر محبان خود را محبت نمایید، شما خرابی آن خانه عظیم بود.»

را چه فضیلت است؟ زیرا گناهکاران هم محبان خود را محبت
۷ و چون همه سخنان خود را به سمع خلق به اتمام رسانید، می‌نمایید. ۳۳ و اگر احسان کنید با هر که به شما احسان کند، وارد کفرناحوم شد. ۲ ویوزباشی را غلامی که عزیز او بود مریض چه فضیلت دارد؟ چونکه گناهکاران نیز چنین می‌کنند. ۳۴ و اگر قرض دهید به آنانی که امید بازگرفتن از ایشان دارید، شما را چه ومشرف بر موت بود. ۳ چون خیر عیسی را شنید، مشایخ یهود را فضیلت است؟ زیرا گناهکاران نیز به گناهکاران قرض می‌دهند تا از ایشان عوض گیرند. ۳۵ بلکه دشمنان خود را محبت نمایید و احسان کنید و بدون امید عوض، قرض دهید زیرا که اجر شما ایشان کنید و پسران حضرت اعلیٰ خواهید بود چونکه او با عظیم خواهد بود و پسران حضرت اعلیٰ خواهند گردند تا از ایشان نزد عیسی آمده به الحاج نزد او تماس کرده گفتند: «ستحق است که این احسان را برایش بهجا آوری. ۵ زیرا قوم ما را دوست مدار و خودباری ما کنیسه را ساخت.» ۶ پس عیسی با دوستان خود را نزد او فرستاده بدو گفت: «خداؤندا حزمت مکش زیرا لایق آن نیستم که زیر سقف من درآی. ۷ و از این سبب خود را لایق آن ندانستم که نزد تو آیم، بلکه سختی بگو تا بنده من شوید. ۳۸ بدھید تا به شما داده شود. زیرا پیمانه نیکوی افسرده و چنینیه و لبیز شده را در دامن شما خواهند گذاشت. زیرا که به همان پیمانه‌ای که می‌پیمایید برای شما پیموده خواهدشد. ۳۹ پس برای ایشان مثلی زد که «آیا می‌تواند کور، کور را راهنمای کنند؟ آیا هر دو در حفوهای نمی‌افتد؟ ۴۰ شاگرد از علم خویش بهتر نیست لیکن هر که کامل شده باشد، مثل استاد خود بود. ۴۱ و چرا خسی را که در چشم برادر تو است می‌بینی و چویی را که در چشم خود داری نمی‌یابی؟ ۴۲ و چگونه بتوانی برادر خود را گویی ای برادر اجازت ده تا خس را از چشم تو برأور و چویی را که در چشم خود داری نمی‌بینی. ای ریاکار اول چوب را از چشم خود بیرون کن، آنگاه نیکو خواهی دید تا خس را از چشم برادر خود برأوری. ۴۳ «زیرا هیچ درخت نیکو میوه بد بارانی آورد و می‌آمدند روی گردانیه، گفت: «به شمامی گویم چنین ایمانی، در اسرائیل هم نیافهم». ۴۰ پس فرستادگان به خانه برگشته، آن غلام بیمارا صحیح یافتند. ۱۱ و دو روز بعد به شهری مسمی به نائین می‌رفت و سپاری از شاگردان او و گروهی عظیم، هماراهش چشم خود بیرون کن، آنگاه نیکو خواهی دید تا خس را از چشم می‌آمدند. ۱۳ چون خداوند او را دید، دلش بر او بسوخت و به نه درخت بد، میوه نیکو آورد. ۴۴ زیرا که هر درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود از خاراجیر را نمی‌یابند و از بوته، انگور را نمی‌برند خود برأوری. ۴۵ آدم نیکو از خزینه خوب دل خود چیز نیکوییم آورد و بrixیز. ۱۵ در ساعت آن مرده راست پنشت و سخن گفتن آغاز چینند. ۱۶ کرد او را به مادرش سپرد. ۱۶ پس خوف همه را فراگرفت و خدا شخص شیر از خزینه بد دل خوبی چیز بد بیرون می‌آورد. زیرا که راتمجید کنان می‌گفتند که «نی ای بزرگ در میان مامیعوثر شده و از زیادتی دل زبان سخن می‌گوید. ۴۶ «و چون است که مرا

خدا از قوم خود تفقد نموده است.» ۱۷ پس این خبر درباره او در شنید که در خانه فریسی به غذا نشسته است شیشه‌ای از عطر تمام بیوه و جمیع آن مز و بوم منتشر شد. ۱۸ و شاگردان آورده، ۲۸ در پشت سر اوند پایهایش گریان باستان و شروع کرد یحیی او را از جمیع این وقایع مطلع ساختند. ۱۹ پس یحیی به شستن پایهای او به اشک خود و خشکانیدن آنها به موی دو نفر از شاگردان خود را طلبیده، نزد عیسی فرستاده، عرض سر خود و پایهای وی را بوسیده آنها را به عطر تدهین کرد. ۲۹ نمود که «آیا تو آن آینده هستی یا منتظر دیگری باشیم؟» ۲۰ آن چون فریسی‌ای که از او وعده خواسته بودان را بدید، با خود دو نفر نزد وی آمد، گفتند: «یحیی تعمیددهنده ما را نزد تو می‌گفت که «این شخص اگر بی بودی هر آینه دانستی که این فرستاده، می‌گوید آیا تو آن آینده هستی یا منتظر دیگری باشیم.» کدام و چگونه زن است که او را لمس می‌کند، زیرا گناهکاری ۲۱ در همان ساعت، بسیاری را از مرضهاو بلایا و ارواح پلید است.» ۴۰ عیسی جواب داده به وی گفت: «ای شمعون چیزی شفا داد و کوران بسیاری رایینایی بخشید. ۲۲ عیسی در جواب دارم که به تو گویم.» ۴۱ گفت: «ای استاد بگو.» ۴۲ گفت: ایشان گفت: «بروید و یحیی را از آنجه دیده و شنیده‌اید خبردهید «طلبکاری را دو پدهکار بودکه از یکی پاپند و از دیگری پنجه که کوران، بینا و لنگان خرامان و ابرصان طاهر و کران، شنوا و دینار طلب داشتی.» ۴۳ چون چیزی نداشتند که ادا کنند، هر مرد گان، زنده می‌گردند و به فقرابشارت داده می‌شود. ۴۴ و دو را بخشید. بگو کدامیک از آن دو او را زیاد تمثیت خواهد خوشابحال کسی که در من لغرش نخورد.» ۴۵ و چون فرستادگان نمود.» ۴۶ شمعون در جواب گفت: «گمان می‌کنم آنکه او را یحیی رفته بودند، درباره یحیی بدان جماعت آغاز سخن نهاد که زیادتر بخشید.» به وی گفت: «نیکو گفتی.» ۴۷ پس به سوی باد در جنبش است؟ ۴۸ بلکه بجهت دیدن چه بیرون رفید، خانه تو آمدم آب بجهت پایهای من نیاوردی، ولی این زن پایهای آیا کسی را که به لباس نرم ملیس باشد؟ اینک آنانی که لباس مرا به اشکها شست و به موباهای سر خود آنها راخشک کرد. فاخر می‌پوشندو عیاشی می‌کنند، در قصرهای سلاطین هستند. ۴۹ مرا بوسیدی، لیکن این زن از یعنی که داخل شدم از بوسیدن ۵۰ پس برای دیدن چه رفته بودید، آیا نی ای را؟ بلی به شما پایهای من بازنایستاد. ۵۱ سر مرا به روغن مسح نکردی، لیکن می‌گویم کسی را که از نی هم بزرگراست، ۵۲ زیرا این است اوپایهای مرا به عطر تدهین کرد. ۵۳ از این جهت به تو می‌گویم، آنکه درباره وی مکتوب است، اینک من رسول خود را پیش روی گناهان او که بسیار است آمرزیده شد، زیرا که محبت بسیار نموده تو می‌فرستم تا راه تو را پیش تو مهیا سازد. ۵۴ زیرا که شما را است. لیکن آنکه آمرزش کمتر یافت، محبت کمتر می‌نماید.» می‌گوییم از اولاد زنان نبی ای بزرگر از یحیی تعمیددهنده نیست. ۵۵ پس به آن زن گفت: «گناهان تو آمرزیده شد.» ۵۶ و اهل لیکن آنکه در ملکوت خدا کوچکتر است از وی بزرگر است.» مجلس در خاطر خود تفکر آغاز کردند که این کیست که گناهان ۵۷ تمام قوم و باجگیران چون شنیدند، خدا راتمجید کردند زیرا را هم می‌آمزد. ۵۸ پس به آن زن گفت: «ایمانت تو را نجات که تعمید از یحیی یافته بودند. ۵۹ لیکن فریسان و فقهاء اراده خدا داده است به سلامتی روانه شو.»

را از خود رد نمودند زیرا که از وی تعمید نیافنه بودند. ۶۰ آنگاه **۶۱** و بعد از آن واقع شد که او در هر شهری ودهی گشته، خداوند گفت: «مدمان این طبقه را به چه تشییه کنم و مانند چه موضعه می‌نمود و به ملکوت خدا بشارت می‌داد و آن دوازده با وی می‌باشند؟ ۶۲ اطفالی را می‌مانند که در بازارها نشسته، یکدیگر را صدزاده می‌گویند، برای شما نواختیم رقص نکردید و نوحه گری بودند، یعنی مریم معروف به مجلدیه که از او هفت دیو بیرون رفته کردیم گریه ننمودید. ۶۳ زیرا که یحیی تعمیددهنده آمد که نان بودند، ۶۴ و یونا زوجه خوزا، ناظر هیرودیس و سوسن و بسیاری از می‌خورد و نه شراب می‌آشامید، می‌گویید دیو دارد. ۶۵ پسر انسان زنان دیگرکه از اموال خود او را خدمت می‌کردند. ۶۶ و چون آمد که می‌خورد و می‌آشامد، می‌گویید اینک مردی است پرخور و گروهی بسیار فراهم می‌شندند و از هر شهر نزد او می‌آمدند مثلی باده پرست و دوست باجگیران و گناهکاران. ۶۷ اما حکمت از آورده، ۶۸ گفت که «بزرگری بجهت تخم کاشتن بیرون رفت. و جمیع فرزندان خود مصدق می‌شود. ۶۹ و یکی از فریسان از وقتی که تخم می‌کاشت بعضی بر کناره راه ریخته شد و پایمال او وعده خواست که با او غذا خورد پس به خانه فریسی درآمده شده، مرغان هوا آن را خوردند. ۷۰ و پاره‌ای بر سنتگلاخ افتداد چون پنشست. ۷۱ که ناگاه زنی که در آن شهر گناهکار بود، چون

روید از آنجهشت که رطوبتی نداشت خشک گردید. ۷ و قدری بادها و آب را هم امر می فرماید و اطاعت او می کنند.» ۲۶ و در میان خارها افکنده شد که خارها با آن نمو کرده آرا خفه به زمین جدریان که مقابل جلیل است، رسیدند. ۲۷ چون به نمود. ۸ و بعضی در زمین نیکو پاشیده شده روید و صد چندان خشکی فرود آمد، ناگاه شخصی از آن شهرکه از مدت مدیدی ثمر آورد. ۹ چون این بگفت ندا درداد «هرکه گوش شنوا دارد دیوهاداشتی و رخت نیوشیدی و در خانه نماندی بلکه در قبرها بشنود.» ۹ پس شاگردانش از او سوال نموده، گفتند که «معنی این منزل داشتی دچار وی گردید. ۲۸ چون عیسی را دید، نعره زد و عطا شده است و لیکن دیگران را به واسطه مثلاً، تا نگریسته با تخم کلام زیرا که روح خبیث را مر فرموده بود که از آن شخص بیرون آید. نبینند و شنیده درک نکنند. ۱۱ اما مثل این است که تخم کلام زیرا که روح خبیث را مر فرموده بود که از آن شخص بیرون آید. خداست. ۱۲ و آنانی که در کنار راه هستند کسانی می باشدند که چونکه بارها او را گرفته بود، چنانکه هرچند او را به زنجیرها و کندها چون می شنوند، فور ایبلس آمده کلام را از دلهای ایشان می ریاید، بسته نگاه می داشتند، پندها را می گشیخت و دیو او را به صحراء میادا ایمان آورده نجات یابند. ۱۳ و آنانی که بر سنگلاخ هستند می راند. ۲۰ عیسی از اوپریسیده، گفت: «نام تو چیست؟» گفت: کسانی می باشند که چون کلام رامی شنوند آن را به شادی «الجنون». زیرا که دیوهای سپار داخل او شده بودند. ۲۱ و از او می پذیرند و اینها ریشه ندارند پس تا مدتی ایمان می دارند و در استدعا کردن که ایشان را نفرماید که به هاویه روند. (**Abyssos**) وقت آزمایش، مرتد می شوند. ۱۴ اما آنچه در خارهای اتفاق اشخاصی (g12) ۲۲ و در آن نزدیکی گله گزار بسیار بودند که در کوه می باشند که چون شنوند می روند و اندیشه های روزگار و دولت و می گردند. پس از او خواهش نمودند که بدیشان اجازت دهد تا لذات آن ایشان را خفه می کند و هیچ میوه به کمال نمی رسانند. در آنها داخل شوند. پس ایشان را اجازت داد. ۲۳ ناگاه دیوها از ۱۵ اما آنچه در زمین نیکو واقع گشت کسانی می باشند که کلام آن آدم بیرون شده، داخل گرازان گشتند که آن گله ازیندی به را به دل راست و نیکو شنیده، آن را نگاه می دارند و با صبر، ثمر دریاچه جسته، خفه شدند. ۲۴ چون گرازان ماجرا را دیدند فرار می آورند. ۱۶ «و هیچ کس چراغ را افروخته، آن را زیرظرفی یا کردنده و در شهر واراضی آن شهرت دادند. ۲۵ پس مردم بیرون تختی پنهان نمی کند بلکه بر چراگدان می گذارد تا هرکه داخل آمده تا آن واقعه را بینندند عیسی رسیدند و چون آدمی را که از او شود روشی را بینند. ۱۷ زیرا چیزی نهان نیست که ظاهر نگردد و دیوهای بیرون رفته بودند، دیدند که نزد پایهای عیسی رخت پوشیده و نه مستور که معلوم و هویدا نشود. ۱۸ پس اختیاطنمایید که به چه عاقل گشته نشسته است ترسیدند. ۲۶ و آنانی که این را دیده طور می شنید، زیرا هرکه داردیدو داده خواهد شد و از آنکه ندارد بودند ایشان را خبر دادند که آن دیوانه چطور شفا یافته بود. ۲۷ آنچه گمان هم می برد که دارد، از او گرفته خواهد شد.» ۱۹ و پس تمام خلق مزویوم جدریان از او خواهش نمودند که از نزد مادر و برادران او نزد وی آمده به سبب ازدحام خلق نتوانستند او را ایشان روانه شود، زیرا خوفی شدید بر ایشان مستولی شده بود. پس ملاقات کنند. ۲۰ پس او را خبر داده گفتند: «مادر و برادران او به کشته سوار شده مراجعت نمود. ۲۱ اما آن شخصی که بیرون ایستاده می خواهد تو را بینند.» ۲۱ در جواب ایشان گفت: دیوها از وی بیرون رفته بودند از او درخواست کرد که با وی باشد. «مادر و برادران من ایناند که کلام خدا را شنیده آن را بهجا لیکن عیسی او را روانه فرموده، گفت: ۲۹ «به خانه خود بروگد و می آورند.» ۲۲ روزی از روزها او با شاگردان خود به کشته سوار آنچه خدا با تو کرده است حکایت کن.» پس رفته در تمام شهر شده، به ایشان گفت: «به سوی آن کنار دریاچه عبور بکیم.» پس از آنچه عیسی بدو نموده بود موعظه کرد. ۴۰ و چون عیسی کشته را حرکت دادند. ۲۳ و چون می رفتهند، خواب او را در ریو مراجعت کرد خلق او را پذیرفتند زیرا جمیع مردم چشم به راه اومی که ناگاه طوفان باد بر دریاچه فرود آمد، بحدی که کشته از آب داشتند. ۴۱ که ناگاه مردی، یاپریس نام که رئیس کنیسه بود به پر می شد و ایشان در خطر افتادند. ۴۲ پس نزد او آمده او را بیدار پایهای عیسی افتداده، به اولتیمات نمود که به خانه او بیاید. ۴۲ کرده، گفتند: «استادا، استادا، هلاک می شویم.» پس برخاسته زیرا که او را دختر یگانه ای قریب به دوازده ساله بود که مشرف بر باد و تلاطم آب را نهیب داد تا ساکن گشت و آرامی پدید آمد. موت بود. و چون می رفت خلق بر اوزادحام می نمودند. ۴۳ ناگاه ۴۵ پس به ایشان گفت: «ایمان شما کجالاست؟» ایشان ترسان و زنی که مدت دوازده سال به استحضاه می بلا بود و تمام مایملک متعجب شده با یکدیگرمی گفتند که «این چطور آدمی است که خود را صرف اطبانموده و هیچ کس نمی توانست او را شفا دهد،

۴۴ از پشت سر وی آمده، دامن ردای او را لمس نمود که در درباره او چنین خبر می‌شونم» و طالب ملاقات وی می‌بود. ۱۰ و ساعت جریان خوشن ایستاد. ۴۵ پس عیسی گفت: «کیست چون رسولان مراجعت کردند، آنچه کرده بودند بدبو بازگفتند. که مرا لمس نمود.» چون همه انکار کردند، پطرس و رفاقتاش پس ایشان را برداشته به ویرانه‌ای نزدیک شهری که بیت صیدا نام گفتند: «ای استاد مردم هجوم آورده بر تو ازدحام می‌کنند و می‌داشت به خلوت رفت. ۱۱ اما گروهی بسیار اطلاع یافته در عقب گویی کیست که مرا لمس نمود؟» ۴۶ عیسی گفت: «البته کسی وی شناختند. پس ایشان را پذیرفته، ایشان را از ملکوت خدا اعلام مرا لمس نموده است، زیرا که من درک کردم که قوتوی از من بیرون می‌نمود و هرکه احتیاج به معالجه می‌داشت صحبت می‌بخشید. ۷۴ چون آن زن دید که نمی‌تواند پنهان ماند، لزان شده، ۱۲ و چون روز رو به زوال نهاد، آن دوازده نزدیک آمده، گفتند: آمد و نزد او افتاده پیش همه مردم گفت که به چه سبب او را «مردم را مخصوص فرماتا به دهات و اراضی این حوالی رفته منزل لمس نمود و چگونه فور شفا یافت. ۴۸ وی را گفت: «ای دختر و خوراک برای خویشتن پیدا نمایند، زیرا که در اینجا در صحراء خاطرجمع دار، ایمان تو را شفا داده است، به سلامتی برو.» می‌باشیم.» ۱۳ او بدبیشان گفت: «شمایشان را غذا دهید.» ۴۹ و این سخن هنوز بر زبان او بود که یکی از خانه رئیس کنیسه گفتند: «ما را جز پنج نان و دوماهی نیست مگر برویم و بجهت آمده به وی گفت: «دخترت مرد. دیگر استاد را زحمت مده.» ۵۰ ایشان پس به شاگردان خود گفت که ایشان را پنچاه پنچاه، دسته دسته، ۵۰ چون عیسی این را شنید توجه نموده به وی گفت: «تسان پس به شاگردان خود گفت که ایشان را پنچاه پنچاه، دسته دسته، میباش، ایمان آور و بس که شفا خواهد یافت.» ۵۱ و چون داخل بشانند. ۱۵ ایشان همچنین کرده همه را نشانیدند. ۵۱ پس آن خانه شد، جز پطرس و یوحنا ویعقوب و پدر و مادر دختر هیچ کس پنج نان و دوماهی را گرفته، به سوی آسمان نگریست و آنها را برکت را نگذاشت که به اندرон آید. ۵۲ و چون همه برای او گریه وزاری داده، پاره نمود و به شاگردان خود داد تایپش مردم گذارند. ۵۲ می‌کردند او گفت: «گریان می‌باشد نمرده بلکه خفه است.» ۵۳ پس همه خورده سیرشدند. و دوازده سبد بر از پاره‌های باقی مانده پس به او استهرا کردند چونکه می‌دانستند که مرده است. ۵۴ پس برداشتند. ۱۸ و هنگامی که او به تهایی دعا می‌کرد و شاگردانش او همه را بیرون کرد و دست دختر را گرفته صدا زد و گفت: «ای همراه او بودند، از ایشان پرسیده، گفت: «مردم را که می‌دانند؟» دختر بrixz.» ۵۵ و روح او برگشت و فور برخاست. پس عیسی ۱۹ در جواب گفتند: «یحیی تعمید‌هنده و بعضی الیاس و دیگران فرمود تا به وی خوراک دهن. ۵۶ و پدر و مادر او حیران شدند. می‌گویند که یکی از انبیای پیشین برخاسته است.» ۲۰ بدبیشان پس ایشان را فرمود که هیچ کس را از این ماجرا خبر ندهند. ۵۶ گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» پطرس در جواب گفت: «مسيح خدا.» ۲۱ پس ایشان را قدغن بليغ فرمود که هيچ کس را از اين خلاصي دهدان را هلاك سازد و هر کس جان خود را بجهت من تلف کرد، آن را نجات خواهد داد. ۲۵ زيرالسان را چه فايده دارد که تمام جهان را بيرد و نفس خود را بر باد دهد یا آن را زيان رساند. ۲۶ زيرا هرکه از من و كلام من عار دارد پسر انسان نيز وقتی که در جلال خود و جلال پدر و ملائكه مقدسه آيد از او عار خواهد داشت. ۲۷ ليکن هرآينه به شما می‌گويم که بعضی از حاضرين در اينجا هستند که تا ملکوت خدا را نبيتند ذاته موت را نخواهند چشيد.» ۲۸ و از اين کلام قریب به هشت روز گذشته بود که پطرس و یوحنا ویعقوب را برداشته برقرار گروهی برآمد تا دعا

کند. ۲۹ و چون دعامی کرد هیات چهره او متبدل گشت و لباس مانمی کند.» ۵۰ عیسی بدو گفت: «او را ممانعت مکنید. زیرا او سفید و درخشان شد. ۳۰ که ناگاه دو مرد یعنی موسی و الیاس هرکه ضد شما نیست با شمامست.» ۵۱ و چون روزهای صعود او با وی ملاقات کردند. ۳۱ و به هیات جلالی ظاهر شده درباره نزدیک می‌شدروی خود را به عزم ثابت به سوی اورشلیم نهاد. ۵۲ رحلت او که می‌بایست به زودی در اورشلیم واقع شود گفتگومی پس رسولان پیش از خود فستاده، ایشان رفته به بلدی از بلاد کردند. ۳۲ اما پطروس و رفقایش را خواب در روید. پس بیدار شده سامریان وارد گشتند تا برای اوتدارک بینند. ۵۳ اما او را جای جلال او و آن دو مرد را که با وی بودند، دیدند. ۳۳ و چون آن دو ندادند از آن رو که عازم اورشلیم می‌بود. ۵۴ و چون شاگردان او، نفر از او جدامی شدند، پطروس به عیسی گفت که «ای استاد، یعقوب و یوحنا این را دیدند گفتند: «ای خداوند آیا می‌خواهی بودن ما در اینجا خوب است. پس سه سپایان سازیم یکی برای تو بگوییم که اتش از آسمان باریده اینها را فروگیرد جنانکه الیاس نیز و یکی برای موسی و دیگری برای الیاس.» زیرا که نمی‌دانست چه کرد؟ ۵۵ آنگاه روی گردانیده بدیشان گفت: «نمی‌دانید که شما می‌گفت. ۳۶ و این سخن هنوز بر زبانش می‌بود که ناگاه ابری ازکدام نوع روح هستید.» ۵۶ زیرا که پسر انسان نیامده است تا پدیدار شده بر ایشان سایه افکند و چون داخل ابر می‌شدند، ترسان جان مردم را هلاک سازد بلکه تانجات دهد.» پس به قریه‌ای دیگر گردیدند. ۳۷ آنگاه صدای از ابر پرآمد که «این است پسرحیب رفند.» ۵۷ و هنگامی که ایشان می‌رفند در اثنای راه شخصی بدو من، او را بشنوید.» ۳۸ و چون این آواز رسید عیسی را تنها یافتد و گفت: «خداوندا هر جا روی تو رامتابعت کنم.» ۵۸ عیسی به ایشان ساکت ماندند از آنچه دیده بودند هیچ کس را در آن ایام وی گفت: «رویاهان راسوراخا است و مرغان هوا را آشیانه‌ها، خبرندازند. ۳۹ و در روز بعد چون ایشان از کوه به زیرآمدند، لیکن پسر انسان را جای سر نهادن نیست.» ۵۹ و به دیگر گروهی بسیار او را استقبال نمودند. ۴۰ که ناگاه مردی از آن میان گفت: «از عقب من بیا.» گفت: «خداوند اول مرا رخصت فریاد کنان گفت: «ای استادبه تو التمام می‌کنم که بر پسر من ده تا بروم پدر خود را دفن کنم.» ۴۰ عیسی وی را گفت: لطف فرمای زیرا یگانه من است. ۴۱ که ناگاه روحی او رامی «بگذار مردگان مردگان خود را دفن کنند. اما تو برو و به ملکوت گیرد و دفعه صحیحه می‌زند و کف کرده مصروف می‌شود و او را خدامو عظمه کن.» ۴۱ و کسی دیگر گفت: «خداوندا تورا پیروی فشرده به دشواری رها می‌کند. ۴۲ و از شاگردان درخواست کدم می‌کنم لیکن اول رخصت ده تا اهل خانه خود را دادع نمایم.» که او را بیرون کنند نتوانستند. ۴۳ عیسی در جواب گفت: «ای ۴۲ عیسی وی را گفت: «کسی که دست را به شخم زدن دراز فرقه بی ایمان کچ روش، تا کی با شما باش و متحمل شما گردد. کرده از پشت سر نظر کند، شایسته ملکوت خدا نمی‌باشد.» پسر خود را اینجا بیاور.» ۴۴ و چون او می‌آمدیدو او را در پیش مصروف نمود. اما عیسی آن روح خبیث را نهیب داده طفل را شفا فرموده، ایشان را جفت جفت پیش روی خود به هر شهری و بخشید و به پدرش سپرد. ۴۳ و همه از بزرگ خدامتخیر شدند و موضعی که خود عزیمت آن داشت، فرستاد. ۴۴ پس بدیشان گفت: «حساب بسیار است و عمله کم. پس از صاحب حصاد خود گفت: «این سختان را در گوشهای خود فراگیریدزیرا که پسر انسان به دستهای مردم تسليم خواهد شد.» ۴۵ ولی این سخن بروید، اینک من شما را چون بره‌ها در میان گرگان می‌فرستم. ۴۶ را درک نکردند و از ایشان مخفی داشته شد که آن را نفهمند و وکیسه و توشه‌دان و کفشهای با خود برمدارید و هیچ کس را در راه ترسیمند که آن را از وی پرسند. ۴۷ و در میان ایشان مباحثه شد که کدامیک ازما بزرگتر است. ۴۸ عیسی خیال دل ایشان را مانفعت شده طفلی بگرفت و او را نزد خود برباداشت. ۴۹ و به ایشان گفت: «هرکه این طفل را به نام من قبول کند، مرا قبول کرده باشد و هرکه مرا پذیرد، فرستنده مرا پذیرفته باشد. زیرا هرکه از جمیع شما کوچکتر باشد، همان بزرگ خواهد بود.» ۵۰ یوحنا هر شهری که رفتند و شما را پذیرفتند، از آنچه پیش شما گذارند جواب داده گفت: «ای استاد شخصی را دیدیم که به نام تو بخوردید. ۵۱ و مریضان آنچا راشفا دهید و بدیشان گوید ملکوت دیوها را اخراج می‌کند و او منع نمودیم، از آن رو که پیروی

خدا به شمانزدیک شده است. ۱۰ لیکن در هر شهری که رفیدو «نیکو جواب گفتی. چنین بکن که خواهی زیست.» ۲۹ لیکن او شما را قبول نکردند، به کوچه های آن شهرپرion شده بگویید، چون خواست خودرا عادل نماید، به عیسی گفت: «و همسایه من ۱۱ حتی حاکی که از شهرشما بر ما نشسته است، بر شما کیست؟» ۳۰ عیسی در جواب وی گفت: «مردی که ازاورشیم می افشاریم. لیکن این را بدانید که ملکوت خدا به شما نزدیک به سوی ایرجا می رفت، به دستهای زدزان افتاد و او بر هنر کرده شده است. ۱۲ و به شما می گویم که حالت سوم در آن روز، از مجروح ساختند واو را نیم مرده واگذارده برفتند. ۲۱ اتفاق کاهنی حالت آن شهر سهل تر خواهد بود. ۱۳ وای بر توای خورزین؛ وای از آن راه می آمد، چون او را بدبید از کاره دیگرفت. ۲۲ همچنین بر توای بیت صیدا، زیرا اگر معجزاتی که در شما ظاهر شدر شخصی لاوی نیز از آنچا عبورکرده نزدیک آمد و بر او نگریسته از صور و صیدون ظاهر می شد، هر آیه مدتی در پلاس و خاکستر کناره دیگربرفت. ۲۳ لیکن شخصی سامری که مسافر بود نزدی نشسته، توبه می کردند. ۱۴ لیکن حالت صور و صیدون در روز آمده چون او را بدبید، دلش بر وی بسوخت. ۲۴ پس پیش آمده بر جرا، از حال شما آسانتر خواهد بود. ۱۵ و توای کفرناحوم که سر زخمها او روغن و شراب ریخته آنها را بست واو را بر مرکب خود به آسمان افراشته ای، تا به جهنم سرنگون خواهی شد. **(Hadēs) سوارکرده به کاروانسرا رسانید و خدمت او کرد. ۲۵** بامدادان

g86 ۱۶ آنکه شما را شود، مرا شنیده و کسی که شما را حقیر چون روانه می شد، دو دینار درآورده به سرایدار داد و بد و گفت این شمارد مرا حقیر شمرده و هر که مرا حقیر شمارد فرستنده مرا حقیر شخص را متوجه باش و آنچه بیش از این خرج کنی، در حین شمرده باشد.» ۱۷ پس آن هفتاد نفر با خرمی برگشته گفتند: «ای مراجعت به تو دهم.» ۲۶ «پس به نظر تو کدامیک از این سه خداوند، دیوها هم به اسم تو اطاعت مامی کنند.» ۱۸ بدیشان نفرهمسایه بود با آن شخص که به دست دزدان افتاد؟» ۲۷ گفت: گفت: «من شیطان را دیدم که چون برق از آسمان می افند. ۱۹ «آنکه بر او رحمت کرد.» عیسی وی را گفت: «برو و تو نیز اینک شما را قوت می بخشم که مازان و عقرها و تمامی قوت همچنان کن.» ۲۸ و هنگامی که می رفتند او وارد بلدی شد وزنی دشمن را پایمال کنید و چیزی به شما ضرر هرگزخواهد رسانید. که مرتاه نام داشت، او را به خانه خودپذیرفت. ۲۹ ولی از این شادی مکید که ارواح اطاعت شما می کنند مریم نام بود که نزدیکیهای عیسی نشسته کلام او را می شنید. ۴۰ بلکه بیشتر شاد باشید که نامهای شما در آسمان مرقوم است.» امامرهات بهجهت زیادی خدمت مضطرب می بود. پس نزدیک آمده، ۲۱ در همان ساعت، عیسی در روح وجودنموده گفت: «ای گفت: «ای خداوند آیا تو را بکنی نیست که خواهتم مرا واگذاردم پدر مالک آسمان و زمین، تو راسپاس می کنم که این امور را از که تنهایم داشتم کنم، او را بفرما تا مرا یاری کنند.» ۴۱ عیسی دانایان و خردمندان مخفی داشتی و بر کوکان مکشف ساختی. در جواب وی گفت: «ای مرتاه، ای مرتاه تو در چیزهای بسیار بله ای پدر، چونکه همچنین منظور نظرتو افتاد.» ۲۲ و به سوی اندیشه و اضطراب داری. لیکن یک چیز لام است و مریم آن شاگردان خود توجه نموده گفت: «همه چیز را پدر به من سپرده نصیب خوب را اختیار کرده است که از او گرفته نخواهد شد.»

11 و هنگامی که او در موضوعی دعا می کردچون فارغ شد، پدر کیست، غیر از پسر و هر که پسر بخواهد برای او مکشف سازد.» ۲۳ و در خلوت به شاگردان خود ثغافت فرموده گفت: «خوشحال چشمانی که آنچه شما می بینید، می بینند. ۲۴ زیرا به شما می گویم بسا انبیا و پادشاهان می خواستند آنچه شما می بینید، بنگزند و ندیدند و آنچه شمامی شنودی، بشنوند و نشینندند.» ۲۵ ناگاه یکی از فقهاء برخاسته از روی امتحان به وی گفت: «ای استاد چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟» **(aiōnios)** ۲۶ به وی گفت: «در تورات چه نوشته شده است و چگونه می خوانی؟» ۲۷ جواب داده، گفت: «اینکه خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر یکی از دوستان من از سفر بر من وارد شده و چیزی ندارم که پیش خودمحبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود.» ۲۸ گفت:

او گذارم. ۷ پس او از اندرون در جواب گوید مرا زحمت مده، زیرا می شود.» ۲۷ چون او این سخنان را می گفت، زنی از آن میان به که الان درسته است و بجهه های من در رختخواب با من خفته‌اند آواز بلند وی را گفت «خوشابحال آن رحمی که تو را حمل کرد و نمی توانم برخاست تا به تو دهم. ۸ به شمامی گوییم هرچند به پستانهایی که مکیدی.» ۲۸ لیکن او گفت: «بلکه خوشابحال علت دوستی برخیزید تا بدودهد، لیکن بجهت لجاجت خواهد آنانی که کلام خدا را می شوند و آن را حفظی کنند.» ۲۹ و برخاست و هرآنچه حاجت دارد، بدرو خواهد داد. ۹ «و من به هنگامی که مردم بر او ازدحام می نمودند، سخن گفتن آغاز کرد شما می گوییم سوال کنید که به شماماده خواهد شد. بطبلید که «اینان فرقاهای شرپرند که آبی طلب می کنند و آبی بدانش خواهید یافت. بکویید که برای شما بازکرده خواهد شد. ۱۰ زیرا عطا نخواهد شد، جز آیت یونس نبی. ۱۱ زیرا چنانکه یونس برای هرکه سوال کنند، یا بد و هرکه بطبلید، خواهد یافت و هرکه کوید، اهل نیتو آیت شد، همچنین پسر انسان نیزیرای این فرقه خواهد برای او باز کرده خواهد شد. ۱۲ و گیست از شما که پدر باشد و بود. ۳۱ ملکه جنوب در روزداری با مردم این فقهه برخاسته، بر پرسش از او نان خواهد، سنتگی بدو دهد یا اگر ماهی خواهد، به ایشان حکم خواهد کرد زیرا که از اقصای زمین آمد تا حکمت عوض ماهی ماری بدو بخشد، ۱۳ یا اگر تخم مرغی بخواهد، عقری سلیمان را بشنو و اینک در اینجا کسی بزرگتر ازسلمیان است. بدو عطا کنند. ۱۴ پس اگر شما با آنکه شیر هستید می دانید مردم نیتو را در روز داوری با این طبقه برخاسته بر ایشان حکم چیزهای نیکو را به اولاد خود باید داد، چند مرتبه زیادتر پر آسمانی خواهند کرد زیرا که به موقعه یونس توبه کردند و اینک در اینجا شما روح القدس را خواهد داد به هرکه از او سوال کنند.» ۱۵ و کسی بزرگتر از یونس است. ۳۳ و هیچ کس چرا غی نمی افزود دیوی را که گنگ بود ییرون می کرد و چون دیو ییرون شد، گنگ تا آن را در پنهانی یا زیر پیمانه ای بگذارد، بلکه بر چرا غدان، تا گویا گردید و مردم تعجب نمودند. ۱۶ لیکن بعضی از ایشان هرکه داخل شود روشی را بیند. ۳۴ چرا غ بدن چشم است، پس گفتند که «دیوها را به یاری بعلزبول رئیس دیوها ییرون می کنند.» مادامی که چشم تو بسیط است تمامی جسدت نیز روشن است و ۱۷ و دیگران از روی امتحان آبیتی آسمانی از او طلب نمودند. ۱۸ لیکن اگر فاسد باشد، جسد تو نیز تاریک بود. ۱۸ پس با حذر پس او خیالات ایشان را درک کرده بدیشان گفت: «هر مملکتی باش میادا نوری که در تو است، ظلمت باشد. ۱۹ بنا بر این هرگاه که برخلاف خود منقسم شود، تباه گردد و خانه ای که بر خانه تمامی جسم تو روشن باشد و ذرا هیچ ظلمت نداشته باشد همه اش منقسم شود، منهدم گردد. ۲۰ پس شیطان نیز اگر به ضد خود روشن خواهد بود، مثل وقتی که چرا غ به تابش خود، تورا روشناشی منقسم شود سلطنت اوجگونه پایدار بماند. زیرا می گویید که من به می دهد.» ۲۱ و هنگامی که سخن می گفت یکی از فریسان از اعانت بعلزبول دیوها را ییرون می کنم. ۲۲ پس اگرمن کنم دیوها را به او وعده خواست که در خانه اوجاشت بجهود. پس داخل شده وساطت بعلزبول ییرون می کنم، پس این شما به وساطت که آنها را بنشست. ۲۳ اما فریسی چون دید که پیش از چاشت دست بیرون می کنند! از اینچه ایشان داوران بر شما خواهد بود. ۲۴ نشست، تعجب نمود. ۲۵ خداوند وی را گفت: «همانا شمالی لیکن هرگاه به انگشت خدا دیوها را ییرون می کنم، هراین ملکوت فریسان ییرون پیاله و بشتاب راطا هر می سازید ولی درون شما پر از خدا ناگهان بر شما آمده است. ۲۶ وقتی که مرد زورآور سلاح حرص و خباثت است. ۲۷ ای احمقان آیا او که ییرون را فرید، پوشیده خانه خود را نگاه دارد، اموال او محفوظ می باشد. ۲۸ اما اندرون را نیز نیافرید؟ ۲۹ بلکه از آنچه دارید، صدقه دهید که چون شخصی زورآور از او آید بر او غلبه یافته همه اسلحه او را اینک همه چیز برای شما طاهر خواهد گشت. ۳۰ وای بر شمالی که بدان اعتماد می داشت، از او می گیرد و اموال او را تقسیم فریسان که دهیک از نعناع و سداد و هر قسم سبزی رامی دهید می کند. ۳۱ کسی که با من نیست، برخلاف من است و آنکه با و از دادرسی و محبت خدا تجاذبی نمایید، اینها را می باید به جا من جمع نمی کند، پراکنده می سازد. ۳۲ چون روح پلید از انسان آورید و آنها نایر ترک نکنید. ۳۳ وای بر شمالی فریسان که صدر بیرون آید به مکانهای بی آب بطبل آرامی گردش می کند و چون کنایس و سلام در بازارها را دوست می دارید. ۳۴ وای بر شمالی نیافت می گوید به خانه خود که از آن ییرون آمام برمی گردم. کاتبان و فریسان ریا کار زیرا که مانند قبرهای پنهان شده هستید که ۳۵ پس چون آید، آن را جاروب کرده شده و آراسته می بیند. مردم بر آنها راه می روند و نمی دانند.» ۳۶ آنگاه یکی از فقها ۳۷ آنگاه می رود و هفت روح دیگر، شریتر از خود برداشته داخل جواب داده گفت: «ای معلم، بدین سخنان ما را نیز سرزنش شده در آنجا ساکن می گردد و اواخر آن شخص ازاوائلش بدتر می کنی؟» ۳۸ گفت «وای بر شما نیزای فقها زیرا که بارهای

گران را بر مردم می‌نهید و خود بر آن بارها، یک انگشت خود را ساعت روح القدس شما را خواهد آموخت که چه باید گفت.» نمی‌گذارید. ۴۷ و ای بر شما زیرا که مقابر انبیا را بنا می‌کنید و ۱۳ و شخصی از آن جماعت به وی گفت: «ای استاد، برادر پدران شما ایشان را کشتنند. ۴۸ پس به کارهای پدران خود شهادت مرا بفرمای تا ارت پدر را با من تقسیم کند.» ۴۹ به وی گفت: می‌دید و از آنها راضی هستید، زیرا آنها ایشان را کشتند و شما «ای مرد که مرا بر شما دارویا مقسم قرار داده است؟» ۵۰ پس قبرهای ایشان را می‌سازید. ۵۱ ازین رو حکمت خدا نیز فرموده بدیشان گفت: «زنهر از طمع پیرهیزید زیرا اگرچه اموال کسی زیاد است که به سوی ایشان انبیا و رسولان می‌فرستم و بعضی از شود، حیات از اموالش نیست.» ۵۲ و مثلی برای ایشان آورده، ایشان را خواهند کشت و بر بعضی چفا کرد، ۵۰ تا انتقام خون گفت: «شخصی دولتمند را از املاکش محصول وافر پیدا شد. جمیع انبیا که از بنای عالم ریخته شد از این طبقه گرفته شود. ۵۱ پس با خود اندیشیده، گفت چه کنم؟ زیرا جایی که محصول از خون هاییل تا خون زکریا که در میان مذبح و هیکل کشته شد. خود را انبیار کنم، ندارم. ۵۲ پس گفت چنین می‌کنم اینهایی بله به شمامی گویم که از این فرقه بازخواست خواهد شد. ۵۳ خود را خراب کرده، بزرگتر بنا می‌کنم و در آن تمامی حاصل و وای بر شما ای فقهاء، زیرا کلید معرفت را برداشته اید که خود داخل اموال خود را جمع خواهم کرد. ۵۴ و نفس خود را خواهیم گفت نمی‌شوی و داخل شوندگان را هم مانع می‌شویم.» ۵۵ و چون او که ای جان اموال فروان اندوخته شده بجهت چندین سال داری. این سخنان را بدیشان می‌گفت، کاتبان و فریسان با او بشدت الحال بیارام و به اکل و شرب و شادی پیروز. ۵۶ خدا وی را درآویختند و در مطالب بسیار سوالها از او می‌کردند. ۵۷ و در گفت‌ای احمق در همین شب جان تو را از تو خواهند گرفت، آنگاه آنچه اندوخته‌ای، از آن که خواهید بود؟ ۵۸ همچنین است هر کمین او می‌بودند تا نکته‌ای از زبان او گرفته مدعی او بشوند.

کسی که برای خود ذخیره کند و برای خدا دولتمند نباشد.» ۵۹

۱۲ و در آن میان، وقتی که هزاران از خلق جمع شدند، به نوعی که یکدیگر را پیامال می‌کردند، به شاگردان خود به سخن گفتش شروع کرد. «اول آنکه از خمر مایه فریسان که ریا کاری است احتیاط کنید. ۶۰ زیرا چیزی نهفته نیست که آشکار نشود و نه مستوری که معلوم نگردد. ۶۱ بنابراین آنچه در تاریکی گفته اید، در روشنایی شنیده خواهد شد و آنچه در خلوتخانه در گوش گفته اید بر پشت بامها نداشود. ۶۲ لیکن ای دوستان من، به شما می‌گویم از قاتلان جسم که قدرت ندارند بیشتر از این بگشته، ترسان مباشد. ۶۳ بلکه به شما نشان می‌دهم که از که باید ترسید، از او بترسید که بعد از کشتن، قدرت دارد که به جهنم بینکند. بلی به شما می‌گوییم از او بترسید. (Geenna g1067) ۶۴ آیا پنج گیجشک به دو فلس فروخته نمی‌شود و حال آنکه یکی از آنها نزد خدا فراموش نمی‌شود؟ ۶۵ بلکه مویهای سر شما همه شمرده شده است. پس بیم مکنید، زیرا که از چندان گیجشک بهتر هستید. ۶۶ لیکن به شما می‌گوییم هر که نزد مردم به من اقرار کند، پسر امت های جهان، همه این چیزها را می‌طلبند، لیکن پدر شما انسان نیز پیش فرشتگان خدا او را قرار خواهد کرد. ۶۷ اما هر که مرا می‌داند که به این چیزها احتیاج دارید. ۶۸ بلکه ملکوت خدا را طلب کنید که جمیع این چیزها برای شما افروزه خواهد شد. ۶۹ طرسان مباشیدای گله کوچک، زیرا که مرضی پدر شما است که به روح القدس کفر گوید آمرزیده نخواهد شد. ۷۰ و چون شما را ملکوت را به شما عطا فرماید. ۷۱ آنچه دارید بفروشید و صدقه دهید و کیسه‌ها بسازید که کهنه نشود و گنجی را که تلف نشود، و به چه نوع حجت آورید یا چه بگویید. ۷۲ زیرا که در همان در آسمان جایی که دزد نزدیک نیاید و بیدتباه نسازد. ۷۳ زیرا

جایی که خزانه شما است، دل شما نیز در آنجا می‌باشد. ۳۵ چنین می‌شود. و چون دیدید که باد جنوی می‌وزد، می‌گویید کمراهی خود را بسته چراغهای خود را خودخونه بدارید. ۳۶ و شما گرما خواهد شد و می‌شود. ۳۷ ای ریاکاران، می‌توانید صورت مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند که چه وقت زمین و آسمان راتمیز دهید، پس چگونه این زمان رانی شناسید؟ از عروسی مراجعت کنند تا هروقت آید و در راپکوبید، بی‌درنگ ۵۷ و چرا از خود به انصاف حکم نمی‌کنید؟ ۵۸ و هنگامی برای او بازکنند. ۳۷ خوشبحال آن غلامان که آقای ایشان چون که با مدعی خود نزد حاکم می‌روی، در راه سعی کن که از او آید ایشان را بیداریابد. هر آیه به شما می‌گوییم که کمر خود را برهی، مبادا تو ازند قاضی بکشد و قاضی تو را به سرهنگ سپاردو بسته ایشان را خواهد نشاید و پیش آمد، ایشان را خدمت خواهد سرهنگ تو را به زندان افکند. ۵۹ تو را می‌گوییم تا فلیس آخر را ادا کرد. ۳۸ و اگر در پاس دوم یا سوم از شب بیاید و ایشان را نکنی، از آنجا هرگز بیرون نخواهی آمد.»

چنین یابد، خوشبحال آن غلامان. ۴۰ اما این را بدانید که اگر ۱۳ در آن وقت بعضی آمده او را از جلیلیانی خبر دادند صاحب خانه می‌دانست که دزد در چه ساعت می‌آید، بیداری که پلاطس خون ایشان را با قربانی های ایشان آمیخته بود. ۲ ماند و نمی‌گذاشت که به خانه اش نقبت زنند. ۴۰ پس شما عیسی در جواب ایشان گفت: «آیا گمان می‌برید که این جلیلیان نیز مستعد باشید، زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان گناهکارتر بودند از سایر سکنه جلیل ازاین رو که چنین زحمات می‌آید.» ۴۱ پطرس به وی گفت: «ای خداوند، آیا این مثل را برای ما زدی یا بجهت همه.» ۴۲ خداوند گفت: «پس کیست آن ناظر امنی و دانا که مولای اووی را بر سایر خدام خود گماشته باشد تا آذوقه را در وقتیش به ایشان تقسیم کند. ۴۳ خوشبحال آن غلام که آقایش چون آید، او را در چنین کار مشغول یابد. شما رامی گوییم که اگر توبه نکنید همگی شما همچنین هلاک ۴۴ هر آینه به شما می‌گوییم که او را بر همه مایمیک خود خواهد گماشت. ۴۵ لیکن اگر آن غلام در خاطر خود گوید، آمدن آقایی به طول می‌انجامد و به زدن غلامان و کنیزان و به خوردن و نوشیدن و میگساریدن شروع کند، ۴۶ هر آینه مولای آن غلام آید، در روزی که منتظر او نباشد و در ساعتی که او نداند و او را دوپاره کرده نصیبیش را با خیانتکاران قرار دهد. ۴۷ «اما آن غلام که اراده مولای خویش را دانست و خود را مهیا نساخت تا به اراده او آن را بیر.» ۴۸ اما آنکه ندانسته کارهای شایسته ضرب کند، تازیانه کم خواهد خورد. و به هر کسی که عطا زیاده شود ازوی مطالبه زیادتر گردد و نزد هر که امانت بیشتر نهند از او بازخواست زیادتر خواهند کرد. ۴۹ من آدمد تا آتشی در زمین افروزم، پس چه می‌خواهم اگر الان درگرفته است. ۵۰ اما مراتعیدی است که بیاهم و چه بسیار در تنگی هستم، آن روکه عیسی او را در سیست شفا داد. پس به مردم توجیه نموده، تا وقی که آن بسراید. ۵۱ آیا گمان می‌برید که من آدمد تا سلامتی بر زمین بخشم؟ نی بلکه به شما می‌گوییم تفرق را. ۵۲ زیرا بعد از این پنج نفر که در یک خانه باشند دو از سه و سه ازدو جدا خواهند شد، ۵۳ پدر از پسر و پسر از پدر و مادر از دختر و دختر از مادر و خارسو از عروس و عروس از خارسو مفارقات خواهند نمود. ۵۴ آنگاه باز به آن جماعت گفت: «هنگامی که بایست او را در روز سیست از این بند رها نمود؟» ۵۷ و چون این ابری بینید که از مغرب پدید آید، بی‌تمال می‌گویید باران می‌آید و

را بگفت همه مخالفان او خجل گردیدند و جمیع آن گروه شاد ۱۴ واقع شد که در روز سبت، به خانه یکی از روسای شدن، بسبب همه کارهای بزرگ که از اوی صادر می گشت. ۱۵ فریسان برای غذاخوردن درآمد و ایشان مراقب او می بودند، ۲ پس گفت: «ملکوت خدا چه چیز را می ماندو آن را به کدام شی واینک شخصی مستقی پیش او بود، ۳ آنگاه عیسی ملتنت شده تشبیه نمایم. ۱۹ دانه خردلی راماند که شخصی گرفته در باع خود فقهها و فریسان را خطاب کرده، گفت: «آیا در روز سبت شفا کاشت، پس روید و درخت بزرگ گردید، بحدی که مرغان هوا دادن جایز است؟» ۴ ایشان ساكت ماندند. پس آن مرد را گرفته، آمده در شاخه هایش آشیانه گرفتند. ۲۰ بازگفت: «برای مملکوت شفا داد و رها کرد. ۵ و به ایشان روی آورده، گفت: «کیست از خدا چه مثل آرم؟ ۲۱ خمیرمایهای رامی ماند که زنی گرفته در سه شما که الاغ یا گاووش روزسبت در چاهی افتد و فور آن را بپرون پیمانه آرد پنهان ساخت تا همه مخمرشد.» ۲۲ و در شهرها و نیاورده؟» ۶ پس در این امور از جواب وی عاجزماندند. ۷ و برای دهات گشته، تعلیم می داد و به سوی اورشلیم سفر می کرد، ۲۳ که مهمانان مثلی زد، چون ملاحظه فرمود که چگونه صدر مجلس را شخصی به وی گفت: «ای خداوند آیا کم هستند که نجات اختیارمی کردند. پس به ایشان گفت: ۸ «چون کسی تو را به یابند؟» او به ایشان گفت: «۲۴ «جد و جهد کنید تااز در تنگ عروسی دعوت کنید، در صدر مجلس منشین، مبادا کسی بزرگتر از داخل شوید. زیرا که به شما می گویم بسیاری طلب دخول خواهند ترا هم و عده خواسته باشد. ۹ پس آن کسی که تو و او را عده کرد و نخواهند تو ایستاده در را کوپیدن آغاز کنید و گویید روی به صفت نعال خواهی نهاد. ۱۰ بلکه چون مهمان کسی خداوند خداوندا برای ما بارکن. آنگاه وی در جواب خواهد گفت باشی، رفقه در پایین بنشین تاوقی که میزانت آید به تو گوید، ای شما رانی شناسم که از کجا هستید. ۲۶ در آن وقت خواهید دوست برتنشین آنگاه تو را در حضور مجلسیان عزت خواهد بود. گفت که در حضور تو خوردم و آشامیدیم و در کوچه های ما ۱۱ زیرا هر که خود را بزرگ سازد لیل گردد و هر که خویشن را فرود تعلیم دادی. ۲۷ بازخواهد گفت، به شما می گویم که شما رانی آرد، سرافرازگردد.» ۱۲ پس به آن کسی که از او و عده خواسته بود شناسم از کجا هستید؟ ای همه بدکاران از من دور شوید. ۲۸ در نیز گفت: «وقتی که چاشت یا شام دهی دوستان یا برادران یا آنجا گریه و فشار دندان خواهد بود، چون ابراهیم واسحق و یعقوب خویشان یا همسایگان دولتمند خود را دعوت مکن مبادا ایشان و جمیع انبیارا در مملکوت خدا بینید و خود را بپرون افکنده باید نیز تو را بخوانند و تو را عرض داده شود. ۱۳ بلکه چون ضیافت و از مشرق و مغرب و شمال و جنوب آمده در مملکوت خدا کنی، فقیران و لنگان و شلان و کوران را دادعوت کن. ۱۴ که خواهد نشست. ۳۰ و اینک آخرین هستند که اولین خواهند کتو را عرض دهنند و در قیامت بود و اولین که آخرین خواهند بود.» ۳۱ در همان روز چند نفر عادلان، به توجرا عطا خواهد شد. ۱۵ آنگاه یکی از مجلسیان از فریسان آمده به وی گفتند: «دور شو و از اینجا برو زیرا که چون این سخن راشنید گفت: «خوشابحال کسی که در مملکوت هیرودیس می خواهد تو را به قتل رساند.» ۳۲ ایشان را گفت: «خداغدا خورد.» ۱۶ به وی گفت: «شخصی ضیافتی عظیم بروید و به آن روباه گویید اینک امروز و فردا دیوها را بپرون می کنم نمود و بسیاری را دعوت نمود. ۱۷ پس چون وقت شام رسید، و میرضان را صحبت می بخشم و در روز سوم کامل خواهم شد. ۳۳ غلام خود را فرستاد تادعوت شدگان را گوید، بیاید زیرا که الحال لیکن می باید امروز و فردا و پس فردا راه روم، زیرا که محال است همه چیز حاضر است. ۱۸ لیکن همه به یک رای عذرخواهی نبی بپرون از اورشلیم کشته شود. ۳۴ ای اورشلیم، ای اورشلیم که آغاز کردند. اولی گفت: مزعه‌ای خریدم و ناچار باید بروم آن را قاتل انبیا و سنگسار کننده مرسلین خودهستی، چند کرت خواستم بینیم، از تو خواهش دارم مرا معذور داری. ۱۹ و دیگری گفت: پنج اطفال تو را جمع کنم، چنانکه مرغ جوجه های خویش را زیر جفت گاو خریده ام، می روم تا آنها را بیام، به تو التمام دارم مرا بالهای خود می گیرد و نخواستید. ۲۵ اینک خانه شما برای شما غفو نمایی. ۲۰ سومی گفت: زنی گرفته ام و از این سبب نمی خراب گذاشته می شود و به شمامی گویم که مرا دیگر نخواهید دید توانم بیام. ۲۱ پس آن غلام آمده مولای خود را از این امور مطلع تا وقتی آید که گوید مبارک است او که به نام خداوندمی آید.» ساخت. آنگاه صاحب خانه غضب نموده به غلام خود فرمود: به بازارهارو کوچه های شهر بشتاب و فقیران و لنگان و شلان و کوران را در اینجا بیام. ۲۲ پس غلام گفت: ای آقا آنچه فرمودی شد و

هنوز جای باقی است. ۲۳ پس آقا به غلام گفت: به راهها و کردها. ۱۰ همچنین به شمامی گوییم شادی برای فرشتگان خدا مرزاپیرون رفته، مردم را به الحاج بیاور تا خانه من پرسشود. ۲۴ زیرا روی می‌دهد به سبب یک خطکار کار که تویه کنید.» ۱۱ بازگفت: به شما می‌گوییم هیچ‌یک از آنانی که دعوت شده بودند، شام «شخصی را دو پسر بود. ۱۲ روزی پسر کوچک به پدر خود مرا نخواهد چشید.» ۲۵ و هنگامی که جمعی کثیر همراه اومی گفت: ای پدر، رصدامولی که باید به من رسد، به من بده. پس رفتند، روی گردانیده بدیشان گفت: ۲۶ «اگرکسی نزد من آید و اومایملک خود را بر این دو تقسیم کرد. ۱۳ و چندی نگذشت پدر، مادر و زن و اولاد و پرادران و خواهاران، حتی جان خود را که آن پسر کهتر، آنچه داشت جمع کرده، به ملکی بعید کوچ نیز دشمن ندارد، شاگرد من نمی‌تواند بود. ۲۷ و هر که صلیب کرد و به عیاشی ناهنجار، سرمایه خود را تلف نمود. ۱۴ و چون خود را برندارد و از عقب من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من گردد. تمام را صرف نموده بود، فحصی سخت در آن دیارhadث گشت و ۲۸ «زیرا کیست از شما که قصد بنای برجی داشته باشد و اول او به محتاج شدن شروع کرد. ۱۵ پس رفته خود را به یکی از نشینید تا برآورد خرج آن را بکند که آیا قوت تمام کردن آن دارد یا اهل آن ملک پیوست. وی او را به املاک خود فرستاد تا اگر زیانی نهاد ۲۹ که مبادا چون پنیادش نهاد و قادر بر تمام کردن نشد، کند. ۱۶ و آزو می‌داشت که شکم خودرا از خونوبی که خوکان هر که بیند تمسخرکنگان گوید، ۳۰ این شخص عمارتی شروع کرده می‌خوردند سیر کند و هیچ کس او را چیزی نمی‌داد. ۱۷ «آخر به نتوانست به انجامش رساند. ۳۱ یا کدام پادشاه است که برای خود آمده، گفت چقدر از مزدوران پدرم تان فراوان دارند و من از مقاتله باپادشاه دیگر بروم، جز اینکه اول نشسته تامل نماید که آیا گرسنگی هلاک می‌شوم، ۱۸ برخاسته نزد پدر خود می‌روم و با ده هزار سپاه، قدرت مقاومت کسی را دارد که با بیست هزار بلوخواعم گفت ای پدر به آسمان و به حضور تو گناه کردام، ۱۹ لشکر بر روی می‌آید؟ ۲۲ والا چون او هنوز دور است ایلچی ای و دیگر شایسته آن نیستم که پسر تخوانده شوم، مرا چون یکی از فرستاده شروط صلح را ازاو درخواست کند. ۳۳ «پس همچنین مزدوران خودبگیر. ۲۰ در ساعت برخاسته به سوی پدر خود متوجه هر یکی از شما که تمام مایملک خود را ترک نکند، نمی‌تواند شد. اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده، ترحم نمود و دوان شاگرد من شود. ۳۴ «نمک نیکو است ولی هرگاه نمک فاسدش دوان آمده او را در آغوش خود کشیده، بوسید. ۲۱ پسر وی را به چه چیز اصلاح پنیوند؟ ۲۵ نه برای زمین مصروف دارد و نه برای آسمان و به حضور تو گناه کردام و بعد از این مزیله، بلکه بیرونش می‌ریند. آنکه گوش شنوا دارد بشنو.» ۲۲ لیکن پدر به غلامان خود گفت، جامه بهترین را از خانه آورده بدو پیوشاپید و انگشتی بر دستش کنید و غلعنی بر پایهایش، ۲۳ و گوساله پرواپی را آورده ذبح کنید تا بخوریم و شادی نماییم. ۲۴ زیرا که این پسر من مزده بود، زنده گردید و گم شده بود، یافت شد. پس به شادی کردن شروع نمودند. ۲۵ اما پسر بزرگ او در مزعره بود. چون آمده نزدیک به خانه رسید، صدای ساز و رقص راشدید. ۲۶ پس یکی از نوکران خود را طلبیده پرسید این چیست؟ ۲۷ به وی عرض کرد پرادرت آمده و پدرت گوساله پرواپی را ذبح کرده است زیرا که او را صحیح بازیافت. ۲۸ ولی او خشم نموده نخواست به خانه درآید تا پدرش بیرون آمده به او التمس نمود. ۲۹ اما او در جواب پدرخود گفت، اینک سالها است که من خدمت توکردهام و هرگز از حکم تو تجاوز نورزیده و هرگز بغاله‌ای به من ندادی تا با دوستان ۸ یا کدام زن است که ده درهم داشته باشد هرگاه یک درهم گم خود شادی کنم. ۳۰ لیکن چون این پسرت آمده که دولت تو را باشود، چراغی افروخته، خانه را جاروب نکد و به دقت تفحص فاشه‌ها تلف کرده است، برای او گوساله پرواپی را ذبح کردی. ننماید تا آن را بیابد؟ ۹ و چون یافت دوستان و همسایگان خودرا ۳۱ او وی را گفت، ای فرزند تو همیشه با من هستی و آنچه از جمع کرده می‌گوید با من شادی کنید زیادرهم گمشده را پیدا آن من است، مال تو است. ۳۲ ولی می‌بایست شادمانی کرد و

مسرور شد زیرا که این برادر تو مرده بود، زنده گشت و گم شده بود که ارغوان و کتان می‌پوشید و هر روزه در عیاشی با جلال بود، یافت گردید.»

۱۶ و به شاگردان خود نیز گفت: «شخصی دولمند را ناظری بود که از او نزد وی شکایت برداشت که اموال او را تلف می‌کرد. ۲ پس او را طلب نموده، وی را گفت، این چیست که درباره تو شنیده‌ام؟ حساب نظارت خود را باز بده زیرا مسکن نیست که بعد از این نظارت کنی. ۳ ناظر با خود گفت چکم؟ زیرا مولایم نظارت را از من می‌گیرد. طاقت زمین کنند ندارم و از گذایی نیز عار دارم. ۴ دانستم چکم تا وقتی که از نظارت مزعو شوم، مرا به خانه خود پیذیرند. ۵ پس هریکی از بدھکاران آقای خود را طلبیده، به یکی گفت آقایم از تو چند طلب دارد؟ ۶ گفت صدرطبل روغن. بدرو گفت سیاهه خود را بگیر و نشسته پنجاه رطل بروید بنویس. ۷ باز دیگری را گفت از تو چقدر طلب دارد؟ ۸ گفت صد کیل گندم. وی را گفت سیاهه خود را بگیر و هشتاد بنویس. ۹ «پس آقایش، ناظر خائن را آفرین گفت، زیراعلانه کار کرد. زیرا این این جهان در طبقه خویش از اینی نور عاقل تر هستند. (aiōn g165) ۱۰ و من شمارا می‌گویم دوستان از مال بی‌انصافی برای خود پیدا کنید تا چون فانی گردید شما را به خیمه‌های جاودانی پذیرند. (aiōnios g166) ۱۱ آنکه در اندک امین باشد درامر بزرگ نیز امین بود و آنکه در قلیل خائن بود در کثیر هم خائن باشد. ۱۲ و هرگاه در مال بی‌انصافی امین نبودید، گیست که مال حقیقی را به شما بسپارد؟ ۱۳ و اگر در مال دیگری دیانت نکردید، گیست که مال خاص شما را به شما

دهد؟ ۱۴ هیچ خادم نمی‌تواند دو آقا را خدمت کند. زیرا یا از ۱۷ و شاگردان خود را گفت: «لابد است از وقوع لغزشها، یکی نفرت می‌کند و با دیگری محبت، یا با یکی می‌پوندد و لیکن وای بر آن کسی که باعث آنها شود. ۲ او بهتر می‌بود که دیگری را حقیر می‌شمارد. خدا و مامونا را نمی‌توانید خدمت سنگ آسیابی بر گذنش آویخته شود و در دریا افکده شود از اینکه نمایید. ۱۵ و فریسیانی که زر دوست بودند همه این سخنان را یکی از این کودکان را لغزش دهد. ۳ احتراز کنید و اگر برادرت به شنیده، او را استهزا نمودند. ۱۶ به ایشان گفت، شما هستید تو خطا ورزد و راتبیه کن و اگر توبه کند او را بیخش. ۴ و هرگاه که خود را پیش مردم عادل می‌نمایید، لیکن خدا عارف دلهای درروزی هفت کرت به تو گاه کند و در روزی هفت مرتبه، برگشته شمامست. زیرا که آنچه نزد انسان مرغوب است، نزد خدا مکروه به تو گوید توبه می‌کنم، او را بیخش.» ۵ آنگاه رسولان به خداوند است. ۱۷ تورات و انبیا تا به یحیی بود و از آن وقت بشارت گفتند: «ایمان ما رازیاد کن.» ۱۸ خداوند گفت: «اگر ایمان به ملکوت خدا داده می‌شود و هر کس بجد و جهد داخل آن قادر دانه خردلی می‌دانشید، به این درخت افراغ می‌گفتید که کنده می‌گردد. ۱۹ لیکن آسانتر است که آسمان و زمین زایل شود، از شده در دریا نشانده شود اطاعت شمامی کرد. ۲۰ اما گیست آنکه یک نقطه از تورات ساقط گردد. ۲۱ هرکه زن خود را طلاق او شماکه غلامش به شخم کردن یا شبانی مشغول شود و وقتی دهد و دیگری را نکاح کند زانی بود و هرکه زن مطلقه مردی را که از صحرا آید به وی گوید، بروید بیا و بنشین. ۲۲ بلکه آیا به نکاح خویش درآورد، زنا کرده باشد. ۲۳ شخصی دولمند بدونمی گوید چیزی درست کن تا شام بخورم و کمرخود را بسته

مرا خدمت کن تا بخورم و بیوشم و بعد از آن تو بخور و بیاشام؟^۹ کرد و هر که آن را هلاک کند آن را زنده نگاه خواهد داشت.^{۱۰} آیا از آن غلام منت می کشد از آنکه حکمهای او را به جا آورد؟ به شما می گویم در آن شب دو نفر بر یک تخت خواهند بود، گمان ندارم.^{۱۱} همچنین شما نیز چون به هر چیزی که مامور یکی برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد، ۲۵ و وزن که در شده اید عمل کردید، گویید که غلامان بی منفعت هستیم زیرا که یک جا دستاس کنند، یکی برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد. آنچه بر ما واجب بود به جا آوردیم.^{۱۲} و هنگامی که سفر به ۳۶ و دونفر که در مزرعه باشند، یکی برداشته و دیگری واگذارده سوی اورشلیم می کرداز میانه سامره و جلیل می رفت.^{۱۳} و چون به خواهد شد.^{۱۴} در جواب وی گفتند: «کجا ای خداوند!» قریه‌ای داخل می شد نگاه ده شخص ابرص به استقبال او آمدند و گفت: «در هر جایی که لاش باشد در آنجا کرسان جمع خواهند از دور ایستاده،^{۱۵} به آواز بلند گفتند: «ای عیسی خداوند بر ما شد.»

ترجم فرما،^{۱۶} اوهه ایشان نظر کرده گفت: «بروید و خود را به ۱۸ و برای ایشان نیز مثلی آورد در اینکه می باید همیشه دعا کاهن بنمایید.» ایشان چون می رفتند، طاهر گشتند.^{۱۹} و یکی کرد و کاهلی نوزیزد.^{۲۰} پس گفت که «در شهری داوری بود که از ایشان چون دید که شفا یافته است، برگشته به صدای بلند خدا نه ترس از خدا و نه باکی از انسان می داشت.^{۲۱} و در همان شهر را تمجید می کرد.^{۲۲} و پیش قدم او به روی درافتاده وی را شکر بیرونی بود که پیش وی آمده می گفت، داد مرآ از دشمن بمیگیر. کرد. و او از اهل سامره بود.^{۲۳} عیسی ملتفت شده گفت «ایا ده ۲۴ و تا مدتی به وی اعتمانمود ولکن بعد از آن با خود گفت نفر طاهر نشتدند، پس آن نه کجا شدند؟^{۲۵} آیا هیچ کس یافت هرچند از خدا نمی ترسم و از مردم باکی ندارم،^{۲۶} لیکن چون نمی شود که برگشته خدا رامجید کند جز این غریب؟^{۲۷} و این بیوون مرا سختم می دهد، به داد او می رسم، میادا پیوسته بدلو گفت: «برخاسته برو که ایمان تو را نجات داده است.^{۲۸} آمده مرآ به رنج آورد.^{۲۹} خداوند گفت بشنوید که این داوری و چون فریسان از او پرسیدند که ملکوت خدا کی می آید، او انصاف چه می گوید؟^{۳۰} و آیا خدا برگردیگان خود را که شبانه روز در جواب ایشان گفت: «ملکوت خدا با مقابت نمی آید.^{۳۱} و بدو استغاثه می کنند، دادرسی نخواهد کرد، اگرچه برای ایشان نخواهند گفت که در فلان یا فلاں جاست. زیرا اینک ملکوت خدا در میان شما است.^{۳۲} و به شاگردان خود گفت: «ایامی می آید که آزو خواهید داشت که روزی از روزهای پسر انسان را خواهید یافت?^{۳۳} و این مثل را آورد برای بعضی که بر خود اعتماد بینید و نخواهید دید.^{۳۴} و به شما خواهند گفت، اینک در فلاں یا فلاں جاست، مرید و تعاقب آن مکنید.^{۳۵} زیرا چون برق «دو نفر یکی فریسی و دیگری با جاگیر به هیکل رفتند تا عبادت کنند.^{۳۶} آن فریسی ایستاده بدیطور با خود دعا کرد که خدایا درخشان می شود، پسر انسان در یوم خود همچنین خواهد بود.^{۳۷} لیکن اول لازم است که اوزحمات بسیار بیند و از این فرقه مطرود شود.^{۳۸} و چنانکه در ایام نوح واقع شد، همانطور در زمان پسر انسان نیز خواهد بود،^{۳۹} که می خوردند و می نوشیدند و زن و شوهرمی گرفتند تا روزی که چون نوح داخل کشته شد، طوفان آمده همه را هلاک ساخت.^{۴۰} و همچنان که در ایام لوط شد که به خوردن و آشاییدن و خرد و فروش و زراعت و عمارت مشغول می بودند،^{۴۱} تا روزی که چون لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از اسمان باریدو همه را هلاک ساخت.^{۴۲} بر همین منوال خواهید بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود.^{۴۳} در آن روز هر که بر پشت بام باشد و اسباب او در خانه نزول نکند تا آنها را بردارد و کسی که در صحراباشد همچنین برنگردد.^{۴۴} زن لوط را بیاد ملکوت خدا برای مثل اینها است.^{۴۵} هر آینه به شما می گوییم آورید.^{۴۶} هر که خواهد جان خود را برهاند آن را هلاک خواهد

هر که ملکوت خدا را مثل طفل نپنید داخل آن نگردد.» ۱۸ و «بینا شو که ایمانت تو راشفا داده است.» ۱۹ در ساعت بینایی یکی از روسا از وی سوال نموده، گفت: «ای استاد نیکو چه کنم یافته، خدا راتجعه کان از عقب او افاده و جمیع مردم چون این را تا حیات جاودانی رواorth گردم؟» ۲۰ عیسی دیدند، خدا را تسبیح خواندند.

وی را گفت: «از بهرجه مرا نیکو می گویی و حال آنکه هیچ کس نیکو نیست جز یکی که خدا باشد. ۲۱ احکام رامی دانی زنا مکن، قتل مکن، دزدی منما، شهادت دروغ مده و پدر و مادر خود را محترم دار.» ۲۲ عیسی چون این را شنید بد گفت: «جمیع اینها را از طفولیت خود نگاه داشتم». ۲۳ عیسی چون این را شنید بد گفت: «هیوز تو را یک چیز باقی است. آنچه داری بفروش و به فقرابده که در آسمان گنجی خواهی داشت، پس آمده مرا متابعت کن.» ۲۴ چون این را شنید محرون گشت، زیرا که دولت فراوان داشت. اما عیسی چون او را محرون دید گفت: «جه دشوار است که دولمندان داخل ملکوت خداشوند. ۲۵ زیرا گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسانتر است از دخول دولمندان در ملکوت خدا.» ۲۶ اما شنید گان گفتند: «پس که می تواند چیزی حقیقی از کسی گرفته باشند که در خانه شخصی گناهکار به میهمانی رفته است. ۲۷ او گفت: «آنچه نزد مردم محال است، نزد خدا ممکن است.» ۲۸ پطرس گفت: «اینک ما همه چیز را ترک کرده پیروی تو می کنیم.» ۲۹ به ایشان گفت: «هر آینه به شما می گوییم، کسی نیست که خانه یا ولدین یا زن یا برادران یا اولاد را بجهت ملکوت خدا ترک کند. ۳۰ جز اینکه در این عالم چند برابریابد و در عالم آینده حیات جاودانی را.» ۳۱ پس آن دوازده را برداشته، به ایشان گفت: «اینک به اورشلیم می رویم و آنچه به زبان انبیادرباره پسر انسان نوشته شده است، به انجام خواهد رسید. ۳۲ زیرا که او را به امته تسلیم می کنند و استهزا و بی حرمتی کرده آب دهان بروی انداخته ۳۳ و تازیانه زده او را خواهند کشت و در روز سوم خواهد برخاست.» ۳۴ اما ایشان چیزی از این امور نفهمیدند و این سخن از ایشان مخفی داشته شد و آنچه می گفت، درک نکردند. ۳۵ و چون نزدیک اریحا رسید، کوری بجهت گدایی بر سر راه نشسته بود. ۳۶ و چون صدای گروهی را که می گذشتند شنید، پرسید چه چیزی است؟ ۳۷ گفتندش عیسی ناصری در گذر است. ۳۸ در حال فریاد بپراورده گفت: «ای عیسی، ای پسر داود، بر من ترحم فرما.» ۳۹ و هرچند آنانی که پیش می رفتند او را نهیب می دادند تا خاموش شود، او بلندتر فریاد می زد که پسر داودا بر من ترحم فرما. ۴۰ آنگاه عیسی ایستاده فرمود تا او راند وی بیاورند. و چون نزدیک شد از وی پرسیده، ۴۱ گفت: «چه می خواهی برای تو بکنم؟» عرض کرد: «ای خداوند، تا بینا شوم.» ۴۲ عیسی به وی گفت:

تندخوبی هستم که برمیدارم آنچه رانگذاشتهام و درو می کنم آنچه ۴۷ و هر روز در هیکل تعلیم می داد، اما روسای کهنه و کاتبان را نپاشیده‌ام. ۲۳ پس برای چه نقد مرآ نزد صرافان نگذرادی تاچون و اکابر قوم قصد‌هلاک نمودن او می کردند. ۴۸ و نیافتد چه آیم آن را با سود دریافت کنم؟ ۲۴ پس به حاضرین فرمود قطار را کنندزیرا که تمامی مردم بر او آریخته بودند که از او بشنوند.

از این شخص بگیرید و به صاحب ده قطار بدهید. ۲۵ به او ۲۰ روزی از آن روزها واقع شد هنگامی که او قوم را در هیکل گفتندای خداوند، وی ده قطار دارد. ۲۶ زیرا به شمامی گویم به هر که دارد داده شود و هر که ندارد آنچه دارد نیز از او گرفته خواهد شد. ۲۷ اما آن دشمنان من که نخواستند من به برایشان حکمرانی کیست که این قدرت را به تو داده است؟ ۳ در جواب ایشان نمایم، در اینجا حاضر ساخته پیش من به قتل رسانید.» ۲۸ و چون این را گفت، پیش رفه متوجه اورشلیم گردید. ۲۹ و چون بحی از انسان بود یا از مردم؟ ۵ ایشان با خود اندیشیده، گفتند نزدیک بیت‌فالجی و بیت عینا بر کوه مسمی به زیتون رسید، دو نفر از شاگردان خود را فرستاده، ۳۰ گفت: «به آن فریهای که پیش روی شما است بروید و چون داخل آن شدید، کوه‌الاغی بسته خواهید یافت که هیچ‌کس بر آن هرگز سوار نشده. آن را باز کرده بیاورید. ۳۱ و اگر کسی به شما گوید، چرا این رایا می کنید، به وی گویید خداوند او را لام دارد.» ۳۲ پس فرستادگان رفته آن چنانکه بدیشان گفته بود یافتد. ۳۳ و چون کوه را باز می کردند، مالکانش به باغانش سپرده مدت میدید سفر کرد. ۱۰ و در موس غلامی به ایشان گفتند چرا که را باز می کنید؟ ۳۴ گفتند خداوند او را نزدیگانش فرستاد تا از میوه باغ بدو سپارند. اما باغیان اوان او را زده، ۳۵ پس او را به نزد عیسی آوردند و رخت خود را بر کوه افکنده، عیسی را سوار کردند. ۳۶ و هنگامی که او می رفت جامه تازیانه زده بی حرمت کرده، تهی دست بازگردانیدند. ۱۲ و بازسومی خود را در راه می گستردند. ۳۷ و چون نزدیک به سزاوی کوه زیتون رسید، تمامی شاگردانش شادی کرده، به آوازیلند خدا را باغ گفت چه کنم؟ پسرحیب خود را می فرستم شاید چون او را حمد گفتن شروع کردن، به سبب همه قوانی که از او دیده بودند. ۳۸ و می گفتند مبارک باد آن پادشاهی که می آید، به نام خداوند سلامتی در آسمان و جلال در اعلی علیین باد. ۳۹ آنگاه بعضی از فریسان از آن میان بدو گفتند: «ای استاد شاگردان خود را نهیب نما.» ۴۰ او در جواب ایشان گفت: «به شما می گویم اگراینها را هلاک کرده باغ را به دیگران خواهد سپرد.» پس چون شنیدند شده، شهر را نظاره کرد بر آن گریان گشته، ۴۲ گفت: «اگر تو نزدیک ساکت شوند، هر آینه سنگها به صد آیند.» ۴۱ و چون نزدیک گفتند حاشا. ۱۷ به ایشان نظر افکنده گفت: «پس معنی این نوشته چیست، سنگی را که معماران رد کردند، همان سر زاویه شده است. ۱۸ و هر که بر آن سنگ افند خرد شود، اما اگر آن بر لاسن الحال از چشمان تو پنهان گشته است. ۴۳ زیرا ایامی بر تو می آید که دشمنانت گرد تو سنگرها سازند و تو احاطه کرده از هرجانب محاصره خواهند نمود. ۴۴ و تو را وفزندانست را در اندرون تو بر حاک خواهند افکندو در تو سنگی بر سنگی نخواهند گذاشت زیرا که ایام تفقد خود را ندانستی.» ۴۵ و چون داخل هیکل شد، کسانی را که در آنجا خرد و فروش می کردند، به بیرون ارسال نموده گفتند: «ای استاد می دانیم که تو به راستی سخن نمودن آغاز کرد. ۴۶ و به ایشان گفت: «مکنوب است که خانه می رانی و تعلیم می دهی و از کسی روداری نمی کنی، بلکه طریق من خانه عبادت است لیکن شما آن را مغاره دزدان ساخته‌اید.»

خدا را به صدق می‌آموزی، ۲۲ آیا بر ما جایز هست که جزیه به ونمざ را به ریاکاری طول می‌دهند. اینها عذاب شدیدتر خواهند
قیصر بدھیم یا نه؟» ۲۳ او چون مکر ایشان را درک کرد، بدبیشان یافت.

گفت: «مرا برای چه امتحان می‌کنید؟ ۲۴ دیناری به من نشان دهدید. صورت ورقمش از کیست؟ ایشان در جواب گفتند: «از
بیت‌المال می‌اندازند. ۲ و بیوه‌زنی فقیر را دید که دو فلس در آنجا
انداخت. ۳ پس گفت: «هراینه به شمامی گویم این بیوه فقیر از
جمعی آنها بیشترانداخت. ۴ زیرا که همه ایشان از زیادتی خود
درده‌ایای خدا انداختند، لیکن این زن از احتیاج خود تمامی
معیشت خویش را انداخت. ۵ و چون بعضی ذکر هیکل می‌کردند
که به سنتگاهای خوب و هدایا آرسه شده است گفت: ۶ «ایامی
می‌آید که از این چیزهایی که می‌بینید، سنگی بر سنگی گذارده
بمیرد و بی اولاد فوت شود، باید برادرش آن زن را بگیردتا برای
نشود، مگر اینکه به زیرافکنه خواهد شد. ۷ و از او سوال نموده،
برادر خود نسلی آورد. ۸ پس هفت برادریدند که اولی زن گرفته
گفتند: «ای استاد پس این امور کی واقع می‌شود و علامت نزدیک
شدن این وقایع چیست؟» ۹ گفت: «احتیاط کنید که گمراه
نشوید. زیرا که بسا به نام من آمده خواهند گفت که من هستم
و وقت نزدیک است. پس از عقب ایشان مردند. ۱۰ پس به
ایشان گفت: «قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند
کرد. ۱۱ وزرلۀ های عظیم در جایها و قحطیها و واها پدیدرو
چیزهای هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد. ۱۲
و قبل از این همه، بر شمادست اندازی خواهند کرد و جفا نموده
شما را به کنایس و زندانها را بشنوید، مضطرب مشویزد زیرا که وقوع این
امور اول ضرور است لیکن انتهای ر ساعت نیست.» ۱۳ پس به
ایشان گفت: «قومی با قومی و مملکتی با مملکتی مقاومت خواهند
کرد. ۱۴ پس در دلهای خود قرار دهید که برای حجت
خواهد اندجامید. ۱۵ زیرا که من به شما زبانی و حکمتی
آوردن، پیشتر اندیشه نکنید، ۱۶ زیرا که من به شما زبانی و حکمتی
خواهند کرد و بعضی از شما را به قتل خواهند رسانید. ۱۷ و جمیع
نمود. ۱۸ و شما راوالدین و برادران و خویشان و دوستان تسلیم
خواهند کرد و بعضی از شما را به قتل خواهند رسانید. ۱۹
سر شما گم نخواهد شد. ۲۰ جانهای خود را به صیر دریابید.
و چون بینید که اورشليم به لشکره‌ماحصره شده است آنگاه
بدانید که خراپی آن رسیده است. ۲۱ آنگاه هرکه در یهودیه باشد،
به کوهستان فرار کند و هرکه در شهر باشد، بیرون رود و هرکه
در صحرا بود، داخل شهر نشود. ۲۲ زیرا که همان است ایام
انقام، تا آنچه مكتوب است تمام شود. ۲۳ لیکن وای بر آبستان
و شیرده‌هندگان در آن ایام، زیرا تنگی سخت بروی زمین و غضب بر

این قوم حادث خواهد شد. ۲۴ و به دم شمشیر خواهند افتد و در «اینک هنگامی که داخل شهر شوید، شخصی با سبیو آب به میان جمیع امت‌ها به اسیری خواهند رفت و اورشلیم پایمال امت‌ها شماپری خورد. به خانه‌ای که او درآید، از عقب وی بروید، ۱۱ و خواهد شد تا زمانهای امت‌ها به انجام رسد. ۲۵ و در آفتاب و ماه به صاحب خانه گویید، استاد تو را می‌گوید مهمانخانه کجا است و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای تا در آن فصح را باشگردان خود بخورم. ۱۲ او بالاخاهای بزرگ امت‌ها روی خواهد نمود به‌سبب شوریدن دریا و امواجش. ۲۶ و مفروش به شما نشان خواهد داد در آنجا مهیا‌سازید.» ۱۳ پس دلهای مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن واقعی که ایشان گفته بودیافتد و فصح را آماده کردن. ۱۴ و بربع مسکون ظاهری شود، زیرا قوات آسمان متراز خواهد شد. چون وقت رسید با دوازده رسول پیشست. ۱۵ و به ایشان گفت: ۲۷ و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با «اشتیاق بی‌نهایت داشتم که پیش از زحمت دیدن، این فصح را قوت و جلال عظیم می‌اید.» ۲۸ و چون این‌دادی این چیزها بشود باشما بخورم. ۱۶ زیرا به شما می‌گویم از این دیگر نیم خورم را راست شده، سرهای خود را بلند کنید از آن جهت که خلاصی وقی که در ملکوت خدا تمام شود.» ۱۷ پس پیاله‌ای گرفه، شکر شما نزدیک است.» ۲۹ و برای ایشان مثلی گفت که «درخت نمود و گفت: «این را بگیرید و در میان خود تقسیم کنید. ۱۸ زیرا انجیر و سایر درختان راملاحظه نمایید، ۳۰ که چون می‌بینید به شما می‌گویم که تا ملکوت خدا نیاید، از میوه مودیگر نخواهم شکوفه می‌کند خود می‌دانید که این امور واقع می‌شود، بدانید که و گفت: «این است جسد من که برای شما داده می‌شود، این را همچنین شما نیز چون بینید که این امور واقع می‌شود، بدانید که و گفت: «این است جسد من که برای شما پیله را گرفت و ملکوت خدا نزدیک شده است. ۳۱ هراین به شما می‌گویم که تا به یادمن بدها آرید.» ۲۰ و همچنین بعد از شام پیله را گرفت و جمیع این امور واقع نشود، این فرقه نخواهد گذاشت. ۳۲ آسمان و گفت: «این پیله عهد جدید است در خون من که برای شما زمین زایل می‌شود لیکن سختان من زایل نخواهد شد. ۳۴ پس ریخته می‌شود. ۲۱ لیکن اینک دست آن کسی که مرا تسليم خود را حفظ کنید مبادا دلهای شما ازپیخوری و مستی و اندیشه می‌کند با من در سفره است. ۲۲ زیرا که پسر انسان برحسب های دنبوی، سنگین گردد و آن روز ناگهان بر شما آید. ۳۵ زیرا آنچه مقدراتست، می‌رود لیکن وای بر آن کسی که او را تسليم که مثل دامی بر جمیع سکنه تمام روی زمین خواهد آمد. ۳۶ کنید.» ۲۲ آنگاه از یکدیگر شروع کردن به پرسیدن که کدام‌ایک پس در هر وقت دعا کرده، بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از ایشان باشد که این کار بکنید؟ ۲۴ و در میان ایشان نزاعی نیز جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در افتاد که کدام‌ایک از ایشان بزرگتر می‌باشد؟ ۲۵ آنگاه به ایشان حضور پسر انسان پایستید.» ۳۷ و روزها را در هیکل تعییم می‌داد گفت: «سلامی امت‌ها بر ایشان سوری می‌کنند و حکام خود را و شبهای بیرون رفته، در کوه معروف به زیتون به سر می‌برد. ۲۸ و هر ولی نعمت می‌خوانند. ۳۶ لیکن شماچنین می‌باشید، بلکه بزرگتر از بامداد قوم نزد وی در هیکل می‌شناقتند تا کلام او را بشنوند. شما مثل کوچکتریاشد و پیشوا چون خادم. ۲۷ زیرا کدام‌ایک بزرگتر است آنکه به غذا نشینید یا آنکه خدمت کند آینیست آنکه ۲۲ و چون عید فطیر که به فصح معروف است نزدیک شد، نشسته است؟ لیکن من در میان شماچنون خادم هستم. ۲۸ و روسای کهنه و کتابان متصرف می‌بودند که چگونه او را به قتل شما کسانی می‌باشید که در امتحانهای من با من به سر برید. رسانند، زیرا که از قوم ترسیدند. ۳ اما شیطان در بیهودای مسمی به اسخربوطی که از جمله آن دوازده بود داخل گشت، ۴ و اورفه با روسای کهنه و سدراران سیاه گفتگو کرد که چگونه او را به ایشان تسليم کند. ۵ ایشان شادشده با او عهد بستند که نقدی به وی خداوند گفت: «ای شمعون، ای شمعون، ایک شیطان خواست دهند. ۶ و اوقول کرده در صدد فرستی برآمد که اورا در زنهانی شما را چون گندم غریال کند، ۳۲ لیکن من برای تو دعا کردم از مردم به ایشان تسليم کند. ۷ اما چون روز فطیر که در آن تایمات تلف نشود و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را می‌بايست فصح را ذبح کنند رسید، ۸ پطرس و یوحنا را فرساتده، استور نما. ۳۳ به وی گفت: «ای خداوند حاضرم که با تو گفت: «بروید و فصح را بجهت ما آماده کنید تا بخوریم.» ۹ به بروم حتی در زندان و درموت.» ۳۴ گفت: «تو را می‌گویی وی گفتند: «در کجا می‌خواهی مهیا کنیم؟» ۱۰ ایشان را گفت: پطرس امروزخروس بانگ نزدہ باشد که سه مرتبه انکار خواهی

کرد که مرا نمی شناسی.» ۲۵ و به ایشان گفت: «هنگامی که «ای مرد، من نیستم.» ۵۹ و چون تخمین یک ساعت گذشت شما را بی کیسه و بوشیدن و کفش فرستادم به هیچ چیز محتاج بکی دیگر با تاکید گفت: «بالاکش این شخص از رفقای او است شدید!» گفتند هیچ. ۳۶ پس به ایشان گفت: «لیکن الان هر که زیرا که جلیلی هم هست.» ۶۰ پطرس گفت: «ای مردمی دامن کیسه دارد، آن را بردارد و همچنین توشه‌دان را و کسی که شمشیر چه می گویی؟» در همان ساعت که این رامی گفت خرسو بانگ ندارد جامه خود را فروخته آن را بخرد. ۳۷ زیرا به شما می گوییم زد. ۶۱ آنگاه خداوند روگردانیده به پطرس نظر افکد پس پطرس آن که این نوشته در من می باید به انجام رسید، یعنی با گناهکاران کلامی را که خداوند به وی گفته بود به خطاط آورد که قبل از بانگ محسوب شد زیرا هرچه در خصوص من است، انقضای دارد. ۳۸ زدن خرسو سه مرتبه مرالکار خواهی کرد. ۶۲ پس پطرس بیرون گفتند: «ای خداوند اینک دوشمشیر!» به ایشان گفت: «کافی رفته زارزار بگریست. ۶۳ و کسانی که عیسی را گرفته بودند، او است.» ۳۹ و بمحاسب عادت بیرون شده به کوه زیتون رفت و راتازیانه زده استهزا نمودند. ۶۴ و چشم او را بسته طبیانچه بر شاگردانش از عقب او رفتند. ۴۰ و چون به آن موضع رسید، به رویش زدن و از وی سوال کرده، گفتند: «نبوت کن که تو را زده ایشان گفت: «دعا کنید تا در امتحان نتفتید.» ۴۱ و او از ایشان است؟» ۶۵ و بسیارکفر دیگر به وی گفتند. ۶۶ و چون روز شد به مسافت پرتاب سنگ دور شده، به زانو درآمد و دعا کرده، اهل شواری قوم یعنی روسای کهنه و کاتیان فراهم آمده در مجلس گفت: «ای پدر اگر بخواهی این پیله را از من بگردان، لیکن خودوا را آورده، ۶۷ گفتند: «اگر تو مسیح هستی به مابگو: «او نه به خواهش من بلکه به اراده تو.» ۴۲ و فرشته‌ای از آسمان بر او به ایشان گفت: «اگر به شما گویی مراتصیدق نخواهید کرد. ۶۸ ظاهر شده او را تقویت می نمود. ۴۴ پس به مجاهده افتاده به و اگر از شما سوال کنم جواب نمی دهید و مرا رها نمی کنید. سعی پلیغتر دعا کرد، چنانکه عرق او مثل قطرات خون بود که بر ۶۹ لیکن بعداز این پسر انسان به طرف راست قوت خداخواهد زمین می ریخت. ۴۵ پس از دعا برخاسته نودشاگردان خود آمده نشست.» ۷۰ همه گفتند: «پس تو پسر خداهستی؟» او به ایشان را از حزن در خواب یافت. ۴۶ به ایشان گفت: «برای چه ایشان گفت: «شما می گویید که من هستم.» ۷۱ گفتند: «دیگر در خواب هستید؟ برخاسته دعا کنید تا در امتحان نتفتید.» ۴۷ و ما را چه حاجت به شهادت است، زیرا خود از زبانش شنیدیم.»

سخن هنوز بر زبانش بود که ناگاه جمعی آمدند و یکی از آن ۲۳ پس تمام جماعت ایشان برخاسته، اورا نزد پلاطس بردند. دوازده که یهودا نام داشت بردیگران سبقت جسته نزد عیسی آمد تا او را بیوسد. ۴۸ و عیسی پلو گفت: «ای یهودا آیا به بوسه پسر انسان را تسليم می کنی؟» ۴۹ رفقایش چون دیدند که چه می شود عرض کردند خداوند ابه شمشیر بزنیم. ۵۰ و یکی از ایشان، غلام پرسیده، گفت: «آیا تو پادشاه یهود هستی؟» او در جواب وی متوجه شده گفت: «تا به این بگذردیم.» و گوش او را لمس نموده، شفا داد. ۵۲ پس عیسی به روسای کهنه و سرداران سپاه هیکل و شدت نموده گفتند که «قوم رامی شوراند و در تمام یهودیه از جلیل گرفته تا به اینجا تعلیم می دهد.» ۶ چون پلاطس به روسای کهنه و جمیع قوم گفت که «در این شخص هیچ عیبی نمی یابم.» ۵ ایشان چوپیا بیرون آمدید. ۵۳ وقتی که هر روزه در هیکل با شما می بودم دست بر من دراز نکردید، لیکن این است ساعت شما و قدرت ظلمت.» ۵۴ پس او را گرفته بودند و به سرای رئیس کهنه آوردند و پطرس از دور از عقب می آمد. ۵۵ و چون در میان ایوان آتش دید، بغایت شادگردید زیرا که مدت مديدة بود می خواست. افروخته گردش نشسته بودند، پطرس در میان ایشان بنشست.

۵۶ آنگاه کنیزکی چون او را در روشنی آتش نشسته دید بر او چشم دوخته گفت: «این شخص هم با او می بود.» ۵۷ او وی را انکار کرده گفت: «ای زن او را نمی شناسم.» ۵۸ بعد از زمانی دیگری او را دیده گفت: «تو از اینها هستی.» پطرس گفت:

لشکریان خود او را افتضاح نموده و استهرا کرده لباس فاخر بر او تماسا ایستاده بودند. و بزرگان نیز تمسخرکران با ایشان می گفتند: پوشانید و زند پیلاطس او را باز فرستاد. ۱۲ و در همان روزپیلاطس «دیگران را نجات داد. پس اگر او مسیح و برگزیده خدا می باشد و هیرودیس با یکدیگر مصالحه کردند، زیرا قبل از آن در میانشان خود را بربراند.» ۳۶ و سپاهیان نیز او را استهرا می کردند و آمده او عداوتی بود. ۱۳ پس پیلاطس روسای کوهنه و سرداران و قوم را سرکه می دادند، ۳۷ و می گفتند: «اگر تو پادشاه بیهود هستی خوانده، ۱۴ به ایشان گفت: «این مرد را نزدمن آوردید که قوم را خود را نجات داد.» ۳۸ و بر سراو تقصیرنامه‌ای نوشتد به خط می شوراند. الحال من او رادر حضور شما امتحان کردم و از آنچه یونانی و رومی و عربانی که «این است پادشاه بیهود.» ۳۹ و یکی از بر او ادعامی کبید اثری نیافتم. ۱۵ و نه هیرودیس هم زیراکه شما آن دو خطاکار مصلوب بر روی کفر گفت که «اگر تو مسیح را نزد او فرستادم و اینک هیچ عمل مستوجب قتل از او صادر هستی خود را و ما را بربران.» ۴۰ اما آن دیگری جواب داده، او را نشده است. ۱۶ پس اورا تنبیه نموده رها خواهم کرد.» ۱۷ زیرا او نهیب کرد و گفت: «مگر تو از خدا نمی ترسی؟ چونکه تو نیز زیر را لازم بود که هر عییدی کسی را برای ایشان آزاد کند. ۱۸ آنگاه همین حکمی. ۴۱ و اما ما به انصاف، چونکه جزای اعمال خود همه فریاد کرده، گفتند: «او را هلاک کن و بربای را برای ما رها را یافته ایم، لیکن این شخص هیچ کار بی جا نکرده است.» ۴۲ فرما. ۱۹ و او شخصی بود که به سبب شورش و قتلی که در شهر پس به عیسی گفت: «ای خداوند، مرا به یاد آور هنگامی که واقع شده بود، در زندان افکنده شده بود. ۲۰ باز پیلاطس نداکرده به ملکوت خود آمدی.» ۴۳ عیسی به وی گفت: «هر آینه به تو خواست که عیسی را رها کند. ۲۱ لیکن ایشان فریاد زده گفتند: می گوییم امور با من در فردوس خواهی بود.» ۴۴ و تخمین از «او را مصلوب کن، مصلوب کن.» ۲۲ بار سوم به ایشان گفت: ساعت ششم تا ساعت نهم، ظلمت تمام روز زمین را فرو گرفت. «چرا؟ چه بدی کرده است؟ من در او هیچ علت قتل نیافتم. پس ۴۵ و خورشید تاریک گشت و پرده قدس از میان بشکافت. ۴۶ او را تادیب کرده رها می کنم.» ۲۳ اما ایشان به صدای ابلند و عیسی به آواز بلند صدا زده گفت: «ای پدر بدستهای تو مبالغه نموده خواستند که مصلوب شود و آوازهای ایشان و روسای روح خود را می سپارم.» این را بگفت و جان را تسليم نمود. ۴۷ کهنه غالب آمد. ۲۴ پس پیلاطس فرمود که بر حسب خواهش امیوزیاش چون این ماجرا را دید، خدا را تمجید کرده، گفت: ایشان بشود. ۲۵ و آن کس را که به سبب شورش و قتل در زندان «در حقیقت، این مرد صالح بود.» ۴۸ و تمامی گروه که برای حبس بود که خواستند رها کرد و عیسی را به خواهش ایشان این تماسا جمع شده بودند چون این وقایع را دیدند، سینه زنان سپرد. ۲۶ و چون او را می بردند شمعون قیروانی را که از صحراء برگشته، ۴۹ و جمیع آشیان او از دور ایستاده بودند، با زنانی که می آمد مجبور ساخته صلیب را بر او گذاشتند تا از عقب عیسی از جلیل او را متابعت کرده بودند تا این امور را بینند. ۵۰ و اینک ببرد. ۲۷ و گروهی بسیار از قوم و زنانی که سینه می زندند و برای او یوسف نامی از اهل شورا که مرد نیکو و صالح بود، ۵۱ که در ماتم می گرفتند، در عقب او افتادند. ۲۸ آنگاه عیسی به سوی رای و عمل ایشان مشارکت نداشت و از اهل رامه ابلند از بلاد آن زنان روی گردانیده، گفت: «ای دختران اورشیلیم برای من بیهود بود و انتظار ملکوت خدا را می کشید، ۵۲ نزدیک پیلاطس گریه مکنید، بلکه بجهت خود و اولاد خود ماتم کنید.» ۲۹ زیرا آمده جسد عیسی را طلب نمود. ۵۳ پس آن را پایین آورده در اینک ایامی می آید که در آنها خواهند گفت، خوشحال نازادگان کتان پیچید و در قبری که ازنگ تراشیده بود و هیچ کس ابد در ورجمهایی که بار نیاوردن و پستانهایی که شیرندادند. ۳۰ و در آن آن دفن نشده بود سپرد. ۴۴ و آن روز تهیه بود و سبت نزدیک هنگام بکوهها خواهند گفت که بر ما بینند و به تلهای که ما را می شد. ۵۵ و زنانی که در عقب او از جلیل آمده بودند از بی او پنهان کنید. ۳۱ زیرا اگر این کارها را به چوب تر کردن به چوب رفتند و قبر و چگونگی گذاشته شدن بدن او را دیدند. ۵۶ پس خشک چه خواهد شد؟ ۳۲ و دو نفر دیگر را که خطاکار بودند برگشته، حنوط و عطریات مهیا ساختند و روز سبت را به حسب نیازوردن تا ایشان را با او بکشند. ۳۳ و چون به موضوعی که آن را حکم آرام گرفتند.

کاسه سر می گویند رسیدند، اورا در آنجا با آن دو خطاکار، یکی ۴۴ پس در روز اول هفته هنگام سپیده صبح، حنوطی را بر طرف راست و دیگری بر چپ او مصلوب کردند. ۴۵ عیسی که درست کرده بودندبا خود برداشته به سر قبرآمدند و بعضی گفت: «ای پدر اینها را بیامز، زیرا که نمی دانند چه می کنند.» پس جامه های او را تقسیم کردند و فرعه افکدند. ۴۶ و گروهی به دیگران همراه ایشان. ۴۷ و سنگ را از سر قبر غلطانیده دیدند.

۳ چون داخل شدند، جسد خداوند عیسی را نیافتدند ^۴ و واقع کتب برای ایشان شرح فرمود. ۲۸ و چون به آن دهی که عازم آن شد هنگامی که ایشان از این امر متحیر بودند که ناگاه مورد بودند رسیدند، او قصد نمود که دورتر رود. ۲۹ و ایشان الحاج در لباس درخششده نزد ایشان بایستادند. ۵ و چون ترسان شده کرده، گفتند که «با ما باش. چونکه شب نزدیک است و روز سرهای خود را به سوی زمین افکنده بودند، به ایشان گفتند: به آخر رسیده». پس داخل گشته با ایشان توفق نمود. ۳۰ و «چرا زنده را از میان مردگان می طلبید؟ ^۶ در اینجا نیست، بلکه چون با ایشان نشسته بود نان را گرفته برکت داد و پاره کرده به برخاسته است. به یاد آورید که چگونه وقی که در جلیل بود شمارا ایشان داد. ۳۱ که ناگاه چشمانشان باز شده، او راشناختن و در خبر داده، ^۷ گفت ضروری است که پسر انسان به دست مردم ساعت از ایشان غایب شد. ۳۲ پس با یکدیگر گفتند: «آیا دل گاهه کار تسليم شده مصلوب گرددو روز سوم برسیزد؟ ^۸ پس در درون مانمی سوخت، وقی که در راه با ما تکلم می نمود و کتب سخنان او را به مخاطر آوردند. ۹ و از سر قبر برگشته، آن یازده و را بجهت ما تفسیر می کرد؟» ^{۱۰} و در آن ساعت برخاسته به دیگران را از همه این امور مطلع ساختند. ۱۰ و مریم مجده و بونا و اورشلیم مراجعت کردند و آن یازده را گفتند که با رفقاء خود جمع مریم مادر یعقوب و دیگر رفقاء ایشان بودند که رسولان را از این شده ^{۱۱} می گفتند: «خداؤند در حقیقت برخاسته و به شمعون چیزها مطلع ساختند. ۱۱ لیکن سخنان زنان را هذیان پنداشته ظاهر شده است.» ^{۱۲} و آن دو نفر نیز از سرگذشت راه و کفیت باورنکردن. ۱۲ اما پطرس برخاسته، دون دوان به سوی قبر رفت شناختن او هنگام پاره کردن نان خبر دادند. ۱۳ و ایشان در این و خم شده کفن را تنها گذاشته دیدو از این ماجرا در عجب گفتگو می بودند که ناگاه عیسی خود در میان ایشان ایستاده، به شده به خانه خود رفت. ۱۴ و اینک در همان روز دو نفر از ایشان گفت: «سلام بر شما باد». ^{۱۵} اما ایشان لزان و ترسان ایشان می رفتند به سوی قریبای که از اورشلیم به مسافت، شست شده گمان بردند که روحی می بینند. ^{۱۶} به ایشان گفت: «چرا تیر پرتاب دور بود و عمواس نام داشت. ^{۱۷} و با یک دیگر از مضطرب شدید و برای چه دردلهای شما شبهات روی می دهد؟ تمام این وقایع گفتگو می کردند. ۱۸ و چون ایشان در مکالمه و ^{۱۹} دستها و پایهایم را ملاحظه کنید که من خود هستم و دست بر مباحثه می بودند، ناگاه خود عیسی نزدیک شده، با ایشان همراه من گذارد بینید، زیرا که روح گوشت واستخوان ندارد، چنانکه شد. ۲۰ ولی چشمان ایشان بسته شد تا اورا شناساند. ^{۲۱} او به می نگید که در من است.» ^{۲۲} این را گفت و دستها و پایهای ایشان گفت: «چه حرفها است که با یکدیگر می زنید و راه را به خود را بدیشان نشان داد. ^{۲۳} و چون ایشان هنوز از خوشی تصدق کدورت می پیمایید؟» ^{۲۴} یکی که کلیپاس نام داشت در جواب نکرده، در عجب مانده بودند، به ایشان گفت: «چیز خوارکی در وی گفت: «مگر تو در اورشلیم غریب و تتها هستی و از آنچه در اینجا دارید؟» ^{۲۵} پس قدری از ماهی بیان و از شانه عسل به وی این ایام در اینجا واقع شدواقف نیستی؟» ^{۲۶} به ایشان گفت: دادند. ^{۲۷} پس آن را گرفته پیش ایشان بخورد. ^{۲۸} و به ایشان «چه چیزاست؟» گفتندش: «درباره عیسی ناصری که مردی بود گفت: «همین است سخنانی که وقی با شما بودم گفتم ضروری نبی و قادر در فعل و قول در حضور خدا و تمام قوم، ^{۲۹} و چگونه است که آنچه در تورات موسی و صحف انبیا و زبور درباره من روسای کهنه و حکام ما او را به فتوای قتل سپرندند او را مصلوب مکتوب است به انجام رسد.» ^{۳۰} و در آن وقت ذهن ایشان را ساختند. ^{۳۱} اما امیدوار بودیم که همین است آنکه می باید روشن کرد تا کتب را بهمند. ^{۳۲} و به ایشان گفت: «بر همین اسرائیل را نجات دهد و علاوه بر این همه، امروز از وقوع این امور منوال مکتوب است و بینظور سزاوار بود که مسیح زحمت کشد و روز سوم است، ^{۳۳} و بعضی از زنان ما هم ما را به حریت انداختند روز سوم از مردگان برسید. ^{۳۴} و از اورشلیم شروع کرده، موعظه به که بامدادان نزد قبر رفتند، ^{۳۵} و جسد او را نیافته آمدند و گفتند توبه و آمزش گناهان در همه امتهای نام او کرده شود. ^{۳۶} و به ایشان گفتند لیکن را دررویا دیدیم که گفتند او زنده شده است. ^{۳۷} شما شاهد بر این امور هستید. ^{۳۸} و اینک، من موعود پدر خود را و چهارشنبه که فرشتگان را دررویا دیدیم که گفتند او زنده شده است. ^{۳۹} شما شاهد بر این امور هستید. ^{۴۰} و به ایشان گفت: «ای بی فهمان قوت از اعلی آراسته شوید.» ^{۴۱} پس ایشان را بیرون از شهر تا وسست دلان از ایمان آوردن به انچه انبیا گفتند. ^{۴۲} آیا نمی بیت عینا بردو دستهای خود را بلند کرده، ایشان را برکت داد. ^{۴۳} باشیست که مسیح این زحمات را بیند تابه جلال خود برسد؟» ^{۴۴} و چنین شد که در حین برکت دادن ایشان، از ایشان جدا گشته، ^{۴۵} پس از موسی و سایر انبیا شروع کرده، اخبار خود را در تمام به سوی آسمان بالا برده شد. ^{۴۶} پس او را پرستش کرده، با

خوشی عظیم به سوی اورشلیم برگشتند. ۵۳ و پیوسته درهیکل
مانده، خدا را حمد و سپاس می‌گفتند. آمين.

نعلینیش را باز کنم.» ۲۸ و این در بیت عبره که آن طرف اردن

است، در جایی که یعنی تمیید می‌داد واقع گشت. ۲۹ و در

۱ در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود. ۲ فردای آن روز یعنی عیسی را دید که به جانب او می‌آید. پس همان در ابتدا نزد خدا بود. ۳ همه‌چیز به واسطه او آفریده شد گفت: «اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد! ۴ این است و به غیر از اوجیزی از موجودات وجود نیافت. ۵ در او حیات آنکه من درباره او گفتم که مردی بعد از من می‌آید که پیش از من بود و حیات نور انسان بود. ۶ و نور در تاریکی می‌درخشند و شده است زیرا که بر من مقدم بود. ۷ و من اورا نشناختم، لیکن تاریکی آن را درزیافت. ۸ شخصی از جانب خدا فرستاده شد که تا او به اسرائیل ظاهر گردد، برای همین من آمده به آب تمیید اسمش یعنی بود؛ ۹ او برای شهادت آمد تا بر نورشها دهد می‌دادم. ۱۰ پس یعنی شهادت داده، گفت: «روح را دیدم که تا همه به وسیله او ایمان آورند. ۱۱ و آن نور نبود بلکه آمد تا بر مثل کبوتری از آسمان نازل شده، بر او قرار گرفت. ۱۲ و من او را نور شهادت دهد. ۱۳ آن نور حقیقی بود که هر انسان را منور نشناختم، لیکن او که مرا فرستاد تا به آب تمیید دهم، همان به می‌گرداند و در جهان آمدنی بود. ۱۴ او در جهان بود و جهان به من گفت بره کس یعنی که روح نازل شده، بر او قرار گرفت، واسطه او آفریده شد و جهان او را نشناخت. ۱۵ به نزد خاصان همان است او که به روح القدس تمیید می‌دهد. ۱۶ و من دیده خود آمد و خاصانش او را پنذیرفتند؛ ۱۷ و اما به آن کسانی که او شهادت می‌دهم که این است پسرخدا.» ۱۸ و در روز بعد نیز را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به یعنی با دنفر از شاگردان خود ایستاده بود. ۱۹ ناگاه عیسی را اسم ایمان آورد، ۲۰ که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از دید که راه می‌رود؛ ۲۱ و گفت: «اینک بره خدا.» ۲۲ و چون آن خواهش مردم، بلکه از خدا تولید گرفتند. ۲۳ و کلمه جسم گردید و دو شاگرد کلام او را شنیدند، از پی عیسی روانه شدند. ۲۴ میان ما ساکن شد، پراز فیض و راستی و جلال او را دیدیم، پس عیسی روی گردانیده، آن دو نفر را دید که از عقب می‌آیند. ۲۵ جلالی شایسته پسر یگانه پدر. ۲۶ و یعنی بر او شهادت داد و بدیشان گفت: «۲۷ چه می‌خواهید؟» بد و گفتند: «ربی (عنی ای ندا کرده، می‌گفت: «این است آنکه درباره او گفتم آنکه بعد از معلم (در کجا منزل می‌نمایی؟» ۲۸ بدیشان گفت: «بیاید و من می‌آید، پیش از من شده است زیرا که بر من مقدم بود.» ۲۹ بینید. آنگاه آمده، دیدند که کجا منزل دارد، و آن روز را نزد او و از پری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، ۳۰ بمانند و قریب به ساعت دهم بود. ۳۱ و یکی از آن دو که زیراشريعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله سخن یعنی را شنیده، پیروی او نمودند، اندریاس برادر شمعون عیسی مسیح رسید. ۳۲ خدا راهبرگ کسی ندیده است؛ پسر پطرس بود. ۳۳ او اول برادر خود شمعون را یافته، به او گفت: بیگانه‌ای که درآغوش پدر است، همان او را ظاهر کرد. ۳۴ و «مسیح را (که ترجمه آن کرستیس است) یافتیم.» و چون او را نزد این است شهادت یعنی در وقتی که یهودیان از اورشلیم کاهنان عیسی آورد، عیسی بدونگریسته، گفت: «تو شمعون پسر یونا و لاویان را فرستادندا از او سوال کنند که تو کیستی، ۳۵ که هستی؛ واکنون کیفا خوانده خواهی شد (که ترجمه آن پطرس معترف شدو انکار ننمود، بلکه افشار کرد که من مسیح نیستم. است.). ۳۶ بامدادان چون عیسی خواست به سوی جلیل روانه آنگاه از او سوال کردند: «پس چه؟ آیا تولیاں هستی؟» ۳۷ گفت: شود، فیلیپس را یافته، بد و گفت: «ازعقب من بیا.» ۳۸ و فیلیپس «نیستم.» ۳۹ آنگاه بد و گفتند: «پس کیستی تا به آن کسانی که از بیت صیدا از شهراندریاس و پطرس بود. ۴۰ فیلیپس نتنایل را ما را فرستادند جواب بزیم؟ درباره خود چه می‌گویی؟» ۴۱ گفت: یافته، بد و گفت: «آن کسی را که موسی در تورات و انبیام ذکور «من صدای ندا کننده‌ای در بیانم که راه خداوند را راست کنید، داشته‌اند، یافته‌ایم که عیسی پسر یوسف ناصری است.» ۴۲ چنانکه اشیانی گفت.» ۴۳ و فرستادگان از فریسان بودند. ۴۴ نتنایل بد و گفت: «مگری شود که از ناصره چیزی خوب پیدا پس از اسوال کرده، گفتند: «اگر تو مسیح و الیاس و آن نبی شود؟» فیلیپس بد و گفت: «بیا و بیبن.» ۴۵ و عیسی چون دید نیستی، پس برای چه تمیید می‌دهی؟» ۴۶ یعنی در جواب ایشان که نتنایل به سوی او می‌آید، درباره او گفت: «اینک اسرائیلی گفت: «من به آب تمیید می‌دهم و در میان شما کسی ایستاده حقیقی که در او مکری نیست.» ۴۷ نتنایل بد و گفت: «مرا از است که شما و را نبی شناسید. ۴۸ و آن است که بعد از من کجامي شناسی؟» عیسی در جواب وی گفت: «قبل از آنکه فیلیپس می‌آید، اما پیش از من شده است، که من لایق آن نیستم که بند تو را دعوت کند، در حینی که زیور رخت انجری بودی تو را دیدم.»

۴۹ نتائیل در جواب او گفت: «ای استاد تو پسر خدامی! تو بادشاه آن را بربا می کنی؟» ۲۱ لیکن او درباره قدس جسد خود سخن اسرائیل هستی! ۵۰ عیسی در جواب او گفت: «آیا از اینکه به تو می گفت. ۲۲ پس وقتی که از مردگان برخاست شاگردانش را گفتم که تو را زیر درخت انجیر دیدم، ایمان آوردم؟ بعد از این به حاطر آمد که این را بدیشان گفته بود. آنگاه به کتاب و به چیزهای پزگر از این خواهی دید.» ۵۱ پس بدو گفت: «آمین کلامی که عیسی گفته بود، ایمان آوردند. ۲۲ و هنگامی که آمین به شما می گوییم که از کون آسمان را گشاده، و فرشتگان در عید فصح در اورشلیم بودسیاری چون معجزاتی را که از او خدا را که بر پسر انسان صعودو نزول می کنند خواهید دید.» صادر می گشت دیدند، به اسم او ایمان آوردند. ۲۴ لیکن عیسی خوشنده را بدیشان موتمن نساخت، زیرا که او همه را می شناخت. ۲ و در روز سوم، در قاتای جلیل عروسی بودو مادر عیسی در آنجا بود. ۲ و عیسی و شاگردانش را زیر به عروسی دعوت دهد، زیرا خود آنچه در انسان بود می دانست. ۳ چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت: «شراب کدنده.» ۴ عیسی به وی گفت: «ای زن مرابا تو چه کار است؟ ۳ و شخصی از فریسان نیقودیموس نام ازروسای بهود بود. ۲ ساعت من هنوز نرسیده است.» ۵ مادرش به نوکران گفت: او در شب نزد عیسی آمده، به وی گفت: «ای استاد می دانیم که هرچه به شما گویید بکنید.» ۶ و در آنچه شش قدر سنگی تو معلم هستی که از جانب خدا آمده ای زیرا هیچ کس نمی تواند برحسب تطهیر بهود نهاده بودند که هر یک گنجایش دو یا سه کمیل معجزاتی را که تو می نمایی بنماید، جزاینکه خدا با وی باشد.» ۳ داشت. ۷ عیسی بدیشان گفت: «قدحها را آب پر کنید.» و عیسی در جواب او گفت: «آمین آمین به تو می گوییم اگر کسی از آنها را لبیز کردد.» ۸ پس بدیشان گفت: «الآن بزردارید و به نزد سر نومولود نشود، ملکوت خدا را نمی تواند دید.» ۴ نیقودیموس رئیس مجلس ببرید.» پس بردند؛ ۹ و چون رئیس مجلس آن آب را بدو گفت: «چگونه ممکن است که انسانی که پیر شده باشد، که شراب گردیده بود، بچشید و ندانست که از کجاست، لیکن مولود گردد؟ آیا می شود که بار دیگر داخل شکم مادر گشته، مولود نوکرانی که آب را کشیده بودند، می دانستند، رئیس مجلس داماد شود؟» ۵ عیسی در جواب گفت: «آمین، آمین به تو می گوییم اگر را مخاطب ساخته، بدو گفت: ۱۰ «هرکسی شراب خوب را اول کسی از آب و روح مولود نگردد، ممکن نیست که داخل ملکوت می آورد و چون مسنت شدند، بدتر از آن. لیکن تو شراب خوب را خدا شود.» آنچه از جسم مولود شد، جسم است و آنچه از روح تا حال نگاه داشتی؟» ۱۱ و این ابتدای معجزاتی است که از مولود گشت روح است. ۷ عجب مدار که به تو گفتم باید شما از عیسی در قاتای جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و سر نو مولود گردید. ۸ باد هرجا که می خواهد می وزد و صدای آن شاگردانش به او ایمان آوردن. ۱۲ و بعد از آن او با مادر و بزرگان و را می شنوی لیکن نمی دانی از کجا می آید و به کجا می رود. شاگردان خود به کفرناحوم آمد و در آنچا ایامی کم ماندند. ۱۳ همچنین است هر که از روح مولود گردد.» ۹ نیقودیموس در جواب و چون عید فصح نزدیک بود، عیسی به اورشلیم رفت، ۱۴ و وی گفت: «چگونه ممکن است که چنین شود؟» ۱۰ عیسی در هیکل، فروشنده کان گاو و گوسفند و کبوتر و صرافان را نشسته در جواب وی گفت: «آیا تو معلم اسرائیل هستی و این رانمی یافت. ۱۵ پس تازیانه ای از رسیمان ساخته، همه را از هیکل دانی؟ ۱۱ آمین، آمین به تو می گوییم آنچه می دانیم، می گوییم و به بیرون نمود، هم گوسفندان و گاوان را، و نفوذ صرافان را ریخت و آنچه دیده ایم، شهادت ما دهیم و شهادت ما را قبول نمی کنید. تختهای ایشان را واژگون ساخت، ۱۶ و به کبوتر فروشان گفت: ۱۲ چون شما را از امور زیبی سخن گفتم، باور نکردید. پس «اینها را از پنجا بیرون برد و خانه پدر مرا خانه تجارت مسازید.» هرگاه به امور آسمانی با شما سخن را تم جگونه تصدیق خواهد آنگاه شاگردان او را باد آمد که مکتوب است: «غیرت خانه نمود؟ ۱۳ و کسی به آسمان بالا نرفت مگر آن کس که از آسمان تو مرا خود را است.» ۱۸ پس یهودیان روی به او آوردند، گفتند: پایین آمد یعنی پسر انسان که در آسمان است. ۱۴ و همچنان که «به ما چه علامت می نمایی که این کارها را می کنی؟» ۱۹ موسی مار را در بیان بلند نمود، همچنین پسر انسان نیز باید بلند عیسی در جواب ایشان گفت: «این قدس راخرا کنید که در کرده شود، ۱۵ تا هر که به او ایمان آرد هلاک نگردد، بلکه حیات سه روز آن را بربا خواهم نمود.» ۲۰ آنگاه یهودیان گفتند: «در جاودانی یابد.» ۱۶ زیرا خدا جهان را اینقدر عرصه چهل و شش سال این قدس را بنا نموده اند؛ آیا تو درسه روز محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که بر او ایمان آورد

هلاک نگردد بلکه حیات جاودانی باید. (aiōnios g166) ۱۷ ۴ و چون خداوند دانست که فریسیان مطلع شده‌اند که عیسی

زیرا خدا پسر خود را در جهان نفرستاد تا برجهان داوری کند، بلکه بیشتر از پیغمبیر شاگردپیدا کرده، تعمید می‌دهد، ۲ با اینکه خود تا به وسیله او جهان نجات باید. ۱۸ آنکه به او ایمان آرد، بر او عیسی تعمید نمی‌داد بلکه شاگردانش، ۳ یهودیه را گذاشته، حکم نشود؛ اما هر که ایمان نیاورد الان بر او حکم شده است، باز به جانب جلیل رفت. ۴ و لازم بود که از سامره عبور کند بجهت آنکه به اسم پسر یگانه خدا ایمان نیاورده. ۱۹ و حکم این ۵ پس به شهری از سامره که سوخار نام داشت، نزدیک به آن است که نور در جهان آمد و مردم ظلمت را بیشتر از نور دوست موضعی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود رسید. ۶ و در داشتند، از آنجا که اعمال ایشان بد است. ۲۰ زیرا هر که عمل بد آنجا چاه یعقوب بود، پس عیسی از سفر خسته شده، همچنین

می‌کند، روشنی را دشمن دارد و پیش روشنی نمی‌آید، مبادا بر سر چاه نشسته بود و قریب به ساعت ششم بود. ۷ که زنی اعمال او توبیخ شود. ۲۱ ولیکن کسی که به راستی عمل می‌کند سامری بجهت آب کشیدن آمد. عیسی بدو گفت: «جرعه‌ای

پیش روشنی می‌آید تا آنکه اعمال او یهودی گردد که در خداکرده آب به من بتوشان.» ۸ زیرا شاگردانش بجهت خربدن خوارک به شده است.» ۲۲ و بعد از آن عیسی با شاگردان خود به زمین شهر رفته بودند. ۹ زن سامری بدو گفت: «چگونه تو که یهود

یهودی آمد و با ایشان در آنجا یهود بوده، تعمیدمی داد. ۲۳ و هستی از من آب می‌خواهی و حال آنکه زن سامری می‌باشم؟» ۱۰ یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم تعمید می‌داد زیرا که در آنجا زیرا که یهود با سامریان معاشرت ندارند. ۱۱ عیسی در جواب آب بسیار بود و مردم می‌آمدند و تعمید می‌گرفتند، ۱۲ چونکه او گفت: «اگر بخشن خدا را می‌دانستی و کیست که به تو

یحیی هنوز در زندان حبس نشده بود. ۲۵ آنگاه در خصوص می‌گوید آب به من بده، هر آنچه تو از او خواهش می‌کردی و به تو تطهیر، در میان شاگردان یحیی و یهودیان مباحثه شد. ۲۶ پس آب زنده عطا می‌کرد. ۱۱ زن بدو گفت: «ای آفادلو نداری و

به نزد یحیی آمد، به او گفتند: «ای استاد، آن شخصی که چاه عمیق است. پس از کجا آب زنده داری؟ ۱۲ آیا تو از پدر ما با تو در آنطرف اردن بود و تو برای او شهادت دادی، اکنون او یعقوب بزرگرهستی که چاه را به ما داد و خود و پسران و مواسی

تعمید می‌دهد و همه نزد اموی آیند.» ۲۷ یحیی در جواب گفت: او از آن می‌آشامیدند؟» ۱۳ عیسی در جواب او گفت: «هر که از هیچ کس چیزی نمی‌تواند یافته، مگر آنکه از آسمان بدو داده این آب بتوشند باز تشنیه گردد، ۱۴ ولیکن کسی که از آبی که

شود. ۲۸ شما خود بر من شاهد هستید که گفتم من مسیح من به او می‌دهم بتوشند، ابد تشنیه خواهید شد، بلکه آن آبی نیستم بلکه پیش روی او فرستاده شدم. ۲۹ کسی که عروس دارد که به او می‌دهم در او چشمه آبی گردد که تا حیات جاودانی داماد است، اما دوست داماد که ایستاده اواز او را می‌شنود، از اواز می‌جوشد.» (aiōn g165, aiōnios g166) ۱۵ زن بدو گفت:

داماد بسیار خشنود می‌گردد. پس این خوشی من کامل گردید. ۲۰ «ای آقا آن آب را به من بده تا دیگر تشنیه نگردم و به اینجا بجهت می‌باید که او افزوده شود و من ناقص گردم. ۳۱ او که از بالا آب کشیدن نیایم.» ۱۶ عیسی به او گفت: «برو و شهر خود

می‌آید، بالای همه است و آنکه از زمین است زمینی است و از رایخوان و در اینجا بیا.» ۱۷ زن در جواب گفت: «شهر ندارم.» زمین تکلم می‌کند؛ اما او که از آسمان می‌آید، بالای همه است. عیسی بدو گفت: «نیکو گفتی که شهر نداری! ۱۸ زیرا که پنج

شهادت او را قبول نمی‌کند. ۲۲ و کسی که شهادت اورا قبول گفتی! ۱۹ زن بدو گفت: «ای آقا می‌بینم که تو نبی هستی! کرد، مهر کرده است بر اینکه خدا راست است. ۲۴ زیرا آن کسی ۲۰ پدران ما در این کوه پرستش می‌کردند و شما می‌گوید که در

را که خدا فرستاد، به کلام خدا تکلم می‌نماید، چونکه خدا اورشلیم جایی است که در آن عبادت باید نمود.» ۲۱ عیسی روح را به میان عطا نمی‌کند. ۲۵ پدر پسر را محبت می‌نماید و بدو گفت: «ای زن مرا تصدیق کن که ساعتی می‌آید که نه در این

همه‌چیز را بدست اوسپرده است. ۲۶ آنکه به پسر ایمان آورده کوه و نه در اورشلیم پدر را پرستش خواهید کرد. ۲۲ شما آنچه را باشد، حیات جاودانی دارد و آنکه به پسر ایمان نیاورده حیات را که نمی‌دانیدمی پرستید اما ما آنچه را که می‌دانیم عبادت می‌کنیم خواهید دید، بلکه غضب خدا بر اموی ماند.» (aiōnios g166) ۲۲ لیکن ساعتی می‌آید بلکه الان

است که در آن پرستندگان حقیقتی پدر را به روح و راستی پرستش خواهند کرد زیرا که پدر مثل این پرستندگان خود را طالب است.

۲۴ خدا روح است و هر که او را پرستش کند می باید به روح و خواهش کرد که فرود بیاید ویسر او را شفا دهد، زیرا که مشرف به راستی پیرستد. ۲۵ زن بدو گفت: «می دانم که مسیح یعنی موت بود. ۴۸ عیسی بدو گفت: «اگر آیات و معجزات نبینید، کرستن می آید. پس هنگامی که او آید از هر چیزی ما خبرخواهد همانا ایمان نباورید.» ۴۹ سرهنگ بدو گفت: «ای آقا قبل از آنکه داد.» ۲۶ عیسی بدو گفت: «من که با تو سخن می گویم پسر بمیرد فرود بیا.» ۵۰ عیسی بدو گفت: «برو که پسرت زنده همانم.» ۲۷ و در همان وقت شاگردانش آمدند، تعجب کردند که است. آن شخص به سخنی که عیسی بدو گفت، غلامانش او راستقبال با زنی سخن می گوید و لکن هیچ کس نگفت که چه می طلبی یا روانه شد. ۵۱ و در وقتی که او می رفت، غلامانش او راستقبال برای چه با او حرف می زنی. ۲۸ آنگاه زن سیوی خود را گذارد، نموده، مژده دادند و گفتند که پسر تونده است. ۵۲ پس از به شهر رفت و مردم را گفت: «بیایید و کسی را بینید که ایشان پرسید که در چه ساعت عافت یافت. گفتند: «دیروز، در هر آنچه کرده بودم به من گفت. آیا این مسیح نیست؟» ۳۰ پس از ساعت هفتم تب از او زایل گشت. ۵۳ آنگاه پدر فهمید که در شهر بیرون شده، نزد اومی آمدند. ۲۱ و در اثنا آن شاگردان او همان ساعت عیسی گفته بود: «پسر تو زنده است.» پس او و خواهش نموده، گفتند: «ای استاد بخور.» ۳۲ بدیشان گفت: تمام اهل خانه او ایمان آوردند. ۵۴ و این نیز معجزه دوم بود که از «من غذای دارم که بخورم و شما آن را نمی دانید.» ۳۳ شاگردان عیسی در وقتی که از یهودیه به جلیل آمد، به ظهور رسید.

به یکدیگر گفتند: «مگر کسی برای او خوارکی آورده باشد!» ۳۴ ۵ و بعد از آن یهودا را عیدی بود و عیسی به اورشلیم آمد. ۲ عیسی بدیشان گفت: «خوارک من آن است که خواهش فرستنده و در اورشلیم نزدباباب‌الضان حوضی است که آن را به عربانی خودرا به عمل آورم و کار او را به انجام رسانم. ۳۵ آیاشما نمی بیت حسدا می گویند که پنج رواق دارد. ۳ و در آنجا جمعی کشیر گوید که چهار ماه دیگر موسوم درواست؟ اینکه به شما می گوییم از مرضان و کوران و لنگان و شلان خوابیده، منتظر حرکت آب چشمان خود را بالافکید و مزععه‌ها را بینید زیرا که الان بجهت می بودند. ۵ و در آنجا مردی بود که سی و هشت سال به مرضی مبتلا بود. ۶ چون عیسی او را خوابیده دید و دانست که مرض او طول کشیده است، بدو گفت: «آیا می خواهی شفا یابی؟» ۷ راست است که یکی می کارد و دیگری درو می کند. ۳۶ و دروگر اجرت می گیرد و ثمری بجهت حیات جادویانی جمع می کند تا کارنده و دروکننده هر دو با هم خشنود گردند. ۳۷ زیرا این کلام در اینجا راست است که یکی می کارد و دیگری درو می کند. ۳۸ من شما را فرستادن تا چیزی را که در آن رنج نبرده‌اید دروکنید. دیگران پیش از من فرو رفته است. ۸ عیسی بدو گفت: «برخیز و بستر کشیدند و شما در محنت ایشان داخل شده‌اید.» ۳۹ پس خود را برداشته، روانه شو!» ۹ که در حال آن، مرد شفایافت و پس از خود را برداشته، روانه گردید. و آن روز سبیت بود. ۱۰ پس داد که هر آنچه کرده بودم به من بازگفت بدو ایمان آوردند. ۴۰ و چون سامریان نزد او آمدند، از او خواهش کردند که نزدیک ایشان بماند و دو روز در آنجا بمانند. ۴۱ و بسیاری از سامریان بواسطه سخن آن زن که شهادت داد که هر آنچه کرده بودم به من بازگفت بدو ایمان آوردند. ۴۲ و به زن گفتند که «بعد از این بواسطه سخن تو بزرگ و برو.» ۱۲ پس از او پرسیدند: «کیست آنکه به تو گفت، ایمان نمی آوریم زیرا خود شنیده و دانسته‌ایم که او در حقیقت بستر خود را بزرگ و برو؟» ۱۳ لیکن آن شفا یافته نمی دانست که مسیح و نجات‌دهنده عالم است.» ۴۳ اما بعد از دو روز از آنجا بود، زیرا که عیسی ناپدید شد چون در آنجا ازدواجی بود. ۱۴ و بیرون آمده، به سوی جلیل روانه شد. ۴۴ زیرا خود عیسی شهادت بعد از آن، عیسی او را در هیکل یافته بدو گفت: «اکنون شفا داد که هیچ نبی را در وطن خود حرمت نیست. ۴۵ پس چون به جلیل آمد، جلیلیان او را پنجه زیرا هرچه در اورشلیم در عید کرده بود، دیدند، چونکه ایشان نیز در عید رفته بودند. ۴۶ پس عیسی به قانای جلیل آنجایی که آب را شراب ساخته بود، بازآمد. و یکی از سرهنگان ملک بود که پسر او در کفرناحوم مريض بود. ۴۷ و چون شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمده است، نزد او آمده،

۱۸ پس از این سبب، یهودیان بیشتر قصد قتل او کردند زیرا که به من شهادت داده است که هرگز آواز او را نشنیده و صورت نه تنها سبب را می‌شکست بلکه خدا را نیز پدرخود گفته، خود را او را زندگاید، ۳۸ و کلام او را در خود ثابت نداریدزیرا کسی مساوی خدا می‌ساخت. ۱۹ آنگاه عیسی در جواب ایشان گفت: را که پدر فرستاد شما بدو ایمان نیاروید. ۲۰ کتب را تفتشیش «آمین آمین به شما می‌گویم که پسر از خود هیچ نمی‌تواند کرد کنید زیرا شما گمان می‌برید که در آنها حیات جاودانی دارید و مگر آنچه بیند که پدر به عمل آرد، زیرا که آنچه او می‌کند، آنها است که به من شهادت می‌دهد. (aiōnios g166) ۴۰

همچنین پسر نیز می‌کند. ۲۰ زیرا که پدر پسر را دوست می‌دارد نمی‌خواهد نزد من آید تا حیات یابید. ۲۱ جلال را از مردم و هر آنچه خود می‌کند بدو می‌نماید و اعمال بزرگتر از این بدو نمی‌پذیرم. ۴۲ ولکن شما را می‌شناسم که در نفس خود محبت نشان خواهد داد تا شما تعجب نمایید. ۲۱ زیرا همچنان که پدر خدا را ندارید. ۴۳ من به اسم پدرخود آمدام و مرا قبول نمی‌مرد گان را برخی خیزان و زنده می‌کند، همچنین پسر نیز هر که رامی کنید، ولی هرگاه دیگری به اسم خود آید، او را قبول خواهد نزد می‌کند. ۲۲ زیرا که پدر برهیچ کس داوری نمی‌کند کرد. ۴۴ شما چگونه می‌توانید ایمان آرید و حال آنکه جلال بلکه تمام داوری را به پسر سپرده است. ۲۳ تا آنکه همه پسر را از یکدیگر می‌طلیبد و جلالی را که از خدای واحد است طالب حرمت بدارند، همچنان که پدر را حرمت می‌دارند؛ و کسی که به نیستید؟ ۴۵ گمان میرید که من نزد پدر بر شما ادعای خواهیم کرد. پسر حرمت نکنید، به پدری که او را فرستاد احترام نکرده است. کسی هست که مدعی شما می‌باشد و آن موسی است که بر او آمین آمین به شمامی گویم هر که کلام مرا بشنو و به فرستنده امیدوار هستید. ۴۶ زیرا اگر موسی را تصدقیق می‌کردید، مرا نیز من ایمان آورد، حیات جاودائی دارد و در داوری نمی‌آید، بلکه از تصدیق می‌کردیدچونکه او درباره من نوشته است. ۴۷ اما چون موت تا به حیات منتقل گشته است. (aiōnios g166) ۴۸ آمین نوشته های او را تصدقیق نمی‌کنید، پس چگونه سخنها مرا قبول آمین به شما می‌گویم که ساعتی می‌آید بلکه اکنون است که خواهید کرد».

۴۹ مرد گان آواز پسر خدارا می‌شنوند و هر که بشنود زنده گردد. ۴۶ زیرا همچنان که پدر در خود حیات دارد، همچنین پسر را نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد. ۴۷ و بدو قدرت پخشیده است که داوری هم بکند زیرا که پسر انسان است. ۴۸ و از این تعجب مکنید زیرا ساعتی می‌آید که در آن جمیع کسانی که در قبور می‌باشند، آواز او را خواهند شنید، ۴۹ و پیروں خواهند آمد؛ هر که اعمال نیکوکرد، برای قیامت حیات و هر که اعمال بد کرد، بجهت قیامت داوری. ۵۰ من از خود هیچ نمی‌توانم کرد بلکه چنانکه شنیدام داوری می‌کنم و داوری من عادل است زیرا که اراده خود را طالب نیستم بلکه اراده پدری که مرا فرستاده است. ۵۱ اگر من بر خود شهادت دهم شهادت من راست نیست. ۵۲ دیگری هست که بر من شهادت می‌دهد و می‌دانم که شهادتی که او بر من می‌دهد راست است. ۵۳ شما نزد یحیی فرستادید و او به راستی شهادت داد. ۵۴ اما من شهادت انسان را قبول نمی‌کنم ولیکن این سخنان را می‌گویم تا شمانچات یابید. ۵۵ او چراغ افروخته و درخشندگانی بود و شما دادند؛ و همچنین از دو ماهی نیز به قدری که خواستند. ۵۶ و چون سیر گشتد، به شاگردان خود گفت: «پاره های باقی مانده را و آن گروه قریب به پنج هزار مردپوشنده که نشستند. ۵۷ عیسی نانها را گرفته و شکرمنوده، به شاگردان داد و شاگردان به نشستگان پسرانچات یابید. ۵۸ یکی از شاگردانش که اندریاس برادر شمعون پطرس باشد، وی را گفت: «دراینجا پسری است که پنج نان جو و دو ماهی دارد. و لیکن این از برای این گروه چه می‌شود؟» ۵۹ عیسی گفت: «مردم را بشتابید.» و در آن مکان، گیاه سیار بود، و آن گروه قریب به پنج هزار مردپوشنده که نشستند. ۶۰ عیسی نانها را گرفته و شکرمنوده، به شاگردان داد و شاگردان به نشستگان دادند؛ و همچنین از دو ماهی نیز به قدری که خواستند. ۶۱ و شهادت انسان را قبول نمی‌کنم ولیکن این سخنان را می‌گویم تا کامل کنم، یعنی این کارهایی که من می‌کنم، بر من شهادت می‌دهد که پدر مرا فرستاده است. ۶۲ و خود پدر که مرا فرستاد،

کردند. ۱۴ و چون مردمان این معجزه را که از عیسی صادر شده هرگز گرسنه نشود و هر که به من ایمان آرد هرگز تشنه نگردد. ۲۶ بود دیدند، گفتند که «این البه همان نبی است که باید در جهان لیکن به شما گفتم که مرا هم دیدید و ایمان نیاوردید. ۳۷ هر آنچه بیاید!» ۱۵ و اما عیسی چون دانست که می خواهند بیایند و او را پدر به من عطا کند، به جانب من آید و هر که به جانب من آید، او به زور برده پادشاه سازند، باز تها بشه کوه برآمد. ۱۶ و چون شام را بیرون نخواهم نمود. ۲۸ زیرا از آسمان نزول کردم نه تا به اراده شد، شاگردانش به جانب دریابایران رفتند، ۱۷ و به کشتی سوار خود عمل کنم، بلکه به اراده فرستنده خود. ۲۹ و اراده پدری که شده به آن طرف دریا به کفرناحوم روانه شدند. و چون تاریک مرا فرستاد این است که از آنچه به من عطا کرد چیزی تلف نکنم شد عیسی هنوز نزد ایشان نیامده بود. ۱۸ و دریابواسطه وزیدن باد بلکه در روز باریسین آن را برخیزانم. ۴۰ و اراده فرستنده من این شدید به تلاطم آمد. ۱۹ پس وقتی که قریب به بیست و پنج یا است که هر کس پسر را دید و بدو ایمان آورد، حیات جاودانی داشته سی تیر پرتاپ رانده بودند، عیسی را دیدند که بر روی دریاخرامان باشد و من در روز بازیسین او را خواهم برخیزاند.» **(aiōnios g166)** شده، نزدیک کشتی می آید. پس ترسیدند. ۲۰ او بایشان گفت: **(g166)** ۴۱ پس بیهودیان دریا او همه کردند زیرا گفته بود: «من من هستم، مترسید!» ۲۱ و چون می خواستند او را در کشتی هستم آن نانی که از آسمان نازل شد.» ۴۲ و گفتند: «آیا این بیاوند، در ساعت کشتی به آن زمینی که عازم آن بودند رسید. ۲۲ عیسی پسر یوسف نیست که ما پدر و مادر او را می شناسیم؟ پس بامدادان گروهی که به آن طرف دریا ایستاده بودند، دیدند که هیچ چگونه می گوید که از آسمان نازل شدم؟» ۴۳ عیسی در جواب زورقی نبود غیر از آن که شاگردان او داخل آن شده بودند و عیسی ایشان گفت: «با یکدیگر همه مکنید. ۴۴ کسی نمی تواند نزد باشگردان خود داخل آن زورق نشده، بلکه شاگردانش تنها رفته من آید، مگر آنکه پدری که مرا فرستاد او را جذب کند و من در بودند. ۲۳ لیکن زورقهای دیگر از طبیعت آمد، نزدیک به آنجایی که روز بازیسین او را خواهم برخیزاند. ۴۵ درانیا مکتوب است که نان خورده بودند بعد از آنکه خداوند شکر گفته بود. ۲۴ پس چون همه از خدا تعلیم خواهند یافت. پس هر که از پدر شنید و تعلیم آن گروه دیدند که عیسی و شاگردانش در آنجا نیستند، ایشان نزد یافتند که آید. ۴۶ نه اینکه کسی پدر را دیده باشد، جزان به کشتیهاسوار شده، در طلب عیسی به کفرناحوم آمدند. ۲۵ و کسی که از جانب خداست، او پدر را دیده است. ۴۷ آمین آمین چون او را در آن طرف دریا یافتد، بدو گفتند: «ای استاد کی به شما می گوییم هر که به من ایمان آرد، حیات جاودانی دارد. اینجا آمدی؟» ۲۶ عیسی در جواب ایشان گفت: «آمین آمین به **(aiōnios g166)** ۴۸ من نان حیات هستم. ۴۹ پدران شما در شمامی گوییم که مرا می طلبید نه بسب معجزاتی که دیدید، بلکه بیان من را خوردن و مردنده. ۵۰ این نانی است که از آسمان نازل بسبب آن نان که خوردید و سیرشید. ۵۱ من هستم آن نان زنده که از خوارک فانی بلکه برای خوارکی که تا حیات جاودانی باقی است آسمان نازل شد. اگر کسی از این نان بخورد تا به ابد زنده خواهد که پسر انسان آن را به شما عطا خواهد کرد، زیرا خدای پدر بر ماند و نانی که من عظامی کنم جسم من است که آن را بجهت او مهر زده است.» **(aiōnios g166)** ۵۲ پس بیهودیان با کنیم تا اعمال خدا را به جا آورده باشیم؟» ۲۹ عیسی در جواب یکدیگر مخاصمه کرده، می گفتند: «چگونه این شخص می تواند ایشان گفت: «عمل خدا این است که به آن کسی که او فرستاد، جسد خود را به ما دهد تا بخوریم؟» ۵۳ عیسی بایشان گفت: ایمان بیاورید.» ۳۰ بدو گفتند: «چه معجزه می نمایی تا آن را «آمین آمین به شما می گوییم اگر جسد پسرانسان را نخوردید و خون دیده به تو ایمان آوریم؟ چکار می کنی؟» ۳۱ پدران ما دریابان من او را نتوشید، در خود حیات ندارید. ۵۴ و هر که جسد من خورد و را خوردنده، چنانکه مکتوب است که از آسمان بایشان نان عطا خون مرا نوشید، حیات جاودانی دارد و من در روز آخر او را خواهم کرد تا بخورند.» ۳۲ عیسی بایشان گفت: «آمین آمین به شما برخیزاند.» **(aiōnios g166)** ۵۵ زیرا که جسد من، خوردنی می گوییم که موسی نان را از آسمان به شما نداد، بلکه پدر من نان حقیقی و خون من، آشامیدنی حقیقی است. ۵۶ پس هر که جسد حقیقی را از آسمان به شما می دهد. ۳۳ زیرا که نان خدا آن است مرا می خورد و خون مرا می نوشد، در من می ماند و من در او. ۵۷ که از آسمان نازل شده، به جهان حیات می بخشند.» ۳۴ آنگاه چنانکه پدر زنده مرا فرستاد و من به پدر زنده هستم، همچنین بدو گفتند: «ای خداوند این نان را پیوسته به ما بده.» ۳۵ عیسی کسی که مرا بخورد او نیز به من زنده می شود. ۵۸ این است نانی بایشان گفت: «من نان حیات هستم. کسی که نزد من آید، که از آسمان نازل شد، نه همچنان که پدران شما من را خوردنده و

مردند؛ بلکه هر که این نان را بخورد تا به ابد زنده ماند.» **(aiōn)**

۹۱۶۵ پیهودیان در عید او را جستجو نموده، می گفتند که او کجال است.
۹۱۶۵ این سخن را وقتی که در کفرناحوم تعلیم می داد، در ۱۲ و در میان مردم درباره او همه مه بسیار بود. بعضی می گفتند کیسیه گفت. « آنگاه بسیاری از شاگردان او چون این راشیدند که مردی نیکو است و دیگران می گفتند نی کنده قوم گفتند: «این کلام سخت است! که می تواند آن را بشنود؟ » ۱۳ و لیکن بسب ترس از پیهود، هیچ کس درباره اظهار چون عیسی در خود دانست که شاگردانش در این امر همه حرف نمی زد. ۱۴ و چون نصف عید گذشته بود، عیسی به می کنند، بدیشان گفت: «آیا این شما را الغوش می دهد؟ » ۱۵ پس هیکل آمده، تعلیم می داد. ۱۵ و پیهودیان تعجب نموده، گفتند: اگر پسر انسان را بینید که به جایی که اول بود صعود می کند چه؟ «این شخص هرگز تعلیم نیافقه، چگونه کتب را می داند؟ » ۱۶ روح است که زنده می کند و اما از جسد فایده ای نیست. عیسی در جواب ایشان گفت: «تعلیم من از من نیست، بلکه کلامی را که من به شمامی گویم روح و حیات است. » ۱۷ اگر کسی بخواهد اراده او را به عمل آرد، درباره بعضی از شما هستند که ایمان نمی آورند.» زیرا که عیسی از تعلیم خواهد دانست که از خدا است یا آنکه من از خود سخن ابتدا می دانست کیاند که ایمان نمی آورند و کیست که او را می رانم. ۱۸ هر که از خود سخن گوید، جلال خود را طالب بود و تسلیم خواهد کرد. ۱۹ پس گفت: «از این سبب به شما گفتم اما هر که طالب جلال فستینه خود باشد، او صادق است و در کسی نزد من نمی تواند آمد مگر آنکه پدر من، آن را بدو او ناراستی نیست. ۱۹ آیا موسی تورات را به شما نداده است؟ عطا کرد. » ۲۰ در همان وقت بسیاری از شاگردان اوربگشته، دیگر و حال آنکه کسی از شما نیست که به تورات عمل کند. از با او همراهی نکردند. ۲۱ آنگاه عیسی به آن دوازده گفت: «آیا برای چه می خواهید مرا به قتل رساید؟ » ۲۰ آنگاه همه در جواب شمامیز می خواهید بروید؟ » ۲۱ شمعون پطرس به اوجواب داد: گفتند: «تو دیو داری. که اراده دارد تو را بکشد! » ۲۱ عیسی در «خداؤندا نزد که بروم؟ کلمات حیات جاودانی نزد تو است.» جواب ایشان گفت: «یک عمل نمودم و همه شما از آن معجب ۹۱۶۶ و ما ایمان آورده و شاخته ایم که تو مسیح شدیم. » ۲۲ موسی ختنه را به شما داد نه آنکه از موسی باشد بلکه پسر خدای حی هستی. » ۲۰ عیسی بدیشان جواب داد: «آیا من از اجداد و در روز سبت مردم را ختنه می کنید. » ۲۳ پس اگر کسی شما دوازده را بزنگزیدم و حال آنکه یکی از شمامیلیسی است. » در روز سبت مختون شود تا شریعت موسی شکسته نشود، چرا بر ۲۴ و این را درباره پیهودا پسرشمعون اسخربوطی گفت، زیرا او بود من خشم می آورید از آن سبب که در روز سبت شخصی را شفای که می بایست تسلیم کننده وی بنشود و یکی از آن دوازده بود. کامل دادم؟ » ۲۴ بحسب ظاهرداوری مکنید بلکه به راستی داوری نمایید. » ۲۵ پس بعضی از اهل اورشلیم گفتند: «آیا این آن نیست ۷ و بعد از آن عیسی در جلیل می گشت زیرانمی خواست در پیهودیه راه رود چونکه پیهودیان قصد قتل او می داشتند. ۲ و عیل پیهود که عید خیمه ها باشد نزدیک بود. ۳ پس برادرانش بدو گفتند: «از اینجا روانه شده، به پیهودیه برو تاشاگردان نزد آن اعمالی را که تو می کنی بینند، ۴ زیرا هر که می خواهد آشکار شود در پنهانی کارنمی کند. پس اگر این کارها را می کنی خود را به جهان بنمای. » ۵ زیرا که برادرانش نزد به او ایمان نیاورده بودند. ۶ آنگاه عیسی بدیشان گفت: «وقت من هنوز نرسیده، اما وقت شما همیشه حاضر است. ۷ جهان نمی تواند شما را دشمن دارد و لیکن مرا دشمن می دارد زیرا که من بر آن شهادت می دهم که اعمالش بد است. ۸ شما برای این عید بروید. من حال به این عید نمی آیم زیرا که وقت من هنوز تمام نشده است. » ۹ چون این را بشخص می نماید، خواهد نمود؟ » ۱۰ لیکن چون برادرانش بدیشان گفت، در جلیل توقف نمود. اما خلق درباره اوین همه مه می کنند، فریسان شنیدند که برای عید رفته بودند، او نیز آمد، نه آشکار بلکه در خفا. ۱۱ اما فرستادند تا او را بگیرند. ۱۲ آنگاه عیسی گفت: «اندک زمانی

دیگر با شما هستم، بعد نزد فرستنده خود می‌روم. ۳۴ و مرا طلب و این را از روی امتحان بدو گفتند تا ادعایی بر او پیدا کنند. اما خواهید کرد نخواهید یافت و آنچنانی که من هستم شمانی توانید عیسی سر به زیر افکنده، به انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت. ۳۵ پس یهودیان با یکدیگر گفتند: «او کجا می‌خواهد برود ۷ و چون در سوال کردن الحاج می‌نمودند، راست شده، بدیشان که ما او رانمی‌یابیم؟ آیا اراده دارد به سوی پراکنده‌گان یونانیان رود گفت: «هرکه از شما گاه ندارد اول بر او سنگ آندازد.» ۸ و باز و یونانیان را تعلیم دهد؟ ۳۶ این چه کلامی است که گفت مرا سر به زیر افکنده، بزمی‌نمی‌نوشت. ۹ پس چون شنیدند، از طلب خواهید کرد و نخواهید یافت و جایی که من هستم شمانی ضمیر خود ملزم شده، از مشایع شروع کرده تا آخر، یک یک توانید آمد؟» ۳۷ و در روز آخر که روز بزرگ عید بود، عیسی بیرون رفند و عیسی تها باقی ماند با آن زن که در میان ایستاده ایستاده، ندا کرد و گفت: «هرکه تشنه باشدند من آید و بنوشد. بود. ۱۰ پس عیسی چون راست شد و غیر از زن کسی را ندید، کسی که به من ایمان آورد، چنانکه کتاب می‌گوید، از بطن او بدو گفت: «ای زن آن مدعیان تو کجا شدند؟ آیا هیچ‌کس بر تو نپرهای آب زنده جاری خواهد شد.» ۱۱ اما این را گفت درباره فتو نداد؟» ۱۲ گفت: «هیچ‌کس ای آقا.» عیسی گفت: «من روح که هرکه به او ایمان آرد او را خواهید یافت زیرا که روح القدس هم بر تو فتو نمی‌دهم. برو دیگر گناه مکن.» ۱۳ پس عیسی باز هنوز عطا نشده بود، چونکه عیسی تا به حال جلال نیافرته بود. بدیشان خطاب کرده، گفت: «من نور عالم هستم. کسی که مرا ۱۴ آنگاه بسیاری از آن گروه، چون این کلام راشنیدند، گفتند: متابعت کند، درظلتم سالک نشود بلکه نور حیات را یابد.» ۱۵ در حقیقت این شخص همان نبی است.» ۱۶ و بعضی گفتند: آنگاه فریسان بدو گفتند: «تو بر خود شهادت می‌دهی، پس «او مسیح است.» و بعضی گفتند: «مگر مسیح از جلیل خواهد شهادت تو راست نیست.» ۱۷ عیسی در جواب ایشان گفت: «آمد؟ ۱۸ آیا کتاب نگفته است که از نسل داود و از بیت لحم، «هرچند من برخود شهادت می‌دهم، شهادت من راست است زیرا دهی که داود در آن بود، مسیح ظاهر خواهد شد؟» ۱۹ پس درباره که می‌دانم از کجا آدمده و به کجا خواهم رفت، لیکن شما نمی‌او در میان مردم اختلاف افتاد. ۲۰ و بعضی از ایشان خواستند او دانید از کجا آدمده و به کجامی روم. ۲۱ شما بحسب جسم را بگیرند و لکن هیچ‌کس بر او دست نیداخت. ۲۲ پس خادمان حکم می‌کنید امامن بر هیچ‌کس حکم نمی‌کنم. ۲۳ و اگر نزد روسای کبکه و فریسان آمدند. آنها بدیشان گفتند: «برای چه من حکم دهم، حکم من راست است، از آترو که تنها نیستم او رانیاوردید؟» ۲۴ خادمان در جواب گفتند: «هرگزکسی مثل این بلکه من و پدری که مرا فرستاد. ۲۵ و نیز درشیعت شما مکتوب شخص سخن نگفته است!» ۲۶ آنگاه فریسان در جواب ایشان است که شهادت دو کس حق است. ۲۷ من بر خود شهادت گفتند: «ایاشما نیز گمراه شده‌اید؟» ۲۸ مگر کسی از سرداران یا از می‌دهم و پدری که مرا فرستاد نیز برای من شهادت می‌دهد. ۲۹ فریسان به او ایمان آورده است؟ ۲۹ و لیکن این گروه که شریعت را بدو گفتند: «پدر تو کجا است؟» عیسی جواب داد که «نه نمی‌دانند، ملعون می‌باشند.» ۳۰ نیقدیموس، آنکه در شب نزد مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. هرگاه مرامی شناختید پدر مرا نیز اوامده و یکی از ایشان بود بدیشان گفت: «ایاشریعت ما بر می‌شنناختید.» ۳۱ و این کلام را عیسی در بیت‌المال گفت، وقتی کسی فتوی می‌دهد، جز آنکه اول سخن او را بشنوند و کار او که در هیکل تعلیم می‌داد و هیچ‌کس او را نگرفت بجهت آنکه را دریافت کنند؟» ۳۲ ایشان در جواب وی گفتند: «مگر تو ساعت او هنوز نرسیده بود. ۳۳ باز عیسی بدیشان گفت: «من نیز جلیلی هستی؟ تفحص کن و بین زیرا که هیچ‌نی از جلیل می‌روم و مرا طلب خواهید کرد و در گناهان خود خواهید مرد جایی بر نیخاسته است.» پس هر یک به خانه خود رفند.

۳۴ اما عیسی به کوه زیتون رفت. ۳۵ و بامدادان باز به هیکل آمد و چون جمیع قوم نزد او آمدند نشسته، ایشان را تعلیم می‌داد. ۳۶ که ناگاه کاتبان و فریسان زنی را که در زنا گرفته شده بود، پیش او آوردند و او را در میان بربا داشته، ۳۷ بدروگفتند: «ای استاد، این زن در عین عمل زنا گرفته شد؛ ۳۸ و موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنتگسار شوند. اما تو چه می‌گویی؟» ۳۹

شما بگوییم و حکم کنم؛ لکن آنکه مرا فرستاد حق است و من ماخوب نگفتم که تو سامری هستی و دیو داری؟» ۴۹ عیسی آنچه از او شنیده‌ام به جهان می‌گویم.» ۲۷ ایشان نفهمیدند که جواب داد که «من دیو ندارم، لکن پدرخود را حرمت می‌دارم و بدیشان درباره پدر سخن می‌گوید. ۲۸ عیسی بدیشان گفت: شما مرا بی‌حرمت می‌سازید. ۵۰ من جلال خود را طالب نیستم، «وقی که پسر انسان را بلند کردید، آن وقت خواهید دانست که کسی هست که می‌طلبید و داوری می‌کند. ۵۱ آمین آمین به شما من هستم و از خود کاری نمی‌کنم بلکه به آنچه پدرم مرا تعليم می‌گوییم، اگر کسی کلام مرا حفظکند، موت را تا به ابد نخواهد داد تکلم می‌کنم. ۲۹ و او که مرا فرستاد، با من است و پدر مرا دید.» ۵۲ پس یهودیان بدو گفتند: «الآن دانستیم تنها نگذارده است زیرا که من همیشه کارهای پسندیده او را بجا که دیو داری! ابراهیم و انبیا مردند و تو می‌گویی اگر کسی کلام می‌آورم.» ۳۰ چون این را گفت، بسیاری بدو ایمان آوردند. ۳۱ مرا حفظ کرد، موت را تا به ابد نخواهد چشید (aiōn g165) ۵۳ پس عیسی به یهودیانی که بدو ایمان آوردند گفت: «اگر شما در آیا تو از پدر ما ابراهیم که مرد و انبیایی که مردند بزرگر هستی؟ کلام من بعماقیله حقیقه شاگرد من خواهید شد، ۳۲ و حق خود را که می‌دانی؟» ۵۴ عیسی در جواب داد: «اگر خود را را خواهید شناخت و حق شما را آزاد خواهد کرد.» ۳۳ بدو جواب جلال دهم، جلال من چیزی نباشد. پدر من آن است که مرا دادند که «اولاد ابراهیم می‌باشم و هرگز هیچ کس را غلام نبوده‌ام. جلال می‌بخشد، آنکه شما می‌گویند خدای ما است. ۵۵ و او را پس چگونه توانی گویی که آزاد خواهید شد؟» ۳۴ عیسی در جواب نمی‌شناشد، اما من او رامی شناسم و اگر گوییم او را نمی‌شناسم ایشان گفت: «آمین آمین به شما می‌گوییم هر کجا می‌کند مثل شماره‌وغگو می‌باشم. لیکن او رامی شناسم و قول اورا نگاه غلام گذاه است. ۳۵ و غلام همیشه در خانه نمی‌ماند، اما پسر می‌دارم. ۵۶ پدر شما ابراهیم شادی کرد براینکه روز مرا بینند و همیشه می‌مانند.» (aiōn g165) ۳۶ پس اگر پسر شما را آزاد کرد، دید و شادمان گردید. ۵۷ یهودیان بدو گفتند: «هنوز پنجاه سال در حقیقت آزادخواهید بود. ۳۷ می‌دانم که اولاد ابراهیم هستید، نداری وابراهم را دیده‌ای؟» ۵۸ عیسی بدیشان گفت: «آمین آمین لیکن می‌خواهید مرا بکشید زیرا کلام من در شماجای ندارد. ۳۸ به شما می‌گوییم که پیش از آنکه ابراهیم پیدا شود من هستم.» من آنچه نزد پدر خود دیده‌ام می‌گوییم و شما آنچه نزد پدر خود ۵۹ آنگاه سنگهای‌پاشند تا او را سنگساز کنند. اما عیسی خود دیده ایدمی کنید.» ۳۹ در جواب او گفتند که «پدر ما ابراهیم رامخضی ساخت و از میان گذشته، از هیکل بیرون شد و همچنین است.» عیسی بدیشان گفت: «اگر اولاد ابراهیم می‌بودید، اعمال برفت.

ابراهیم را به جامی آوردید. ۴۰ ولیکن الان می‌خواهید مرا بکشیدو ۹ و وقی که می‌رفت کوری مادرزاد دید. ۲ و شاگردانش از او من شخصی هستم که با شما به راستی که از خداشیده‌ام تکلم سوال کرده، گفتند: «ای استاد گناه که کرد، این شخص یا می‌کنم. ابراهیم چنین نکرد. ۴۱ شما عامل پدر خود را بجا والدین او که کورزاییده شد؟» ۳ عیسی به ایشان گفت: «اگر خدا پدر شما می‌بود، این شخص کرد و نه پدر و مادرش، بلکه تا اعمال خدادار وی ظاهر شود. ۴ مادامی که روز است، مرا باید به کارهای فرستنده خود مشغول باشم. شب می‌آید که در آن هیچ کس نمی‌تواند کاری کند. ۵ مادامی که در جهان هستم، نور جهان». ۶ این را گفت و آب دهان بر زمین انداخته، از آب گل ساخت پدر خود را می‌خواهید به عمل آید. او از اول قاتل بود و در راستی ثابت نمی‌باشد، از آنچه که در او راستی نیست. هرگاه به سیلوحا (که به معنی مرسی است) بشوی.» پس رفته شست و بینا دروغ سخن می‌گوید، از ذات خودمی گوید زیرا دروغگو و پدر شده، برگشت. ۸ پس همسایه‌گان و کسانی که او را پیش از آن در حالت کوری دیده بودند، گفتند: «آیا این آن نیست که مراباور نمی‌کنید. ۶ کیست از شما که مرا به گناه ملزم سازد؟ پس اگر راست می‌گوییم، چرا مرا باورنمی کنید؟ ۴۷ کسی که از می‌نشست و گدایی می‌کرد؟» ۹ بعضی گفتند: «همان است.» خدا است، کلام خدا رامی شنود و از این سبب که راست می‌گوییم، ۱۰ بعضاً گفتند: «شباهت بودوارد.» او گفت: «من همان.» که از خدایستید.» ۴۸ پس یهودیان در جواب او گفتند: «آیا

داد: «شخصی که او را عیسی می‌گویند، گل ساخت ویر چشمان ابتدای عالم شنیده نشده است که کسی چشمان کور مادرزاد را من مالیه، به من گفت به حوض سیلوحا برو و بشوی. آنگاه رفم باز کرده باشد. **(aiōn g165)**» ۳۳ اگر این شخص از خدا نبودی، و شسته بیناگشتم. ۱۲ به وی گفتند: «آن شخص کجا است؟» هیچ کارنوانستی کرد. ۳۴ در جواب وی گفتند: «تو به کلی با گفت: «نمی دانم.» ۱۳ پس او را که پیشتر کور بود، نزد فریسیان گناه متولد شده‌ای. آیا تو ما را تعلیم می‌دهی؟» پس او را بیرون آوردند. ۱۴ و آن روزی که عیسی گل ساخته، چشمان او را راندند. ۳۵ عیسی چون شنید که او را بیرون کرده‌اند، وی را جسته باز کرد روز سبت بود. ۱۵ آنگاه فریسیان نیز از او سوال کردند گفت: «آیا تو به پسر خدا ایمان داری؟» ۳۶ او در جواب گفت: که «چگونه بیناشدی؟» بدیشان گفت: «گل به چشمها می‌من» ای آقا کیست تا به او ایمان آورم؟» ۳۷ عیسی بدل گفت: «تو گذارد. پس شستم و بینا شدم.» ۳۸ بعضی از فریسیان گفتند: نیز او رادیده‌ای و آنکه با تو تکلم می‌کند همان است. «آن شخص از جانب خدا نیست، زیرا که سبت را نگاه نمی‌گفت: «ای خداوند ایمان آوردم.» پس او را پرستش نمود. ۳۹ دارد.» دیگران گفتند: «چگونه شخص گناهکار می‌تواند این آنگاه عیسی گفت: «من در این جهان بجهت داروی آمد تا معجزات ظاهر سازد.» و در میان ایشان اختلاف افتد. ۴۰ باز کوران بینا و بینایان، کور شوند.» ۴۰ بعضی از فریسیان که با او بدان کور گفتند: «تو درباره او چه می‌گویی که چشمان تو را بینا بودند، چون این کلام را شنیدند گفتند: «آیا ما نیز کورهستیم؟» ساخت؟» ۴۱ گفت: «نمی‌است.» ۱۸ لیکن یهودیان سرگذشت او عیسی بدیشان گفت: «اگر کورهستی بودید گناهی نمی‌داشته‌ید را باور نکردند که کور بوده و بینا شده است، تا آنکه پدر و مادران و لکن الان می‌گوییدینا هستیم. پس گناه شما می‌ماند.

بینا شده را طلبیدند. ۱۹ و از ایشان سوال کرده، گفتند: «آیا این ۱۰ «آمن آمین به شما می‌گوییم هر که از دریه آغل گوسفند است پسر شما که می‌گویید کور متولد شده؟ پس چگونه الحال داخل نشود، بلکه از راه دیگر بالا رود، او دزد و راههن است. ۲۰ پدر و مادر او در جواب ایشان گفتند: بینا گشته است؟» و اما آنکه از در داخل شود، شبان گوسفندان است. ۳ ۲۱ لیکن الحال «می‌دانیم که این پسر ما است و کور متولد شده. چطور می‌بیند، نمی‌دانیم و نمی‌دانیم که چشمان او را باز نموده. او بالغ است از وی سوال کنید تا او حوال خود را بیان کند. ۲۲ پدر و مادر او چنین گفتند زیرا که از یهودیان می‌ترسیدند، از آنرو که یهودیان با خود عهد کرده بودند که هر که اعتراف کند که او مسیح است، از کنیسه بیرون‌نشود کنند. ۲۳ و از اینجهت والدین او گفتند: «او بالغ است از خودش پرسید.» ۲۴ پس آن شخص را که کور بود، باز خوانده، بدو گفتند: «خدا را تمجید کن. بازگفت: «آمن آمین به شما می‌گوییم که من در گوسفندان هستم. رانی شناسند.» ۶ و این مثل را عیسی برای ایشان آورد، اما ایشان نفهمیدند که چه چیز بدیشان می‌گوید. ۷ آنگاه عیسی بدیشان را که کور بود، باز خوانده، بدو گفتند: «خدا را تمجید کن. اگر گناهکار است نمی‌دانم. یک چیز می‌دانم که کوربود و الان بینا شده‌ام.» ۲۶ باز بدو گفتند: «با توجه کرد و چگونه چشمها تو را باز کرد؟» ۲۷ ایشان را جواب داد که «ان به شما گفتم. ۱۰ دزد نمی‌اید مگر آنکه بذد و بکشد و هلاک کند. من آمدم تا ایشان حیات یابند و آن را زیادتر حاصل کنند. ۱۱ «من شبان نیکو هستم. شبان نیکو جان خودرا در راه گوسفندان می‌نهد. ۱۲ هستی. ماشگرد موسی می‌یاشیم. ما می‌دانیم که خدا با موسی اما مزدوری که شبان نیست و گوسفندان از آن او نمی‌باشد، چون تکلم کرد. اما این شخص را نمی‌دانیم از کجا است.» ۲۹ آن مرد بیند که گرگ می‌اید، گوسفندان را گذاشته، فرار می‌کند و گرگ جواب داده، بدیشان گفت: «این عجب است که شما نمی‌دانید از کجا است و حال آنکه چشمها می‌باز کرد. ۳۰ و مزدور است و به فکر گوسفندان نیست. ۱۴ من شبان نیکو هستم و خاصان خود را می‌شناسم و خاصان من مرا می‌شناسند. ۱۵ خدا پرست باشد و اراده او را بهجا آرد، او رامی شنود. ۳۲ از

چنانکه پدر مرامی شناسد و من پدر را می‌شناسم و جان خود رادر دیگریاره خواستند او را بگیرند، اما از دستهای ایشان بیرون رفت.
راه گوسفندان می‌نهم. ۱۶ و مرا گوسفندان دیگر هست که از این ۴۰ و باز به آن طرف اردن، جایی که اول بحیی تعمید می‌داد،
آغل نیستند. باید آنها را نیز بیروم و آواز مرا خواهند شنید و یک گله رفت و در آنجا توقف نمود. ۴۱ و بسیاری نزد او آمده، گفتند که
و یک شبان خواهند شد. ۱۷ و از این سبب پدر مرا دوست می‌دارد بحیی هیچ معجزه ننمود و لکن هرچه بحیی درباره این شخص
که من جان خود را می‌نهم تا آن را باز گیرم. ۱۸ کسی آن را از من گفت راست است. ۴۲ پس بسیاری در آنجا به او ایمان آورند.

نمی‌گیرد، بلکه من خود آن را می‌نهم. قدرت دارم که آن را بنهم ۱۹ و شخصی ایاعازر نام، بیمار بود، از اهل بیت عینا که ده
وقدرت دارم آن را باز گیرم. این حکم را از پدرخود یافتم.» ۲۰ باز
مریم و خواهش مرتاپود. ۲ و مریم آن است که خداوند را به عطر،
بهسبب این کلام، در میان یهودیان اختلاف افتاد. ۲۱ و بسیاری از
ایشان گفتند که «دیدوارد و دیوانه است. برای چه بد و گوش
ایاعازر بیمار بود. ۳ پس خواهانش نزد او فرستاده، گفتند: «ای
می‌دهید؟» ۲۲ دیگران گفتند که «این سختن دیوانه نیست.
آیا دیو می‌تواند چشم کوران را بازکند؟» ۲۳ پس در اورشلیم،
عبد تجدید شد و زمستان بود. ۲۴ و عیسی در هیکل، در رواق
سلیمان می‌خرامید. ۲۵ پس یهودیان دور او را گرفته، بد و گفتند:
«تا کی ما را متعدد داری؟ اگر تو مسیح هستی، آشکارا به ما
بگو.» ۲۶ عیسی بدیشان جواب داد: «من به شما گفتم و ایمان
نیارددید. اعمالی را که به اسم پدر خود به جا می‌آورم، آنها را از من
شهادت می‌دهد. ۲۷ لیکن شما ایمان نمی‌آورید زیرا از گوسفندان
من نیستید، چنانکه به شما گفتم.» ۲۸ گوسفندان من آواز مرا
می‌شنوندو من آنها را می‌شناسم و مرا متابعت می‌کنند. و من
به آنها حیات جاودانی می‌دهم و تا به ابد هلاک نخواهد شد
و هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. (aiōn g165,

aiōnios g166) ۲۹ پدری که به من داد از همه بزرگتر است و
کسی نمی‌تواند از دست پدر من بگیرد. ۳۰ من و پدر یک
هستیم. ۳۱ آنگاه یهودیان باز سنگها برداشتند تا او را سنگسار
کنند. ۳۲ عیسی بدیشان جواب داد: «از جان پدر خود بسیار
کارهای نیک به شما نمودم. بهسبب کدامیک از آنها مرا سنگسار
می‌کنید؟» ۳۳ یهودیان در جواب گفتند: «بهسبب عمل نیک، تو
را سنگسار نمی‌کیم، بلکه بهسبب کفر، زیرا توانسان هستی و
خود را خدا می‌خوانی.» ۳۴ عیسی در جواب ایشان گفت:
«آیا در تورات شما نوشته نشده است که من گفتم شما خدایان
همشایر خود گفت: «ما نیز برویم تا با او بمریم». ۳۵ پس
چون عیسی آمد، یافت که چهار روز است در قبر می‌باشد. ۳۶ آیا کسی
و بیت عینا نزدیک اورشلم بود، فریب به بازندوه تیر پتاب.
۳۷ پس اگر آنایی را که کلام خدا بدیشان نازل شد،
خدایان خواند و ممکن نیست که کتاب محو گردد، آیا کسی
را که پدر تقدیس کرده، به جهان فرستاد، بد و می‌گویید کفر
می‌گویی، از آن سبب که گفتم پسر خدا هستم؟ پدرخود را به جا نمی‌آورم، به من ایمان می‌اورید. ۳۸ ولکن چنانچه
منع مرد. ۳۹ ولیکن الان نیز می‌دانم که هرچه از خدا طلب
کنی، خدا آن را به تو خواهد داد. ۴۰ عیسی بد و گفت: «پرادر
تا بدانید و یقین کنید که پدر در من است و من در او.» ۴۱ پس

تو خواهد برخاست.» ۲۴ مرتا به وی گفت: «می‌دانم که در ایشان را از کارهایی که عیسی کرده بود آگاه ساختند. ۴۷ پس قیامت روزی بازی‌پسین خواهد برخاست.» ۲۵ عیسی بدو گفت: روسای کنه و فریسان شورا نموده، گفتند: «چه کنیم زیرا که «من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرد، معجزات بسیاری نماید؟» ۴۸ اگر او را چنین واگذاریم، باشد، زنده گردد. ۲۶ و هر که زنده بود و به من ایمان آورد، تا به همه به ایمان آورد، تا به این رئیس کنهه ابد نخواهد مرد. آیا این را باور می‌کنی؟» ۴۹ یکی از ایشان، قیافا نام که در آن سال رئیس کنهه گفت: «بلی ای آقا، من ایمان دارم که توبی مسیح پسر خدا که بود، بدیشان گفت: «شمامیچ نمی‌دانید. ۵۰ و فکر نمی‌کنید در جهان آینده است.» ۲۸ و چون این را گفت، رفت و خواهر که بجهت مامفید است که یک شخص در راه قوم بمیرد و تمامی خودمریم را در پنهانی خوانده، گفت: «استاد آمده است و تو را طائفه هلاک نگردند.» ۵۱ و این را از خودنگفت بلکه چون در می‌خواند.» ۲۹ او چون این را بشنید، بزودی برخاسته، نزد او آن سال رئیس کنهه بود، نبوت کرد که می‌باشد عیسی در راه آن آمد. ۳۰ و عیسی هنوزوارد ده نشده بود، بلکه در جایی بود که طایفه بمیرد؛ ۵۲ و نه در راه آن طایفه تنها بلکه تا فرزندان خدا را مرتا او راملاتاک کرد. ۳۱ و یهودیانی که در خانه با او بودند او که متفرقند در یکی جمع کند. ۵۳ و از همان روز شورا کردند را تسلی می‌دادند، چون دیدند که مریم برخاسته، به تعجیل بیرون که او را بکشند. ۵۴ پس بعداز آن عیسی در میان بیهود آشکارا می‌رود، از عقب او آمده، گفتند: «به سر قبر می‌رود تا در آنجا گریه راه نمی‌رفت بلکه از آنجا روانه شد به موضوعی نزدیک بیابان به کنند.» ۳۲ و مریم چون بهمایی که عیسی بودرسید، او را دیده، بر شهری که افرایم نام داشت و با شاگردان خود در آنجا توفق نمود. قدمهای او افتاد و بدو گفت: «ای آقا که در اینجا می‌بودی،» ۵۵ و چون فصح بیهود نزدیک شد، بسیاری از بلکوات قبل از فصح برادر من نمی‌مرد.» ۳۳ عیسی چون او را گریان دید و یهودیان را به اورشلیم آمدند تا خود را طاهر سازند ۵۶ و در طلب عیسی هم که با او آمده بودند گریان یافت، در روح خودبشدت مکدر می‌بودند و در هیکل ایستاده، به یکدیگر می‌گفتند: ««چه گمان شده، مضطرب گشت.» ۳۴ و گفت: «او را کجا گذاهاد؟» به می‌برید. آیا برای عید نمی‌آید؟» ۵۷ اما روسای کنهه و فریسان او گفتند: «ای آقا بیا و بین.» ۳۶ آنگاه حکم کرده بودند که اگر کسی بداند که کجا است اطلاع دهد بیهودیان گفتند: «بنگوید چقدر او را دوست می‌داشت!» ۳۷ تا او را گفتارسازند.

بعضی از ایشان گفتند: «آیا این شخص که چشمان کور را باز ۱۲ پس شش روز قبل از عید فصح، عیسی به بیت عانيا کرد، نتوانست امر کند که این مرد نیز نمیرد؟» ۳۸ پس عیسی باز آمد، جایی که ایلعازر مرد را از مردگان برخیزانیده بود. ۲ و برای بشدت در خود مکدر شده، نزد قبرآمد و آن غارهای بود، سنگی بر او در آنجاشام حاضر کردند و مرتا خدمت می‌کرد و ایلعازر یکی سرش گذارد. ۳۹ عیسی گفت: «سنگ را بزداید.» مرتاخواهر از مجلسیان با او بود. ۳ آنگاه مریم رطی از عطر سنتل خالص میت بدو گفت: «ای آقا الان متعفن شده، زیرا که چهار روز گرانبها گرفته، پایهای عیسی را تلهین کرد و پایهای او را از موهای گذشته است.» ۴۰ عیسی به وی گفت: «آیا به تو نگفته اگر خودخشکانید، چنانکه خانه از بوی عطر پر شد.» ۴۱ پس سنگ را از ایمان بیاوری، جلال خدا را خواهی دید؟» ۴۲ آنگاه مریم رطی از شاگردان او یعنی یهودای اسخريوطی، پسر شمعون که تسليم کننده جایی که میت گذاشته شده بود براشتند. عیسی چشمان خود را وی بود، گفت: «برای چه این عطر به سیصد دیبار فروخته بالا انداخته، گفت: «ای پدر، تو را شکرمی کنم که سخن مرا شنیدی.» ۴۲ و من می‌دانستم که همیشه سخن مرا می‌شنوی؛ و لکن بجهت خاطر این گروه که حاضرند گفتم تا ایمان بیاوند که تو مرا فرستادی.» ۴۳ چون این را گفت، به آواریاند ندا کرد: «ای ایلعازر، بیرون بیا.» ۴۴ در حال آن مرد دست و پای به کفن بسته بیرون آمد و روی او به دستمالی پیچیده بود. عیسی بدیشان با شما نیستم.» ۴۵ پس جمعی کثیر از بیهود چون دانستند که گفت: «او را باز کنید و بگذارید بزود.» آنگاه بسیاری از عیسی در آنجا است آمدند نه برای عیسی و بس بلکه تا ایلعازر بیهودیان که با مریم آمده بودند، چون آنچه عیسی کرد دیدند، بلو را نیز که از مردگانش برخیزانیده بود بینند. ۴۶ آنگاه روسای ایمان آوردند. ۴۶ ولیکن بعضی از ایشان نزد فریسان رفتند و

کهنه شورا کردنده که ایلعازر را نیز بکشند. ۱۱ زیرا که بسیاری از موت که می‌باشد بمیرد. ۳۴ پس همه به او جواب دادند: «ما یهود به سبب او می‌رفتند و به عیسی ایمان می‌آوردند. ۱۲ فردانی از تورات شنیده‌ایم که مسیح تا به ابد باقی می‌ماند. پس چگونه روز چون گروه بسیاری که برای عید آمده بودند شنیدند که عیسی تو می‌گویی که پسر انسان باید بالا کشیده شود؟ کیست این به اورشلم می‌آید، ۱۳ شاخه‌های نخل را گرفته به استقبال اوریون پسر انسان؟» (aiōnios g165) ۳۵ آنگاه عیسی بدیشان گفت: آمدنند و ندا می‌کردنده هوشیاعنا مبارک بادپادشاه اسرائیل که به اسم «اندک زمانی نور با شمامست، خداوند می‌آید. ۱۴ و عیسی کره الاغی یافته، بر آن سوار شد راه بروید تا ظلمت شما را فرو نگیرد؛ و کسی که در تاریکی راه چنانکه مکتوب است ۱۵ که «ای دختر صهیون متبر، اینک می‌رود نمی‌داند به کجا می‌رود. ۳۶ مادامی که نور با شمامست به پادشاه تو سوار بر کره الاغی می‌آید. ۱۶ و شاگردانش اولاً این نور ایمان آورده تا پسران نوگردید.» عیسی چون این را گفت، چیزها رانهمیدند، لکن چون عیسی جلال یافت، آنگاه به مخاطر رفته خود را از ایشان مخفی ساخت. ۳۷ و با اینکه پیش روی آوردنده که این چیزها دریاره او مکتوب است و همچنان با او کرده ایشان چنین معجزات بسیار نموده بود، بدو ایمان نیاوردند. ۳۸ تا بودند. ۱۷ و گروهی که با او بودند شهادت دادند که ایلعازر را از کلامی که اشعیا نبی گفت به اتمام رسید: «ای خداوند کیست که قیرخوانده، او را از مردگان بrixiranیه است. ۱۸ و بجهت همین نیز خبر ما را باور کرد و بازی خداوند به که آشکار گردید؟» ۳۹ آن گروه او را استقبال کردند، زیرا شنیده بودند که آن معجزه را و از آنجهت نتواستند ایمان آورد، زیرا که اشعیا نبی گفت: ۴۰ نموده بود. ۱۹ پس فریسان به یکدیگر گفتند: «نمی‌بینید که «چشمان ایشان را کور کرد و دلهای ایشان را سخت ساخت تا به هیچ نفع نمی‌برید؟ اینک تمام عالم از بی او رفته‌اند!» ۲۰ و از چشمان خود نبینند و به دلهای خود نفهمند و بزنگردن تا ایشان را آن کسانی که در عید بجهت عبادت آمده بودند، بعضی یونانی شفا دهم.» ۴۱ این کلام راشعیا گفت وقی که جلال او را دید بودند. ۲۱ ایشان نزد فلیپس که از بیت صیدای جلیل بود آمدند و دریاره او تکلم کرد. ۴۲ لکن با وجود این، بسیاری از سرداران نیز سوال کرده، گفتند: «ای آقا می‌خواهیم عیسی را بینیم.» ۲۲ بدو ایمان آوردند، اما به سبب فریسان افقار نکردنده که می‌داند از فلیپس آمد و به اندریاس گفت و اندریاس و فلیپس به عیسی گفتند. کنیسه بیرون شوند. ۴۳ زیرا که جلال خلق را بیشتر از جلال خدا عیسی در جواب ایشان گفت: «ساعنی رسیده است که پسر دوست می‌داشتند. ۴۴ آنگاه عیسی ندا کرده، گفت: «اتکه به انسان جلال یابد. ۲۴ آمین آمین به شما می‌گویم اگر دانه گندم من ایمان آورد، نه به من بلکه به آنکه مرا فرستاده است، ایمان که در زمین می‌افتد نمیرد، تنها ماند لیکن اگر بیمید ثمر بسیار آورده است. ۴۵ و کسی که مرا دید فرستنده مرا دیده است. ۴۶ آورد. ۲۵ کسی که جان خود را دوست دارد آن را هلاک کند و من نوری در جهان آدم تا هر که به من ایمان آورد در ظلمت هر که در این جهان جان خود را دشمن دارد تا حیات جاودانی نماند. ۴۷ و اگر کسی کلام مرا شنید و ایمان نیاورد، من براو آن رانگاه خواهد داشت. (aiōnios g166) ۴۸ اگر کسی مرا داوری نمی‌کنم زیرا که نیامده‌ام تا جهان را داوری کنم بلکه تا خدمت کنند، مرا پیروی بکنند و جایی که من می‌باشم آنچه‌ایم جهان را نجات بخشم. ۴۸ هر که مرا حقیر شمارد و کلام مرا قبول من نیز خواهد بود؛ و هر که مرا خدمت کنند پرداز او را حرمت خواهد نکند، کسی هست که در حق او داوری کند، همان کلامی که داشت. ۴۹ ۲۷ الان جان من مضطرب است و چه بگویم؟ ای پدر گفتم در روز بازی‌سین بر او داوری خواهد کرد. ۵۰ آنرا که من مرا از این ساعت رستگار کن. لکن بجهت همین امر تا این از خود نگفتم، لکن پدری که مراجعت کند، به من فرمان داد که ساعت رسیده‌ام. ۵۱ ای پدر اسم خود را جلال بده! ناگاه چه بگویم و به چه چیز تکلم کنم. ۵۰ و می‌دانم که فرمان او صدایی از آسمان دررسید که جلال دادم و باز جلال خواهم داد. حیات جاودانی است. پس آنچه من می‌گویم چنانکه پدرینم گفته ۵۱ پس گروهی که حاضر بودند این را شنیده، گفتند: «رعد است، تکلم می‌کنم.» (aiōnios g166)

شد!» و دیگران گفتند: «فرشته‌ای با او تکلم کرد!» ۳۰ عیسی در ۱۳ و قبل از عید فصح، چون عیسی دانست که ساعت او جواب گفت: «این صدا از برای من نیامد، بلکه بجهت شما. رسیده است تا این جهان به جانب پدر برود، خاصان خود را که ۳۱ الحال داوری این جهان است و الان رئیس این جهان بیرون در این جهان محبت می‌نمود، ایشان را تا به آخر محبت نمود. ۳۲ افکنیده می‌شود. و من اگر از زمین بلند کرده شوم، همه را به و چون شام می‌خوردند و ابلیس پیش از آن در دل یهودا پسر شمعون سوی خود خواهم کشید.» ۳۳ و این را گفت کنایه از آن قسم

اسخربوطی نهاده بود که او را تسلیم کند، ۳ عیسی با اینکه ۲۶ عیسی جواب داد: «آن است که من لقمه را فرو برد، بدمومی می‌دانست که پدر همه‌چیز را بدست او داده است و از نزد خدا دهم.» پس لقمه را فرو برد، به پیهودی اسخربوطی پسر شمعون آمده و به جانب خدا می‌رود، ۴ از شام برخاست و جامه خود را داد. ۲۷ بعد از لقمه، شیطان در او داخل گشت. آنگاه عیسی بیرون کرد و دستمالی گرفته، به کمر پست. ۵ پس آب در لگن وی راگفت، «آنچه می‌کنی، به زودی بکن.» ۲۸ اما این سخن ریخته، شروع کرد به شستن پایهای شاگردان و خشکانیدن آنها با را احدي از مجلسیان نفهمید که برای چه بدو گفت. ۲۹ زیرا که دستمالی که بر کمر داشت. ۶ پس چون به شمعون پطرس رسید، بعضی گمان بردنده که چون خریطه نزد پیهودا بود، عیسی وی را او به وی گفت: «ای آقا تو پایهای مرا می‌شوی؟» ۷ عیسی در فرمود تاماً بحاج عید را بخرد یا آنکه چیزی به قفرا بدهد. ۳۰ پس جواب وی گفت: «آنچه من می‌کنم الان تونمی دانی، لکن بعد اول لقمه را گرفته، در ساعت بیرون رفت و شب بود. ۳۱ چون خواهی فرمید.» ۸ پطرس به او گفت: «پایهای مرا هرگز نخواهی بیرون رفت عیسی گفت: «الان پسر انسان جلال یافت و خدا او شست.» عیسی او را جواب داد: «اگر تو را نشویم تو را با من او جلال یافت. ۳۲ و اگر خدا در او جلال یافت، هر آینه خدا او نصیبی نیست.» (aiōn g165)

۹ شمعون پطرس بدو گفت: را در خود جلال خواهد داد و به زودی اورا جلال خواهد داد. ۳۳ «ای آقا نه پایهای مرا و بس، بلکه دستها و سر مرا نبز.» ۱۰ ای فرزندان، اندک زمانی دیگر با شما هستم و مرا طلب خواهید عیسی بدو گفت: «کسی که غسل یافت محتاج نیست مگر به کرد؛ و همچنان که به پیهود گفتم جایی که می‌روم شمامتی توانید شستن پایها، بلکه تمام او پاک است. و شما پاک هستید لکن نه آمد، الان نبز به شما می‌گویم. ۳۴ به شما حکمی تازه می‌دهم همه.» ۱۱ زیرا که تسلیم کننده خود را می‌دانست و از این جهت که یکدیگر را محبت نمایید، چنانکه من شما را محبت نمودم گفت: «همگی شما پاک نیستید.» ۱۲ و چون پایهای ایشان تا شمامتی یکدیگر را محبت نمایید. ۲۵ به همین همه خواهند را شست، رخت خودرا گرفته، باز پنشست و بدیشان گفت: فهمید که شاگرد من هستید اگر محبت یکدیگر را داشته باشید.» آیا فهمیدید آنچه به شما کردم؟ ۱۳ شما مرا استاد و آقا می‌خوانید ۳۶ شمعون پطرس به وی گفت: «ای آقا کجا می‌روی؟» عیسی و خوب می‌گویید زیرا که چنین هستم. ۱۴ پس اگر من که آقا و جواب داد: «جایی که می‌روم، الان نمی‌توانی از عقب من بیایی معلم هستم، پایهای شما را شستم، بر شما نبز واجب است که و لکن در آخر از عقب من خواهی آمد.» ۳۷ پطرس بدو گفت: پایهای یکدیگر را بشوید. ۱۵ زیرا به شما نمونه‌ای دادم تا چنانکه «ای آقا برای چه الان توانم از عقب تو بیایم؟ جان خود را در راه من با شما کردم، شما نبز بکنید. ۱۶ آمین آمین به شما می‌گویم تو خواهمن نهاد.» ۳۸ عیسی به او جواب داد: «آیا جان خود رادر غلام بزرگتر از آقای خودگیست و نه رسول از فرستنده خود.» ۱۷ راه من می‌نهی؟ آمین آمین به تو می‌گویم تا سه مرتبه مرا انکار هرگاه این را دانستید، خوشحال شما اگر آن را به عمل آرید. ۱۸ نکرده باشی، خرسوس بانگ نخواهد زد.

دریاره جمیع شما نمی‌گوییم؛ من آنای راکه برگزیده‌ام می‌شناسم، ۱۹ «دل شما مضطرب نشود! به خدا ایمان آورید به من نبز لیکن تا کتاب تمام شود» آنکه با من نان می‌خورد، پاشنه خود را بر ایمان آورید. ۲ در خانه پدر من منزل بسیار است والا به شما من بلندکرده است.» ۲۰ الان قبل از وقوع به شما می‌گوییم تا می‌گفتم. می‌روم تا برای شما مکانی حاضر کنم، ۳ و اگربروم و از زمانی که واقع شود باور کنید که من هستم. ۲۱ آمین آمین به شما می‌گوییم هر که قبول کنند کسی را که می‌فرستم، مرا قبول کرده؛ و آنکه مرا قبول کنند، فرستنده مرا قبول کرده باشد.» ۲۱ چون عیسی این را گفت، در روح مضطرب گشت و شهادت داده، نمی‌دانیم کجا می‌روی. پس چگونه راه را توانیم دانست؟» ۶ گفت: «آمین آمین به شمامی گوییم که یکی از شما مرا تسلیم خواهد کرد.» ۲۲ پس شاگردان به یکدیگر نگاه می‌کردند و حیران پدر جز به وسیله من نمی‌آید. ۷ اگر ما می‌شناختیم، پدر مرانیز می‌بودند که این را دریاره که می‌گوید. ۲۳ و یکی از شاگردان او بود که به سینه عیسی تکیه می‌زد و عیسی او را محبت می‌نمود. ۲۴ فیلیپس به وی گفت: «ای آقا پدر را به ما نشان ده که ما را کافی است.» ۹ عیسی بدو گفت: «ای فیلیپس در این مدت با شما پس او در آغوش عیسی افتاده، بدو گفت: «خداآندا کدام است؟»

بوده‌ام، آیا مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دید، پدر را دیده است. خوشحال می‌گشتید که گفتم نزد پدر می‌روم، زیرا که پدر بزرگتر از پس چگونه تو می‌گویند پدر را به ما نشان ۵۵ آیا باور نمی‌من است. ۲۹ و الان قبل از وقوع به شما گفتم تا وقتی که واقع کنی که من در پدر هستم و پدر در من است؟ سخنهایی که من به گردد ایمان آورید. ۳۰ بعد از این بسیار با شما نخواهم گفت، شما می‌گوییم از خود نمی‌گوییم، لکن پدری که در من ساکن زیرا که رئیس این جهان می‌آید و در من چیزی ندارد. ۳۱ لیکن است، او این اعمال را می‌کند. ۱۱ مرا تصدیق کنید که من تاجهان بداند که پدر را محبت می‌نمایم، چنانکه پدر به من حکم در پدر هستم و پدر در من است، والا مرا به سبب آن اعمال کرد همانطور می‌کنم. برخیزید ازینجا برویم.

تصدیق کنید. ۱۲ آمین آمین به شمامی گوییم هر که به من ایمان

آرد، کارهایی را که من می‌کنم او نیز خواهد کرد و بزرگتر از اینها نیز خواهد کرد، زیرا که من نزد پدر می‌روم. ۱۳ «و هر چیزی را که به اسم من سوال کنید به‌جا خواهیم آورد تا پدر در پسر جلال یابد.

۱۴ اگرچیزی به اسم من طلب کنید من آن را به‌جا خواهیم آورد. ۱۵ اگر مرا دوست دارید، احکام مرا نگاه دارید. ۱۶ و من از پدر

سوال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه باشما بماند، ۱۷ یعنی روح راستی که

جهان نمی‌تواند او را قبول کند زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد و اما شما او را می‌شناسید، زیرا که باشما می‌ماند و در

شما خواهد بود. ۱۸ «شما را یتیم نمی‌گذارم نزد شما می‌آم». ۱۹ بعد از اندک زمانی جهان دیگر مرا نمی‌بیند و اما شما مرا

می‌بینید و از این جهت که من زنده‌ام، شما هم خواهید زیست. ۲۰ و در آن روز شما خواهید دانست که من در پدر هستم و شما

در من و من در شما. ۲۱ هر که احکام مرا دارد و آنها را حفظ کند، آن است که مرا محبت می‌نماید؛ و آنکه مرا محبت می‌نماید، پدر

من او را محبت خواهد نمود و من او را محبت خواهیم نمود و خود را به او ظاهر خواهیم ساخت.» ۲۲ یهودا، نه آن اسخريوطی، به وی گفت: «ای آقا چگونه می‌خواهی خود را بمنایی و نه بر

جهان؟» ۲۳ عیسی در جواب او گفت: «اگر کسی مرا محبت نماید، کلام مرا نگاه خواهد داشت و پدرم او را محبت خواهد

نمود و به سوی او آمده، نزد وی مسکن خواهیم گرفت. ۲۴ و آنکه مرا محبت ننماید، کلام مرا حفظ نمی‌کند؛ و کلامی که می‌شوند از من نیست بلکه از پدری است که مرا فرستاد.

۲۵ این سخنان را به شما گفتم و قی که باشما بودم. لیکن تسلی دهنده یعنی روح القدس که پدر او را به اسم من می‌فرستد،

هرچه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا خواهد کند. ۱۷ به این او همه‌چیز را به شما تعلیم خواهد داد و آنچه به شما گفتم به

یاد شما خواهد آورد. ۲۷ سلامتی برای شما می‌گذارم، سلامتی خود را به شمامی دهم. نه چنانکه جهان می‌دهد، من به شمامی داشته است. ۱۹ اگر از جهان می‌بودید، جهان خاصان خود را

دوست می‌داشت. لکن چونکه از جهان نیستید بلکه من شما را ز شما گفتم می‌روم و نزد شمامی آیم. اگر مرا محبت می‌نمودید،

یوحننا

جهان برگزیده‌ام، از این سبب جهان با شما دشمنی می‌کند. ۲۰ من است خواهد گرفت و به شما خبرخواهد داد. ۱۵ هرچه از آن به خاطر آزید کلامی را که به شما گفتم: غلام بزرگ‌تر آقای خود پدر است، از آن من است. از این جهت گفتم که از آنچه آن من نیست. اگر مرا زحمت دادن، شما را نیز زحمت خواهند داد، اگر است، می‌گیرد و به شما خبرخواهد داد. ۱۶ «بعد از اندکی کلام مرا نگاه داشتند، کلام شما را هم نگاه خواهند داشت. ۲۱ مرانخواهید دید و بعد از اندکی باز مرا خواهید دیدزیرا که نزد پدر لکن بجهت اسم من جمیع این کارها را به شما خواهندکرد زیرا می‌روم.» ۱۷ آنگاه بعضی از شاگردانش به یکدیگر گفتند: «جه که فرستنده مرا نمی‌شناسند. ۲۲ اگر کیامده بودم و به ایشان تکلم چیز است اینکه به ما می‌گوید که اندکی مرا نخواهید دید و بعد نکرده، گاه نمی‌داشتند؛ و اما الان عنزی برای گاه خودندازند. از اندکی باز مرا خواهید دید و زیرا که نزد پدر می‌روم؟!» ۱۸ پس هرکه مرا دشمن دارد پدر مرا نیز دشمن دارد. ۲۴ و اگر در گفتند: «جه چیز است این اندکی که می‌گوید؟ نمی‌دانم چه میان ایشان کارهای نکرده بودم که غیر از من کسی هرگز نکرده می‌گوید.» ۱۹ عیسی چون دانست که می‌خواهند از او سوال بود، گاه نمی‌داشتند. ولیکن اکنون دیدند و دشمن داشتند مرا و کنند، بدیشان گفت: «آیا در میان خود از این سوال می‌کنید پدر مرا نیز. ۲۵ بلکه تا تمام شود کلامی که در شریعت ایشان که گفتم اندکی دیگر مرا نخواهید دید پس بعد از اندکی باز مرا مکتوب است که «مرابی سبب دشمن داشتند.» ۲۶ ولیکن چون خواهید دید. ۲۰ آمین آمین به شما می‌گوییم که شما گزی و زاری تسلی دهنده که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم آید، یعنی خواهید کرد و جهان شادی خواهد نمود. شما محزون می‌شوید روح راستی که از پدر صادر می‌گردد، او بر من شهادت خواهد لکن حزن شما به خوشی مبدل خواهد شد. ۲۱ زن در حین داد. ۲۷ و شما نیز شهادت خواهید داد زیرا که از ابتدا با من زایدین محروم می‌شود، زیرا که ساعت او رسیده است. و لیکن چون طفل را زاید، آن زحمت را دیدگر یاد نمی‌آورد به سبب خوشی بوده‌اید.

۱۶ این را به شما گفتم تالغوش نخورید. ۲ شما را از کنایی بیرون خواهند نمود؛ بلکه ساعتی می‌آید که هرکه شما را بکشد، گمان برد که خدا را خدمت می‌کند. ۳ و این کارهارا با شما خواهد گشت و هیچ‌کس آن خوشی را از شما نخواهد گرفت. ۲۲ و در آن روز چیزی از من سوال نخواهید کرد. آمین آمین به شما می‌گوییم که هر آنچه از پدر به اسم من طلب کنید به شما عطا خواهد کرد. ۲۴ تا کنون به اسم من چیزی طلب نکردید، بطلبید تا بیاید و خوشی شما کامل گردد. ۲۵ این چیزها را به مثلاً به شما گفتمن، لکن ساعتی می‌آید که دیگر به مثلاً به شما حرف نمی‌زنم بلکه از پدر به شما آشکارا خبرخواهم داد. ۲۶ «در آن روز به اسم من طلب خواهید کرد و به شما نمی‌گوییم که من بجهت شما از پدر سوال می‌کنم، ۲۷ زیرا خود پدر شما را دوست می‌دارد، چونکه شما مرا دوست داشتید و ایمان آورده‌ید که من از نزد خدا بیرون آمدم. ۲۸ از نزد پدر بیرون آمدم و در جهان وارد شدم، و باز جهان را گذارد، نزد پدر می‌روم.» ۲۹ شاگردانش بدو گفتند: «هان اکنون عالایه سخن می‌گویند و هیچ‌چیز مثل نمی‌گویی. ۳۰ این دانستیم که همه‌چیز رامی دانی و لازم نیست که کسی از تو پرسید. بدین جهت باور می‌کیم که از خدا بیرون آمدی.» ۳۱ عیسی به ایشان جواب داد: «آیا الان باورمی کنید؟ ۳۲ اینک ساختی می‌آید بلکه الان آمده است که متفرق خواهید شد هریکی بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبرخواهدداد. ۳۳ او مرا جلال خواهد داد زیرا که از آنچه آن که پدر با من است.

سلامتی داشته باشید. در جهان برای شما زحمت خواهد شد. و آنها نیز که به وسیله کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد. ۲۱ تا
لکن خاطرجمع دارید زیرا که من بر جهان غالب شده‌ام.»

۱۷ عیسی چون این را گفت، چشمان خودرا به طرف آسمان بلند کرده، گفت: «ای پدر ساعت رسیده است. پسر خود را

جلال بدۀ تاپسرت نیز تو را جلال دهد. ۲ همچنان که او را بره بشري قدرت داده‌ای تا هرچه بدو داده‌ای به آنها حیات جاودانی

بخشد. (aiōnios g166) ۳ و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسید.

(aiōnios g166) ۴ من بر روی زمین تو را جلال دادم و کاری را که به من سپردی تابکم، به کمال رسانیدم. ۵ و الان توای پدر ما

نرخود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفینش جهان نزد تو داشتم. ۶ «اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا

کردی ظاهر ساختم. از آن تو بودند و ایشان را به من دادی و کلام تو را نگاه داشتند. ۷ و الان دانستند آنچه به من داده‌ای از نزد تو

نمودی. ۸ ای پدر عادل، جهان تو را نشناخت، اما من تو راشناختم؛ و اینها شناخته‌اند که تو مرا فرستادی. ۹ و اسم تو را

به ایشان شناسانیدم و خواهم شناسانید تا آن محبتی که به من نموده‌ای در ایشان باشد و من نیز در ایشان باشم.»

نمودی. ۱۰ زیرا کلامی را که به من سپردی، بدیشان سپردم و وادی قدرون رفت و در آنجا باعی بود که با شاگردان خود به

ایشان قبول کردند و از روی یقین دانستند که از نزد تو بیرون آمد و آن درآمد. ۱۱ و یهودا که تسليم کننده وی بود، آن موضوع را

ایمان آورده که تو مرافستادی. ۱۲ من بجهت اینها سوال می‌کنم می‌دانست، چونکه عیسی در آنجا با شاگردان خود بارها انجمن

و برای جهان سوال نمی‌کنم، بلکه از برای کسانی که به من می‌نمود. ۱۳ پس یهودا لشکریان و خادمان از نزد روسای کهنه و

داده‌ای، زیرا که از آن تو می‌باشند. ۱۴ و آنچه از آن من است از فریسان برداشته، با چراغها و مشعلها و اسلحه به آنجا آمد. ۱۵

آن تو است و آنچه از آن تو است از آن من است و در آنها جلال آنگاه عیسی با اینکه آگاه بود از آنچه می‌باشد بر اوقاع شود،

یافته‌ام. ۱۶ بعد از این در جهان نیستم اما اینها در جهان هستند بیرون آمده، به ایشان گفت: «که رامی طلبید؟» ۱۷ به او جواب

و من نزد تو می‌آمیم. ای پدر قدوس اینها را که به من داده‌ای، به دادند: «عیسی ناصری را!» عیسی بدیشان گفت: «من هستم!»

اسم خود نگاه دار تا یکی باشند چنانکه ما هستیم. ۱۸ مادامی که و یهودا که تسليم کننده او بود نیز با ایشان ایستاده بود. ۱۹ پس

با ایشان در جهان بودم، من ایشان را به اسم تو نگاه داشتم، چون بدیشان گفت: «من هستم، بر گشته، بر زمین افتادند. ۲۰

و هر کس را که به من داده‌ای حفظ نمودم که یکی از ایشان او باز از ایشان سوال کرد: «که رامی طلبید؟» ۲۱ گفتند: «عیسی

هلاک نشد، مگر پسر هلاکت تا کتاب تمام شود. ۲۲ و اما الان ناصری را!» ۲۳ عیسی جواب داد: «به شما گفتم من هستم. پس

نزد تو می‌آیم. و این را در جهان می‌گویم تا خوشی مرا در خود اگر مرامی خواهید، اینها را بگذارید بروند.» ۲۴ تا آن سخنی که

کمال داشته باشند. ۲۵ من کلام تو را به ایشان را از جهان به غلام رئیس کهنه که ملوک نام داشت زده، گوش راستش را

ببری، بلکه تا ایشان را از شریونگاه داری. ۲۶ ایشان از جهان بزید. ۲۷ عیسی به پطرس گفت: «شمشیر خود را غلاف کن. آیا

نیستند چنانکه من از جهان نمی‌باشم. ۲۸ همچنان که مرا در سرتیبان و خادمان یهود، عیسی را گرفته، او را بستند. ۲۹ و اول او

خود تقدیس نما. کلام تو راستی است. ۳۰ همچنان که در جهان فرستادم. ۳۱ و بجهت را نزد حنا، پدر زن قیافا که در همان سال رئیس کهنه بود، آورده‌اند.

ایشان من خود را تقدیس می‌کنم تا ایشان نیز در راستی، تقدیس ۳۲ و قیافا همان بود که به یهود اشاره کرده بود که «بهتر است

کرده شوند. ۳۳ و نه برای اینها فقط سوال می‌کنم، بلکه برای یک شخص در راه قوم بمیرد.» ۳۴ اما شمعون پطرس و شاگردی

دیگر از عقب عیسی روانه شدند، و چون آن شاگرد نزد رئیس کهنه «پادشاهی من از این جهان معروف بود، با عیسی داخل خانه رئیس کهنه شد. ۱۶ اما پطرس می بود، خدام من جنگ می کردند تا به یهود تسليم نشون. لیکن بیرون در ایستاده بود. پس آن شاگرد دیگر که آشناز رئیس کهنه اکون پادشاهی من از این جهان نیست.»^{۳۷} پیلاطس به او بود، بیرون آمده، با دریان گفتگو کرد و پطرس را به اندرون برد. گفت: «مگر تو پادشاه هستی؟» عیسی جواب داد: «تو می گویی آنگاه آن کهیزی که دریان بود، به پطرس گفت: «آیا تو نیز از که من پادشاه هستم. از این جهت من متولد شدم و بجهت این شاگردان این شخص نیستی؟» گفت: «نیستم.» ۱۸ و غلامان و در جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم، و هر که از راستی است خدام آتش افروخته، ایستاده بودند و خود را گرم می کردند چونکه سخن مرا می شود.»^{۳۸} پیلاطس به او گفت: «راستی چیست؟» هوا سرد بود؛ و پطرس نیز با ایشان خود را گرم می کرد. ۱۹ پس و چون این را بگفت، باز به نزد یهودیان بیرون شده، به ایشان رئیس کهنه از عیسی درباره شاگردان و تعلیم او پرسید. ۲۰ عیسی گفت: «من در این شخص هیچ عیسی نیافتم.» و قانون شما به او جواب داد که «من به جهان آشکارا سخن گفتهام. من هر این است که در عید فصح بجهت شما یک نفر آزاد کنم. پس آیا وقت در کیسه و در هیکل، جایی که همه یهودیان پیوسته جمع می خواهید بجهت شما پادشاه یهود را آزاد کنم؟»^{۴۰} باز همه می شدند، تعلم می دادم و در خفا چیزی نگفتهام. ۲۱ چرا از من فریاد برآورده، گفتند: «او را نی بلکه بربارا را.» ویرایا زد بود.

سوال می کنی؟ از کسانی که شنیده اند بیرون که چه چیز بدیشان **۱۹** پس پیلاطس عیسی را گرفته، تازیانه زد. ۲ و لشکریان گفتم. ایک ایشان می دانند آنچه من گفتم.»^{۲۲} و چون این تاجی از خار بافتہ برسش گذارند و جامه ارغوانی بدلو پوشانیدند را گفت، یکی از خادمان که در آنجا ایستاده بود، طپانچه بر **۳** و می گفتند: «سلامای پادشاه یهود!» و طپانچه بدومی زدن. عیسی زده، گفت: «آیا به رئیس کهنه چنین جواب می دهی؟»^۴ باز پیلاطس بیرون آمده، به ایشان گفت: «اینک او را نزد **۲۳** عیسی بدلو جواب داد: «اگر بد گفتم، به بدی شهادت **۵** شما بیرون آوردم تا بدانید که در او هیچ عیسی نیافتم.» ۵ آنگاه و اگر خوب، برای چه مرا می زنی؟»^{۲۴} پس حنا او را بسته، به نزد عیسی با تاجی از خار و لباس ارغوانی بیرون آمد. پیلاطس بدیشان قیافا رئیس کهنه فرستاد. **۲۵** و شمعون پطرس ایستاده، خود را گرم گفت: «اینک آن انسان.»^۶ و چون روسای کهنه و خدام او می کرد. بعضی بدلو گفتند: «آیا تو نیز از شاگردان او نیستی؟» او را دیدند، فریاد برآورده، گفتند: «صلبیش کن! صلبیش کن!»^۷ انکار کرده، گفت: «نیستم!»^{۲۶} پس یکی از غلامان رئیس پیلاطس بدیشان گفت: «شما او را گرفته، مصلوبش سازید زیرا که کهنه که از خویشان آن کس بود که پطرس گوشش را بربده بود،
گفت: «مگرمن تو را با او در باغ ندیدم؟»^{۲۷} پطرس باز انکار کرد که در حال خروس بانگ زد. **۲۸** بعد عیسی را از نزد قیافا به پسر خدا ساخته است.»^۸ پس چون پیلاطس این را شنید، خوف دیوانخانه آوردند و صبح بود و ایشان داخل دیوانخانه نشستند مبادا بر اوزیاده مستولی گشت. **۹** باز داخل دیوانخانه شده، به عیسی نجس بشوند بلکه تا صفح را بخورند. **۲۹** پس پیلاطس به نزد ایشان بیرون آمده، گفت: «تو از کجا؟» اما عیسی بدلو هیچ جواب نداد. **۱۰** پیلاطس بدلو گفت: «آیا به من سخن نمی گوینی؟ نمی دانی که در جواب او گفتند: «اگر او بدکار نمی بود، به تو تسليم نمی کردیم.»^{۳۱} پیلاطس بدیشان گفت: «شما اورا بگیرید و موافق شریعت خود بر او حکم نماید.» یهودیان به وی گفتند: «بر ما جایز نیست که کسی را بکشیم.»^{۳۲} تا قبول عیسی تمام گردد که گفته بود، اشاره به آن قسم موت که باید بمرید. **۳۳** پس پیلاطس را آزاد نماید، لیکن یهودیان فریاد برآورده، می گفتند که «اگر این باز داخل دیوانخانه شد و عیسی را طلبیده، به او گفت: «آیا تو شخص را رها کنی، دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه پادشاه یهود هستی؟»^{۳۴} عیسی به او جواب داد: «آیا تو این سازد، برخلاف قیصر سخن گوید.»^{۱۳} پس چون پیلاطس این را راز خود می گوینی یا دیگران درباره من به تو گفتند؟»^{۳۵} پیلاطس شنید، عیسی را بیرون آورد، بر مستند حکومت، در موضوعی که جواب داد: «مگر من یهود هستم؟ امت تو و روسای کهنه تو را به بالاط و به عبرانی جاتا گفته می شد، نشست. **۱۴** و وقت به من تسليم کردند. چه کرده ای؟»^{۳۶} عیسی جواب داد که

تهیه فصح و قریب به ساعت ششم بود. پس به یهودیان گفت: او را نشکستند. ۳۴ لکن یکی از لشکریان به پهلوی او نیزهای زد «اینک پادشاه شما». ۱۵ ایشان فریاد زدند: «او را بر دار، بر که در آن ساعت خون و آب بیرون آمد. و آن کسی که دید دار! صلیبیش کن!» پیلاطس به ایشان گفت: «آیا پادشاه شما شهادت داد و شهادت او راست است و اومی داند که راست را مصلوب کنم؟» روسای کهنه جواب دادند که «غیر از قیصر می گوید تا شما نیز ایمان آورید». ۳۶ زیرا که این واقع شد تا کتاب پادشاهی ندارم. ۱۶ آنگاه او را بدیشان تسليم کرد تا مصلوب تمام شود که می گوید: «استخوانی از او شکسته نخواهد شد.» ۳۷ پس عیسی را گرفته بردند و صلیب خودرا برداشته، و باز کتاب دیگر می گوید: «آن کسی راکه نیزه زدند خواهد شد.» پیلاطس رفت به موضعی که به جمجمه مسمی بود و به عبرانی آن نگریست. ۳۸ و بعد از این، یوسف که از اهل رامه و شاگرد بیرون رفت به موضعی که به جمجمه مسمی بود و به عبرانی آن نگریست. ۱۸ او را در آنجا صلیب نمودند و دو نفر عیسی بود، لیکن مخفی به سبب ترس بیرون، از پیلاطس خواهش دیگررا از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان. ۱۹ و پیلاطس کرد که جسد عیسی را بردارد. پیلاطس اذن داد. پس آمده، بدن تقصیرنامه‌ای نوشته، بر صلیب گذاشت؛ و نوشته این بود: «عیسی عیسی را برداشت.» ۲۰ و نیقدیموس نیز که اول در شب نزد عیسی ناصری پادشاه یهود. ۲۱ و این تقصیر نامه را بسیاری از یهود آمده بود، مر مخلوط با عود قریب به صدر طبل با خود آورد. ۴۰ خواندند، زیرا آن مکانی که عیسی را صلیب گردند، نزدیک شهرپو آنگاه بدن عیسی را بداشته، در کفن با حنوط به رسم تکفین و آن را به زبان عبرانی و یونانی و لاتینی نوشته بودند. ۲۱ پس یهود پیچیدند. ۴۱ و در موضعی که مصلوب شد باعی بود و روسای کهنه یهود به پیلاطس گفتند: «منویس پادشاه یهود، بلکه دریاغ، قبر تازه‌ای که هرگز هیچ کس در آن دفن نشده بود. ۴۲ که او گفت منم پادشاه یهود.» ۲۲ پیلاطس جواب داد: «آنچه پس به سبب تهیه یهود، عیسی را در آنجا گذاردند، چونکه آن قبر نوشتم، نوشتم.» ۲۳ پس لشکریان چون عیسی را صلیب گردند، نزدیک بود.

جامه‌های او برداشته، چهار قسمت گردند، هر سیاهی را یک ۲۰ بامدادان در اول هفته، وقتی که هنوز تاریک بود، مریم قسمت؛ و پیراهن را نیز، اما پیراهن دز نداشت، بلکه تمام از بالا مجلدیه به سر قبرآمدو دید که سنگ از قبر برداشته شده است. ۲ بافته شده بود. ۲۴ پس به یکدیگر گفتند: «این را پاره نکنیم، پس دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگرکه عیسی او را بلکه قرعه را آن بیندازیم تا از آن که شود.» تا تمام گدد کتاب دوست می داشت آمده، به ایشان گفت: «خداؤند را از قبر برداهند که می گوید: «در میان خود جامه‌های مرا تقسیم گردند و بر لیاس من قرعه افکنندن.» پس لشکریان چنین کردند. ۲۵ و پای دیگریون شده، به جانب قبر رفتند. ۴ و هر دو با هم می دویدند، صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش مریم زن، کلویا و مریم اما آن شاگرد دیگر از پطرس پیش افتاده، اول به قبر رسید، ۵ و مجلدیه ایستاده بودند. ۲۶ چون عیسی مادر خود را آن شاگردی خم شده، کفن را گذاشته دید، لیکن داخل نشد. ۶ بعد شمعون که دوست می داشت ایستاده دید، به مادر خود گفت: «ای زن، اینک پسر تو.» ۲۷ و به آن شاگرد گفت: «اینک مادر تو.» و در همان ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد. ۲۸ و بعد چون عیسی دید که ممه‌چیز به انجام رسیده است تا کتاب تمام شود، گفت: «تشنهام.» ۲۹ و در آنجا ظرفی پر از سرکه گذارده بود. پس اسفنجی را از سرکه پر ساخته، و بر زوفا گذارده، نزدیک دهان خود برگشتند. ۱۱ اما مریم بیرون قبر، گریان ایستاده بود و چون او برذند. ۳۰ چون عیسی سرکه را گرفت، گفت: «تمام شد.» و می گریست به سوی قبر خم شده، ۱۲ دوفرشته را که لیاس سفید سر خود را پایین آورده، جان بداد. ۳۱ پس یهودیان تا بدنها در در بر داشتند، یکی به طرف سر و دیگری به جانب قدم، در جایی روز سبت برصلیب نماند، چونکه روز تهیه بود و آن سبت، روز که بدن عیسی گذارده بود، نشسته دید. ۱۳ ایشان بدل گفتند: بزرگ بود، از پیلاطس درخواست کردند که ساق پایهای ایشان را بشکنند و پایین بیاورند. ۳۲ آنگاه لشکریان آمدند و ساقهای آن اول و دیگری را که با او صلیب شده بودند، شکستند. ۳۳ اما چون نزد عیسی آمدند و دیدند که پیش از آن مرده است، ساقهای

است. ۱۵ عیسی بدو گفت: «ای زن برای چه گریانی؟ که را زیدی و دو نفر دیگر از شاگردان او جمع بودند. ۳ شمعون پطرس می‌طلبی؟» چون او گمان کرد که باغبان است، بدو گفت: «ای به ایشان گفت: «مرا تا صید ماهی کنم.» به او گفتند: آقا اگر تو او را برداشتنه‌ای، به من بگو او را کجا گذاهه‌ای تا من «مانیز باشو می‌آیم.» پس بیرون آمد، به کشتن سوارشدن و در اورا بردام.» ۱۶ عیسی بدو گفت: «ای مریم!» او بگشته، گفت: آن شب چیزی نگفتند. ۴ و چون صبح شد، عیسی بر ساحل «ربونی (یعنی ای معلم)». ۱۷ عیسی بدو گفت: «مرا لمس مکن ایستاده بود لیکن شاگردان ندانستند که عیسی است. ۵ عیسی زیرا که هنوزند پدر خود بالا نرفتام. ولیکن نزد برادران من رفته، بدیشان گفت: «ای بجهه‌ها نزد شماخوارکی هست؟» به او جواب به ایشان بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای دادند که «ای.» ۶ بدیشان گفت: «دام را به طرف راست شما می‌روم.» ۱۸ مریم مجده‌ی آمده، شاگردان را خبر داد که کشتن بیندازید که خواهید یافت.» پس آن شاگردی که عیسی او را محبت «خداآوند را دیدم و به من چنین گفت.» ۱۹ و در شام همان روز نتوانستند آن را بکشند. ۷ پس آن شاگردان که عیسی او را محبت که یکشنبه بود، هنگامی که درها بسته بود، جایی که شاگردان می‌نمود به پطرس گفت: «خداآوند است.» چون شمعون پطرس به سبب ترس یهود جمع بودند، ناگاه عیسی آمده، در میان ایستاد شنید که خداوند است، جامه خود را به خوبیشن پیچید چونکه و بدیشان گفت: «سلام بر شما باد!» ۲۰ و چون این را گفت، برهنه بود و خود را در دریاپالداخت. اما شاگردان دیگر در زورق دستها و پهلوی خود را به ایشان نشان داد و شاگردان چون خداوند آمدند زیار خشکی دور نبودند، مگر قریب به دویست ذراع و را دیدند، شاد گشتند. ۲۱ باز عیسی به ایشان گفت: «سلام بر دام ماهی را می‌کشیدند.» ۹ پس چون به خشکی آمدند، آتشی شما باد. چنانکه پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم.» ۲۲ و افروخته و ماهی بر آن گذارده و نان دیدند. ۱۰ عیسی بدیشان چون این را گفت، دید و به ایشان گفت: «روح القدس را بیاورید.» ۱۱ پس شمعون ۲۳ گناهان آنانی را که آمرزیدید، برای ایشان آمرزیده شد و آنانی را پطرس رفت و دام را بزیمن کشید، پر از صد و پنجاه و سه ماهی که بستید، بسته شد.» ۲۴ اما توما که یکی از آن دوازده بود و او بزرگ وبا وجودی که اینقدر بود، دام پاره نشد. ۱۲ عیسی بدیشان را توان می‌گفتند، وقتی که عیسی آمد با ایشان نبود. ۲۵ پس گفت: «بیایید بخورید.» ولی احدي از شاگردان جرات نکرد که از شاگردان دیگر بدو گفتند: «خداآوند را دیده‌ایم.» بدیشان گفت: او پرسد «تو کیستی؟» زیرا می‌دانستند که خداوند است. ۱۳ «تا در دو دستش جای میخها را نیم و انگشت خود را در جای آنگاه عیسی آمد و نان را گرفته، بدیشان داد و همچنین ماهی را. میخهانگذارم و دست خود را بر پهلویش نهمن، ایمان نخواهم ۱۴ و این مرتبه سوم بود که عیسی بعد از ایرخاستن از مردگان، آورد.» ۲۶ و بعد از هشت روز باز شاگردان با توما درخانه‌ای جمع خود را به شاگردان ظاهرکرد. ۱۵ و بعد از غذا خوردن، عیسی بودند و درها بسته بود که ناگاه عیسی آمد و در میان ایستاده، به شمعون پطرس گفت: «ای شمعون، پسر یونا، آیا مرا بیاشتر از گفت: «سلام بر شماباد.» ۲۷ پس به توما گفت: «انگشت خود اینها محبت می‌نمای؟» بدو گفت: «بلی خداوندا، تو می‌دانی را به اینجا بیاور و دستهای مرا بین و دست خود را بیاور و بر پهلوی که تو را دوست می‌دارم.» بدو گفت: «برههای مرا خوارک من بگذار و بی ایمان مباش بلکه ایمان دار.» ۲۸ توما در جواب بده.» ۱۶ باز درثانی به او گفت: «ای شمعون، پسر یونا، آیا وی گفت: «ای خداوند من واخ داری من.» ۲۹ عیسی گفت: مرامحبت می‌نمای؟» به او گفت: «بلی خداوندا، تو می‌دانی «ای توما، بعد از دیدن ایمان آوردی؟ خوشحال آنانی که ندیده که تو را دوست می‌دارم.» بدو گفت: «گوسفندان مرا شبانی ایمان آورند.» ۳۰ و عیسی معجزات دیگر بسیار نزد شاگردان نمود کن. ۱۷ مرتبه سوم بدو گفت: «ای شمعون، پسر یونا، مرا دوست که در این کتاب نوشته نشده. ۳۱ لیکن این قدرنوشه شد تا ایمان می‌داری؟» پطرس محرون گشت، زیرا مرتبه سوم بدو گفت «مرا آورید که عیسی، مسیح و پسرخدا است و تا ایمان آورده به اسم او دوست می‌داری؟» پس به او گفت: «خداآوندا، تو بر همه‌چیز واقع هستی. تومی دانی که تو را دوست می‌دارم.» عیسی بدو گفت: حیات باید.

۲۱ بعد از آن عیسی باز خود را در کناره دریای طبریه، به جوان بودی، کمر خود رامی بستی و هر جا می‌خواستی می‌رفتی شاگردان ظاهر ساخت و بر اینطور نمودار گشت: ۲ شمعون پطرس ولکن زمانی که پر شوی دستهای خود را دراز خواهی کرد و تومای معروف به توان و نتائیل که از قنای جلیل بود و دو پسر دیگران تو را بسته به جایی که نمی‌خواهند برد.» ۱۹

و بدین سخن اشاره کرد که به چه قسم موت خدا را جلال خواهد

داد و چون این را گفت، به او فرمود: «از عقب من بیا.» ۲۰

پطرس ملتافت شده، آن شاگردی که عیسی او را محبت می نمود

دید که از عقب می آید؛ و همان بود که بر سینه وی، وقت عشا

تکیه می زد و گفت: «خداوندا کیست آن که تو را تسلیم می کند.»

۲۱ پس چون پطرس او را دید، به عیسی گفت: «ای خداوند او

چه شود؟» ۲۲ عیسی بلوگفت: «اگر بخواهم که او بماند تا باز

آیم تو را چه؟ تو از عقب من بیا.» ۲۳ پس این سخن در میان

برادران شهرت یافت که آن شاگرد نخواهد مرد. لیکن عیسی بدو

نگفت که نمی میرد، بلکه «اگر بخواهم که او بماند تا باز آیم تو

را چه.» ۲۴ و این شاگردی است که به این چیزها شهادت داد و

اینها را نوشت و می دانیم که شهادت او راست است. ۲۵ و دیگر

کارهای بسیار عیسی بهجا آورد که اگرفد فرد نوشته شود گمان

ندارم که جهان هم گنجایش نوشته ها را داشته باشد.

کارهای رسولان

ریخته گشت. ۱۹ و بر تمام سکنه اورشلیم معلوم گردید چنانکه آن

زمین در لغت ایشان به حقل دما، یعنی زمین خون نامیده شد.

۱ صحیفه اول را انشا نمودم، ای تیوفلس، درباره همه اموری ۲۰ زیرا در کتاب زیور مکوب است که خانه او خراب بشود و که عیسی به عمل نمودن و تعليم دادن آنها شروع کرد. ۲ تا آن هیچ کس در آن مسکن نگیرد و نظارتش را دیگری ضبط نماید. روزی که رسولان برگزیده خود را به روح القدس حکم کرده، بالا ۲۱ الحال می‌باید از آن مردمانی که همراهان ما بودند، در تمام آن بردۀ شد. ۳ که بدیشان نیز بعد از زحمت کشیدن خود، خویشتن مدتی که عیسی خداوند با ما آمد و رفت می‌کرد، از زمان را زنده ظاهر کرد به دلیلهای بسیار که در مدت چهل روز بر تعیید یحیی، تا روزی که ازند ما بالا بردۀ شد، یکی از ایشان با ایشان ظاهر می‌شد و درباره امور ملکوت خدا سخن می‌گفت. ۴ ما شاهد برخاستن او بشود.» ۲۳ آنگاه دو نفر یعنی یوسف مسمی و چون با ایشان جمع شد، ایشان راقدغن فرمود که «از اورشلیم به برساکه به بوسن ملقب بود و متیاس را بریا داشتند، ۲۴ و جدا مشوید، بلکه منتظر آن وعده پدر باشید که از من شنیده‌اید. دعا کردۀ، گفتند: «توای خداوند که عارف قلوب همه هستی، ۵ زیرا که یحیی به آب تعیید می‌داد، لیکن شما بعد از اندک بنما کدام‌یک از این دو را برگزیده‌ای ۲۵ تا قسمت این خدمت و ایامی، به روح القدس تعیید خواهیدیافت.» ۶ پس آنانی که رسالت را پایاد که بیهودا از آن باز افتداده، به مکان خودپیوست. جمع بودند، از او سوال نموده، گفتند: «خداندنا آیا در این وقت ۷ پس قرعه به نام ایشان افکنند و قرعه به نام متیاس برآمد و او با ملکوت را برسرایل باز برقرار خواهی داشت؟» بدیشان گفت: یارده رسول محسوب گشت.

«از شما نیست که زمانها و اوقاتی را که پدر قدرت خود نگاه داشته است بدانید. ۸ لیکن چون روح القدس بر شما می‌آید، قوت خواهیدیافت و شاهدان من خواهید بود، در اورشلیم و تمامی یهودیه و سامره و تا اقصای جهان.» ۹ و چون این را گفت، وقتی که ایشان همی نگریستند، بالا بردۀ شد و ابری او را از چشمان ایشان در ریود. ۱۰ و چون به سوی آسمان چشم دوخته می‌بودند، هنگامی که او می‌رفت، ناگاه دومرد سفیدپوش نزد ایشان ایستاده، ۱۱ گفتند: «ای مردان جلیلی چرا ایستاده، به سوی آسمان نگرانید؟ همین عیسی که از نزد شما به آسمان بالا بردۀ شد، باز خواهد آمد به همین طوری که او رایه سوی آسمان روانه از ایشان شنید. ۱۲ آنگاه به اورشلیم مراجعت کردند، از کوه مسمی به می‌گفتند: «مگر همه اینها که حرف می‌زنند جلیلی نیستند؟» ۱۳ چون که نزدیک به اورشلیم به مسافت سفر یک روز سبت است. پس چون است که هر یکی از ما لغت خود را که در آن تولد و چون داخل شدند، به بالاخانه‌ای برآمدند که در آنجا پطرس یافته‌ایم می‌شنویم؟ ۱۴ پارتیان و مادیان و عیلامیان و ساکنان جزیره و یونانوی یعقوب و اندریاس و فیلیپ و توما و برتوالما و متی و یعقوب و یهودیه و کپدکیا و پنطس و آسیا ۱۵ و فریجیه و پمفایله و مصر و فناحی لیبا که متصل به قیروان است و غربا از روم یعنی یهودیان و جیدان ۱۶ و اهل کرت و عرب اینها را می‌شنویم که به زبانهای ما ذکر کبریایی خدا می‌کنند.» ۱۷ پس همه در حیرت و شک افتاده، به یکدیگر گفتند: «این که کجا خواهد‌انجامید؟» ۱۸ اما برخاسته، گفت: ۱۹ «ای برادران، می‌بایست آن نوشته تمام شود که روح القدس از زیان داویدپیش گفت درباره یهودا که راهنمای شد برای آنانی که عیسی را گرفتند. ۲۰ که او با ما محسوب شده، ۲۱ گفت: «ای مردان یهود و جمیع سکنه اورشلیم، این را بدانید و بعضی در این خدمت یافت. ۲۲ پس او از اجرت ظلم خود، سخنان مرافاگریید. ۲۳ زیرا که اینها مست نیستند چنانکه شما زمینی خریده، به روی درافتاده، از میان پاره شد و تمامی امتعایش

گمان می‌برید، زیرا که ساعت سوم از روز است. ۱۶ بلکه این شنیدند دلیش گشته، به پطرس وسایر رسولان گفتند: «ای برادران همان است که بیوئل نبی گفت ۱۷ که «خدا می‌گوید در ایام چه کیم؟»^{۳۸} پطرس بدیشان گفت: «توبه کنید و هر یک آخر چنین خواهدبود که از روح خود بر تمام بشر خواهم ریخت از شما به اسم عیسی مسیح بجهت آمرزش گناهان تعیید گیرید و وسیران و دختران شما نبوت کنند و جوانان شما رویاها و پیران شما عطا روح القدس را خواهیدیافت.» ۱۹ زیرا که این وعده است خواهها خواهند دید؛ ۲۰ و برغلامان و کیزان خود در آن ایام از برای شما و فرزندان شما و همه آنانی که دورند یعنی هر که خداوند روح خودخواهم ریخت و ایشان نبوت خواهند نمود. ۲۱ واژ بالا خدای ما او را بخواند.» ۲۰ و به سخنان پسیار دیگر، بدیشان در افلک، عجایب و از پایین در زمین، آیات را از حون و آتش و شهادت داد و معظمه نموده، گفت که «خود را از این فقه کجو رو بخار دود به ظهور آورم.» ۲۰ خورشید به ظلمت و ماه به خون رستگارسازید.» ۲۱ پس ایشان کلام او را پذیرفته، تعیید گرفتند مبدل گردیدند از وقوع روز عظیم مشهور خداوند. ۲۲ و چنین و در همان روز تخریم سه هوار نفر بدیشان پیوستند ۲۲ و در خواهد بود که هر که نام خداوند را بخواند، نجات یابد.» ۲۲ «ای تعییں رسولان و مشارکت ایشان و شکستن نان و دعاها مواظبت مردان اسرائیلی این سخنان را بشنوید. عیسی ناصری مردی که نزد می‌نمودند. ۲۳ و همه خلق ترسیدند و معجزات و علامات پسیار شما از جانب خدامیرهن گشت به قوات و عجایب و آیاتی که از دست رسولان صادر می‌گشت. ۲۴ و همه ایمانداران با هم خدادار میان شما از او صادر گردانید، چنانکه خودمی دانید، ۲۳ می‌زیستند و در همه چیز شریک می‌بودند ۲۴ و املاک و اموال خود این شخص چون برسحب اراده مستحکم و پیشانی خدا تسلیم را فروخته، آنها را به هر کس به قدر احتیاجش تقسیم می‌کردند. شد، شما بدست گناهکاران بر صلیب کشیده، ۲۴ که ۲۴ و هر روزه در هیکل به یکدل پوسته می‌بودند و در خانه‌ها نان خدا دردهای موت را گستیته، او را برخیزانید زیرا محال بود که را پاره می‌کردند و خوارک را به خوشی وساده دلی می‌خوردند. ۲۷ موت او را بر پند نگاه دارد، ۲۵ زیرا که داده درباره وی می‌گوید: و خدا را حمد می‌گفتند نزد تمامی خلق عزیز می‌گردیدند و «خداؤنده راههواره پیش روی خود دیده‌کم که بدست راست من خداوند هر روزه ناجیان را بر کلیسا می‌افروز.

است تا جنبش نخورم؛ ۲۶ از این سبب دلم شادگردید و زیانم به ۲۷ و در ساعت نهم، وقت نماز، پطرس و یوحنایا با هم به هیکل وجود آمد بلکه جسم نیز در امیداسکن خواهد بود؛ ۲۷ زیرا که نفس مرا در عالم اموات نخواهی گذاشت و اجازت نخواهی داد که قدموس تو فساد را ببیند. (Hadēs g86) طرقهای حیات را به من آموختنی و من از روی خود به خرمی سیرگردانید.» ۲۸ «ای برادران، می‌توانم درباره داده پظریارخ با شما بی محابا سخن گویم که او وفات نموده، دفن شد و مقبره او تا امروز در میان روندگان به هیکل صدقه بخواهد. ۲۸ آن شخص چون پطرس و یوحنایا را دید که می‌خواهند به هیکل داخل شوند، صدقه خواست. ۲۹ اما پطرس با یوحنایا بر وی نیک نگریسته، گفت: «به ما بنگر.» ۲۹ پس بر ایشان نظر افکنده، منتظر بود که از ایشان چیزی بگیرد. ۳۰ آنگاه پطرس گفت: «مرا طلا و نقره نیست، اما تأله دارم به تو می‌دهم. به نام عیسی مسیح ناصری برخیز و بخرام!» ۳۰ و دست راشتن راگرفته او را برخیزانید که در ساعت پاییها و ساقهای او قوت گرفت ۳۱ و برجسته باشستاد و خرامید و با ایشان خرامان و جست و خیزکنان و خدا را حمد گویان داخل هیکل شد. ۳۱ و جمیع قوم او همه ما شاهد برآن هستیم. ۳۲ پس چون بدست راست خدا بالاربده شد، روح القدس موعود را از پدر یافته، این را که شما حال نیبند. (Hadēs g86) ۳۲ پس همان عیسی را خدا برخیزاند و بر تخت او بنشیند، ۳۱ درباره قیامت مسیح پیش دیده، گفت که نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نیبند. ۳۲ همان عیسی را خدا برخیزاند و همه ما شاهد برآن هستیم. ۳۳ پس چون بدست راست خدا نکرد لیکن خودمی گوید «خداؤنده به خداوند من گفت بر دست راست من بنشین ۳۵ تا دشمنات را پای انداز تو سازم.» ۳۴ پس قوم در رواقی که به سلیمانی مسمی است، حریت زده بشتاب گرد جمیع خاندان اسرائیل یقین بداند که خدا همین عیسی را که ایشان جمع شدند. ۳۵ ۱۲ آنگاه پطرس ملتافت شده، بدان جماعت شما مصلوب کردید خداوند و مسیح ساخته است.» ۳۷ چون

خطاب کرد که «ای مردان اسرائیلی، چرا از این کار تعجب دارید فراهم آمدند، ۶ با حتای رئیس کهنه و قیافا و یوحنای اسکندر و چرا بر ما چشم دوخته‌اید که گویا به قوت و تقوای خود این همه کسانی که از قبیله رئیس کهنه بودند. ۷ و ایشان را در شخص را خرامان ساختیم؟ ۱۳ خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، میان بداشتند و از ایشان پرسیدند که «شما به کدام قوت و به چه خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلال داد که شما تسلیم نام این کار را کرده‌اید؟» ۸ آنگاه پطرس از روح القدس پر شده، نموده، او را در حضور پیلاطس انکارکردید، هنگامی که او حکم بدیشان گفت: «ای روسای قوم و مشایخ اسرائیل، ۹ اگر امروز از به راهنداش داد. ۱۴ اما شما آن قدوس و عادل را منکر شده، ما بازپرس می‌شود درباره احسانی که بدین مرد ضعیف شده، خواستید که مردی خون ریز به شما بخشیده شود. ۱۵ و رئیس یعنی به چه سبب او صحبت یافته است، ۱۰ جمیع شما و تمام حیات را کشید که خدا او را از مردگان برخیزاید و ما شاهد بر او قوم اسرائیل را معلوم باد که به نام عیسی مسیح ناصری که شما هستیم. ۱۶ و به سبب ایمان به اسم او، اسم او این شخص را که مصلوب کردید و خدا او را از مردگان برخیزاید، در او این کس به می‌بینید و می‌شناسید قوت بخشیده است. بلی آن ایمانی که به حضور شما تدرست ایستاده است. ۱۱ این است آن سنگی که وسیله اوت این کس را پیش روی همه شما این صحت کامل شما معماران آن را رد کردید والحال سر زاویه شده است. ۱۲ و در داده است. ۱۷ «و الحال ای برادران، می‌دانم که شما و چنین هیچ کس غیراز او نجات نیست زیرا که اسمی دیگر زیر آسمان به حکام شما این را به سبب ناشناسایی کردید. ۱۸ و لیکن خدا مردم عطانتشده که بدان باید ما نجات یابیم.» ۱۳ پس چون دلیری آن اخباری را که به زبان جمیع انبیای خود، پیش گفته بود که پطرس و یوحنای را دیدند و دانستند که مردم بی علم و امی هستند، مسیح باید زحمت بیند، همیظ ör به انجام رسانید. ۱۹ پس توه تعجب کردند و ایشان را شناختند که از همراهان عیسی بودند. ویاگذشت کنید تا گناهان شما محظوظ نباشند و تا اوقات استراحت از ۱۴ و چون آن شخص را که شفا یافته بود با ایشان ایستاده دیدند، حضور خداوند برسد. ۲۰ و عیسی مسیح را که از اول برای شما توانستند به ضد ایشان چیزی گویند. ۱۵ پس حکم کردند که اعلام شده بودن برقرار است، ۲۱ که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان ایشان از مجلس بیرون روند و با یکدیگر مشورت کرده، گفتند ۱۶ معاد همه‌چیز که خدا از بدوالام به زبان جمیع انبیای مقدس که «با این دو شخص چه کنیم؟ زیرا که بر جمیع سکنه اورشليم خود، از آن اخبار نمود. (aiōn g165) ۲۲ زیاموسی به اجاد و واضح شد که معجزه‌ای آشکار از ایشان صادر گردید و نعم توانیم گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما انکار کرد. ۱۷ لیکن تا بیشتر در میان قوم شیوع نیابد، ایشان برای شما برخواهد آنگیخت. کلام او را در هرچه به شما تکلم را سخت تهدید کنیم که دیگر با هیچ کس این اسم را به زبان کند بشنوید؛ ۲۳ و هر نفسی که آن نبی را نشنود، از قوم منقطع نیاورند. ۱۸ پس ایشان را خواسته قدرخون کردند که هرگز نام عیسی گردد. ۲۴ و جمیع انبیا نیز از سمویل و آنایی که بعد از او تکلم را بر زبان نیاورند و تعلیم ندهند. ۱۹ اما پطرس و یوحنای در جواب کردند از این ایام اخبار نمودند. ۲۵ شما هستید اولاد پیغمبران و آن ایشان گفتند: «اگر نزد خدا صواب است که اطاعت شما را بر عهده که خدا با اجداد ما بست، وقتی که به ابراهیم گفت از اطاعت خدا ترجیح دهیم حکم کنید. ۲۰ زیرا که ما را امکان آن ذریت تو جمیع قبایل زمین، برکت خواهند یافت ۲۶ برای شما اولاً نیست که آنچه دیده و شنیده‌ایم، نگوییم.» ۲۱ و چون ایشان خدا بنده خود عیسی را برخیزاید، فرستاد تا شما را برکت دهدیه را زیاد تهدید نموده بودند، آزاد ساختند چونکه راهی نیافتند که ایشان را معذب سازند به سبب قوم زیرا همه به واسطه آن ماجرا برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش.»

۴ خدا را تمجیدی نمودند، ۲۲ زیرا آن شخص که معجزه شفا در او و چون ایشان با قوم سخن می‌گفتند، کهنه و سردار سپاه پدید گشت، بیشتر از چهل ساله بود. ۲۳ و چون رهایی یافتند، هیکل و صدقویان بر سر ایشان تاختند، ۲ چونکه مضطرب نزد رفاقت خودرفتند و ایشان را از آنچه روسای کهنه و مشایخ بودند از اینکه ایشان قوم را تعلیم می‌دادند و در عیسی به قیامت از مردگان اعلام می‌نمودند. ۳ پس دست بر ایشان انداخته، تا فردا خود را به یکدل به خدا بلند کرده، گفتند: «خداوند، تو آن خدا محبوس نمودند زیرا که آن، وقت عصر بود. ۴ اما بسیاری از آنایی که آسمان وزمین و دریا و آنچه در آنها است آفریدی، ۲۵ هزار رسید. ۵ با مددان روسا و مشایخ و کاتبان ایشان در اورشليم امت‌ها هنگامه می‌کنند و قومها به باطل می‌اندیشند؛ ۲۶ سلاطین

زمین برشاستند و حکام با هم مشورت کردند، برخلاف خداوند ساعت پیش قدمهای او اف cade، جان بداد و جوانان داخل شده، او ویرخلاف مسیحیش.^{۲۷} زیرا که فی الواقع بر بنده قدوس تو را مرده یافتند. پس بیرون برده، به پهلوی شهرش دفن کردند.^{۱۱} عیسی که او را مسح کردی، هیرودیس و پطیوس پیلاطس با خوفی شدید تمامی کلیسا و همه آنان را که این را شنیدند، فرو امتهای اسرائیل با هم جمع شدند.^{۲۸} تا آنجه را که گرفت.^{۲۹} و آیات و معجزات عظیمه از دستهای رسولان در میان دست و رای تو از قبل مقدر فرموده بود، به جا آورند.^{۳۰} و الان قوم به ظهور می‌رسید و همه به یکدل در رواق سلیمان می‌بودند. ای خداوند، به تهدیدات ایشان نظر کن و غلامان خود را عطا^{۳۱} اما احدی از دیگران جرات نمی‌کرد که بدیشان ملحک شود، فرما تا به دلیری تمام به کلام تو سخن گویند.^{۳۰} به دار کردن لیکن خلق، ایشان را محترم می‌داشتند.^{۳۱} و بیشتر ایمانداران به دست خود، بجهت شفادادن و جاری کردن آیات و معجزات به خداوند متخد می‌شدند، اینبهی از مردان و زنان،^{۱۵} بقسمی که نام بنده قدوس خود عیسی.^{۳۱} و چون ایشان دعا کرده بیرون آوردن و بر بسترهای خواهابانیدند تا مکانی که در آن جمع بودند به حرکت آمد و همه به روح القدس پر وقتی که پطرس آید، افلأ سایه او برعیضی از ایشان بیفتند.^{۱۶} و شده، کلام خدا را به دلیری می‌گفتند.^{۳۲} و جمله مونمن را یک گروهی از بلدان اطراف اورشلیم، بیماران و رنج دیدگان ارواح آن خود نمی‌دانست، بلکه همه‌چیز رامشترک می‌داشتند.^{۳۳} و کهنه و همه رفقایش که از طایفه صدوقدان بودند، برخاسته، به رسولان به قوت عظیم به قیامت عیسی خداوند شهادت می‌دادند غیرت پر گشتند.^{۱۸} و بر رسولان دست انداخته، ایشان را در و فیضی عظیم برهمنگی ایشان بود.^{۳۴} زیرا هیچ کس جزی از آن گروه زندان عام انداختند.^{۱۹} شبانگاه فرشته خداوند درهای زندان را محتاج بود زیرا هر که صاحب زمین یا خانه بود، آنها را فروختند و باز کرده و ایشان را بیرون آورده، گفت:^{۲۰} «بروید و در هیکل قیمت میعبات را آورده،^{۳۵} به قدمهای رسولان می‌نهادند و به هر ایستاده، تمام سخنهای این حیات را به مردم بگویید.^{۲۱} چون یک بقدارهای جاش تقسیم می‌نمودند.^{۳۶} و یوسف که رسولان او این را شنیدند، وقت فجر به هیکل درآمد، تعلیم دادند.^{۲۲} پس را برتابا یعنی این العظ لقب دادند، مردی از سبط لاوی و از خادمان رفته، ایشان را در زندان نیافتند و برگشته، خبر داده،^{۲۳} طایفه قپوسی،^{۳۷} زمینی را که داشت فروخته، قیمت آن را آورد و گفتند که «زندان را به اختیاط تمام بسته بافیم و پاسبانان را بیرون درها ایستاده، لیکن چون باز کردیم، هیچ کس را در آن نیافریم.» پیش قدمهای رسولان گذارد.

۴ اما شخصی حنایا نام، با زوجه‌اش سفیره ملکی فروخته،^۲ شنیدند، درباره ایشان در حیرت افتدند که «این چه خواهد شد؟»^{۲۴} آنگاه کسی آمده ایشان را آگاهانید که اینک آن کسانی که محبوس نمودید، در هیکل ایستاده، مردم را تعلیم می‌دهند.^{۲۵} حنایا چرا شیطان دل تو را پر ساخته است تا روح القدس را فریب پس سودار سپاه با خادمان رفته ایشان را آوردن، لیکن نه به زور زیرا دهی و مقداری ارزیمت زمین را نگاه داری؟^۴ آیا چون داشتی از آن تو نبود و چون فروخته شد در اختیار تو نبود؟ چرا این را در دل ایشان را به مجلس حاضر کرده، برای داشتن، رئیس کهنه از ایشان خود نهادی؟ به انسان دروغ نگفتش بلکه به خدا.^۵ حنایا چون این سخنان را شنید افتاده، جان بداد و خوفی شدید بر همه شوندگان این چیزها مستولی گشت. **۶** آنگاه جوانان برخاسته، او را کفن کردند و بیرون برده، دفن نمودند.^۷ و تخمین سه ساعت گذشت که زوجه‌اش از ماجرا مطلع نشده درآمد.^۸ پطرس بدو گفت: «مرا بگو که آیا زمین را به همین قیمت فروختید؟» گفت: «بلی، به همین.»^۹ پطرس به وی گفت: «برای چه متفق شدید برده، سور و نجات‌دهنده ساخت تا اسرائیل را شاهدان او توبه و آمرزش تا روح خداوند را امتحان کنید؟ اینک پایهای آنانی که شوهر تو را گناهان بدهد.^{۳۲} و ما هستیم شاهدان او بین امور، چنانکه دفن کردند، بر آستانه است و تو را هم بیرون خواهند برد.»^{۱۰} در روح القدس نیز است که خدا او را به همه مطیعان او عطا فرموده

است.» ۳۳ چون شنیدند دریش گشته، مشورت کردند که ایشان روحی که او سخن می‌گفت، بارای مکالمه نداشتند. ۱۱ پس را به قتل رساند. ۳۴ اما شخصی فریضی، غمالاتیل نام که متفق و چند نفر از این داشتند که بگویند: «این شخص را شنیدم که به نزد تمامی حلق محترم بود، در مجلس برخاسته، فرمود تاریخ سلطان را موسی و خدا سخن کفرآمیزی گفت.» ۱۲ پس قوم و مشایخ و ساعتی بیرون بزند. ۳۵ پس ایشان را گفت: «ای مردان اسرائیلی، کاتبان ارشورانیده، بر سر وی تاختند و او را گفخار کرد، به مجلس برحدار باشید از آنچه می‌خواهید با این اشخاص بکنید.» ۳۶ زیرا حاضر ساختند. ۱۳ و شهود کذبه برپاداشته، گفتند که «این قبل از این ایام، تیودا نامی برخاسته، خود را شخصی می‌پنداشت شخص از گفتن سخن کفرآمیز بر این مکان مقدس و تورات دست و گروهی قریب به چهار صد نفر بدلوپوستند. او کشته شد و برنسی دارد.» ۱۴ زیرا او را شنیدم که می‌گفت این عیسی ناصری متابعانش نیز پراکنده و نیست گردیدند. ۳۷ و بعد از او یهودای این مکان را تباه سازد و رسومی را که موسی به ما سپرد، تغییر جلیلی درایام اسم نویسی خروج کرد و جمعی را در عقب خود خواهد داد.» ۱۵ و همه کسانی که در مجلس حاضر بودند، بر کشید. او نیز هلاک شد و همه تابعان اوپرآکده شدند. ۳۸ الان او چشم دوخته، صورت وی را مثل صورت فرشته دیدند.

به شما می‌گویم از این مردم دست بردارید و ایشان را وگذارید نیزا **۷** آنگاه رئیس کهنه گفت: «آیا این امور چنین است؟» ۲ او اگر این رای و عمل از انسان باشد، خود تباه خواهد شد. ۳۹ ولی گفت: «ای باردن و پاردن، گوش دهید. خدای ذوالجلال بر پدر اگر از خدا باشد، نمی‌توانید آن را بیطرف نمود مبادا معلوم شود که ما ابراهیم ظاهر شد وقتی که در جزیره بود قبل از توقفش در حران. با خدا ممتازه می‌کنید.» ۴ پس به سخن او رضا دادند و رسولان **۳** و بدو گفت: «از وطن خود و خویشان بیرون شده، به زمینی را حاضر ساخته، نازیانه زند و قدرخون نمودند که دیگر به نام که تو را نشان دهم برو.» ۴ پس از دیارکلانیان روانه شده، در عیسی حرف نزند پس ایشان را مرخص کردند. ۴۱ و ایشان از حران درنگ نمود؛ و بعداز وفات پدرش، او را کوچ داد به سوی حضور اهل شورا شادخاطر رفند از آنرو که شایسته آن شمرده شدند این زمین که شما الان در آن ساکن می‌باشید. ۵ و او را در این زمین میراثی، حتی بقدر جای پای خود نداد، لیکن وعده داد که از تعلیم و مژده دادن که عیسی مسیح است دست نکشیدند.

۶ و در آن ایام چون شاگردان زیاد شدند، هلیستیان از هنوز اولادی نداشت. ۶ و خدا گفت که «ذیلت تو در ملک عبرایان شکایت بردنده که بیوه زنان ایشان در خدمت یومیه بی بهره بیگانه، غریب خواهند بود و مدت چهار صد سال ایشان را به می‌مانند. ۲ پس آن دوازده، جماعت شاگردان را طلبیده، گفتند: بندگی کشیده، مذنب خواهند داشت.» ۷ و خدا گفت: «من بر شایسته نیست که ما کلام خدا را ترک کرده، مائدۀ را خدمت آن طایفه‌ای که ایشان را مملوک سازند داوری خواهی نمود و بعداز کنیم. ۳ لهذا ای برادران هفت نفر نیک نام و پر از روح القدس آن بیرون آمده، در این مکان مرأ عبادت خواهند نمود.» ۸ و عهد و حکمت را از میان خود انتخاب کنید تا ایشان را بیان مهم ختنه را به وی داد که بنابراین چون اسحاق را آورد، در روز هشتم بگماریم. ۴ اما ما خود را به عبادت و خدمت کلام خواهیم سپرد.» او رامختون ساخت و اسحاق یعقوب را و یعقوب دوازده پطربارخ ۵ پس تمام جماعت بدین سخن رضا دادند و استیفان مردی پر از را. ۹ «و پطربارخان به یوسف حسد برد، او را به مصر فروختند. ایمان و روح القدس و فیلیپ و پرپرخس و نیکانور و تیمون و پیغمیاس اما خدا با وی بود ۱۰ و او را ازتمامی زحمت او رستگار نموده، و نیقولاوس جدید، از اهل انتکایه را انتخاب کرده، ۱۱ ایشان در حضور فرعون، پادشاه مصر توفیق و حکمت عطا فرمودتا او را بر را در حضور سلطان بربا بپاداشتند و دعا کرده، دست بر ایشان مصر و تمام خاندان خود فرمان فرمایی قرارداد. ۱۱ پس قحطی و گذاشتند. ۷ و کلام خدا ترقی نمود و عدد شاگردان در اورشلیم ضیقی شدید بر همه ولایت مصر و کنعان رخ نمود، بحدی که بغايت می‌افزود و گروهی عظیم از کهنه مطبع ایمان شدند. ۸ اما اجداد ما فرقی نیافتند. ۱۲ اما چون یعقوب شنید که در مصر غله استیفان پر از فیض و قوت شده، آیات و معجزات عظیمه در میان یافت می‌شد، بار اول اجداد ما را فرسناد. ۱۳ و در کرت دوم مردم از او ظاهر می‌شد. ۹ و تئی چند از کنیسه‌ای که مشهور یوسف خود را به برادران خردشناسانید و قبیله یوسف به نظر فرعون است به کنیسه لبرتینیان و قیروانیان و اسکندریان و از اهل قلیقیا و رسیدند. ۱۴ پس یوسف فرستاده، پدر خود یعقوب و سایر عیالش را آسیا برخاسته، با استیفان مباحثه می‌کردند، ۱۰ و با آن حکمت و که هفتاد و پنج نفر بودند، طلبید. ۱۵ پس یعقوب به مصر فرود

آمده، او و اجداد ما وفات یافته‌ند. ۱۶ و ایشان را به شکیم برد، است که به بنی اسرائیل گفت: «خدا نبی ای را مثل من از میان در مقبره‌ای که ابراهیم از بنی حمور، پدر شکیم به مبلغی خریده برادران شما برای شما می‌بعثت خواهد کرد. سخن او را بشنوید.» بود، دفن کردند. ۱۷ «و چون هنگام وعده‌ای که خدا با ابراهیم ۲۸ همن است آنکه در جماعت در صحرا با آن فرشته‌ای که در قسم خوده بود نزدیک شد، قوم در مصر نموده، کثیر می‌گشتند. کوه سینا بدو سخن می‌گفت وبا بردن ما بود و کلمات زنده ۱۸ تا وقتی که پادشاه دیگر که یوسف را نمی‌شناخت برخاست. را یافت تا به مارساند، ۲۹ که پدران ما نخواستند او را مطیع او با قوم ما حیله نموده، اجداد ما را ذلیل ساخت تا اولاد خود شوندیکه او را رد کرده، دلهای خود را به سوی مصر گردانیدند، ۲۰ را بیرون اندختند تا زیست نکنند. ۲۱ در آن وقت موسی تولد ۴۰ و به هارون گفتند: «برای ما خدایان ساز که در پیش ما یافت و بعایت جمیل بوده، مدت سه ماه در خانه پدر خود پرورش بخراهمد زیرا این موسی که ما را زمین مصر برآورد، نمی‌دانیم او را یافت. ۲۲ و چون او را بیرون افکدند، دختر فرعون او را برداشته، چه شده است.» ۴۱ پس در آن ایام گوساله‌ای ساختند و بدان بت برای خود به فرزندی تربیت نمود. ۲۳ و موسی در تمامی حکمت قربانی گذرانید به اعمال دستهای خودشادی کردند. ۴۲ از این اهل مصر تربیت یافته، در قول و فعل قوی گشت. ۲۴ چون چهل جهت خدا رو گردانید، چنانکه در صحف انبیا نوشته شده است که «ای سال از عمر وی سپری گشت، به خاطر این خود را از برادران خود، برسیش نمایند، یا مدت چهل سال در بیابان برای من قربانی‌ها و خاندان اسرائیل تفقد نماید. ۲۵ و چون یکی را مظلوم دید او را خاندان اسرائیل، آیا گذرانید؟ ۴۳ و خیمه ملوک و کوکب، خدای خود رفمان پس گمان برد که برادرانش خواهد فهمید که خدا بدست او را برداشتند یعنی اسنانی را که ساختید تا آنها را عبادت کنید. پس ایشان را نجات خواهد داد. اما نفهمیدند. ۲۶ و در فردا آن روز شما را بدان طرف با پل منتقل سازم.» ۴۴ و خیمه شهادت با خود را به دو نفر از ایشان که منزعه نمودند، ظاهر کرد و خواست پدران ما در صحرا بود چنانکه امر فرموده، به موسی گفت: «آن مایین ایشان صالحه دهد. پس گفت: «ای مردان، شما برادر رامطابق نمone‌ای که دیده‌ای بساز.» ۴۵ و آن را اجداد ما یافته، می‌باشد. به یکدیگر چرا ظلم می‌کنید؟» ۲۷ آنگاه آنکه بر همراه یوش درآورده به ملک امتهای که خدا آنها را از پیش همسایه خود تعلیم نمود، او را رد کرده، گفت: «که تو را بر روی پدران ما بیرون افکند تا ایام دارد. ۴۶ که او در حضور خدا محاکم و داور ساخت؟ ۲۸ آیا می‌خواهی مرا بکشی چنانکه آن مستفیض گشت و درخواست نمود که خود مسکنی برای خدای مصري را دیروز کشته؟» ۲۹ پس موسی از این سخن فرار کرده، یعقوب پیماناید. ۴۷ اما سلیمان برای او خانه‌ای بسازد. ۴۸ و در زمین مدیان غربت اختیار کرد و در آنجا دو پسر آورد. ۴۹ و لیکن حضرت اعلی در خانه‌های مصنوع دستهای ساکن نمی‌شود چون چهل سال گذشت، در بیابان کوه سینا، فرشته خداوند در چنانکه نبی گفته است ۵۰ که «خداوند می‌گوید آسمان کرسی شعله آتش از بوته به وی ظاهر شد. ۵۱ موسی چون این را دید از من است وزمین پای انداز من. چه خانه‌ای برای من بنامی کنید و آن رویا در عجب شد و چون نزدیک می‌آمد تا نظر کند، خطاب از محل آرامیدن من کجاست؟ ۵۰ مگرdest من جمیع این چیزها خداوند به وی رسید ۵۲ که «منم خدای پدرانت، خدای ابراهیم و را نیافرید». ۵۳ ای گردنشکشان که به دل و گوش نامخونید، خدای اصحاب و خدای یعقوب. «آنگاه موسی به لزه درآمد، شما پیوسته با روح القدس مقاومت می‌کنید، چنانکه پدران شما جسارت نکرد که نظر کند. ۵۴ خداوند به وی گفت: «تعلیم از همچنین شما. ۵۵ کیست از اینها که پدران شما بدو جفا نکردند؟ پایهایت بیرون کن زیرا جایی که در آن ایستاده‌ای، زمین مقدس و آنای را کشتند که از آمدن آن عادلی که شما بالفعل تسلیم است. ۵۶ همانا مشقت قوم خود را که در مصربند دیدم و ناله کنندگان و قاتلان او شدید، پیش اخبار نمودند. ۵۷ شما که به ایشان راشنیدم و برای رهانیدن ایشان نزول فرمودم. الحال بیا تا تو را توسط فرشتگان شریعت را یافته، آن را حفظ نکردید!» ۵۸ چون به مصر فرستم.» ۵۹ همان موسی را که رد کرده، گفتند: «که تو این را شنیدند دریش شده، بر وی دندانهای خود را فشردنند. را حاکم و داور ساخت؟» ۶۰ خدا حاکم و نجات‌دهنده مقرر فرموده، ۶۱ اما او از روح القدس پر بوده، به سوی آسمان نگریست و به دست فرشته‌ای که در بوته بر وی ظاهر شد، فرستاد. ۶۲ او با جلال خدا را دید و عیسی را بدست راست خدا ایستاده و گفت: معجزات و آیاتی که مدت چهل سال در زمین مصر و بحر قلزم و ۶۳ «اینک آسمان را گشاده، و پس انسان را به دست راست صحرا به ظهوری آورد، ایشان را بیرون آورد. ۶۴ این همان موسی خدا ایستاده می‌بینم.» ۶۵ آنگاه به آواز بلند فریاد برکشیدند و

گوشاهی خود را گرفته، به یکدل بر او حمله کردند، ۵۸ و از این شرارت خود توبه کن و از خدا درخواست کن تاشاید این فکر شهرپریون کشیده، سنتگساره شد. و شاهدان، جامه های خود دلت آمرزیده شود، ۲۳ زیرا که تو رامی بینم در زهره تلخ و قید را نزد پایهای جوانی که سولس نام داشت گذاردن. ۵۹ و چون شرارت گرفتاری. ۶۰ شمعون در جواب گفت: «شما برای من استیفان را سنتگساره کردند، او دعا نموده، گفت: «ای عیسی به خداوند دعا کنید تا چیزی از آنجه گفتید بر من عارض نشود.» خداوند، روح مرا پنذیر. ۶۱ پس زانو زده، به آوازیلند ندا درداد ۶۲ پس ارشاد نموده و به کلام خداوند تکلم کرده، به اورشلیم که «خداوندا این گناه را بر اینهمگیر.» این را گفت و خواهدید. برگشتند و دربیماری از بلدان اهل شماره بشارت دادند. ۶۳ اما فرشته خداوند به فیلیپ خطاب کرده، گفت: «برخیز و بهجانب می بود. ۶۴ و مردان صالح استیفان را دفن کرده، برای وی ماتم عظیمی برپا داشتند. ۶۵ اما سولس کلیسا رامعذب می ساخت و خانه به خانه گشته، مردان وزنان را برکشیده، به زندان می افکنند.

۶۶ ۶۷ پس آنانی که متفرق شدند، به هر جایی که می رسیدند به کلام بشارت می دادند. ۶۸ اما فیلیپ به بلدى از سامره درآمده، ایشان را به مسیح وضعه می نمود. ۶۹ و مردم به یکدل به سختان فیلیپ گوش دادند، چون معجزاتی را که از اوصادر می گشت، می شنیدند و می دیدند، ۷۰ زیرا که ارواح پلید از بسیاری که داشتند نعروه زده، بیرون می شدند و مفلوجان و لنگان بسیار شفا می یافتدند. ۷۱ و شادی عظیم در آن شهر روی نمود. ۷۲ اما مردی شمعون نام قبل از آن در آن قریه بود که جادوگری می نمود و اهل سامره را متغیری ساخت و خود را شخصی بزرگ می نمود، ۷۳ بحدی که خرد و بزرگ گوش داده، می گفتند: «این است قوت عظیم خدا.» ۷۴ و بدلو گوش دادنداز آترو که مدت مدیدی بود از جادوگری و متغیر می شدند. ۷۵ لیکن چون به بشارت فیلیپ که به ملکوت خدا و نام عیسی مسیح می داد، ایمان آوردند، مردان و زنان تعجب یافتدند. ۷۶ و شمعون نیز خود ایمان آورد و چون تعیید یافت همواره با فیلیپ می بود و از دیدن آیات و قوات عظیمه که از او ظاهر عیسی بشارت داد. ۷۷ و چون در عرض راه به آئی رسیدند، خواجه گفت: «اینک آب است! از تعیید یافتنم چه چیز مانع فیلیپ مانفت شده، گفت: «از تو سوال می کنم که نبی این را درباره که می گوید؟ درباره خود یا درباره کسی دیگر؟» ۷۸ آنگاه فیلیپ زبان خود را گشود و ازان نوشته شروع کرده، وی را به فیلیپ می بود از دیدن آیات و قوات عظیمه که از او ظاهر می شد، در حیرت افتاد. ۷۹ اما رسولان که در اورشلیم بودند، چون شنیدند که اهل سامره کلام خدا را پذیرفته اند، پطرس و یوحنا را نزد ایشان فرستادند. ۸۰ وایشان آمده، بجهت ایشان دعا کردند تاروح القدس را بیابند، ۸۱ زیرا که هنوز بر هیچ کس از ایشان نازل نشده بود که به نام خداوند عیسی تعیید یافته بودند و بس. ۸۲ پس دستها بر ایشان گذاشده، روح القدس را یافتدند. ۸۳ اما شمعون چون دید که محض گذاردن دستهای رسولان روح القدس عطا می شود، مبلغی پیش ایشان آورده، ۸۴ گفت: «مرا نیز این قدرت دید که به هر کس دست گذازم، روح القدس را بیابد.» پطرس به قصیره رسید.

بدلو گفت: «زرت با توهلاک باد، چونکه پنداشتی که عطای خدا به زر حاصل می شود. ۸۵ تو را دراین امر، قسمت و بهراهی ۸۶ اما سولس هنوز تهدید و قتل بر شاگردان خداوند همی نیست زیرا که دلت در حضور خدا راست نمی باشد. ۸۷ پس از دمید و نزد رئیس کهنه آمد، ۸۸ و از او نامه ها خواست به سوی

کنایی که در دمشق بود تا اگر کسی را از اهل طریقت خواه مردو نمودند تا او را بکشند. ۲۴ ولی سولس از شورای ایشان مطلع شد خواه زن بیاید، ایشان را بند برنهاده، به اورشلیم بیاورد. ۳ و در شبانه‌روز به دروازه هاپسانی می‌نمودند تا او را بکشند. ۲۵ پس اثنای راه، چون نزدیک به دمشق رسید، ناگاه نوری از آسمان شاگردان او را در شب در زنبیلی گذارده، از دیوار شهر پایین کردند. دور او درخشید ۴ و به زمین افتداده، آواری شنید که بدو گفت: ۲۶ و چون سولس به اورشلیم رسید، خواست به شاگردان ملحق «ای شاول، شاول، برای چه بر من جفا می‌کنی؟» ۵ گفت: شود، لیکن همه از او بترسیدند زیرا باور نکردند که از شاگردان خداوندان توانسته باشد. ۶ اما آنکه آن زمین براخاسته، به شهر برو که آنجا به تو حکایت کرد که چگونه خداوند را در راه دیده و بدو تکلم کرده و گفته می‌شود: «جفا می‌کنی. ۷ اما آنکه همسفر او بودند، چطرب در دمشق به نام عیسی به دلیری موضعه می‌نمود. ۸ و در خاموش استاداند چونکه آن صدا را شنیدند، لیکن هیچ‌کس را اورشلیم با ایشان آمد و رفت می‌کرد و به نام خداوند عیسی به نمودند. ۹ پس سولس از زمین براخاسته، چون چشمان خود را همسفر او بودند، اما در صدد کشتن او برآمدند. ۱۰ چون برادران مطلع شدند، هیچ‌کس را ندید و دستش را گرفته، او را به دمشق بردند، اما در صدد کشتن او برآمدند. ۱۱ چون برادران مطلع شدند، ۱۲ و سه روز نایبنا بوده، چیزی نخورد و نیاشمید. ۱۳ و در او را به قصیره بردند و از آنجا به طرسوس روانه نمودند. ۱۴ ای حنانیا! عرض کرد: «خداوند لیک!» ۱۵ خداوند وی را می‌شدند و در ترس خداوند ویه تسلى روح القدس رفات کرده، همی گفت: «برخیز و به کوچه‌ای که آن را راست می‌نامند بشتاب و افزوند. ۱۶ اما پطرس در همه نواحی گشته، نزد مقدسین ساکن در خانه یهودا، سولس نام طرسوسی راطلب کن زیرا که اینک لده نیز فرود آمد. ۱۷ و در آنجاشخصی ایشان نام یافت که مدت دعا می‌کند، ۱۸ و شخصی حنانیا نام را در خواب دیده است هشت سال از مردم فالج بر تخت خواهد بود. ۱۹ پطرس وی را که آمده، بر او دست گذارد تا بینا گردد. ۲۰ حنانیا جواب داد گفت: «ای ایشان، عیسی مسیح تو را شفامی دهد. برخیز و که «ای خداوند، دریاره این شخص از بسیاری شنیده‌ام که به پستر خود را برجین که او در ساعت براخاست.» ۲۱ و جمیع سکنه مقدسین تو در اورشلیم چه مشقت‌هارسانید، ۲۲ و در آنجا نیز از لده و سارون او را دیده، به سوی خداوند بازگشت کردند. ۲۳ و روسای کهنه قدرت دارد که هر که نام تو را بخواند، او را حبس در یافا، تلمیزه‌ای طایبنا نام بود که معنی آن غزال است. وی از کد. ۲۴ خداوند وی را گفت: «برو زیرا که او طرف برگزیده من اعمال صالحه و صدقانی که می‌کرد، پر بود. ۲۵ از قضا در آن است تا نام من پیش امتحان و سلطان و بنی اسرائیل ببرد. ۲۶ زیرا یام او بیمارشده، بمد و او را غسل داده، در بالاخانه‌ای گذارده. ۲۷ که من او را نشان خواهم داد که چقدر رحمتها برای نام من ۲۷ و چونکه لده نزدیک به یافا بود و شاگردان شنیدند که پطرس باید بکشد. ۲۸ پس حنانیا رفت، بدان خانه درآمد و دستهای را در آنجا است، دو نفرزند او فرستاده، خواهش کردند که «درآمدن گذارده، گفت: «ای برادر شاول، خداوندی عیسی که در راهی نزدما درنگ نکنی.» ۲۹ آنگاه پطرس براخاسته، بایشان آمد و که می‌آمدی بر تو ظاهرگشت، مرا فرستاد تا بینایی بیابی و از چون رسید او را بدان بالاخانه بردند و ممه بیوه‌زنان گریه کان حاضر روح القدس پر شوی.» ۳۰ در ساعت از چشمان او چیزی مثل بودند و پراهنه‌ها جامه هایی که غزال وقتی که با ایشان بود دوخته فلس افتاده، بینایی یافت و براخاسته، تعیید گرفت. ۳۱ و غذا بود، به وی نشان می‌دادند. ۳۲ اما پطرس همه را پیرون کرده، زانو خورده، قوت گرفت و روزی چند با شاگردان در دمشق توقف زد و دعا کرده، به سوی بدن توجه کرد و گفت: «ای طایبنا، نمود. ۳۳ وی درنگ، در کنایس به عیسی موضعه می‌نمود که او برخیز!» که در ساعت چشمان خود را باز کرد و پطرس را دیده، پسر خداست. ۳۴ و آنکه شنیدند تعجب نموده، گفتند: بنشست. ۳۵ پس دست او را گرفته، برخیزانیدش و مقدسان و «مگر این آن کسی نیست که خوانندگان این اسم را در اورشلیم بیوه‌زنان را خوانده، او را بدیشان زنده سپرد. ۳۶ چون این مقدمه پریشان می‌نمود و در آنجا محض این آمده است تا ایشان را بند در تمامی یافا شهرت یافت، بسیاری به خداوند ایمان آوردند. ۳۷ نهاده، نزد روسای کهنه برد؟» ۳۸ اما سولس بیشتر تقویت یافته، و دریافا نزد دباغی شمعون نام روزی چند توقف نمود.

یهودیان ساکن دمشق راجه‌ای می‌نمود و میرهن می‌ساخت که همین است مسیح. ۳۹ اما بعد از مرور ایام چند یهودیان شورا

۱۰ و در قیصریه مردی کرنیلیوس نام بود، بوزیاشی فوجی که شد و چند نفر از برادران یافا همراه او رفتند. ۲۴ روز دیگر وارد به ایطالیانی مشهوراست. ۲ و او با تمامی اهل پیش متقی و قیصریه شدنده و کرنیلیوس خویشان و دوستان خاص خود را خوانده، خداترس بود که صدقه بسیار به قوم می داد و پیوسته نزد خدا دعا انتظار ایشان می کشید. ۲۵ چون پطرس داخل شد، کرنیلیوس او را می کرد. ۳ روزی نزدیک ساعت نهم، فرشته خدا را در عالم رویا استقبال کرد، بر پایهایش افراخه، پرستش کرد. اما پطرس او را آشکارا دید که نزد اوامده، گفت: «ای کرنیلیوس!» ۴ آنگاه او بر بrixianide، گفت: «برخیز، من خود نیز انسان هستم.» ۲۷ و با وی نیک نگریسته و ترسان گشته، گفت: «چیست ای خداوند؟» او گفتوگوکان به خانه درآمد، جمعی کثیر یافت. ۲۸ پس بدیشان به وی گفت: «دعاهای و صدقات تو بجهت یادگاری به نزد خدا گفت: «شما مطلع هستید که مردیهودی را با شخص اجنبی برآمد. ۵ اکنون کسانی به یافا بفرست و شمعون ملقب به پطرس معاشرت کردن یا نزد اوامد حرام است. لیکن خدا مرا تعلیم داد را طلب کن ۶ که نزد دباغی شمعون نام که خانه اش به کناره دریا که هیچ کس را حرام یا نجس نخوانم. ۲۹ از این جهت به مجرد است، مهمان است. او به تو خواهد گفت که تو را چه باید کرد. خواهش شما بی تامل آدم و الحال می برسم که از برای چه مرا ۷ و چون فرشته ای که به وی سخن می گفت غایب شد، دو خواسته دارد. ۳۰ کرنیلیوس گفت: «چهار روز قبل از این، تالن نفر از نوکران خود ویک سپاهی متقدی از ملازمان خاص خویشن را ساعت روزدار می بودم؛ و در ساعت نهم درخانه خود دعا می کردم راخوانده، ۸ تمامی ماجرا را بدیشان بازگفته، ایشان را به یافا که ناگاه شخصی با لیاس نوارانی پیش من باشند ۲۱ و گفت: فرستاد. ۹ روز دیگر چون از سفر نزدیک به شهری رسیدند، قریب «ای کرنیلیوس دعای تو مستجاب شد و صدقات تو در حضور خدا به ساعت ششم، پطرس به باخ خانه برآمد تا دعا کند. ۱۰ و واقع یادآور گردید. ۳۲ پس به یافا بفرست و شمعون معروف به پطرس شد که گرسنه شده، خواست چیزی بخورد. اما چون برای اوضاع را طلب نماید که در خانه شمعون دباغ به کناره دریا مهمان است. می کردن، بی خودی او را رخ نمود. ۱۱ پس آسمان را گشاده دید او چون بیاید با تو سخن خواهد راند.» ۳۳ پس بی تامل نزد تو و ظرفی را چون چادری بزرگ به چهار گوشه بسته، به سوی زمین فرستاد و تو نیکو کردی که آمدی. الحال همه در حضور خدا آویخته بر او نازل می شود، ۱۲ که در آن هر قسمی ازدواج و وحش حاضریم تا آنچه خدا به توفروده است بشنویم.» ۳۴ پطرس زیان را و حشرات زمین و مرغان هوابودند. ۱۳ و خطابی به وی رسید گشوده، گفت: «فی الحقیقت یافته‌ام که خدا را نظر به ظاهر که «ای پطرس برخاسته، ذبح کن و بخور.» ۱۴ پطرس گفت: نیست، ۳۵ بلکه از هر امتی، هر که از او ترسد و عمل نیکو کند، «حاشا خداوندا زیرا چیزی ناپاک یا حرام هرگز نخورددهام.» ۱۵ بار نزد او مقبول گردد. ۳۶ کلامی را که نزد بینی اسرائیل فرستاد، چونکه دیگر خطاب به وی رسید که «آنچه خدا پاک کرده است، تو به وساطت عیسی مسیح که خداوند همه است به سلامتی بشارت حرام مخوان.» ۱۶ و این سه مرتبه واقع شد که در ساعت آن طرف می داد، ۳۷ آن سخن را شما می دانید که شروع آن از جلیل بود و به آسمان بالا برده شد. ۱۷ و چون پطرس در خود بسیار متغیر در تمامی یهودیه منتشر شد، بعد از آن تعمیدی که یحیی بدان بود که این روایی که دید چه باشد، ناگاه فرستادگان کرنیلیوس موعظه می نمود، ۳۸ یعنی عیسی ناصری را که خدا او را چگونه به خانه شمعون را تفحص کرده، بر درگاه رسیدند، ۱۸ و ندا کرد، روح القدس و قوت مسح نمود که او سیر کرده، اعمال نیکو به جا می پرسیدند که «شمعون معروف به پطرس در اینجا منزل دارد؟» می آورد و همه مقهورین ایلیس را شفا می بخشید زیرا خدا با وی ۱۹ و چون پطرس در رویا تفکر می کرد، روح وی را گفت: «اینک می بود. ۳۹ و ما شاهد هستیم بر جمیع کارهایی که او در مزویوم سه مرد تو را می طلبند. ۲۰ پس برخاسته، پایین شو و همراه ایشان یهود و در اورشلیم کرد که او را نیز بر صلیب کشیده، کشند. برو و هیچ شک میر زیرا که من ایشان را فرستادم.» ۲۱ پس پطرس همان کس را خدا در روز سوم بrixianide، ظاهر ساخت. نزد آنایی که کرنیلیوس نزد وی فرستاده بود، پایین آمد، گفت: ۴۱ لیکن نه بر تمامی قوم بلکه بر شهودی که خدا پیش برگزیده «اینک من آن کس که می طلبید. سبب آمدن شما چیست؟» ۴۲ بود، یعنی مایانی که بعد از برخاستن او از مردگان با او خورده و گفتند: «کرنیلیوس بوزیاشی، مرد صالح و خداترس و نزد تمامی آشامیده ایم. ۴۳ و ما را مامور فرمود که به قوم موعظه و شهادت طایفه یهود نیکنام، از فرشته مقدس الهام یافت که تو را به خانه دهیم بدین که خدا او را مقرر فرمود تا داور زندگان و مردگان باشد. خود بطلب و سخنان از تو بشنید.» ۴۴ پس ایشان را به خانه برده، ۴۵ و جمیع انبیا بر او شهادت می دهند که هر که به وی ایمان آورد، مهمنای نمود. وفادای آن روز پطرس برخاسته، همراه ایشان روانه به اسم او آمریش گناهان را خواهد یافت.» ۴۶ این سخنان هنوز بر

زبان پطروس بود که روح القدس بر همه آنانی که کلام را شنیدند، حیات بخش را عطا کرده است!» ۱۹ و آنانی که به سبب اذیتی که نازل شد. ۲۰ و مومنان از اهل ختنه که همراه پطروس آمده بودند، در مقدمه استیفان بريا شد متفرق شدند، تا فینیقا و قبرس و انطاکیه در حیرت افتادند از آنکه بر امت هاینیز عطا روح القدس افاضه می گشتند و به هیچ کس به غیر از یهود وس کلام را نگفتند. ۲۱ شد، ۲۲ زیرا که ایشان را شنیدند که به زبانها متكلم شده، خدا لیکن بعضی از ایشان که از اهل قبرس و قیروان بودند، چون به راتمجید می کردند. ۲۳ آنگاه پطروس گفت: «آیا کسی می تواند آب انطاکیه رسیدند با یونانیان نیز تکلم کردن و به خداوند عیسی را منع کند، برای تعمید دادن اینانی که روح القدس را چون ما نیز بشارت می دادند، ۲۴ و دست خداوند با پیشان می بود و جمعی یافته اند.» ۲۵ پس فرمود تا ایشان را به نام عیسی مسیح تعمید کثیر ایمان آورده، به سوی خداوند با گشتن کردند. ۲۶ اما چون دهند. آنگاه از او خواهش نمودند که روزی چند توقف نماید. خبر ایشان به سمع کلیسا اورشلیم رسید، برنابا را به انطاکیه فرستادند ۲۷ و چون رسید و فیض خدا را دید، شاد خاطر شده،

۱۱ پس رسولان و برادرانی که در یهودیه بودند، شنیدند که همه را نصیحت نمود که از تصمیم قلب به خداوند پیویندند. ۱۲ آنگاه این کلام خدارا پذیرفته اند. ۱۳ و چون پطروس به اورشلیم آمد، اهل ختنه با وی معارضه کرده، ۱۴ گفتند که «بامردم نامخون برآمده، با ایشان غذا خوردی!» ۱۵ پطروس از اول مفصله بدیشان بیان کرده، گفت: ۱۶ «من در شهر یافا دعا می کردم که ناگاه در عالم رویا ظرفی را دیدم که نازل می شود مثل چادری بزرگ به چهار گوشه از آسمان آویخته که بر من می رسد. ۱۷ چون بر آن نیک نگریسته، تأمل کردم، دواب زمین و وحش و حشرات و ایشان اغابوس نام برخاسته، به روح اشاره کرد که قحطی شدید مرغان هوا را دیدم. ۱۸ و آوازی را شنیدم که به من می گوید: «ای پطروس برخاسته، ذبح کن و بخور.» ۱۹ گفتمن: «حاشا خداوندا، ۲۰ زیرا هرگز چیزی حرام یا ناپاک به دهان نرفته است.» ۲۱ بار دیگر خطاب از آسمان دررسید که «آنچه خدا پاک نموده، توحراً کردن و آن را به دست برنابا و سولس نزد کشیشان روانه نمودند. ۲۲ این سه کرت واقع شد که همه باز به سوی آسمان بالا بردند. ۲۳ و اینک در همان ساعت سه مرد از قبیره نزد

من فرستاده شده، به خانه ای که در آن بودم، رسیدند. ۲۴ و کلیسا دراز کرد ۲۵ و یعقوب برادر یوحنا را به شمشیر کشت. ۲۶ و روح مرآ گفت که «با ایشان بدون شک برو.» و این شش برادر چون دید که یهود را پسند افتاد، بر آن آفروده، پطروس رانیز گرفnar نیز همراه من آمدند تا به خانه آن شخص داخل شدیم. ۲۷ و ما کرد و ایام فطیر بود. ۲۸ پس او را گرفته، در زندان انداخت و راگاهانید که چطور فرشته ای را در خانه خود دید که ایستاده به وی به چهار دسته ریاعی سپاهیان سپرد که او را نگاهبانی کنند و گفت «کسان به یافا بفرست و شمعون معروف به پطروس را بطلب اراده داشت که بعداز فصح او را برای قوم بیرون آورد. ۲۹ پس که با تو سخنانی خواهد گفت که بدانها تو و تمامی اهل پطروس را در زندان نگاه می داشتند. ۳۰ و در شبی که هیرودیس خانه تو نجات خواهید یافت.» ۳۱ و چون شروع به سخن گفتن قصد بیرون آوردن وی داشت، پطروس به دو زنجیر بسته، درمیان دو می کردم، روح القدس بر ایشان نازل شد، همچنانکه نخست برا م. سپاهی خفته بود و کشکچیان نزد درزندان را نگاهبانی می کردند. ۳۲ آنگاه بخطاب آوردم سخن خداوند را که گفت: «یحیی به آب ۳۳ ناگاه فرشته خداوند نزد وی حاضر شد و روشنی در آن خانه تعمید داد، لیکن شما به روح القدس تعمید خواهید یافت.» ۳۴ درخشید. پس به پهلوی پطروس زده، او را بیدارنمود و گفت: پس چون خدا همان عطا را بیشان پخشید، چنانکه به ما محض «بزودی بrixz». که در ساعت زنجرها از دستش فرو ریخت. ۳۵ و ایمان آوردن به عیسی مسیح خداوند، پس من که باشم که بتوانم فرشته وی را گفت: «کمر خود را بیند و نعلین بربا کن.» پس خدا را مانعت نمایم؟» ۳۶ چون این را شنیدند، ساکت شدند و چنین کرد و به وی گفت: «ردادی خود را پیش و از عقب من بیا.» خدا را تمجید کنан گفتند: «فی الحقیقت، خدا به امت ها نیز توبه ۳۷ پس بیرون شده، از عقب او روانه گردید و ندانست که آنچه از

فرشته روی نمود حقیقی است بلکه گمان برد که خواب می‌بیند. را برای من جداسازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن ۱۰ پس از قراولان اول و دوم گذشته، به دروازه آهنی که به سوی خوانده‌ام.» ۳ آنگاه روزه گرفته و دعا کرده و دستها بر ایشان شهر می‌رود رسیدند و آن خودبخود پیش روی ایشان باز شد؛ و از گذارده، روانه نمودند. ۴ پس ایشان از جانب روح القدس فرستاده آن بیرون رفته، تا آخر یک کوچه برفتند که در ساعت فرشته از شده، به سلوکی رفتند و از آنجا از راه دریا به قیوس آمدند. ۵ و غایب شد. ۶ آنگاه پطرس به خودآمده گفت: «اکنون به وارد سلامیس شده، در کنایس یهود به کلام خدا موعظه کردند و تحقیق دانستم که خداوند فرشته خود را فرستاده، مرا از دست یوحنا ملازم ایشان بود. ۶ و چون در تمامی چیزهای تا به پافس هیرودیس و از تمامی انتظار قوم یهود رهایید.» ۷ چون این را گشتند، در آنجا شخص یهودی را که جادوگر ونی کاذب بود دریافت، به خانه مریم مادریوحتای ملقب به مقدس آمد و در آنجا یافتند که نام او باریشع بود. ۷ اورفیق سرحبوس پولس والی بود که بسیاری جمع شده، دعا می‌کردند. ۸ چون او در خانه راکوبید، مردی فهیم بود. همان بربانا و سولس را طلب نموده، خواست کثیری رودا نام آمد تا بفهمد. ۹ چون آواز پطرس را شاخت، از کلام خدا را بشنوید. ۱۰ اما علیماً یعنی آن جادوگر، زیرا ترجمه خوشی در را باز نکرده، به اندرون شتابنه، خبر داد که «پطرس اسمش همچنین می‌باشد، ایشان رامخالفت نموده، خواست والی به درگاه ایستاده است.» ۱۱ وی را گفتند: «دیوهای ای.» و چون را از ایمان برگرداند. ۱۲ ولی سولس که پولس باشد، پر ازرو القدس تاکید کرد که چنین است، گفتند که فرشته او بشاد. ۱۳ اما شده، بر او نیک نگریسته، ۱۴ گفت: «ای پر از هر نوع مکرو و پطرس پیوسته در را می‌کویید. پس در را گشوده، او را دیدند و خباثت، ای فرزند ایلیس و دشمن هر راستی، باز نمی‌ایستی از در حریت افتادند. ۱۵ اما او بدست خود به سوی ایشان اشاره منحرف ساختن طرق راست خداوند؟ ۱۶ الحال دست خداوند بر کرد که خاموش باشند و بیان نمود که چگونه خدا او رال زندان توست و کور شده، آتفاب را تا مدتی نخواهی دید.» که در همان خلاصی داد و گفت: «بعقوب و سایر برادران را از این امور مطلع ساعت، غشاوه و تاریکی او را فرو گرفت و دور زده، راهنمایی طلب سازید.» پس بیرون شده، به جای دیگر رفت ۱۷ و چون روز می‌کرد. ۱۸ پس والی چون آن ماجرا را دید، از تعلیم خداوند شد اضطرابی عظیم در سپاهیان افتاد که پطرس را چه شد. ۱۹ متحیر شده، ایمان آورد. ۲۰ آنگاه پولس و رفقایش از پافس به هیرودیس چون او را طلبیده نیافت، کشیچگیان را با خواست کشتن سوار شده، به پوجه پمغلهی آمدند. اما یوحنا از ایشان جدا نموده، فرمود تا ایشان را به قتل رسانند؛ و خود از یهودیه به شده، به اورشلیم برگشت. ۲۱ و ایشان از پوجه عبور نموده، به قیصریه کوچ کرده، در آنجا اقامت نمود. ۲۲ اما هیرودیس با انتاکیه پیسیدیه آمدند و در روز سبت به کیسه درآمد، پنشستند. اهل صور و صیدون خشنمانگ شد. پس ایشان به یکدل نزد او ۲۳ و بعد از تلاوت تورات و صحاف انبیا، روسای کیسه نزد ایشان حاضر شدند و بلاستس ناظر خوابگاه پادشاه را با خود متحد ساخته، فرستاده، گفتند: «ای برادران عزیز، اگر کلامی نصیحت آمیز برای طلب مصالحه کردند زیرا که دیار ایشان از ملک پادشاه می‌عیشت قوم دارید، بگویید.» ۲۴ پس پولس برپا ایستاده، بدست خداشان می‌یافت. ۲۵ و در روزی معین، هیرودیس لباس ملوکانه در بر کرد که، گفت: «ای مردان اسرائیلی و خداتران، گوش دهید! ۲۶ ویر مسند حکومت نشسته، ایشان را خطاب می‌کرد. ۲۷ و خلق خدای این قوم، اسرائیل، پدران ما را برگرداند، قوم را در غربت ندا می‌کردند که آواز خداست نه آواز انسان. ۲۸ که در ساعت ایشان در زمین مصر سرافراز نمود و ایشان را به بازوی بلند از آنجا فرشته خداوند اورا زد زیرا که خدا را تمجید ننمود و کرم او را خورد بیرون آورد؛ ۲۹ و قریب به چهل سال در بیابان متحمل حرکات که بمرد. ۳۰ اما کلام خدا نمود کرده، ترقی یافت. ۳۱ و بربانا و ایشان می‌بود. ۳۲ و هفت طایقه را در زمین کتعان هلاک کرده، سولس چون آن خدمت را به انجام رسانیدند، از اورشلیم مراجعت زمین آنها را میراث ایشان ساخت تا قریب چهار صد و پنجاه سال. ۳۳ کردند و یوحنا ملقب به مقدس را همراه خود بردنند.

۱۳ آن وقت پادشاهی خواستند و خدا شاول بن قیس را از سبط بنیامین در کلیسا نی که در انتاکیه بود انبیا و معلم چند تا چهل سال به ایشان داد. ۱۴ پس اورا از میان برداشته، داود را بودند: بربانا و شمعون ملقب به نیجر و لوكیوس قیروانی و مناحم برانگیخت تا پادشاه ایشان شود و در حق او شهادت داد که برادر رضاعی هیرودیس تیباریخ و سولس. ۱۵ چون ایشان در عبادت «داود بن بسی را مرغوب دل خود یافته‌ام که به تمامی اراده من خدا و روزه مشغول می‌بودند، روح القدس گفت: «برربانا و سولس عمل خواهد کرد.» ۱۶ و از ذرتی او خدابرحسب و عده، برای

اسرائیل نجات‌دهنده‌ای یعنی عیسی را آورد، ۲۴ چون یحیی پیش اما در سمت دیگر قریب به تمامی شهر فراهم شدند تا کلام خدا ازآمدن او تمام قوم اسرائیل را به تمیید توبه موعظه نموده بود. را بشنوید. ۴۵ ولی چون یهود ازدحام خلق را دیدند، از حسد ۲۵ پس چون یحیی دوره خودرا به پایان برد، گفت: «مرا که پرگشتند و کفر گفته، با سخنان پولس مخالفت کردند. ۶ آنگاه می‌پندرد؟ من اونیستم، لکن اینک بعد از من کسی می‌آید که پولس و برنابا دلیر شده، گفتند: «واجب بود کلام خدا نخست به لایق گشادن تعليم او نیم.» ۲۶ «ای براذران عزیز و ابیای آن شما القا شود. لیکن چون آن را رد کردید و خود را ناشایسته ابراهیم و هرکه از شما خداترس باشد، مر شما را کلام این نجات حیات جاودانی شمردید، همانا به سوی امت هاتوجه نماییم. فرستاده شد. ۲۷ زیرا سکنه اورشلیم وروساي ایشان، چونکه نه او **(aiōnios g166)** ۲۸ زیرا خداوند به ما چنین امروزمند که «تو را را شناختند و نه آوازهای انبیا را که هر سبت خوانده می‌شود، بروی نور امته‌ها ساختم تا الی اقصای زمین منشا نجات باشی.»^{۲۹} فتوی دادند و آنها را به اتمام رسانیدند. ۲۸ وهرچند هیچ علت قتل ۴۸ چون امته‌ها این راشنیدند، شادخاطر شده، کلام خداوند را در وی نیافتند، از پلاطوس خواهش کردند که او کشته شود. **(aiōnios g166)** ۴۹ تمجیدنمودند و آنانی که برای حیات جاودانی مقریبودند، ایمان ۲۹ پس چون آنچه درباره وی نوشته شده بود تمام کردند، او را از آوردند. **(aiōnios g166)** ۵۰ و کلام خدا در تمام آن نواحی صلیب پایین آورد، به قبر سپریدند. ۳۰ لکن خداو را از مردگان متنشترگشت. ۵۰ اما یهودیان چند زن دیندار و متخصص و اکابر برخیزانید. ۳۱ او روزهای بسیار ظاهر شد بر آنانی که همراه او از شهر را بشورانیدند و ایشان را به زحمت رسانیدن بر پولس و برنابا جلیل به اورشلیم آمده بودند که الحال نزد قوم شهود او می‌باشد. تحریض نموده، ایشان را از حدود خود بیرون کردند. ۵۱ و ایشان ۳۲ پس ما به شما بشارت می‌دهیم، بدان وعده‌ای که به پدران ما حاک پایهای خود را بر ایشان افشاراند، به ایقونیه آمدند. ۵۲ و داده شد، ۳۳ که خدا آن را به ما که فرزندان ایشان می‌باشیم وفا شاگردان پر از خوشی و روح القدس گردیدند.

کرد، وقتی که عیسی را برانگیخت، چنانکه در زیر دوم مکتوب ۱۴ اما در ایقونیه، ایشان با هم به کنیسه یهود درآمد، به است که «تو پسر من هستی، من امزو را تولیدنمودم.»^{۳۴} نوعی سخن گفتند که جمعی کثیر از یهود و یهودیان ایمان آوردند. و در آنکه او را از مردگان برخیزانید تا دیگر هرگز راجع به فساد ۲ لیکن یهودیان بی ایمان دلهای امته‌ها را اغوانمودند و با براذران نشود چنین گفت که «به بركات قدوس و امن داد برای شما وفا بداندیش ساختند. ۳ پس مدت مدیدی توقف نموده، به نام خواهم کرد.»^{۳۵} بنابراین در جایی دیگر نیز می‌گوید: «تقدوس خداوندی که به کلام فیض خود شهادت می‌داد، به دلیر سخن خود را نخواهی گذاشت که فساد را بیند.»^{۳۶} زیرا که داده چونکه در زمان خود اراده خدا را خدمت کرده بود، به خفت و به ظاهر شود. ۴ و مردم شهر دو فرقه شدند، گروهی همداستان یهود پدران خود ملحق شده، فساد را دید. ۳۷ لیکن آن کس که خدا او را برانگیخت، فساد را ندید. ۳۸ «پس ای براذران عزیز، شما را معلوم باد که به وساطت او به شما از آمزش گناهان اعلام می‌شود.»^{۳۹} و به وسیله او هرکه ایمان آورد، عادل شمرده می‌شود، از هر چیزی که به شریعت موسی نتوانستید عادل شمرده شوید. ۴۰ پس اختیاط کنید، مبادا آنچه در صفحه انجیامکتوب است، بر شما واقع شود،^{۴۱} که «ای حقیرشمارندگان، ملاحظه کنید و تعجب نمایید و هلاک شوید زیرا که من عملی را دریام شما پدید.» ۱۰ پس به آواز بلند بدو گفت: «بر پایهای خود راست بایست.»^{۴۲} آرم، عملی که هرچند کسی شما را از آن اعلام نماید، تصدیق نخواهید کرد.»^{۴۳} پس چون از کنیسه بیرون می‌رفتند، خواهش نمودند که در سبت آینده هم این سخنان را بدیشان بازگویند. ۴۳ گفتند: «خدایان به صورت انسان نزد ماناژل شده‌اند.»^{۴۴} پس ۱۲ چون اهل کنیسه متفرق شدند، بسیاری از یهودیان و جدیدان برنابا را مشتری و پولس راعطاورد خواندند زیرا که او در سخن گفتن خدا پیرست از عقب پولس و برنابا افتدند؛ و آن دو نفر به ایشان مقدم بود. ۱۳ پس کاهن مشتری که پیش شهر ایشان بود، گواون سخن گفته، ترغیب می‌نمودند که به فیض خدایاتیت باشید.^{۴۵}

و تاجها با گروه هایی از خلق به دروازه ها آورده، خواست که قربانی دادند. ۴ و چون وارد اورشلیم شدند، کلیسا و رسولان و کشیشان گذراند. ۱۴ اما چون آن دو رسول یعنی برنابا و پولس شنیدند، ایشان را پذیرفتند و آنها را از آنچه خدا با ایشان کرده بود، خبر جامه های خود را دریده، در میان مردم افتدند و ندا کرد، ۱۵ دادند. ۵ آنگاه بعضی از فرقه فریسیان که ایمان آورده بودند، گفتند: «ای مردمان، چرا چنین می کنید؟ ما نیز انسان و صاحبان برخاسته، گفتند: «ایها را باید خته نمایند و امر کنند که ستن علیها مانند شما هستیم و به شما بشارت می دهیم که از این اباطیل موسی را نگاه دارند.» ۶ پس رسولان و کشیشان جمع شدند تا رجوع کنید به سوی خدای حی که آسمان و زمین و دریا و آنچه را در این امر مصلحت بینند. ۷ و چون مباحثه سخت شد، پطروس که در آنها است آفرید، ۱۶ که در طبقات سلف همه امتها را برخاسته، بدانسته، گفت: «ای برادران عزیز، شما آگاهید که از ایام واگذاشت که در طرق خود رفارتکنید، ۱۷ با وجودی که خود را اول، خدا از میان شما تاختیار کرد که امتها از زیان من کلام بی شهادت نگذاشت، چون احسان می نمود و از آسمان باران بشارت را بشنوند و ایمان آورند. ۸ و خدای عارف القلوب بر ایشان بارانیده و فضول بارآور بخشیده، دلهای ما را از خوارک و شادی پر شهادت داد بدین که روح القدس را بدانسته، چنانکه به ما نیز می ساخت.» ۹ و بدین سختن خلق را از گذرانیدن قربانی برای ۹ و در میان ما وایشان هیچ فرق نگذاشت، بلکه محض ایمان ایشان به دشواری باز داشتند. ۱۰ اما پهودیان از انطاکیه و ایقونیه شهادت دلهای ایشان را طاهر نمود. ۱۰ پس اکون چرا خدا را امتحان شهربیرون کشیدند و پنداشتند که مرده است. ۲۰ اما چون طاقت تحمل آن راندشیم، ۱۱ بلکه اعتقاد داریم که محض فیض شاگردان گرد او ایستادن دیر برخاسته، به شهر درآمد و فردا آن روز با خداوند عیسی مسیح نجات خواهیم یافت، همچنان که ایشان برنابا به سوی دریه روانه شد ۲۱ و در آن شهر بشارت داده، بسیاری نیز. ۱۲ پس تمام جماعت ساکت شده، به برنابا و پولس گوش را شاگرد ساختند. پس به لسته وايقونیه و انطاکیه مراجعت کردند. گرفتند چون آیات و معجزات راییان می کردند که خدا در میان ۲۲ دلهای شاگردان را تقویت داده، پند می دادند که در ایمان امتها به وساطت ایشان ظاهر ساخته بود. ۱۳ پس چون ایشان ثابت بمانند و اینکه با مصیتیهای پسیار می باید داخل ملکوت خدا ساکت شدند، یعقوب رو آورده، گفت: «ای برادران عزیز، مرا گذیرم. ۲۳ و در هر کلیسا بجهت ایشان کشیشان معین نمودند گوش گیرید. ۱۴ شمعون بیان کرده است که چگونه خدا اول و دعا و روزه داشته، ایشان را به خداوندی که بدو ایمان آورده امتها را تقدیم کردند تا قومی از ایشان به نام خود بگیرد. ۱۵ و کلام بودند، سپردن. ۲۴ و از پیسیدیه گذشته به پمغله آمدند. ۲۵ و اینجا در این مطابق است چنانکه مکتوب است ۱۶ که «بعد از در پیچ به کلام موعظه نمودند و به اتالیه فرود آمدند. ۲۶ و این رجوع نموده، خیمه داد را که افتاده است باز پنا می کنم و از آنجا به کشتش سوار شده، به انطاکیه آمدند که از همان جا خرابیهای آن را باز پنامی کنم و آن را برپا خواهم کرد، ۱۷ تا بقیه ایشان را به فیض خدا سپرده بودند برای آن کاری که به انجام مردم طالب خداوند شوند و جمیع امت هایی که بر آنها نام من رسانیده بودند. ۲۷ و چون وارد شهر شدند کلیسا را جمع کرده، نهاده شده است.» ۱۸ این را می گوید خداوندی که این چیزها را ایشان را مطلع ساختند از آنچه خدا با ایشان کرده بود و چگونه از بدو عالم معلوم کرده است. (aiōn g165) ۱۹ پس رای من دروازه ایمان را برای امتها باز کرده بود. ۲۸ پس مدت مديدة با این است: کسانی را که از امتها به سوی خدا بازگشت می کنند شاگردان بس برندند.

۱۵ و تی چند از پهودیه آمده، برادران را تعلیم می دادند که از طبقات سلف در هر شهر اشخاصی دارد که بدو موعظه می کنند، «اگر بحسب آئین موسی مختون نشوید، ممکن نیست که نجات چنانکه در هر سبت در کنایس او را تلاوت می کنند.» ۲۲ آنگاه پایید. ۲ چون پولس و برنابا را ممتازه و مباحثه پسیار با ایشان رسولان و کشیشان با تمامی کلیسا بدين رضا دادند که چند نفر از واقع شد، فرار بر این شد که پولس و برنابا و چند نفر دیگر از میان خود انتخاب نموده، همراه پولس و برنابا به انطاکیه بفرستند، ایشان نزد رسولان و کشیشان در اورشلیم برای این مساله بروند. ۳ یعنی پهودای ملقب به برسابا و سیلاس که از پیشوایان برادران پس کلیسا ایشان را مشایعت نموده از فیضیه و سامره عبور کرده، بودند. ۲۳ و بدست ایشان نوشته شد که «رسولان و کشیشان و ایمان آوردن امتها را بیان کردنده و همه برادران را شادی عظیم برادران، به برادران از امتها که در انطاکیه و سوریه و قیلیقیه

می باشند، سلام می رسانند. ۲۴ چون شنیده شد که بعضی از میان در اورشلیم حکم فرموده بودند، بدیشان می سپردند تا حفظ نمایند. ما بیرون رفته، شما را به سخنان خود مشوش ساخته، دلهای شما پس کلیساها در ایمان استوار می شدند و روزبیروز در شماره رامتنقل می نمایند و می گویند که می باید مختون شده، شریعت را افزووده می گشتند. ۶ و چون از فریجیه و دیار غلاطیه عبور کردند، نگاه بدارید و ما به ایشان هیچ امر نکردیم. ۷ لهذا ما به یک روح القدس ایشان را از رسانیدن کلام به آسیا منع نمود. ۷ پس به دل مصلحت دیدیم که چند نفر را اختیار نموده، همراه عزیزان میسیا آمده، سعی نمودند که به بطیننا بروند، لیکن روح عیسی خود بربابا و پولس به نزد شما بفرستیم، ۲۶ اشخاصی که جانهای ایشان را باز ندادند. ۸ و از میسیا گذشت به تراس رسیدند. ۹ خود را در راه نام خداوند ما عیسی مسیح تسليم کردند. ۲۷ شیخ پولس را رویا رخ نمود که شخصی از اهل مکادونیه ایستاده پس بیهودا و سیلاس را فرستادیم و ایشان شمارا از این امور زیانی بود نتماس نموده گفت: «به مکادونیه آمده، ما را امداد فرماء» خواهند آگاهانید. ۲۸ زیرا که روح القدس و ما صواب دیدیم که ۱۰ چون این رویا را دید، بی درنگ عازم سفرمکادونیه شدیم، زیرا به باری بر شمانهیم جز این ضروریات ۲۹ که از قربانی های بتها و یقین دانستیم که خداوندما را خوانده است تا بشارت بدیشان خون و حیوانات خفه شده و زنا بپرهیزید که هرگاه از این امور رسانیم. ۱۱ پس از تراس به کشتنی نشسته، به راه مستقیم به خود را محفوظ دارید به نیکوی خواهید پرداخت والسلام.» ۳۰ ساموترا کی رفتیم که شهر اول از سرحد مکادونیه و کلونیه است و در آن پس ایشان مرخص شده، به انطاکیه آمدند و جماعت را فراهم رفتیم که شهر اول از سرحد مکادونیه و کلونیه است و در آن آورد، نامه را رسانیدند. ۳۱ چون مطالعه کردند، از این تسلی شهرچند روز توقف نمودیم. ۱۲ و در روز سیت از شهربیرون شده و شاد خاطر گشتند. ۳۲ و بیهودا و سیلاس چونکه ایشان هم نبی به کنار رودخانه جایی که نماز می گذارند، نشسته با زیانی که بودند، برادران را به سخنان بسیار، نصیحت و تقویت نمودند. ۳۳ در آنجا جمع می شدند سخن راندیم. ۱۴ و زنی لیدیه نام، ارغوان پس چون مدتی در آنجا بسرپرندن به سلامتی از برادران رخصت فروش، که از شهر طیاتیرا و خداپرست بود، می شنید که خداوند گرفته، به سوی فرستنده کان خود توجه نمودند. ۳۴ اما پولس و دل او را گشود تا سخنان پولس را بشنوید. ۱۵ و چون او و اهل برتابا در انطاکیه توقف نموده، ۳۵ با بسیاری دیگر تعلیم و بشارت خانه اش تعیید یافتند، خواهش نموده، گفت: «اگر شما را یقین به کلام خدامی دادند. ۳۶ و بعد از ایام چند پولس به برتابا است که به خداوند ایمان آوردم، به خانه من درآمده، بمانید.» و گفت: «برگردیم و برادران را در هر شهری که در آنها به کلام ما را الحاح نمود. ۱۶ و واقع شد که چون ما به محل نمازی خداوند اعلام نمودیم، دیدن کنیم که چگونه می باشند.» ۳۷ اما رفتیم، کنیزی که روح تعالی داشت و از غیب گویی منابع بسیار برتابا چنان مصلحت دید که یوحنای ملقب به مرقس را همراه برای آقایان خود پیدامی نمود، به ما برخورد. ۱۷ و از عقب پولس نیز بردارد. ۳۸ لیکن پولس چنین صلاح دانست که شخصی و مأمه، ندا کرده، می گفت که «این مردمان خدام خدای تعالی را که از پمغایله از ایشان جدا شده بود و با ایشان در کار همراهی می باشند که شما را از طریق نجات اعلام می نمایند.» ۱۸ و چون نکرده بود، با خود نبرد. ۳۹ پس نزاعی سخت شد بحدی که از این کار را روزهای بسیار می کرد، پولس دلنشگ شده، برگشت و به یکدیگر جدا شده، برتابا مرقس را برداشته، به قپرس از راه دریا روح گفت: «تو را می فرمایم به نام عیسی مسیح ازین دختر بیرون رفت. ۴۰ اما پولس سیلاس را اختیار کرد و از برادران به فیض بیا.» که در ساعت از او بیرون شد. ۱۹ اما چون آقایانش دیدند خداوند سپرده شده، رو به سفر نهاد. ۴۱ و از سویه و قیلیقیه عبور که از کسب خود مایوس شدند، پولس و سیلاس را گرفته، در بازارزند حکام کشیدند. ۲۰ و ایشان را نزد والیان حاضر ساخته، کلیساها را استوار می نمود.

گفتند: «این دو شخص شهر ما را به شورش آورده اند و از بیهوده هستند، ۲۱ و رسمی می را اعلام می نمایند که پذیرفتن و به جا آوردن آنها بر ما که رومیان هستیم، جائز نیست.» ۲۲ پس خلق بر ایشان لسته و ایقونیه بر او شهادت می دادند. ۳ چون پولس خواست او همراه وی بیاید، او را گرفته مختون ساخت، به سبب بیهودیانی که در آن نواحی بودند زیرا که همه پدرش را می شناختند که یونانی بود. ۴ و در هر شهری که می گشتند، قانونها را که رسولان و کشیشان افکنند و داروغه زندان را تاکید فرمودند که ایشان را محکم نگاه دارد. ۲۴ و چون او بدینطور امر یافت، ایشان را به زندان درونی

انداخت ویاهاي ايشان را در كنده مضبوط کرد. ۲۵ اما قریب به چند نفر اشار ازيازارها را برداشته، خلق را جمع کرده، شهر را به نصف شب، پولس و سيلاس دعا کرده، خدا را تسبیح می خواندند شورش آوردن و به خانه ياسون تاخته، خواستندايشان را در ميان و زندانيان ايشان را می شنيدند. ۲۶ که ناگاه زلجهای عظیم حادث مردم ببرند. ۶ و چون ايشان رانیافتند، ياسون و چند برادر را نزد گشت بحدی که بیناد زندان به جنبش درآمد و دفعه همه درها باز حکام شهر کشیدند و ندا می کردند که «آنانی که بيع مسكون را شد و زنجيرها از همه فرو ریخت. ۲۷ اما داروغه بدار شده، چون شورانیدهاند، حال بدینجا نیازمندند. ۷ و ياسون ايشان را پذیرفته درهای زندان را گشوده دید، شمشیر خود را کشیده، خواست خود است و همه اينها برخلاف احکام قيسرا عمل می کنند و قليل بر را بکشند زيرا گمان برد که زندانيان فرار کردهاند. ۲۸ اما پولس به اين هستند که پادشاهی دیگر هست يعني عيسی». ۸ پس آواز بلندصدا زده، گفت: «خود را ضرری مرسان زيرا که ماهمه در خلق و حکام شهر را ازشنیدن اين سخنان مضطرب ساختند ۹ اينجا هستيم.» ۲۹ پس چراغ طلب نموده، به اندرون جست و از ياسون و ديگران کفالت گرفته، ايشان را هاکردن. ۱۰ اما لزان شده، نزد پولس و سيلاس افتد. ۳۰ و ايشان را بیرون آورده، برادران بريتگ در شب پولس و سيلاس را به سوي بيري روانه گفت: «اى آفایان، مرا چه باید کرد تا نجات یابم؟» ۳۱ گفتند: کردن و ايشان بدانجا رسیده، به کنيسه يهود درآمدند. ۱۱ و به خداوند عيسی مسیح ايمان آور که تو و اهل خانه ات نجات اينها اهل سخنان را بشنو و درگاه را شورانیدند، چونکه دركمال رضامندی خواهيد یافت. ۳۲ آنگاه کلام خداوند را برای او و تمامی اهل کلام را پذيرفتند و هر روز کتب را تفتيش می نمودند که آيا اين بيتش بيان کردن. ۳۳ پس ايشان را برداشته، در همان ساعت همچنین است. ۱۲ پس بسياري از ايشان ايمان آوردن و از زنان شب زخمهاي ايشان را شست و خود و همه کسانش في الفور شريف یونانيه و از مردان، جمعی عظیم. ۱۳ ليکن چون يهوديان تعتميد یافتد. ۳۴ و ايشان را به خانه خود درآورده، خوانی پيش تسالونیکی فهمیدند که پولس در بيري تيز به کلام خدا موعظه ايشان نهاد و با تمامی عيال خود به خدا ايمان آورده، شادگاریدند. می کند، درآنجا هم رفته، خلق را شورانیدند. ۱۴ در ساعت برادران اما چون روز شد، واليان فراشان فرستاده، گفتند: «آن دو پولس را به سوي دريا روانه کردن ولي سيلاس با تيموتاوس در آنجا شخص را رها نما.» ۳۵ آنگاه داروغه پولس را از اين سخنان توقف نمودند. ۱۵ و رهتمايان پولس او را به اطينا آوردن و حکم آگاهانيد که «واليان فرستاده اند تا رسکتار شويد. پس الان بیرون برای سيلاس و تيموتاوس گفته که به زودی هرچه تمام تر به نزد او آمده، به سلامتی روانه شويد.» ۳۷ ليکن پولس بدیشان گفت: آيند، روانه شدند. ۱۶ اما چون پولس در اطينا انتظار ايشان رامي «ما را که مردمان رومي می باشيم، آشكارا و بی حجهت زده، به کشید، روح او در اندرونش مضطرب گشت چون دید که شهر از زندان انداختند. آيا الان ما را به پنهانی بیرون می نمایند؟ نی بلکه بپنهان پرس است. ۱۷ پس درکيسه با يهوديان و خداپستان و در بازار، خود آمده، ما را بیرون يپاروند. ۳۸ پس فراشان اين سخنان را به هرزوء با هرکه ملاقات می کرد، مباحثه می نمود. ۱۸ اما بعضی از واليان گفتند و چون شنیدند که رومي هستند پرسيدند ۳۹ و فلاسفه اپیکوریون و رواقین با اوروپو شده، بعضی می گفتند: «اين آمده، بدیشان التمام نموده، بیرون آوردنو خواهش کردن که از یاوه گو چه می خواهد بگوید؟» و ديگران گفتند: «ظاهر واعظ به شهر بروند. ۴۰ آنگاه از زندان بیرون آمده، به خانه لیديه شناختند و خدایان غریب است.» زيرا که ايشان را به عيسی و قیامت بشارت با برادران ملاقات نموده و ايشان را نصیحت کرده، روانه شدند. می داد. ۱۹ پس او را گرفته، به کوه مریخ بردند و گفتند: «آيا

۱۷ و از امفپولس و اپولونیه گلشته، به تسالونیکی رسیدند که می توانیم یافت که اين تعليم تازه‌های که تو می گویی چیست؟ ۲۰ می توانیم یافت که اين تعليم تازه‌های که تو می گویی چیست؟ در آنجا کنيسه يهود بود. ۲ پس پولس بحسب عادت خود، چونکه سخنان غریب به گوش مامي رسانی. پس می خواهیم بدانیم نزد ايشان داخل شده، در سه سبت با ايشان از كتاب مباحثه از اينها چه مقصود است. ۲۱ اما جمیع اهل اطينا و غربای داشتند. ۲۲ پس پولس در وسط کوه مریخ ایستاده، گفت: «اى بیند و از مردگان برخیزیدو عيسی که خبر او را به شما می دهم، اين مسیح است.» ۴ و بعضی از ايشان قبول کردن و با پولس و سيلاس متعدد شدند و از یونانیان خداترس، گروهي عظیم و از آن، نام خدای ناشناخته نوشته بود. پس آنچه را شمانا شناخته زنان شریف، عددی كثیر. ۵ اما يهوديان بی ايمان حسد برد، مذبحي یافتم که بر می پرستيد، من به شما اعلام می نمایم. ۲۴ خدایي که جهان و

آنچه در آن است آفرید، چونکه او مالک آسمان و زمین است، «ترسان میاش، بلکه سخن بگو و خاموش میاش ۱۰ زیرا که من با درهیکلهای ساخته شده به دستها ساکن نمی باشد ۲۵ و از دست تو هستم و هیچ کس تو را اذیت نخواهد رسانید زیرا که مرد این مردم خدمت کرده نمی شود که گویامحتاج چیزی باشد، بلکه شهر خلق بسیار است.» ۱۱ پس مدت یک سال و شش ماه خود به همگان حیات و نفس و جمیع چیزها می پخشند. ۲۶ و هر توقف نموده، ایشان را به کلام خدا تعلیم می داد. ۱۲ اما چون امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن غالیون والی اخایه بود، یهودیان یکدل شده، بر سر پولس تاخته، گیرند و زمانهای معین و حدودمسکنهای ایشان را مقرر فرموده ۲۷ او را پیش مستند حاکم بردن ۱۳ و گفتند: «این شخص مردم را تا خدا را طلب کنند که شاید او را تفحص کرده، پایاند، با آنکه اغومی کند که خدا را بخلاف شریعت عبادت کنند.» ۱۴ چون ازیچیکی از ما دور نیست. ۲۸ زیرا که در او زندگی و حرکت و پولس خواست حرف زند، غالیون گفت: «ای یهودیان اگر ظلمی وجود داریم چنانکه بعضی از شعرا شما نیز گفته اند که از نسل او یا فسقی فاحش می بود، هر آینه شرط عقل می بود که متهم می باشیم. ۲۹ پس چون از نسل خدا می باشیم، نشاید گمان برد شما بشوم. ۱۵ ولی چون مسالمه ای است درباره سخنان و نامها و که الوهیت شیاهت دارد به طلا یا نقره یا سنج متفوшу به صنعت شریعت شما، پس خود بفهمید. من درچنین امور نمی خواهم یا مهارت انسان. ۳۰ پس خدا از زمانهای جهالت چشم پوشیده، داوری کنم.» ۱۶ پس ایشان را از پیش مستند براند. ۱۷ و همه الان تمام خلق رادر هر جا حکم می فرماید که توبه کنند. ۳۱ زیرا سوستانیس رئیس کنسیه را گرفته او را در مقابل مستند والی بردن و روزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری غالیون را از این امور هیچ پروانه نمود. ۱۸ اما پولس بعد از آن روزهای خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به اینکه بسیار در آنجاتوقف نمود پس برادران را وداع نموده، به سوریه از او را از مردگان برخیزاند. ۳۲ چون ذکر قیامت مردگان شنیدند، راه دریا رفت و پرسکله و اکیلا همراه او رفتند. و درکناره موی بعضی استهزا نمودند و بعضی گفتند مرتبه ذیگر در این امر از تو خود را چید چونکه نذر کرده بود. ۱۹ و چون به افسس رسید آن خواهیم شدید. ۳۳ و همچنین پولس ازیمان ایشان بیرون رفت. ۲۴ دو نفر را در آنجا رها کرده، خود به کنیسه درآمد، با یهودیان لیکن چند نفر بدپیوسته ایمان آوردند که از جمله ایشان دیونیسیوس مباحثه نمود. ۲۰ و چون ایشان خواهش نمودند که مدتی با ایشان آریواغی بود و زنی که دامرس نام داشت و بعضی ذیگر با ایشان. بماند، قبول نکرد ۲۱ بلکه ایشان را وداع کرده، گفت که «مرا به هر صورت باید عیدآینده را در اورشلیم صرف کنم. لیکن اگر خدابخواهد، باز به نزد شما خواهمن برگشت.» پس از افسس روانه شد. ۲۲ و به قصیره فرود آمد (به اورشلیم) رفت و کلیسا را تحيت نموده، به انطاکیه آمد. ۲۳ و مدتی در آنجا مانده، باز به سفر توجه نمود و در ملک غلاتیه و فربیجه جابجا می گشت و همه شاگردان را استوار می نمود. ۲۴ اما شخصی یهود اپل نام از ایشان خیمه‌دوزی بود. ۴ و هر سبت در کنیسه مکالمه کرده، یهودیان و یونانیان را مجاب می ساخت. ۵ اما چون سیلاس و یهودیان شهادت می داد که عیسی، مسیح است. ۶ ولی چون یهودیان شهادت می داد که عیسی، مسیح است. ۷ پس از آنجا نقل کرده، به ایشان افزانه شخصلی یوستس نام خدا پرست آمد که خانه او متصل به کنیسه بود. ۸ اما کرسپس، رئیس کنیسه با تمامی اهل بیتیش به خداوند ایمان آوردند و بسیاری از اهل قرنس چون شنیدند، ایمان آورده، تعمید یافتند. ۹ شبی خداوند در رویا به پولس گفت: که عیسی، مسیح است.

و چون اپلس در قرنتس بود، پولس درنواحی بالا گردش اورشلیم بود و گفت: «بعد از رفتنم به آنجا روم را نباید دید.» کرده، به افسوس رسید. و در آنجا شاگرد چند یافته، ۲۲ بدیشان پس دو نفر از ملازمان خود یعنی تیمتوواس و ارسطلوس را به گفت: «آیا هنگامی که ایمان آوردید، روح القدس را یافید؟» به مکادونیه روانه کرد و خود در آسیا چندی توقف نمود. ۲۳ در آن وی گفتند: «بلکه نشنیدیم که روح القدس هست!» ۲۴ بدیشان زمان هنگامهای عظیم درباره طریقت بر پا شد. ۲۴ زیرا شخصی گفت: «پس به چه چیز تعمید یافتید؟» گفتند: «به تعمید دیمیتریوس نام زرگر که تصاویریتکده ارطامیس از نقره می ساخت و یعنی.» ۴ پولس گفت: «یعنی البته تعمید توبه می داد و به قوم بجهت صنعتگران نفع خطیر پیدا می نمود، ایشان را و دیگرانی که می گفت به آن کسی که بعد از من می آید ایمان بیاورید یعنی به در چنین پیشه اشتغال می داشتند، ۲۵ فراهم آورده، گفت: «ای مسیح یعنی.» ۵ چون این راشنیدند به نام خداوند عیسی تعمید مردمان شما آگاه هستید که از این شغل، فراخی رزق ما است. گرفتند، ۶ و چون پولس دست بر ایشان نهاد، روح القدس برایشان ۲۶ و دیده و شنیده اید که نه تنها در افسس، بلکه تقریب در تمام نازل شد و به زبانها متكلم گشته، نبوت کردند. ۷ و جمله آن آسیا این پولس خلق بسیاری را اغوا نموده، منحرف ساخته است و مردمان تخمین دوازده نفر بودند. ۸ پس به کیسه درآمد، مدت می گوید اینهایی که بدستها ساخته می شوند، خدایان نیستند. ۲۷ سه ماه به دلیری سخن می راند و در امور ملکوت خدا مباحثه پس خطر است که نه فقط کسب ما از میان رودبلکه این هیکل می نمود و برهان قاطع می آورد. ۹ اما چون بعضی سخت دل خدای عظیم ارطامیس نیز حقیر شمرده شود و عظمت وی که تمام گشته، ایمان نیاوردن و پیش روی خلق، طریقت را بد می گفتند، آسیا و ربع مسکون او را می پرستند برطرف شود. ۲۸ چون این را از ایشان کاره گردید، شاگردان را جدا ساخت و هر روزه درمدرسه شنیدند، از حشم پر گفته، فریاد کرده، می گفتند که «برگ است شخصی طیرانس نام مباحثه می نمود. ۱۰ و بدینطور دو سال ارطامیس افسسیان.» ۲۹ و تمامی شهر به شورش آمده، همه متفق گذشت بقسمی که تمامی اهل آسیا چه یهود و چه یونانی کلام به تماشاخانه تاختند و غایوس و استرخس را که از اهل مکادونیه و خداوند عیسی را شنیدند. ۱۱ و خداوند از دست پولس معجزات همراهان پولس بودند با خودمی کشیدند. ۱۲ بطوری که از بدن او دستمالها و نمود که به میان مردم درآید، شاگردان او را نگذاشتند. ۲۱ و بعضی غیرمعتدل به ظهر می رسانید، ۱۲ بطوری که از بدن او را نگذاشتند، ۲۲ و هر یکی صدایی از یهودیان سیاح عزیمه خوان بر آنانی که ارواح پلید داشتند، علیحده می کردند زیرا که جماعت آشتفته بود و اکثر نمی دانستند نام خداوند عیسی را خوانند گرفتند و می گفتند: «شما را به آن که برای چه جمع شدندان. ۲۳ پس اسکندر را از میان خلق عیسی که پولس به او موعظه می کنند قسم می دهیم!» ۱۴ و هفت کشیدند که یهودیان او را پیش از خودست خود نفر پسран اسکیویاریس کهنه یهود این کار می کردند. ۱۵ اما روح اشاره کرده، خواست برای خود پیش مردم حجت بیاورد. ۲۴ لیکن خبیث در جواب ایشان گفت: «عیسی رامی شناسم و پولس را چون دانستند که یهودی داشتند هم به یک آواز قرب به دو ساعت می دامن. لیکن شما کمیستید؟» ۱۶ و آن مرد که روح پلید داشت ندا می کردند که «برگ است ارطامیس افسسیان.» ۲۵ پس از برایشان جست و برایشان زوار شده، غلیه یافت بعدی که از آن مستوفی شهر خلق را ساكت گردانید، گفت: «ای مردان آن خانه عریان و مجرح فرار کردند. ۱۷ چون این واقعه بر جمیع افسسی، کیست که نمی داند که شهر افسسیان ارطامیس خدای یهودیان و یونانیان ساکن افسس مشهور گردید، خوف بر همه عظیم و آن صنمی را که از مشتری نازل شد پرستش می کند؟ ۲۶ ایشان طاری گشته، نام خداوند عیسی را مکرم می نمودند. ۱۸ و پس چون این امور را نتوان انکار کرد، شما می باید آرام باشید و بسیاری از آنانی که ایمان آورده بودند آمدند و به اعمال خود هیچ کاری به تعجیل نکنید. ۲۷ زیرا که این اشخاص را آوردید که اعتراف کرده، آنها را فاش می نمودند. ۱۹ و جمعی از شعبدیه بازان نه تاراج کشندگان هیکل اند و نه به خدای شما بد گفته اند. ۲۸ کتب خویش را آورده، در حضور خلق سوزانیدند و چون قیمت آنها پس هر گاه دیمیتریوس و همکاران وی ادعایی بر کسی دارند، ایام را حساب کردند، پنجاه هزار درهم بود. ۲۰ بدینطور کلام خداوند قضایا مقرر است و دوازده معین هستند. با هم دیگر مرافعه باید کرد. ترقی کرده قوت می گرفت. ۲۱ و بعد از تمام شدن این مقدمات، ۲۹ و اگر در امری دیگر طالب چیزی باشید، در محکمه شرعی پولس در روح عزیمت کرد که از مکادونیه و اخایه گذشته، به فیصل خواهد پذیرفت. ۴ زیادر خطریم که در خصوص قته امروز

از مبارخواست شود چونکه هیچ علمی نیست که درباره آن عذری کمال فروتنی و اشکهای بسیار وامتحانهایی که از مکاید بهود برای این ازدحام توانیم آورد.» ۴۱ این را گفته، جماعت را متفرق بر من عارض می شد، به خدمت خداوند مشغول می بودم. ۲۰
وچگونه چیزی را از آنجه برای شما مفید باشد، دریغ نداشتم بلکه ساخت.

۲۱ آشکارا و خانه به خانه شما را خبر و تعلیم می نمودم. ۲۱ و به
بعد از تمام شدن این هنگامه، پولس شاگردان را طلبیده، ایشان را وداع نمودو به سمت مکادونیه روانه شد. ۲۲ و
در آن نواحی سیر کرده، اهل آنجا را نصیحت بسیار نمود و به یونانستان آمد. ۲۳ و سه ماه توقف نمود و چون عزم سفر سوریه کرد
و یهودیان در کمین وی بودند، اراده نمود که از راه مکادونیه مراجعت کنند. ۲۴ و سویاترس از اهل بیرون و ارستخس وسکننس
از اهل تسالونیکی و غایپوس از دریه و تیموتواس و از مردم آسیا تیخیکس و تروفیمس تا به آسیا همراه او رفتند. ۲۵ و ایشان پیش
رفه، در توواس منتظر ما شدند. ۲۶ و اما ما بعد از ایام فطیراز فیلیپی
به کشتی سوار شدیم و بعد از پنج روز به توواس نزد ایشان رسیده،
در آنجا هفت روزمانندیم. ۲۷ و در اول هفته چون شاگردان بهجهت شکستن نان جمع شدند و پولس در فرای آن روز عازم سفر بود،
برای ایشان موعظه می کرد و سخن او انتصف شب طول کشید.
۲۸ و در بالاخانه‌ای که جمع بودیم چراغ بسیار بود. ۲۹ ناگاه
جوانی که افتیخس نام داشت، نزد دریچه نشسته بود که خواب سنگین او را دربیود و چون پولس کلام راطول می داد، خواب بر او
نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن اسقف مقرر فرمود تا کلیساي خدا را رعایت کنید که آن را به خون
از اعلام نمودن شما به تمامی اراده خداکوتاهی نکردم. ۳۰ پس از
نگاه دارید خویشتن و تمامی آن گله را که روح القدس شما را بر آن
نمود، ۳۰ و از میان خود شما مردمانی خواهند برجاست که سختان
کچ خواهند گفت تا شاگردان را در عقب خود بکشند. ۳۱ لهذا
بیدار باشید و به یاد آورید که مدت سه سال شبانه‌روز از تنبیه
نمودن هر یکی از شما با اشکها باز نایستادم. ۳۲ والحال ای
برادران شما را به خدا و به کلام فیض اوصی سپارم که قادر است
پذیرفتند. ۳۳ اما ما به کشتی سوار شده، به اسوس پیش رفتیم که
شما را بنا کنید و در میان جمیع مقدسین شما را میراث بخشید. از آنجا می بایست پولس را برداریم که بدیپطرور قرارداد زیرا خواست
تا آنجا پیاده رود. ۳۴ پس چون در اسوس او را ملاقات کردیم، او
را برداشته، به متیلیس آمدیم. ۳۵ و از آنجا به دریاکوچ کرده، روز
دیگر به مقابل خیوس رسیدیم و روز سوم به ساموس وارد شدیم و در
تروجیلیون توقف نموده، روز دیگر وارد میلیس شدیم. ۳۶ زیرا که
بولس عزیمت داشت که از محاذی افسس پیگرد، میادا او را در
آسیا درنگی پیدا شود، چونکه تعجیل می کرد که اگر ممکن شود
تاروی پطیلیکاست به اورشلیم برسد. ۳۷ پس از میلیتیس به افسس
شدن‌خصوص بجهت آن سخنی که گفت: «بعد از این روی مرا
فرستاده، کشیشان کلیسا را طلبید. ۳۸ و چون به نزدش حاضر
شدن، ایشان را گفت: «بر شما معلوم است که از روز اول که
وارد آسیا شدم، چطور هر وقت با شما بسروی بردم؟ ۳۹ که با

و چون از ایشان هجرت نمودیم، سفردیا کردیم و به راه ۲۲ پس چه باید کرد؟ البته جماعت جمع خواهند شد زیرا خواهند راست به کوس آمدیم و روز دیگر به رودس و از آنجا به پاترا. ۲۳ پس آنچه به توگویم به عمل آور: چهار و چون کشتنی ای یافتم که عازم فینیقیه بود، بر آن سوار شده، کوچ مرد نزد ما هستند که برایشان نذری هست. ۲۴ پس ایشان را کردیم. ۳ و قبیض را به نظر آورده، آن را به طرف چپ رها کرده، به برشاشته، خود را با ایشان تطهیر نما و خرج ایشان را بده که سر سویه رفتیم و در صور فروز آمدیم زیرا که در آنجا می‌بايست خود را بتراشید تا همه بدانند که آنچه درباره تو شنیده‌اند اصلی بار کشتنی را فروز آورند. ۴ پس شاگردی چند پیدا کرده، هفت ندارد بلکه خود نیز درمحافظت شریعت سلوک می‌نمایی. ۲۵ روز در آنجاماندیم و ایشان به الهام روح به پولس گفتند که به لیکن درباره آنانی که از امت‌ها ایمان آورده‌اند، مافرستادیم و حکم اورشلیم نزود. ۵ و چون آن روزها را بسر بردمیم، روانه گشته‌یم و همه کردیم که از قربانی‌های بت و خون و حیوانات خفه شده و زنا با زنان و اطفال تا بیرون شهر مارا مشایع نمودند و به کناره دریا پرهیز نماید. ۶ پس پولس آن اشخاص را برشاشته، روز دیگر با زانو زده، دعاکردیم. ۶ پس یکدیگر را وداع کرده، به کشتنی سوار ایشان طهارت کرده، به هیکل درآمد و از تکمیل ایام طهارت شدیم و ایشان به خانه‌های خود برگشتند. ۷ و ما سفر دریا را به اطلاع داد تا هدیه‌ای برای هر یک از ایشان بگذارند. ۲۷ و چون انجام رسانیده، از صور به پتولامیس رسیدیم و برادران را سلام هفت روز نزدیک به انجام رسید، یهودی‌ای چند از آسیا او را در کرده، با ایشان یک روز ماندیم. ۸ در فردا آن روز، از آنجا روانه هیکل دیده، تمامی قوم را به شورش آوردند و دست بر اوانداخته، شده، به قیصریه آمدیم و به خانه فیلیپس مبشر که یکی از آن هفت ۲۸ فریاد برآورده که «ای مردان اسرائیلی، امداد کنید! این است بود درآمده، نزد ما ماندیم. ۹ و او را چهار دختر باکره بود که نبوت آن کس که برخلاف امت و شریعت و این مکان در هر جاهمه را می‌کردند. ۱۰ و چون روز چند در آنجا ماندیم، نی‌ای آغاپوس تعیلم می‌دهد. بلکه یونانی‌ای چند را نیز به هیکل درآورده، این نام از یهودیه رسید، ۱۱ و نزد ما آمده، کمربند پولس را گرفته و مکان مقدس را ملوث نموده است». ۲۹ زیرا قبل از آن تروفیمس دستها و پایهای خود را بسته، گفت: «روح القدس می‌گوید که افسوسی را باوی در شهر دیده بودند و مظنه داشتند که پولس او را یهودیان دراورشلیم صاحب این کمربند را به همینظر بسته، او را به هیکل آورده بود. ۳۰ پس تمامی شهر به حرکت آمد و خلق بدستهای امت‌ها خواهند می‌پرد.» ۱۲ پس این را شنیدیم، ازدحام کرده، پولس را گفتند و از هیکل بیرون کشیدند و فی الفور ما و اهل آنجا التumas نمودیم که به اورشلیم نزود. ۱۳ پولس درها را بستند. ۳۱ و چون قصدقتل او می‌کردند، خبر به مین جواب داد: «چه می‌کنید که گریان شده، دل مرا می‌شکنیدزیرا باشی سپاه رسید که «تمامی اورشلیم به شورش آمده است.» ۳۲ من مستعدم که نه فقط قید شوم بلکه تا دراورشلیم بمیرم به مخاطر اوبی درنگ سپاه و یوزباشی‌ها را برشاشته، برایشان تاخت. پس نام خداوند عیسی.» ۱۴ چون او نشید خاموش شده، گفتیم: ایشان به مجرد دیدن مین باشی و سپاهیان، از زدن پولس دست آنچه اراده خداوند است بشود. ۱۵ و بعد از آن ایام تدارک برشاشته. ۳۳ چون مین باشی رسید، او را گرفته، فرمان داد تا او را سفر دیده، متوجه اورشلیم شدیم. ۱۶ و تی چند از شاگردان بدو زنجیر بینند و پرسید که «این کیست و چه کرده است؟» قیصریه همراه آمده، ما را نزد شخصی مناسون نام که از اهل قپرس ۳۴ اما بعضی از آن گروه به سخنی و بعضی به سخنی دیگر و شاگرد قدیمی بود، آورده تازند او منزل نمایم. ۱۷ و چون وارد صدا می‌کردند. و چون به سبب شورش، حقیقت امر را توانست اورشلیم گشتم، برادران ما را به خشنودی پذیرفتند. ۱۸ و در روز فهمید، فرمود تا او را به قلعه بیاورند. ۳۵ و چون به زینه رسید، دیگر، پولس ما را برشاشته، نزد یعقوب رفت و همه کشیشان حاضر اتفاق افتاده که لشکریان به سبب ازدحام مردم او را برگرفتند. ۳۶ زیرا شدند. ۱۹ پس ایشان را سلام کرده، آنچه خدا بوسیله خدمت او گروهی کثیر از خلق از عقب او افتداده، صدا می‌زند که «اورا در میان امت‌ها به عمل آورده بود، مفصل‌گفت. ۲۰ ایشان چون هلاک کن!» ۳۷ چون نزدیک شد که پولس را به قلعه درآورند، این راشنیدند، خدا را تمجید نموده، به وی گفتند: «ای برادر، او به مین باشی گفت: آیا اجازت است که به تو چیزی گویم؟ آگاه هستی که چند هزارها از یهودیان ایمان آورده‌اند و جمیع در گفت: «آیا زبان یونانی رامی دانی؟ ۳۸ مگر تو آن مصری نیستی شریعت غورند: ۲۱ و درباره تو شنیده‌اند که همه یهودیان را که در که چندی پیش از این فتنه برانگیخته، چهار هزار مرد قفال را به میان امت‌ها می‌باشند، تعلیم می‌دهی که از موسی انحراف نمایند بیان برد؟» ۳۹ پولس گفت: «من مرد یهودی هستم از طرسوس و می‌گویی نباید اولاد خود رامختوں ساخت و به سنت رفتار نمود. قیلیقیه، شهری که بی‌نام و نشان نیست و خواهش آن دارم که مرا

اذن فرمایی تا به مردم سخن گویم.» ۴۰ چون اذن یافت، بر زینه حبس کرده، می‌زدم؛ ۲۰ و هنگامی که خون شهید تو استیفان را ایستاده، بدست خود به مردم اشاره کرد؛ و چون آرامی کامل پیدا می‌ریختند، من نیز ایستاده، رضا بدان دادم و جامه های قاتلان او شد، ایشان را به زبان عبرانی مخاطب ساخته، گفت.

را به سوی امت های بعیدمی فرمدم.» ۲۱ پس تا این سخن بدو ۲۲ «ای برادران عزیز و پدران، حجتی را که الان پیش شما می‌آورم بشنوید.» ۲ چون شنیدند که به زبان عبرانی با ایشان تکلم می‌کنند، بیشتر خاموش شدند. پس گفت: «من مرد یهودی هستم، متولد طرسوس قیلیقیه، اما تربیت یافته بودم در این شهر در خدمت غمالائی و در دقایق شریعت اجداد متعلم شده، درباره خدا غیرمی بودم، چنانکه همگی شما امروز می‌باشید. ۴ و این طریقت را تابه قتل مراحم می‌بودم به نوعی که مردان و زنان را بند نهاده، به زندان می‌انداختم، ۵ چنانکه رئیس کهنه و تمام اهل شورا به من شهادت می‌دهند که از ایشان نامه‌ها برای برادران گرفته، عازم دمشق شدم تا آنانی را نیز که در آنجا باشند قید کردند، به اورشلیم آورم تا سزا یابند. ۶ و در اثنای راه، چون نزدیک ۲۳ پس مین باشی گفت: «آیا بر شما جایز است که مردی رومی را بی‌حجهت هم تازیانه زنید؟» ۷ چون بوزیاشی این را شنید، نزد مین باشی رفته، او را خبر داده، گفت: «چه می‌خواهی بکنی زیرا این شخص رومی است؟» ۸ پس مین باشی آمده، به وی گفت: «مرا بگو که تو رومی هستی؟» ۹ گفت: «بلی!» ۱۰ گفت: «ای شاول، ای شاول، چرا بر من جنا می‌کنی؟» ۱۱ چون خواست درست بفهمد که بپهادیان من درخشید. ۱۲ پس بر زمین افتاده، هانقی را شنیدم که به من کردم!» پولس گفت: «اما من در آن مولد شدم.» ۱۳ در ساعت جواب دادم: «خداؤندا تو کیستی؟ او ما گفت: «من آن عیسی ترسان گشت چون فهمید که رومی است از آن سبب که او را ناصری هستم که تو بروی چفامی کنی.» ۱۴ و همراهان من نور را بسته بود. ۱۵ بامدادان چون خواست درست بفهمد که بپهادیان دیده، ترسان گشتند ولی آواز آن کس را که با من سخن گفت نشینیدند. ۱۶ گفتمن: «خداؤندا چه کنم؟» خداوند مرا گفت: «برخاسته، به دمشق برو که در آنجا تو رامطلع خواهند ساخت از آورده، در میان ایشان بريا داشت.

آنچه برایت مقرر است که بکنی: «۱۷ پس چون از سلطوت آن نور نایانگاشتم، رفایم دست مرا گرفته، به دمشق رسانیدند. ۱۸ آنگاه پس پولس به اهل شورا نیک نگریسته، گفت: «ای شخصی متقی بمحسب شریعت، حنایا نام که نزد همه یهودیان برادران، من تا امروز با کمال ضمیر صالح در خدمت خدا رفار ساکن آنجا نیکنام بود، ۱۹ به نزد من آمده و ایستاده، به من کرده‌ام.» ۲ آنگاه حنایا، رئیس کهنه، حاضران را فرمودتا به گفت: «ای براد شاول، بینا شو» که در همان ساعت بر وی دهانش زنند. ۲۰ پولس بدو گفت: «خدا تو را خواهد زد، ای دیوار نگریstem. ۲۱ او گفت: «خدای پدران ما تو را برگردید تا اراده سفیدشده! تو نشسته‌ای تامرا بر محاسب شریعت داوری کنی و به او را بدانی و آن عادل را بینی و از زیانش سخنی بشنوی. ۲۲ ضدشریعت حکم به زدن می‌کنی؟» ۲۳ پولس گفت: «آیا زیار آنچه دیده و شنیده‌ای نزد جمیع مردم شاهد براو خواهی رئیس کهنه خدا را دشنام می‌دهی؟» ۲۴ پولس گفت: «ای برادران، شد. ۲۵ حال چرا تاخیر می‌نمایی؟ برخیز و تعمید بگیر و نام ندانستم که رئیس کهنه است، زیرا مکتب است حاکم قوم خود خداوند را خوانده، خود را از گناهات غسل ده.» ۲۶ و چون به رايد مکنی.» ۲۷ چون پولس فهمید که بعضی از صدوقیان و بعضی اورشلیم برگشته، در هیکل دعا می‌کرد، بیخودشدم. ۲۸ پس او را از فریسانند، در مجلس ندا درداد که «ای برادران، من فریسی، دیدم که به من می‌گوید: «بشتا و از اورشلیم به زودی روانه شو پسر فریسی هستم و برای امید و قیامت مردگان از من بازپرس زیرا که شهادت تو را در حق من نخواهند پذیرفت.» ۲۹ من می‌شود.» ۳۰ چون این را گفت، در میان فریسان و صدوقیان گفتمن: «خداؤندا، ایشان می‌دانند که من در هرکنیسه مومنین تو را ممتازه بريا شد و جماعت دو فرقه شدند، ۳۱ زیرا که صدوقیان منکر

قیامت و ملائکه و ارواح هستند لیکن فریسیان قائل به هر دو. سلام می‌رساند. ۲۷ یهودیان این شخص را گرفته، قصد قتل او پس غوغای عظیم بریا شد و کاتبان از فرقه فریسیان برخاسته داشتند. پس با سپاه رفه، او را از ایشان گرفتم، چون دریافت کرده مخاصمه نموده، می‌گفتند که «در این شخص هیچ بدی نیافرایم بودم که رویی است. ۲۸ و چون خواستم بفهمم که به چه سبب و اگر روحی یا فرشته‌ای با او سخن گفته باشد با خدا جنگ بروی شکایت می‌کنند، او را به مجلس ایشان درآوردم. ۲۹ پس نباید نمود.» ۱۰ و چون ممتازه زیادتر می‌شد، مین باشی ترسید یافتم که در مسائل شریعت خود از او شکایت می‌دارند، ولی هیچ که می‌داند پولس را بدرند. پس فرمود تاسپاهیان پایین آمد، او را شکوهای مستوجب قتل یا بند نمی‌دارند. ۳۰ و چون خبر یافتم از میانشان برداشته، به قلعه درآوردم. ۱۱ و در شب همان روز که یهودیان قصد کمین سازی برای او دارند، بی‌درنگ او را نزد خداوند نزد او آمد، گفت: «ای پولس خاطر جمع باش زیرا تو فرستادم و مدعیان او را نیز فرمودم تا در حضور تو بر او ادعا چنانکه دراورشلیم در حق من شهادت دادی، همچنین باید در نمایندوالسلام.» ۲۱ پس سپاهیان چنانکه مامور شدند، پولس را روم نیز شهادت دهی.» ۱۲ و چون روز شد، یهودیان با یکدیگر در شب برداشته، به انتیپاروس رسانیدند. ۲۲ و بامدادان سواران عهدبسته، بر خویشن伦 گردند که تا پولس رانکشند، نخورند و را گذاشته که با او بروند، خود به قلعه برگشتند. ۲۳ و چون نشوندند، ۱۳ و آنای که درباره این، همقسم شدند، زیاده از چهل ایشان وارد قصریه شدند، نامه را به والی سپردند و پولس را نیز نزد نفر بودند. ۱۴ اینها نزد روسای کنه و مشایخ رفته، گفتند: «بر او حاضر ساختند. ۲۴ پس والی نامه را ملاحظه فرموده، پرسید که خویشن伦 لعنت سخت کردیم که تا پولس رانکشیم چیزی نجشیم. از کدام ولایت است. چون دانست که از قیلیقیه است، ۲۵ ۱۵ پس الان شما با اهل شورا، مین باشی را اعلام کنید که او گفت: «چون مدعیان تو حاضر شوند، سخن تو را خواهم شنید.» را نزد شمایلورد که گویا اراده دارید در احوال او نیکوتراحتیق و فرمود تا او را در سرای هیرودیس نگاه دارند.

نمایید؛ و ما حاضر هستیم که قبل از رسیدنش او را بکشیم.» ۱۶ ۲۴ و بعد از پنج روز، حنایان رئیس کنه با مشایخ و خطیبی اما خواهزاده پولس از کمین ایشان اطلاع یافته، رفت و به قلعه ترلس نام رسیدند و شکایت از پولس نزد والی آوردند. ۲ و چون اورا درآمده، پولس را آگاهانید. ۱۷ پولس یکی از یوزیاشیان را طلبیده، احضار فرمود، ترلس آغاز ادعا نموده، گفت: چون از وجود تو در گفت: «این جوان را نزدین باشی بیر زیرا خبری دارد که به او آسایش کامل هستیم و احسانات عظیمه از تابیر تو بدلین قوم رسیده بگویید.» ۱۸ پس او را برداشته، به حضور مین باشی رسانیده، است، ای فیلکس گرامی، ۳ در هر جا و در هر وقت این را در گفت: «پولس زندانی مرا طلبیده، خواهش کرد که این جوان را به خدمت تو بیارم، زیرا چیزی دارد که به تو عرض کند.» ۱۹ پس مین باشی دستش را گرفته، به خلوت برد و پرسید: «چه چیز است زیرا که این شخص را مقدس و فتنه انگیز یافته‌ایم در میان همه که می خواهی به من خبر دهی؟» ۲۰ عرض کرد: «یهودیان متفق یهودیان ساکن بیرون مسکون و ازیشوایان بدعت نصاری، ۴ و چون مستدعي هستم که از راه نوازش مختصر عرض ما را بشنوی. ۵ شده‌اند که از تو خواهش کنند تا پولس را فردا به مجلس شورا درآوری که گویا اراده دارند در حق او زیادتر تفتيش نمایند. ۲۱ پس خواهش ایشان را احباب مفرما زیرا که بیشتر از چهل نفر از ایشان در کمین وی اند و به سوگند عهد بسته‌اند که تا او را نکشند چیزی نخورند و نیاشامند و الان مستعد و منتظر عده تو می‌باشند.» ۲۲ مین باشی آن جوان را مرخص فرموده، قدغن نمود یهودیان نیز با او متفق شده گفتند که چنین است. ۱۰ چون والی که «به هیچ کس مگو که مرا از این راز مطلع ساختی.» ۲۳ پس به پولس اشاره نمود که سخن بگوید، او جواب داد: «از آن رو که دو نفر از یوزیاشیان را طلبیده، فرمود که «دویست سپاهی و هفتاد می‌دانست حقیقت همه این اموری که ما براو ادعا می‌کنیم.» ۹ و سوار و دویست نیزه‌دار در ساعت سوم از شب حاضر سازید تا به قیصریه بروند؛ ۲۴ و مرکبی حاضر کنید تا پولس را سوار کرده، او خشنودی وافر حجت درباره خود می‌آورم. ۱۱ زیرا تو می‌توانی دانست که زیاده از دوازده روز نیست که من برای عیادت به را به سلامتی به نزد فیلکس والی برسانند.» ۲۵ و نامه‌ای باید اورشلیم رفتم، ۱۲ و مرا نیافتند که در هیکل با کسی مباحثه کنم مضمون نوشت: ۲۶ «کلودیوس لیسیانس، به والی گرامی فیلکس

ونه در کنایس یا شهرکه خلق را به شورش آوم. ۱۳ و هم آنچه ایشان توقف کرده بود، به قیصریه آمد و با مدادان بر مستند حکومت الان بر من ادعا می کنند، نمی توانند ثبات نمایند. ۱۴ لیکن این برآمده، فرمود تا پولس را حاضر سازند. ۷ چون او حاضر شد، را نزد تو افراز می کنم که به طرقی که بدعت می گویند، خدای یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، به گرد او ایستاده، شکایهای پدران را عبادت می کنم و به آنچه در تورات و انبیا مکروب است بسیار و گران بر پولس آوردند ولی اثبات نتوانستند کرد. ۸ او جواب معتقدم، ۱۵ و به خدا امیدوارم چنانکه ایشان نیز قول دارند که داد که «نه به شریعت یهود و نه به هیکل و نه به قیصر هیچ گناه قیامت مردگان از عادلان و ظالمان نیز خواهد شد. ۱۶ و خود را کرده‌ام». ۹ اما چون فستوس خواست بر یهود منت نهاد، در دراین امر ریاضت می دهم تا پیوسته ضمیر خود را به سوی خدا جواب پولس گفت: «ایا می خواهی به اورشلیم آیی تا در آنجا در این و مردم بی هیچ نگاه ندارم. ۱۷ و بعداز سالهای بسیار آمدم تا امور به حضور من حکم شود؟» ۱۰ پولس گفت: «در محکمه صدقات و هدایا برای قوم خود بیاورم. ۱۸ و در این امور چند نفر قیصر ایستاده‌ام که در آنجا می‌باید محاکمه من بشود. به یهود هیچ از یهودیان آسیا مرا در هیکل مطهر یافتند بدن هنگامه یا شورشی. ظلمی نکرده‌ام، چنانکه تو نیز نیکو می‌دانی. ۱۱ پس هر گاه ۱۹ و ایشان می‌باشد نیز در آنجا نزد تو حاضر شوند تا اگر حرفی ظلمی یا عملی مستوجب قتل کرده باشند، از مردن در غیر ندارم. ۲۰ یا این خود بگویند اگر گناهی ازمن لیکن اگر هیچ‌یک از این شکایهای که اینها بر من می‌آورند اصلی یافتند وقتی که در حضور اهل شورا ایستاده بودم، ۲۱ مگر آن یک ندارد، کسی نمی‌تواند مرا به ایشان سپارد. به قیصر رفع دعوای سخن که در میان ایشان ایستاده، بدان ندا کردم که درباره قیامت می‌کنم». ۱۲ آنگاه فیلکس «ایا به قیصر رفع دعوای کردی؟ به حضور قیصر خواهی رفت...» ۱۳ چون از طرقیت نیکوتراگاهی داشت، امر ایشان را تا خیر انداخته، و بعد از مرور ایام چند، اغripیاس پادشاه ویرنیکی برای تحیت گفت: «چون لیسیاس مین باشی آید، حقیقت امر شما را دریافت فستوس به قیصریه آمدند. ۱۴ و چون روزی بسیار در آنجا توقف خواهم کرد. ۲۳ پس یوزپاشی را فرمان داد تا پولس را نگاه دارد و نمودند، فستوس برای پادشاه، مقدمه پولس را بیان کرده، گفت: او را آزادی دهد و احده از خویشانش را از خدمات و ملاقات اولمی «مردی است که فیلکس او را در بند گذاشته است، ۱۵ که درباره خطاب می‌کرد، فیلکس ترسان گشته، جواب داد که «حال برو مدعی علیه مدعیان خود را روپرورد و او را فرست دهد که چون فرست کنم تو را باز خواهیم خواند. ۲۶ و نیز امید می‌داشت ادعای ایشان را جواب گوید. ۱۷ پس چون ایشان در آنجا جمع که پولس او را نقدی بدهد تا او را آزاد سازد و از این جهت مکر شدند، بی‌درنگ در روز دوم بر مستند شسته، فرمودم تا آن شخص وی را خواسته، با او گفتگو می‌کرد. ۲۷ اما بعد از انقضای دو را حاضر کردند. ۱۸ و مدعیانش برپا ایستاده، از آنچه من گمان سال، پورکوپوس فستوس، خلیفه ولایت فیلکس شد و فیلکس چون می‌بردم هیچ اعدا بر وی نیاوردن. ۱۹ بلکه مساله‌ای چند بر او خواست بر یهود منت نهاد، پولس را در زندان گذاشت.

۲۵ پس چون فستوس به ولایت خود رسید، بعد از سه روز از قیصریه به اورشلیم رفت. ۲ و رئیس کهنه و اکابر یهود نزد اوربر پولس ادعا کردند و بدو التماس نموده، ۳ متنی بر وی خواستند تا او را به اورشلیم بفرستند و در کمین بودند که او را در راه بکشند. ۴ اما فستوس جواب داد که «پولس را باید در قیصریه نگاه داشت»، زیرا خود اراده داشت به زودی آنجا برود. ۵ و گفت: «پس کسانی از شما که می‌توانند همراه بیایند تا اگر چیزی در این شخص یافت شود، بر او ادعا نمایند. ۶ و چون بیشتر از ده روز در میان چون اغripیاس و بزرنیکی باحشمتی عظیم آمدند و به دارالاستماع با مین باشیان و بزرگان شهر داخل شدند، به فرمان فستوس پولس را

حاضر ساختند. ۲۴ آنگاه فستوس گفت: «ای اغripیاس پادشاه، جفا می کمی؟ تو را بر میخها لگد زدن دشوار است.» ۱۵ من وای همه مردمانی که نزد ما حضور دارید، این شخص رامی بیند گفت: «خداؤندا تو کیستی؟» گفت: «من عیسی هستم که تو بر که درباره او تمامی جماعت یهود چه دراورشیم و چه در اینجا من جفا می کمی. ۱۶ و لیکن برخاسته، بر پایاست زیرا که بر تو فریاد کرده، از من خواهش نمودند که دیگر تبادل زیست کند. ۲۵ ظاهر شدم تا تو را خادم و شاهد مقر گردانم بر آن چیزهایی که مرا ولیکن چون من دریافتم که او هیچ عملی مستوجب قتل نکرده در آنهادیده ای و بر آنچه به تو در آن ظاهر خواهم شد. ۱۷ و تو را است و خود به او غصه رفع دعوی کرد، اراده کردم که او را رهای خواهم داد از قوم و از امت هایی که تو را به نزد آنها خواهم بفرستم. ۱۸ و چون چیزی درست ندارم که درباره او به خداوندگار فرستاد، ۱۹ تا چشممان ایشان را باز کمی تا از ظلمت به سوی نور مقوم دارم، از این جهت او را نزد شما و علی الخصوص در حضور و از قدرت شیطان به جانب خدا برگردند تا آمرش گناهان و میراثی توای اغripیاس پادشاه آوردم تا بعد از تفحص شاید چیزی یافته در میان مقدسین بوسیله ایمانی که بر من است بیابند.» ۱۹ آن بنگارم. ۲۰ ۲۱ زیرا مرا خلاف عقل می نماید که اسیری را بفرستم وقت ای اغripیاس پادشاه، روایی آسمانی را نافرمایی نوزیریم. بلکه نخست آنای را که در دمشق بودند در اورشیم و درتمامی

مز و بوم یهودیه و امت ها را نزد اعلام می نمودم که توبه کنند و به ۲۶ اغripیاس به پولس گفت: «مرخصی که کیفیت خود را سوی خدا بازگشت نمایند و اعمال لایقه توبه را بهجا آورند. ۲۱ بهگویی.» ۲ که «ای اغripیاس پادشاه، سعادت خود را در این می دانم که امروز در حضور تو حجت بیارم، درباره همه شکایتهاي که یهود از من می دارند. ۳ خصوص چون تو در همه رسوم و مسایل اعلام می نمایم و حرفی نمی گویم، جز آنچه انبیا و موسی گفتند یهود عالم هستی، پس از تومستدعی آنم که تحمل فرموده، مرا که می بایست واقع شود، ۲۲ که مسیح می بایست زحمت بیند و بشنوی. ۴ رفnar مرا از جوانی چونکه از ابتدا در میان قوم خود نویر قیامت مردگان گشته، قوم و امت ها را به نور اعلام نماید.» در اورشیم بسر می بردم، تمامی یهودی می دانند ۵ و مرا اول ۲۴ چون او بدین سختنان، حجت خود رامی آورد، فستوس به می شناسند هر گاه بخواهند شهادت دهند که به قانون پارسازین آوار باند گفت: «ای پولس از این خود فرقه دین خود فریسی می بودم. ۶ و الحال به سبب امید آن و عده ای کرده است!» ۲۵ گفت: «ای فستوس گرامی، دیوانه نیستم بلکه که خدا به اجداد ما داد، بر من ادعا می کنند. ۷ و حال آنکه سختنان راستی و هوشیاری را می گویم. ۲۶ زیرا پادشاهی که در دوازده سبط ماشاینه روز بجed و جهد عبادت می کنند محض امید حضور او به دلیری سخن می گویم، از این امور مطلع است، تحصیل همین وعده که بجهت همین امید، ای اغripیاس پادشاه، چونکه مرا یقین است که هیچ یک این مقدمات بر او مخفی بیهود بر من ادعا می کنند. ۸ «شما چرا محال می پنداشید که خدا مردگان را برخیزند؟ ۹ من هم در خاطر خود می پنداشتم که به نام پادشاه، آیا به انبیا ایمان آورده ای؟ می دانم که ایمان داری!» ۲۸ عیسی ناصری مخالفت بسیار کردن واجب است، ۱۰ چنانکه اغripیاس به پولس گفت: «به قلیل تر غیب می کنمی که من مسیحی در اورشیم هم کردم و از روسای کهنه قدرت یافته، بسیاری از بگرد؟» ۲۹ پولس گفت: «از خداخواهش می داشتم یا به قلیل یا مقدسین را در زندان حبس می کردم و چون ایشان را می کشتن، به کثیر، نه تنها تبلکه جمیع این اشخاصی که امروز سخن مرامی در فتو شریک می بودم. ۱۱ و در همه کنایس بارها ایشان را شنوند مثل من گردند، جز این زنجیرها!» ۳۰ چون این را گفت، زحمت رسانیده، مجرومی ساختم که کفر گویند و بر ایشان به پادشاه والی و بریکی و سایر ماجسیان برخاسته، ۳۱ رفتند و با شدت دیوانه گشته تا شهرهای بعيد تعاقب می کردم. ۱۲ در این یکدیگرگفتگو کرده، گفتند: «این شخص هیچ عملی مستوجب قتل یا حبس نکرده است.» ۳۲ و اغripیاس به فستوس گفت: «اگر می رفتم، ۱۳ در راه، ای پادشاه، در وقت ظهر نوری را از آسمان این مرد به قیصر رفع دعوی خود نمی کرد، او را آزاد کردن ممکن دیدم، درخشندگان تر از خورشید که در دور من و رفقاء تایید می بود.» ۱۴ و چون همه بر زمین افتادیم، هاتفی راشیدم که مرا به زبان عربانی مخاطب ساخته، گفت: «ای شاول، شاول، چرا بر من

چون مقرر شد که به ایطالیا بروم، پولس و چند زندانی گفت: «ای مردمان، نخست می‌بایست سخن مرا پذیرفته، از دیگر را به یوزباشی از سپاه اغضطس که یولیوس نام داشت، کریت نقل نکرده باشد تا این ضرر و خسaran را نبینید. ۲۲ اکنون سپردند. ۲ و به کشتی ادرامیتینی که عازم بنادر آسیا بود، سوار نیزشما را نصیحت می‌کنم که خاطرجمع باشید زیرا که هیچ ضرری شده، کوچ کردیم و استرخس از اهل مکادونیه از تسالوینی همراه به جان یکی از شما تغواہد رسیدمگر به کشتی. ۲۳ زیرا که ما بود. ۳ روز دیگر به صیدون فرو آمدیم و یولیوس با پولس دوش، فرشته آن خدایی که از آن او هستم و خدمت او را می‌کنم، ملاحظت نموده، او را اجازت داد که نزد دوستان خود رفته، از به من ظاهر شده. ۴ گفت: «ای پولس ترسان مبایش زیرا باید تو ایشان نوازش باید. ۴ و از آنجا روانه شده، زیر قپس گذشتیم زیرا در حضور قیصر حاضر شوی. و اینک خدا همه همسفران تو را به که باد مخالف بود. ۵ و از دریای کنار قیلیقیه و پمغله گذشتیم، تو بخشیده است.» ۲۵ پس ای مردمان خوشحال باشید زیرا ایمان به میرای لیکیه رسیدیم ۶ در آنجا یوزباشی کشتی اسکندریه را دارم که به همانظور که به من گفت، واقع خواهد شد. ۲۶ لیکن یافت که به ایطالیا می‌رفت و ما را برآن سوار کرد. ۷ و چند روز به باید در جزیره‌ای بیفتیم. ۲۷ و چون شب چهاردهم شد و هنوز آهستگی رفته، به قنیدس به مشقت رسیدیم و چون باد مخالف در دریای ادریا به هر سو رانده می‌شدیم، در نصف شب ملاحان ماهی بود، در زیر کریت نزدیک سلمونی راندیم، ۸ و به دشواری از گمان برند که خشکی نزدیک است. ۲۸ پس پمایش کرده، آنجا گذشتیم، به موضوعی که به بنادر حسنے مسمی و قریب به شهر بیست قامت یافتد. وقدری پیشتر رفته، باز پمایش کرده، پانزده ساعتی است رسیدیم. ۹ و چون زمان منقضی شد و در این وقت قامت یافتد. ۲۹ و چون ترسیدند که به صخره‌ها بیفتیم، از پشت سفر دریا خطناک بود، زیرا که ایام روزه گذشتیم بود. ۱۰ پولس کشتی چهار لنگر انداخته، تمنا می‌کردند که روز شود. ۲۰ اما ایشان را نصیحت کرده، گفت: «ای مردمان، می‌بینم که در این چون ملاحان قصد داشتند که از کشتی فرار کنند و زورق را به سفر ضرر و خسaran بسیار پیدا خواهد شد، نه فقط بار و کشتی دریا انداختند به بهانه‌ای که لنگرها را از پیش کشتی بکشند، ۳۱ را بلکه جانهای ما را نیز.» ۱۱ ولی یوزباشی ناخدا و صاحب پولس یوزباشی و سپاهیان را گفت: «اگر اینهادر کشتی نماند، کشتی را بیشتر از قول پولس اعتنا نمود. ۱۲ و چون آن بندر نیکو نجات شما ممکن نباشد.» ۲۲ آنگاه سپاهیان رسما نهایی زورق را نبود که زمستان را در آن پسر برند، اکثر چنان مصلحت داشتند بزیره، گذاشتند که بیفتند. ۳۳ چون روز نزدیک شد، پولس از همه که از آنجا نقل کنند تا اگر ممکن شود خود را به فینیکس خواهش نمود که چیزی بخورند. پس گفت: «امروز روز چهاردهم رسانیده، زمستان را در آنجا پسر برند که آن بندری است از کریت است که انتظار کشیده و چیزی نخوردده، گرسنه مانده‌اید. ۳۴ پس مواجه مغرب جنوبی و مغرب شمالی. ۱۳ و چون نسیم جنوبی استدعا می‌کند که عافیت برای شما وزیدن گرفت، گمان برند که به مقصد خویش رسیدند. پس لنگر خواهد بود، زیرا که موبی از سر هیچ‌یک از شما تغواہد افتاد.» برداشتم و از کناره کریت گذشتیم. ۱۴ لیکن چیزی نگذشت که ۲۵ این بگفت و در حضور همه نان گرفته، خدا را شکر گفت و بادی شدید که آن را ورکلیدون می‌نامند از بالای آن زدن گرفت. پاره کرده، خوردن گرفت. ۱۵ پس همه قوی دل گشته نیز غذا درساعت کشتی ریوده شده، رو به سوی باد نتوانست نهاد. خوردن. ۳۷ و جمله نفوس در کشتی دویست و هفتاد و شش پس آن را از دست داده، ب اختیار رانده شدیم. ۱۶ پس در زیر بودیم. ۳۸ چون از غدایسر شدند، گدم را به دریا ریخته، کشتی جزیره‌ای که کلودی نام داشت، دوان دوان رفیم و به دشواری زورق را سبک کردند. ۱۷ و آما چون روز، روشن شد، زمین را نشناختند؛ را در قرض خود آوردیم. ۱۸ و آن را برداشته و معونات را استعمال لیکن خلیجی دیدند که شاطی ای داشت. پس رای زندن که اگر نموده، کمر کشتی را بستند و چون ترسیدند که به ریگار سیرتس ممکن شود، کشتی را بر آن برانند. ۱۹ و بند لنگرها را بزیره، فرو روند، جبال کشتی را فرو کشیدند و همچنان رانده شدند. آنها را در دریا گذاشتند و بندهای سکان را باز کرده، ویابان را چون طوفان بر ما غلبه می‌نمود، روز دیگر، بارکشتی را بیرون برای باد گشاده، راه ساحل را پیش گرفتند. ۲۰ اما کشتی را انداختند. ۲۱ و روز سوم به دستهای خود آلات کشتی را به دریا درمجمع بحرین به پایاب راند، مقدم آن فرو شده، بی حرکت ماند انداختیم. ۲۰ و چون روزهای بسیار آفتاب و ستارگان آن دیدند و ولی مخربش از لطمیه امواج درهم شکست. ۲۲ آنگاه سپاهیان طوفانی شدید بر ما افتاد، دیگر هیچ‌ایمید نجات برای ما نماند. قصد قتل زندانیان کردند که مبادا کسی شنا کرده، بگزید. ۲۳ و بعد از گرسنگی بسیار، پولس در میان ایشان ایستاده، لیکن یوزباشی چون خواست پولس را برهاند، ایشان را از این اراده

بازداشت و فرمود تا هر که شناوری داند، نخست خویشتن را به کنند. ۱۹ ولی چون یهود مخالفت نمودند، ناچار شده به قیصر غیر دریا انداخته به ساحل رساند. ۴۴ و بعضی بر تختهها و بعضی بر دعوی کرد، نه تا آنکه از امت خود شکایت کنم. ۲۰ اکنون چیزهای کششی و همچنین همه به سلامتی به خشکی رسیدند. بدین جهت خواستم شما راملاقات کنم و سخن گویم زیرا که بجهت امید اسرائیل، بدین زنجیر بسته شدم.» ۲۱ وی راگفتند:

۲۸ و چون رستگار شدند، یافتد که جزیره ملیطه نام دارد. ۲ و آن مردمان پریزی با ما کمال ملاطفت نمودند، زیرا به سبب باران که از آنجا آمدند، خبری یا سخن بدی درباره تو گفته است. ۲۲ چون یکن مصلحت دانستیم از تو مقصود تو را بشنویم زیرا ما معلوم است که این فرقه را در هر جا بدمنی گویند. ۲۳ پس چون روزی برای وی معین کردند، بسیاری نزد او به منزلش آمدند که برای دستش آویخته دیدند، با یکدیگر گفتند: «پلاشک این شخص خونی است که باینکه از دریا رست، عدل نمی گذارد که زیست کنند.» ۵ اما آن جانور را در آتش افکنده، هیچ ضرر نیافت. ۶ پس منتظر بودند که او آماس کند باقته افتداده، بمیرد. ولی چون انتظار بسیار کشیدندو دیدند که هیچ ضرری بدو نرسید، برگشته اشیاعی این به ملکوت خدا شهادت داده، شرح می نمود و از تورات موسی و انبیا از صیبح تا شام درباره عیسی اقامه حجت می کرد. ۷ و چون با یکدیگر معارضه می کردند، از او جدا شدند بعداز آنکه پولس این یک سخن را گفته بود که «روح القدس به وساطت اشیاعی این به اجداد مانیکو خطاب کرده، ۲۶ گفته است که که پولپیوس نام داشت بود که او ما را به خانه خود طلبیده، سه روز «نzd این قوم رفته بدبیشان بگو به گوش خواهید شنید و نخواهید فهمید و نظر کرده خواهید نگریست و نخواهید دید؛ ۲۷ زیرا دل اسهال عارض شده، خفته بود. پس پولس نزد وی آمده و دعا کرد و دست بر او گذارد، او را شفا داد. ۹ و چون این امر واقع شد، سایر مريضانی که در جزیره بودند آمده، شفا یافتدند. ۱۰ و ایشان دل پفهمند و بازگشت کنند تا ایشان راشقا بخشند.» ۲۸ پس بر شما معلوم باد که نجات خدا نزد امت ها فرستاده می شود و ایشان خواهند شنید.» ۲۹ چون این را گفت یهودیان رفتند و با یکدیگر که علامت جوزا داشت و زمستان را در جزیره بسرپریزد بود، سوار مباحه بسیار می کردند. ۳۰ اما پولس دو سال تمام در خانه اجاره ای شدیم. ۱۲ و به سراکوس فرود آمده، سه روز توقف نمودیم. ۱۳ و خود ساکن بود و هر که به نزد وی می آمد، می پذیرفت. ۳۱ و به از آنجا دور زد، به ریغون رسیدیم و بعد از یک روز بادجنوی ملکوت خدا موعظه می نمود و با کمال دلیری درامور عیسی مسیح وزیده، روز دوم وارد پوطیولی شدیم. ۱۴ و در آنجا برادران یافته، خداوند بدون ممانعت تعليم می داد.

۱۵ و برادران آنجا چون از احوال ما مطلع شدند، به استقبال ما بیرون آمدند تا فوران اپیوس و سه دکان. و پولس چون ایشان را دید، خدا را شکر نموده، قوی دل گشت. ۱۶ و چون به روم رسیدیم، بیوشیان زندانیان را به سردار افراج خاصه سپرید. اما پولس را اجازت دادند که با یک سپاهی که محافظت او می کرد، در منزل خود بیماند. ۱۷ و بعد از سه روز، پولس بزرگان یهود راطلبید و چون جمع شدند به ایشان گفت: «ای برادران عزیز، با وجودی که من هیچ عملی خلاف قوم و رسوم اجداد نکرده بودم، همانا مرا در اورشلیم بسته، به دستهای رومیان سپردند. ۱۸ ایشان بعد از تفحص چون در من هیچ علت قتل نیافتدند، اراده کردند که مرا رها

رومیان

تاریک گشت. ۲۲ ادعای حکمت می کردند و احمد گردیدند.

۲۳ و جلال خدای غیرفانی را به شیوه صورت انسان فانی و طیور

۱ پولس، غلام عیسی مسیح و رسول خوانده شده و جدا نموده و بهایم و حشرات تبدیل نمودند. ۲۴ لهذا خدا نیز ایشان رادر

شده برای انجلیل خدا، ۲ که سابق و عده آن را داده بود به وساطت شهوات دل خودشان به نایاکی تسليم فرمود تادر میان خود بدنهای

انبیای خود در کتب مقدسه، ۳ درباره پسر خود که بحسب جسم خویش را خوار سازند، ۲۵ که ایشان حق خدا را به دروغ مبدل

از نسل داده متولد شد، ۴ و بحسب روح قدوسیت پسر خدا کردن و عبادت و خدمت نمودند مخلوق را به عوض خالقی که تا

به قوت معروف گردید از قیامت مردگان یعنی خداوند ما عیسی ابدال ایام مبارک است. آمين. (aiōn g165) ۲۶ از این سبب خدا

مسیح، ۵ که به او فیض و رسالت را یافته ایمان در ایشان را به هوشهای خباثت تسليم نمود، به نوعی که زنانشان

جمعیت ها به خاطر اسم او، ۶ که در میان ایشان شما نیز خوانده نیز عمل طبیعی را به آنچه خلاف طبیعت است تبدیل نمودند.

شده عیسی مسیح هستید ۷ به همه که در روم محبوب خدا و ۲۷ و همچنین مردان هم استعمال طبیعی زنان را ترک کرده، از

خوانده شده و مقدسید، فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و شهوات خود با یکدیگرسوختند. مرد با مرد مرتکب اعمال زشت

عیسی مسیح خداوند بر شما باد. ۸ اول شکر می کنم خدای خود شده، عقوبات سزاوار تقصیر خود را در خود یافتد. ۲۸ و چون

را به وساطت عیسی مسیح درباره همگی شما که ایمان شما روا نداشتند که خدا را در دانش خودنگاه دارند، خدا ایشان را

در تمام عالم شهرت یافته است؛ ۹ زیرا خدای که اورا به روح خود به ذهن مردود و اگذشت تا کارهای ناشایسته به جا آورند. ۲۹

در انجلیل پیش رش خدمت می کنم، مرا شاهد است که چگونه مملو از هنر نوع ناراستی و شرارت و طمع و خبائث؛ پر احسد و

پیوسته شما را یادمی کنم، ۱۰ و دائم در دعاهای خود مسالت قتل و جدال و مکر و بدخوبی؛ ۳۰ غمازان و غیبت کنندگان و

می کنم که شاید الان آخر به اراده خدا سعادت یافته، نزد شما دشمنان خدا و اهانت کنندگان و متکبران و لافزان و مبدعان شر

بیام. ۱۱ زیرا بسیار اشتباق دارم که شما را بیننم تا نعمتی روحانی و نامطیعان و نامدین؛ ۳۱ بی فهم و بی وفا و بی الفت و بی رحم.

به شما برسانم که شما استوار بگردید، ۱۲ یعنی تا در میان ۲۲ زیرا هرچند انصاف خدا را می دانند که کنندگان چنین کارها

شمائلی یا ایام یاکدیگر، ایمان من و ایمان شما. ۱۳ مستوجب موت هستند، نه فقط آنها را می کنند بلکه کنندگان را

لکن ای برادران، نمی خواهم که شما بی خبر باشید از اینکه مکر نیز خوش می دارند.

اراده آمدن نزد شما کردم و تا به حال ممنوع شدم تا ثمری حاصل

کنم در میان شما نیز چنانکه در سایر امتهای ۱۴ زیرا که بیانیان ۲ لهذا آدمی که حکم می کنم، هر که باشی عذری نداری

و بربیان و حکما و جهلا راهم مدیونم. ۱۵ پس همچنین بقدر

زیرا که به آنچه بردیگری حکم می کنم، فنوا بر خود می دهی، زیرا تو

طاقت خود مستعدم که شما را نیز که در روم هستید بشارت دهم.

۱۶ زیرا که از انجلیل مسیح عار ندارم چونکه قوت خداست، برای

نجات هر کس که ایمان آورد، اول یهود و پس بیانی، ۱۷ که در

آدمی که برکنندگان چنین اعمال حکم می کنم و خود همان را

آن عدالت خدا مکشوف می شود، از ایمان تا ایمان، چنانکه می کنم، آیا گمان می برمی که تو از حکم خداخواهی رست؟ ۴ یا

آنکه دولت مهریانی و صیر و حلم او را ناچیز می شماری و نمی دانی

مکتوب است که عادل به ایمان زیست خواهد نمود. ۱۸ زیرا

غضب خدا از آسمان مکشوف می شود بر هر بی دینی و ناراستی

مردمانی که راستی را در ناراستی باز می دارند. ۱۹ چونکه آنچه

از خدا می توان شناخت، در ایشان ظاهر است زیرا خدا آن را بر

ظهور داوری عادله خدا ۶ که به هر کس بمحاسب اعمالش

ایشان ظاهر کرده است. ۲۰ زیرا که چیزهای نادیده او یعنی قوت

سرمدی و الوهیتش از حین آفرینش عالم بوسیله کارهای او فهمیده

و دیده می شود تا ایشان را عذری نباشد. ۲۱ (aiēdios g126)

زاراستی می باشند، خشم و غضب ۹ و عذاب و ضيق بر هر نفس

زیرا هرچند خدا را شناختند، ولی اورا چون خدا تمجید و شکر

بشری که مرتکب بدی می شود، اول یهود و پس بیانی؛ ۱۰ نکردند بلکه در خیالات خود باطل گردیده، دل بی فهم ایشان

لکن جلال و اکرام و سلامتی بر هر نیکوکار، نخست بپیهود و بر هر انسان دروغگو، چنانکه مکتوب است: «تا اینکه درسختان یونانی نیز. ۱۱ زیرا نزد خدا طرفداری نیست، ۱۲ زیرا آنکه خود مصدق شوی و در داوری خود غالب آیی.» ۵ لکن اگر بدون شریعت گناه کنند، بی شریعت نیزهلاک شوند و آنکه با ناراستی ما عدالت خدا را ثابت می کند، چه گوییم؟ آیا خدا ظالم شریعت گناه کنند، از شریعت بر ایشان حکم خواهد شد. ۱۳ از است وقتی که غضب می نماید؟ بطور انسان سخن می گوییم. ۶ آن جهت که شنوندگان شریعت در حضور خدا عادل نیستند بلکه حاشا! در این صورت خدا چگونه عالم را داوری خواهد کرد؟ ۷ کنندگان شریعت عادل شمرده خواهد شد. ۱۴ زیرا هرگاه امت زیرا اگر به دروغ من، راستی خدا برای جلال او افرون شود، پس هایی که شریعت ندارند کارهای شریعت را به طبیعت بهجا آزند، چرا بمن نیز چون گناهکار حکم شود؟ ۸ و چرا نگوییم، چنانکه ایمان هرچند شریعت ندارند، برای خود شریعت هستند، ۱۵ چونکه بعضی بر ما افترا می زند و گمان می برند که ما چنین می گوییم، از ایشان ظاهر می شود که عمل شریعت بر دل ایشان مکتوب است بدی بکیم تا نیکوکی حاصل شود؟ که قصاص ایشان به انصاف و ضمیر ایشان نیز گواهی می دهد و افکار ایشان با یکدیگر یا مذمت است. ۹ پس چه گوییم؟ آیا برتری داریم؟ نه به هیچ وجه! زیرا می کنند یا عنز می آورند، ۱۶ در روزی که خدا رازهای مردم را پیش ادعا وارد آوردیم که بپیهود و یونانیان هر دو به گناه گرفتارند. ۱۰ داوری خواهد نمود به وساطت عیسی مسیح پرسنگی شریعت بشارت من. چنانکه مکتوب است که «کسی عادل نیست، یکی هم نی. ۱۱ ۱۷ پس اگر تو مسمی به بپیهود هستی و برشیعت تکیه می کنی و کسی فهیم نیست، کسی طالب خدا نیست. ۱۲ همه گمراه و به خدا فخر می نمایی، ۱۸ و اراده او را می دانی و از شریعت جمیع باطل گردیده اند. نیکوکاری نیست یکی هم نی. ۱۳ گلوی تربیت یافته، چیزهای افضل را می گزینی، ۱۹ و یقین داری که ایشان گور گشاده است و به زبانهای خود فرب می دهند. زهر مار خود هادی کوران و نور ظلمتیان ۲۰ و مودب جاهلان و معلم در زیر لب ایشان است، ۱۴ و دهان ایشان پر از لعنت و تلخی اطفال هستی و در شریعت صورت معرفت و راستی را داری، ۲۱ است. ۱۵ پایهای ایشان برای خون ریختن شتابان است. ۱۶ پس ای کسی که دیگران را تعلیم می دهی، چرا خود رانی آموزی؟ هلاکت و پیشانی در طریقهای ایشان است، ۱۷ و طریق سلامتی و عظم می کنی که دزدی نماید کرد، آیا خود دزدی می کنی؟ ۲۲ و را ندانسته اند. ۱۸ خدا ترسی در چشمانتشان نیست.» ۱۹ الان از زنا کدن نهی می کنی، آیا خود زانی نیستی؟ و از پنهان نفرت آکاه هستیم که آنچه شریعت می گوید، به اهل شریعت خطاب داری، آیا خود معبدها را غارت نمی کنی؟ ۲۳ و به شریعت فخر می کند تا هر دهانی بسته شود و تمام عالم زیر قصاص خدا آیند. می کنی، آیا به تجاوز از شریعت خدا را اهانت نمی کنی؟ ۲۴ زیرا ۲۰ از آنچه که به اعمال شریعت هیچ بشیری در حضور او عادل که به سبب شمارد میان امت ها اسم خدا را کفر می گویند، چنانکه شمرده شمرده خواهد شد، چونکه از شریعت دانستن گناه است. ۲۱ مکتوب است. ۲۵ زیرا ختنه شودمند است هرگاه به شریعت لکن الحال بدون شریعت، عدالت خدا ظاهر شده است، چنانکه عمل نمایی. اما اگر از شریعت تجاوز نمایی، ختنه تو نامختونی تورات و انجیا بر آن شهادت می دهند؛ ۲۲ یعنی عدالت خدا که گشته است. ۲۶ پس اگر نامختونی، احکام شریعت را نگاه دارد، بوسیله ایمان به عیسی مسیح است، به همه و کل آنکه که ایمان آینامختونی او ختنه شمرده نمی شود؟ ۲۷ و نامختونی طبیعی هرگاه آورند. زیرا که هیچ تفاوتی نیست، ۲۲ زیرا همه گناه کرده اند و از شریعت را بهجا آرد، حکم خواهد کرد بر تو که با وجود کتب و جلال خدا عادل شمرده ختنه از شریعت تجاوز می کنی. ۲۸ زیرا آنکه در ظاهر است، بپیهود می شوند به وساطت آن فدیهای که در عیسی مسیح است. ۲۵ که نیست و آنچه در ظاهر در جسم است، ختنه نی. ۲۹ بلکه بپیهود خدا او را از قبل معین کرد تا کفاره باشد به وساطه ایمان به وسیله آن است که در باطن باشد و ختنه آنکه قلبی باشد، در روح نه در خون او تا آنکه عدالت خود را ظاهر سازد، به سبب فرو گذاشتن خطایای سابق در حین تحمل خدا، ۲۶ برای اظهار عدالت خود حرف که مدح آن نه از انسان بلکه از خدادست.

۳ پس برتری بپیهود چیست؟ و یا از ختنه چه فایده؟ ۲ پسیار از عیسی ایمان آورد. ۲۷ پس جای فخر کجا است؟ برداشته شده است! به کدام شریعت؟ آیا به شریعت اعمال؟ نی بلکه به شریعت ۳ زیرا که چه بگوییم اگر بعضی ایمان ندانستند؟ آیا ایمانی ایشان امانت خدا را باطل می سازد؟ ۴ حاشا! بلکه خدا راستگو باشد و محض ایمان عادل شمرده می شود. ۲۹ آیا او خدای بپیهود است

فقط؟ مگر خدای امت‌ها هم نیست؟ البته خدای امت‌ها نیز نظر کرد به بدن خود که در آن وقت مرده بود، چونکه قریب به صد است. ۳۰ زیرا واحد است خدایی که اهل ختنه را از ایمان، و ساله بود و به رحم مرده ساره. ۲۰ و در عده خدا از بی ایمانی نامختونان را به ایمان عادل خواهد شمرد. ۳۱ پس آیا شریعت را به شک ننمود، بلکه قوی الایمان گشته، خدا را تمجید نمود، ۲۱ و این ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا! بلکه شریعت راستوار می‌داریم.

۴ پس چه چیز را بگوییم که پدر ما ابراهیم بحسب جسم یافت؟ ۲ زیرا اگر ابراهیم به اعمال عادل شمرده شد، جای فخر دارد اما نه درزند خدا. ۳ زیرا کتاب چه می‌گوید؟ «ابراهیم به خدا ایمان آورد و آن برای او عدالت محسوب شد». ۴ لکن برای کسی که عمل می‌کند، مزدش نه از اوه فیض بلکه از راه طلب محسوب می‌شود. ۵ واما کسی که عمل نکند، بلکه ایمان آورد

پس چونکه به ایمان عادل شمرده شدیم، نزد خدا سلامتی به او که بی دینان را عادل می‌شمارد، ایمان او عدالت محسوب داریم بواسطت خداوندما عیسی مسیح، ۲ که به وساطت او دخول می‌شود. ۶ چنانکه دادو نیز خوش حالی آن کس را ذکر می‌کند نیزیافته‌ایم بوسیله ایمان در آن فیضی که در آن پایداریم و به امید که خدا برای او عدالت محسوب می‌دارد، بدون اعمال: ۷ جلال خدا فخر می‌نماییم. ۳ ونه این تنها بلکه در مصیبتها هم

«خوشحال کسانی که خطایای ایشان آمزیده شد و گناهانشان فخر می‌کنیم، چونکه می‌دانیم که مصیبت صیر را پیدا می‌کند، ۴ مستور گردید؛ ۸ خوشحال کسی که خداوند گناه را به وی و صیر امتحان را و امتحان امید را. ۵ و امید باعث شرم‌ساری نمی‌محسوب نفرماید.» ۹ پس آیا این خوشحالی بر اهل ختنه گفته شود زیرا که محبت خدا دردهای ما به روح القدس که به ما عطا شدیما برای نامختونان نیز؟ زیرا می‌گوییم ایمان ابراهیم به عدالت شد ریخته شده است. ۶ زیرا هنگامی که ما هنوز ضعیف بودیم،

محسوب گشت. ۱۰ پس در چه حالت محسوب شد، وقتی که در زمان معین، مسیح برای بیدینان وفات یافت. ۷ زیرا بعد است او در ختنه بود یاد ر نامختونی؟ در ختنه نی، بلکه در نامختونی؟ که برای شخص عادل کسی بمیرد، هرچند در راه مرد نیکو ممکن

۱۱ و علامت ختنه را یافت تا مهر باشد بر آن عدالت ایمانی است کسی نیز جرات کند که بمیرد. ۸ لکن خدا محبت خود را

که در نامختونی داشت، تا او همه نامختونان را که ایمان آورند در ما ثابت می‌کند از اینکه هنگامی که ماهنوز گناهکار بودیم، پدر باشد تا عدالت برای ایشان هم محسوب شود؛ ۱۲ و پدر مسیح در راه ما مرد. ۹ پس چقدر بیشتر الان که به خون او عادل

اهل ختنه نیز یعنی آنانی را که نه فقط مختونند بلکه سالک هم شمرده شدیم، بوسیله او از غضب نجات خواهیم یافت. ۱۰ زیرا

می‌باشد بر آثار ایمانی که پدر مایزراهیم در نامختونی داشت. ۱۳ اگر در حالی که دشمن بودیم، بواسطت مرگ پسرش با خدا صلح

زیرا به ابراهیم و ذرت ای، وعده‌ای که اووارث جهان خواهد بود، از داده شدیم، پس چقدربیشتر بعد از صلح یافتن بواسطت حیات او

جهت شریعت داده نشد بلکه از عدالت ایمان. ۱۴ زیرا اگر اهل نجات خواهیم یافت. ۱۱ و همین فقط بلکه در خدا هم فخر

شریعت وارث باشند، ایمان عاطل شد و عده باطل. ۱۵ زیرا می‌کنیم بوسیله خداوند ما عیسی مسیح که بواسطت او الان صلح

که شریعت باعث غضب است، زیرا جایی که شریعت نیست یافته‌ایم. ۱۶ لهذا همچنان که بواسطت یک آدم گناه داخل جهان تجاوز هم نیست. ۱۷ و ازین جهت از ایمان شد تا محض فیض گردید و به گناه موت؛ و به اینگونه موت بر همه مردم طاری

باشد تا عده بزرای همگی ذرت استوار شود نه مختص به ذرت گشت، از آنجا که همه گناه کردند. ۱۳ زیرا قبل از شریعت، گناه

شرعی بلکه به ذرت ایمانی ابراهیم نیزکه پدر جمیع ما است، در جهان می‌بود، لکن گناه محسوب نمی‌شود در جایی که

(چنانکه مکتوب است که تو را پدر امت های بسیار ساخته‌ام)، شریعت نیست. ۱۴ بلکه از آدم تا موسی موت تسلط می‌داشت بر

در حضور آن خدایی که به او ایمان آورد که مردگان را زنده می‌کند آنانی نیز که بر مثال تجاوز آدم که نمونه آن آینده است، گناه و ناموجودات را به وجود می‌خواند؛ ۱۸ که او در نامیدی به امید نکرده بودند. ۱۵ و نهچنانکه خطأ بود، همچنان نعمت نیز باشد.

ایمان آورد تا پدراسته های بسیار شود، برسحب آنچه گفته شد که زیرا اگر به خطای یک شخص بسیاری مردن، چقدربیاده فیض

«ذرت تو چنین خواهند بود.» ۱۹ و در ایمان کم قوت نشده، خدا و آن بخششی که به فیض یک انسان، یعنی عیسی مسیح

است، برای بسیاری افرون گردید. ۱۶ و نه اینکه مثل آنچه از یک آنرو که زیر شریعت نیستیم بلکه زیر فیض؟ حاشا! ۱۶ آیانمی دانید گناهکار سر زد، همچنان بخشنش باشد؛ زیرا حکم شد از یک برای که اگر خویشتن را به بندگی کسی تسلیم کرده، او را اطاعت قصاص لکن نعمت از خطای پسیار برای عدالت رسید. ۱۷ زیرا نمایید، شما آنکس را که او را اطاعت می کنید بنده هستید، خواه اگر به سبب خطا یک نفر و بواسطه آن یک موت سلطنت کرد، گناه را برای مرگ، خواه اطاعت را برای عدالت. ۱۷ اما شکرخدا چقدر بیشتر آنکی که افرونی فیض و بخشنش عدالت را می پذیرند، را که هرچند غلامان گناه می بودید، لیکن الان از دل، مطیع آن در حیات سلطنت خواهید کرد بوسیله یک یعنی عیسی مسیح. صورت تعیلم گردیده اید که به آن سپرده شده اید. ۱۸ و از گاهه آزاد ۱۸ پس همچنان که به یک خطا حکم شد بر جمیع مردمان برای شده، غلامان عدالت گشته اید. ۱۹ بطور انسان، به سبب ضعف قصاص، همچنین به یک عمل صالح بخشنش شد بر جمیع جسم شما سخن می گوییم، زیرا همچنان که اعضای خود را بندگی مردمان برای عدالت حیات. ۱۹ زیرا به همین قسمی که از نافمانی نجاست و گناه برای گناه سپرید، همچنین الان نیز اعضای خود یک شخص بسیاری گناهکار شدند، همچنین نیز به اطاعت یک را به بندگی عدالت آزادمی بودید. ۲۰ پس آن وقت شخص بسیاری عادل خواهید گردید. ۲۰ اما شریعت در میان آمد غلامان گناه می بودید از عدالت آزادمی بودید. ۲۱ پس آن وقت تاخته زیاده شود. لکن جایی که گناه زیاده گشت، فرض پنهانیت چه ثمر داشته است؟ ۲۲ اما الحال چونکه از گناه آزاد شده و غلامان افرون گردید. ۲۱ تا آنکه چنانکه گناه در موت سلطنت کرد، آنها موت است؟ ۲۲ اما الحال چونکه از گناه آزاد شده و غلامان خدا گشته اید، ثمر خود را برای قدوسیت می آورید که عاقبت آن، همچنین فیض نیز سلطنت نماید به عدالت برای حیات جادوی ای (aiōnios g166) ۲۳ زیرا که مزد گناه حیات جادوی است. ۲۳ موت است، اما نعمت خدا حیات جادوی در خداوند ماعیسی مسیح. (aiōnios g166)

۶ پس چه گوییم؟ آیا در گناه بمانیم تا فیض افرون گردد؟ ۴ حاشا! مایانی که از گناه مردمیم، چگونه دیگر در آن زیست کیم؟

۳ یانمی دانید که جمیع ما که در مسیح عیسی تعمید یافتیم، در ۷ ای برادران آیا نمی دانید (زیرا که با عارفین شریعت سخن موت او تعمید یافتیم؟ ۴ پس چونکه در موت او تعمید یافتیم، با می گوییم) که مادامی که انسان زنده است، شریعت بر وی او دفن شدیم تا آنکه به همین قسمی که مسیح به جلال پدر از حکمرانی دارد؟ ۲ زیرا زن منکوحه برسحب شریعت به شوهرزنده مرد گان برخاست، ما نیز در تازگی حیات رفتار نماییم. ۵ زیرا اگر بسته است، اما هرگاه شوهرش بمیرد، از شریعت شوهرش آزاد شود. بر مثال موت او متعدد گشته، هر آینه در قیامت وی نیز چنین ۳ پس مادامی که شوهرش حیات دارد، اگر به مرد دیگر پیوندد، خواهیم شد. ۶ زیرا این رامی دانیم که انسانیت کهنه ما با او زانیه خوانده می شود. لکن هرگاه شوهرش بمیرد، از آن شریعت آزاد مصلوب شد تا جسد گناه معدوم گشته، دیگر گناه را بندگی است که اگر به شوهری دیگرداده شود، زانیه نباشد. ۴ بنا بر این، نکنیم. ۷ زیرا هر که مرد، از گناه میرا شده است. ۸ پس هرگاه با ای برادران من، شما نیز بوساطت جسد مسیح برای شریعت مسیح مردمیم، یقین می دانیم که با او زیست هم خواهیم کرد. ۹ زیرا مرد شدید تا خود را به دیگری پیوندید، یعنی با او که از مرد گان می دانیم که چون مسیح از مرد گان برخاست، دیگر نمی مرد و برخاست، تا بجهت خدا ثمر آوریم. ۵ زیرا وقتی که در جسم بعد این موت بر او تسلطی ندارد. ۱۰ زیرا به آنچه مرد یک مرتبه بودیم، هوشهای گناهانی که از شریعت بود، در اعضای ما عمل برای گناه مرد و به آنچه زندگی می کنند، برای خدا زندگی می کنند. می کرد تا بجهت موت ثمر آوریم. ۶ اما الحال چون برای آن چیزی ۱۱ همچنین شما نیز خود را برای گناه مرده انگارید، اما برای خدا که در آن بسته بودیم مردمیم، از شریعت آزاد شدیم، بحدی که در در مسیح عیسی زنده. ۱۲ پس گناه در جسم فانی شما حکمرانی تازگی روح بندگی می کنیم نه در کهنه گی حرف. ۷ پس چه نکنید تا هوشهای آن را اطاعت نمایید، ۱۳ واعضای خود را به گوییم؟ آیا شریعت گناه است؟ حاشا! بلکه گناه را جز به شریعت گناه مسیارید تا آلات ناراستی شوند، بلکه خود را از مرد گان زنده ندانستیم. زیرا که شهوت را نمی دانستم، اگر شریعت نمی گفت شده به خداتسلیم کنید و اعضای خود را تا آلات عدالت برای که طمع مورز. ۸ لکن گناه از حکم فرست جسته، هر قسم خدا باشند. ۱۴ زیرا گناه بر شما سلطنت نخواهد کرد، چونکه زیر طمع را در من پدید آورد، زیرا بدون شریعت گناه مرده است. ۹ و شریعت نیستید بلکه زیرفیض. ۱۵ پس چه گوییم؟ آیا گناه بکنیم از من از قبل بدون شریعت زنده می بودم؛ لکن چون حکم آمد، گناه

زنده گشت و من مردم. ۱۰ و آن حکمی که برای حیات بود، بکند. ۸ وکسانی که جسمانی هستند، نمی توانند خدا را خشنود همان مرا باعث موت گردید. ۱۱ زیرا گاه از حکم فرستاد یافته، سازند. ۹ لکن شما در جسم نیستید بلکه در روح، هرگاه روح مرا فربی داد و به آن مرا کشت. ۱۲ خلاصه شریعت مقدس خدا در شما ساکن باشد؛ و هرگاه کسی روح مسیح را ندارد وی است و حکم مقدس و عادل و نیکو. ۱۳ پس آیا نیکوی برای من از آن اونیست. ۱۰ و اگر مسیح در شما است، جسم به سبب موت گردید؟ حاشا! بلکه گاه، تا گناه بودنش ظاهر شود. بوسیله گناه مرده است و اما روح، به سبب عدالت، حیات است. ۱۱ نیکویی برای من باعث مرگ شد تا آنکه گاه به سبب حکم بغاوت و اگر روح او که عیسی را از مرگان برخیارید در شما ساکن خیبت شود. ۱۴ زیرا می دانیم که شریعت روحانی است، لکن من باشد، او که مسیح را از مرگان برخیارید، پنهانی فانی شمارا نیز جسمانی و زیر گناه فروخته شده هستم، ۱۵ که آنچه می کنم نمی زنده خواهد ساخت به روح خود که در شما ساکن است. ۱۶ دانم زیرا آنچه می خواهم نمی کنم بلکه کاری را که از آن نفرت بنابراین ای برادران، مدینون جسم نیستیم تا بر حسب جسم زیست دارم بجامی آورم. ۱۷ پس هرگاه کاری را که نمی خواهم بهجا نمایم. ۱۸ اگر بر حسب جسم زیست کنید، هر آینه خواهید می آورم، شریعت را تصدیق می کنم که نیکوست. ۱۹ و الحال من مرد. لکن اگر افعال بدن را بوسیله روح بکشید، همانا خواهید دیگر فاعل آن نیستم بلکه آن گناهی که در من ساکن است. ۲۰ زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می شوند، زیرا می دانم که در من یعنی در جسلم هیچ نیکویی ساکن نیست، ایشان پسران خدا بایدند. ۲۱ از آنرو که روح بندگی را یافته اید تا باز زیرا که اراده در من حاضر است امام صورت نیکو کردن نی. ۲۲ زیرا ترسان شوید بلکه روح پسرخواندگی را یافته اید که به آن ابا یعنی ای آن نیکویی را که می خواهم نمی کنم، بلکه بدای را که نمی خواهم پدر ندا می کنیم. ۲۳ همان روح بروجهای ما شهادت می دهد که می کنم. ۲۴ پس چون آنچه را نمی خواهم می کنم، من دیگر فاعل فرزندان خدا هستیم. ۲۵ و هرگاه فرزندانیم، وارثان هم هستیم یعنی آن نیستم بلکه گناه که در من ساکن است. ۲۶ لهذا این شریعت ورثه خدا و همارث با مسیح، اگر شریک مصیبتهای او هستیم تا را می بایم که وقتی که می خواهم نیکویی کنم بدای نزد من حاضر در جلال وی نیز شریک باشیم. ۲۷ زیرا یقین می دانم که دردهای است. ۲۸ زیرا بر حسب انسانیت باطنی به شریعت خدا خشنودم. زمان حاضر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ لکن شریعت دیگر در اعضا خودمی بینم که با شریعت ذهن است. ۲۹ زیرا که انتظار خلقت، مطیع بطال شد، نه به اراده خود، بلکه بخارط من منازعه می کند و مراسیر می سازد به آن شریعت گناه که در ۳۰ زیرا خلقت، مطیع بطال شد، نه به اراده خود، بلکه بخارط اعضا من است. ۳۱ وای بر من که مرد شفیقی ای هستم! کیست او که آن را مطیع گردانید. ۳۲ در امید که خود خلقت نیز از که ما از جسم این موت رهایی بخشد؟ ۳۳ خدا را شکر می کنم قید فساد خلاصی خواهد یافت تا در آزادی جلال فرزندان خدا بواسطه خداوند ما عیسی مسیح. خلاصه اینکه من به ذهن خود شریک شود. ۳۴ زیرا می دانیم که تمام خلقت تا الان با هم در آه شریعت خدا را بندگی می کنم و اما به جسم خود شریعت گناه را. کشیدن و درد زه می باشند. ۳۵ و نه این فقط، بلکه ما نیز که نور روح را یافته ایم، در خود آه می کشیم در انتظار پسرخواندگی یعنی

۸ پس هیچ قصاص نیست بر آنانی که در مسیح عیسی هستند.

۹ زیرا که شریعت روح حیات در مسیح عیسی مرا از شریعت گناه امید دیده شد، دیگر امید نیست، زیرا آنچه کسی بیند چرا دیگر در موت آزاد گردانید. ۱۰ زیرا آنچه از شریعت محال بود، چونکه امید آن باشد؟ ۱۱ اما اگر امید چیزی را داریم که نمی بینیم، با سبب جسم ضعیف بود، خدا پسرخود را در شبیه جسم گناه و برای گناه فستاده، برگناه در جسم فتواند داد، ۱۲ تا عدالت شریعت کامل گردد در مایانی که نه بر حسب جسم بلکه بر حسب روح رفارم لکن خود روح برای ما شفاعت می کند به ناله هایی که نمی می کنیم. ۱۳ زیرا آنانی که بر حسب جسم هستند، در چیزهای جسم شود بیان کرد. ۱۴ و او که تفحص کننده دلهاست، فکر روح نفکر می کند و اما آنانی که بر حسب روح هستند در چیزهای را می داند زیرا که آنچه دعا کنیم بطری که می بایدندی می دانیم، و می دانیم که بجهت آنانی که خدا را داده است، فکر روح را از آن جهت که تفکر جسم موت است، لکن تفکر روح می کند. ۱۵ و می دانیم که بجهت آنانی که خدا را داده است، فکر روح را از آن جهت که تفکر جسم دشمنی خدا و بحسب اراده او خوانده شده اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان است، چونکه شریعت خدا را طاعت نمی کند، زیرا نمی تواند هم) با هم در کار می باشند. ۱۶ زیرا آنانی را که از قبل شناخت،

ایشان را نیز پیش معین فرمود تا به صورت پرسش متشکل شوند تا شد که «بزرگتر کوچکتر را بندگی خواهد نمود.» ۱۳ چنانکه او نخست زاده ازبرادران بسیار باشد. ۲۰ و آنانی را که از قبیل معین مکتوب است: «یعقوب را دوست داشتم اما عیسو را دشمن.» فرمود، ایشان را هم خواند و آنانی را که خواند ایشان را نیز عادل ۱۴ پس چه گوییم؟ آیا نزد خدا بی انصافی است؟ حاشا! ۱۵ زیرا گردانید و آنانی را که عادل گردانید، ایشان را نیز جلال داد. ۳۱ به موسی می گوید: «رحم خواهم فرمود بر هر که رحم کنم و رافت پس به این چیزها چه گوییم؟ هرگاه خدا باما است کیست به ضد خواهم نمود بر هر که رافت نمایم.» ۱۶ لاجرم نه از خواهش کننده ما؟ ۲۲ او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع و نه از شتابنده است، بلکه از خذای رحم کننده. ۱۷ زیرا کتاب به ما تسليم نمود، چگونه با وی همه‌چیز را به ما نخواهد بخشید؟ فرعون می گوید: «برای همین تو را برانگیختم تا قوت خود را در تو کیست که بر برگزیدگان خدا مدعی شود؟ آیا خدا که عادل ظاهر سازم و تا من در تمام جهان ندا شود.» ۱۸ پنارلین هر که کننده است؟ ۲۴ کیست که بر ایشان فتواده‌د؟ آیا مسیح که مرد را می‌خواهد رحم می‌کند و هر که را می‌خواهد سنگدل می‌سازد. بلکه نیزیرخاست، آنکه بدست راست خدا هم هست و ما را نیز ۱۹ پس مرا می‌گویی: «دیگر چرا ملامت می‌کند؟ زیرا کیست شفاعت می‌کند؟ ۲۵ کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ که با اراده او مقاومت نموده باشد؟» ۲۰ نی بلکه تو کیستی ای آیا مصیبت یا دلتیگی یا چیزی یا تقطیع یا عربانی یا خطر یا شمشیر؟ انسان که با خدا معارضه می‌کنی؟ آیا مصنوع به صانع می‌گوید ۲۶ چنانکه مکتوب است که «بخاطر تو تمام روزگشته و مثل که چرا مرا چنین ساختی؟ ۲۱ یا کوهه‌گر اختیار بر گل ندارد که گوسفندان ذبحی شمرده می‌شویم.» ۲۷ بلکه در همه این امور از یک خمیره ظرفی عزیز و ظرفی ذلیل بسازد؟ ۲۲ و اگر خدا حد زیاده نصرت یافته، بوسیله او که ما را محبت نمود. ۲۸ چون اراده نمود که غصب خود را ظاهر سازد و قدرت خویش را زیراً یقین می‌دانم که نه موت و نه حیات و نه فرشتگان و نه روسا و بشناساند، ظروف غصب را که برای هلاکت آماده شده بود، به نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده ۲۹ و نه بلندی و حلم بسیار متحمل گردید، ۲۳ و تا دولت جلال خود را بشناساند نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر قدرت خواهد داشت که ما را بر ظروف رحمتی که آنها را ازقل برای جلال مستعد نمود. ۲۴ و از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است جدا سازد. آنها را نیزدعت فرمود یعنی ما نه از یهود فقط بلکه از امت‌ها نیز. ۲۵ چنانکه در هوشع هم می‌گوید: «آنای را که قوم من نوبدن،

۹ در مسیح راست می‌گوییم و دروغ نی و ضمیر من در قوم خود خواهم خواند و او را که دوست نداشتم محبوبه خود. روح القدس مرا شاهد است، ۲ که مرا غمی عظیم و در دلم و جمع ۲۶ و جایی که به ایشان گفته شد که شما قوم من نیستید، در دائی است. ۳ زیرا راضی هم می‌بودم که خود از مسیح محروم آتجا پس‌ران خدای حی خوانده خواهد شد...» ۲۷ و اشیاع نیز شوم در راه برادرانم که بحسب جسم خویشان منتده، ۴ که ایشان اسرائیلی‌اند و پسرخواندنگی و جلال و عهدها و امانت شریعت و عبادت و وعده‌ها از آن ایشان است؛ ۵ که پدران از آن ایشانند و از ایشان مسیح بحسب جسم شد که فوق از همه است، خدای مبارک تا ابدالاًباد، آمین. (aiōn g165) ۶ ولکن چنین نیست که کلام خدا ساقط شده باشد؛ زیرا همه که از اسرائیلی‌اند، اسرائیلی نیستند، ۷ و نسل ابراهیم تمام فرزند هستند؛ بلکه نسل تو در اسحاق خوانده خواهد شد. ۸ یعنی فرزندان جسم، فرزندان خدا نیستند، بلکه فرزندان وعده از نسل محسوب می‌شوند. ۹ زیاکلام عدالت نرسیدند. ۳۲ از چه سبب؟ از این جهت که نه از راه ایمان بلکه از راه اعمال شریعت آن را طلبیدند، زیرا که به سنگ خواهد بود. ۱۰ و نه این فقط، بلکه وقه نیز چون از یک شخص مصادم لغوش خوردند. ۳۳ چنانکه مکتوب است که «اینکه در مصادم سنگی مصادم و صخره لغوش می‌نهم و هر که براو ایمان یعنی از پدر ماسحاق حامله شد، ۱۱ زیرا هنگامی که هنوز تولد نیافقه بودند و عملی نیک یا بد نکرده، تا اراده خدای حسپ آورد، خجل نخواهد گردید.» اختیار ثابت شود نه از اعمال بلکه از دعوت کننده ۱۲ بدو گفته

۱۰ ای برادران خوشی دل من و دعای من نزد خدا بجهت ۱۱ پس می‌گوییم آیا خدا قوم خود را رد کرد؟ حاشا! زیرا که من اسرائیل برای نجات ایشان است. ۲ زیرا بجهت ایشان شهادت نیز اسرائیلی ازاولاد ابراهیم از سبط بنیامین هستم. ۲ خدا قوم خود می‌دهم که برای خدا غیرت دارند لکن نه از روی معرفت. ۳ زیرا را که از قبل شناخته بود، رد نفرموده است. آیا نمی‌دانید که کتاب که چون عدالت خدا را نشناخته، می‌خواستند عدالت خود را در الیاس چه می‌گوید، چگونه بر اسرائیل از خدا استغاثه می‌کند ثابت کنند، مطیع عدالت خدا نگشتهند. ۴ زیرا که مسیح است ۳ که «خدواندن انبیای تو را کشته و مذبھهای تو را کند» و من انجام شریعت بجهت عدالت برای هر کس که ایمان آورد. ۵ به تنهایی مانده‌ام و در قصد جان من نیز می‌باشد؟^۶ لکن وحی زیرا موسی عدالت شریعت را بیان می‌کند که «هرکه به این عمل بدو چه می‌گوید؟ اینکه «هفت هزار مرد بجهت خود نگاه داشتم کنند، در این خواهد زیست.»^۷ لکن عدالت ایمان بدینطور سخن که به نزد بعل زانو نزدیدند. ۸ پس همچنین در زمان حاضر نیز می‌گوید که «در خاطر خود مگو کیست که به آسمان صعود بعثت اختیار فیض مانده است. ۹ و اگر از راه فیض است کند یعنی تا مسیح را فرود آورد،^{۱۰} ۷ یا کیست که به هاویه نزول دیگر از اعمال نیست و گرنه فیض دیگر فیض نیست. اما اگر از کند یعنی تا مسیح را از مردگان بروارد.»^{۱۱} ۸ اعمال است دیگر از فیض نیست والا عمل دیگر عمل نیست.^۷ لکن چه می‌گوید؟ اینکه «کلام نزد تو در دهان و در قلب تو پس مقصود چیست؟ اینکه اسرائیل آنچه را که می‌طلبید نیافر است، است یعنی این کلام ایمان که به آن وعظ می‌کنیم.»^۹ زیرا اگر به لکن برگزیدگان یافتند و باقی ماندگان سختدل گردیدند؛^۸ چنانکه زبان خود عیسی خداوند را اعتراف کنی و در دل خود ایمان آوری مکتوب است که «خدا بدیشان روح خواب آلد داد چشممانی که که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. ۱۰ نبیند و گوششانی که نشود تا آموز». ۹ و داده می‌گوید که چونکه به دل ایمان آورده می‌شود برای عدالت و به زبان اعتراف «مائده ایشان برای ایشان تله و دام و سنگ مصادم و عقوبت باد؛ می‌شود بجهت نجات. ۱۱ و کتاب می‌گوید «هرکه به او ایمان ۱۰ چشمان ایشان تار شود تا نبینند و پشت ایشان را دائم خم آورد خجل نخواهد شد.»^{۱۲} ۱۲ زیرا که در بیوه و بونانی تقواوتی گردان.»^{۱۱} پس می‌گوییم آیا لغزش خوردن تا بیفتند؟ حاشا! بلکه نیست که همان خداوند، خداوند همه است و دولتمند است برای ایشان از لغزش ایشان نجات به امت را رسیدتا در ایشان غیرت پدید آورد. همه که نام او را می‌خوانند. ۱۳ زیرا هرکه نام خداوند را بخواند^{۱۲} پس چون لغزش ایشان دولتمندی جهان گردید و نقصان ایشان نجات خواهد یافت. ۱۴ پس چگونه بخوانند کسی را که به دولتمندی امت‌ها، به چند مرتبه زیارت‌پری ایشان خواهد بود. ۱۳ او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه ایمان آورند به کسی که خبری او را زیرا به شما ای امت هاسخن می‌گوییم پس از این روی که رسول نشینده‌اند و چگونه بشوند بدون واعظ؟^{۱۵} و چگونه عظیم کنند امت هامی باش خدمت خود را تمجید می‌نمایم، ۱۴ تاشاید جز اینکه فرستاده شوند؟ چنانکه مکتوب است که «چه زیبا است اینای جنس خود را به غیرت آرم و بعضی از ایشان را برهانم. ۱۵ پايهای آنانی که به سلامتی بشارت می‌دهند و به چیزهای نیکو زیرا اگر رد شدن ایشان مصالحت عالم شد، بازیافت ایشان چه مؤده می‌دهند.»^{۱۶} لکن همه بشارت را گوش نگرفتند زیرا اشعا خواهد شد؟ جز حیات از مردگان!^{۱۶} و چون نوبت مقدس است، می‌گوید «خدواندا کیست که اخبار ما را باور کرد؟»^{۱۷} لهذا همچنان خمیره و هرگاه ریشه مقدس است، همچنان شاخه‌ها. ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام خدا. ۱۸ لکن می‌گوییم^{۱۷} و چون بعضی از شاخه‌ها بریده شدند و تو که زیتون برش بودی آیانشینیدند؟ البته شنیدند: «صوت ایشان در تمام جهان منتشر در آنها پیوند گشته و در ریشه و چربی زیتون شریک شدی،^{۱۸} بر گردید و کلام ایشان تا اقصای ربع مسکون رسید.»^{۱۹} و می‌گوییم شاخه‌ها فخر مکن و اگر فخر کنی تو حامل ریشه نیستی بلکه ریشه آیا اسرائیل ندانسته‌اند؟ اول موسی می‌گوید: «من شما را به غیرت آرم^{۲۰} آفرین بجهت بی‌ایمانی بریده شدند و تومحضر می‌آرم به آن که امتنی نیست و بر قوم بی‌فهم شما را خشمگین پیوند شوم؟»^{۲۰} آفرین بجهت بی‌ایمانی بریده شدند و تومحضر خواهم ساخت.»^{۲۰} واشیعا نیز جرات کرده، می‌گوید: آنانی ایمان پایدار هستی. مغورو مباش بلکه بیش!^{۲۱} زیرا اگر خدا بر که طالب من نبودند مرا یافتند و به کسانی که مرا نظرلیدند ظاهر شاخه‌های طبیعی شفقت نفرمود، بر تو نیز شفقت نخواهد کرد. گردیدم.»^{۲۱} اما در حق اسرائیل می‌گوید: «تمام روز دستهای ۲۲ پس مهریانی و سختی خدا را ملاحظه نمای؛ اماسختی بر آنانی خود را دراز کردم به سوی قومی نامطیع و مخالف.»^{۲۲} که افتادند، اما مهریانی برتا اگر در مهریانی ثابت باشی والا تو نیز بریده خواهی شد. ۲۳ و اگر ایشان نیز در بی‌ایمانی نماند باز

پیوند خواهد شد، زیرا خدا قادر است که ایشان را بارگیر پیوندد. سخاوت، یا پیشوای اجتهاد، یا رحم کننده به سرور. ۹ محبت زیتون اگر تو از زیتون طبیعی بریده شده، برخلاف طبع به بی ریا باشد. از بدی نفرت کنید و به نیکویی پیوندید. ۱۰ با زیتون خیوچ پیوند خواهند شد. ۱۱ چند مرتبه زیارت آنانی که طبیعی اند محبت برادرانه یکدیگر را داده و هر یک دیگری را بیشتر از در زیتون خوش پیوند خواهند شد. ۱۲ زیاری برادران نمی خواهم خوداکرام بنماید. ۱۳ در اجتهاد کاهلی نوزیزد و در روح سرگرم شما از این سری خبر باشید که مبادا خود را دانا انگارید که شده، خداوند را خدمت نماید. ۱۴ در امید مسرو و در مصیبت مدامی که پری امت‌ها درنیاید، سختدلی برعیضی از اسرائیل صابر و در دعماً طلب باشید. ۱۵ مشارکت در احتیاجات مقدسین طاری گشته است. ۱۶ و همچنین همگی اسرائیل نجات خواهند کنید و در مهمانداری ساعی باشید. ۱۷ برکت بطلیبد بر آنانی که یافت، چنانکه مکتوب است که «از صهیون نجات دهنده‌ای ظاهر بر شما جفا کنید؛ برکت بطلیبد و لعن مکنید. ۱۸ خوشی کنید خواهد شد و بی دینی را ازیعقوب خواهد برداشت؛ ۱۹ و این است با خوشحالان و ماتم نماید با ماتمیان. ۲۰ برای یکدیگر همان عهد من با ایشان در زمانی که گناهانشان را بردارم.» ۲۱ نظر به فکر داشته باشید و در چیزهای بلند فکر مکنید بلکه با ذلیلان انجیل بهجهت شما دشمنان اند، لکن نظر به اختیارهای خاطر اجاد مدارا نماید و خودرا دانا شمارید. ۲۲ هیچ کس را به عرض بدی محبوبند. ۲۳ زیرا که در نعمتها دعوت خدا بازگشتن نیست. ۲۴ بدی مرسانید. پیش جمیع مردم تدارک کارهای نیکو بینند. ۲۵ زیرا همچنان که شما در سابق مطیع خدا نبودید و الان به سبب اگر ممکن است بقدر قوه خود با جمیع خلق به صلح بکوشید. نافرمانی ایشان رحمت یافید، ۲۶ همچنین ایشان نیز الان نافرمان ۲۷ ای محبوبان انتقام خود را مکشید بلکه خشم را مهلت دهد، شدند تا بهجهت رحمتی که بر شما است بر ایشان نیز رحم شود زیرا مکتوب است «خداوند می گوید که انتقام ازان من است من زیرا خدا همه رادر نافرمانی بسته است تا بر همه رحم فرماید. ۲۸ پس «اگر دشمن تو گرسنه باشد، او را سیر ۲۹ زهی عمق دولتمندی و حکمت و علم کن و اگر تشنه است، سیرا بش نما زیرا اگر چنین کنی اخگرهای خدا! چقدر بعید از غورسی است احکام او و فوق از کاوش است آتش بر سرش خواهی انباشت.» ۳۰ مغلوب بدی مشو بلکه بدی طبقهای، وی! ۳۱ زدنا کیست که ای، خداوند! دانسته باشد؟ با یه نیکوی مغلوب سا.

که مشیر او شده؟ ۳۵ یا که سبقت جسته چیزی بدو داده تا به او باز داده شود؟ ۳۶ زیرا که از او و به او و تا او همه‌چیز است؛ و او خدا نیست و آنها بی که هست از جانب خدا مرتب شده است.

۲ حتی هر که با قدرت مقاومت نماید، مقاومت با ترتیب خدا نموده

۱۲ زندگی مسیحی لهذا ای برادران شما را به رحمتهای خدا باشد و هر که مقاومت کند، حکم بر خود آورد. ۳ زیرا از حکام استدعا می کنم که بدنهای خود را قربانی زنده مقدس پسندیده خدا عمل نیک را خویی نیست بلکه عمل بد را. پس اگر می خواهی که بگذرانید که عبادت معقول شما است. ۴ و همشکل این جهان آن قدرت تسان نشود، نیکوبی کن که از اوتحسین خواهی مشوید بلکه به تازگی ذهن خود صورت خود را تبدیل دهید تا شما یافت. ۴ زیرا خدمت خداست برای تو به نیکوبی؛ لکن هرگاه بدی دریافت کنید که اراده نیکوبی پسندیده کامل خدا چیست. **(aiōn g165)**

۲ زیرا به آن فیضی که به من عطا شده است، هریکی از خداست و با غضب انتقام از بدکاران می کشد. ۵ لهذا لازم شما را می گوییم که فکرهای بلندر از آنچه شایسته است مکنید است که مطیع او شوی نه به سبب غضب فقط بلکه به سبب بلکه به اعتداد فکر نمایید، به اندازه آن بهره ایمان که خدا به هر ضمیر خود نیز. ۶ زیرا که به این سبب باج نیز می دهید، چونکه کس قسمت فرموده است. ۴ زیرا همچنان که در یک بدن اعضای خدام خدا و مواطن در همین امر هستند. ۷ پس حق هر کس بسیار داریم و هر عضوی را یک کارنیست، ۵ همچنین ما که راهه ای او ادا کنید: باج را به مستحق باج و چیزی را به مستحق بسیاریم، یک جسد هستیم در مسیح، اما فرد اعضای یکدیگر. ۶ جزیه و ترس را به مستحق ترس و عزت را به مستحق عزت. ۸ پس چون نعمتهای مختلف داریم بحسب فیضی که به ما داده مدیون احدهی به چیزی مشوید جز به محبت نمودن با یکدیگر، شد، خواه نبوت بحسب موافقت ایمان، ۷ یا خدمت در خدمت زیرا کسی که دیگری رامحبت نماید شرعاً را بهجا آورده باشد. ۹ گذاری، یا معلم در تعليم، ۸ یا واعظ در موعظه، یا بخشندۀ به زیرا که زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده،

طبع موز و هر حکمی دیگر که هست، همه شامل است در این هرگاه برادرت به خوراک آزده شود، دیگر به محبت رفشارنمی کلام که همسایه خود راچون خود محبت نما. ۱۰ محبت به کنی. به خوراک خود هلاک مساز کسی را که مسیح در راه او همسایه خود بدی نمی کند پس محبت تکمیل شریعت است. ۱۱ بمرد. ۱۶ پس مگذارید که نیکویی شما را بد گویند. ۱۷ زیرا و خصوص چون وقت را می دانید که الحال ساعت رسیده است ملکوت خدا اکل و شب نیست بلکه عدالت و سلامتی و خوشی که ما را باید از خواب بیدارشویم زیرا که الا نجات‌ها نزدیک در روح القدس. ۱۸ شب منقضی شد و پسندیده خدا و مقبول مردم است. ۱۹ پس آن اموری را که منشا تر است از آن وقتی که ایمان آوردیم. ۲۰ شب منقضی شد و بنای یکدیگر است پیروی نمایید. پس اعمال تاریکی را بیرون کرده، اسلحه نور را سلامتی و بنای یکدیگر است پیروی نمایید. پس بجهت خوراک پیوشیم. ۲۱ و با شایستگی رفوار کنیم چنانکه در روز، نه در برمها کار خدا را خراب مساواز. البته همه‌چیز پاک است، لیکن بد است و سکرها و فسق و فجور و نزع و حسد؛ ۲۲ بلکه عیسی مسیح برای آن شخص که برای لغزش می خورد. ۲۳ گوشت نخوردن و خداوند را پیوشید و برای شهوات جسمانی تدارک نمینید.

۱۴ و کسی را که در ایمان ضعیف باشد پذیرید، لکن نه برای محاججه در مباحثات. ۲ یکی ایمان دارد که همه‌چیز را باید خورد اما آنکه ضعیف است بقول می خورد. ۳ پس خورنده ناخورنده را حقیر نشمارد و ناخورنده بر خورنده حکم نکند زیرا خدا او را پذیرفته گناه است. ۴ تو کیستی که بر پنهان کسی دیگر حکم می کنی؟ او نزد

آقای خود ثابت یا ساقطی می شود. لیکن استوار خواهد شد زیرا خدا ۱۵ و ما که توانا هستیم، ضعفهای ناتوانان رامتحمل بشویم و قادر است که او را ثابت نماید. ۵ یکی یک روز را از دیگری بهتر خوشی خود را طالب نباشیم. ۶ هر یکی از ما همسایه خود را می داند و دیگری هر روز را برای می شمارد. پس هر کس در ذهن خوش بسازد در آنچه برای بنا نیکو است. ۷ زیرا مسیح نیز خوشی خود متفیض نشود. ۸ آنکه روز را عزیز می داند بخاطر خداوند عزیز خود را طالب نمی بود، بلکه چنانکه مکتوب است «ملامتهای می دارد و آنکه روز را عزیز نمی دارد هم برای خداوند نمی دارد»؛ و ملامت کنندگان تو بمن طاری گردید. ۹ زیرا همه‌چیزهایی که هرگاه می خورد برای خداوند می خورد زیرا خدا را شکر می گوید، و از قبل مکتوب شد، برای تعلیم ما نوشته شد تا به صبر و تسلی آنکه نمی خورد برای خداوند نمی خورد و خدا را شکر می گوید. ۱۰ کتاب امیدوار باشیم. ۱۱ الان خدای صبر و تسلی شما را فرض زیرا احدی از ما به خود زیست نمی کند و هیچ کس به خودنامی عطا کناد تا موافق مسیح عیسی با یکدیگر یکرانی باشید. ۱۲ تا میرید. ۱۳ زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می کنیم و اگر یکدل و یکربان شده، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح را تمجید بهمیریم برای خداوند می میریم. پس خواه زنده باشیم، خواه بهمیریم، نمایید. ۱۴ پس یکدیگر را پذیرید، چنانکه مسیح نیز مرا پذیرفت از آن خداوندیم. ۱۵ زیرا برای همین مسیح مرد وزنده گشت تا برای جلال خدا. ۱۶ زیرا می گوییم عیسی مسیح خادم ختنه گردید زندگان و مردگان سلطنت کند. ۱۷ لکن تو چرا بر برادر خود بجهت راستی خدا تا وعده های اجداد را ثابت گرداند، ۱۸ و حکم می کنی؟ یا تونیز چرا برادر خود را حقیر می شماری؟ زانرو تامت ها خدا را تمجید نماید به سبب رحمت اوجانکه مکتوب که همه پیش مسند مسیح حاضر خواهیم شد. ۱۹ زیرا مکتوب است که «از این جهت تو را در میان امت ها اقرار خواهم کرد و به است «خداوند می گوید به حیات خود قسم که هر زانوی نزد نام تو تسبیح خواهیم خواند». ۲۰ و نیز می گوید «ای امت ها با قوم خواهد شد و هر زبانی به خدا اقرار خواهد نمود». ۲۱ پس او شادمان شوید. ۲۲ و ایض «ای جمیع امت ها خداوند را هریکی از ما حساب خود را به خدا خواهد داد. ۲۳ بنابراین حمد گویید وای تمامی قومه ااو را مدرج نمایید.» ۲۴ الان بر یکدیگر حکم نکنیم بلکه حکم کنید به اینکه کسی سنگی نیز می گوید که «ریشه پسا خواهد بود و آنکه برای حکمرانی مصادم یا لغزشی در راه برادر خود ننهد. ۲۵ می دانم و در عیسی امت ها میتوعت شود، امید امت ها بر وی خواهد بود.» ۲۶ الان خداوندیمین می دارم که هیچ چیز در ذات خود نجس نیست جز خدای امید، شما را از کمال خوشی و سلامتی در ایمان پر سازد تا برای آن کسی که آن را نجس پنداشد؛ برای او نجس است. ۲۷ زیرا به قوت روح القدس در امید افزوذه گردید. ۲۸ لکن ای برادران

من، خود نیز درباره شما یقین می‌دانم که خود از نیکویی مملو و ودر هر چیزی که به شما محتاج باشد او را اعانت کنید، زیرا که پر از کمال معرفت و قادر بر نصیحت نمودن یکدیگر هستید. او بسیاری را و خود مرا نیز معاونت می‌نمود. ۳ سلام برسانید به لیکن ای برادران بسیار جسارت ورزیده، من خود نیز به شما پرسکلا و اکيلا، همکاران من در مسیح عیسی ۴ که در راه جان چرچی نوشتم تا شما را یادآوری نمایم بهسب آن فرضی که خدا به من گردنهای خود را نهادن و نه به تهایی ممنون ایشان هستم، من بخشنیده است، ۱۶ تا خادم عیسی مسیح شوم برای امت بلکه همه کلیساها امتهای امت‌ها. ۵ کلیسا را که در خانه ایشان است هاو کهانت انجیل خدا را بهجا آرم تا هدیه امت هامقبول افتاد، و حبیب من اپنیطس را که برای مسیح نوبر آسیاست سلام رسانید. مقدس شده به روح القدس. ۱۷ پس به مسیح عیسی در کارهای ۶ و مریم را که برای شما زحمت بسیار کشید، سلام گوید. خدا فخر دارم. ۱۸ زیراجرات نمی‌کنم که سختی بگویم جز در ۷ و اندرونیکوس و یونیاس خویشان مرا که با من اسیر می‌بودند آن اموری که مسیح بواسطه من به عمل آورد، برای اطاعت امتهای سلام نمایید که مشهور در میان رسولان هستند و قل از من در در قول و فعل، ۱۹ به قوت آیات و معجزات و به قوت روح خدا. مسیح شدند. ۸ و امپلیاس را که در خداوند حبیب من است، بحدی که ازاورشیلم دور زده تا به الیکون بشارت مسیح را تکمیل سلام رسانید. ۹ و اوریانس که با ما در کار مسیح رفق است و نمودم. ۲۰ اما حریص بودم که بشارت چنان بدhem، نه در جایی استخیس حبیب مرا سلام نمایید. ۱۰ و اپلیس آزموده در که اسم مسیح شهرت یافته بود، مبادا بر بنیاد غیری بنا نمایم. ۲۱ مسیح را سلام برسانید و اهل خانه ارستولس را سلام برسانید. ۱۱ بلکه چنانکه مکتوب است «آنایی که خبر او را نیافتد، خواهند و خویش من هردو آنایی را از اهل خانه نرگسوس دید و کسانی که نشینند، خواهند فهمید.» ۲۲ بناران بارها از که در خداوند هستند سلام رسانید. ۱۲ طرفینا و طرفوسا را که در آمدن نزد شما منمنع شدم. ۲۳ لکن چون الان مرا در این ممالک خداوند زحمت کشیده‌اند سلام گوید؛ و پرسیس محبویه را که دیگرچایی نیست و سالهای بسیار است که مشتاق آمدن نزد شما در خداوند زحمت بسیار کشید سلام دهد. ۱۳ و روفس برگزیده بوده‌ام، ۲۴ هرگاه به اسپانیا سفرکنم، به نزد شما خواهمن آمد زیرا در خداوند مادر او و مرا سلام بگوید. ۱۴ استکریطس را و امیدوار هستم که شما را در عبور ملاقات کنم و شما مرا به آن فلیکون و هرماس و پطروپیاس و هرمس و برادرانی که با ایشانند سلام سوی مشایعت نمایید، بعد از آنکه از ملاقات شما اندکی سیر نمایید. ۱۵ فیلوکس را و جولیه و نیپیاس و خواهش و اولپیاس و شوم. ۲۵ لکن الان عازم اورشیلم هستم تا مقدسین را خدمت همه مقدسانی که با ایشانند سلام برسانید. ۱۶ ویکدیگر را به کنم. ۲۶ زیرا که اهل مکادونیه و اخانیه مصلحت دیدند که زکاتی بوسه مقدسانه سلام نمایید. و جمیع کلیساها مسیح شما را سلام برای مغلسین مقدسین اورشیلم بفرستند، ۲۷ بدین رضاداند و می‌فرستند. ۱۷ لکن ای برادران از شما استدعا می‌کنم آن کسانی بدرستی که مدیون ایشان هستند زیرا که چون امتهای را از روحانیات را که منشا تاریق و لغزش‌های مخالف آن تعلیمی که شما یافته‌اید ایشان بهره‌مند گردیدند، لازم شد که در جسمانیات نیز خدمت می‌باشد، ملاحظه کنیدو ایشان اجتناب نمایید. ۱۸ زیرا که ایشان را بکنید. ۲۸ پس چون این را انجام دهم و این ثمر را نزد چنین اشخاص خداوند ما عیسی مسیح را خدمت نمی‌کنند بلکه ایشان ختم کنم، از راه شما به اسپانیا خواهمن آمد. ۲۹ و می‌دانم شکم خود را و به الفاظ نیکو و سخنان شیرین دلهای ساده دلان را وقتی که به نزد شما آیم، در کمال برکت انجیل مسیح خواهمن آمد. می‌فربیند. ۱۹ زیرا که اطاعت شما در جمیع مردم شهرت یافته لکن ای برادران، از شما التمام دارم که بخاطر خداوند ما است. پس درباره شما مسرو شدم. اما آزوی این دارم که در عیسی مسیح و به محبت روح (القدس)، برای من نزد خدا در نیکویی دانا و در بدی ساده دل باشید. ۲۰ و خدای خداوندی دعاها جد و جهد کنید، ۳۱ تا از ناقومانان بیهودیه رستگار شوم بزودی شیطان را زیریابی‌ای شما خواهد سایید. فیض خداوند ما و خدمت من در اورشیلم مقبول مقدسین افتاد، ۲۲ تا بر حسب اراده عیسی مسیح با شما باد. ۲۱ تیموتاآوس همکار من و لقا و یاسون خدا با خوشی نزد شما برسم و باشما استراحت یابم. ۳۳ و خدای وسوسی‌اطرس که خویشان منند شما را سلام می‌فرستند. ۲۲ من سلامتی با همه شما باد، آمین.

۱۶ و خواهر ما فبیی را که خادمه کلیسا در کنخريا است، شما را سلام می‌فرستند. قایوس که مرا و تمام کلیسا را می‌بینان است، شما را سلام می‌فرستند. و ارسطس خربنیه دار شهر و کوارطس برادر به شما سلام می‌فرستند. به شما می‌سپارم ۲ تالو را در خداوند بطور شایسته مقدسین بیذیرید

۲۵ الان او را که قادر است که شما را استوار سازد، بر حسب

پشارت من و موعظه عیسی مسیح، مطابق کشف آن سری که از زمانهای ازلی مخفی بود، (aiōnios g166) ۲۶ لکن در حال مکشوف شد و بوسیله کتب انبیا بر حسب فرموده خدای سرمدی (aiōnios g166) ۲۷ خدای حکیم وحید را بوسیله عیسی مسیح تا ابدالا باد جلال باد، آمین. (aiōn g165)

اول قرنتیان

لکن ما به مسیح مصلوب وعظ می کنیم که یهود را لغزش و امت هارا جهالت است. ۲۴ لکن دعوت شدگان را خواه یهود و خواه

۱ پولس به اراده خدا رسول خوانده شده عیسی مسیح یونانی مسیح قوت خدا و حکمت خدا است. ۲۵ زیرا که جهالت و سوستانیس برادر، ۲ به کلیسای خدا که در قرنتس است، خدا از انسان حکمیر است و ناتوانی خدا از مردم، تواناتر. ۲۶ از مقدسین در مسیح عیسی که برای تقدس خوانده شده‌اند، با زیرا ای برادران دعوت خود را ملاحظه نمایید که بسیاری بحسب همه کسانی که در هرجا نام خداوند عیسی مسیح را می خوانند جسم حکیم نیستند و بسیاری توانا نی و بسیاری شریف نی. ۲۷ که (خداوند) ما و (خداوند) ایشان است. ۳ فیض و سلامتی بلکه خدا جهال جهان را برگردید تا حکما را رسوا سازدو خدا از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد. ۴ خدای ناتوانان عالم را برگردید تا توانایان را رسوسازد، ۲۸ و خسیسان دنیا خود را پیوسته شکر می کنم درباره شما برای آن فیض خدا که در و محقران را خدابرگردید، بلکه نیستیها را تا هستیها را باطل گرداند. مسیح عیسی به شما عطا شده است، ۵ زیرا شما از هرچیز در روی ۲۹ تا هیچ بشری در حضور او فخر نکند. ۳۰ لکن از او شما دولتمند شده‌اید، در هر کلام و در هر معرفت. ۶ چنانکه شهادت هستید در عیسی مسیح که از جانب خدابرای شما حکمت شده مسیح در شما استوار گردید، ۷ بحدی که در هیچ بخشش ناقص است و عدالت قویست و فدا. ۳۱ تا چنانکه مکتوب است هر که نیستیدو منتظر مکافته خداوند ما عیسی مسیح می باشید. ۸ فخر کنید خداوند فخر نماید.

که او نیز شما را تا آخر استوار خواهد فرمود تا در روز خداوند ما
۲ عیسی مسیح بی ملامت باشد. ۹ امین است خدایی که شما را
حکمت نیامدم چون شمارا به سر خدا اعلام می نمودم. ۲ زیرا
لکن ای برادران از شما استدعا دارم به نام خداوند ما عیسی مسیح
که همه پک سخن گوییدو شقاق در میان شما نیاشد، بلکه در
یک فکر و یک رای کامل شوید. ۱۱ زیرا که ای برادران من، از اهل
خانه خلوئی درباره شما خیر به من رسید که نزعاعها در میان شما
پیدا شده است. ۱۲ غرض اینکه هریکی از شما می گوید که من
از پولس هستم، و من از اپلس، و من از کیفایا، و من از مسیح.
۱۳ آیا مسیح منقسم شد؟ یا پولس در راه شمامصلوب گردید؟ یا
به نام پولس تعمید یافتید؟ ۱۴ خدا را شکر می کنم که هیچ یکی از
شما راتعمید ندادم جز کرسیس و قابوس، ۱۵ که میاداکسی گوید
که به نام خود تعمید دادم. ۱۶ و خاندان استیفان را نیز تعمید
دادم و دیگر یادندازم که کسی را تعمید داده باشم. ۱۷ زیرا که
مسیح مرا فرستاد، نه تا تعمید دهم بلکه تا بشارت رسانم، نه به
حکمت کلام مبادا صلیب مسیح باطل شود. ۱۸ زیرا ذکر صلیب
و به خاطر انسانی خطرور نکرد، یعنی آنچه خدا برای دوستداران
خود مهیا کرده است. ۱۹ اما خدا آنها را به روح خود بر ما
کشف نموده است، زیرا که روح همه چیز حتی عمقهای خدا را
خداست. ۲۰ زیرا مکتوب است: «حکمت حکما را باطل سازم
و فهم فهیمان را نابود گردانم.» ۲۱ کجا است حکیم؟ کجا
کاتب؟ کجا مباحث این دنیا؟ مگر خدا حکمت جهان را جهالت
نگردانیده است؟ ۲۲ زیرا که چون برحسب حکمت

خداد، جهان از حکمت خود به معرفت خدا نرسید، خدا بدین رضا
داد که بوسیله جهالت موعظه، ایمانداران رانچات بخشد. ۲۳
چونکه یهود آینی می خواهند و یونانیان طالب حکمت هستند.

می آموزد و روحانیها را بارو حانیها جمع می نماییم. ۱۴ اما انسان است، چنانکه مکتوب است: «حکما را به مکر خودشان گرفتار نفسانی امور روح خدا را نمی پنیرد زیرا که نزد او جهالت است و می سازد.» ۲۰ و ایض: «خداؤند افکار حکما را می داند که باطل آنها را نمی تواند فهمید زیرا حکم آنها از روح می شود. ۱۵ لکن است.» ۲۱ پس هیچ کس در انسان فخر نکند، زیرا همه چیز از شخص روحانی در همه چیز حکم می کند و کسی را در او حکم آن شما است: ۲۲ خواه پولس، خواه ایلیس، خواه کفای، خواه نیست. ۱۶ «زیرا کیست که فکر خداوند را دانسته باشد تاوار را دنیا، خواه زندگی، خواه موت، خواه چیزهای حال، خواه چیزهای آینده، همه از آن شما است، ۲۳ و شما از مسیح و مسیح از خدا تعلیم دهد؟» لکن ما فکر مسیح را داریم.

۳ و من ای برادران نتوانستم به شما سخن گویم چون روحانیان، می پاشند.

بلکه چون جسمانیان و چون اطفال در مسیح. ۲ و شما را به شیر ۴ هرکس ما را چون خدام مسیح و ولای اسرار خدا بشمارد. خوارک دادم نه به گوشت زیرا که هنوز استطاعت آن ندانشید بلکه ۲ و دیگر در وکلابازپرس می شود که هر یکی امین باشد. ۳ الحال نیز ندارید، ۳ زیرا که تا به حال جسمانی هستید، چون در امایجهت من کمتر چیزی است که از شما یا از یوم بشر حکم میان شما حسد و نزع و جدایی ها است. آیا جسمانی نیستید و کرده شوم، بلکه برخود نیز حکم نمی کنم. ۴ زیرا که در خود به طرق انسان رفتار نمی نمایید؟ ۴ زیرا چون یکی گوید من از عبیی نمی بینم، لکن از این عامل شمرده نمی شوم، بلکه حکم پولس و دیگری من از اپلس هستم، آیا انسان نیستید؟ ۵ پس کننده من خداوند است. ۵ لهذا پیش از وقت به چیزی حکم کیست پولس و کیست اپلس؟ جرحدمانی که بواسطه ایشان ایمان مکنید تا خداوند بیاید که خفاایی ظلمت را روشن خواهد کرد و آورده و به اندازه ای که خداوند به هرکس داد. ۶ من کاشتم نیتهای دلها را به ظهور خواهد آورد؛ آنگاه هرکس را مرح از خدا و اپلس آبیاری کرد لکن خدا نمو می بخشید. ۷ لهستانه کارنده خواهد بود. ۸ اما ای برادران، این چیزها را بطور مثل به خود و چیزی است و نه آب دهنده بلکه خدای رویاننده. ۸ و کارنده و اپلس نسبت دادم به خاطر شما تا درباره مآموقته شوید که از سیراپ کننده یک هستید، لکن هر یک اجرت خود را بحسب آنچه مکتوب است تجاوز نکنید و تا هیچ یکی از شما تکبر نکند مشقت خود خواهند یافت. ۹ زیرا با خدا همکاران هستیم و شما برای یکی بر دیگری. ۷ زیرا کیست که تو را برتری داد و چه زراعت خدا و عمارت خدا هستید. ۱۰ بحسب فیض خدا که به چیز داری که نیافتنی؟ پس چون یافته، چرا فخر می کنی که گویا من عطا شد، چون معمار دانا بنیاد نهادم و دیگری بر آن عمارت نیافتنی. ۸ الحال سیر شده و دولتمند گشته اید و بدون ما سلطنت می سازد؛ لکن هرکس با خبر باشد که چگونه عمارت می کند. می کنید؛ و کاشکه سلطنت می کردیدتا ما نیز با شما سلطنت ۱۱ زیرا بنیادی دیگر هیچ کس نمی تواند نهاد جز آنکه نهاده می کردیم. ۹ زیرا گمان می برم که خدا ما رسولان را آخر همه شده است، یعنی عیسی مسیح. ۱۲ لکن اگر کسی بر آن بنیاد، عرضه داشت مثل آنکه که فنای موت بر ایشان شده است، زیرا عمارتی از طلاق یا نقره یا جواهر یا چوب یا گلایه یا کاه بنا کند، ۱۲ که جهان و فرشتگان و مردم را تماشا گاه شده ایم. ۱۰ ما به خاطر کار هرکس آشکار خواهد شد، زیرا که آن روز آن را ظاهر خواهد مسیح جاهل هستیم، لکن شما در مسیح دانا هستید؛ ما ضعیف نمود، چونکه آن به آتش به ظهور خواهد رسید و خود آتش، عمل لکن شما توانا؛ شما عزیز اما مذلیل. ۱۱ تا به همین ساعت هرکس را خواهد آزمود که چگونه است. ۱۴ اگر کاری که کسی گرسنه و تشنه و عربان و کوپیده و آواره هستیم، ۱۲ و بدستهای بر آن گذارده باشد بماند، اجر خواهد یافت. ۱۵ و اگر عمل خود کار کرده، مشقت می کشیم و دشمن شنیده، بروکت می طلبیم کسی سوخته شود، زیان بلو وارد آید، هرچند خود نجات یابداما و مظلوم گردیده، صیر می کنیم. ۱۳ چون افترا بر مامی زند، چنانکه از میان آتش. ۱۶ آیا نمی دانید که هیکل خدا هستید نصیحت می کنیم و مثل قاذرات دنیا و فضلات همه چیز شده ایم تا و روح خدا در شما ساکن است؟ ۱۷ اگر کسی هیکل خدارا به حال. ۱۴ و این را نمی نویسم تا شما را شرمنده ساز بلکه خراب کند، خدا او را هلاک سازد زیرا هیکل خدا مقدس است و چون فرزندان محظوظ خود تبیه می کنم. ۱۵ زیرا هرچند هزاران شما آن هستید. ۱۸ زنهر اکسی خود را فریب نهاده! اگر کسی استاد در مسیح داشته باشید، لکن پدران سیار ندارید، زیرا که من از شما خودرا در این جهان حکیم پندارد، جاهم بشود تا حکم شما رادر مسیح عیسی به انجیل تولید نمودم، ۱۶ پس از شما گردد. ۱۹ زیرا حکمت این جهان نزد خداجهالت التماس می کنم که به من اقتدا نمایید. ۱۷ برای همین تیموتاآوس را

نزد شما فرستادم که اوست فرزند محبوب من و امین در خداوند تا یابد، آیا قابل مقدمات کمتر نیستید؟ ۳ آیامی دانید که فرشتگان راههای مرأ در مسیح به یاد شما بیاورد، چنانکه در هرجاو در را داوری خواهیم کرد تاچه رسد به امور روزگار؟ ۴ پس چون در هر کلیسا تعلیم می‌دهم. ۱۸ اما بعضی تکبیری کنند به گمان آنکه مقدمات روزگار مرفعه دارید، آیا آنای را که در کلیسا حقیر شمرده من نزد شما نمی‌آمیز. ۱۹ لکن به زودی نزد شما خواهم آمد، می‌شوند، می‌نشایند؟ ۵ بجهت افعال شما می‌گویم، آیا در میان اگر خداوند بخواهد و خواهم دانست نه سخن مکثکران را بلکه شما یک نفر داناییست که بتواند در میان برادران خود حکم کند؟ ۶ قوت ایشان را. ۲۰ زیرا ملکوت خدا به زیان نیست بلکه در قوت ۶ بلکه برادر با برادر به محکمه می‌رود و آن هم نزد بی‌ایمانان! ۷ است. ۲۱ چه خواهش دارید آیا با چوب نزد شما بیایم یا بامحبت بلکه الان شما را بالکلیه قصوری است که بایکدیگر مرفعه دارید. چرا بیشتر مظلوم نمی‌شوید و چرا بیشتر مغبون نمی‌شوید؟ ۸ بلکه و روح حلم؟

۵ فی الحقیقہ شنیده می‌شود که در میان شما زنا پیدا شده است، و چنان زنایی که در میان امت‌ها هم نیست؛ که شخصی زن پدر خود را داشته باشد. ۲ و شما فخر می‌کنید بلکه ماتم هم ندارید، چنانکه باید تا آن کسی که این عمل را کردزاد میان شما بیرون شود. ۳ زیرا که من هرچند در جسم غاییم، اما در روح حاضر؛ و الان چون حاضر، حکم کدم در حق کسی که این را چنین کرده است. ۴ به نام خداوند ما عیسی مسیح، هنگامی که شما با روح من با قوت خداوند ماعیسی مسیح جمع شوید، ۵ که چنین شخص به شیطان سپرده شود بجهت هلاکت جسم تا روح در روز خداوند عیسی نجات یابد. ۶ فخر شما نیکو نیست. آیا آگاه نیستید که اندک خمیرمایه، تمام خمیر را مخمر می‌سازد؟ ۷ پس خود را از خمیرمایه کهنه پاک سازید تا قیصر تاره باشید، چنانکه بی خمیرمایه هستید زیرا که فصح ما مسیح در راه ما ذبح شده است. ۸ پس عید را نگاه داریم نه به خمیرمایه کهنه و نه به خمیرمایه بدی و شرارت، بلکه به فطیر ساده دلی و راستی. ۹ در آن رساله به شما نوشتم که با زانیان معاشرت نکنید. ۱۰ لکن نه مطلق با زانیان این جهان یا طعمکاران و یا ستمکاران یا بتپستان، که در این صورت می‌باید از دنیا بیرون شوید. ۱۱ لکن الان به شما می‌نویسم که اگر کسی که به برادر که در شما است که از خدا یافته‌اید و از آن خود نیستید؟ ۱۲ زیرا می‌شود، زانی یا طماع یا بتپست یافحاش یا میکسار یا که به قیمتی خریده شدید، پس خدا را به بدن خود تمجید نمایید. ستمگر باشد، با چنین شخص معاشرت مکنید بلکه غذا هم مخوردید. ۱۳ زیرا مرأ چه کار است که بر آنای که خارج اندادواری ۷ اما درباره آنچه به من نوشته بودید: مرد رانیکو آن است کنم. آیا شما بر اهل داخل داوری نمی‌کنید؟ ۱۴ لکن آنای که زن را لمس نکنند. ۲ لکن بسبب زنا، هر مرد زوجه خود را که خارج اند خدا داوری خواهد کرد. پس آن شریر را از میان برادر و هر زن شوهر خود را پدارد. ۳ و شوهر حق زن را اداناید خودبرانید.

۸ آیا کسی از شما چون بر دیگری مدعی باشد، جرات دارد بلکه شوهرش، و همچنین مرد نیز اختیار بدن خود ندارد بلکه که مرافعه برد پیش ظالمان نه نزد مقدسان؟ ۲ یا نمی‌دانید که زنش، ۵ از یکدیگر جدایی مگزینید مگر مدتی به رضای طرفین تا برای روزه و عبادت فاغ باشید؛ و باز با هم پیوندید میادا شیطان مقدسان، دنیا را داوری خواهند کرد؛ و اگر دنیا از شما حکم

شما را به سبب ناپریزی شما در تجربه اندازد، ۶ لکن این را گناه نکرد. ولی چنین در جسم زحمت خواهند کشید، لیکن من می‌گویم به طریق اجازه نه به طریق حکم. ۷ اما مخواهم که بر شما شفقت دارم. ۸ ااما برادران، این را می‌گویم وقت تنگ همه مردم مثل خودم باشند. لکن هر کس نعمتی خاص از خدا است تا بعد از این آنانی که زن دارند مثل بی‌زن باشند. ۹ و دارد، یکی چنین و دیگری چنان. ۱۰ لکن به مجردین و بیوه‌زنان گریانان چون ناگریانان و خوشحالان مثل ناخوشحالان و خردباران می‌گویم که ایشان را نیکو است که مثل من بمانند. ۱۱ لکن اگر چون غیرمالکان باشند، ۱۲ و استعمال کنندگان این جهان مثل پریزین‌دارند، نکاح بکنند زیرا که نکاح از اتش هوس بهتر است. استعمال کنندگان نیاشدند، زیرا که صورت این جهان درگز است. ۱۳ اما منکوحان را حکم می‌کنم و نه من بلکه خداوند که زن ۲۴ اما خواهش این دارم که شما بی‌اندیشه باشید. شخص مجرد از شوهر خود جدا نشود؛ ۱۵ و اگر جدا شود، مجرد بماند یا در امور خداوند می‌اندیشد که چگونه رضامندی خداوند را بجاید؛ با شوهر خودصلح کند؛ و مرد نیز زن خود را جدا نسازد. ۱۶ و صاحب زن در امور دنیا می‌اندیشد که چگونه زن خود را و دیگران را من می‌گویم نه خداوند که اگرکسی از برادران زنی خوش بازد. ۱۷ در میان زن منکوحه وباکه نیز تفاوتی است، زیرا بی‌ایمان داشته باشد و آن زن راضی باشد که با اوی بماند، او را باکه در امور خداوندمی‌اندیشد تا هم در تن و هم در روح مقدس چنان نسازد. ۱۸ وزنی که شوهر بی‌ایمان داشته باشد و او راضی باشد، اما منکوحه در امور دنیا می‌اندیشد تا شوهر خود را خوش باشد که با اوی بماند، از شوهر خود جدا نشود. ۱۹ اما این را برای نفع شمامی گویم نه آنکه دامی بر شما شوهر بی‌ایمان از زن خود مقدس می‌شود و زن بی‌ایمان از برادر بنهم بلکه نظر به شایستگی و ملازمت خداوند، بی‌تشویش. ۲۰ مقدس می‌گردد و اگریه اولاد شما نایاک می‌بودند، لکن الحال لکن هرگاه کسی گمان برد که با باکه خودنشایستگی می‌کند، مقدسند. ۲۱ اما اگر بی‌ایمان جدایی نماید، بگذارش که بشود اگر به حد بلوغ رسید و ناچار است از چنین شدن، آنچه خواهد زیرا برادر یا خواهر در این صورت مقید نیست و خدا ما را به بکند؛ گذاهی نیست؛ بگذار که نکاح کنند. ۲۲ اما کسی که در سلامتی خوانده است. ۲۳ زیرا که تو چه دانی ای زن که شوهرت دل خود پایدار است و احتیاج ندارد بلکه در اراده خود مختار را نجات خواهی داد؟ یا چه دانی ای مرد که زن خود را نجات است و در دل خود جازم است که باکه خود را نگاه دارد، نیکو خواهی داد؟ ۲۴ مگر اینکه به هر طور که خداوند به هر کس قسمت می‌کند. ۲۵ پس هم کسی که به نکاح دهد، نیکو می‌کند و فرموده و به همان حالت که خدا هر کس را خوانده باشد، بدینطور کسی که به نکاح نداده، نیکوتر می‌نماید. ۲۶ زن مادامی که رفتار بکند؛ و همچنین در همه کلیساها امر می‌کنم. ۲۷ اگر کسی شوهرش زنده است، بسته است. اما هرگاه شوهرش مرد آزاد گردید در مختونی خوانده شود، نامختون نگردد و اگر کسی در نامختونی تا به هر که بخواهد منکوحه شود، لیکن در خداوند فقط. ۲۸ اما خوانده شود، مختون نشود. ۲۹ ختنه چیزی نیست و نامختونی بحسب رای من خوشحال تر است، اگر چنین بماند و من نیز هیچ، بلکه نگاه داشتن امرهای خدا. ۳۰ هر کس در هر حالتی که گمان می‌برم که روح خدارا دارم.

خوانده شده باشد، در همان بماند. ۳۱ اگر در غلامی خوانده شدی تو را باکی نیاشد، بلکه اگر هم می‌توانی آزاد شوی، آن را اولی تر استعمال کن. ۳۲ زیرا غلامی که در خداوند خوانده شده باشد، آزاد خداوند است؛ و همچنین شخصی آزاد که خوانده شد، غلام مسیح است. ۳۳ به قیمتی خریده شدید، غلام انسان می‌باشد. ۳۴ پس درباره قربانی های پنهان: می‌دانیم که همه علم داریم. اما درباره قربانی های پنهان: می‌دانیم که همه علم خوانده شده باشد، در همان بماند. ۳۵ اما درباره قربانی های پنهان: می‌دانیم که همه علم داریم. علم باعث تکبر است، لکن محبت بنا می‌کند. ۳۶ اگر کسی گمان برد که چیزی می‌داند، هنوز هیچ چیز نمی‌داند، بطوری که بايدانست. ۳۷ اما اگر کسی خدا را محبت نماید، نزد او معروف می‌باشد. ۳۸ پس درباره خودن قربانی های پنهان: می‌دانیم که بت نشود. ۳۹ ای برادران هر کس در هر حالتی که خوانده شده باشد، در آن نزد خدا بماند. ۴۰ اما درباره باکره‌ها حکمی از خداوند ندارم. لکن چون از خداوند رحمت یافتم که امین باشم، رای چه درزه‌من، چنانکه خدایان بسیار و خداوندان بسیاری باشند، ۴۱ ای دهنم. ۴۲ پس گمان می‌کنم که بجهت تنگی این زمان، انسان لکن ما را یک خداست یعنی پدر که همه‌چیز از اوست و ما را نیکو آن است که همچنان بماند. ۴۳ اگر با زن بسته شدی، جدایی مجوی و اگر از زن جدا هستی دیگر زن مخواه. ۴۴ لکن برای او هستیم، و یک خداوند یعنی عیسی مسیح که همه‌چیز از هرگاه نکاح کردی، گناه نورزیدی و هرگاه باکره منکوحه گردید،

بعضی تابه حال به اعتقاد اینکه بت هست، آن را چون قوانی بت این قصد نتوشتم تا با من چنین شود، زیرا که مرا مردن بهتر است از می خورند و ضمیر ایشان چون ضعیف است نجس می شود. ۸ اما آنکه کسی فخر مرا باطل گرداند. ۱۶ زیرا هرگاه بشارت دهم، مرا خوارک، ما رامقبال خدا نمی سازد زیرا که نه به خوردن بهتریم و فخر نیست چونکه مرا ضرورت افتاده است، بلکه وای بر من اگر نه به ناخوردن بدرد. ۹ لکن اختیاط کنید مبادختیار شما باعث بشارت ندهم. ۱۷ زیاهرگاه این را طوع کنم اجرت دارم، لکن اگر لغوش ضعفا گردد. ۱۰ زیرا اگرکسی تو را که صاحب علم هستی کرده باشد و کالتی به من سپرده شد. ۱۸ در این صورت، مرا چه بینند که در پنهان نشته ای، آیا ضمیر آن کس که ضعیف است اجرت است تا آنکه چون بشارت می دهم، انجیل مسیح را بی خرج به خوردن قوانی های پنهان نمی شود؟ ۱۱ و از علم تو آن سازم و اختیار خود را در انجیل استعمال نکنم؟ ۱۹ زیرا با اینکه از برادر ضعیف که مسیح برای او مرد هلاک خواهد شد. ۱۲ و همه کسی آزاد بودم، خود را غلام همه گردانیدم تا پسیاری را سود همچنین چون به برادران گناه وزیبدید و ضمایر ضعیفیشان را صدمه برم. ۲۰ و پیهود را چون یهود گشتم تا یهود را سود برم و اهل شریعت رسانیدید، همانا به مسیح خطأ نمودید. ۱۳ بنابراین، اگرخواک را مثل اهل شریعت تا اهل شریعت را سود برم؛ ۲۱ و بی شریعتان را باعث لغوش برادر من باشد، تا به ابد گوشت نخواهم خورد تا برادر چون بی شریعتان شدم، هرچند نزد خدا بی شریعت نیستم، بلکه خود را لغوش ندهم. (aiōn g165)

۹ آیا رسول نیستم؟ آیا آزاد نیستم؟ آیا عیسی مسیح خداوند ما را ندیدم؟ آیا شما عامل من در خداوند نیستید؟ ۲ هرگاه دیگران را رسول نباشم، البته شما را هستم زیرا که مهررسال من در خداوند میدانم. ۳ حجت من بجهت آنانی که مرا امتحان می کنند این است ۴ که آیا اختیار خوردن و آشامیدن نداریم؟ ۵ آیا اختیار خروجی خود را می کنند که در آن شریک گردد. ۶ آیا نمی داید آنانی که در میدان می دونند، همه می دونند لکن یک نفر انعام را می برد. به اینطور شما بدوید تا به کمال ببرید. ۷ و هر که ورزش کند در نداریم که خواهر دینی را به زنی گرفته، همراه خود ببریم، مثل سایر رسولان و برادران خداوند و کیفایا؟ ۸ یا من و برنابا به تنها مختاران نیستیم که کار نکنیم؟ ۹ کیست که هر کوک از خروجی خود جنگ کند؟ ۱۰ یا کیست که تاکستانی غرس نموده، از میوه اش نخورد؟ ۱۱ یا کیست که گلهای بچراند و از شیر گله ننوشد؟ ۱۲ آیا این را بطرور انسان می گوییم یا شریعت نیز این را نمی گوید؟ ۹ زیرا ۱۰ زیرا ای برادران نمی خواهم شما بی خبر باشید از اینکه که در تورات موسی مکتوب است که «گاو را هنگامی که خرم می بزاید و همه از دریا عبور نمودند» ۲ و همه به را خرد می کنند، دهان مینهند». آیا خلا در فکر گاوان می باشد؟ ۱۱ موسی تعجبید یافتدند، در ابر و در دریا؛ ۳ و همه همان خوارک آیا محض خاطر ما این رانی گوید؟ بلی برای ما مکتوب است روحانی را خوردند و ۴ و همه همان شرب روحانی را نوشیدند، زیرا که شخم کننده می باشد به امید، شخم نماید و خرد کننده خرم که می آشامیدند از صخره روحانی که از عقب ایشان می آمد و در امید یافن قسمت خود باشد. ۱۲ چون ما روحانیها را برای آن صخره مسیح بود. ۱۳ لیکن از اکثر ایشان خداراضنی نبود، شما کاشتیم، آیا امیریزگی است که ما جسمانیهای شما را درد نماید و خرد کننده خرم که می آشامیدند باشد. ۱۴ این امور نمونه ها برای ما کنیم؟ ۱۵ اگر دیگران در این اختیار بر شما شریکند آیانه ماه شد تا مخواهشمند بدی نباشیم، چنانکه ایشان بودند؛ ۱۶ و نه بیشتر؟ لیکن این اختیار را استعمال نکردیم، بلکه هر چیز را متتحمل بت پرست شوید، مثل بعضی از ایشان، چنانکه مکتوب است: می شویم، مبادا انجیل مسیح را تعویق نمایم. ۱۷ آیا نمی دانید «قوم به اکل و شرب نشستند و برای لهو و لعب بپا شدند». ۱۸ و که هر که در امور مقدس مشغول باشد، از هیکل می خورد و هر که نه زنا کنیم چنانکه بعضی از ایشان کردند و در پک روزیست خدمت مذبح کنند، از مذبح نصیبی می دارد. ۱۹ و همچنین و سه هزار نفر هلاک گشتدند. ۲۰ و نه مسیح راتجریه کنیم، خداوند فرمود که «هر که به انجیل اعلام نماید، ازانجیل معیشت چنانکه بعضی از ایشان کردند و از مارها هلاک گردیدند. ۲۱ و نه یابد». ۲۲ لیکن من هیچیک از اینهارا استعمال نکرم و این را به همه کنید، چنانکه بعضی از ایشان کردند و هلاک کننده

- ایشان را هلاک کرد. ۱۱ و این همه بطور مثل بدیشان واقع شد ۱۱ پس اقتدا به من نمایید چنانکه من نیز به مسیح می کنم.
- ویرای تنبیه ما مکنوب گردید که اوخر عالم به ما رسیده است. ۱۲ اما ای برادران شما را تحسین می نمایم ازین جهت که در که نیفتند. ۱۳ هیچ تجربه جز آنکه مناسب بشر باشد، شما را می نمایید. ۱۴ اما می خواهم شما بدانید که سر هر مرد، مسیح فرو نگرفت. اما خدامین است که نمی گذارد شما فوق طاقت است و سر زن، مرد و سر مسیح، خدا. ۱۵ هر مردی که سرپوشیده خودآزموده شوید، بلکه با تجربه مفری نیز می سازد تایارای تحمل آن دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می نماید. ۱۶ اما هر زنی که سر را داشته باشید. ۱۷ لهذا عزیزان من از بت پرسنی بگزیرید. ۱۸ بر همه دعا یانبوت کند، سر خود را رسوا می سازد، زیرا این چنان به خدمدنان سخن می گوییم: خود حکم کنید بر آنچه می گوییم. ۱۹ است که تراشیده شود. ۲۰ زیرا اگر زن نمی پوشد، موی را نیز پیاله برکت که آن را تبرک می خوانیم، آیا شرکت در خون مسیح ببرد؛ و اگر زن را موی پریدن یا تراشیدن قبیح است، باید پوشد. نیست؟ ونای را که پاره می کیم، آیا شرکت در بدن مسیح نی؟ ۲۱ زیرا که مرد را نباید سر خود پوشد چونکه او صورت و جلال زیرا ما که بسیاریم، یک نان و یکن می باشیم چونکه همه از خداست، اما زن جلال مرد است. ۲۲ زیرا که مرد از زن نیست پیاله باشد که آن قسمت می باشیم. ۲۳ اسرائیل جسمانی را ملاحظه کنید! بلکه زن از مرد است. ۲۴ و نیز مرد بجهت زن آفریده نشد، بلکه آیاخورنده‌گان قربانی‌ها شریک قربانگاه نیستند؟ ۲۵ پس چه گوییم؟ زن برای مرد. ۲۶ ای این جهت زن می باشد عزتی بر سر داشته آیا بت چیزی می باشد؟ یا که قربانی بت چیزی است؟ ۲۷ نی! باشد به سبب فرشتگان. ۲۸ لیکن زن از مرد جدانیست و مرد هم بلکه آنچه امت هاقربانی می کنند، برای دیوهای می گذارند نه برای جدا از زن نیست در خداوند. ۲۹ زیرا چنانکه زن از مرد است، خدا؛ و نمی خواهم شما شریک دیوها باشید. ۳۰ محال است که همچنین مرد نیز پویسله زن، لیکن همه‌چیز از خدا. ۳۱ در دل خود هم از پیاله خداوند و هم از پیاله دیوها پوشید؛ و هم از مایده انصاف دهد: آیا شایسته است که زن نایوشیده نزد خدا دعا کند؟ خداوند و هم از مایده دیوها نمی توانید قسمت برد. ۳۲ آیا خداوند ۳۳ آیا خود طبیعت شما را نمی آموزد که اگر مرد موی درازدارد، او را به غیرت می آوریم یا از او تواناتر می باشیم؟ ۳۴ همه‌چیز جایز را عار می باشد؟ ۳۵ و اگر زن موی درازدارد، او را فخر است، زیرا است، لیکن همه مفیدنیست؛ همه رواست، لیکن همه بنا نمی که موی بجهت پرده بلو داده شد؟ ۳۶ و اگر کسی سیزه گر کند. ۳۷ هر کس نفع خود را نجوید، بلکه نفع دیگری را. ۳۸ باشد، ما وکیل‌های خدا را چنین عادتی نیست. ۳۹ لیکن چون هر آنچه را در قصابخانه می فروشند، بخورید و هیچ می‌رسید به خاطر این حکم را به شما می کنم، شمارا تحسین نمی کنم، زیرا که ضمیر. ۴۰ زیرا که جهان و پری آن خداوند است. ۴۱ شما نه از برای بهتری بلکه برای بدتری جمع می شوید. ۴۲ اما از آن خداوند است. ۴۳ هرگاه کسی ازی ایمانان از شما وعده خواهد و می خواهد بروید، اولاهنگامی که شما در کلیسا جمع می شوید، می شونم که در آنچه نزد شما گذارند بخورید و هیچ می‌رسید به جهت ضمیر. ۴۴ اما میان شما شاققه روی می دهد و قدری از آن را باور می کنم. ۴۵ از آن کسی به شما گوید «این قربانی بت است»، مخورید به خاطر آن جهت که لازم است در میان شما بعد از این نیز باشد تا که آن کس که خبر داد و بجهت ضمیر، زیرا که جهان و پری آن از آن مقبولان از شما ظاهر گردند. ۴۶ پس چون شما دریک جا جمع خداوند است. ۴۷ اما ضمیر می گوییم که از خودت بلکه ضمیر آن می شوید، ممکن نیست که شام خداوند خورده شود، ۴۸ زیرا در دیگر؛ زیراچرا ضمیر دیگری بر آزادی من حکم کند؟ ۴۹ و اگر من وقت خوردن هر کس شام خود را پیشتر می گیرد و یکی گرسنه و به شکر بخورم، چرا بر من افترا زند به سبب آن چیزی که من برای دیگری مست می شود. ۵۰ مگر خانه‌ها برای خوردن و آشامیدن آن شکر می کنم؟ ۵۱ پس خواه بخورید، خواه بنوشید، خواه هرچه ندارید؟ یا کلیسای خدا را تحقیر می نمایید و آنای را که ندارند کنید، همه را برای جلال خدا بکنید. ۵۲ یهودیان و یونانیان و شرمنده می سازید؟ به شما چه بگوییم؟ آیا در این امر شمارا تحسین کلیسای خدا را لغزش مدهید. ۵۳ چنانکه من نیز در هر کاری همه تحسین نمی نمایم! ۵۴ زیرا من از خداوند یافتم، آنچه به را خوش می سازم و نفع خود را طالب نیستم، بلکه نفع بسیاری را شما نیز سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسليم کردند، نان را گرفت ۵۵ و شکر نموده، پاره کرد و گفت: «بگزیرید بخورید.»
- تا نجات یابند.
- این است بدن من که برای شما پاره می شود. این را به یادگاری من به جآلارید.» ۵۶ و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت:

«این پیاله عهد جدید است در خون من. هرگاه این را بتوشید، به نیست؟ ۱۶ و اگر گوش گوید چونکه چشم نیم از بدن نیستم، یادگاری من بکنید.» ۲۶ زیرا هرگاه این نان را بخورید و این پیاله آیا بدین سبب ازیدن نیست؟ ۱۷ اگر تمام بدن چشم بودی، را بتوشید، موت خداوند را ظاهر می نمایید تا هنگامی که بازآید. ۲۷ صحابی بود شنیدن و اگر همه شنیدن بودی کجا می بود بتوشید؟ پس هرکه بطور ناشایسته نان را بخورد و پیاله خداوند را بتوشید، ۱۸ لکن الحال خدا هریک از اعضاء را درین نهاد برسحب اراده مجرم بدن و خون خداوند خواهد بود. ۲۸ اما هر شخص خود خود. ۱۹ و اگر همه یک عضو بودی بدن کجا می بود؟ ۲۰ اما رامتحان کند و بدینظر از آن نان بخورد و از آن پیاله بتوشید. ۲۹ الان اعصابسیار است لیکن بدن یک. ۲۱ و چشم دست رانمی زیرا هرکه می خورد و می نوشد، فناوار خود را می خورد و می نوشد تواند گفت که محتاج تو نیستم یا سر پایها رانیز که احتیاج به اگر بدن خداوند را تمیز نمی کند. ۳۰ از این سبب بسیاری از شما ندارم. ۲۲ بلکه علاوه بر این، آن اعضای بدن که ضعیفتر شما ضعیف و مرضی اند و بسیاری خواهیداند. ۳۱ اما اگر برخود می نمایند، لازم ترمی باشند. ۲۳ و آنها را که پست ارجای بدن حکم می کردیم، حکم بر مانمی شد. ۳۲ لکن هنگامی که بر ما می پندارم، عزیزتر می داریم و اجرای قبیح ماجمال افضل دارد. ۲۴ حکم می شود، از خداوند تدبیب می شویم مبادا با اهل دنیا بر لکن اعضای جمیله ما را حتیاجی نیست، بلکه خدا بدن را مرتب محاکم شود. ۳۳ لهذای برادران من، چون بجهت خودن جمع ساخت بقسمی که ناقص را بیشتر حرمت داد، ۲۵ تا که جدایی می شوید، منتظر یکدیگر باشید. ۳۴ و اگر کسی گرسنه باشد، در در بدن نیفتد، بلکه اعضاء به برا بری در فکر یکدیگر باشند. ۲۶ و خانه بخورد، مبادا بجهت عقوبت جمع شوید. و چون بیام، اگر یک عضو درمند گردد، سایر اعضاء آن همدرد باشند و اگر عضوی عزت یابد، باقی اعضاء با او به خوشی آیند. ۲۷ اما شما مابقی را منتظم خواهمنمود.

۱۲ اما درباره عطایای روحانی، ای برادران نمی خواهمن شما بعضی را درکلیسا: اول رسولان، دوم انبیا، سوم معلمان، بعدقوات، بی خبر باشید. ۲ می دانید هنگامی که امتها می بودید، به سوی پس نعمتهای شفا دادن و اعانت و تدابیر و اقسام زبانها. ۲۹ آیا بتنهای گنج برده می شدید بطوری که شما رامی بردنند. ۳ پس همه رسول هستند، یا همه انبیا، یا همه معلمان، یا همه قوات؟ شما را خبر می دهم که هرکه متکلم به روح خدا باشد، عیسی را انانتیمانی گوید و احدی جزیه روح القدس عیسی را خداوند نمی تواند گفت. ۴ و نعمتها انواع است ولی روح همان. ۵ وخدمتها طرق افضلتر نیز به شمانشان می دهم. ۶ و عملهای انواع است لکن همان انواع است اما خداوند همان.

۱۳ اگر به زبانهای مردم و فرشتگان سخن گوییم و محبت خدا همه را در همه عمل می کند. ۷ ولی هرکس را ظهور روح بجهت منفعت عطا می شود. ۸ زیرا یکی را بوساطت روح، کلام نداشته باشم، مثل نحاس صدادهنه و سنج فغان کننده شدهام. حکمت داده می شود و دیگری را کلام علم، بحسب همان روح. ۹ و اگر نبوت داشته باشم و جمع اسرار و همه علم را بدانم و ایمان و یکی را ایمان به همان روح و دیگری را نعمتهای شفا دادن به کامل داشته باشم بحدی که کوهها رانقل کنم و محبت نداشته همان روح. ۱۰ و یکی را قوت معجزات و دیگری را نبوت و یکی باشم، هیچ هستم. ۱۱ و اگر جمیع اموال خود را صدقه دهم و بدن را تمیز ارواح و دیگری را اقسام زبانها و دیگری را ترجمه زبانها. خود را پیغام تا سخوته شود و محبت نداشته باشم، هیچ سود نمی ۱۲ لکن در جمیع اینها همان یک روح فاعل است که هرکس را برم. ۴ محبت حلیم و مهریان است؛ محبت حسد نمی برد؛ فرد بحسب اراده خود خود تقسیم می کند. ۱۲ زیرا چنانکه بدن یک محبت کبر و غرور ندارد؛ ۵ اطراف تاپسندیده ندارد و نفع خود را است و اعضای متعدددار و تمامی اعضای بدن اگرچه بسیار طالب نمی شود؛ خشم نمی گیرد و سوءظن ندارد؛ ۶ از ناراستی است یکن می باشد، همچنین مسیح نیز می باشد. ۱۳ زیرا که خوشوت نمی گردد، ولی با راستی شادی می کند؛ ۷ در همچیز یونانی، خواه غلام، خواه آزاد و همه از یک روح نوشانیده شدیم. و هر چیز را متحمل می باشد. ۸ محبت هرگز ساقط نمی شود و ۱۴ زیرا بدن یک عضو نیست بلکه بسیار است. ۱۵ اگر پاگوید اما اگر نوتها باشد، نیست خواهد شد و اگر زبانها، انتها خواهد چونکه دست نیست از بدن نمی باشند، آیا بدين سبب از بدن پذیرفت و اگر علم، زایل خواهد گردید. ۹ زیراجزئی علمی داریم و

جزئی نبوت می نماییم، ۱۰ لکن هنگامی که کامل آید، جزئی البته خوب شکر می کنی، لکن آن دیگرینا نمی شود. ۱۸ خدا را نیست خواهد گردید. ۱۱ زمانی که طفل بودم، چون طفل حرف شکر می کنم که زیادتر از همه شما به زبانها حرف می زنم. ۱۹ می زدم و چون طفل فکر می کردم و مانند طفل تعقل می نمودم. اما لکن در کلیساپیشتر می پستند که پنج کلمه به عقل خود گویم چون مرد شدم، کارهای طفلاه را ترک کدم. ۱۲ زیرا که الحال تادیگان را نیز تعليم دهم از آنکه هواران کلمه به زبان بگویم. ۲۰ در آینه بطرور معمای پیشم، لکن آن وقت روپرورد، الان جزئی معرفتی ای برادران، در فهم اطفال مبایشید بلکه در بدخوبی اطفال باشید و دارم، لکن آن وقت خواهمن شناخت، چنانکه نیز شناخته شدم. در فهم رشید. ۲۱ در تورات مکتب است که «خداآوند می گوید به الحال این سه چیز باقی است: یعنی ایمان و امید و محبت. زبانهای پیگانه و لیهای غیر به این قوم سخن خواهمن گفت و با این همه مرا نخواهند شدید». ۲۲ پس زبانهای نشانی است نه برای اما آنکه نشانی است.

ایمان داران بلکه برای بی ایمانان؛ اما نبوت برای بی ایمان نیست بلکه برای ایمانداران است. ۲۳ پس اگر تمام کلیسا در جایی جمع شوند و همه به زبانها حرف زنند و ایمان یا بی ایمانان داخل شوند، آیا نمی گویند که دیوانه‌اید؟ ۲۴ ولی اگر همه نبوت کنند و کسی از بی ایمانان یا ایمان داراید، از همه توبیع می‌یابد و از همه ملزم می‌گردد، ۲۵ و خفاای قلب او ظاهری شود و همچنین به روی درافتاده، خدا را بعادت خواهد کرد و ندا خواهد داد که «فی الحقيقة خدا در میان شما است». ۲۶ پس ای برادران مقصود این است که وقتی که جمع شوید، هریکی از شما سروصدی دارد، تعلیمی دارد، زبانی دارد، مکافشه‌ای دارد، ترجمه‌ای دارد، باید همه بجهت بنا بشود. ۲۷ اگرکسی به زبانی سخن گوید، دو دو یا نهایت سه سه باشند، به ترتیب و کسی ترجمه کند. ۲۸ اما اگرمتوجهی نباشد، در کلیسا خاموش باشد و با خودو با خدا سخن گوید. ۲۹ و از اینجا دو یا سه سخن بگویند و دیگران تمیز دهند. ۳۰ و اگر چیزی به دیگری از اهل مجلس مکشف شود، آن اول ساکت شود. ۳۱ زیرا که همه می‌توانید یک یک نبوت کنید تا همه تعلیم یابند و همه نصیحت پذیرند. ۳۲ و ارواح اینجا مطیع اینجا می‌باشند. ۳۳ زیرا که او خدای تشویش نیست بلکه خدای سلامتی، چنانکه در همه کلیساها مقدسان. ۳۴ و زنان شما در کلیساها خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست بلکه اطاعت نمودن، چنانکه تورات نیز می گوید. ۳۵ اما اگرکمی خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود پرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است. ۳۶ آیا کلام خدا از شما صادر شد یا به شما به تنهایی رسید؟ ۳۷ اگر کسی خود را نبی یا روحانی پنداشد، اقرار بکند که آنچه به شمامی نویسم، احکام خداوند است. ۳۸ اما اگر کسی جاهل است، جاهل باشد. زبانهای معنی مکنید. ۳۹ پس ای برادران، نبوت را به غیرت بطلیبد و از تکلم نمودن به زبانهای معنی مکنید. ۴۰ لکن همه چیز به شایستگی و انتظام باشد. ۴۱ درین محبت بکویشید و عطاای روحانی را به غیرت بطلیبد، خصوص اینکه نبوت کنید. ۴۲ زیرا کسی که به زبانی سخن می گوید، نه به مردم بلکه به خدا می گوید، زیراهیچ کس نمی فهمد لیکن در روح به اسرار تکلم می نماید. ۴۳ اما آنکه نبوت می کند، مردم را برای بنا و نصیحت و تسلی می گوید. ۴۴ هر که به زبانی می گوید، خود را بنا می کند، اما آنکه نبوت می نماید، کلیسا را بنا می کند. ۴۵ و خواهش دارم که همه شما به زبانها تکلم کنید، لکن بیشتر اینکه نبوت نماید زیرا کسی که نبوت کند بهتر است از کسی که به زبانها حرف زند، مگر آنکه ترجمه کنیدتا کلیسا بنا شود. ۴۶ اما الحال ای برادران اگر نزد شما آیم و به زبانها سخن رانم، شما را چه سود می بخشم؟ مگر آنکه شما را به مکافشه با به معرفت یا به نبوت یا به تعلیم گویم. ۴۷ و همچنین چیزهای بیجان که صدا می دهد چون نی یا بربط اگر در صدایها فرق نکند، چگونه آواز نی یا بربط فهمیده می شود؟ ۴۸ زیرا اگر کرنا نیز صدای نامعلوم دهد که خود رامهیای جنگ می سازد؟ ۴۹ همچنین شما نیز به زبان، سخن مفهوم نگویند، چگونه معلوم می شود آن چیزی که گفته شد زیرا که به هوا سخن خواهید گفت؟ ۵۰ زیرا که انواع زبانهای دنیا هر قدر زیاده باشد، ولی یکی بی معنی نیست. ۵۱ پس هرگاه قوت زبان را نمی دانم، نزد متکلم بربری می باشم و آنکه سخن گوید نزد من بربری می باشد. ۵۲ همچنین شما نیز چونکه غیر عطاای روحانی هستید بطلیبد اینکه برای بنای کلیسا افروده شوید. ۵۳ بنابراین کسی که به زبانی سخن می گوید، دعا بکند تا ترجمه نماید. ۵۴ زیرا اگر به زبانی دعا کنم، روح من دعا می کند لکن عقل من بروحدار نمی شود. ۵۵ پس مقصود چیست؟ به روح دعا خواهمن گرد و به عقل نیز دعا خواهمن نمود؛ به روح سرود خواهمن خواند و به عقل نیز خواهمن خواند. ۵۶ زیرا اگر در روح تبرک می خوانی، چگونه آن کسی که به منزلت امی است، به شکر تو آمین گوید و حال آنکه نمی فهمد چه می گویی؟ ۵۷ زیرا تو

۱۵ الان ای برادران، شما را از انجیلی که به شما بشارت دادم ۲۷ زیرا «همه‌چیز را زیر پایهای وی انداخته است». اما چون اعلام می‌نمایم که آن را هم پذیرفته و در آن هم قایم می‌باشید، می‌گوید که «همه‌چیز رازی انداخته است»، واضح است که او که ۲ وبوسیله آن نیز نجات می‌پاید، به شرطی که آن کلامی را که به همه رازی او انداخت مستثنی است. ۲۸ اما زمانی که همه مطبع شما بشارت دادم، محکم نگاه دارید والا عیث ایمان آوردید. ۳ وی شده باشدند، آنگاه خود پسر هم مطبع خواهد شد او را که زیرا که اول به شما سپردم، آنچه نیز یافتم که مسیح برسحب کتب همه‌چیز را مطبع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد. ۲۹ در راه گناهان ما مرد، ۴ و اینکه مدفن شد و در روز سوم برسحب والا آنانی که برای مردگان تعیید می‌باشند گنبد؟ هرگاه مردگان کتب برخاست؛ ۵ و اینکه به کیفی ظاهر شد و بعد از آن به آن مطلق برینی خیزند، پس چرا برای ایشان تعیید می‌گیرند؟ ۶ و ۷ دوازده، ۶ و پس از آن به زیاده از پانصد برادر یک بار ظاهر شد که ما نیز چرا هر ساعت خود را در خطر می‌اندازیم؟ ۲۱ به آن فخری بیشتر از ایشان تا امروز باقی هستند اما بعضی خوابیده‌اند. ۷ از درباره شما که مرا در خداوند ما مسیح عیسی هست قسم، که آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعد از آن به آن مطلق برینی خیزند، پس چرا ایشان در افسس با وحش همه بر من مثل طفل سقطشدene ظاهر گردید. ۹ زیرا من که هرگاه مرا چه سود است؟ اگر مردگان برینی خیزند، بخوریم رسولان هستم و لایق نیستم که به رسول خوانده شوم، چونکه و بیاشامیم چون فردامی میریم. ۲۳ فرقته مشوید معاشرات بد، برکلیسای خدا جفا می‌رسانید. ۱۰ لیکن به فیض خدا آنچه اخلاق حسنی را فاسد می‌سازد. ۳۴ برای عدالت بیدارشده، گناه هستم هستم و فیض او که بر من بود باطل نگشت، بلکه بیش از مکنید زیرا بعضی معرفت خدا رانداند. برای انفعال شما می‌گویم. همه ایشان مشقت کشیدم، اما نه من بلکه فیض خدا که با من ۲۵ اما اگر کسی گوید: «مردگان چگویه برینی خیزند و به کدام بود. ۱۱ پس خواه من و خواه ایشان بدین طریق و عظمی کنیم بدن می‌آیند؟»، ۲۶ ای احمق آنچه تو می‌کاری زنده نمی‌گردد و به اینظر ایمان آوردید. ۱۲ لیکن اگر به مسیح وعظی می‌شود جز آنکه بمیرد. ۳۷ و آنچه می‌کاری، نه آن جسمی را که خواهد که از مردگان برخاست، چون است که بعضی از شمامی گویند شد می‌کاری، بلکه دانه‌ای مجرد خواه از گندم و یا از دانه‌های که قیامت مردگان نیست؟ ۱۳ اما اگر مردگان را قیامت نیست، دیگر. ۲۸ لیکن خدا برسحب اراده خود، آن را جسمی می‌دهد و مسیح نیز برخاسته است. ۱۴ و اگر مسیح برخاسته، باطل به هر یکی از تختها جسم خودش را. ۲۹ هر گوشت از یک است وعظیماً و باطل است نیز ایمان شما. ۱۵ و شهود کذبه نوع گوشت نیست، بلکه گوشت انسان، دیگر است و گوشت نیز برای خدا شدیم، زیرا درباره خدا شهادت دادیم که مسیح را بهایم، دیگر و گوشت مرغان، دیگر و گوشت ماهیان، دیگر. ۴۰ برخیزیاند، و حال آنکه او را برخیزیاند در صورتی که مردگان برینی و جسمهای آسمانی هست و جسمهای زمینی نیز، لیکن شان خیزند. ۱۶ زیرا هرگاه مردگان برینی خیزند، مسیح نیز برخاسته آسمانی‌ها، دیگر و شان زمینی‌ها، دیگر است، ۴۱ و شان آفتاب است. ۱۷ اما هرگاه مسیح برخاسته است، ایمان شما باطل دیگر و شان ماه دیگر و شان ستارگان، دیگر، زیرا که ستاره از ستاره است و شما تاکنون درگناهان خود هستید، ۱۸ بلکه آنانی هم که درشان، فرق دارد. ۴۲ به همین نهج است نیز قیامت مردگان. در مسیح خوابیده‌اند هلاک شدند. ۱۹ اگر فقط در این جهان در درفساد کاشته می‌شود، و در بی‌فسادی برینی خیزید؛ ۴۳ در ذلت مسیح امیدواریم، از جمیع مردم بدیخت تریم. ۲۰ لیکن بالفعل کاشته می‌گردد و در جلال برینی خیزید؛ در ضعف کاشته می‌شود مسیح از مردگان برخاسته و نویر خوابیدگان شده است. ۲۱ زیرا و در قوت برینی خیزید؛ ۴۴ جسم نفسانی کاشته می‌شود و جسم چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد. ۲۲ روحانی برینی خیزید. اگر جسم نفسانی هست، هر آینه روحانی نیز و چنانکه در آدم همه می‌میرند در مسیح نیز همه زنده خواهند هست. ۴۵ و همچنین نیز مکتوب است که انسان اول یعنی آدم گشت. ۲۳ لیکن هر کس به رتبه خود؛ مسیح نویر است و بعد نفس زنده گشت، اما آدم آخر روح حیات بخش شد. ۴۶ لیکن آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند. ۲۴ و بعد از آن روحانی مقدم نبود بلکه نفسانی و بعد از آن روحانی ۴۷ انسان انتها است وقی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان اول از زمین است خاکی؛ انسان دوم خداوند است از آسمان. ۴۸ تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید. ۲۵ چنانکه خاکی است، خاکیان نیز چنان هستند و چنانکه آسمانی زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود ننهد، می‌پاید است آسمانی‌ها همچنان می‌باشند. ۴۹ و چنانکه صورت خاکی را اوضاعیت بنماید. ۲۶ دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است. گرفتیم، صورت آسمانی را نیز خواهیم گرفت. ۵۰ لیکن ای برادران

این را می‌گوییم که گوشت و خون نمی‌تواند وارث ملکوت خدا شود. ۱۴ جمیع کارهای شما با محبت باشد. ۱۵ وای برادران شود و فاسدوارث بی‌فسادی نیز نمی‌شود. ۱۶ همانا به شما اسری به شماالتماس دارم (شما خانواده استیفان را می‌شناشید که نویر می‌گوییم که همه نخواهیم خواید، لیکن همه متبدل خواهیم شد. اخاینه هستند و خویشتن را به خدمت مقدسین سپرده اند)، ۱۷ در لحظه‌ای، در طرفه‌العنی، به مجرد نواختن صور اخیر، تا شما نیز چنین اشخاص را اطاعت کنید و هر کس را که در زیرا کرنا صدا خواهد داد، و مردگان، بی‌فساد خواهید بخاست و ما کار و زحمت شریک باشد. ۱۸ و از آمدن استفان و فرتوناتس متبدل خواهیم شد. ۱۹ زیرا که می‌باید این فاسد بی‌فسادی را و خائیکوس مرا شادی رخ نمود زیرا که آنچه از جانب شما ناتمام پیو شد و این فانی به بقا آراسته گردد. ۲۰ اما چون این فاسد بود، ایشان تمام کردند. ۲۱ چونکه روح من و شما را تازه کردند. بی‌فسادی را پوشید و این فانی به بقا آراسته شد، آنگاه این کلامی پس چنین اشخاص را بشناسید. ۲۲ کلیساهاش آسیا به شما سلام که مکتوب است به انجام خواهد رسید که «مرگ در ظفر بعلده می‌رسانند واکیلا و پرسکلا با کلیساها که در خانه ایشاند، به شده است. ۲۳ ای موت نیش تو کجا است وای گور ظفر تو شما سلام بسیار در خداوند می‌رسانند. ۲۴ همه برادران شما را کجا؟» (Hadēs g86) ۲۵ نیش موت گناه است و قوت گناه، سلام می‌رسانند. یکدیگر را به بوسه مقدسانه سلام رسانید. ۲۶ شریعت. ۲۷ لیکن شکر خدا راست که ما را بواسطه خداوند من پولس از دست خود سلام می‌رسانم. ۲۸ اگر کسی عیسی ماعیسی مسیح ظفر می‌دهد. ۲۹ بنابراین ای برادران حبیب من مسیح خداوند را دوست ندارد، انتیما باد. ماران اتا. ۳۰ فیض پایدار و بی‌تشویش شده، پیوسته در عمل خداوندی‌فرازاید، چون عیسی مسیح خداوند با شما باد. ۳۱ محبت من با همه شما در می‌دانید که زحمت شما در خداوند باطل نیست. مسیح عیسی باد، آمين.

۱۶ اما درباره جمع کردن زکات برای مقدسین، چنانکه به کلیساها غلطیه فرمودم، شما نیز همچنین کنید. ۲ در روز اول هفتنه، هر یکی از شما بحسب نعمتی که یافته باشد، نزد خود ذخیره کرده، بگذارد تا در وقت آمدن من زحمت جمع کردن نباشد. ۳ و چون برسم، آنای را که اختیار کنید با مکوبهای خواه فرستاد تا احسان شما را به اوضاعیم ببرند. ۴ و اگر مصلحت باشد که من نیز بروم، همراه من خواهند آمد. ۵ و چون از مکادونیه عبور کنم، به نزد شماخواهم آمد، زیرا که از مکادونیه عبور می‌کنم، و احتمال دارد که نزد شما بمانم بلکه زمستان را نیز سر بر تا هرجایی که بروم، شما را متشایع特 کنید. ۶ زیرا که الان اراده ندارم در بین راه شما راملاقات کنم، چونکه امیدوارم مدتی با شما توقف نمایم، اگر خداوند اجازت دهد. ۷ لیکن من تا پانطيکاست در افسس خواهم ماند، ۸ زیرا که دروازه بزرگ و کارساز برای من باز شد و معاندین، بسیارند. ۹ لیکن اگر تیمتو اوس آید، آگاه باشید که نزد شما بی‌ترس باشد، زیرا که در کار خداوند مشغول است چنانکه من نیز هستم. ۱۰ لهذا هیچ کس او را حقیر نشمارد، بلکه او را به سلامتی مشایع特 کنید تا نزد من آید زیرا که او را با برادران انتظار می‌کشم. ۱۱ اما درباره اپلس برادر، از اوبسیار درخواست نمودم که با برادران به نزد شما باید، لیکن هرگز رضا نداد که الحال باید ولی چون فرصت باید خواهد آمد. ۱۲ بیدار شوید، در ایمان استوار باشید و مردان باشید و زورآور ۱۳ بیدار شوید، در ایمان استوار باشید و مردان باشید و زورآور

دوم قرنطیان

یعنی من و سلوانس و یتموتاوس در میان شما به وی موقعه کردیم،

بلی و نی نشد بلکه در او بلی شده است. ۲۰ زیراچندان که وعده

۱ پولس به اراده خدا رسول عیسی مسیح و یتموتاوس برادر، به های خدا است، همه در او بلی و این جهت در او امین است کلیساي خدا که در قرنتس می باشد با همه مقدسینی که در تمام تا خدا از ما تمجیدیابد. ۲۱ اما او که ما را با شما در مسیح اخاینه هستند، ۲ فیض و سلامتی از پدر ما خدا و عیسی مسیح استوارمی گرداند و ما را مسح نموده است، خدادست. ۲۲ که او خداوند به شما باد. ۳ مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی نیز ما را مهر نموده و بیانه روح را در دلهای ما عطا کرده است. مسیح که پدر رحمتها و خلای جمیع تسليات است، ۴ که ما را ۲۲ لیکن من خدا را بر جان خود شاهدمی خوانم که برای شفقت در هر تنگی ما تسلى می دهد تا مابتوانیم دیگران را در هر مصیبتی بر شما تا بحال به قرنتس نیامد، ۲۴ نه آنکه بر ایمان شما حکم که باشد تسلى نماییم، به آن تسلى که خود از خدا یافتایم. ۵ کرده باشیم بلکه شادی شما را مددکار هستیم زیرا که به ایمان زیرا به اندازهای که دردهای مسیح در ما زیاده شود، به همن قسم قایم هستید.

تسلى ما نیز بوسیله مسیح می افزاید. ۶ اما خواه رحمت کشیم،

۲ اما در دل خود عزیمت داشتم که دیگر باحزن به نزد شما این است برای تسلى و نجات شما، و خواه تسلى پذیریم این هم بجهت تسلى و نجات شما است که میسرمی شود از صیر داشتن در همین دردهایی که ما هم می بینیم. ۷ و امید ما برای شما استوار می شودزیرا می دانیم که چنانکه شما شریک دردهاستید، همچنین شریک تسلى نیز خواهید بود. ۸ زیرا ای برادران نمی خواهیم شما بی خبری باشید از تنگی ای که در آسیا به ما عارض گردید که بینهایت و فوق از طاقت بار کشیدیم، بحدی که از جان هم مایوس شدیم. ۹ لکن در خود فتوای موت داشتم تا بر خود توکل نکیم، بلکه بر خداکه مردگان را برمی خیزاند، ۱۰ که ما را از چنین موت رهانید و می رهاند و به او امیدواریم که بعداز این هم خواهد رهانید. ۱۱ و شما نیز به دعا درحق ما اعانت می کنید تا آنکه برای آن نعمتی که از اشخاص بسیاری به ما رسید، شکرگزاری هم بجهت ما از بسیاری به جا آورده شود. ۱۲ زیرا که فخر ما این است یعنی شهادت ضمیر ما که به قدوسیت و اخلاص خدایی، نه به حکمت جسمانی، بلکه به فیض الهی در جهان رفتار نمودیم و خصوص نسبت به شما. ۱۳ زیراچیزی به شما نمی نویسیم مگر آنچه می خوانید و به آن اعتراف می کنید و امیدوارم که تا به آخراعتراف هم خواهید کرد. ۱۴ چنانکه به مافی الجمله اعتراف گردید که محل فخر شماهستیم، چنانکه شما نیز ما را می باشید در روز عیسی خداوند. ۱۵ و بدین اعتماد قبل از این خواستم به نزد شما آیم تا نعمتی دیگر بیاید، ۱۶ و از راه شما به مکادونیه بروم و باز از مکادونیه نزد شما بیایم و شما را به سوی یهودیه مشایعت کنید. ۱۷ پس چون این را خواستم، آیا سهل انگاری کردم یا عزیمت من عزیمت پسری باشد تا آنکه به نزد من بلی بلی و نی نی باشد. ۱۸ لیکن خدا امین است که سخن ما با شما بلی و نی نیست. ۱۹ زیرا که پسرخدا عیسی مسیح که ما

بسیاری نیستیم که کلام خدا را مغشوش سازیم، بلکه از ساده دلی می‌سازیم. ۳ لیکن اگر بشارت ما مخفی است، بر هالکان مخفی است، ۴ که درایشان خدای این جهان فهم های ای ایمانشان را کور گردانیده است که مبادا تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خداست، ایشان را روشن سازد. (aiōn g165)

آیا باز به سفارش خود شروع می‌کنیم؟ آیا مثل بعضی احتیاج به سفارش نامه جات به شما یا از شما داشته باشیم؟ ۲ شما رساله ماهستید، نوشته شده در دلهای ما، معروف و خوانده شده جمیع آدمیان. ۳ چونکه ظاهرشده اید که رساله مسیح می‌باشد، خدمت کرده شده از ما و نوشته شده نه به مرکب بلکه به روح خدای حی، نه بر الواح سنگ، بلکه بر الواح گوشتی دل. ۴ اما بوسیله مسیح چنین اعتماد به خدا داریم. ۵ نه آنکه کافی باشیم که چیزی را به خود تفکر کیم که گویا از ما باشد، بلکه کفایت قوت از آن خدا باشد نه از جانب ما. ۶ در هرچیز زحمت کشیده، ولی در شکنجه نیستیم؛ متحیر ولی مایوس نی؛ ۷ تعاقب کرده شده، لیکن نه متورک؛ افکنده شده، ولی هلاک شده نی؛ ۸ شویم، نه حرف را بلکه روح رازیها که حرف می‌کشد لیکن روح زنده می‌کند. ۹ اما اگر خدمت موت که در حرف بود و برسنگها تراشیده شده با جلال می‌بود، بحدی که بنی اسرائیل نمی‌توانستند صورت موسی را نظاره کنند به سبب جلال چهرا او که فانی بود، چگونه خدمت روح بیشتر با جلال نخواهد بود؟ ۱۰ زیرا هرگاه خدمت قصاص با جلال باشد، چند مرتبه زیادتر خدمت عدالت در جلال خواهد افود. ۱۱ زیرا که آنچه جلال داده شده بود نیز بدین نسبت جلالی نداشت به سبب این جلال فایق. ۱۲ زیرا اگر خداوندرا برخیزانید، ما را نیز با عیسی خواهد برخیزانید و با شما حاضر خواهد ساخت. ۱۳ زیرا که همه‌چیز برای شما است تا آن فیضی که بوسیله بسیاری افزوده شده است، شکرگزاری را برای تمجید خدا بیفراید. ۱۴ از این جهت خسنه خاطر نمی‌شویم، بلکه هر چند انسانیت ظاهري ما فانی می‌شود، لیکن باطن روز بروز تازه می‌گردد. ۱۵ زیرا که این زحمت سبک ما که برای لحظه‌ای است، بار جاودانی جلال را برای ما زیاده و زیاده پیدا می‌کند. (aiōnios g166) ۱۶ در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیزهای دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و نادیدنی جاودانی. (aiōnios g166)

۱۷ زیرا می‌دانیم که هرگاه این خانه زمینی خیمه ما ریخته شود، تاجلال به همان صورت متبدل می‌شویم، چنانکه از خداوند که عمارتی از خداداریم، خانه‌ای ناساخته شده به دستها و جاودانی در آسمانها. (aiōnios g166) ۱۸ زیرا که در این هم آه می‌کشیم،

چونکه متفاوت هستیم که خانه خود را که از آسمان است پوشیم، ۱۹ اگر فی الواقع پوشیده و نه عربان یافت شویم. ۲۰ از آنرو که ما نیز که در این خیمه هستیم، گرانبار شده، آه می‌کشیم، از آن جهت که نمی‌خواهیم این را بیرون کنیم، بلکه آن را پوشیم تا به اظهار راستی، خود را به ضمیر هرکس در حضور خدا مقبول

فانی در حیات غرق شود. ۵ اما او که ما برای این درست ۴ بلکه در هر امری خود را ثابت می‌کنیم که خدام خدا هستیم: ساخت خدا است که بیانه روح را به ما می‌دهد. ۶ پس دائم در صیر پسیار، در زحمات، در حاجات در تنگیها، خاطر جمع هستیم و می‌دانیم که مادامی که در بدن متوطئم، از در زندانها، در فتنه‌ها، در محنتها، در بی خواهیها، در گرسنگیها، خداوند غریب می‌باشیم. ۷ (زیرا که به ایمان فقار می‌کنیم نه به ۶ در طهارت، در معروف، در حلم، در مهربانی، در روح القدس، دیدار) ۸ پس خاطر جمع هستیم و این را بیشتر می‌پسندیم که از در محبت بی‌ریا، ۷ در کلام حق، در قوت خدا بالاسلحه عدالت بر بدن غریب کنیم و به نزد خداوند متوطن شویم. ۹ لهذا حیرص طرف راست و چپ، ۸ به عزت و ذلت و بدنامی و نیکنامی. چون هستیم بر اینکه خواه متوطن و خواه غریب، پسندیده او باشیم. گمراه کنندگان و اینک راستگو هستیم؛ ۹ چون مجھول و اینک ۱۰ زیرا لازم است که همه ما پیش مسند مسیح حاضر شویم تا معروف؛ چون در حالت موت و اینک زنده هستیم؛ چون سیاست هر کس اعمال بدنی خود را بیابد، بحسب آنچه کرده باشد، چه کرده شده، اما مقتول نی؛ ۱۰ چون محزون، ولی دائم شادمان؛ نیک چه بد. ۱۱ پس چون ترس خدا را دانسته‌ایم، مردم را دعوت چون فقیر و اینک بسیاری را دولتشمند می‌سازیم؛ چون بی‌چیز، اما می‌کنیم. اما به خدا ظاهر شده‌ایم و امیدوارم به ضمایر شما هم مالک همه‌چیز. ۱۲ ای قرنیان، دهان ما به سوی شما گشاده ظاهر خواهیم شد. ۱۳ زیرا بار دیگر برای خود به شما سفارش و دل ما وسیع شده است. ۱۴ در ما تنگ نیستید لیکن در احتشای نمی‌کنیم، بلکه سبب افتخار درباره خود به شمامی دهیم تا شما خود تنگ هستید. ۱۵ پس در جزای این، زیرا که به فرزندان را جوانی باشد برای آنانی که در ظاهر نه در دل فخر می‌کنند. خود سخن می‌گوییم، شمانیز گشاده شوید. ۱۶ زیر بیو ناموقن زیرا اگر بی خود هستیم برای خدادست و اگر هشیاریم برای با بی ایمانان مشوید، زیرا عدالت را با گناه چه رفاقت و نور را شناسیست. ۱۷ زیرا محبت مسیح ما را فرو گرفته است، چونکه باظلمت چه شراکت است؟ ۱۵ و مسیح را بیلیعال چه مناسبت این را دریافتیم که یک نفر برای همه مردپس همه مردند. ۱۵ و مومن را با کافر چه نصبی است؟ ۱۶ و هیکل خدا را با بتها برای همه مرد تا آنانی که زنده‌اند، از این به بعد برای خوبیشتن چه مواقفت؟ زیرا شما هیکل خدای حق می‌باشید، چنانکه خدا زیست نکنید بلکه برای او که برای ایشان مرد و برخاست. ۱۶ گفت که «در ایشان ساکن خواهم بود و در ایشان راه خواهم رفت بنابراین، ما بعد از این هیچ کس را بحسب جسم شناخته بودیم، الان دیگر پس خداوند می‌گوید: «از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و بلکه هرگاه مسیح را هم بحسب جسم شناخته بودیم، الان دیگر پس خداوند می‌گوید: «از میان ایشان بیرون آید و جدا شوید و او رانمی شناسیم. ۱۷ پس اگر کسی در مسیح باشد، خلقت چیزناپاک را لمس مکنید تا من شما را مقیول بدارم، ۱۸ و شما را تازه‌ای است؛ چیزهای کهنه درگذشت، اینک همه‌چیز تازه شده پدر خواهیم بود و شما مرا پسران و دختران خواهید بود؛ خداوند قادر است. ۱۸ و همه‌چیز از خدا که ما را بواسطه عیسی مسیح با مطلق می‌گوید.»

خود مصالحه داده و خدمت مصالحه را به ما سپرده است. ۱۹ ۷ پس ای عزیزان، چون این وعده‌ها را داریم، خوبیشتن را از هر یعنی اینکه خدا در مسیح بود و جهان را با خود مصالحه می‌داد و خطایای ایشان را بدیشان محسوب نداشت و کلام مصالحه را به ما سپرد. ۲۰ پس برای مسیح ایلچی هستیم که گویا خدا به زبان ما وعظ می‌کنند. پس بخاطر مسیح استعدادی کنیم که با خدا مصالحه کنید. ۲۱ زیرا او را که گناه نشناخت در راه ما گناه ساخت تا ما در وی عدالت خدا شویم.

۶ پس چون همکاران او هستیم، التماس می‌نماییم که فیض گشتمان و در هر زحمتی که بر مامی آید، شادی وافر می‌کنم. ۵ خدا را بی فایده نیافریده باشید. ۲ زیرا می‌گوید: «در وقت مقیول تو زیرا چون به مکارونیه هم رسیدیم، جسم مآلاری نیافت، بلکه را مستحبان فرمودم و در روز نجات تو را اعانت کردم.» اینک در هر چیز رحمت کشیدیم؛ در ظاهر، نزاعها و در باطن، ترسها الحال زمان مقبول است؛ اینک الان روز نجات است. ۲ در بود. ۶ ایکن خدایی که تسلی دهنده افتادگان است، ما را به هیچ‌چیز لغوش نمی‌دهیم که مبادرختی ما ملامت کرده شود، آمدن تیطس تسلی بخشید. ۷ و نه از آمدن او تنها بلکه به آن

تسلی نیز که او در شما یافته بود، چون ما را مطلع ساخت از می‌دانید که هرچند دولتمند بود، برای شما فقیر شد تا شما از فقر شوq شما و نوحه گری شماو غیرتی که درباره من داشتید، به اودولتمند شوید. ۱۰ و در این، رای می‌دهم زیرا که این شما را نوعی که بیشتر شادمان گردیدم. ۸ زیرا که هرچند شما را به آن شایسته است، چونکه شما در سال گذشته، نه در عمل فقط رساله محزون ساختم، پیشیمان نیستم، اگرچه پیشیمان هم بود زیرا بلکه در اراده نیز اول از همه شروع کردید. ۱۱ اما الحال عمل را یافتم که آن رساله شما را اگر هم به ساعتی، غمگین ساخت. ۹ به انجام رسانید تا چنانکه دلگرمی در اراده بود، انجام عمل نیز الحال شادمان، نه از آنکه غم خوردید بلکه از اینکه غم شما به بحسب آنچه دارید بشود. ۱۲ زیراهگاه دلگرمی باشد، مقبول توبه انجامید، زیرا که غم شما برای خدا بود تا به هیچ وجه زیانی می‌افتد، بحسب آنچه کسی دارد نه بحسب آنچه ندارد. ۱۳ از ما به شما نرسد. ۱۰ زیرا غمی که برای خداست منشا توبه و نه اینکه دیگران را راحت و شما را رحمت باشد، بلکه به می‌باشد به جهت نجات که از آن پیشیمانی نیست؛ اما غم دنیوی طریق مساوات تا در حال، زیادتی شما برای کسی ایشان بکار منشا موت است. ۱۱ زیرا اینکه همین که غم شما برای خدا بود، آید؛ ۱۴ و تا زیادتی ایشان بجهت کسی شما باشد و مساوات چگونه کوشش، بل احتجاج، بل خشم، بل ترس، بل اشتیاق، بل بشود. ۱۵ چنانکه مكتوب است: «آنکه بسیار جمع کرد، زیادتی غیرت، بل انتقام را در شما پدید آورد. در هر چیز خود را ثابت نداشت و آنکه اندکی جمع کرد، کسی نداشت. ۱۶ اما شکر کردید که در این امر میرا هستید. ۱۲ باری هرگاه به شما نویشم، خداراست که این اجتهاد را برای شما در دل تیطس نهاد. ۱۷ بجهت آن ظالم یا مظلوم نبود، بلکه تا غیرت ما درباره شما به زیرا او خواهش ما را جابت نمود، بلکه بیشتر با اجتهاد بوده، به شماردر حضور خدا ظاهر شود. ۱۳ و از این جهت تسلی یافتم رضامندی تمام به سوی شما روانه شد. ۱۸ و باوی آن بدراری را لیکن در تسلی خود شادی ما از خوشی تیطس بینهایت زیاده گردید فرستادیم که مدد او در انجلی در تمامی کلیساها است. ۱۹ و نه چونکه روح او از جمیع شما آرامی یافته بود. ۱۴ زیرا اگر درباره همین فقط بلکه کلیساها نیز او را اختیار کردند تا در این نعمتی شما بدو فخر کردم، خجل نشدم بلکه چنانکه همه سختان را به که خدمت آن را برای تمجید خداوند و دلگرمی شما می‌کنیم، شما به راستی گفتم، همچنین فخر ما به تیطس راست شد. ۱۵ هم سفر مابشود. ۲۰ چونکه اجتناب می‌کنیم که مبادا کسی ما را و خاطراو به سوی شما زیادتر مایل گردید، چونکه اطاعت جمیع ملامت کند درباره این سخاوتی که خدامان آن هستیم. ۲۱ زیرا شما را به یاد می‌آورد که چگونه به ترس و لرز او را پذیرفتید. ۱۶ که نه در حضور خداوند فقط، بلکه در نظر مردم نیز چیزهای نیکو را شادمانم که در هرچیز بر شما اعتماد دارم.

۸ لیکن ای برادران شما را مطلع می‌سازیم از فیض خدا که به کلیساها مکادونیه عطا شده است. ۲ زیرا در امتحان شدید (پرسند)، او در خدمت شما رفیق و همکار من است؛ و اگر درباره برادران ما، ایشان رسول کلیساها و جلال مسیح می‌باشد. ۲۴ پس دلیل محبت خود و فخر ما را درباره شما در حضور کلیساها به ایشان ظاهر نمایید.

از ما طلبیدند. ۵ و نه چنانکه امیدداشتم، بلکه اول خویشتن را به ۹ زیرا که در خصوص این خدمت مقدسین، زیادتی می‌باشد خداوند و به مایه بحسب اراده خدا دادند. ۶ و از این سبب از که به شما بنویسم. ۲ چونکه دلگرمی شما را می‌دانم که درباره تیطس استدعا نمودیم که همچنانکه شروع این نعمت را در میان آن بجهت شما به اهل مکادونیه فخر می‌کنم که از سال گذشته شما کرد، آن را به انجام هم برساند. ۷ بلکه چنانکه در هرچیز اهل اخایه مستعد شده‌اند و غیرت شما اکثر ایشان را تحریض افزونی دارید، در ایمان و کلام و معرفت و کمال اجتهاد و محبت نموده است. ۳ اما برادران را فرستادم که مبادا فخر ما درباره شما که با ما می‌دارید، در این نعمت نیز بیفزایید. ۸ این را به طریق دراین خصوص باطل شود تا چنانکه گفته‌ام، مستعد شوید. ۴ مبادا حکم نمی‌گوییم بلکه به سبب اجتهاد دیگران و تالخلاص محبت اگر اهل مکادونیه با من آید و شمارا نامستعد یابند، نمی‌گوییم شما را بیازمایم. ۹ زیرا که فیض خداوند ما عیسی مسیح را شما بلکه ما از این اعتمادی که به آن فخر کردیم، خجل شویم،

۵ پس لازم دانستم که برادران را نصیحت کنم تا قبل از ما نزد شما خجول نخواهم شد، ۶ که مبادا معلوم شود که شما را به رساله‌ها آیند و برکت موعود شما را مهیا سازند تا حاضر باشد، از راه برکت می‌ترسانم. ۷ زیرا می‌گویند: «رساله‌های او گران و زیوار است، نه از راه طمع. ۸ اما خلاصه این است، هرکه با بخیلی کارد، لیکن حضور جسمی او ضعیف و سخن‌ش حقیر.» ۹ چنین با بخیلی هم درو کند و هرکه با برکت کارد، با برکت نیز درو کند. شخص بداند که چنانکه در کلام به رساله‌ها در غیاب هستیم، اما هرگز بطوری که در دل خوداراده نموده است بکند، نه به همچنین نیز در فعل در حضور خواهیم بود. ۱۰ زیرا جرات نداریم که حزن و اضطرار، زیرا خدا بخشنده خوش را دوست می‌دارد. ۱۱ ولی خود را از کسانی که خویشتن را مধ می‌کنند بشماریم، با خود را خدا قادر است که هر تعمنی را برای شما پیغایدتا همیشه در هر بایشان مقابله نماییم؛ بلکه ایشان چون خود را با خود می‌پیمانند و امری کفایت کامل داشته، برای هر عمل نیکو افروده شوید. ۱۲ خود را به خود می‌نامایند، دانا نیستند. ۱۳ اما ما زیاده از چنانکه مکنوب است که هر تعمنی را برای شما پیغایدتا همیشه در هر بایشان مقابله نماییم؛ بلکه ایشان آن قانونی که خدا برای ابدیاتی می‌ماند. ۱۴ (aiōn g165) اما او که برای بزرگ‌بذر و ما پیمود، و آن اندازه‌ای است که به شمانز می‌رسد. ۱۵ زیرا از برای خورنده نان را آماده می‌کند، بلز شما را آماده کرده، خواهد حد خود تجاوز نمی‌کنیم که گویا به شما نرسیده باشیم، چونکه افورد و ثمرات عدالت شما را مزید خواهد کرد. ۱۶ تا آنکه در در انجلی مسیح به شما هم رسیده‌ایم، ولی امید داریم که چون هرجیز دولتمند شده، کمال سخاوت را بنمایید که آن منشا شکر در محتهای دیگران فخر نمی‌نماییم، ولی امید داریم که چون خدا بوسیله ما می‌باشد. ۱۷ زیرا که به جا آوردن این خدمت، نه ایمان شما افزون شود، در میان شما بحسب قانون خود بغايت فقط حاجات مقدسین را رفع می‌کند، بلکه سپاس خدا را نیز افروده خواهیم شد. ۱۸ تا آنکه در مکانهای دورتر از شما هم بسیار می‌افزاید. ۱۹ و از دلیل این خدمت، خدا را تمجید می‌کنند بشارت دهیم و در امور مهیا شده به قانون دیگران فخر نکیم. ۲۰ بهسب اطاعت شما در اعتراف انجلی مسیح و سخاوت بخشش اما هرکه فخر نماید، به خداوند فخر ننماید. ۲۱ زیرا نه آنکه خود شما برای ایشان و همگان. ۲۲ و ایشان بهسب افزونی فیض را مধ کند مقبول افتاد بلکه آن را که خداوند مধ ننماید.

خدایی که بر شماست، دردعای خود مشتاق شما می‌باشد. ۲۳ ۱۱ کاشکه مرا در اندرک جهالی متتحمل شوید و متتحمل من خدا را برای عطای ما لاکلام او شکر باد. ۲۴

اما من خود، پولس، که چون در میان شما حاضر بودم، زیرا که شما را به یک شوهر نامرد ساختم تا باکرهای عفیفه به فروتن بودم، لیکن وقتی که غایب هستم، با شما جسارت می‌کنم، مسیح سپارم. ۲۵ لیکن می‌ترسم که چنانکه مار به مکر خود حوا از شما به حلم و رافت مسیح استدعا دارم ۲۶ والتماس می‌کنم که را فریفت، همچنین خاطر شما هم از سادگی ای که در مسیح چون حاضر شوم، جسارت نکنم بدان اعتمادی که گمان می‌برم است، فاسدگردد. ۲۷ زیرا هرگاه آنکه آمد، وعظ می‌کرد به عیسای که جرات خواهم کرد با آنانی که می‌پندارند که ما به طرق جسم دیگر، غیر از آنکه ما بدو موعظه کردیم، یا شما روحی دیگر را جز رفتار می‌کنیم. ۲۸ زیرا هرچند در جسم رفتار می‌کنیم، ولی به قانون آنکه یافته بودید، یا نجیلی دیگر را سوای آنچه قبول کرده بودیمی جسمی جنگ نمی‌نمایم. ۲۹ زیرا اسلحه جنگ ما جسمانی پذیرفتید، نیکو می‌کردید که متتحمل می‌شدید. ۳۰ زیرا مرا یقین نیست بلکه نزد خدا قادر است برای انهدام قلعه‌ها، ۳۱ که خجالات است که از بزرگترین رسولان هرگز کمتر نیستم. ۳۲ اما هرچند در و هر بلندی را که خود را به خلاف معرفت خدا می‌افرازد، به کلام نیز امی باشم، لیکن در معرفت نی. بلکه در هر امری نزد همه زیر می‌افکنیم و هر فکری را به اطاعت مسیح اسری می‌سازیم. ۳۳ کس به شما آشکار گردیدیم. ۳۴ آیا گناه کردم که خود را ذليل و مستعد هستم که از هر معصیت انتقام جوییم وقتی که اطاعت ساختم تا شما سرافراز شوید دراینکه به انجلی خدا شما را مفت شما کامل شود. ۳۵ آیا به صورت ظاهری نظر می‌کنید؟ اگر کسی بشارت دادم؟ ۳۶ کلیساهاي دیگر را غارت نموده، اجرت گرفتم تا بر خود اعتماد دارد که از آن مسیح است، این را نیز از خود شما را خدمت نمایم و چون به نزد شما حاضر بوده، محتاج شدم، بداند که چنانکه او از آن مسیح است، ما نیز همچنان از آن بر هیچ کس بار ننهادم. ۳۷ زیرا برادرانی که از مکادونیه آمدند، رفع مسیح هستم. ۳۸ زیرا هرچند زیاده هم فخر بکنم درباره اقتدار خود حاجت مرانمودند و در هرجیز از بار نهادن بر شما خود رانگاه که خداوند آن را برای بنا نه برای خرایی شما به ماداده است، داشته و خواهم داشت. ۳۹ به راستی مسیح که در من است قسم

که این فخر در نواحی اخاییه از من گرفته نخواهد شد. ۱۱ از چه را برای گرفتن من محافظت می‌نمود. ۳۳ و مرا از دریچه‌های در سبب؟ آیا ازاینکه شما را دوست نمی‌دارم؟ خدا می‌داند! ۱۲ زنبیلی از باره قلعه پایین کردند و از دستهای وی رستم.

لیکن آنچه می‌کنم هم خواهم کرد تا از جویندگان فرصت، فرصت ۱۳ لاد است که فخر کنم، هرچند شایسته من نیست. لیکن را منقطع سازم تا درآنچه فخر می‌کنند، مثل ما نیز یافتش شوند.

۱۴ زیرا که چنین اشخاص رسولان کذبه و عمله مکار هستند که خویشن را به رسولان مسیح مشابه می‌سازند. ۱۵ و عجب نیست، چونکه خودشیطان هم خویشن را به فرشته نور مشابه می‌سازد. ۱۶ پس امر بزرگ نیست که خدام وی خویشن را به خدام عدالت مشابه سازند که عاقبت ایشان بر حسب اعمالشان خواهد بود.

۱۷ باز می‌گوییم، کسی مرا بی‌فهم نداند والا مراجون بی‌فهمی پذیرید تا من نیز اندکی افتخارکنم. ۱۸ آنچه می‌گوییم از ارخود جز از ضعفهای خویش فخر نمی‌کنم. ۱۹ زیرا اگر بخواهم

فخر بکنم، بی‌فهم نمی‌باشم چونکه راست می‌گوییم. لیکن ۲۰ چونکه بسیاری از طریق جسمانی فخر اجتناب می‌کنم مبادا کسی در حق من گمانی برد فوق از آنچه در می‌کنند، من هم فخر می‌نمایم. ۲۱ زیرا چونکه خود فهیم هستید، من بیند یا ازمن شنود. ۲۲ و تا آنکه از زیادتی مکاشفات زیاده بی‌فهمان را به خوشی متتحمل می‌باشید. ۲۳ هرگاه کسی شما را غلام سازد، یا کسی شما را فرو خورد، یا کسی شما را گرفتار کند، یا کسی خود را بلند سازد، یا کسی شما سه دفعه استدعا نمودم تا از من بپرورد. ۲۴ مرا گفت: «فیض من تو را بر رخسار طیانچه زند. ۲۵ از روی استحقار می‌گوییم که گویاما ضعیف بوده‌ایم. ۲۶ آیا عبرانی هستند؟ من نیز هستم! اسرائیلی به شادی بسیار از ضعفهای خود بیشتر فخر خواهم نمود تا قوت هستند؟ من نیز هستم! از ذرت ابراهیم هستند؟ من نیزم باشم!

۲۷ آیا خدام مسیح هستند؟ چون دیوانه حرف می‌زنم، من بیشتر احتیاجات و زحمات و تندیگاه باخاطر مسیح شادمانم، زیرا که چون هستم! در محنتها افرونتر، در تازیانه‌ها زیادتر، در زندانها بیشتر، در مرگها مکرر. ۲۸ از یهودیان پنج مرتبه از چهل یک کم تازیانه خوردم. ۲۹ سه مرتبه مرا چوب زندند؛ یک دفعه سنگسار شدم؛

۳۰ سه کرت شکسته کشته شدم؛ شبانه‌روزی در دریا بسر بردم؛ ۳۱ در خطرهای نهرها؛ در خطرهای دزدان؛ در خطرهای دریابان؛ در خطرهای ازامت‌ها؛ در خطرهای در شهر؛ در خطرهای دریابان؛ در خطرهای در دریا؛ در خطرهای در میان بادران کذبه؛

در محنت و مشقت، در بی‌خوابیها بارها؛ در گرسنگی و تشنگی در روزه‌ها بارها؛ در سرما و عربانی. ۳۲ بدون آنچه علاوه بر اینها است، آن باری که هر روزه بر من است، یعنی اندیشه برای همه کلیساها. ۳۳ کیست ضعیف که من ضعیف نمی‌شوم؟ که لغزش می‌خورد که من نمی‌سوزم؟ ۳۴ اگر فخر می‌باید کرد از آنچه به

ضعف من تعلق دارد، فخر می‌کنم. ۳۵ خدا و پدر عیسی مسیح خداوند که تا به ابد مبارک است، می‌داند که دروغ نمی‌گوییم.

۳۶ (aión g165) ۳۷ در دمشق، والی حارث پادشاه، شهر دمشقیان نفع از شما بردم؟ ۳۸ به تیطس التماس نمودم و با وی بادر را

فرستادم. آیا تیپس از شمانفع برد؟ مگر به یک روح و یک روش رفتارنمودیم؟ ۱۹ آیا بعد از این مدت، گمان می‌کنید که نزدشما حجت می‌آوریم؟ به حضور خدا در مسیح سخن می‌گوییم. لیکن همه‌چیزای عزیزان برای شما است. ۲۰ زیرا می‌ترسم که چون آیم شما را نه‌چنانکه می‌خواهم بیابم و شما مرا بیابید چنانکه نمی‌خواهید که مبادا نزاع و حسد و خشمها و تعصّب و بهتان و نمامی و غرور و فتنه‌ها باشد. ۲۱ و چون بازایم، خدای من مرا نزدشما فروتن سازد و ماتم کنم برای بسیاری از آنانی که پیشتر گناه کردند و از ناپاکی و زنا و فجری که کرده بودند، توبه ننمودند.

۱۳ این مرتبه سوم نزد شما می‌آیم. به گواهی دو سه شاهد، هر سخن ثابت خواهد شد. ۲ پیش گفتم و پیش می‌گوییم که گویا دفعه دوم حاضر بوده‌ام، هرچند الان غایب هستم، آنانی را که قبل از این گناه کردند و همه دیگران را که اگر بازایم، مسامحه نخواهم نمود. ۳ چونکه دلیل مسیح را که در من سخن می‌گوییدمی جویید که او نزد شما ضعیف نیست بلکه در شما تواناست. ۴ زیرا هرگاه از ضعف مصلوب گشت، لیکن از قوت خدا زیست می‌کند. چونکه ما نزد در وی ضعیف هستیم، لیکن با او از قوت خدا که به سوی شما است، زیست خواهیم کرد. ۵ خود را امتحان کنید که در ایمان هستید یا نه. خود را بازیافت کنید. آیا خود را نمی‌شناسید که عیسی مسیح در شما است اگر مردود نیستید؟ ۶ اما امیدوارم که خواهید دانست که ما مردود نیستیم. ۷ و از خدا مسالت می‌کنم که شما هیچ بدی نکنید، نه تا ظاهر شود که ما مقبول هستیم، بلکه تا شما نیکویی کرده باشید، هرچند ما گویا مردود باشیم. ۸ زیرا که هیچ نمی‌توانیم به خلاف راستی عمل نماییم بلکه برای راستی. ۹ و شادمانیم وقتی که ما ناتوانیم و شما نتواناید. و نزیرای این دعا می‌کنیم که شما کامل شوید. ۱۰ از اینجهت این را در غیاب می‌نویسم تا هنگامی که حاضر شوم، سختی نکنم بحسب آن قدرتی که خداوند بجهت بنا نه برای خرایی به من داده است. ۱۱ خلاصه‌ای برادران شاد باشید؛ کامل شوید؛ تسلی بذریبد؛ یک رای و با سلامتی بوده باشید و خدای محبت و سلامتی با شما خواهدبود. ۱۲ یکدیگر را به بوسه مقدسانه تحیت نمایید. ۱۳ جمیع مقدسان به شما سلام می‌رسانند. ۱۴ فیض عیسی خداوند و محبت خدا و شرکت روح القدس با جمیع شما باد. آمين.

غلاظیان

که قبل از این ویران می‌ساخت.» ۲۴ و خدا را در من تمجید

نمودند.

۱ پولس، رسول نه از جانب انسان و نه بوسیله انسان بلکه به عیسی مسیح و خدای پدر که او را از مردگان برخیزانید، ۲ و همه برادرانی که با من می‌باشند، به کلیساهاشی غلامیه، ۳ فیض و سلامتی از جانب خدای پدر وخداؤن ما عیسی مسیح با شما باد؛ ۴ که خود را برای گناهان ما داد تا ما از این عالم حاضر شویم حسب اراده خدا و پدر ما خلاصی بخشد، *(aiōn) g165* ۵ که او را تا ابدالاً باد جلال باد. آمين. (aiōn g165) ۶ تعجب می‌کنم که بدین زودی از آن کس که شما را به فیض مسیح خوانده است، برمی‌گردیده سوی انجلیلی دیگر، ۷ که (انجلیل) دیگر نیست. لکن بعضی هستند که شما را مضطرب می‌سازند و می‌خواهند انجلیل مسیح را تبدیل نمایند. ۸ بلکه هرگاه ما هم یا فرشته‌ای از آسمان، انجلیلی غیر از آنکه ما به آن بشارت دادیم به شما رساند، انتیما باد. ۹ چنانکه پیش گفته‌یم، الان هم بازمی‌گوییم: اگر کسی انجلیلی غیر از آنکه پذیرفتدیوارد، انتیما باد. ۱۰ آیا الحال مردم را در رای خود می‌آورم؟ یا خدا را یا رضامندی مردم را می‌طلیم؟ اگر تابحال رضامندی مردم رامی خواستم، غلام مسیح نمی‌بودم. ۱۱ اما ای برادران شما را اعلام می‌کنم ازانجلیلی که من بدان بشارت دادم که به طرق انسان نیست. ۱۲ زیرا که من آن را از انسان نیافتنم و نیاموختم، مگر به کشف عیسی مسیح. ۱۳ زیسرگذشت ساق مرا در دین یهود شنیده‌اید که برکلیسای خدا بینهایت جفا می‌نمودم و آن راپیران می‌ساختم، ۱۴ و در دین یهود از اکثرهمسالان قوم خود سبقت می‌جسمتم و در تعالیادجاجداد خود بغايت غیور می‌بودم. ۱۵ اما چون خداکه مرا از شکم مادرم برگردید و به فیض خود مراخواند، رضا بدین داد ۱۶ که پسر خود را در من آشکار سازد تا در میان امت‌ها بدو بشارت دهم، در آنوقت با جسم و خون مشورت نکردم، ۱۷ و به اورشلیم هم نزد آناتی که قبل از من رسول بودندزرفتم، بلکه به عرب شدم و باز به دمشق مراجعت کردم. ۱۸ پس بعد از سه سال، برای ملاقات پطرس به اورشلیم رفتم و پازده یهود رفتارکنند؟» ۱۹ اما از سایر رسولان جز یعقوب برادر خداوندرا ندیدم. ۲۰ اما درباره آنچه به شما می‌نویسم، اینکه در حضور خدا دروغ نمی‌گوییم. ۲۱ بعد از آن به نواحی سوریه و قبیلیه آمدم. ۲۲ و به کلیساهاشی یهودیه که در مسیح بودند صورت غیرمعروف بودم، ۲۳ جز اینکه شنیده بودند که «آنکه پیشتر بر ما جفا می‌نمود، الحال بشارت می‌دهد به همان ایمانی

می طلبم، خود هم گناهکار یافت شویم، آیا مسیح خادم گناه است. ۱۷ و مقصود این است عهدی را که از خدا به مسیح است؟ حاشا! ۱۸ زیرا اگر باز بنا کنم آنچه راکه خراب ساختم، بسته شده بود، شریعتی که چهارصد و سی سال بعد از آن نازل هرآینه ثابت می کنم که خود متعدی هستم. ۱۹ زانو که من شد، باطل نمی سازد بطوطی که وعده نبیست شود. ۲۰ زیرا اگر بواسطه شریعت نسبت به خدا زیست میراث از شریعت بودی، دیگر از وعده نبودی. لیکن خدا آن را به کنم. ۲۰ با مسیح مصلوب شدهام ولی زندگی می کنم لیکن نه ابراهیم از وعده داد. ۱۹ پس شریعت چیست؟ برای تقصیرها بر من بعد از این، بلکه مسیح در من زندگی می کند. و زندگانی که آن افروده شد تا هنگام آمدن آن نسلی که وعده بدداده شد و الحال در جسم می کنم، به ایمان بر پسر خدا می کنم که مرا بوسیله فرشگان به دست متوسطی مرتب گردید. ۲۰ اما متوسط از محبت نمود و خود را برای من داد. ۲۱ فیض خدا را باطل نمی یک نیست، امامداخا یک است. ۲۱ پس آیا شریعت به خلاف سازم، زیرا اگر عدالت به شریعت می بود، هرآینه مسیح عیث مرد. وعده های خداست؟ حاشا! زیرا اگر شریعت داده می شد که تواند حیات بخشد، هرآینه عدالت از شریعت حاصل می شد. ۲۲ بلکه

۳ ای غلطیان بی فهم، کیست که شما را نفسون کرد تا راستی کتاب همه چیز را زیر گناه بست تا وعدهای که از ایمان به عیسی را اطاعت نکنید که پیش چشمان شما عیسی مسیح مصلوب شده میین گردید؟ ۴ فقط این را می خواهیم از شما بهفهم که روح را از اعمال شریعت یافته اید یا از خبر ایمان؟ ۳ آیا اینقدر بی فهم هستید که به روح شروع کرده، الان به جسم کامل می شوید؟ ۴ آیا اینقدر زحمات را عیث کشیدید اگر فی الحقيقة عیث باشد؟ ۵ پس آنکه روح را به شما عظامی کند و قوات در میان شما به ظهور می آورد، آیا از اعمال شریعت یا از خبر ایمان می کند؟ ۶ چنانکه ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او عدالت محسوب شد. ۷ پس آگاهید که اهل ایمان فرزندان ابراهیم هستند. ۸ و کتاب چون پیش دید که خدا امیت‌ها را از ایمان عادل خواهد شمرد به ابراهیم بشارت داد که «جمعیت امیت‌ها از تو برکت خواهد یافت.» ۹ وارث هستید.

۹ بنابراین اهل ایمان با ابراهیم ایمان دار برکت می یابند. ۱۰ زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت هستند، زیر لعنت می باشند زیرا ۱۰ است، از غلام هیچ فرق ندارد، هرچندمالک همه باشد. ۲ مکتوب است: «ملعون است هر که ثابت نماند در تمام نوشته بلکه زیدست ناظران و وكلامی باشد تا روزی که پدرش تعیین های کتاب شریعت تا آنها را بهجا آرد.» ۱۱ اما واضح است که کرده باشد. ۳ همچنین ما زیر چون صغیر می بودیم، زیر اصول هیچ کس در حضور خدا از شریعت عادل شمرده نمی شود، زیرا که دنیوی غلام می بودیم. ۴ لیکن زمان به کمال رسید، خدا پسر «عادل به ایمان زیست خواهد نمود.» ۱۲ اما شریعت از ایمان خود را فرستاد که از زن زایده شد و زیر شریعت متولد، ۵ تا آنانی نیست بلکه آنکه به آنها عمل می کند، درآنها زیست خواهد کرد تا آنکه پسرخواندگی را پاییم. ۶ اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسرخود را در دلهای شما نمود. ۷ مسیح، ما را ازلعنت شریعت فدا کرد چونکه در راه ما ۸ اما چونکه پسر هستید، خدا روح پسرخود را در دلهای شما لعنت شد، چنانکه مکتوب است «ملعون است هر که بر دارای وخته فرستاد که ندا می کند «یا بالا» یعنی «ای پدر.» ۷ لهذا دیگر شود.» ۱۴ تا برکت ابراهیم در مسیح عیسی بر امیت‌ها آید و تا غلام نیستی بلکه پسر، و چون پسر هستی، وارث خدا نیز بوسیله عده روح را به وسیله ایمان حاصل کنیم. ۱۵ ای برادران، به مسیح. ۸ لیکن در آن زمان چون خدا را نمی شناختیم، آنانی طریق انسان سخن می گوییم، زیرا عهدی را که از انسان نیز استوار را که طبیعت خدایان نبودند، بندگی می کردید. ۹ اما الحال می شود، هیچ کس باطل نمی سازد و نمی افزاید. ۱۰ اما وعده‌ها به که خدا را می شناسید بلکه خدا شما را می شناسد، چونکه باز ابراهیم و به نسل او گفته شد و نمی گوید «به نسلها» که گویا می گردید به سوی آن اصول ضعیف و فقیر که دیگرمی خواهید از درباره بسیاری باشد، بلکه درباره یکی و «به نسل تو» که مسیح سر نو آنها را بندگی کنید؟ ۱۰ روزها و ماهها و فصلها و سالها را

نگاه می دارد. ۱۱ درباره شما ترس دارم که مبادا برای شما عیث ۳ بلی باز به هرکس که مختون شود شهادت می دهم که مدینون رحمت کشیده باشم. ۱۲ ای برادران، از شما استدعا دارم که مثل است که تمامی شریعت را بهجا آورد. ۴ همه شما که از شریعت من بشوید، چنانکه من هم مثل شما شده‌ام. به من هیچ ظلم عادل می‌شوید، از مسیح باطل و از فیض ساقطگشته‌اید. ۵ زیرا نکردید. ۶ اما آگاهید که بهسب ضعف بدنه، اول به شما که ما بواسطه روح از ایمان مترب امید عدالت هستیم. ۷ و در بشارت دادم. ۸ و آن امتحان مرا که در جسم من بود، خوار مسیح عیسی نه ختنه فایده دارد و نه نامختونی بلکه ایمانی که به نشمردید و مکروه نداشتید، بلکه مرا چون فرشته خدا و مثل مسیح محبت عمل می‌کند. ۹ خوب می‌دوید. پس کیست که شما را عیسی پذیرفید. ۱۰ پس کجا است آن میارک بادی شما؟ زیرا به ازاطاعت راستی منحرف ساخته است؟ ۱۱ این تغییب از او که شما شاهدم که اگر ممکن بودی، چشمان خود را بیرون آورده، به شما را خوانده است نیست. ۱۲ خمیرمایه اندک تمام خمیر را من می‌دادید. ۱۳ پس چون به شما راست می‌گوییم، آیا دشمن مخمر می‌سازد. ۱۴ من در خداوند بر شما اعتماد دارم که هیچ شما شده‌ام؟ ۱۵ شما را به غیرت می‌طلبید، لیکن نه به خیر، رای دیگر نخواهد داشت، لیکن آنکه شما را مضطرب سازد هرکه پذیرفید. ۱۶ پس چون به شما راست می‌گوییم، آیا دشمن مخمر می‌سازد. ۱۷ شما را بروی شما بینندن تا شما ایشان را بغیرت باشد قصاص خود را خواهد یافت. ۱۸ امامی برادران اگر من تا به بطليوب. ۱۹ لیکن غیرت در امر نیکو در هر زمان نیکو است، حال به ختنه موعظه می‌کردم، چرا چفا می‌دیدم؟ زیرا که در این نه تنها چون من نزد شما حاضر باشم. ۲۰ ای فرزندان من که صورت لغوش صلیب برداشته می‌شد. ۲۱ کاش آنانی که شما را برای شما باز درد زه دارم تصویر مسیح در شما بسته شود. ۲۲ مضطرب می‌سازند خویشتن را منقطع می‌ساختند. ۲۳ زیرا که باری خواهش می‌کردم که الان نزد شما حاضر می‌بودم تا سخن شما برادران به آزادی خوانده شده‌اید؛ اما زهار آزادی خود خود را تبدیل کنم، زیرا که درباره شمامتحیر شده‌ام. ۲۴ شما که را فرست جسم مگردانید، بلکه به محبت، یکدیگر را خدمت می‌خواهید زیر شریعت باشید، مرابگویید آیا شریعت را نمی‌شوند؟ کنید. ۲۵ زیرا که تمامی شریعت در یک کلمه کامل می‌شود زیرا مکتب است ابراهیم را دو پسر بود، یکی از کنیزو دیگری یعنی در اینکه همسایه خود راچون خویشتن محبت نما. ۲۶ اما از آزاد. ۲۷ لیکن پسر کنیز، بحسب جسم تولد یافت و پسر آزاد، اگر همدیگر را بگزید و بخورید، باحذر باشید که مبادا از یکدیگر بمحاسبه و عده. ۲۸ واین امور بطور مثل گفته شد زیرا که این دو هلاک شوید. ۲۹ اما می‌گوییم به روح رفتار کنید پس شهوتان زن، دو عهد می‌باشند، یکی از کوه سینا برای پندگی می‌زايد و جسم را به جا نخواهید آورد. ۳۰ زیرا خواهش جسم به خلاف آن هاجر است. ۳۱ زیرا که هاجر کوه سینا است در عرب، و روح است و خواهش روح به خلاف جسم و این دو با یکدیگر مطابق است با اورشلیمی که موجود است، زیرا که با فرزندانش در مزارعه می‌کنندبطوری که آنچه می‌خواهید نمی‌کنید. ۳۲ اما پندگی می‌باشد. ۳۳ لیکن اورشلیم بالا آزاد است که مادر جمیع اگرزا روح هدایت شدید، زیر شریعت نیستید. ۳۴ و اعمال جسم ما می‌باشد. ۳۵ زیرا مکتب است: «ای نازاد که نزایده‌ای، آشکار است، یعنی زنا و فسوق و نایاکی و فجور، ۳۶ و بتپرستی شاد باش! صدا کن و فریادبرآورای تو که درد زه ندیده‌ای، زیرا وجودگری و دشمنی و نیاع و کینه و خشم و تعصب و شقاق و فرزندان زن بی کس از اولاد شوهردار بیشتراند.» ۳۷ لیکن بدعتها، ۳۸ و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها مای برادران، چون اسحاق فرزندان عده می‌باشیم. ۳۹ بلکه که شما را خبرمی دهم چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنانکه آنوقت آنکه بمحاسبه جسم تولد یافت، بر روی که بمحاسبه چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند. ۴۰ لیکن ثمره روح، روح بود جفامی کرد، همچنین الان نیز هست. ۴۱ لیکن کتاب محبت و خوشی وسلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان چه می‌گوید؟ «کنیز و پسر او را بیرون کن زیرا پسرکنیز با پسر و تواضع و پرهیزکاری است، ۴۲ که هیچ شریعت مانع چنین کارها آزاد میراث نخواهد یافت.» ۴۳ خلاصه‌ای برادران، فرزندان کنیز نیست. ۴۴ و آنانی که از آن مسیح می‌باشند، جسم را با هوسها نیستیم بلکه از زن آزادیم.

۴۵ پس به آن آزادی که مسیح ما را به آن آزاد کرد استوار باشید آوریم و بر یکدیگر حسد بیم. و باز در بیوغ پندگی گرفتار مشوید. ۴۶ اینک من پولس به شما می‌گوییم که اگر مختون شوید، مسیح برای شما هیچ نفع ندارد.

۶ امای برادران، اگر کسی به خطای گرفتار شود، شما که روحانی هستید چنین شخص را به روح تواضع اصلاح کنید. و خود را ملاحظه کن که مبادا تو نیز در تجربه افتی. ۲ بارهای سنگین یکدیگر را متحمل شوید و بدین نوع شریعت مسیح را بهجا آرید. ۳ زیرا اگر کسی خود را شخص گمان برد و حال آنکه چیزی نباشد، خود را می فریبد. ۴ اما هرکس عمل خودرا امتحان بکند، آنگاه فخر در خود به تنهایی خواهد داشت نه در دیگری، ۵ زیرا هرکس حامل بار خود خواهد شد. ۶ اما هرکه در کلام تعلیم یافته باشد، معلم خود را در همه چیزهای خوب مشارک باشد. ۷ خود را فریب مدهید، خدا را سترهان نمی توان کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همان را درو خواهد کرد. ۸ زیرا هرکه پرای جسم خود کارد، از جسم فساد را درو کند و هرکه پرای روح کارد از روح حیات جاودانی خواهد دروید. **(aiōnios g166)**^۹ لیکن از نیکوکاری خسته نشویم زیرا که در موسم آن درو خواهیم کرد اگر ملو نشویم. ۱۰ خلاصه بقدرتی که فرصت داریم با جمیع مردم احسان بنماییم، علی الخصوص با اهل بیت ایمان. ۱۱ ملاحظه کنید چه حروف جلی بdest خود به شما نوشتم. ۱۲ آنانی که می خواهند صوتی نیکو در جسم نمایان سازند، ایشان شمارا مجبور می سازند که مختون شوید، محض اینکه پرای صلیب مسیح جفا نیسند. ۱۳ زیرا ایشان نیز که مختون می شوند، خود شریعت رانگاه نمی دارند بلکه می خواهند شما مختون شوید تا در جسم شما فخر کنند. ۱۴ لیکن حاشا ازمن که فخر کنم جز از صلیب خداوند ما عیسی مسیح که بوسیله او دنیا برای من مصلوب شد و من برای دنیا. ۱۵ زیرا که در مسیح عیسی نه ختنه چیزی است و نه نامختونی بلکه خلقت تازه. ۱۶ و آنانی که بدین قانون رفتار می کنند، سلامتی و رحمت بر ایشان باد و بر اسرائیل خدا. ۱۷ بعد از این هیچ کس مرا زحمت نرساند زیرا که من در بدن خود داغهای خداوند عیسی را دارم. ۱۸ فیض خداوند ما عیسی مسیح با روح شما بادای برادران. آمين.

افسیان

نهاد و او را سرهمه‌چیز به کلیسا داد، ۲۳ که بدن اوست یعنی

پری او که همه را در همه پر می‌سازد.

۱ پولس به اراده خدا رسول عیسی مسیح، به مقادیسینی که در افسس می‌باشند و ایمانداران در مسیح عیسی. ۲ فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد. ۳ مبارک باد خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح که ما را مبارک ساخت به هر بزکت روحانی در جایهای آسمانی در مسیح. ۴ چنانکه ما را پیش از بنیاد عالم در او برگزید تا در حضور او در محبت مقدس و بی عیب باشیم. ۵ که ما را از قبیل تعیین نمود تا او را پسر خوانده شویم بواسطت عیسی مسیح برحسب خشنودی اراده خود. ۶ برای ستایش جلال فیض خود که ما را به آن مستفیض گردانید در آن حیب. ۷ که در وی به سبب خون او فدیه یعنی آمرش گاهان را به اندازه دولت فیض او یافته‌ایم. ۸ که آن را به ما به فراوانی عطا فرمود در حکمت و فضان. ۹ چونکه سر اراده خود را به ما شناسانید، برحسب خشنودی خود که در خود عزم نموده بود، ۱۰ برای انتظام کمال زمانها تا همچیز را خواه آنچه در آسمان و خواه آنچه بر زمین است، درمسیح جمع کند، یعنی در او. ۱۱ که ما نیز در وی میراث او شده‌ایم، چنانکه پیش معن گشتم بحسب قصید او. که همه‌چیزها را موافق رای اراده خود می‌کند. ۱۲ تا از ما که اول امیدوار به مسیح می‌بودیم، جلال او ستدوه شود. ۱۳ و در روی شما نیز چون کلام راستی، یعنی بشارت نجات خود را شیدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس و عده مختوم شدید. ۱۴ که بیغانه میراث ما است برای فدای آن ملک خاص او تا جلال او ستدوه شود. ۱۵ بنا بر این، من نیز چون خبر ایمان و بی امید و بی خدا در دنیا بودید. ۱۶ لیکن الحال در مسیح عیسی شما را نامختون می‌خوانند)، ۱۷ که شما در آن زمان از مسیح سلف (ای امت های در جسم که آنانی که به اهل ختنه نامیده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکوکه خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم. ۱۸ لهذا به یاد آورید که شما در زمان ایمان و این از شمانیست بلکه بخشش خداست، ۹ و نه از اعمال تاهییج کس فخر نکنید. ۱۹ نیزرا که صنعت او هستیم، آفریده شدید در مسیح عیسی برای کارهای نیکوکه خدا قبل مهیا نمود تا شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکوکه خدا قبل مهیا نمود تا در آنها سلوک نماییم. ۲۰ لهذا به یاد آورید که شما در زمان سلف (ای امت های در جسم که آنانی که به اهل ختنه نامیده شدید، در وی چون ایمان آوردید، از روح قدوس و عده مختوم شدید. ۲۱ که بیغانه میراث ما است برای فدای آن ملک خاص او تا جلال او ستدوه شود. ۲۲ تا چشمان دل شما روشن گشته، بداین شما عطا فرماید. ۲۳ تا چشمان دل شما روشن گشته، بداین که امید دعوت او چیست و کدام است دولت جلال میراث او در مقدسین، ۲۴ و چه مقدار است عظمت بیهای قوت او نسبت به مامونین برحسب عمل توانایی قوت او که درمسیح عمل کرد چون او را از مردگان برخیزانید و به دست راست خود در جایهای آسمانی نشانید، ۲۵ بالاتر از هر ریاست و قدرت و قوت و سلطنت و هر نامی که خوانده می‌شود، نه در این عالم فقط بلکه هموطن مقدسین هستید و از اهل خانه خدا. ۲۶ و بر بنیاد رسولان و انبیا در عالم آینده نیز. ۲۷ و همه‌چیز را نیز پایهای او بنا شده‌اید که خود عیسی مسیح سنگ زاویه است. ۲۸ که در وی

تمامی عمارت با هم مرتب شده، به هیکل مقدس در خداوند نعم ۲ با کمال فروتنی و تواضع و حلم، و متholm یکدیگر در محبت می‌کند. ۲۲ و در وی شما نیز با هم بنا کرده می‌شوید تا در روح باشید؛ ۳ و سعی کنید که یگانگی روح را در رشته سلامتی نگاه دارید. ۴ یک جسد هست و یک روح، چنانکه نیز دعوت شده‌اید مسکن خدا شوید.

۵ از این سبب من که پولس هستم و امیر مسیح عیسی برای شما امت ها- ۶ اگر شنیده باشید تدبیر فیض خدا را که بجهت شما به من عطا شده است، ۷ که این سر ازرا کشف بر من اعلام شد، چنانکه مختصر پیش نوشتم، ۸ و از مطالعه آن می‌توانید ادراک مرا درسر مسیح بفهمید. ۹ که آن در قرنها گذشته به بنی آدم آشکار نشده بود، بطوطی که الحال بررسوان مقدس و انبیای او به روح مکشوف گشته است، ۱۰ که امت‌ها در میراث و در بدن و در بهره و عده او در مسیح بواسطه فیض خدا که شریک هستند. ۱۱ که خادم آن شدم بحسب عطای مسیح بیشتر از کمترین همه مقدسین، این سر ازرا کشف بر حسب عمل قوت او به من داده شده است. ۱۲ یعنی به من که این امت‌ها به دولت بی قیاس مسیح بشارت دهم، ۱۳ و همه را روشن سازم که چیست انتظام آن سری که از بنای عالم‌ها مستور بود، در خدایی که همه‌چیز را بوسیله عیسی مسیح آفرید. (aiōn) g165

۱۴ تا آنکه الحال بر ارباب ریاستها و قدرتها در جایهای آسمانی، حکمت گوناگون خدا بوسیله کلیسا معلوم شود، ۱۵ بر حسب تقدیر ازلی که در خداوند ما مسیح عیسی نمود، (aiōn) g165

۱۶ که در وی جسارت و دخول باعتماد داریم به سبب ایمان وی. ۱۷ لهذا استعدادارم که از زحمات من به جهت شما خسته خاطرمشوید که آنها فخر شما است. ۱۸ از این سبب، زانو می‌زنم نزد آن پدر، ۱۹ که از او هر خانواده‌ای در آسمان و بر زمین مسیمی می‌شود؛ ۲۰ که بحسب دولت جلال خود به شما عطا شده، خود را به فجرور تسليم کرده‌اند تا هر قسم ناپاکی را به حرص کنند که در انسانیت باطنی خود از روح او به قوت زورآور شوید، ۲۱ تا مسیح به وساطت ایمان در دلهای شما ساکن شود؛ ۲۲ و در محبت ریشه کرده و بنیاد نهاده، استطاعت یابید که باتمامی مقدسین ادراک کنید که عرض و طول و عمق و بلندی چیست؛ ۲۳ و عارف شوید به محبت مسیح که فوق از معرفت است تا پر شویدتا تمامی پری خدا. ۲۴ الحال او را قادر است که بکند بینهایت زیادتر از هر آنچه بخواهیم یا فکر کنیم، بحسب آن قوتی که در ما عمل می‌کند، ۲۵ مر او را در کلیسا و در مسیح عیسی تا جمیع قرنها تا ابدالاً بادجالل باد. آمین. (aiōn) g165

۲۶ لهذا من که در خداوند اسیر می‌باشم، از شما استعدای دارم ندهید. ۲۷ دزد دیگر دزدی نکنید بلکه به دستهای خود کارنیکو که به شایستگی آن دعوتی که به آن خوانده شده‌اید، رفتار کنید، کرده، زحمت بکشد تا بتواند نیازمندی راچیزی دهد. ۲۸ هیچ

سخن بد از دهان شما بیرون نماید، بلکه آنچه بحسب حاجت و شوهران خود را در هرامی باشند. ۲۵ ای شوهران زنان خود را برای بنا نیکوشید تا شنوندگان را فیض رساند. ۳۰ و روح قدوس محبت نماید، چنانکه مسیح هم کلیسا را محبت نمود و خویشن خدا را که به او تا روز رستگاری مخصوص شده‌اید، محروم مسازید. را برای آن داد. ۲۶ تا آن را به غسل آب بوسیله کلام طاهر ۳۱ و هر قسم تلحی و غیظ و خشم و فریاد و بدگویی و خباثت را ساخته، تقدیس نماید، ۲۷ تا کلیسای مسیح را به نزد خود حاضر از خود دور کنید، ۲۸ و با یگدیگر مهربان باشید و رحیم و همدیگر سازد که لکه وجین یا هیچ چیز مثل آن نداشته باشد، بلکه تامقدس را عفو نماید چنانکه خدا در مسیح شما را هم آمرزیده است.

۲۹ پس چون فرزندان عزیز به خدا اقتدار کنید. ۲ و در محبت رفتار نماید، چنانکه مسیح هم ما را محبت نمود و خویشن را برای ما به خداهای و قبایی برای عطر خوشبوی گذراند. ۳ اما زنا و هر ناپاکی و طمع در میان شما هرگز مذکور هم نشود، چنانکه مقدسین را می‌شاید. ۴ و نه قباحت و یهوده‌گویی و چرب زبانی که اینها شایسته نیست بلکه شکرگزاری. ۵ زیرا این را یقین می‌دانید که هیچ زانی یا ناپاک یا طماع که بتپرسن باشد، میراثی در ملکوت مسیح و خداندارد. ۶ هیچ کس شما را به سخنان باطل فریب ندهد، زیرا که به سبب اینها غضب خدا بر ابنای معصیت نازل می‌شود. ۷ پس با ایشان شریک مباشید. ۸

۸ ای فرزندان، والدین خود را در خداوندان طاعت نمایید، زیرا که پیشتر ظلمت بودید، لیکن الحال در خداوند نور می‌باشد. که این انصاف است. ۹ «پدر و مادر خود را احترام نما» که پس چون فرزندان نور رفتار کنید. ۹ زیرا که میوه نور در کمال، این حکم اول با وعده است. ۱۰ «تا تو را عاقیت باشد و عمر نیکویی و عدالت و راستی است. ۱۰ و تحقیق نماید که پسندیده درازی زمین کمی». ۱۱ وای پدران، فرزندان خود را به خشم می‌ارید خداوند چیست. ۱۱ و در اعمال بی‌ثمر ظلمت شریک مباشید بلکه ایشان را به تادیب و نصیحت خداوند تربیت نماید. ۱۲ ای آنها را مذمت کنید، ۱۲ زیرا کارهایی که ایشان در خفا می‌کنند، غلامان، آقایان بشتری خود را چون مسیح با ترس و لرز با ساده حتی ذکر آنها هم قبیح است. ۱۳ لیکن هرچیزی که مذمت شود، دلی اطاعت کنید. ۱۴ نه به خدمت حضور مثل طالبان رضامندی از نور ظاهر می‌گردد، زیرا که هرچه ظاهر می‌شود نور است. ۱۴ انسان، بلکه چون غلامان مسیح که اراده خدا را از دل به عمل بناراین می‌گویدی تو که خواهید ای، بیدار شده، از مردگان برخیز می‌آوند، ۷ و به نیت خالص خداوند رابتدگی می‌کنند نه انسان تامسیح بر تو درخشند. ۱۵ پس باخبر باشید که چگونه به دقت را، ۸ و می‌داند هر کس که عمل نیکو کند، مکافات آن را از رفتار نمایید، نه چون جاهلان بلکه چون حکیمان. ۱۶ وقت را خداوند خواهد یافت، خواه غلام و خواه آزاد. ۹ وای آقایان، دریابید زیرا این روزها شریر است. ۱۷ از این جهت بی فهم مباشید، با ایشان به همین نسق رفتار نمایید و از تهدید کردن احتراز کنید، بلکه بفهید که اراده خداوند چیست. ۱۸ و مست شراب مشویج چونکه می‌دانید که خود شما را هم آقایی هست در آسمان و او را که در آن فجور است، بلکه از روح پر شوید. ۱۹ و بایکدیگر به نظر به ظاهر نیست. ۱۰ خلاصه‌ای برادران من، در خداوند و مزامیر و تسیجیات و سرودهای روحانی گفتگو کنید و در دلهای درتوانایی قوت او زورآور شوید. ۱۱ اسلحه تمام خدا را بپوشید تا خود به خداوند سرایید و تزم نمایید. ۲۰ و پیوسته بجهت هرچیز بتوانید با مکرهای ایلیس مقاومت کنید. ۱۲ زیرا که ما را کشتنی خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح شکر کنید. ۲۱ گرفن با خون و جسم نیست بلکه با ریاستها و قدرتها و جهان داران همدیگر را در خدا ترسی اطاعت کنید. ۲۲ ای زنان، شوهران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی.

۲۳ زیرا که شوهر سر زن خود را اطاعت کنید چنانکه خداوند را. ۲۳ ای زنان، شوهران این ظلمت و با فوجهای روحانی شرارت در جایهای آسمانی. ۲۴ لیکن همچنانکه کلیسا مطیع مسیح است، همچنین زنان نیز کمر خود را به راستی بسته و جوشن عدالت رادربر کرده، بایستید.

۱۵ و نعلین استعداد انجیل سلامتی را در پا کنید. ۱۶ و بر روی این همه سپرایمان را بکشید که به آن بتوانید تمامی تیرهای آتشین شریر را خاموش کنید. ۱۷ و خود نجات وشمیش روح را که کلام خداست بردارید. ۱۸ و بادعا و التماس تمام در هر وقت در روح دعا کنید ویرای همین به اصرار و التماس تمام بجهت همه مقدسین بیدار باشید. ۱۹ و برای من نیز تا کلام به من عطا شود تا باگشادگی زبان سر انجل را به دلبری اعلام نمایم، ۲۰ که برای آن در زنجیرها ایلچیگری می‌کنم تادر آن به دلبری سخن گویم، بطوری که می‌باید گفته. ۲۱ اما تا شما هم از احوال من و از آنچه می‌کنم مطلع شوید، تیخیکس که برادر عزیز و خادم امین در خداوند است، شما را از هرچیز خواهد آگاهانید، ۲۲ که او را بجهت همین به نزد شما فستادم تا از احوال ما آگاه باشید و او دلهای شمارا تسلی بخشد. ۲۳ برادران را سلام و محبت باییمان از جانب خدای پدر و عیسی مسیح خداوند باد. ۲۴ با همه کسانی که به مسیح عیسی خداوند محبت در بی‌فسادی دارند، فیض باد. آمين.

دارم که رحلت کنم و با مسیح باشم، زیرا این بسیار بهتر است.

لیکن در جسم ماندن برای شما لازمتر است. ۲۵ و چون این

۱ پولس و تیموتاؤس، غلامان عیسی مسیح، به همه مقدسین اعتماد را دارم، می‌دانم که خواهم ماند و نزد همه شما توقف در مسیح عیسی که در فلپی می‌باشند با اسفان و شمامان. خواهم نمود بجهت ترقی و خوشی ایمان شما، ۲۶ تا فخر شما در فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند مسیح عیسی در من افوده شود بوسیله آمدن من بار دیگر نزد شما. ۲ بر شما باد. ۳ در تمامی یادگاری شما خدای خود را شکرمی ۲۷ باری بطور شایسته انجیل مسیح رفاقت نمایید تا خواه آئم و شما گذازم، ۴ و پیوسته در هر دعای خود برای جمیع شما به خوشی را بینم و خواه غایب باشم، احوال شما را بشنوم که به یک روح دعا می‌کنم، ۵ به سبب مشارکت شما برای انجیل از روز اول تا به قرارید و به یک نفس برای ایمان انجیل مجاهده می‌کنید. ۲۸ و حال. ۶ چونکه به این اعتماد دارم که او که عمل نیکو رادر شما در هیچ امری از دشمنان ترسان نیستید که همین برای ایشان دلیل شروع کرد، آن را تا روز عیسی مسیح به کمال خواهد رسانید. ۷ هلاکت است، اما شما را دلیل نجات و این از خدادست. ۲۹ چنانکه مرا سزاوار است که دریاره همه شما همین فکر کنم زیرا که شما عطا شد به خاطر مسیح نه فقط ایمان آوردن به او شما رادر دل خود می‌دارم که در زنجیرهای من و در حرجت و اثبات بلکه زحمت کشیدن هم برای او. و شما را همان مجاهده است انجیل همه شما با من شریک در این نعمت هستید. ۸ زیرا خدا مرا که در من دیدید و الان هم می‌شنوید که در من است.

شاهد است که چقدر در احشای عیسی مسیح، مشتاق همه

۹ و برای این دعا می‌کنم تا محبت شما در معرفت و ۲ بنابراین اگر نصیحتی در مسیح، یا تسلي محبت، یا شراکت

شما هستم. کمال فهم بسیار افروزنده شود. ۱۰ تا چیزهای بهتر را برگزینید و در در روح، یا شفقت و رحمت هست، ۱۱ پس خوشی مرا کامل گردانید تابا هم یک فکر کنید و همان محبت نموده، یک دل روز مسیح بی‌غش و بی‌لغزش باشید، ۱۲ و پر شوید از میوه عدالت که بوسیله عیسی مسیح برای تمجید و حمد خدادست. امای بشوید و یک فکر داشته باشید. ۱۳ و هیچ‌چیز را از راه تعصب و برادران، می‌خواهم شما بدانید که آنچه بر من واقع گشت، برعکس عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید. ۱۴ به ترقی انجیل انجامید، ۱۵ بدحی که زنجیرهای من آشکارا شدند و هریک از شما ملاحظه کارهای خود را نکند، بلکه هر کدام کارهای دیگران را بین. ۱۶ پس همین فکر در شما باشد که در مسیح در تمام فوج خاص و به همه دیگران. ۱۷ و اکثر از برادران در خداوند از زنجیرهای من اعتماد به هم رسانیده، بیشتر جرات مسیح عیسی نیز بود که چون در صورت خدا بود، با خدا برای بودن را غنیمت نشمرد، ۱۸ لیکن خود را را خالی کرده، صورت می‌کنند که کلام خدا را بی‌ترس بگویند. ۱۹ اما بعضی از حسد و نزع به مسیح موضعه می‌کنند، ولی بعضی هم از خشنودی. ۲۰ اما آنان از تعصب نه از اخلاص به مسیح اعلام می‌کنند و گمان غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد؛ ۲۱ و چون در شکل انسان یافت شد، خویشتن را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید. ۲۲ از این جهت خدا بین او را می‌برند که به زنجیرهای من زحمت می‌افزاید. ۲۳ ولی اینان از راه بغايت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامها است، بدو محبت، چونکه می‌دانند که من بجهت حمایت انجیل معین بخشید. ۲۴ تا به نام عیسی هر زانویی از آنچه در آسمان و بر شده‌ام. ۲۵ پس چه؟ جز اینکه به هر صورت، خواه به بهانه و خواه به راستی، به مسیح موضعه می‌شود و این شادمانم بلکه زمین و زیر زمین است خم شود، ۲۶ و هر زبانی اقرار کنده عیسی شادی هم خواهم کرد، ۲۷ زیرا می‌دانم که به نجات من خواهد مسیح، خداوند است برای تمجید خدای پدر. ۲۸ پس ای عزیزان انتظار و امید من که در هیچ‌چیز خجالت نخواهم کشید، بلکه بسیار زیادتر الان وقتی که غاییم، نجات خود را به ترس و لرز عمل در کمال دلیری، چنانکه همیشه مطیع می‌بودید، نه در حضور من فقط بلکه می‌زیستم مسیح است و مردن نفع. ۲۹ و لیکن اگر زیستم در همه‌م و مجادله بکنید، ۳۰ تا بی‌عیب و ساده دل و فرزندان خدا جلال خواهد یافت، خواه در حیات و خواه در موت. ۳۱ زیرا که اراده و هم فعل راعمل ایجاد می‌کند. ۳۲ و هر کاری را بدون مرا می‌زیستم مسیح است و مردن نفع. ۳۳ و لیکن اگر زیستم در همه‌م و مجادله بکنید، ۳۴ تا بی‌عیب و ساده دل و فرزندان خدا جسم، همان ثمر کار من است، پس نمی‌دانم کدام را اختیار بی‌ملامت باشید، در میان قومی کج رو و گردنکش که در آن کنم. ۳۵ زیادر میان این دو سخت گرفnar هستم، چونکه خواهش میان چون نیرها در جهان می‌درخشید، ۳۶ و کلام حیات را برمی

افزایید، بجهت فخر من در روز مسیح تا آنکه عبث ندویده و عبث بوسیله ایمان مسیح می شود، یعنی عدالتی که از خدا بر ایمان حسم نگشیده باشم. ۱۷ بلکه هرگاه بر قربانی و خدمت ایمان است. ۱۰ و تا او را و قوت قیامت وی را و شراکت در رنجهای شماریخته شوم، شادمان هستم و با همه شما شادی می کنم. ۱۸ وی را پشتاسم و باموت او مشابه گردم. ۱۱ مگر به هر وجه به و همچنین شما نیز شادمان هستید و با من شادی می کنید. ۱۹ و قیامت از مردگان برسم. ۲۰ نه اینکه تا به حال به چنگ آورده با در عیسی خداوند امیدوارم که تیموتاآس را به زودی نزد شما بفرستم تابحال کامل شده باشم، ولی دری آن می کوشم بلکه شاید آن تامن نیز از احوال شما مطلع شده، تازه روح گردم. ۲۱ زیرا کسی را بدست آورم که برای آن می کوشم بلکه شاید آن دیگر را همدل ندارم که به اخلاص درباره شما اندیشد. ۲۲ برادران، گمان نمی برم که من بدست آورده‌ام؛ لیکن یک چیز زانو که همه نفع خود رامی طلبید، نه امور عیسی مسیح را. ۲۳ می کنم که آتجه در عقب است فراموش کرده و به سوی آتجه اما دلیل اورا می دانید، زیرا چنانکه فرزند پدر را خدمت می کند، درپیش است، خویشتن را کشیده، ۱۴ دری مقصدمی کوشم او با من برای انجیل خدمت کرده است. ۲۴ پس امیدوارم که بجهت انعام دعوت بلند خدا که در مسیح عیسی است. ۱۵ پس چون دیدم کار من چطربمی شود، او را بینگ بفرستم. ۲۵ اما جمیع ما که کامل هستیم، این فکر داشته باشیم و اگر فی الجمله در خداوند اعتماد دارم که خود هم به زودی بیایم. ۲۶ ولی لام فکدیگر دارید، خدا این را هم بر شما کشف خواهد فرمود. ۱۶ دانستم که اپرداتس را به سوی شما روانه نمایم که مرا برادر و اما به هر مقامی که رسیده‌ایم، به همان قانون رفتار باید کرد. ۱۷ همکار و همجنگ می باشد، اما شما را رسول و خادم حاجت ای برادران، با هم به من اقتدا نمایید و ملاحمظه کنید آنانی را که من. ۲۶ زیرا که مشتاق همه شما بود و غمگین شد از اینکه شنیده بحسب تنوه‌ای که در مادرای، رفتار می کنند. ۱۸ زیرا که بسیاری بودید که او بیمار شده بود. ۲۷ و فی الواقع بیمار و مشرف بر موت رفتاری نمایید که ذکر ایشان را بازها برای شما کرده‌ام و حال نیز بود، لیکن خدا بروی ترحم فرمود و نه بر او فقط بلکه بر من نیز با گریه می کنم که دشمنان صلیب مسیح می باشند. ۱۹ که انجام تامرا غمی بر غم نباشد. ۲۸ پس به سعی بیشتر او روانه نمودم تا ایشان هلاکت است و خدای ایشان شکم ایشان و فخر ایشان در از دیدنش باز شاد شوید و حزن من کمتر شود. ۲۹ پس او را در ننگ ایشان، و چیزهای دنیوی را اندیشه می کنند. ۲۰ اما وطن ما خداوند با کمال خوشی پیشیرید و چنین کسان را محترم بدارید، در آسمان است که از آنجا نبرنجات‌دهنده یعنی عیسی مسیح ۳۰ زیرا در کار مسیح مشرف بر موت شد و جان خود را به خطر خداوند را انتظاری کشیم، ۲۱ که شکل جسد ذلیل ما را تبدیل انداخت تا نقص خدمت شما را برای من به کمال رساند.

۳ خلاصه‌ای برادران من، در خداوند خوش باشید. همان قوت خود که همه چیز را مطلع خود بگرداند.

مطلوب را به شما نوشن برم سنگین نیست و ایمنی شما است. ۴ بنابراین، ای برادران عزیز و مورد اشیاق من و شادی و تاج از سگهای احذفه باشید. از عاملان شیری احتزار نمایید. از مقطوعان من، به همینطور در خداوند سوار باشیدای عزیزان. ۲ از افوده بپرهیزید. ۳ زیرا مختونان ما هستیم که خدا را در روح عبادت استدعا دارم و به سنتیخی التمام دارم که در خداوند یک رای می کنیم و به مسیح عیسی فخر می کنیم و بر جسم اعتماد نداریم. باشند. ۳ و از تو نیزای همقطار خالص خواهش می کنم که ۴ هر چندم را در جسم نیز اعتماد است. اگر کسی دیگرگمان ایشان را امداد کنی، زیرا درجهاد انجیل با من شریک می بودند با برد که در جسم اعتماد دارد، من بیشتر. ۵ روز هشتم مختون اکلیمتیس نیز و سایر همکاران من که نام ایشان در دفترچه‌های شده و از قبیله اسرائیل، از سبط بنیامین، عبرانی از عبرانیان، از ۶ در خداوند دائم شاد باشید. و باز می گوییم شاد باشید. ۵ جهت شریعت فریسی، ۶ از جهت غیرت جفا کننده برکلیسا، از اعتدال شما بر جمیع مردم معروف بشود. خداوند نزدیک است. جهت عدالت شریعتی، بی عیب. ۷ اما آتجه مرا سود می بود، ۸ برای هیچ چیزی‌اندیشه مکنید، بلکه در هرجیز با صلات و دعا آن را به خاطر مسیح زیان دانستم. ۸ بلکه همه چیز را نیز به سبب باشکرگاری مسولات خود را به خدا عرض کنید. ۷ و سلامتی فضیلت معرفت خداوند خود مسیح عیسی زیان می دانم که به خاطر خدا که فوق از تمامی عقل است، دلها و ذهنیهای شما را در او همه چیز را زیان کردم و فضلله شمردم تا مسیح را دریابم. ۹ و در مسیح عیسی نگاه خواهد داشت. ۸ خلاصه‌ای برادران، هرجه وی یافت شوم نه با عدالت خود که شریعت است، بلکه با آن که راست باشد و هرجه مجید و هرجه عادل و هرجه پاک و هرجه

جميل و هرچه نیک نام است و هر فضیلت و هرمدحی که بوده باشد، در آنها تفکر کنید. ۹ و آنچه در من آموخته و پذیرفته و شنیده و دیده اید، آنها را بعمل آرید، و خدای سلامتی با شما خواهد بود. ۱۰ و در خداوند بسیار شاد گردیدم که الان آخر، فکر شما برای من شکوفه آورد و در این نیزتفکر می کردید، لیکن فرست نیافتنید. ۱۱ نه آنکه درباره احتیاج سخن می گوییم، زیرا که آموخته ام که در هر حالتی که باشم، قناعت کنم. ۱۲ و ذلت رامی دانم و دولتمندی را هم می دانم، در هرسورت و در همه چیز، سیری و گرسنگی دولتمندی و افالس را یاد گرفته ام. ۱۳ قوت هرچیز را دارم در مسیح که مرا تقویت می بخشد. ۱۴ لیکن نیکوبی کردید که در تنگی من شریک شدید. ۱۵ امای فیلیپیان شما هم آگاهید که در اینداد انجیل، چون از مکادونیه روانه شدم، هیچ کلیسا در امر دادن و گرفتن با من شرکت نکرد جرزشما و بس. ۱۶ زیرا که در تosalونیکی هم یک دودفعه برای احتیاج من فرستادید. ۱۷ نه آنکه طالب بخشش باشم، بلکه طالب ثمری هستم که به حساب شما بیفراید. ۱۸ ولی همه چیز بلکه بیشتر از کفايت دارم. بر گشته ام چونکه مددایی شما را از اپفردت‌س یاقفته ام که عطر خوشبوی و قربانی مقبول و پسندیده خداست. ۱۹ امدادی من همه احتیاجات شما را برحسب دولت خود در جلال در مسیح عیسی رفع خواهد نمود. ۲۰ و خدا و پدر ما را تا ابد الابد جلال باد. آمين. (aiōn g165) ۲۱ هر مقدس را در مسیح عیسی سلام برسانید. و برادرانی که با من می باشند به شما سلام می رسانند، ۲۲ جمیع مقدسان به شما سلام می رسانند، علی الخصوص آنانی که از اهل خانه قیصر هستند. ۲۳ فیض خداوند ما عیسی مسیح باجمع شما باد. آمين.

حضور خود مقدس و بی عیب و بی ملامت حاضر سازد، ۲۳ به

شرطی که در ایمان بنیاد نهاده و قایم بمنایدو چنین نخورید از

۱ پولس به اراده خدا رسول مسیح عیسی و تیمتواوس برادر، ۲ امید انجیل که در آن تعلیم یافته اید و به تمامی خلقت زیر آسمان

به مقدسان در کولسی و برادران امین، در مسیح فیض و سلامتی بدان موعظه شده است و من پولس خادم آن شده ام. ۲۴ الان از

از جانب پدر ما خداو عیسی مسیح خداوند بر شما باد. ۳ خدا زحمتها خود در راه شما شادی می کنم و نقصهای زحمات

و پدر خداوند خود عیسی مسیح راشکر می کنیم و پیوسته برای مسیح را در بدن خود به کمال می رسانم برای بدن او که کلیسا

شما دعا می نمایم، ۴ چونکه ایمان شما را در مسیح عیسی و است، ۵ که من خادم آن گشتمام بر حسب نظرات خدا که به

محبیتی را که با جمیع مقدسان می نماید شنیدیم، ۵ به سبب من برای شما سپرده شد تا کلام خدا را به کمال رسانم؛ ۶ یعنی

امیدی که بجهت شما در آسمان گذاشته شده است که خبر آن آن سری که از دهرها و قنها مخفی داشته شده بود، لیکن الحال به

را در کلام راستی انجیل سابق شنیدیم، ۶ که به شما وارد شد مقدسان او مکشوف گردید، (aiōn g165) ۷ که خدا اراده

چنانکه در تمامی عالم نیز و میره می آورد و نمو می کند، چنانکه در نمودتا بشناساند که چیست دولت جلال این سر درمیان امتها

میان شما نیز از روزی که آن را شنیدیو فیض خدا را در راستی که آن مسیح در شما و امید جلال است. ۸ و ما او را اعلام

دانسته اید. ۷ چنانکه از اپراس تعلیم یافتد که هم خدمت عزیز ما می نمایم، در حالتیکه هر شخص را تنبیه می کنیم و هر کس را به

و خادم امین مسیح برای شما است. ۸ و او ما را نیز از محبت شما هر حکمت تعلیم می دهیم تا هر کس را کامل در مسیح عیسی حاضر

که در روح است خبر داد. ۹ و از آن جهت ما نیز از روزی که سازیم. ۹ و برای این نیز محبت می کشم و مجاهده می نمایم

این راشنیدیم، باز نمی ایستیم از دعا کردن برای شما و مسالات بحسب عمل او که در من به قوت عمل می کند.

نمودن تا از کمال معرفت اراده او در هر حکمت و فهم روحانی پر

۲ زیرا می خواهم شما آگاه باشید که مرآ چه نوع اجتهاد است

شود، ۱۰ تا شما به طریق شایسته خداوند به کمال رضامندی

رفتار نماید و در هر عمل نیکو بار آورید و به معرفت کامل خدا

نمودن کنید، ۱۱ و به اندازه توانایی جلال او به قوت تمام زور آور

شود تا صیر کامل و تحمل را با شادمانی داشته باشید؛ ۱۲ و پدر

راشکر گزارید که ما را لایق بهره میراث مقدسان درenor گردانیده

است، ۱۳ و ما را از قدرت ظلت رهانیده، به ملکوت پسر

محبت خود منتقل ساخت، ۱۴ که در وی فدیه خود یعنی آمزش

بوده، شادی می کنم و نظم و استقامت ایمانتان را در مسیح نظاره

گناهان خویش را یافته ایم. ۱۵ و او صورت خدای نادیده است،

مسیح که در وی تمامی خزانین حکمت و علم مخفی است.

۴ ایمان را می گوییم تا هیچ کس شما را به سختان دلاوزن اغوا

نکند، ۵ زیرا که هر چند در جسم غاییم لیکن در روح با شما

بوده، شادی می کنم و نظم و استقامت ایمانتان را در مسیح نظاره

نخست زاده تمامی آفریدگان. ۶ زیرا که در او همه چیز آفریده

شد، آنچه در آسمان و آنچه بزمین است از چیزهای دیدنی و

نادیدنی و تختهای سلطنتیها و ریاست و قوات؛ همه بوسیله او

ویرای او آفریده شد. ۱۷ و او قبل از همه است و دروی همه چیز

قیام دارد. ۱۸ و او بدن یعنی کلیسا را رسراست، زیرا که او ابتدا

است و نخست زاده از مردگان تا در همه چیز او مقدم شود. ۱۹

زیرا خدارضا بدین داد که تمامی پری در او ساکن شود، ۲۰ و

اینکه بواسطه او همه چیز را با خود مصالحه دهد، چونکه به خون

بدست یعنی بیرون کردن بدن جسمانی، بوسیله اختتان مسیح.

۱۲ و با وی در تعیید مدفون گشتنید که در آن هم برخیزانیده

شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید. ۱۳ و

شما را که در خطایا و نامخنوی جسم خود مرده بودید، با او زنده

گردانید چونکه همه خطایای شما را آمرزید، ۱۴ و آن دستخطی را ادعایی داشته باشید؛ چنانکه مسیح شما را آمرزید، شمانیز چنین که خند ما و مشتمل بر فرایض و به خلاف ما بود محو ساخت و کنید. ۱۴ و بر این همه محبت را که کمپنید کمال است پیوشید. آن را به صلیب خود میخ زده از میان برداشت. ۱۵ و از خویشتن ۱۵ و سلامتی خدا دردهای شما مسلط باشد که به آن هم در ریاسات و قوات را بیرون کرده، آنها راعلایه آشکار نمود، چون در یک بدن خوانده شده اید و شاکر باشید. ۱۶ کلام مسیح درشما آن بر آنها ظفریافت. ۱۶ پس کسی درباره خوردن و نوشیدن و درباره به دولتمندی و به کمال حکمت ساکن بشودو یکدیگر را تعليم و عید و هلال و سبت بر شما حکم نکنند، ۱۷ زیرا که اینها سایه نصیحت کنید به مزامیر تسبیحات و سرودهای روحانی و با فیض چیزهای آینده است، لیکن بدن از آن مسیح است. ۱۸ و کسی در دلهای خود خدا را بسراید. ۱۷ و آنچه کنید در قول و فعل، انعام شما را زیباید از رغبت به فروتنی و عبادت فرشتگان و مداخلت همه را به نام عیسی خداوند بکنید و خدای پدر را بوسیله او شکر در اموری که دیده است که از ذهن جسمانی خود بی جا مغورو کنید. ۱۸ ای زنان، شوهران خود را اطاعت نمایید، چنانکه در شده است؛ ۱۹ و به سر متمسک نشده که از آن تمامی بدن به خداوند می شاید. ۱۹ ای شوهران، زوجه های خود را محبت توسط مفاصل و بندها مدد یافته و با هم پیوند شده، نمومی کنند به نمایید و با ایشان تلحیخ مکنید. ۲۰ ای فرزندان، والدین خود را در نمومی که از خداست. ۲۰ چونکه بامسیح از اصول دنیو مردید، همچیز اطاعت کنید زیرا که این پسندیده است در خداوند. ۲۱ چگونه است که مثل زندگان در دنیا بر شما فرایض نهاده می شود؟ ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، مبادا شکسته دل ۲۱ که لمس مکن و میچش بلکه دست مگذار! ۲۲ (که همه شوند. ۲۲ ای غلامان، آقایان جسمانی خود را در هر چیز اطاعت اینها محض استعمال فاسد می شود) برجسب تعالی و تعالیم مردم، کنید، نه به خدمت حضور مثل جویندگان رضامندی مردم، بلکه ۲۳ که چنین چیزها هر چند در عبادت نافله و فروتنی و آزار بدن به اخلاص قلب و از خداوند بترسید. ۲۳ و آنچه کنید، از دل صورت حکمت دارد، ولی فایده ای برای رفع تن پروری ندارد. ۲۴ چون می دانید که از

۳ پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالا است بطلیبد در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا خواهد یافت و ظاهربینی نیست.

۴ ای آقایان، با غلامان خود عدل و انصاف را بدجا آرید، ۴ زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است. ۴ چون مسیح که زندگی مالست ظاهر شود آنگاه شما هم چونکه می دانید شما را نیزآقایی هست در آسمان. ۲ در دعا با وی در جلال ظاهر خواهید شد. ۵ پس اعضای خود را که بر مواطن باشید و در آن با شکرگزاری بیدار باشید. ۳ و درباره ما نیز زمین است معمول سازید، زنا و ناپاکی و هوی و هوس و شهوت دعا کنید که خدا در کلام را به روی ما بگشاید تا سر مسیح را قبیح و طمع که بتبریستی است ۶ که به سبب اینها خوب خدا بر که بجهت آن در قید هم افتاده ام بگویم، ۴ و آن رابطه روی که اینای معتبرت وارد می آید. ۷ که شما نیز سابق در اینها رفتار می باید تکلم کنم و مین سازم. ۵ زمان را دریافته، پیش اهل می کرید، هنگامی که در آنها زیست می نمودید. ۸ لیکن الحال خارج به حکمت رفتار کنید. ۶ گفتگوی شما همیشه با فیض شما همه را ترک کنید، یعنی خشم و غمظ و بدخوبی و بدگویی و باشد و اصلاح شده به نمک، تا بدانید هرگز را چگونه جواب فحش را از زبان خود. ۹ به یکدیگر دروغ مگویند، چونکه انسانیت باید داد. ۷ تیخیکس، برادر عزیز و خادم امین و همخدمت من در کنه را با اعمالش از خود بیرون کرده اید، ۱۰ و تازه را پوشیده اید خداوند، از همه احوال من شمارا خواهد آگاهانید، ۸ که او را به که به صورت خالق خویش تا به معرفت کامل، تازه می شود، ۱۱ همین جهت نزد شما فرستادم تا از حالات شما آگاه شود و دلهای بیوری، نه سکیتی، نه غلام و نه آزاد، بلکه مسیح همه و در همه شماست، شما را از همه گزارش اینجا آگاه خواهند ساخت. ۱۰ است. ۱۲ پس مانند برگزیدگان مقدس و محبوب خدا احشای ارستخس همندان من شما را سلام می رساند، و مرقس عموزاده رحمت و مهربانی و تواضع و تحمل و حلم را پوشید؛ ۱۳ و برنابا که درباره او حکم یافته اید، هرگاه نزد شما آید او را پیذیرید، متحمل یکدیگر شده، همدیگر را عفو کنید هرگاه بر دیگری ۱۱ و یسوع، ملقب به سلطان که ایشان تنها از اهل ختنه برای

ملکوت خدا همخدمت شده، باعث تسلی من گردیدند. ۱۲

اپنارس به شما سلام می‌رساند که یکی از شماو غلام مسیح است و پیوسته برای شما دردعاهای خود جد و جهاد می‌کند تا در تمامی اراده خدا کامل و متفق شوید. ۱۳ و برای اوگواهی می‌دهم که درباره شما و اهل لاودکیه واهل هیراپولس بسیار محنت می‌کشد.

۱۴ و لوقای طبیب حبیب و دیماں به شما سلام می‌رساند. ۱۵

برادران در لاودکیه و نیمفاس و کلیسایی را که در خانه ایشان است سلام رسانید. ۱۶ و چون این رساله برای شما خوانده شد، مقرر دارید که در کلیسای لاودکیان نیز خوانده شود و رساله از لاودکیه را هم شما بخوانید. ۱۷ و به ارخپیس گویید: «باخبر باش تا آن خدمتی را که در خداوند یافته‌ای به کمال رسانی.» ۱۸ تحیت من، پولس، بدست خودم. زنجیرهای مرا بخطاطر دارید. فیض با شما باد. آمين.

۱ تسالونیکیان

بس که عزیز ما بودید. ۹ زانو کهای برادران محنت و مشقت ما را
یاد می‌دارید زیرا که شبانه‌روز درکار مشغول شده، به انجیل خدا

۱ پولس و سلوانس و تیموتواس، به کلیساي تسالونیکيان که در شما راموعظه می‌کردیم که مبادا بر کسی از شما بارنهیم. ۱۰ شما خدای پدر و عیسی مسیح خداوند می‌باشید. فیض و سلامتی از شاهد هستید و خدا نیز که به چه نوع باقدوسیت و عدالت و جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند با شما باد. ۱۱ پیوسته بی عیی نزد شما که ایمانداهستید رفتار نمودیم. ۱۲ چنانکه درباره جمیع شما خدا را شکرمی کنیم و دائم در دعاهای خود می‌دانید که هریکی از شما را چون پدر، فرزندان خود را نصیحت و شما را ذکرمی نماییم، ۱۳ چون اعمال ایمان شما و محنت محبت دلداری می‌نمودیم، ۱۴ و وصیت می‌کردیم که رفقار بکنید بطرور و صبر امید شما را در خداوند ما عیسی مسیح در حضور خدا شایسته خدایی که شما را به ملکوت و جلال خود می‌خواند. ۱۵ و پدر خود یاد می‌کنیم. ۱۶ زیرا کهای برادران وای عزیزان خدا، و ازینجهت ما نیز دائم خدا را شکرمی کنیم که چون کلام خدا را ازبرگزیده شدن شما مطلع هستیم، ۱۷ زیرا که انجیل ما بر شما که از ما شنیده بودید یافید، آن را کلام انسانی نپذیرفید، بلکه محض سخن وارد نشده، بلکه با قوت وروح القدس و یقین کامل، چنانکه فی الحقیقه است، کلام خدا که در شما که ایماندار چنانکه می‌دانید که دریان شما بخاطر شما چگونه مردمان شدیم. هستیدعمل می‌کنند. ۱۸ زیرا کهای برادران، شما اقتداء نمودید به ۱۹ و شما به ما و به خداوند اقتداء نمودید و کلام را درزحمت کلیساهاي خدا که در پهودیه در مسیح عیسی می‌باشند، زیرا که شدید، با خوشی روح القدس پذیرفید، ۲۰ به حدی که شما جمیع شما از قوم خود همان زحمات را کشیدید که ایشان نیز از پهود ایمانداران مکادونیه و اخانیه را نمونه شدید، ۲۱ بنوعی که از شما دیدند، ۲۲ که عیسی خداوند و انبیای خود را کشید و برما جفا کلام خداوند نه فقط در مکادونیه و اخانیه نواخته شد، بلکه در کردن؛ و ایشان ناپسند خدا هستند و مخالف جمیع مردم، ۲۳ و هرجا ایمان شما به خدا شیعیت یافت، بقسمی که احتیاج نیست ما را منع می‌کنند که به امت‌ها سخن بگوییم تا نجات یابند و که ما چیزی بگوییم، ۲۴ زیرا خود ایشان درباره ما خبر می‌دهند که همیشه گناهان خود را لبیز می‌کنند، اما منتهای غضب ایشان را چه قسم وارد به شما شدیم و به چه نوع شما از بتها به سوی خدا فروگرفته است. ۲۵ لیکن مایی برادران، چون بقدر ساعتی در ظاهر بازگشت کردید تا خدای حقیقی را بندگی نمایید، ۲۶ و تا نه در دل از شما مهجر شدیم، به اشیاق بسیار زیادتر کوشیدیم تا پسر او را از آسمان انتظاریکشید که او را از مردگان برخیزانید، روی شما را بیینیم. ۲۷ و بدین جهت یک دو دفعه خواستیم نزد شما یا بیام یعنی من، پولس، لیکن شیطان ما را نگذاشت. ۲۸ زیرا یعنی عیسی که ما را از غضب آبیده می‌رهاند.

۲ زیارای برادران، خود می‌دانید که ورود مادر میان شما باطل نبود. ۲۹ بلکه هرچند قبل از آن در فیلیپی رحمت کشیده و خوشی ما هستید.

۳ خوددلیری کردیم تا انجیل خدا را با جد و جهد شدیدبه شما اعلام پس چون دیگر شکیباتی نداشتم، رضابدین دادیم که ما را نماییم. ۴ زیرا که نصیحت ما ازگمراهی و خباثت و ریا نیست، ۵ در اینها تنها واگذاردن. ۶ و تیموتواس را که برادر ما و خادم خدا بلکه چنانکه مقبول خدا گشیم که وکلای انجیل بشویم، همچنین درانجیل مسیح است، فرستادیم تا شما را استوارسازد و درخصوص سخن می‌گوییم و طالب رضامندی مردم نیستیم، بلکه رضامندی ایمانان شما را نصیحت کنیم. ۷ تا هیچ‌کس از این مصائب متزلزل خدایی که دلهای ما رامی آزماید. ۸ زیرا هرگز سخن تعلق آمیز نشود، زیرا خود می‌دانید که برای همین مقرر شده‌ایم. ۹ زیاره‌گامی نگفته‌یم، چنانکه می‌دانید، و نه بهانه طمع کردیم، خدا شاهد که نزد شما بودیم، شما را پیش خبردادیم که می‌باید رحمت است؛ ۱۰ و نه بزرگی از خلق جستیم، نه از شما و نه از دیگران، بکشیم، چنانکه واقع شلو می‌دانید. ۱۱ لهذا من نیز چون شکیباتی هرچند چون رسولان مسیح بودیم، می‌توانستیم سنگین باشیم. ۱۲ نداشتم، فرستادم تا ایمان شما را تحقیق کنم مبادا که آن تحریه بلکه در میان شما به ملایمت بسر می‌بردیم، مثل دایه‌ای که اطفال کننده، شما را تجزیه کرده باشد و محنت ماباطل گردد. ۱۳ اما خود را می‌پورود. ۱۴ بدین طرز شایق شماشده، راضی می‌بودیم که الحال چون تیموتواس از نزد شما به مارسید و مژده ایمان و محبت نه همان انجیل خدا را به شما دهیم، بلکه جانهای خود را نیز از شما را به ما رسانید و اینکه شما پیوسته ما را نیکو یاد می‌کنید و

مشتاق ملاقات ما می‌باشد، چنانکه ما نیز شایق شما هستیم، ۷ آورد. ۱۵ زیرا این را به شما از کلام خدامی گوییم که ما که لهه‌ای برادران، در همه ضيق و مصیبی که داریم، از شما به‌سبب زنده و تا آمدن خداوند باقی باشیم برخواهد گان سبقت نخواهیم ایمانان تسلى یافتیم. ۸ چونکه الان زیست می‌کیم، اگر شما جست. ۱۶ زیرا خود خداوند با صدا و با آواز رئیس فرشتگان و در خداوند استوار هستید. ۹ زیرا چه شکرگزاری به خدا توانیم نمود با صور خدا از آسمان نازل خواهد شد و مرد گان در مسیح اول به‌سبب این همه خوشی‌ای که به حضور خدا درباره شما داریم؛ خواهند برخاست. ۱۷ آنگاه ما که زنده و باقی باشیم، با ایشان که شباهه‌روزی شمار دعا می‌کیم تا شما را روپر ملاقات کیم در ابرهاربوده خواهیم شد تا خداوند خواهیم بود. ۱۸ پس بدین سخنان و نفس ایمان شما را به کمال رسانیم. ۱۹ اما خود خدا یعنی پدر همچنین همیشه با خداوند خواهیم بود. ۲۰ پس بدین سخنان ما و خداوند ما عیسی مسیح راه ما را به سوی شما راست بیاورد. همیدیگر را تسلى دهید.

۱۲ و خداوند شما را نمو دهد و در محبت با یکدیگر و با همه ۵ امای برادران در خصوص وقتها و زمانها، احتیاج ندارید که افزونی بخشد، چنانکه ما شما را محبت می‌نماییم، ۱۳ تا دلهای شما را استوار سازد، بی‌عیب در قدوسیت، به حضور خدا و پدر ما چون دزد در شب می‌آید. ۲۱ زیرا هنگامی که می‌گویند سلامتی و درهنگام ظهور خداوند ما عیسی مسیح، با جمیع مقدسین خود. امان است، آنگاه هلاکت ایشان رانگاهان فرو خواهد گرفت،

۴ خلاصه‌ای برادران، از شما در عیسی خداوند استدعا و چون درد زه زن حامله را و هرگز رستگار نخواهند شد. ۴ لیکن التماس می‌کنیم که چنانکه از ما یافته‌اید که به چه نوع باید رفتار شما ای برادران در ظلمت نیستید تا آن روز چون دزد برشما آید، کنیدو خدا را راضی سازید، به همانطور زیادتر ترقی نمایید. ۲ زیرا ۵ جمیع شما پسران نور و پسران روز هستید، از شب و می‌دانید چه احکام از جانب عیسی خداوند به شما دادیم. ۳ زیرا ظلمت نیستید. ۶ بنابراین مثل دیگران به خواب نرویم بلکه بیدار که این است اراده خدا یعنی قدوسیت شما تا از زنا پرهیزید. ۴ و هشیاریا شیم. ۷ زیرا خواهید گان در شب می‌خواهند و مستان در تاهرکسی از شما بداند چگونه باید طرف خویشن را در قدوسیت شب مست می‌شوند. ۸ لیکن ما که ازروز هستیم، هشیار بوده، و عزت دریابد، ۵ و نه در هوس شهوت، مثل امت هایی که خدا جوشن ایمان و محبت و خود امید نجات را پیوشیم. ۹ زیرا خدا ما را نمی‌شناستند. ۶ و تا کسی در این امر دست تطاول یا طمع بر را تعین نکرد برای غضب بلکه بهجهت تحصیل نجات، بوسیله برادر خود دراز نکنید، زیرا خداوند از تمامی کارها انتقام خداوند ما عیسی مسیح، ۱۰ که برای مامرد تا خواه بیدار باشیم کشندۀ است. ۷ چنانکه سابق نیز به شما گفته و حکم کرده‌ایم، و خواه خواهید، همراه وی زیست کنیم. ۱۱ پس همیدیگر را زیرا خدا ما را به تاپاکی نخوانده است، بلکه به قدوسیت. ۸ تسلى دهیدو یکدیگر را بنا کنید، چنانکه هم می‌کنید. ۱۲ امای لهذا هرکه حقیر شمارد، انسان را حقیر نمی‌شمارد، بلکه خدا برادران به شما التماس داریم که بشناسید آنانی را که در میان شما را که روح قدوس خود را به شما عطا کرده است. ۹ اما در زحمت می‌کشند و پیشوایان شما در خداوند بوده، شمارا نصیحت خصوص محبت برادرانه، لازم نیست که به شما بنویسم، زیرا خود می‌کنند. ۱۳ و ایشان را در نهایت محبت، به‌سبب عملشان شما از خدا آموخته شده‌اید که یکدیگر را محبت نمایید؛ ۱۰ و محترم دارید و با یکدیگر صلح کنید. ۱۴ لیکن ای برادران، از چنین هم می‌کنید با همه برادرانی که در تمام مکارونه می‌باشند. شما استدعا داریم که سرکشان را تنبیه نمایید و کوتاه دلان را در دلاری لیکن ای برادران از شما التماس داریم که زیادتر ترقی کنید. ۱۱ و دهید و ضعغا را حمایت کنید و با جمیع مردم تحمل کنید. حریص باشید در اینکه آرام شوید و به کارهای خود مشغول شده، ۱۵ زنهار کسی با کسی به سرای بدی بدی نکنید، بلکه دائم به‌دستهای خویش کسب نمایید، چنانکه شما راحکم کردیم، با یکدیگر و با جمیع مردم دریی نیکوبی بکوشید. ۱۶ پیوسته ۱۲ تا نزد آنانی که خارج اند بطور شایسته رفتار کنید و به هیچ چیز شادمان باشید. ۱۷ همیشه دعا کنید. ۱۸ در هر امری شاکر باشید محتاج نباشید. ۱۹ امای برادران نمی‌خواهیم شما از حالت که این است اراده خدار در حق شما در مسیح عیسی. ۲۰ روح را خواهید گان بی خبر باشید که می‌داند مثل دیگران که امید ندارند، اطماع‌کنید. ۲۱ نبودهای را خوار مشمارید. ۲۲ همه چیزرا تحقیق محزون شوید. ۲۳ زیرا اگر باورمی کنیم که عیسی مرد و برخاست، کنید، و به آنچه نیکو است متهمک باشید. از هر نوع بدی به همین‌طور نیز خدا آنانی را که در عیسی خواهید اند با وی خواهد احترام نمایید. ۲۴ اما خود خدای سلامتی، شما را بالکل مقدس

گرداناد و روح و نفس و بدن شما تمام بی عیب محفوظ باشد در وقت آمدن خداوند ماعیسی مسیح. ۲۴ امین است دعوت کننده شما که این را هم خواهد کرد. ۲۵ ای برادران، برای ما دعا کنید. ۲۶ جمیع برادران را به بوسه مقدسانه تحیت نمایید. ۲۷ شمارا به خداوند قسم می‌دهم که این رساله برای جمیع برادران مقدس خوانده شود. ۲۸ فیض خداوند ما عیسی مسیح با شما بادآمین.

۲ تسالونیکیان

به شما می‌گفتم؟ ۶ و الان آنچه را که مانع است می‌دانید تا او در زمان خود ظاهرشود. ۷ زیرا که آن سر بی‌الان عمل

۱ پولس و سلوانس و تیموتواس، به کلیسای تسالونیکیان که در می‌کنده تا وقتی که آنکه تا به حال مانع است از میان برداشته خدای پدر ماو عیسی مسیح خداوند می‌باشد. ۲ فیض و سلامتی شود. ۸ آنکه آن بی‌دین ظاهرا خواهد شد که عیسی خداوند او را از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند بر شما باد. ۳ ای به نفس دهان خود هلاک خواهد کرد و به تعجب ظهور خوبش، او برادران می‌پاید همیشه بجهت شما خدارا شکر کنیم، چنانکه را نایب‌خواهد ساخت؛ ۹ که ظهور او بعمل شیطان است با هر سزاوار است، از آنچا که ایمان شما بغایت نمو می‌کند و محبت نوع قوت و آیات و عجایب دروغ ۱۰ و به هر قسم فریب ناراستی هر یکی از شما جمیع با هم‌دیگر می‌افاید، ۴ بدی که خود ما برای هالکین، از آنچا که محبت راستی را نپذیرفتد تا نجات در خصوص شما در کلیساها خدا فخرمی کنیم به‌سبب صبر یابند. ۱۱ و بدین جهت خدا به ایشان عمل گمراهی می‌فرستد تا و ایمان‌تان در همه مصابی شما و عذاب‌هایی که متحمل آنها دروغ را باور کنند ۱۲ و تفاوی شود بر همه کسانی که راستی را می‌شوید، ۵ که دلیل است بر داوری عادل خدا تا شما مستحق باور نکردد بلکه به ناراستی شاد شدند. ۱۳ اما ای برادران وای ملکوت خدا بشوید که برای آن هم زحمت می‌کشید. ۶ زیرا که عزیزان خداوند، می‌پاید ما همیشه برای شما خدا را شکر نمایم این انصاف است نزد خدا که عذاب کنندگان شما را عذاب که از ابدا خدا شما را برگزید برای نجات به تقدیس روح و ایمان دهد. ۷ و شما را که عذاب می‌کشید، با ما راحت بخشد در به راستی. ۱۴ و برای آن شمارا دعوت کرد بوسیله بشارت ما هنگامی که عیسی خداوند از آسمان با فرشتگان قوت خود ظهر کشید از آنانی که استوار باشید و آن روایات را که خواه از کلام و خواه از رسیدن نمود ۸ در آتش مشتعل و انقام خواهد کشید، با اینکه در آن هم زحمت می‌کشید، نگاه دارید. ۱۶ و خود خداوند ما عیسی مسیح و خدا خدا را نمی‌شناسند و انجیل خداوند ما عیسی مسیح را اطاعت آموخته‌اید، نگاه دارید. ۱۷ دلهای شما را تسلي خود به ما بخشد، ۱۶ (aiōnios g166) ۱۰ رسید از حضور خداوند و جلال قوت او (aiōnios g166) ۱۷ دلهای شما را تسلي هنگامی که آید تا در مقدسان خود جلال یابدو در همه ایمان‌داران عطا کناد و شما را در هر فعل و قول نیکو استوار گرداناد.

از او تعجب کنند در آن روز، زیرا که شما شهادت ما را تصدقی کردید. ۱۱ و برای این هم پیوسته بجهت شما دعامی کنیم که خدای ما شما را مستحق این دعوت شمارد و تمام مسرت نیکوی و عمل ایمان را با قوت کامل گرداند، ۱۲ تا نام خداوند ما عیسی مسیح در شما تمجید یابد و شما در وی بحسب فیض خدای ما و عیسی مسیح خداوند.

۳ خلاصه‌ای برادران، برای ما دعا کنید تا کلام خداوند جاری شود و جلال یابد چنانکه در میان شما نیز؛ ۲ و تا از مردم ناشایسته شریز برهیم زیرا که همه را ایمان نیست. ۳ اما امین است آن خداوندی که شما را استوار و از شریعه محفوظ خواهد ساخت. ۴ اما بر شما در خداوندان‌اعتماد داریم که آنچه به شما امر کنیم، بعمل می‌آورید و نیز خواهید آورد. ۵ و خداوند دلهای شما را به

۲ اما ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم درباره آمدن خداوند محبت خدا و به صبر مسیح هدایت کناد. ۶ ولی ای برادران، شما ما عیسی مسیح وجمع شدن ما به نزد او، ۲ که شما از هوش را به نام خداوند خود عیسی مسیح حکم می‌کنیم که از برادری خودبیزودی متزلزل نشود و مضطرب نگردد، نه ازرو و نه از کلام که بی‌نظم رفتار می‌کند و نه برحسب آن قانونی که ازما یافته‌اید، و نه از رساله‌ای که گویا از مبابا شد، بدین مضمون که روز مسیح اجتناب نمایید. ۷ زیرا خود آگاه هستید که به چه قسم به ما اقتدا رسیده است. ۳ زنهار کسی به هیچ وجه شما را نفرید، زیرا که می‌باید نمود، چونکه در میان شما بی‌نظم رفتار نکردیم، ۸ و نان تآن ارتقاد، اول واقع نشود و آن مرد شریز یعنی فرزند هلاکت ظاهر هیچ کس را مفت نخوردید بلکه به محنت و مشکلت شبانه‌روز به کار نگردد، آن روز خواهد آمد؛ ۴ که او مخالفت می‌کند و خود را مشغول می‌بودیم تا برآحادی از شما بار نهیم. ۹ نه آنکه اختیار بلندتر می‌سازد هرچه به خدا یا به معبد مسیح شود، بدی که نداریم بلکه تا خود را تموئنه برای شما سازیم تا به ما اقتدا نمایید. مثل خدا در هیکل خدا نشسته، خود را می‌نماید که خدادست. ۱۰ زیرا هنگامی که نزد شما هم می‌بودیم، این را به شما امر ۱۱ آیا یاد نمی‌کنید که هنگامی که هنوز نزد شمامی بودم، این را فرمودیم که اگر کسی خواهد کارنکند، خوراک هم نخورد.

زیرا شنیدیم که بعضی در میان شما بی نظم رفتار می کنند که کاری
نمی کنند بلکه فضول هستند. ۱۲ اما چنین اشخاص را در خداوند
ما عیسی مسیح حکم ونصیحت می کنیم که به آرامی کار کرده،
نان خود را بخورند. ۱۳ اما شما ای برادران از نیکوکاری خسته
خاطر مشوید. ۱۴ ولی اگر کسی سخن ما را در این رساله اطاعت
نکند، بر او نشانه گذارد و باوری معاشرت مکنید تا شرمnde شود.
۱۵ اما او را دشمن مشمارید بلکه چون برادر او را تنبیه کنید. ۱۶
اما خود خداوند سلامتی شما را پیوسته در هر صورت، سلامتی
عطای کناد و خداوند با همگی شما باد. ۱۷ تحیت بدست من
پولس که علامت در هر رساله است بدینظر می نویسم: ۱۸ فیض
خداوند ما عیسی مسیح با جمیع شما باد. آمين.

۱ تیمتواووس

هیمیناوس و اسکندر می باشند که ایشان را به شیطان سپردم تا
تادیب شده، دیگر کفر نگویند.

- ۱ پولس، رسول عیسی مسیح به حکم نجات دهنده ما خدا و پس از همه‌چیز اول، سفارش می کنم که صلووات و دعاها و مناجات و شکرها را برای جمیع مردم بهجا آورند؛ ۲ بجهت پادشاهان و جمیع صحابان منصب تا به آرامی و استراحت و با کمال دیداری و وقار، عمر خود را بسر بریم. ۳ زیرا که این نیکوکاری خداوند که در افسس بمانی تا پسندیده است، در حضور نجات دهنده ما خدا ۴ که می خواهد جمیع مردم نجات یابند و به معرفت راستی گرایند. ۵ زیرا خدا واحد است و در میان خدا و انسان یک متواتری است یعنی انسانی که مسیح عیسی باشد، ۶ که خود را در راه همه فدا داد، شهادتی در زمان معین. ۷ و برای این، من واعظ و رسول و معلم امتهای در ایمان و راستی مقرر شدم. در مسیح راست می گوییم و دروغ نی. ۸ پس آرزوی این دارم که مردان، دست های مقدس را بدون غیظ و جدال برافراخته، در هر جادعا کنند. ۹ و همچنین زنان خویشتن را پیارا بند به لباس مزین به حیا و پرهیز نه به زلفها و طلا و مروارید و رخت گرانبهای ۱۰ بلکه چنانکه زنانی رامی شاید که دعوای دیدارکاری می کنند به اعمال صالحه. ۱۱ زن با سکوت، قاتلان پدر و قاتلان مادر و قاتلان مردم ۱۰ و زنان و لواطان و مردم در زدن و دروغ گویان و قسم دروغ خوران و برای هر عمل دیگری که برخلاف تعليم صحیح باشد، ۱۱ برحسب انجیل جلال خدای متبارک که به من سپرده شده است. ۱۲ و شکر می کنم خداوند خود مسیح عیسی را که مرا تقویت داد، چونکه امین شمرده، به این خدمتم ممتاز فرمود، ۱۳ که سابق کفرگو و مضر و سقطگو بودم، لیکن رحم یافتم از آنرو که از جهالت در بی ایمانی کردم. ۱۴ اما فیض خداوندما بی نهایت افروز بالایمان و محبتی که در بخواهد، کار نیکو می طلبد. ۲ پس اسقف باید بی ملامت و مسیح عیسی است. ۱۵ این سخن امین است و لایق قبول تام صاحب یک زن و هشیار خردمند و صاحب نظام و مهمان نواز و که مسیح عیسی به دنیا آمد تا گناهکاران را نجات بخشند که من راغب به تعليم باشد؛ ۳ نه میگسار یا زنده یا طماع سودبیح بزرگترین آنها هستم. ۱۶ بلکه از این جهت بر من رحم شد تا بلکه حلیم و نه جنگجو و نه زریست. ۴ مدبر اهل خانه خود، اول درمن، مسیح عیسی کمال حلم را ظاهر سازد تا آنایی را که به نیکویی و فرزندان خویش را در کمال وقار مطیع گرداند، ۵ بجهت حیات جاودانی به وی ایمان خواهند آورد، نومه باشم. زیاه رگاه کسی نداند که اهل خانه خود را تدبیر کند، چگونه کلیسا ای خدا را نگاهبانی می نماید؟ ۶ و نه جدیدالایمان که مبادا خدای حکیم وحد را اکرام و جلال تا البدال اباد باد. آمین. (aiōnios g166) ۱۷ باری پادشاه سرمدی و باقی ونادیده را، غرور کرده، به حکم ابليس یفتند. ۷ اما لازم است که نزد آنایی خدای حکیم وحد را اکرام و جلال تا البدال اباد باد. آمین. (aiōn) ۱۸ ای فرزند تیمتواووس، این وصیت را به تو می سپارم که خارجند هم نیک نام باشد که مبادا در رسوانی و دام ابليس برحسب نوبتهايی که ایشان را شکسته کشته شدند. ۱۹ و ایمان و ضمیر صالح را نگاه داری که بعضی این را از خود راغب به شراب زیاده و نه طماع سود قبیح؛ ۹ دارندگان سر ایمان دورانداخته، مرا ایمان را شکسته کشته شدند. ۲۰ که از آن جمله در ضمیر پاک. ۱۰ اما بایدا ول ایشان آزموده شوند و چون بی عیب یافت شدند، کار شمامی را بکنند. ۱۱ و به همینطور زنان نیز

باید باوقار باشند و نه غیبت‌گو بلکه هشیارو در هر امری امین. ۵ مرد پیر را توبیخ منما بلکه چون پدر او را نصیحت کن، و ۱۲ و شماسان صاحب یک زن باشند و فرزندان و اهل خانه جوانان را چون برادران؛ ۲ زنان پیر را چون مادران؛ و زنان جوان را خویش را نیکو تدبیرنمایند، ۱۳ زیرا آنانی که کار شماسانی را مثل خواهان با کمال عفت؛ ۳ بیوه‌زن را اگرفی حقیقت بیوه نیکو کرده باشند، درجه خوب برای خویشن را تحلیل می‌کنند و باشند، محترم دار. ۴ اما اگر بیوه‌زنی فرزندان یا نواده‌ها دارد، آموخته جلالت کامل در ایمانی که به مسیح عیسی است. ۱۴ این به بشوند که خانه خود را با دینداری نگاه دارند و حقوق اجاد خود را تو می‌نویسم به امید آنکه به زودی نزد تو آیم. ۱۵ لیکن اگر ادا کنند که این در حضور خدا نیکو پستندیده است. ۵ اما زنی تا خیر انداز، تا بدانی که چگونه باید در خانه خدا رفار کنی که فی الحقیقت بیوه وی کس است، به خدا امیدوار است و در کلیساخای خدای حی و سنتون و بنیاد راستی است. ۱۶ و بالاجماع صلوات و دعاها شبانه‌روز مشغول می‌باشد. ۶ لیکن زن عیاش در سر دینداری عظیم است که خدا در جسم ظاهر شد و در روح، حال حیات مرده است. ۷ و به این معانی امر فرمای تا بی ملامت تصدیق کرده شد و به فرشتگان، مشهود گردید و به امتهای موعظه باشند. ۸ ولی اگر کسی برای خویشان و علی الخصوص اهل خانه خود تدبیرنکند، منکر ایمان و پست‌تر از بی ایمان است. ۹

بیوه‌زنی که کمتر از شصت ساله نباشد و یک شوهر کرده باشد، ۴ و لیکن روح صریح می‌گوید که در زمان آخر بعضی از ایمان برگشته، به ارواح مضل و تعالیم شیاطین اصغا خواهند نمود، ۲ به ریاکاری دروغگویان که ضمایر خود را داغ کرده‌اند؛ ۳ که از مواجهت معنی کنند و حکم می‌نمایند به احتراز از خوارک های که خدا آفرید برای مومنین و عارفین حق تا آنها را به شکرگزاری پنهوند. ۴ زیرا که هر مخلوق خدا نیکو است و هیچ‌چیز را رد نماید و زحمت کشان را اعانتی نموده و هر کارنیکو را پیروی کرده باشد. ۱۰ اما بیوه های جوان‌تاز این را قبول مکن، زیرا که چون از اینکه ایمان نخست را برطرف کرده‌اند؛ ۱۳ و علاوه بر این خانه سرکش شوند، خواهش نکاح دارند ۱۲ و ملزم می‌شوند ازینکه بیوه‌ده کرده، آموخته می‌شوند که بی کار باشند؛ و نه فقط به خانه گردش کرده. ۵ زیرا که از کلام خدا و دعا تقديری می‌شود. ۶ اگر این امور را به برادران بسپاری، خادم نیکوی مسیح عیسی خواهی بود، ترتیب یافته در کلام ایمان و تعليم خوب که پیروی آن را کرده‌ای. ۷ لیکن از افسانه های حرام عجزوها احتراز نما و در دینداری ریاضت بکش. ۸ که ریاضت بدنی اندک فایده‌ای دارد، لیکن دینداری برای هر چیز مفید است که وعدد زندگی حال و آینده را دارد. ۹ این سخن امین است و لایق قبول تام، ۱۰ زیرا که برای این زحمت و بی احترامی می‌کشیم، زیرا میداریم به خدای زنده که جمیع مردمان علی الخصوص مومنین را نجات دهنده است. ۱۱ این امور را حکم و تعليم فرمای. ۱۲ هیچ‌کس جوانی تو را حقیر نشمارد، بلکه مومنین را در کلام و سیرت و محبت و ایمان و عصمت، نمونه باش. ۱۳ تا مادامی که نه آئم، خود را به قرائت و نصیحت و تعليم بسیار. ۱۴ زنها را آن کرامتی که در تو است که بوسیله نبوت با نهادن دستهای کشیشان به تو داده شد، بی اعتمایی منما. ۱۵ در این امور تامل نما و در اینها راسخ باش تا ترقی تو برهمه ظاهر شود. ۱۶ خویشن را و تعليم را احتیاطکن و در این امور قائم باش که هرگاه چنین کنی، خویشن را و شوندگان خویش را نیز نجات خواهی داد.

بیوه‌زنی که خرم را خرد می‌کند، دهن میند» و «مزدور مستحق اجرت خود است». ۱۹ ادعایی بر یکی از کشیشان جز به زبان دو یا سه شاهد مپذیر. ۲۰ آنانی که گناه کنند، پیش همه توبیخ فرما تا دیگران بترسند. ۲۱ در حضور خدا و مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده تو را قسم می‌دهم که این امور را بدون غرض نگاه داری و هیچ کاری از روی طرفداری مکن. ۲۲ و دستهای به زودی بر هیچ‌کس مگذار و درگاهان دیگران شریک مشو بلکه خود را طاهرنگاه دار. ۲۳ دیگر آشمنده آب فقط می‌باشد، بلکه بجهت شکمت و ضعفهای بسیار خود شرایی کم می‌فرمای. ۲۴ گناهان بعضی آشکار است و پیش روی ایشان به داوری می‌خرامد، اما

بعضی را تعاقب می کند. ۲۵ و همچنین اعمال نیکو واضح است نیکو بجهت عالم آینده نهند تا حیات جاودانی را بدست آزند. ۲۰ آئنایی که دیگرگون باشد، نتوان مخفی داشت.

۶ آنایی که غلامان زیر بیوگ می باشند، آقایان خویش را لایق حرام و از مباحثات معرفت دروغ اعراض نما، که بعضی چون ادعای آن کردند از ایمان منحرف گشتهند. فیض با تور باد. آمين.

کمال احترام پداند که مبادانام و تعلیم خدا بد گفته شود. ۲ کسانی که آقایان مومن دارند، ایشان را تحقیر ننمایند، از آنجا که

برادراند بلکه بیشتر خدمت کنند از آنروکه آنایی که در این احسان مشارکند، مومن و محبوبیند. ۳ و اگرکسی بطور دیگر تعلیم دهد

و کلام صحیح خداوند ما عیسی مسیح و آن تعلیمی را که به طریق دیداری است قبول ننماید، ۴ از غورومست شده، هیچ

نمی داند بلکه در مباحثات و مجادلات دیوانه گشته است که از آنها پدیدمی آید حسد و نزع و کفر و ظنون شر ۵ و منازعات

مردم فاسدالعقل و مرتد از حق که می پندارند دیداری سود است.

از چنین اشخاص اعراض نما. ۶ لیکن دیداری با قناعت سود

عظیمی است. ۷ زیرا که در این دنیا هیچ نیاوردیم و واضح است که از آن هیچ نمی توانیم برد، ۸ پس اگر خوارک و پوشانک داریم،

به آنها قانع خواهیم بود. ۹ اما آنایی که می خواهند دولتمند شوند، گرفتارمی شوند در تجربه و دام و انواع شهوات بی فهم و مضر که

مردم را به تباہی و هلاکت غرق می سازند. ۱۰ زیرا که طمع ریشه همه بدیهای است که بعضی چون دربی آن می کوشیدند، از ایمان

گمراه گشته، خود را به اقسام دردهاستفتند. ۱۱ ولی توابی مرد خدا، از اینها بگریز و عدالت و دیداری و ایمان و محبت و صبر

و تواضع را پیروی نما. ۱۲ و جنگ نیکوی ایمان را بکن و بدست

آور آن حیات جاودانی را که برای آن دعوت شدی و اعتراف نیکو کردی در حضور گراهان بسیار. (aiōnios g166)

۱۳ تو را وصیت می کنم به حضور آن خدایی که همه را زندگی می بخشد و مسیح عیسی که در پیش پنطیوس پیلاطس اعتراف نیکونمود، ۱۴ که تو وصیت را بی داغ و ملامت حفظکن تا به ظهور خداوند ما عیسی

مسیح. ۱۵ که آن را آن مبارک و قادر وحید و ملک الملوك ورب الارباب در زمان معین به ظهور خواهد آورد. ۱۶ که تنها

لایمود و ساکن در نوری است که نزدیک آن نتوان شد و احدي از انسان او را ندیده و نمی تواند دید. او را تا ابدالاً باد اکرام و

قدرت باد. آمين. (aiōnios g166) ۱۷ دولتمدان این جهان را

امر فما که بلندپروازی نکنند و به دولت نایابدار امید ندارند، بلکه به خدای زنده که همه جیز را دولتمدانه برای تمتع به ما عطا

می کند؛ (aiōn g165) ۱۸ که نیکوکار بوده، در اعمال صالحه دولتمند و سخنی و گشاده دست باشند؛ ۱۹ و برای خود اسام

۲ تیموتاوس

امین بسپارکه قابل تعلیم دیگران هم باشدند. ۳ چون سپاهی نیکوی

مسيح عيسى در تحمل خدمات شرك باشند. ۴ هيج سپاهي خود

۱ پولس به اراده خدا رسول مسيح عيسى، برسحب وعده را در امور روزگار گرفتارني سازد تا رضایت آنکه او را سپاهي

حياتي که در مسيح عيسى است، ۲ فرزند حبيب خود تيموتاوس ساخت را بجويدي. ۵ و اگر کسی نيز پهلواني کند، تاج را بدلونمي

را. فيض و رحمت و سلامتی از جانب خدای پدرخداوند ما دهند اگر به قانون پهلواني نکرده باشد. ۶ بزرگري که محنت

عيسى مسيح باد. ۳ شکر می کنم آن خدای را که از اجاداد می کشد، باید اول نصیبی ازحاصيل بيرد. ۷ در آنچه می گويم تفکر

خود به ضمير خالص بندگی او را می کنم، چونکه دائم در دعاهای کن زيراخداوند تو را در همه چيز فهم خواهد بخشيد. ۸ عيسى

خود تو را شيانه روز ياد می کنم، ۹ و مشتاق ملاقات تو هستم مسيح را بخاطر دار که از نسل داود بوده، از مردان گران برخاست

چونکه اشكاهای تورا بخاطر می دارم تا از خوشی سير شوم. ۵ برسحب بشارت من، ۹ که در آن چون بدكار تا به بندها زحمت

زيرا که ياد می دارم ايمان بی رياي تو را که نخست درجرده ات می کشم، ليکن کلام خدا بسته نمی شود. ۱۰ و از اين جهت

لوئیس و مادرت افنيکي ساكن می بود ومرا يقين است که در تو نيز همه زحمات را بخاطر برگريگان متتحمل می شوم تا ايشان نيز

هست. ۶ لهذا بيداد تومي آورم که آن عطای خدا را که بوسيله نجاتي را که در مسيح عيسى است با جلال جاوداني تحصيل

گذاشتند دستهای من بر تو است برافروزي. ۷ زيرا خداروح جين را کنند. (aiōnios g166) ۱۱ اين سخن امين است زيرا اگر با وي

به ما نداده است بلکه روح قوت ومحبت و تاديب را. ۸ پس از زيس ماردمي، با او زيس هم خواهيم کرد. ۱۲ و اگرتحمل کيم، با او

شهادت خداوند ما عار مدار و نه ازمن که اسیر او می باشم، بلکه سلطنت هم خواهيم کرد؛ وهرگاه او را انکار کيم او نيز ما را انکار

در زحمات انجيل شريک باش برسحب قوت خدا، ۹ که ما را خواهد کرد. ۱۳ اگر بى ايمان شويم، او امين می ماند زيراخود را

نجات داد و به دعوت مقدس خواند نه به حسب اعمال ما بلکه انکار نمي تواند نمود. ۱۴ اين چيزها را به ياد ايشان آور و در

بررسحب اراده خود و آن فيضي که قبل ازقدم الایام در مسيح حضورخداوند قدغن فرما که مجادله نکنند، زيرا هيج سود نمی

عيسى به ما عطا شد. (aiōnios g166) ۱۰ اما الحال آشکار بخشد بلکه باعث هلاكت شنوندگان می باشد. ۱۵ و سعي کن

گرديد به ظهور نجات دهنده ماعيسى مسيح که موت را نيسست که خود را معمول خدا سازي، عاملی که جخل نشود و کلام خدا

ساخت و حيات وی فسادي را روشن گردانيد بوسيله انجيل، ۱۱ رابخويي انجام دهد. ۱۶ و از ياهوگويي هاي حرام اعراض نما زيرا

که براي آن من واعظ و رسول و معلم امتها مقرر شده ام. ۱۲ و از که تا به فروني بي ديني ترقی خواهد کرد. ۱۷ و کلام ايشان،

این جهت اين زحمات را می کشم بلکه عار ندارم چون می دانم به چون آكله می خورد و از آنجلمه هيميانوس و فليطيض می باشند ۱۸

که ايمان آوردم ومرا يقين است که او قادر است که امانت مرا تا به که ايشان از حق برگشته، می گويند که قيمات الان شده است

آن روز حفظ کند. ۱۳ نمونه اي بگير از سخنان صحيح که از من و بعضی را از ايمان منحرف می سازند. ۱۹ و ليکن بنياد ثابت

شيندي در ايمان و محبيتی که در مسيح عيسى است. ۱۴ آن خدا قائم است و اين مهر را دارد که «خداوند کسان خود رامي

امانت نيكو را بوسيله روح القدس که در ما ساكن است، حفظ شناسد» و «هرکه نام مسيح را خواند، ازنا راستي کاريجه جويد». ۲۰

کن. ۱۵ از اين آگاه هستي که همه آناني که در آسيا هستند، از اما در خانه بزرگ نه فقط ظروف طلا و نقره می باشد، بلکه چوبی و

من رخ تافتهد که از آنجلمه فيجلس و هرموجنس می باشند. ۱۶ گلني نيز؛ اما آنها براي عرب و اينها براي ذلت. ۲۱ پس اگرکسی

خداوند اهل خانه انيسيفورس را ترحم کناد زيرا که او بارها دل خويشتن را از اينها طاهر سازد، ظرف عرب خواهد بود مقدس و

مرا تازه کرد و از زنجير من عار نداشت، ۱۷ بلکه چون به روم نافع براي مالك خود و مستعد براي هر عمل نيكو. ۲۲ اما از

رسيد، مرا به کوشش بسيار تحفص کرده، پيدا نمود. ۱۸ (خداوند شهوات جوانی بگيريز و با آناني که ازقلب خالص نام خداوند را

بدو عطا کناد که در آن روز در حضورخداوند رحمت يابد.) و می خوانند، عدالت و ايمان و محبت و سلامتی را تعاقب نما. ۲۳

خدمتهای را که در افسس کرد تو بهتر می دانی. لیکن ازمائل بيهوده و بي تاديب اعراض نما چون می دانی که

نزاعها پدید می آورد. ۲۴ اما بنه خدابنای نزاع کند، بلکه با همه

۲ پس تواب فرزند من، در فيضي که در مسيح عيسى است کس ملايم و راغب به تعليم و صابر در مشقت باشد، و با

زورآور باش. ۲ و آنچه به شهود بسيار از من شيندي، به مردان حلم مخالفين را تاديب نماید که شاید خدا ايشان را توبه بخشد تا

راستی را بشناسند. ۲۶ تا از دام ابلیس باز به هوش آیند که به افسانه‌ها خواهند گردید. ۵ لیکن تو در همه چیز هشیار بوده، متحمل زحمات باش و عمل مبشر را بجا آور و خدمت خود را حسب اراده او صیداو شده‌اند.

۳ اما این را بدان که در ایام آخر زمانهای سخت پدید خواهد آمد، ۲ زیرا که مردمان، خودپرست خواهند بود و طماع ولافزن و مکابر و بدگو و نامطیع والدین و ناسپاس ناپاک ۳ و بی الفت و کینه دل و غیبت گو و ناپهیزو بی مرoot و متفرق از نیکویی ۴ و خیانت کار و تندمزاج و مغور که عشرت را بیشتر از خدادوست می‌دارند؛ ۵ که صورت دینداری دارند، لیکن قوت آن را انکار می‌کنند. از ایشان اعراض نما. ۶ زیرا که از اینها هستند آنای که به حیله داخل خانه‌ها گشته، زنان کم عقل را اسیر می‌کنند که بار گناهان را می‌کشند و به انواع شهوتات رویده می‌شوند. ۷ و دائم تعليم می‌گیرند، لکن هرگز به معرفت راستی نمی‌توانند رسید. ۸ و همچنان که ینیس و یمپریس با موسی مقاومت کردند، ایشان نیز با راستی مقاومت می‌کنند که مردم فاسدالعقل و مردود از ایمانند. ۹ لیکن بیشتر ترقی نخواهند کرد زیرا که حماقت ایشان بر جمیع مردم واضح خواهد شد، چنانکه حماقت آنها نیز شد. ۱۰ لیکن تو تعليم و سیرت و قصد و ایمان و حلم و محبت و صبر مرآ پیروی نمودی، ۱۱ وزحمات و آلام مرآ مثل آنها که در انطاکیه واپنویه و لستره بر من واقع شد، چگونه زحمات را تحمل می‌نمود و خداوند مرآ از همه رهایی داد. ۱۲ و همه کسانی که می‌خواهند در مسیح عیسی به دینداری زیست کنند، زحمت خواهند کشید. ۱۳ لیکن مردمان شیری و دغاباز در بدی ترقی خواهند کرد که فریبند و فریب خورده می‌باشند. ۱۴ اما تو در آنچه آموختی و ایمان آوردی قایم باش چونکه می‌دانی از چه کسان تعليم یافی، ۱۵ و اینکه از طفویلت کتب مقدسه را دانسته‌ای که می‌تواند تو را حکمت آمزودی رای نجات بوسیله ایمانی که بر مسیح عیسی است. ۱۶ تمامی کتب از الهام خدادست و بجهت تعليم و تنبیه و اصلاح و تربیت در عدالت مفیداست. ۱۷ تا مرد خدا کامل و بجهت هر عمل نیکوار استه بشود.

۴ تو را در حضور خدا و مسیح عیسی که بزرندگان و مردگان داوری خواهد کرد قسم می‌دهم و به ظهور و ملکوت او ۲ که به کلام موعظه کنی و در فرصت و غیر فرصت مواظب باشی و تنبیه و توبیخ و نصیحت نمایی باکمال تحمل و تعليم. ۳ زیرا ایامی می‌آید که تعليم صحیح را متحمل نخواهند شد، بلکه برحسب شهوت خود خارش گوشها داشته، معلمان را برخود فرام خواهند آورد، ۴ و گوشها خود را از راستی برگردانیده، به سوی

تیپتس

زنان جوان را خرد بیاموزند که شوهردost و فرزنددost باشند، ۵

و خرداندیش و عفیفه و خانه نشین و نیکو و مطبع شوهران خود که

۱ پولس، غلام خدا و رسول عیسی مسیح برس حسب ایمان مبادا کلام خدا متهم شود. ۶ و به همین نسق جوانان را نصیحت برگزیدگان خدا و معرفت آن راستی که در دینداری است، ۲ فرما تا خرداندیش باشند. ۷ و خود را در همه‌چیز نمونه اعمال به امید حیات جاودانی که خدایی که دروغ نمی تواند گفت، نیکو بسازو در تعلیم خود صفا و وقار و اخلاص را بکار بر، ۸ و از مانهای ازلی و عده آن را داد، ۳ اما در زمان کلام صحیح بی عیب را تا دشمن چونکه فرست بدگفتن در حق معین، کلام خود را ظاهر کرد به موعدهای که برس حسب حکم ما نیابد، خجل شود. ۹ غلامان را نصیحت نما که آقایان خود نجات دهنده ما خدا به من سپرده شد، ۴ تیپتس را که فرزند راطاعت کنند و در هر امر ایشان را راضی سازند و نقیض گو حقیقی من برس حسب ایمان عام است، فیض و رحمت و سلامتی نباشند؛ ۱۰ و دزدی نکنند بلکه کمال دیانت را ظاهر سازند تا از جانب خدای پدر و نجات دهنده ما عیسی مسیح خداوند باد. تعلیم نجات دهنده ما خدا را در هر چیز زینت دهن. ۱۱ زیرا که ۵ بدین جهت تو را در کربت و اگذاشتم تا آنچه را که باقی مانده فیض خدا که برای همه مردم نجات بخش است، ظاهر شده، ۱۲ است اصلاح نمایی و چنانکه من به تو امر نمودم، کشیشان در هر ما را تادیب می کنند که بی دینی و شهوتات دنیوی را ترک کرده، شهر مقرر کنی. ۱۳ اگر کسی بی ملامت و شوهر یک زن باشد که با خرداندیشی و عدالت و دینداری در این جهان زیست کنیم، فرزندان مونم دارد، بری از تهمت فجور و تمرد، ۷ زیرا که اسقف (aiōnios g166) ۱۲ و آن امید مبارک و تجلی جلال خدای عظیم می باید چون وکیل خدایی ملامت باشد و خود را یا تندماجر یا نجات دهنده خود ما عیسی مسیح را انتظار کشیم، ۱۴ که میگزاریا زنده یا طماع سود قبیح نیاشد، ۸ بلکه مهمنان دost و خود را در راه ما فدا ساخت تا ما را از هر ناراستی برهاشد و امتنی خبردوست و خرداندیش و عادل و مقدس و پرهیزکار؛ ۹ و متمسک برای خود طاهر سازد که ملک خاص او و غیور در اعمال نیکو به کلام امین برس حسب تعلیمی که یافته تا بتواند به تعلیم صحیح باشند. ۱۰ این را بگو و نصیحت فرما و درکمال اقتدار توبیخ نما نصیحت کند و مخالفان را توبیخ نماید. ۱۱ زیرا که یاوه گویان و هیچ کس تو را حقیرنشمارد.

فریبندگان، بسیار و مت مرد می باشند، علی الخصوص آنانی که از ۱۲ اهل ختنه هستند؛ ۱۱ که دهان ایشان را باید بست زیراخانه ها را اهل ایشان آور که حکام و سلاطین راطاعت کنند و بالکل واژگون می سازند و برای سودقیبح، تعالیم ناشایسته می دهد. فرمانبرداری نمایند و برای هر کار نیکو مستعد باشند، ۲ و هیچ کس یکی از ایشان که نبی خاص ایشان است، گفته است که را بدنگویند و جنگجو نباشند بلکه ملایم و کمال حلم را با جمیع اهل کربت همیشه دروغگو و وحش شری و شکم پرست بی کاره مردم به جا آورند. ۳ زیرا که ما نیز سابق بی فهم و نافرمانی برادر و گمراه می باشند. ۱۳ این شهادت راست است؛ از این جهت ایشان را و بنده انواع شهوت و لذات بوده، در خبث و حسد بسر می بردیم که لا یق نفرت بودیم و بوندیگر بعض می داشتیم. ۴ لیکن چون به سختی توبیخ فرما تا در ایمان، صحیح باشند، ۱۴ و گوش نگیرند به افسانه های بیهود و احکام مردمانی که از راستی انحراف مهربانی و لطف نجات دهنده ما خدا ظاهر شد، ۵ نه به سبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود ما می جویند. ۱۵ هرچیز برای پاکان پاک است، لیکن آلدگان و بی ایمان را هیچ چیزیاک نیست، بلکه فهم و ضمیر ایشان نیز را نجات داد به غسل تولد تازه و تازگی ای که از روح القدس است؛ ملوث است؛ ۱۶ مدعی معرفت خدا می باشند، اما به افعال خود که او را به ما به دولمندی افاضه نمود، به توسط نجات دهنده او را انکار می کنند، چونکه مکروه و مت مرد هستند و بجهت هر ماعیسی مسیح، ۷ تا به فیض او عادل شمرده شده، وارت گردیم بحسب امید حیات جاودانی. ۸ این سخن عمل نیکو مردود.

اماین است و در این امور می خواهیم تو قدغن بلیغ فرمایی تا آنانی

۲ اما تو سخنان شاپسته تعلیم صحیح را بگو؛ ۲ که مردان که به خدا ایمان آورند، بکوشند که در اعمال نیکو مواظبت پیر، هشیار و باوقار و خرداندیش و در ایمان و محبت و صبر، نمایند، زیرا که این امور برای انسان نیکو و مفید است. ۹ و از صحیح باشند. ۳ همچنین زنان پیر، در سیرت متفق باشند و نه مباحثات نامعقول و نسب نامهها و نزاعها و جنگهای شرعی اعراض غیبت گو و نه بنده شراب زیاده بلکه معلمات تعلیم نیکو، ۴ تا نما زیرا که بی ثمر و باطل است. ۱۰ و از کسی که از اهل بدعت

باشد، بعد از یک دو نصیحت اجتناب نما، ۱۱ چون می‌دانی که
چنین کس مرتد و از خود ملزم شده درگاه رفتار می‌کند. ۱۲
وقتی که ارتیماس یا تیخیکس را نزد توفستم، سعی کن که در
نیکپولیس نزد من آیی زیرا که عزیمت دارم زمستان را در آنجا بسر
برم. ۱۳ زیناس خطیب و اپلس را در سفر ایشان به سعی امداد
کن تا محتاج هیچ‌چیز نباشند. ۱۴ و کسان ما نیز تعلیم بگیرند
که در کارهای نیکومشغول باشند برای رفع احتیاجات ضروری،
تایبی ثمر نباشند. ۱۵ جمیع رفقای من تو را سلام می‌رسانند و
آنایی را که از روی ایمان ما رادوست می‌دارند سلام رسان. فیض با
همگی شما باد. آمین.

فلیمون

دیماس و لوقا همکاران من تو را سلام می‌رسانند. ۲۵ فیض خداوند عیسی مسیح با روح شما باد. آمين.

۱ پولس، اسیر مسیح عیسی و تیموتاوس برادر، به فلیمون عزیز و همکار ما ۲ و به اپفیه محبوه و ارخچیس همسپاه ما به کلیسانی که در خانه ات می‌باشد. ۳ فیض و سلامتی از جانب پدر ما خدا و عیسی مسیح خداوند با شما باد. ۴ خدای خود را شکر می‌کنم و پیوسته تو رادر دعاهای خود یاد می‌آرم ۵ چونکه ذکر محبت و ایمان تو را شنیده‌ام که به عیسی خداوند به همه مقدسین داری، ۶ تا شراکت ایمانت موثرشود در معرفت کامل هر نیکوبی که در ما است برای مسیح عیسی. ۷ زیرا که مرا خوشی کامل و نسلی رخ نمود از محبت تو از آنرو که دلهای مقدسین از توای برادر استراحت می‌پذیرند. ۸ بدین جهت هرچند در مسیح کمال جسارت را دارم که به آنچه مناسب است تو را حکم دهم، ۹ لیکن برای محبت، سزاوارتر آن است که التماس نمایم، هرچند مردی چون پولس پیر والان اسیر مسیح عیسی نیز می‌باشم. ۱۰ پس تو را التماس می‌کنم درباره فرزند خود آنیسیمس که در زنجیرهای خود او را تولید نمودم، ۱۱ که سابق او برای تو بی‌فایده بود، لیکن الحال تو را و مرافایده مند می‌باشد؛ ۱۲ که او را نزد تو پس می‌فرستم. پس تو او را پذیر که جان من است. ۱۳ و من می‌خواستم که او را نزد خود نگاه دارم تا به عوض تو مرا در زنجیرهای انجلی خدمت کند، ۱۴ اما نخواستم کاری بدون رای تو کرده باشم تا الحسان تو از راه اضطرار نباشد، بلکه از روی اختیار. ۱۵ زیرا که شاید بدین جهت ساعی از توجداشد تا او را تا به ابد دریابی. ۱۶ لیکن بعد از این نه چون (aiōnios g166) غلام بلکه فوق از غلام یعنی برادر عزیز خصوص به من اما چند مرتبه زیادتر به تو هم در جسم و هم در خداوند. ۱۷ پس هرگاه مرا رفیق می‌دانی، او را چون من قبول فرمایم. ۱۸ اما اگر ضرری به تو رسانی‌ده باشد یا طلبی از او داشته باشی، آن را بر من محاسب دار. ۱۹ من که پولس هستم، به دست خود می‌نویسم، خود ادا خواهم کرد، تا به تو نگویم که به جان خود نیز مدبیون من هستی. ۲۰ بلی ای برادر، تا من از تو در خداوند برخودار شوم. پس جان مرا در مسیح تازگی بده. ۲۱ چون بر اطاعت تو اعتماد دارم، به تو می‌نویسم از آن جهت که می‌دانم بیشتر از آنچه می‌گوییم هم خواهی کرد. ۲۲ معهدهذا متزلی نیز برای من حاضر کن، زیرا که امیدوارم از دعاهای شما به شما بخشیده شوم. ۲۳ اپفراس که در مسیح عیسی همزندان من است و مرقس ۲۴ و ارنست و

عالیم آیده‌ای را که ذکر آن را می‌کیم مطبع فرشتگان نساخت. ۶

لکن کسی در موضوع شهادت داده، گفت: «چیست انسان

۱ خدا که در زمان سلف به اقسام متعدد و طرق‌های مختلف که او را بخاطرآوری یا پسر انسان که از او تفقد نمایی؟ ۷ او را

بوساطت انبیا به پدران ما تکلم نمود، ۲ در این ایام آخر به ما افزشگان اندکی پست‌تر قرار دادی و تاج جلال و اکرام را بر سر او

بوساطت پسر خود متكلم شد که او را وارث جمیع موجودات قرار نهادی و او را بر اعمال دستهای خود گماشتی. ۸ همچیز را زیر

داد و بوسیله او عالمها را تزیرد؛ (aiōn g165) ۹ که فروغ جلالش پایهای او نهادی. پس چون همه‌چیز را مطبع او گردانید، هیچ‌چیز

و خاتم جوهرش بوده و به کلمه قوت خود حامل همه موجودات را نگذاشت که مطبع او نباشد. لکن الان هنوز نمی‌بینیم که

بوده، چون طهارت گناهان را به اتمام رسانید، بدست راست همه‌چیز مطبع وی شده باشد. ۹ اما او را که اندکی از فرشتگان

کبریا در اعلیٰ علیین بنیشتست، ۴ و از فرشتگان افضل گردید، کمتر شد می‌بینیم، یعنی عیسی را که به زحمت موت تاج جلال

بمقدار آنکه اسمی نیزگر از ایشان به میراث یافته بود. ۵ زیرا به وکرام بر سر وی نهاده شد تا به فیض خدا برای همه دائمه موت را

کدامیک از فرشتگان هرگز گفت که «تو پسر من هستی. من پسر من هستی.» ۶ اما او را که بخاطری همه و از وی همه‌چیز می‌باشد،

امروز تو را تولید نمود» واپس «من او را پدر خواهم بود و او پسر چون فرزندان بسیار را وارد جلال می‌گرداند، شایسته بود که رئیس

من خواهد بود؟ ۶ و هنگامی که نخست زاده را باز به جهان نجات ایشان را به دردها کامل گرداند. ۱۱ زانو که چون مقدس

می‌آورد می‌گوید که «جمعیت فرشتگان خدا او اپرستش کنند.» ۷ کننده و مقدسان همه از یک می‌باشند، از این جهت عار ندارد

و در حق فرشتگان می‌گوید که «فرشتگان خود را بادها می‌گرداند که ایشان را برادر بخواند. ۱۲ چنانکه می‌گوید: «اسم تو را به

و خادمان خود را شعله آتش.» ۸ اما در حق پسر: «ای خدا برادران خود اعلام می‌کنم و در میان کلیسا‌تان را تسبیح خواهم

تحت تو تا ابدالاً باد است و عصای ملکوت تو عصای راستی خواند. ۱۳ و ایض: «من بروی توکل خواهم نمود.» و نیز:

۹ عدالت را دوست و شرارت را دشمن «اینک من و فرزندانی که خدا به من عطا فرمود.» ۱۴ پس چون

می‌داری. بنابراین خدا، خدای تو، تو را به روغن شادمانی بیشتر از فرزندان در خون و جسم شراکت دارند، او نیز همچنان در این هر

رفقايت مسح کرده است.» ۱۰ (نیز می‌گوید:) «توای خداوند، دو شیک شد تابوساطت موت، صاحب قدرت موت یعنی ابلیس

درابتدا زمین را بنا کرده و افلاک مصنوع دستهای تواست. ۱۱ را تیاه سازد، ۱۵ و آنانی را که از ترس موت، تمام عمر خود

آنها فانی، لکن تو باقی هستی و جمیع آنها چون جامه، مندراس را گرفتار بندگی می‌بودند، آزاد گرداند. ۱۶ زیرا که در حقیقت

خواهد شد، ۱۲ و مثل ردا آنها را خواهی پیچید و تغییر خواهید فرشتگان را دستگیری نمی‌نماید بلکه نسل ابراهیم را دستگیری

یافت. لکن تو همان هستی و سالهای تو تمام نخواهد شد.» ۱۳ می‌نماید. ۱۷ از این جهت می‌باشد در هر امری مشابه برادران

و به کدامیک از فرشتگان هرگز گفت: «بسیش به دست راست من خود شود تا در امور خدا رئیس کهنه‌ای کریم و امین شده، کفاره

تا دشمنان تو را پای انداز تو سازم؟» ۱۴ آیا همگی ایشان روح گناهان قوم را بکنند. ۱۸ زیرا که چون خود عذاب کشیده، تجریه

های خدمتگذار نیستند که برای خدمت آنانی که وارث نجات دید استطاعت دارد که تجربه شدگان را اعانت فرماید.

خواهند شد، فرستاده می‌شوند؟

۳ بنابراین، ای برادران مقدس که در دعوت سماوی شریک

۲ لهذا لازم است که به دقت بليغ تر آنچه راشنيديم گوش هستيد، در رسول و رئیس کهنه اعتراف ما یعنی عیسی تامل کنید،

دهیم، مبادا که از آن ریوده شویم. ۲ زیرا هر گاه کلامی که ۲ که نزد او که وی را معین فرمود امین بود، چنانکه موسی نیز در

بوساطت فرشتگان گفته شد برقرار گردید، بقسمی که هر تجاوز تمام خانه او بود. ۳ زیرا که این شخص لایق اکرامی بیشتر از

وتفاقي را جزو عادل می‌رسيد، ۳ پس ما چگونه رستگار گردیم موسی شمرده شد به آن اندازه‌ای که سازنده خانه را حرمت بیشتر

اگر از چنین نجاتی عظیم غافل باشیم؟ که در ابتدا تکلم به آن از از خانه است. ۴ زیرا هر خانه‌ای بدست کسی بنا می‌شود، لکن

خداآوند بود و بعد کسانی که شنیدند، بر ما ثابت گردانیدند؛ ۴ بانی همه خداست. ۵ و موسی مثل خادم در تمام خانه او امین

درحالی که خدا نیز با ایشان شهادت می‌داد به آیات و معجزات بود تا شهادت دهد بر چیزهایی که می‌باشد بعد گفته شود. ۶ و

و انواع قوات و عطا‌ای روح القدس بحسب اراده خود. ۵ زیرا اما مسیح مثل پسربر خانه او. و خانه او ما هستیم بشرطی که تا به

انتهابه دلیری و فخر امید خود متمسک باشیم. ۷ پس چنانکه زیرا اگر بوضع ایشان را آرامی داده بود، بعد از آن دیگر را ذکر نمی روح القدس می‌گوید: «امروز اگر آواز او را بشنوید، ۸ دل خود کرد. ۹ پس برای قوم خدا آرامی سبт باقی ماند. ۱۰ زیرا هر که را سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او دروز داخل آرامی او شد، او نیز از اعمال خود بیارمید، چنانکه خدا از امتحان در بیابان، ۹ جایی که پدران شما مرا متحمن و آزمایش اعمال خویش. ۱۱ پس جد و جهد بکم تا به آن آرامی داخل کردند و اعمال مرا تا مدت چهل سال می‌دیدند. ۱۰ از این شویم، مبادا کسی در آن نافرمانی عبرت آمیز بیفتند. ۱۲ زیرا کلام جهت به آن گروه خشم گرفته، گفتم ایشان پوسته در دلهای خدا زنده و مقنطر و بزنده تر است از هر شمشیر دودم و فوروونه تا خود گمراه هستند و راههای مرا نشناختند. ۱۳ تا در خشم خود جدا کرد نفس وروح و مفاصل و مغز را و ممیز افکار و نیمهای قسم خودرم که به آرامی من داخل نخواهند شد.» ۱۴ ای پدران، قلب است، ۱۳ و هیچ خلقت از نظر او مخفی نیست بلکه با حذر باشید مبادا در یکی از شما دل شیر و بی ایمان باشد که از همه چیز در چشمان او که کار ما باوی است، برهنه و منکشف خدای حی مرتد شوید، ۱۵ بلکه هر روزه همدیگر رانصیحت کنید می‌باشد. ۱۶ پس چون رئیس کهنه عظیمی دارم که از آسمانها مادامی که «امروز» خوانده می‌شود، مبادا احدي از شما به فریب درگذشته است یعنی عیسی، پسر خدا، اعتراف خود را محکم گاه سخت دل گردد. ۱۷ از آنرو که در مسیح شریک گشته‌ایم بداریم. ۱۵ زیرا رئیس کهنه‌ای نداریم که نتوانه همدرد ضعفهای اگر به ابتدای اعتماد خود تا به انتهای سخت متمسک شویم. ۱۶ مابشود، بلکه آزموده شده در هر چیز به مثال مابدون گذاه. ۱۷ چونکه گفته می‌شود: «امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود را پس با دلیری نزدیک به تخت فیض بیاییم و فیضی سخت مسازید، چنانکه در وقت جنبش دادن خشم او.» ۱۸ پس را حاصل کنیم که در وقت ضرورت (ما) اعانت کند.

که بودند که شنیدند و خشم او راجبنش دادند؟ آیا تمام آن گروه ۵ زیرا که هر رئیس کهنه از میان آدمیان گرفته شده، برای آدمیان بودند که بواسطه موسی از مصر بیرون آمدند؟ ۱۷ و به که تا مفترمی شود در امورالله تا هدایا و قربانی ها برای گناهان بگذراند؛ مدت چهل سال خشمگین می‌بود؟ آیا نه به آن عاصیانی که بدنهای ایشان در صحراء ریخته شد؟ ۱۸ و درباره که قسم خورد که به آرامی من داخل نخواهند شد، مگر آنای را که اطاعت نکردند؟ ۱۹ پس دانستیم که به سبب بی ایمانی نتوانستند داخل برای گناهان بگذراند. ۲۰ و کسی این مرتبه را برای خودنمی‌گیرد، شوند.

۲۱ پس بترسیم مبادا با آنکه وعده دخول درآرامی وی باقی مسیح نیز خود را جلال نداد که رئیس کهنه بشود، بلکه او که به می‌باشد، ظاهر شود که احدي از شما فاصله شده باشد. ۲۲ زیرا که وی گفت: «تو پسر من هستی؛ من امروز تو را تولید نمودم.» ۲۳ به ما نیز به مثال ایشان بشارت داده شد، لکن کلامی که شنیدند چنانکه در مقام دیگر نیز می‌گوید: «تو تا به ابد کاهن هستی بر بدیشان نفع نبخشید، از اینرو که باشندگان به ایمان متحدد نشدن. ۲۴ زیرا ما که ایمان آوردیم، داخل آن آرامی می‌گردیم، چونکه با فریادشید و اشکها نزد او که به رهاییدن از موت قادر چنانکه گفته است: «در خشم خود قسم خوردم که به آرامی من بود، تصرع و دعای بسیار کرد و به سبب تقوای خویش مستجاب داخل نخواهند شد.» و حال آنکه اعمال او از آفرینش عالم به گردید، ۲۵ هرچند پرسید، به مصیبتهایی که کشید، اطاعت را تمام رسیده بود. ۲۶ و در مقامی درباره روز هفتم گفت که «در روز آموخت ۲۷ و کامل شده، جمیع مطیعیان خود را سبب نجات هفتم خدا از جمیع اعمال خود آرامی گرفت.» ۲۸ و بازدیر این مقام جاودانی گشت. (aiōnios g166) ۲۹ و خدا او را به رئیس که «به آرامی من داخل نخواهند شد.» ۳۰ پس چون باقی است کهنه مخاطب ساخت به رتبه ملکیصدیق. ۳۱ که درباره او ما را که بعضی داخل آن بشوند و آنایی که پیش بشارت یافند، به سبب سخنان بسیار است که شرح آنها مشکل می‌باشد چونکه گوشتهای نافرمانی داخل نشدن، ۳۲ باز روزی معین می‌فرماید چونکه به زبان شمامتنگین شده است. ۳۳ زیرا که هرچند با این طول زمان شما داد بعد از مدت مديدة «امروز» گفت، چنانکه پیش مذکور را می‌باید معلمان باشد، باز محتاج جید که کسی اصول و مبادی شد که «امروز اگر آواز او را بشنوید، دل خود راسخت مسازید.» ۳۴ الهامات خدا را به شمایاموزد و محتاج شیر شدید نه غذای قوی.

۱۳ زیرا هر که شیخواره باشد، در کلام عدالت نازموده است، جایی که آن پیشرو برای ما داخل شد یعنی عیسی که بر رتبه چونکه طفل است. ۱۴ اما غذای قوی از آن بالغان است که ملکیصدق، رئیس کهنه گردید تابدالاрад. (aiōn g165)

حوال خود را به موجب عادت، ریاضت داده‌اند تا تمیز نیک و ۷ زیرا این ملکیصدق، پادشاه سالم و کاهن خدای تعالی، بدرا بکنند.

۶ بنابراین، از کلام ابتدای مسیح درگذشته، به سوی کمال راستقبال کرده، بدو برکت داد. ۲ و ابراهیم نیز از همه چیزها دهیک

سبقت بجوییم و بار دیگر بینادتویه از اعمال مرده و ایمان به خدا بدو داد؛ که او اول ترجمه شده «پادشاه عدالت» است و بعد نهیم، ۲ و تعلیم تعییدها و نهادن دسها و قیامت مردانگان و داوری ملک سالم نیز یعنی «پادشاه سلامتی». ۳ بی‌پادر و بی‌مادر و بی‌جهادانی را. (aiōnios g166)

۴ این را به جا خواهیم آورد هر نسب نامه و بدون ابتدای ایام و انتهای حیات بلکه به شیوه پسر گاه خدا اجازت دهد. ۵ زیرا آنانی که یک بار منور گشتند و خدا شده، کاهن دایمی می‌مانند. ۴ پس ملاحظه کنید که این لذت عطای سماوی را چشیدند و شریک روح القدس گردیدند شخص چقدر بزرگ بود که ابراهیم پاتریارخ نیز از بهترین غنایم،

۵ ولذت کلام نیکوی خدا و قوات عالم آینده را چشیدند، دهیک بدو داد. ۵ و اما از اولاد لاوی کسانی که کهانات را (aiōn g165)

۶ اگر بیفتد، محل ایشان را بار دیگر می‌ایپند، حکم دارند که از قوم بحسب شریعت دهیک بگیرند، برای توبه تازه سازند، در حالتی که پسر خدا را برای خود باز یعنی از برادران خود، بالآنکه ایشان نیز از صلب ابراهیم پدید

مصلوب می‌کنند و او را بی‌حرمت می‌سازند. ۷ زیرا زمینی که بارانی آمدند. ۶ لکن آن کس که نسبتی بدیشان نداشت، از ابراهیم را که بارها بر آن می‌افتد، می‌خورد و نباتات نیکو برای فلاحان دهیک گرفته و صاحب وعده‌ها را برکت داده است. ۷ و بدون

خود می‌رویاند، از خدا برکت می‌یابد. ۸ لکن اگر خار و خسک هر شبهه، کوچک از بزرگ برکت داده می‌شود. ۸ و در اینجا می‌رویاند، متروک و قرین به لعنت و در آخر، سوتخته می‌شود. مردمان مردنی دهیک می‌گیرند، اما در آنجا کسی که بر زنده بودن

۹ امای عزیزان در حق شما چیزهای بهتر و قرین نجات را یقین وی شهادت داده می‌شود. ۹ حتی آنکه گویا می‌توان گفت می‌داریم، هرچند بدینطور سخن می‌گوییم. ۱۰ زیرا خدا بی‌انصاف که بوساطت ابراهیم از همان لاوی که دهیک می‌گیرد، دهیک

نیست که عمل شما و آن محبت را که به اسم او از خدمت گرفته شد، ۱۰ زیرا که هنوز در صلب پدر خود بود هنگامی که مقدسین که در آن مشغول بوده و هستید ظاهر کرده‌اید، فراموش ملکیصدق او را استقبال کرد. ۱۱ و دیگر اگر از کهانات لاوی،

کنده. ۱۱ لکن آرزوی این داریم که هر یک از شما همین جد و کمال حاصل می‌شد (زیرا قوم شریعت را بر آن یافتند)، باز چه

جهد را برای یقین کامل امید تا به انتها ظاهر نمایید، ۱۲ و کاهل احتیاج می‌بود که کاهنی دیگر بر رتبه ملکیصدق می‌عouth شود و مشوید بلکه اقتضا کنید آنانی را که به ایمان و صبروارث وعده‌ها مذکور شود که بر رتبه هارون نیست؟ ۱۲ زیرا هر گاه کهانات می‌باشند. ۱۳ زیرا وقتی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون به تغییر می‌پنیرد، البته شریعت نیز تبلیل می‌یابد. ۱۳ زیرا او که این

بزرگتر از خود قسم نتوانست خورد، به خود قسم خورد، گفت: سخنان در حق وی گفته می‌شود، از سبط دیگر ظاهر شده است

۱۴ «هر آینه من تو را برکت عظیمی خواهم داد و تو را بی‌نهایت که احادی از آن، خدمت قربانگاه را نکرده است. ۱۴ زیرا واضح کشیرخواهم گردانید.» ۱۵ و همچنین چون صبر کرد، آن وعده را است که خداوند ماز سبط یهودا طلوع فرمود که موسی در حق آن

یافت. ۱۶ زیرا مردم به آنکه بزرگراست، قسم می‌خورند و نهایت سبط از جهت کهانات هیچ نگفت. ۱۵ و نیز بیشتر می‌بین است از

هر مخصوصه ایشان قسم است تا ایاث شود. ۱۷ از اینرو، چون اینکه به مثال ملکیصدق کاهنی بطور دیگر باید ظهور نماید ۱۶

خدا خواست که عدم تغییر اراده خود را به وارثان وعده به تاکید که به شریعت و احکام جسمی می‌عouth نشود بلکه به قوت حیات بی‌شمار ظاهر سازد، قسم در میان آورد. ۱۸ تا به دو امر بی‌تغییر غیرفانی. ۱۷ زیرا شهادت داده شد که «تو تا به ابد کاهن هستی

که ممکن نیست خدار در مورد آنها دروغ گوید، تسلی قوی حاصل بر رتبه ملکیصدق.» (aiōn g165) ۱۸ زیرا که حاصل می‌شود هم شود برای ما که پناه بردیم تا به آن امیدی که در پیش ما گذارده نسخ حکم ساقی بعلت ضعف و عدم فایده آن (از آن جهت

شده است تمسک جوییم، ۱۹ و آن را مثل لنگری برای جان خود که شریعت هیچ چیز را کامل نمی‌گرداند، و هم برآوردن امید ثابت و پایدارداریم که در درون حجاجب داخل شده است، ۲۰ نیکوتر که به آن تقریب به خدامی جوییم. ۲۰ و بقدرت آنکه این

بدون قسم نمی باشد. ۲۱ زیرا ایشان بی قسم کاهن شده‌اند ولیکن ایشان را واگذاردم. ۱۰ و خداوند می گوید این است آن عهدي این با قسم از او که به وی می گوید: «خداوند قسم خورد و تغییر که بعد از آن ایام با خاندان اسرائیل استوار خواهم داشت که اراده نخواهد داد که تو کاهن ابتدی هستی بر رتبه ملکی صدق.» احکام خود را در خاطر ایشان خواهم نهاد و بدل ایشان مرقوم ضامن آن گردید. ۲۲ و ایشان کاهنان بسیار می شوند، از جهت ایشان را خداخواهم بود و ایشان مرقوم خواهد داشت آنکه موت از باقی بودن ایشان مانع است. ۲۴ لکن وی چون نخواهد گفت خداوند را بشناس زیرا که همه از خرد و بزرگ مرا تا به ابد باقی است، کهانست بی زوال دارد. ۱۲ زیرا تصریحهای ایشان ترجم خواهم فرمود از این جهت نیز قادر است که آنانی را که بوسیله وی نزد خدا و گاهانشان را دیگر به یاد نخواهم آوردم. ۱۳ پس چون «تازه» آیند، نجات بی نهایت بخشد، چونکه دائم زنده است تاشفاعت گفت، اول را کهنه ساخت؛ و آنچه کهنه و پیر شده است، ایشان را بکند. ۲۶ زیرا که ما را چنین رئیس کهنه شایسته است، مشرف بر زوال است.

قدوس و بی آزار و بی عیب و از گناهکاران جدا شده و از آسمانها ۹ خلاصه آن عهد اول را نیز فرایض خدمت و قدس دنیوی بلندر گردیده ۲۷ که هرروز محتاج نباشد به مثال آن روسای بود. ۲ زیرا خیمه اول نصب شد که در آن بود چراغدان و میز و کهنه که اول برای گناهان خود و بعد برای قوم قربانی بگذراند، تان تقدمه، و آن به قدس مسمی گردید. ۳ و در پشت پرده دوم چونکه این را یک بار فقط بهجا آورد هنگامی که خود را به قربانی بگذراند. ۲۸ از آنرو که شریعت مردمانی را که کمزوری دارند گاهن می سازد، لکن کلام قسم که بعد از شریعت است، پسرا که تابدالا باد کامل شده است. (aiōn g165)

۸ پس مقصود عده از این کلام این است که برای ما چنین تخت رحمت سایه گستر می بودند والان جای تفصیل آنها نیست. رئیس کهنه‌ای هست که درآسمانها به دست راست تخت کریا ۴ پس چون این چیزها بدینطور آراسته شد، کهنه بجهت ادای نشسته است، ۲ که خادم مکان اقدس و آن خیمه حقیقی است لوازم خدمت، پیوسته به خیمه اول درمی آیند. ۷ لکن در دوم که خداوند آن را بربا نمود نه انسان. ۳ زیرا که هرئیس کهنه سالی یک مرتبه رئیس کهنه‌تهها داخل می شود؛ و آن هم نه بدون مقرر می شود تا هدایا و قربانی هابگراند؛ و از این جهت واجب خونی که برای خود و برای جهالت قوم می گذراند. ۸ که به این است که او را نیز چیزی باشد که بگذراند. ۴ پس اگر بر زمین می همه روح القدس اشاره می نماید بر اینکه مدامی که خیمه اول بود، کاهن نمی بود چون کسانی هستند که به قانون شریعت برپاست، راه مکان اقدس ظاهر نمی شود. ۹ و این مثلی است هدایا را می گذراند. ۵ و ایشان شبهی و سایه چیزهای آسمانی را برای زمان حاضر که بحسب آن هدایا و قربانی ها را می گذراند که خدمت می کنند، چنانکه موسی ملهم شد هنگامی که عازم بود قوت ندارد که عبادت کننده را از جهت ضمیر کامل گرداند، ۱۰ که خیمه را بسازد، زیرا بدو می گوید: «اگاه باش که همه چیز چونکه اینها با چیزهای خودنی و آشامیدنی و طهارات مختلفه، را به آن نمونه‌ای که در کوه به تو نشان داده شد بسازی.» ۶ فقط فرایض جسدی است که تا زمان اصلاح مقرر شده است. لیکن مسیح چون ظاهر شد تا رئیس کهنه نعمتهای آینده

۱۱ عهدينکوتیر نیز هست که بر وعده های نیکوت مرتب است، به مقداری که متوسط بشد، به خیمه بزرگ و کاملتر و ناساخته شده به دست یعنی که اگر آن اول بی عیب می بود، جایی برای دیگری طلب نمی شد. ۸ از این خلقت نیست، ۱۲ و نه به خون بزها و گوساله‌ها، بلکه چنانکه ایشان را ملامت کرده، می گوید: «خداوند می گوید اینک به خون خود، یک مرتبه فقط به مکان اقدس داخل شد و فدیه ایامی می آید که با خاندان اسرائیل و خاندان یهودا عهده‌ی تازه ابتدی را یافت. (aiōnios g166) ۱۳ زیرا هر گاه خون بزها و استوار خواهم نمود. ۹ نه مثل آن عهدي که با پدران ایشان بستم، گلوان و خاکستر گوساله چون بر آلدگان پاشیده می شود، تا به در روزی که من ایشان را دستگیری نمودم تا از زمین مصربی‌آزادم، طهارت جسمی مقدس می سازد، ۱۴ پس آیا چند مرتبه زیاده، زیرا که ایشان در عهد من ثابت نماندند. پس خداوند می گوید من خون مسیح که به روح ازلی خویشن را بی عیب به خداگذراند،

ضمیر شما را از اعمال مرده طاهرنخواهد ساخت تا خدای زنده را سوختنی و قربانی های گاه رغبت نداشتی. ۷ آنگاه گفتم، اینک خدمت نمایید؟^(aiōnios g166) ۱۵ و از این جهت او موسط می آیم (در طومار کتاب درحق من مکوب است) تا اراده تو عهد تازه‌ای است تا چون موت برای کفاره تصصیرات عهد اول رای خدا بجا آورم.» ۸ چون پیش می گوید: «هدايا و قربانی ها بوقوع آمد، خوانده‌شدگان و عده میراث ابدی راپیاند.^(aiōnios g166) ۹ زیرا در هر جایی که وصیتی است، لابداست که رغبت نداشتی، » که آنها را بحسب شریعت می گذراند، ۹ بعد موت وصیت کننده را تصور کنند، ۱۰ زیرا که وصیت بعد از موت گفت که «اینک می آیم تا اراده تو رای خدا بجا آورم.» پس اول ثابت می شود؛ زیرا مادامی که وصیت کننده زنده است، استحکامی را بروی دارد، تا دوم را استوار سازد. ۱۰ و به این اراده مقدس ندارد. ۱۱ و از اینرو، آن اول نیز بدون خون برقرارنشد. ۱۹ زیرا که شده‌ایم، به قربانی جسد عیسی مسیح، یک مرتبه فقط. ۱۱ و هر چون موسی تمامی احکام را بحسب شریعت، به سمع قوم رسانید، کاهن هر روزه به خدمت مشغول بوده، می ایستد و همان قربانی ها خون گوسل‌ها و براها را با آب و پشم قرمز و زوفاگرفته، آن را بر را مکرر می گذراند که هرگز رفع گناهان را نمی تواند کرد. ۱۲ خود کتاب و تمامی قوم پاشید؛ ۲۰ و گفت: «این است خون آن لکن او چون یک قربانی برای گناهان گذرانید، به دست راست عهده که خدا باشما قرار داد.» ۲۱ و همچنین خیمه و جمیع خدا بنشست تا ابدالاًباد. ۱۳ و بعد از آن منتظر است تادشمنانش آلات خدمت را نیز به خون بیالود. ۲۲ و بحسب شریعت، تقریب پای انداز او شوند. ۱۴ از آنرو که به یک قربانی مقدسان را کامل همه‌چیز به خون طاهر می شود و بدون ریختن خون، آمرزش نیست. گردانیده است تا ابدالاًباد. ۱۵ و روح القدس نیزیرای ما شهادت ۲۳ پس لازم بود که مثل های چیزهای سماوی به اینها طاهر شود، می‌دهد، زیرا بعد از آنکه گفته بود: «این است آن عهده که لکن خود سماویات به قربانی های نیکوتراز اینها. ۲۴ زیرا مسیح بعد از آن ایام با ایشان خواهم بست، خداوند می گوید احکام خود به قدس ساخته شده به دست داخل نشد که مثال مکان حقیقی را در دلهای ایشان خواهم نهاد و بر ذهن ایشان مرقوم خواهم است؛ بلکه به خود آسمان تا آنکه الان در حضور خدا بجهت ما داشت، ۱۷ (باز می گوید) و گناهان و خطایای ایشان را دیگر به یاد ظاهر شود. ۲۵ و نه آنکه جان خود را با رها قربانی کند، مانند آن نخواهم آورد.» ۱۸ اما جایی که آمرزش اینها هست، دیگر قربانی رئیس کهنه که هر سال با خون دیگری به مکان اقدس داخل گناهان نیست. ۱۹ پس ای بارداران، چونکه به خون عیسی دلیری می شود؛ ۲۶ زیرا در این صورت می بایست که او از بنیاد عالم داریم تا به مکان اقدس داخل شویم. ۲۰ از طریق تازه و زنده که آن بارها زحمت کشیده باشد. لکن الان یک مرتبه در اوخر عالم را بجهت ما از میان پرده یعنی جسم خود مهیا نموده است، ۲۱ و ظاهر شد تا به قربانی خود، گاه را محو سازد.^(aiōn g165) ۲۷ کاهنی برگ را بر خانه خدا داریم، ۲۲ پس به دل راست، در و چنانکه مردم را یک بار مردن و بعد از آن جزا یافتن مقرر است، یقین ایمان، دلهای خود را از ضمیر بد پاشیده و بدنهای خود را به ۲۸ همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری آب پاک غسل داده، نزدیک بیاییم؛ ۲۳ و اعتراف امید را محکم را فرع نماید، بار دیگر بدون گناه، برای کسانی که منتظر او نگاه داریم زیرا که وعده‌دهنده امین است. ۲۴ و ملاحظه یکدیگر را می باشند، ظاهر خواهد شد بجهت نجات.

آمدن در جماعت غافل نشویم چنانکه بعضی را عادت است، ۱۰ زیرا که چون شریعت را سایه نعمت‌های آینده است، نه بلکه یکدیگر را نصیحت کنیم و زیادتر به اندازه‌ای که می بینید که نفس صورت آن چیزها، آن هرگز نمی تواند هر سال به همان قربانی آن روز نزدیک می شود. ۲۶ زیرا که بعد از پذیرفتن معرفت راستی هایی که پیوسته می گذراند، تقرب جویندگان را کامل گرداند. ۲ آگر عملد گاهکار شویم، دیگر قربانی گناهان باقی نیست، ۲۷ والا آیا گذرانیدن آنها موقوف نمی شدچونکه عبادت کنندگان، بعد بلکه انتظار هولناک عذاب و غیرت آتشی که مخالفان را فرو از آنکه یک بار پاک شدند، دیگر حس گناهان را در ضمیر نمی خواهد برد. ۲۸ هر که شریعت موسی را خوار شمرد، بدون رحم به داشتند؟ ۳ بلکه در اینها هر سال یادگاری گناهان می شود. ۴ زیرا دویا سه شاهد کشته می شود. ۲۹ پس به چه مقدار گمان می کنید محال است که خون گاوهاو براها رفع گناهان را بکند. ۵ لهذا که آن کس، مستحق عقوبات سخت تر شمرده خواهد شد که پسر هنگامی که داخل جهان می شود، می گوید: «قربانی و هدیه را خدا را پیام کرد و خون عهده را که به آن مقدس گذرانیده شد، نخواستی، لکن جسدی برای من مهیا ساختی. ۶ به قربانی های ناپاک شمرد و روح نعمت رای حرمت کرد؟ ۳۰ زیرا می شناسیم

او را که گفته است: «خداؤند می‌گوید انتقام از آن من است؟ نمود. ۱۰ زانرو که متربق شهری باپیاد بود که معمار و سازنده آن من مکافات خواهم داد.» و ایض: «خداؤند قوم خودرا داوری خداست. ۱۱ به ایمان خود ساره نیز قوت قبول نسل یافت و بعد خواهد نمود.» ۲۱ افتدان بدستهای خدای زنده چیزی هولناک از اتفاقات وقت زاید، چونکه وعده‌هنده را امین دانست. ۱۲ و است. ۲۲ ولیکن ایام سلف را به یاد آورید که بعد از آنکه مبور از این سبب، ازیک نفر و آن هم مرد، مثل ستارگان آسمان، کثیر و گردید، متتحمل مجاهدهای عظیم از دردها شدید، ۲۳ چه از مانند ریگهای کنار دریا، بی شمار زاییده شدند. ۱۳ در ایمان همه اینکه از دشمنها و سلامت تماسای مردم می‌شدید، و چه از آنکه ایشان فوت شدند، درحالیکه وعده‌ها را نیافرته بودند، بلکه آنها را شریک با کسانی می‌بودید که در چنین چیزها بسرمی بودند. ۲۴ از دوردیده، تحيیت گفتند و افشار کردند که بر روی زمین، بیگانه زیرا که با اسیران نیز همدردمی بودید و تاراج اموال خود را نیز به و غریب بودند. ۱۴ زیرا کسانی که همچنین می‌گویند، ظاهر خوشی می‌پذیرفند، چون دانستید که خود شما را درآسمان مال می‌سازند که در جستجوی وطی هستند. ۱۵ و اگر جایی را که از نیکوت و باقی است. ۲۵ پس ترک مکنید دلیری خود را که مقرون آن بیرون آمدند، بخاطر می‌آورند، هراینه فرصت می‌داشتند که به مجازات عظیم می‌باشد. ۲۶ زیرا که شما را صبر لازم است (بدانجا) برگردند. ۱۶ لکن الحال مشتاق وطنی نیکوت یعنی (وطن تالاره خدا را بجا آورده، وعده را بیاید. ۲۷ زیرا که «بعد از اندک» سماوی هستند و از اینرو خدا از ایشان عار ندارد که خدای زمانی، آن آینده خواهد آمد و تاخیر نخواهد نمود. ۲۸ لکن عادل ایشان خوانده شود، چونکه برای ایشان شهری مهیا ساخته است. به ایمان زیست خواهد نمود و اگر مرتد شود نفس من باوی خوش ۱۷ به ایمان ابراهیم چون امتحان شد، اسحاق را گذرانید و آنکه نخواهد شد.» ۲۹ لکن ما از مریدان نیستیم تا هلاک شویم، بلکه وعده‌ها را پذیرفته بود، پس ریگانه خود را قربانی می‌کرد؛ ۱۸ که به او گفته شده بود که «نسل تو به اسحاق خوانده خواهد شد.» از ایمانداران تا جان خود را دریابیم.

۱۹ چونکه یقین دانست که خدا قادر برینگرانیدن از اموات است و همچنین او را درمثیل از اموات نیز بازیافت. ۲۰ به ایمان اسحاق نیز یعقوب و عیسو را درامر آینده برک داد. ۲۱ به ایمان یعقوب در وقت مردن خود، هریکی از پسران یوسف را برک داد و بر سر عصای خود سجده کرد. ۲۲ به ایمان یوسف در حین وفات خود، از خروج پنی اسرائیل اخبار نمود و درباره استخوانهای خود وصیت کرد. ۲۳ به ایمان موسی چون متولد شد، والدینش او را طفلی جمیل یافته، سه ماه پنهان کردند و از حکم پادشاه بیم نداشتند. ۲۴ به ایمان چون موسی بزرگ شد، ابا نمود از اینکه خدا به هدایای او شهادت می‌دهد؛ و بهسبب همان بعد از مردن هنوزگوینده است. ۵ به ایمان خنوج منتقل گشت تا موت را تبیندو نایاب شد چراکه خدا او را منتقل ساخت زیرا قبل از انتقال وی شهادت داده شد که رضامندی خدا را حاصل کرد. ۶ لیکن بدون ایمان تحصیل رضامندی او محل است، زیرا هرکه تقرب به خدا جوید، لازم است که ایمان آورد بر اینکه او هست و جویندگان پسندیده تر داشت از آنکه لذت اندک زمانی گناه را ببرد؛ ۲۶ و عار مسیح را دلو لیکن بزرگ از خوارن مصر پنداشت زیرا که به غضب پادشاه نترسید زیرا که چون آن نادیده را بدید، استوار ماند. ۲۷ به ایمان، عید فصح و پاشیدن خون را بعمل آورد تا هلاک کننده نخست‌زادگان، بر ایشان دست نگذارد. ۲۹ به ایمان، از بحر قلزم به خشکی عبورمودند و اهل مصر قصد آن کرده، غرق شدند. ۲۸ به ایمان حصار اریحا چون هفت روز آن راطوف کرده بودند، به میراث یابد. پس بیرون آمد و نعمی دانست به کجا می‌رود. ۹ و به ایمان در زمین و عده مثل زمین بیگانه غربت پذیرفته و درخیمه‌ها زیرا که جاسوسان را به سلامتی پذیرفته بود. ۲۲ و دیگرچه گوییم؟ با اسحاق و یعقوب که در میراث همین وعده شریک بودند مسکن زیرا که وقت مرا کفاف نمی‌دهد که از جدعون و باراق و شمشون

و یفتاح و داد و سموئیل و انبیا اخبار نمایم، که از ایمان، گردیدم.^{۱۱} لکن هر تادیب در حال، نه از خوشبیها بلکه از دردها تسخیر ممالک کردند و به اعمال صالحه پرداختند و وعده‌ها را می‌نماید، اما در آخرین بیوه عدالت سلامتی را برای آنانی که از آن پذیرفتد و دهان شیران را بستند،^{۲۴} سورت آتش را خاموش کردند ریاضت یافته‌اند بار می‌آورد.^{۱۲} لهذا دستهای افادة و زانهای او ز دم شمشیرها را سرتگار شدند و از ضعف، توانایی یافتند و در سمت شده را استوار نمایید،^{۱۳} و برای پایهای خود راههای جنگ شجاع شدند و لشکرهای غربیار منهزم ساختند.^{۲۵} زنان، راست بسازید تاکسی که لنگ باشد، از طریق منحرف نشود، بلکه مردگان خود را به قیامتی بازیافتد، لکن دیگران مذهب شدند شفا یابد.^{۱۴} و درین سلامتی با همه بکوشید و تقدیسی که بغیر وخلاصی را قبول نکردند تا به قیامت نیکوتبریستند.^{۲۶} و دیگران از آن هیچ کس خداوند را نخواهد دید.^{۱۵} و متصرف باشید مبادا از استههایها و تازیهایها بلکه از بندها و زندان آزموده شدند.^{۲۷} کسی از فیض خدامحرم شود و ریشه مراحت نمو کرده، اضطراب سنگسار گردیدند و با اوه دویاره گشتند. تجربه کرده شدندو به بار آورد و جمعی از آن گلوه گردند.^{۱۶} مباداشخصی زانی یا شمشیر مقنول گشتند. در پوستهای گوسفندان و بیرها محتاج و بی میلات پیدا شود، مانند عیسوکه برای طعامی نخست‌زادگی خود مظلوم و ذلیل و آواره شدند.^{۲۸} آنانی که جهان لایق ایشان نبود، را پفروخت.^{۱۷} زیرا می‌دانید که بعد از آن نیز وقتی که خواست در صحراء و کوهها و مغاره‌ها و شکافهای زمین پراکنده گشتند. وارت برکت شود مردود گردید (زیرا که جای تویه پیدا ننمود) با پس جمیع ایشان با اینکه از ایمان شهادت داده شدند، وعده آنکه با اشکها در جستجوی آن بکوشید.^{۱۸} زیرا تقریب نجسته‌اید را نیافتند.^{۴۰} زیرا خدا برای ماقیزی نیکوتر مهیا کرده است تا به کوهی که می‌توان لمس کرد و به آتش افروخته و نه به تاریکی آنکه بدون ما کامل شوند.

۱۲ تادیب الهی بنابراین چونکه ما نیز چنین ابر شاهدان شنوندگان، التمس کردند که آن کلام، دیگر بدیشان گفته نشود.
 ۲۰ زیرا که متتحمل آن قدغن نتوانستند شد که اگر حیوانی نیز کوه را گرداند خود داریم، هر بار گران و گناهی را که ما را ساخت می‌پیچد دور بکنیم و باصریر در آن میدان که پیش روی ما مقرر شده است بدؤیم،^۲ و به سوی پیشوای کامل کننده ایمان یعنی عیسی نگران باشیم که بجهت آن خوشی که پیش او موضوع بود،^{۲۲} بی حرمتی را ناچیز شمرده، متتحمل صلیب گردید و به دست راست تخت خدا نشسته است.^۳ پس تفکر کنید در او که متتحمل ارواح عادلان مکمل^{۲۴} و به عیسی متوسط عهد جدید و به چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پیدید آمد، مبادا در جانهای خود ضعف کرده،^۴ خسته شوید.^{۲۵} هنوز در جهاد با گناه زنhar از آنکه سخن می‌گوید رو مگردانیدزیرا اگر آنانی که از تا به حدخون مقاومت نکردند،^۵ و تصحیحی را فراموش نموده‌اید که با شما چون با پسران مکالمه می‌کنید که «ای پسر من تادیب خداوند را خوار مشمار و وقتی که از او سرزنش یابی،^۶ خسته خاطر مشو.^۶ زیرا هر که را خداوند دوست می‌دارد، توبیخ می‌فرماید و هر فرزند مقبول خود را به تازیه می‌زنند.^۷ اگر متتحمل تادیب شوید، خدا با شما مثل پایسران رفخار می‌نماید. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تادیب نکد؟^۸ لکن اگر بی تادیب می‌باشید، که همه تا آنهایی که جنبانیده نمی‌شد باقی ماند.^{۲۸} پس چون ملکوتی از آن بهره یافتند،^۹ پس شما حرام زادگانید نه پسران. و دیگر را که نمی‌توان جنبانیده یابیم، شکر به جا بیاوریم تا به خشوع و پدران جسم خود را وقتی داشتمیم که ما را تادیب می‌نمودند و ایشان تواخدا را عبادت پسندیده نماییم.^{۲۹} زیرا خدای ماتاش فروپرندۀ زنده شویم؟^{۱۰} زیرا که ایشان اندک زمانی، موافق صوابید خود ما راتادیب کردند، لکن او بجهت فایده تا شریک قدوسیت او

۱۳ محبت برادرانه برقرار باشد؛ ۲ و از غریب‌نوازی غافل مشوید برادرما تیمتواؤس رهایی یافته است و اگر زود آید، به اتفاق او زیرا که به آن بعضی نادانسته فرشتگان را ضیافت کردند. ۳ اسیران شما را ملاقات خواهم نمود. ۴۴ همه مرشدان خود و جمیع را بخاطر آرید مثل همزندان ایشان، و مظلومان را چون شما نیز در مقدسین راسلام برسانید؛ و آنانی که از ایطالیا هستند، به شناسالم جسم هستید. ۴ نکاح به هر وجه محترم باشد و بسترش غیرجنگ می‌رسانند. ۲۵ همگی شما را فیض باد. آمین.

زیرا که فاسقان و زانیان را خدا داوری خواهد فرمود. ۵ سیرت شما از محبت نفره خالی باشد و به آنچه دارید قناعت کنید زیرا که او گفته است: «تو را هرگز رها نکنم و تو را ترک نخواهی نمود.»^۶ پتابراین ما با دلیری تمام می‌گوییم: «خداآوند مددکننده من است و ترسان نخواهم بود. انسان به من چه می‌کند؟»^۷ مرشدان خود را که کلام خدا را به شما بیان کردن بخاطر دارید و انجام سیرت ایشان راملاحظه کرده، به ایمان ایشان اقتدا نمایید.^۸ عیسی مسیح دیروز و امروز و تا ابدالاًباد همان است. (aiōn g165)^۹

از تعلیم‌های مختلف و غریب از جا بردہ مشوید، زیرا بهتر آن است که دل شما به فیض استوار شود و نه به خواهکهای که آنانی که در آنهاسلوک نمودند، فایده نیافتد. ۱۰ مذبجی داریم که خدمت گذاران آن خیمه، اجازت ندارند که از آن بخورند. ۱۱ زیرا که جسدهای آن حیواناتی که رئیس کهنه خون آنها را به قدس الاقداس برای گناه می‌برد، بیرون از لشکرگاه سوتخته می‌شود. ۱۲ پتابراین، عیسی نیزتا قوم را به خون خود تقدیس نماید، بیرون دروازه عذاب کشید. ۱۳ لهذا عار او را برگرفته، بیرون از لشکرگاه به سوی او ببرویم. ۱۴ زانرو که در اینجا شهری باقی نداریم بلکه آینده را طالب هستیم. ۱۵ پس بوسیله او قربانی تسیح را به خدابگذرانیم، یعنی ثمره لیهای را که به اسم او معتبر باشند. ۱۶ لکن از نیکوکاری و خیرات غافل مشوید، زیرا خدا به همین قربانی‌ها راضی است. ۱۷ مرشدان خود را اطاعت و انتیاد نمایید زیرا که ایشان پاسانی جانهای شما را می‌کنند، چونکه حساب خواهند داد تا آن را به خوشی نه به ناله به‌جا آورند، زیرا که این شما را مفید نیست.

۱۸ برای ما دعا کنید زیرا ما را بقین است که ضمیر خالص داریم و می‌خواهیم در هر امر رفتاریکو نماییم. ۱۹ و بیشتر التماس دارم که چنین کنید تا زودتر به نزد شما باز آورده شوم. ۲۰ پس خدای سلامتی که شیان اعظم گوسفندان یعنی خداوند ما عیسی را به خون عهدابدی از مردگان برخیزانید، (aiōnios g166)^{۲۱} شما را در هر عمل نیکو کامل گرداناد تا اراده او را به‌جا آورید و آنچه منظور نظر او باشد، در شما بعمل آوردبوساطت عیسی مسیح که او را تا ابدالاًباد جلال باد. آمین. (aiōn g165)^{۲۲}

لکن ای برادران از شما التماس دارم که این کلام نصیحت‌آمیر را متحمل شوید زیرا مختص‌صری نیز به شما نوشته‌ام. ۲۳ بدانید که

رانگریست و رفت و فور فراموش کرد که چطور شخصی بود. ۲۵

لکن کسی که بر شریعت کامل آزادی چشم دوخت و در آن ثابت

۱ یعقوب که غلام خدا و عیسی مسیح خداوند است، به ماند، او چون شنونده فراموشکار نمی باشد، بلکه کننده عمل پس دوازده سبط که پراکنده هستند. خوش باشید. ۲ ای برادران من، او در عمل خود مبارک خواهد بود. ۲۶ آنگریزی از شما گمان برد وقتی که در تجربه های گوناگون مبتلا شوید، کمال خوشی دانید. ۳ که پرستنده خدا است و عنان زیان خود را نکشد بلکه دل خود را چونکه می دانید که امتحان ایمان شما صبر را پیدا می کند. ۴ فریب دهد، پرستش او باطل است. ۲۷ پرستش صاف وی عیب لکن صبر را عمل تام خود پاشد تا کامل و تمام شوید و محتاج نزد خدا و پدر این است که پیمان و بیوه زنان را در مصیبت ایشان هیچ چیز نباشد. ۵ واگر از شما کسی محتاج به حکمت پاشد، تقدیم کنند و خود را از آلایش دنیا نگاه دارند.

سوال بکند از خدایی که هر کس را به سخاوت عظامی کند و

۲ ای برادران من، ایمان خداوند ما عیسی مسیح، رب العالم را با ظاهربینی مدارید. ۲ زیرا اگر به کنیسه شما شخصی با انگشتتری زرین و لباس نفیس داخل شود و فقیری نیز باپوشان ناپاک درآید، ۳ و به صاحب لباس فاخر متوجه شده، گویید: «اینجا نیکو بنشین» و به فقیر گویید: «تو در آنجا بایست یا زیر پای انداز من بنشین؟» ۴ آیا در خود متعدد نیستید و دواران خیالات فاسد نشده اید؟ ۵ ای برادران عزیز، گوش دهید. آیا خدا فقیران این جهان را بزنگریده است تا دولتمند در ایمان و وارث آن ملکوتی که به محجان خود و عده فرموده است پشوند؟ ۶ لکن شما فقیر را حقیر شمرده اید. آیا دولتمندان بر شما ستم نمی کنند و شما را در محکمه هانمی کشند؟ ۷ آیا ایشان به آن نام نیکو که بر شما نهاده شده است کفر نمی گویند؟ ۸ اما اگر آن شریعت ملوکانه را برحسب کتاب بهجا آورید یعنی «همسایه خود را مثل نفس خود معحبت نما» نیکو می کنید. ۹ لکن اگر ظاهربینی کنید، گناه می کنید و شریعت شما را به خطاکاری ملزم می سازد. ۱۰ زیرا هرکه تمام شریعت را نگاه دارد و در یک جزو بلغزد، ملزم همه می باشد.

۱۱ زیرا او که گفت: «زنا مکن»، نیزگفت: «قتل مکن». پس هرچند زنا نکنی، اگر قتل کردي، از شریعت تجاوز نمودی. ۱۲ همچنین سخن گویید و عمل نمایید مانند کسانی که برایشان داوری به شریعت آزادی خواهد شد. ۱۳ زیرا آن داوری بی رحم خواهد بود برگری که رحم نکرده است و رحم بر داوری مفتخرمی شود. ۱۴ ای برادران من، چه سود دارد اگر کسی گوید: «ایمان درام» وقتی که عمل ندارد؟ آیا ایمان می تواند او را نجات بخشد؟ ۱۵ پس اگر برادری یا خواهی برخene و محتاج خوارک روزینه باشد، ۱۶ و کسی از شما بدیشان گوید: «به سلامتی بروید و گم و سیر شوید»، لیکن مایحتاج بدن را بدیشان ندهد، چه نفع دارد؟ ۱۷ همچنین ایمان نیز اگر اعمال ندارد، در خود مرده است. ۱۸ بلکه کسی خواهد گفت: «تو ایمان داری و من اعمال دارم. ایمان را ماند که صورت طبیعی خود را در آینه می نگرد. ۲۴ زیرا خود

خود را بدون اعمال به من بسما و من ایمان خود را از اعمال خود ۱۴ لکن اگر در دل خود حسد تلح و تعصب دارید، فخر مکنید و به تو خواهی نمود». ۱۹ تو ایمان داری که خدا واحد است؟ نیکو به ضدحق دروغ مگویید. ۱۵ این حکمت از بالا نازل نمی شود، می کنی! شیاطین نیز ایمان دارند و می لرزند! ۲۰ و لیکن ای مرد بلکه دنیوی و نفسانی و شیطانی است. ۱۶ زیرا هرجایی که حسد باطل، آیا می خواهی دانست که ایمان بدون اعمال، باطل است؟ و تعصب است، درانجا فته و هر امر زشت موجود می باشد. ۱۷ آیا پدر ما ابراهیم به اعمال، عادل شمرده نشد وقتی که پسر لکن آن حکمت که از بالا است، اول ظاهر است و بعد صلح آمیز خود اسحاق را به قربانگاه گذرانید؟ ۲۲ می بینی که ایمان با اعمال و ملایم و نصیحت پذیر و پر از رحمت و میوه های نیکو و بی ترد او عمل کرد و ایمان از اعمال، کامل گردید. ۲۳ و آن نوشته تمام و بی ریا. ۱۸ و میوه عدالت در سلامتی کاشته می شود برای آنانی گشت که می گوید: «ابراهیم به خدا ایمان آورد و برای او به عدالت که سلامتی را بعمل می آورند.

محسوب گردید»، و دوست خدا نامیده شد. ۲۴ پس می بینید که ۴ از کجا در میان شما جنگها و از کجا نزاعهای پدید می آید؟ انسان از اعمال عادل شمرده می شود، نه از ایمان تهها. ۲۵ و آیا نه از لذت های شما که دراعضای شما جنگ می کند؟ ۲ همچنین آیا راحاب فاحشة نیز از اعمال عادل شمرده نشد وقتی که طمع می وزید و ندارید؛ می کشید و حسد می نمایید و نمی توانید به فاصلان را بینزیر فته، به راهی دیگر روانه نمود؟ ۲۶ زیرا جانکه بدن چنگ آرید و چنگ و جدال می کنید و ندارید این جهت که بدون روح مرده است، همچنین ایمان بدون اعمال نیز مرده است. سوال نمی کنید. ۳ و سوال می کنیدو نمی باید، از اینرو که

۳ ای برادران من، بسیار معلم نشوید چونکه می دانید که بر ما به نیت بد سوال می کنید تادر لذات خود صرف نماید. ای داوری سختتر خواهد شد. ۲ زیرا همگی ما بسیار می لغیم. و اگر زانیات، آیا نمی دانید که دوستی دنیا، دشمنی خدا است؟ پس کسی در سخن گفتن ناغردد، او مرد کامل است و می تواند عنان هر که می خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا گردد. ۵ آیا گمان تمام جسد خود را بکشد. ۳ و اینک لگام رابر دهان اسیان دارید که کتاب عیث می گوید روحی که او را در ما ساکن کرده می زینم تا مطبع ما شوند و تمام بدن آنها را برمی گردانیم. ۴ است، تا به غیرت بر ما اشتیاق دارد؟ ۶ لیکن او فیض زیاده اینک کشتهایها نیز چقدر بزرگ است و از بادهای سخت رانده می بخشد. بنابراین می گوید: «خدامتکران را مخالفت می کند، می شود، لکن با سکان کوچک به هر طرفی که اراده ناخدا باشد، اما فروتنان را فیض می بخشد». ۷ پس خدا را اطاعت نماید برگردانیده می شود. ۵ همچنان زبان نیز عضوی کوچک است و با ابلیس مقاومت کنید تا از شما بگزیرد. ۸ و به خدا تقرب سخنان کبرآمیز می گوید. اینک آتش کمی چه جنگل عظیمی گویید تا به شما نزدیکی نماید. دستهای خود را طاطهر سازید، ای را می سوزاند. ۶ وزیان آتشی است! آن عالم ناراستی در میان گناهکاران و دلهای خود را پاک کنید، ای دودلان. ۹ خود را اعضای ما زیان است که تمام بدن را می آلاید و دایره کائنات را خوار سازید و ناله و گریه نمایید و خنده شما به ماتم و خوشی شما می سوزاند و از جهنم سوخته می شود! Geenna g1067) ۷ زیرا به غم مبدل شود. ۱۰ در حضور خدا فروتنی کنید. تاشما را سرافراز که هر طبیعتی از وحش و طیور و حشرات و حیوانات بحری از فرماید. ۱۱ ای برادران، یکدیگررا ناسزا مگویید زیرا هر که برادر طبیعت انسان رام می شود و رام شده است. ۸ لکن زیان را کسی خود را ناسزا گوید و بر او حکم کند، شریعت را ناسزا گفته و از مردمان نمی تواند رام کند. شرارتی سرکش و پر از هر قاتل است! برشیرعت حکم کرده باشد. لکن اگر بر شریعت حکم کنی، عامل ۹ خدا و پدر را به آن متبارک می خوانیم و به همان مردمان را که شریعت نیستی بلکه داورهستی. ۱۲ صاحب شریعت و داور، یکی به صورت خدآفیده شده‌اند، لعن می گوییم. ۱۰ از یک دهان است که بر رهانیدن و هلاک کردن قادر می باشد. پس تو کیستی برکت و لعنت بیرون می آید! ای برادران، شایسته نیست که چنین که بر همسایه خود داوری می کنی؟ ۱۳ هان، ای کسانی که شود. ۱۱ آیا چشممه از یک شکاف آب شیرین و سور جاری می گوید: «امروز و فرداهه فلاں شهر خواهیم رفت و در آنجا یک می سازد؟ ۱۲ یا می شودای برادران من که درخت انجیر، زیتون یا سال پسرخواهیم برد و تجارت خواهیم کرد و نفع خواهیم برد»، درخت مو، انجیر بار آورد؟ و چشممه شور نمی تواند آب شیرین را ۱۴ و حال آنکه نمی دانید که فردا چه می شود؛ از آنرو که حیات موجود سازد. ۱۳ کیست در میان شما که حکم و عالم باشد؟ شما چیست؟ مگریخاری نیستید که اندک زمانی ظاهر است و پس اعمال خود را از سیرت نیکو به تواضع حکمت ظاهر بسازد. بعدن اپدید می شود؟ ۱۵ به عوض آنکه باید گفت که «اگر خدا

بخواهد، زنده می‌مانیم و چنین و چنان می‌کیم.» ۱۶ اما الحال را بازگرداند، ۲۰ بدانده که گناهکار را از ضلالت راه او برگرداند، به عجب خود فخری می‌کشد و هر چنین فخر بد است. ۱۷ پس جانی را از موت رهانیده و گناهان بسیار را پوشانیده است. هر که نیکوبی کردن بداند و بعمل نیارود، او را گناه است.

۵ هان ای دولتمندان، بجهت مصیبتهایی که بر شما وارد می‌آید، گریه و ولوله نمایید. ۲ دولت شما فاسد و رخت شما بیدخورد می‌شود. ۳ طلا و نقره شما را زنگ می‌خورد و زنگ آنها بر شما شهادت خواهد داد و مثل آتش، گوشت شما را خواهد خورد. شما در زمان آخرخرازه اندوخته اید. ۴ اینک مرد عمله های که کشته های شما را درویده اند و شما آن را به فریب نگاه داشته اید، فریاد برمی آورد و ناله های دروغگران، به گوشهای رب الجنود رسیده است. ۵ بر روی زمین به ناز و کامرانی مشغول بوده، دلهای خود را در یوم قتل پروردید. ۶ بر مرد عادل فنی دادید و او را به قتل رسانیده و با شمامقاومت نمی کند. ۷ پس ای برادران، تا هنگام آمدن خداوند صبرکنید. اینک دهقان انتظار می کشد برای محصول گرانبهای زمین و برایش صبر می کند تا باران اولین و آخرین را بیابد. ۸ شما نیز صبر نمایید و دلهای خود را قوی سازید زیرا که آمدن خداوند نزدیک است. ۹ ای برادران، از یکدیگر شکایت مکنید، میادا بر شما حکم شود. اینک داور بر در ایستاده است. ۱۰ ای برادران، نمونه زحمت و صبر را بگیرید از انبیایی که به نام خداوند تکلم نمودند. ۱۱ اینک صابران را خوشحال می گوییم و صبرابوب را شنیده اید و انجام کار خداوند را داشته اید، زیرا که خداوند بغایت مهربان و کریم است. ۱۲ لکن اول همه ای برادران من، قسم مخورید نه به آسمان و نه به زمین و نه به هیچ سوگند دیگر، بلکه بلی شما بلی باشد و نی شما نی، میادا در تعیکم بینفید. ۱۳ اگر کسی از شما مبتلای بلای باشد، دعای بدماید و اگر کسی خوشحال باشد، سرود بخواند. ۱۴ و هرگاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به نام خداوند به روغن تدهین کنند. ۱۵ و دعای ایمان، مريض شما را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد برخیزاند، و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد. ۱۶ نزد یکدیگریه گناهان خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعای کنید تا شفا یابید، زیرا دعای مرد عادل در عمل، قوت بسیار دارد. ۱۷ الیاس مردی بود صاحب حواس مثل ما و به تمامی دل دعا کرد که باران نبارد و تا مدت سه سال و شش ماه نبارد. ۱۸ و باز دعا کرد و آسمان بارید و زمین ثمر خود را روپانید. ۱۹ ای برادران من، اگر کسی از شما از راستی منحرف شود و شخصی او

اول پطرس

گرانهای چون خون بره بی عیب و بی داغ یعنی خون مسیح، ۲۰ که

پیش از بنیاد عالم معین شد، لکن در زمان آخر برای شما ظاهر

۱ به غیرانی که پراکنده‌اند در پنطس و غلاطیه و قپدویه و آسیا گردید، ۲۱ که بوساطت او شما بر آن خدایی که او را از مردگان

و بطانیه؛ ۲ برگردیدگان بحسب علم سابق خدای پدر، به تقدیس برخیزاید او را جلال داد، ایمان آورده‌اید تا ایمان و امیدشما بر

روح برای اطاعت و پاشیدن خون عیسی مسیح. فیض و سلامتی خدا باشد. ۲۲ چون نفسهای خود را به اطاعت راستی طاهر

بر شما افزون باد. ۳ مبارک باد خدا و پسر خداوند ما عیسی ساخته‌اید تا محبت برادرانه بی ریا داشته باشید، پس یکدیگر را از

مسیح که بحسب رحمت عظیم خود ما را بوساطت برخاستن دل بنتد محبت بنمایید. ۲۳ از آنرو که تولد تازه یافند نه از

عیسی مسیح از مردگان از نوتولید نمود برای امید زنده، ۴ بهجهت تحنم فانی بلکه از غیرانی یعنی به کلام خدا که زنده وتا ابدالاباد

میراث بی فساد و بی آلایش و ناپژمرده که نگاه داشته شده است در باقی است. (aiōn g165) ۲۴ زیرا که «هر بشری مانندگیاه است

آسمان برای شما؛ ۵ که به قوت خدام حروس هستید به ایمان گیاه پژمرده شد و گلش ریخت.

برای نجاتی که مهیا شده است تا در ایام آخر ظاهر شود. ۶ و در ۲۵ لکن کلمه خدا تا بدلاباد باقی است.» و این است آن

آن وجود می‌نمایید، هرچند در حال، انکدی از راه ضرورت در کلامی که به شما بشارت داده شده است. (aiōn g165)

تجربه‌های گوناگون محروم شده‌اید، ۷ تا آزمایش ایمان شما که

۲ لهذا هر نوع کیهه و هر مکر و ریا و حسد و هر قسم بدگویی را

از طلای فانی بازرموده شدن در آتش، گرانهایتر است، برای تسبیح

ترک کرده، ۲ چون اطفال نوزاده، مشتاق شیر روحانی و بی‌غش

باشید تا از آن برای نجات نمو کنید، ۳ اگر قی الواقع چشیده‌اید

که خداوند مهربان است. ۴ و به او تقریب جسته، یعنی به آن

سنگ زنده رد شده از مردم، لکن نزد خدا برگزیده و مکرم. ۵ شما

نیز مثل سنگهای زنده بنا کرده می‌شوید به عمارت روحانی و

کهانت مقدس تا قربانی های روحانی و مقبول خدا را بواسطه

عیسی مسیح بگذرانید. ۶ بنابراین، در کتاب مکتوب است که

«اینک می‌نهم در صهیون سنگی سر زاویه برگزیده و مکرم و هر که

به وی ایمان آورد خجل تحواهد شد.» ۷ پس شما را که ایمان

دارید اکرام است، لکن آنانی را که ایمان ندارند، «آن سنگی که

معماران رد کردن، همان سر زاویه گردید»، ۸ و «سنگ لغزش

دهنده و صخره مصادم»، زیرا که اطاعت کلام نزدیکه، لغزش

می‌خورند که برای همین معین شده‌اند. ۹ لکن شما قبیله برگزیده

و کهانت ملوکانه وامت مقدس و قومی که ملک خاص خدا

باشد هستید تا فضایل او را که شما را از ظلمت، به نور عجیب خود

خوانده است، اعلام نمایید. ۱۰ که سابق قومی نبودید و الان

قوم خدا هستید. آن وقت از رحمت محروم، اما الحال رحمت

کرده شده‌اید. ۱۱ ای محبوبان، استدعا دارم که چون غریبان و

ییگانگان از شهوات جسمی که با نفس در نزاع هستند، اجتناب

نمایید؛ ۱۲ و سیرت خود را در میان امتهای نیکو دارید تا در همان

امری که شمارا مثل بدکاران بد می‌گویند، از کارهای نیکوی شما

که بینند، در روز تفقد، خدا را تعجید نمایید. ۱۳ لهذا هر منصب

بشری را بخاطر خداوندان اطاعت کنید، خواه پادشاه را که فوق همه

خود یافته‌اید نه به چیزهای فانی مثل نقره و طلا، ۱۹ بلکه به خون

است، ۱۴ و خواه حکام را که رسولان وی هستند، بجهت انتقام ۹ و بدی بعوض بدی و دشتم بعوض دشام مدهید، بلکه بر عکس کشیدن از بدکاران و تحسین نیکوکاران. ۱۵ زیرا که همین است برکت بطلیبد زیرا که می‌دانید برای این خوانده شده‌اید تا وارد اراده خدا که به نیکوکاری خود، جهالت مردمان بی‌فهم را ساخت برکت شوید. ۱۰ زیرا «هر که می‌خواهد حیات را دوست دارد و ایام نمایید، ۱۶ مثل آزادگان، اما نه مثل آنانی که آزادی خود را پوشش نیکو بیند، زبان خود را از بدی و لبهای خود را از فرب گفتن باز شرارت می‌سازند بلکه چون بندگان خدا. ۱۷ همه مردمان را بدارد؛ ۱۸ از بدی اعراض نماید و نیکویی را به جا آورد؛ سلامتی احترام کنید. برادران را محبت نمایید. از خدا پترسید. پادشاه را بطلیبد و آن را تعاقب نمایید. ۱۲ از آنرو که چشمان خداوند را محترام نمایید. ۱۸ ای نوکران، مطیع آقایان خود باشید با کمال بر عادلان است و گوشاهای او به سوی دعای ایشان، لکن روی ترس؛ و نه فقط صالحان و مهربانان را بلکه کج خلقان را نیز. ۱۹ خداوند بر بدکاران است.» ۱۳ و اگر برای نیکویی غیره هستید، زیرا این ثواب است که کسی بجهت ضمیری که چشم بر خدا کیست که به شما ضرری برساند؟ ۱۴ بلکه هرگاه برای عدالت دارد، در وقتی که ناچر زحمت می‌کشد، دردها را متهم شود. زحمت کشیدید، خوشحال شما. پس از خوف ایشان ترسان و ۲۰ زیرا چه فخر دارد هنگامی که گناهکار بوده، تازیانه خورید و مضطرب مشوید. ۱۵ بلکه خداوند مسیح را در دل خود تقدیس متحمل آن شوید. لکن اگر نیکوکار بوده، زحمت کشید و صیر نمایید و پیوسته مستعد باشید تا هر که سبب امیدی را که دارید از کنید، این نزد خدا ثواب است. ۲۱ زیرا که برای همین خوانده شما پیرسید، او را جواب دهید، لیکن با حلم و ترس. ۱۶ و ضمیر شده‌اید، چونکه مسیح نیز برای ما عذاب کشید و شما را نمونه‌ای خود را نیکو بردارید تأثیری که بر سیرت نیکوی شما در مسیح گذاشت تا در اثر قدمهای وی رفتار نماید. ۲۲ «که هیچ گناه طعن می‌زنند، در همان چیزی که شما را بد می‌گویند خجالت نکرد و مکر در زبانش یافت نشد.» ۲۳ چون او را دشنام می‌دادند، کشیدن، ۱۷ اگر اراده خدا چنین است، نیکوکار بودن و زحمت دشنام پس نمی‌داد و چون عذاب می‌کشید تهدیدنامی نمود، کشیدن، بهتر است ازید کردار بودن. ۱۸ زیرا که مسیح نیز برای بلکه خوبیش را به داور عادل سالمی کرد. ۲۴ که خود گناهان ما گناهان یک باز زحمت کشید، یعنی عادلی برای ظالمان، تا ما را را در بدن خویش بردار متهم شد تا از گناه مرده شده، به عدالت نزد خدا بیاورد؛ در حالیکه بحسب جسم مرد، لکن بحسب روح زیست نمایم که به ضریبها او شفا یافته‌اید. ۲۵ از آنرو که مانند زنده گشت، ۱۹ و به آن روح نیز رفت و موعظه نمود به ارواحی گوسفندان گمشده بودید، لکن الحال به سوی شبان و اسقف که در زندان بودند، ۲۰ که سابق نافرمانی‌دار بودند هنگامی که حلم خدا در ایام نوح انتظار می‌کشید، وقتی که کشته بنا می‌شد، که جانهای خود برگشته‌اید.

۳ همچنین ای زنان، شهربان خود را اطاعت نمایید تا اگر نمونه آن یعنی تعمید اکنون ما را نجات می‌بخشد (نه دور کردن بعضی نیز مطیع کلام نشوند، سیرت زنان، ایشان را بدون کلام کشافت جسم بلکه امتحان ضمیر صالح به سوی خدا) بواسطه دریابد، ۲ چونکه سیرت طاهر و خداترس شما را بینند. ۳ و شما رازبینت ظاهري نباشد، از بافن موی و متخلص شدن به طلا و خدا است و فرشتگان و قدرتها و قوات مطیع او شده‌اند. پوشیدن لباس، ۴ بلکه انسانیت باطنی قلبی در لباس غیر فاسد

روح حليم و آرام که نزد خدا گرانبهاست. ۵ زیرا بدنگونه زنان ۶ لهذا چون مسیح بحسب جسم برای مازحمت کشید، شما مقدسه درسابق نیز که متوكل به خدا بودند، خوبیشان رازبینت نیز به همان نیت مسلح شوید زیرا آنکه بحسب جسم زحمت می‌نمودند و شهربان خود را اطاعت می‌کردند. ۶ مانند ساره کشید، از گناه بازداشته شده است. ۲ تا آنکه بعد از آن مابقی که ابراهیم را مطیع می‌بودو او را آقا می‌خواند و شما دختران او عمر را در جسم نه بحسب شهوت انسانی بلکه موافق اراده خدا شده‌اید، اگر نیکویی کنید و از هیچ خوف ترسان نشوید. ۷ و بسر برد. ۳ زیرا که عمر گذشته کافی است برای عمل نمودن به همچنین ای شهربان، با فضلات با ایشان زیست کنید، چون با خواهش امتهای و در فجور و شهوت و می‌گساري و عيashi و ظروف ضعيف تر زنانه، وايشان را محترم داريد چون با شما وارث بزمهاو بت پرستيهای حرام رفتار نمودن. ۴ و در اين متعجب هستند فيض حيات نیز هستند تا دعاهای شما بازداشته نشود. ۸ خلاصه که شما همراه ایشان به سوی همین اسراف اوپاشی نمی‌شتابید و همه شما یکراي و همدرد و برادردوست و مشفق و فروتن باشید. شما را دشنام می‌دهند. ۵ و ایشان حساب خواهند داد بدو که

مستعد است تا زندگان و مردگان را داوری نماید. ۶ زیرا که تمام اندیشه خود را به وی واگذارید زیرا که اورای شما از اینجهت نیز به مردگان بشارت داده شد تا بر ایشان موافق فکر می‌کند. ۸ هشیار و بیدار باشید زیرا که دشمن شما ابليس مردم بحسب حسم حکم شود و موافق خدا بحسب روح زیست مانند شیر غران گردش می‌کند و کسی را می‌طلبد تا بیلعد. ۹ پس نمایند. ۷ لکن انهای همچیز نزدیک است. پس خرداندیش و به ایمان استوار شده، با او مقاومت کنید، چون آگاه هستید که نمایند. ۱۰ اول همه با یکدیگر بشدت محبت همین زحمات بر برادران شما که در دنیا هستند، می‌آید. ۱۱ و برای دعا هشیار باشید. ۱۲ او اول همه با یکدیگر بشدت محبت همین زحمات بر برادران شما که در دنیا هستند، می‌آید. ۱۳ نمایند زیرا که محبت کثیر گناهان را می‌پوشاند. ۱۴ و یکدیگر را خدای همه فیضها که ما را به جلال ابدی خود در عیسی مسیح بدروں همهمه مهمانی کنید. ۱۵ و هر یک بحسب نعمتی که یافته خوانده، است، شما را بعداز کشیدن زحمتی قلیل کامل و استوار و باشد، یکدیگر را در آن خدمت نماید، مثل وکلاه امین فیض **توanaxواهد ساخت.** (g166 aiōnios) ۱۶ او را تا ابدالاً باد جلال گوناگون خدا. ۱۷ اگر کسی سخن گوید، مانند اقوال خدا بگوید و توانایی باد، آمین. (g165 aiōn) ۱۸ به توسط سلوانس که او را و اگر کسی خدمت کند، برسحب توانایی که خدا بدو داده باشد برادر امین شمامی شمارم، مختصراً نوشتم و نصیحت و شهادت پکند تا در همه‌چیز، خدا بواسطه عیسی مسیح جلال یابد که او می‌دهم که همین است فیض حقیقی خدا که بر آن قائم هستید. را جلال و توانایی تا ابدالاً باد هست، آمین. (g165 aiōn) ۱۹ خواهر برگزیده با شما که در بابل است و پسر من مرقس به ای حبیان، تعجب ننماید از این آتشی که در میان شمامت و شما سلام می‌رسانند. ۲۰ یکدیگر را به بوسه محبتانه سلام نماید بجهت امتحان شما می‌آید که گویا چیزی غریب بر شما واقع و همه شما را که در مسیح عیسی هستید، سلام باد آمین.

شده باشد. ۲۱ بالکه بقدری که شریک زحمات مسیح هستید، خشنودشود تا در هنگام ظهور جلال وی شادی و جدناهید. ۲۲ اگر بخار نام مسیح رسایی می‌کشید، خوشبحال شما زیرا که روح جلال وروح خدا بر شما آرام می‌گیرد. ۲۳ پس زنهار هیچ‌یکی از شما چون قاتل یا زدی یا شریف یا فضول عذاب نکشد. ۲۴ لکن اگر چون مسیحی عذاب بکشد، پس شرمده نشود بلکه به این اسم خدا راتمجید نماید. ۲۵ زیرا این زمان است که داوری ازخانه خدا شروع شود؛ و اگر شروع آن از ماست، پس عاقبت کسانی که انجیل خدا را اطاعت نمی‌کنند چه خواهد شد؟ ۲۶ و اگر عادل به دشواری نجات یابد، بی‌دین و گناهکار کجا یافت خواهد شد؟ ۲۷ پس کسانی نیز که برسحب اراده خدا زحمت کشند، جانهای خود را در نیکوکاری به خالق امین بسپارند.

۵ پیران را در میان شما نصیحت می‌کنم، من که نیز با شما پیر هستم و شاهد بر زحمات مسیح و شریک در جلالی که مکشف خواهد شد. ۶ گله خدا را که در میان شمامت بچارانید و نظارت آن را بکنید، نه به زور بلکه به رضامندی ونه بجهت سود قیبح بلکه به رغبت؛ ۷ و نه چنانکه بر قسمت های خود خداوندی بکنید بلکه بجهت گله نمونه باشید، ۸ تا در وقتی که رئیس شبانان ظاهر شود، تاج ناپمرده جلال را بیایید. ۹ همچنین ای جوانان، مطیع پیران باشید بلکه همه با یکدیگر فروتنی را بر خود بینندید زیرا خدابا متکبران مقاومت می‌کنند و فروتنان را فیض می‌بخشد. ۱۰ پس زبردست زورآور خدا فروتنی نمایند تا شما را در وقت معین سرافراز

دوم پطرس

رانخست بدانید که هیچ نبوت کتاب از تفسیر خودنی نیست.

۲۱ زیرا که نبوت به اراده انسان هرگزارود نشد، بلکه مردمان به

۱ شمعون پطرس، غلام و رسول عیسی مسیح، به آنانی که روح القدس مجنوب شده، از جانب خدا سخن گفتند.

ایمان گرانها را به مساوی مایه‌هاند، در عدالت خدای ما و عیسی

۲ لکن در میان قوم، انبیای کلیه نیز بودند، چنانکه در میان مسیح نجات‌دهنده. ۲ فیض و سلامتی در معرفت خدا و خداوند

شمایعی بر شما افروز باد. ۳ چنانکه قوت الهی او همه‌چیزهایی را ماعیسی بر شما افروز باد.

که برای حیات و دینداری لازم است، به ما عنایت فرموده است،

به معرفت او که ما را به جلال و فضیلت خود دعوت نموده، ۴ که مسیح نجات‌دهنده های بینهایت عظیم و گرانها به ما داده شد

بوساطت آنها عده های بینهایت عظیم و گرانها به از شهوت

تاشما به اینها شریک طبیعت الهی گردید و افزاسدی که از شهوت در جهان است، خلاصی یاید. ۵ و به همین جهت، کمال

سعی نموده، درایمان خود فضیلت پیدا نماید ۶ و در فضیلت،

علم و در علم، عفت و در عفت، صبر و در صبر، دینداری ۷ و

در دینداری، محبت برادران و در محبت برادران، محبت را. ۸ زیرا

هرگاه اینها در شما یافت شود و بیفراید، شما را نمی گذارد که

در معرفت خداوند ما عیسی مسیح کاهل یا بی‌ثمر بوده باشید. ۹

زیرا هرگاه اینها را ندارد، کور و کوتاه نظر است و تطییر گناهان

گذشته خود را فراموش کرده است. ۱۰ لهدایی برادران بیشتر

جد و جهد کنید تادعوت و برگردانگی خود را ثابت نمایید زیرا

اگرچنان کنید هرگز لغزش نخواهید خورد. ۱۱ و همچنان دخول در

ملکوت جاودانی خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح به شما

به دولتمندی داده خواهد شد. (aiōnios g166) ۱۲ لهدایی از

پیوسته یاد دادن شما از این امور غفلت نخواهیم وزید، هرچند آنها را

می‌دانید و در آن راستی که نزد شما است استوار هستید. ۱۳ لکن

این را صواب می‌دانم، مادامی که در این خیمه هستم، شما را به

یاد آوری برانگذارم. ۱۴ چونکه می‌دانم که وقت بیرون کردن خیمه

من نزدیک است، چنانکه خداوند ما عیسی مسیح نیز مرآ آگاهانید.

۱۵ و برای این نیز کوشش می‌کنم تاشما در هر وقت بعد از رحلت

من، بتوانید این امور را یاد آورید. ۱۶ زیرا که در بی‌افسانه‌های

جهانی نزفیم، چون از قوت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح شما را

خداآوند برایشان حکم افترا نمی‌زنند. ۱۷ لکن اینها چون حیوانات

غیرناتاطق که برای صید و هلاکت طبع متولد شده‌اند، ملامت

خود را به کارهای قبیح ایشان هر روزه رنجیده می‌داشت. ۱۸ پس

خداآوند می‌داند که عادلان را از تجربه رهایی دهد و ظالمان را تا

به روز جوا در عذاب نگاه دارد. ۱۹ خصوص آنانی که در شهوت

نجاست در بی‌جسم می‌روند و خداوندی را حقیر می‌دانند. ۲۰ و

حال آنکه فرشتگانی که در قارت و قوت افضل هستند، پیش

خداآوند برایشان حکم افترا نمی‌زنند. ۲۱ لکن اینها چون حیوانات

غیرناتاطق که برای صید و هلاکت طبع متولد شده‌اند، ملامت

من، بتوانید این امور را یاد آورید. ۲۲ زیرا که در بی‌افسانه‌های

جهانی نزفیم، چون از قوت و آمدن خداوند ما عیسی مسیح شما را

اغلام دادیم، بلکه کبیرایی او را دادیم بودیم. ۲۳ زیرا از خدای پدر

های محبتانه خود عیش و عشرت می‌نمایید و قنی که با شما شادی

اکرام و جلال یافت هنگامی که آوازی از جلال کبیرایی به اوسیید

که «این است پسر حبیب من که از وی خشنودم.» ۲۴ و این آواز

می‌کنند. ۲۵ چشم‌های پر از زنا دارند که از گاه بازداشته نمی

را زمانی که با وی درکوه مقدس بودیم، شنیدیم که از آسمان

آورده شد. ۲۶ و کلام اینها را نیز محکم تر داریم که نیکومی کنید

خود را برای طمع ریاضت داده‌اند، ۲۷ و راه مستقیم را ترک

کرده، گمراه شدند و طرق بلعام بن بصور را که مزد ناراستی

اگر در آن اهتمام کنید، مثل چراگی درخششده در مکان تاریک تا

روز بشکافد و ستاره صبح در دلهای شما طلوع کند. ۲۸ لکن او از تقصیر خود

توبیخ یافت که حمار گنگ به زیان انسان مبتلی شده، دیوانگی چطور مردمان باید باشید، در هرسیرت مقدس و دینداری؟^{۱۲} و نبی را توبیخ نمود.^{۱۷} اینها چشمۀ های بی آب و مه های رانده آمدن روز خادرا انتظار بکشید و آن را بشتابانید که در آن آسمانها شده به باد شدید هستند که برای ایشان ظلمت تاریکی جاودانی، سوخته شده، از هم منفرق خواهند شد و عناصر از حرارت گداخه مقرر است.^{۱۸} زیرا که سخنان تکبرآمیز و باطل خواهد گردید.^{۱۳} ولی بحسب وعده او، منتظر آسمانها جدید می گویند و آنانی را که از اهل ضلالت تازه رستگار شده‌اند، در و زمین جدید هستیم که در آنها عدالت ساکن خواهد بود.^{۱۴} دام شهوات به فجور جسمی می‌کشند،^{۱۹} و ایشان را به آزادی لهذای حبیبان، چون انتظار این چیزها رامی کشید، جد و جهد وعده می‌دهند و حال آنکه خود غلام فساده‌ستند، زیرا هرچیزی که نمایند تا نزد او بی‌داع و بی‌عیب در سلامتی یافت شوید.^{۱۵} و بر کسی غلبه یافته باشد، او نیز غلام آن است.^{۲۰} زیرا هرگاه به تحمل خداوند ما را نجات دانید، چنانکه برادر حبیب مایولس نیز معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح ازآلایش دنیوی برسحب حکمتی که به وی داده شد، به شما نوشت.^{۱۶} و رستند و بعد از آن، بار دیگر گرفتارو مغلوب آن گشتند، اواخر همچنین در سایر رساله های خود این چیزها را بیان می‌نماید که ایشان از اوایل بدترمی شود.^{۲۱} زیرا که برای ایشان بهتر می‌بود که در آنها بعضی چیزهایست که فهمیدن آنها مشکل است و مردمان راه عدالت را ندانسته باشند از اینکه بعد از دانستن بار دیگر از آن بی‌علم و نایابدار آنها را مثل سایر کتب تحریف می‌کنند تا به حکم مقدس که بدیشان سپرده شده بود، برگردند.^{۲۲} لکن معنی هلاکت خود برستند.^{۲۳} پس شمامی حبیبان، چون این امور را مثل حقیقی بر ایشان راست آمد که «سگ به قی خود رجوع کرده ازپیش می‌دانید، باحذر باشید که مبادا به گمراهی بی‌دینان ریوده شده، از پایداری خود بیتفید.

۱۸ بلکه در فیض و معرفت خداوند و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح ترقی کنید، که او را از کنون است و خنزیر شسته شده، به غلطیان در گل.»

۳ این رساله دوم رای حبیبان الان به شمامی نویسم که به تابدالاپاد جلال باد. آمین. (aiōn g165)

این هردو، دل پاک شما را به طریق یادگاری برمی انگیزانم،^۲ تا بخاطر آریدکلماتی که انبیای مقدس، پیش گفته‌اند و حکم خداوند و نجات‌دهنده را که به رسولان شما داده شد.^۳ و نخست این را می‌دانید که در ایام آخرسته‌هاین با استهرا ظاهر خواهند شد که بر وفق شهوات خود رفتار نموده،^۴ خواهند گفت: «کجاست وعده آمدن او؟ زیرا از زمانی که پدران به خواب رفند، هرچیز به همینطوری که ازابدای آفرینش بود، باقی است.»^۵ زیرا که ایشان عمد از این غافل هستند که به کلام خدا آسمانها از قدیم بود و زمین از آب و به آب قائم گردید.^۶ و به این هردو، عالمی که آن وقت بود در آب غرق شده، هلاک گشت.^۷ لکن آسمان و زمین الان به همان کلام برای آتش ذخیره شده و تا روز داوری و هلاکت، مردم بی‌دین نگاه داشته شده‌اند.^۸ لکن ای حبیبان، این یک چیز از شما مخفی نماند که یک روز نزد خدا خودتاخیر نمی‌نماید چنانکه بعضی تاخیرمی پندازند، بلکه بر شما تحمل می‌نماید چون نمی‌خواهد که کسی هلاک گردد بلکه همه به توهه گرایند.^۹ لکن روز خداوند چون دزد خواهد آمد که در آن آسمانها به صدای عظیم زایل خواهند شد و عناصر سوخته شده، از هم خواهد پاشید و زمین و کارهایی که در آن است سوخته خواهد شد.^{۱۰} پس چون جمیع اینها منفرق خواهند گردید، شما

ساکن است و لغوش در وی نیست. ۱۱ اما کسی که از پرادر خود

نفرت دارد، در تاریکی است و در تاریکی راه می‌رود و نمی‌داند

۱ آنچه از ابتدا بود و آنچه شنیده‌ایم و به چشم خود دیده، کجا می‌رود زیرا که تاریکی چشمانش را کور کرده است. ای

آنچه بر آن نگریستیم و دستهای ما لمس کرد، درباره کلمه حیات. فرزندان، به شما می‌نویسم زیرا که گناهان شما بخاطر اسم او

۲ وحیات ظاهر شد و آن را دیده‌ایم و شهادت می‌دهیم و به آمزیده شده است. ۱۳ ای پدران، به شما می‌نویسم زیرا او را که

شما خبر می‌دهیم از حیات جاودانی که نزد پدر بود و بrama ظاهر از ابتدا است می‌شناسید. ای جوانان، به شمامی نویسم از آنچا که

شد. ۱۴ آنچه دیده و شنیده‌ایم شما را اعلام بر شریعت غالب شده‌اید. ای بچه‌ها به شما نوشتمن زیرا که پدر را

می‌نماییم تاشما هم با ما شراکت داشته باشید. واما شراکت می‌شناسید. ۱۵ ای پدران، به شما نوشتمن زیرا او را که از ابتداست

مابا پدر و با پسرش عیسی مسیح است. ۱۶ و این را به شما می‌شناسید. ای جوانان، به شما نوشتمن از آن جهت که توانا هستید

منویسم تا خوشی ما کامل گردد. ۱۷ و این است پیغامی که از او و کلام خدا در شما ساکن است و بر شریعت غلبه یافه‌اید. ۱۸ دنیا را

شنیده‌ایم و به شما اعلام می‌نماییم، که خدا نور است و هیچ و آنچه در دنیاست دوست مدارید زیرا اگر کسی دنیا را دوست

ظلمت در وی هرگز نیست. ۱۹ اگر گوییم که با وی شراکت دارد، محبت پدر در وی نیست. ۲۰ زیرا که آنچه در دنیاست،

داریم، در حالیکه در ظلمت سلوک می‌نماییم، دروغ می‌گوییم و از شهوت جسم و خواهش چشم و غرور زندگانی از پدر نیست

براستی عمل نمی‌کنیم. ۲۱ لکن اگر در تور سلوک می‌نماییم، بلکه از جهان است. ۲۲ و دنیا و شهوات آن در گذراست لکن

چنانکه او در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسر او کسی که به اراده خدا عمل می‌کند، تا به ابد باقی می‌ماند. ۲۳

عیسی مسیح ما را از هر گناه پاک می‌سازد. ۲۴ اگر گوییم که گناه ۲۴ ای بچه‌ها، این ساعت آخر است و چنانکه شنیده‌اید

نداریم خود را گمراه می‌کنیم و راستی در ما نیست. ۲۵ اگر به که دجال می‌آید، الحال هم دجالان بسیار ظاهر شده‌اند و از این

گناهان خود اعتراض کنیم، او امین و عادل است تا گناهان ما را می‌دانیم که ساعت آخر است. ۲۶ از ما بیرون شدند، لکن از ما

بیامزد و ما را از هر ناراستی پاک سازد. ۲۷ اگر گوییم که گناه نبودند، زیرا اگر از ما می‌بودند با ما می‌مانند؛ لکن بیرون رفند تا

نکرده‌ایم، او را دروغگو می‌شماریم و کلام او در ما نیست. ۲۸ ظاهر شود که همه ایشان از ما نیستند. ۲۹ و اما شما از آن

قدوس، مسح را یافته‌اید و هرجیز را می‌دانید. ۲۱ نوشتمن به شما از

۲ ای فرزندان من، این را به شما می‌نویسم تا گناه نکنید؛ و این جهت که راستی را نمی‌دانید، بلکه از اینرو که آن رامی دانید

اگر کسی گناهی کند، شفیعی داریم نزد پدر یعنی عیسی مسیح و اینکه هیچ دروغ از راستی نیست. ۲۲ دروغگو کیست جز آنکه

عادل. ۲۳ واوست کفاره بجهت گناهان ما و نه گناهان ما فقط بلکه بجهت تمام جهان نیز. ۲۴ و از این می‌دانیم که او را می‌شناسیم،

اگر احکام او را نگاه داریم. ۲۵ کسی که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد و احکام او را نگاه ندارد، دروغگوست و در وی راستی نیست. ۲۶

لکن کسی که کلام او را نگاه دارد، فی الواقع محبت خدا در وی کامل شده است و از این می‌دانیم که در وی هستیم. ۲۷

هر که گوید که در وی می‌مانم، به همین طریقی که او سلوک نمود، اونیز پاید سلوک کند. ۲۸ ای حبیبان، حکمی تازه به

شما نمی‌نویسم، بلکه حکمی کهنه که آن را از ابتدا داشتید؛ و

حکم کهنه آن کلام است که از ابتدا شنیدید. ۲۹ نیز حکمی

تازه به شما می‌نویسم که آن در وی و در شما حق است، زیرا که تاریکی درگذر است و نورحقیقی الان می‌درخشید. ۳۰ کسی که

می‌گوید که در نور است و از برادر خود نفرت دارد، تا حال در

ظاهر شود، اعتماد داشته باشیم و در هنگام ظهورش از وی خجل

تاریکی است. ۳۱ و کسی که برادر خود را محبت نماید، در نور

نشویم. ۲۹ اگر فهمیده ایدکه او عادل است، پس می‌دانید که و دلهای خود رادر حضور او مطمئن خواهیم ساخت، ۲۰ یعنی هرکه عدالت را بجا آورد، از وی تولد یافته است.

۳ ملاحظه کنید چه نوع محبت پدر به ما داده است تا فرزندان خدا خوانده شوند؛ و چنین هستیم و از این جهت دنیا ما را نمی‌شناسدزیرا که او را نشناخت. ۲ ای حبیبان، الان فرزندان خدا آنچه پسندیده اوست، عمل می‌نماییم. و این است حکم او که به اسم پسر اوعیسی مسیح ایمان آوریم و یکدیگر را محبت نماییم، که چون او ظاهر شود، مانند او خواهیم بود زیرا او را چنانکه هست خواهیم دید. ۳ و هرکس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنانکه او پاک است. ۴ و هرکه گناه را بعمل نماید، بخلاف شریعت عمل می‌کند زیرا گناه مخالف شریعت است، یعنی از آن روح که به ما داده است.

۵ و می‌دانید که او ظاهر شد تا گناهان را بدارد و در وی هیچ گناه نیست. ۶ هرکه در وی ثابت است گناه نمی‌کند و که از خدا هستند یا نه. زیرا که انبیا کنده بسیار به جهان بیرون هرکه گناه می‌کند او راندیده است و نمی‌شناسد. ۷ ای فرزندان، رفته‌اند. ۲ به این، روح خدا را می‌شناسیم؛ هر روحی که به کسی شما را گمراه نکند؛ کسی که عدالت را به‌جا می‌آورد، عادل اوعیسی مسیح مجسم شده اقرار نماید از خداست، ۳ و هر روحی است چنانکه اوعادل است. ۸ و کسی که گناه می‌کند از ابلیس که عیسی مسیح مجسم شده رانکار کند، از خدا نیست. و این است زیرا که ابلیس از ابتدا گناهکار بوده است. واز این جهت است روح دجال که شنیده‌اید که او می‌آید و الان هم در جهان پسرو خدا ظاهر شد تا اعمال ابلیس را باطل سازد. ۹ هرکه از خدا است. ۴ ای فرزندان، شما از خدا هستید و بر ایشان غلبه یافته‌اید مولود شده است، گناه نمی‌کند زیرا تخم او در وی می‌ماند و زیرا او که در شمامت، بزرگتر است از آنکه در جهان است. ۵ اونمی تواند گناهکار بوده باشد زیرا که از خدا تولید یافته است. ۱۰ ایشان از دنیا هستند از این جهت سخنان دنیوی می‌گویند و دنیا فرزندان خدا و فرزندان ابلیس از این ظاهر می‌گردند. هرکه عدالت را ایشان رامی شنود. ۶ ما از خدا هستیم و هرکه خدا رامی شناسد ما به جانمی آورد از خدا نیست و همچنین هرکه برادر خود را محبت را می‌شند و آنکه از خدا نیست مارا نمی‌شنود. روح حق و روح نمی‌نماید. ۱۱ زیرا همین است آن پیغامی که از اول شنیدید که ضلال را از این تمییز می‌دهیم. ۷ ای حبیبان، یکدیگر را محبت یکدیگر را محبت نماییم. ۱۲ نه مثل قائن که از آن شریبر بود و بنماییم زیرا که محبت از خداست و هرکه محبت می‌نماید از خدا برادر خود را کشت؛ و از چه سبب او را کشت؟ از این سبب که مولود شده است و خدا را می‌شناسد، ۸ و کسی که محبت نمی‌اعمال خودش قبیح بود و اعمال برادرش نیکو. ۱۳ ای برادران من، نمایم، خدا را نمی‌شناسدزیرا خدا محبت است. ۹ و محبت خدا تعجب مکنید اگر دنیا از شما نفرت گیرد. ۱۴ ما می‌دانیم که از به ما ظاهرشده است به اینکه خدا پسر یگانه خود را به جهان موت گذشته، داخل حیات گشته‌ایم از اینکه برادران را محبت فرستاده است تا به وی زیست نماییم. ۱۰ و محبت در همین می‌نماییم. هرکه برادر خود را محبت نماید، قاتل است و می‌دانید محبت نمود و پسرخود را فرستاد تاکفاره گناهان ما شود. ۱۱ ای است. ۱۵ هرکه از برادر خود نفرت نماید، قاتل است و می‌دانید محبت نمود و پسرخود را فرستاد تاکفاره گناهان ما شود. که هیچ قاتل حیات جاودانی در خود ثابت ندارد. **(aiōnios)** حبیبان، اگر خدا با ما چنین محبت نمود، ما نیزمی باید یکدیگر را از این امر محبت را دانسته‌ایم که او جان خود را را محبت نماییم. ۱۲ کسی هرگز خدا را ندید؛ اگر یکدیگر را در راه مانهاد و ما باید جان خود را در راه برادران بنهیم. ۱۷ محبت نماییم، خدادار ما ساکن است و محبت او در ما کامل لکن کسی که معیشت دنیوی دارد و برادر خود را محبت خدا در او ساکن شده است. ۱۳ از این می‌دانیم که در وی ساکنیم و او در مازیرا و رحمت خود را از او بازدارد، چگونه محبت خدا در او ساکن که از روح خود به ما داده است. ۱۴ و مادیده‌ایم و شهادت است؟ ۱۸ ای فرزندان، محبت را به‌جا آییم نه در کلام و زبان بلکه می‌دهیم که پدر پسر را فرستادتا نجات‌دهنده جهان بشود. در عمل و راستی. ۱۹ و از این خواهیم دانست که از حق هستیم هرکه اقرار می‌کند که عیسی پسر خداست، خدا در وی ساکن

است و او در خدا. ۱۶ و ما دانسته و باور کرده‌ایم آن محبتی را که داریم که هرچه برسحب اراده او سوال نماییم، ما را می‌شود. ۱۵ خدا با ما نموده است. خدا محبت است و هرکه در محبت و اگر دانیم که هرچه سوال کنیم ما را می‌شنود، پس می‌دانیم که ساکن است در خدا ساکن است و خدا در وی. ۱۷ محبت در آنچه از او درخواست کنیم می‌یابیم. ۱۶ اگر کسی برادر خود را همین با ما کامل شده است تا دروز جزا ما را دلاروی باشد، بیند که گناهی را که متنبهی به موت نیاشد می‌کند، دعا بکند و زیرا چنانکه او هست، ما نیز در این جهان همچنین هستیم. ۱۸ او را حیات خواهد‌بخشید، به هرکه گناهی متنبهی به موت نکرده در محبت خوف نیست بلکه محبت کامل خوف راپیرون می‌اندازد؛ باشد. گناهی متنبهی به موت هست؛ بهجهت آن نمی‌گوییم که زیرا خوف عذاب دارد و کسی که خوف دارد، در محبت کامل دعا باید کرد. ۱۷ هر ناراستی گاه است، ولی گناهی هست که نشده است. ۱۹ مالو را محبت می‌نماییم زیرا که او اول ما را می‌متنبهی به موت نیست. ۱۸ و می‌دانیم که هرکه از خدا مولود شده محبت نمود. ۲۰ اگر کسی گوید که خدا را محبت می‌نمایم و از است، گناه نمی‌کند بلکه کسی که از خدا تولد یافت خودرا نگاه برادر خود نفرت کند، دروغگوست، زیرا کسی که برادری را که می‌دارد و آن شیری او را لمس نمی‌کند. ۱۹ و می‌دانیم که از خدا دیده است محبت نماید، چگونه ممکن است خدایی را که هستیم و تمام دنیا در شیر خوابیده است. ۲۰ اما آگاه هستیم که ندیده است محبت نماید^{۲۱} و این حکم راز وی یافته‌ایم که پسرخدا آمده است و به ما بصیرت داده است تا حق را بشناسیم و هرکه خدا را محبت می‌نماید، برادر خود را نیز محبت بنماید. در حق یعنی در پسر او عیسی مسیح هستیم. اوست خدای حق و حیات جاودانی. (aiōnios g166) ۲۱ ای فرزندان، خود را از

۵ هرکه ایمان دارد که عیسی، مسیح است، از خدا مولود شده پنهان نگاه دارید. آمن.

است؛ و هرکه والد رامحبت می‌نماید، مولود او را نیز محبت

می‌نماید. ۲ از این می‌دانیم که فرزندان خدا را محبت می‌نماییم،

چون خدا را محبت می‌نماییم واحکام او را بهجا می‌آورم. ۳ زیرا

همین است محبت خدا که احکام او را نگاه داریم و احکام اوگران نیست. ۴ زیرا آنچه از خدا مولود شده است، بر دنیا غلبه

می‌باید؛ و غلبه‌ای که دنیا را مغلوب ساخته است، ایمان ماست.

۵ کیست آنکه بر دنیاغلبه باید؟ چر آنکه ایمان دارد که عیسی

پسرخداست. ۶ همین است او که به آب و خون آمد یعنی عیسی مسیح. نه به آب فقط بلکه به آب و خون. روح است آنکه

شهادت می‌دهد، زیرا که روح حق است. ۷ زیرا سه هستند که شهادت

شهادت می‌دهند، ۸ یعنی روح و آب و خون؛ و این سه پک

شهادت می‌دهند. ۹ اگر شهادت انسان را قبول کنیم، شهادت خدا بزرگتر

است؛ زیرا این است شهادت خدا که درباره پسر خود شهادت داده است. ۱۰ آنکه به پسر خدا ایمان آورد، در خود شهادت

دارد و آنکه به خدا ایمان نیاورد، او را دروغگو شمرده است، زیرا به شهادتی که خدا درباره پسر خودداده است، ایمان نیاورده است.

۱۱ و آن شهادت این است که خدا حیات جاودانی به ما داده است و این حیات، در پسر اوست. (aiōnios g166) ۱۲ آنکه

پسر را دارد حیات را دارد و آنکه پسر خدا را ندارد، حیات را نافعه است. ۱۳ این را نوشتمن به شما که به اسم خدا ایمان آورده‌اید

تا بدانید که حیات جاودانی دارید و تا به اسم پسر خدا ایمان

بیاورید. (aiōnios g166) ۱۴ و این است آن دلیری که نزد وی

دوم یوحنا

۱ من که پیرم، به خاتون برگزیده و فرزندانش که ایشان را در راستی محبت می‌نمایم و نه من فقط بلکه همه کسانی که راستی را می‌دانند، ۲ بخاطر آن راستی که در ما ساکن است و با ما تا به ابد خواهد بود. (aiōn g165) ۳ فیض و رحمت و سلامتی از جانب خدای پدر و عیسی مسیح خداوند و پسر پدر در راستی و محبت با ما خواهد بود. ۴ بسیار مسروور شدم چونکه بعضی از فرزندان تو را یافتم که در راستی رفتار می‌کنند، چنانکه از پدر حکم یافته‌یم. ۵ و الازم ای خاتون از تو التماس دارم نه آنکه حکمی تازه به تو بنویسم، بلکه همان را که از ابتداء داشتیم که یکدیگر را محبت بنماییم. ۶ و این است محبت که موافق احکام اولسلوک بنماییم و حکم همان است که از اول شنیدید تا در آن سلوک نماییم. ۷ زیرا گمراه کنندگان بسیار به دنیا بیرون شدنده که عیسی مسیح ظاهر شده در جسم را اقرازنی کنند. آن است گمراه کننده و دجال. ۸ خود رانگاه بدارید مبادا آنچه را که عمل کردیم برپادددهید بلکه تا اجرت کامل بیایید. ۹ هر که پیشوایی می‌کند و در تعلیم مسیح ثابت نیست، خدا رانیافته است. اما آنکه در تعلیم مسیح ثابت ماند، او هم پدر و پسر را دارد. ۱۰ اگر کسی به نزد شما آیدو این تعلیم را نیاورد، او را به خانه خود پمپدزید و او را تعییت مگویید. ۱۱ زیرا هر که او را تعییت گوید، در کارهای قبیحش شریک گردد. ۱۲ چیزهای بسیار دارم که به شما بتویسم، لکن نخواستم که به کاغذ و مرکب بتویسم، بلکه امیدوارم که به نزد شما بیایم و زبانی گفتگو نمایم تا خوشی ما کامل شود. ۱۳ فرزندان خواهر برگزیده تو، به تو سلام می‌رسانند. آمين.

۱ من که پیرم، به غایس حبیب که او را در راستی محبت می‌نمایم. ۲ ای حبیب، دعا می‌کنم که در هر وجه کامیاب و تندرست بوده باشی، چنانکه جان تو کامیاب است. ۳ زیرا که بسیار شاد شدم چون برادران آمدند و بر راستی تو شهادت دادند، چنانکه تو در راستی سلوک می‌نمایی. ۴ مرا بیش از این شادی نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می‌نمایند. ۵ ای حبیب، آنچه می‌کنی به برادران خصوص به غریبان، به امانت می‌کنی، ۶ که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت دادند و هرگاه ایشان را بطور شایسته خدابدرقه کنی، نیکویی می‌نمایی زیرا که بجهت اسم او بیرون رفتند و از امتهای چیزی نمی‌گیرند. ۷ پس بر ما واجب است که چنین اشخاص را پذیریم تا شریک راستی بشویم. ۸ به کلیسا چیزی نوشتم لکن دیوتوفیس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد ما را قبول نمی‌کند. ۹ لهذا اگر آیم کارهایی را که او می‌کنده باد خواهم آورد زیرا به سخنان ناشایسته برمایوه‌گویی می‌کند و به این قانع نشده، برادران را خود نمی‌پذیرد و کسانی را نیز که می‌خواهند، مانع ایشان می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند. ۱۰ ای حبیب به بدی اقتدا منما بلکه به نیکوکردار از خداست و بدکردار خدا راندیده است.

۱۱ همه مردم و خود راستی نیز بر دیتمتروس شهادت می‌دهند و ما هم شهادت می‌دهیم و آگاهید که شهادت ما راست است. ۱۲ مرا چیزهای بسیار بود که به تو بنویسم، لکن نمی‌خواهم به مرکب و قلم به تو بنویسم. ۱۳ لکن امیدوارم که به زودی تو را خواهم دید و زیانی گفتگو کنیم. ۱۴ سلام بر تو باد. دوستان به تو سلام می‌رسانند. سلام مرا به دوستان نام به نام برسان.

یهودا

راملزم سازد، بر همه کارهای بی دینی که ایشان کردند و بر تمامی

سخنان زشت که گناهکاران بی دین به خلاف او گفتند.»^{۱۶}

۱ یهودا، غلام عیسی مسیح و برادر یعقوب، به خوانده شدگانی ایتائند همه‌مکنان و گله‌مندان که برسحب شهوات خود سلوک که در خدای پدر حبیب و برای عیسی مسیح محفوظ می‌باشد. می‌نمایند و به زیان خود سخنان تکبیر آمیزی گویند و صورتهای مردم

۲ رحمت و سلامتی و محبت بر شما افرون باد. ۳ ای حبیبان، را بجهت سودمی پستندن. ۱۷ اما شما ای حبیبان، بخاطر آورید آن

چون شوق تمام داشتم که درباره نجات عام به شما بنویسم، ناچار سخنانی که رسولان خداوند ما عیسی مسیح پیش گفته‌اند،^{۱۸}

شدم که الان به شما بنویسم و نصیحت دهم تا شما مجاهده چون به شما خبر دادند که در زمان آخر مستهرین خواهد آمد که کنید برای آن ایمانی که پک بار به مقدسین مپرده شد. ۴ زیرا که برسحب شهوات بی دینی خود روفار خواهند کرد. ۱۹ ایتائند که بعضی اشخاص در خفا درآمداند که از قدیم برای این قصاص مقرر تفرقه‌ها پیدا می‌کنند و نفسانی هستند که روح را ندارند. ۲۰

شده بودند؛ مردمان بی دین که فیض خدای ما را به فجر تبدیل اما شما ای حبیبان، خود را به ایمان اقدس خود بنا کرده و در

نموده و عیسی مسیح آقای واحد و خداوند ما را انکار کرده‌اند. ۵ روح القدس عبادت نموده،^{۲۱} خویشتن را در محبت خدا محفوظ

پس می‌خواهم شما را یاد دهم، هرچند همه چیز را دفعه می‌دانید دارید و منتظر رحمت خداوند ما عیسی مسیح برای حیات جاودانی

که بعد از آنکه خداوند، قوم را از زمین مصر رهایی بخشیده بود،^{۲۲} بوده باشید. (aiōnios g166) و بعضی را که مجادله می‌کنند

بار دیگری ایمانان را هلاک فرمود. ۶ و فرشتگانی را که ریاست خود را حفظ نکردن بلکه مسکن حقیقی خود را ترک نمودند، در

بعضی با خوف رحمت کنید و از لباس جسم آسود نفرت نمایند. زنجیرهای ابدی در تحت ظلمت بجهت قصاص یوم عظیم نگاه

۲۴ الان او را که قادر است که شما را از لغوش محفوظ دارد و در داشته است. (aïdios g126)^۷ و همچنین سدوم و غموروه و حضور جلال خود شما را بی عیب به فرجی عظیم قائم فرماید،^{۲۵}

سایر بلدان نواحی آنها مثل ایشان چونکه زناکار شدند و دری بشر دیگر افتدند، در عقوبی آتش ابدی گرفتار شده، بجهت عبرت قدرت باد الان و تا ابدالاً باد. آمين. (aiōn g165)

۸ لیکن با وجود این، همه این

خواب بینندگان نیز جسد خود را نجس می‌سازند و خداوندی را خوار می‌شمارند و بر بزرگان تهمت می‌زنند.^۹ امامیکائیل،

رئیس ملاذکه، چون درباره جسم‌موسی با ابلیس منازعه می‌کرده، جرات نمود که حکم افرا بر او بزند بلکه گفت: «خداوند تو را توییخ فرماید.»^{۱۰} لکن این اشخاص بر آنچه نمی‌دانند افترة

می‌زنند و در آنچه مثل حیوان غیرناظق بالطبع فهمیده‌اند، خود را فاسدمی سازند.^{۱۱} وای بر ایشان زیرا که به راه قائن رفته‌اند و در

گمراهی بعلام بجهت اجرت غرق شده‌اند و در مشاجرت قورح هلاک گشته‌اند.^{۱۲} اینها در ضیافت‌های محبتانه شما صخره‌ها

هستند چون با شما شادی می‌کنند، و شبانانی که خویشتن را بی خوف می‌پرورند و ابرهای بی آب از بادهارانده شده و در

ختان صیفی بی میوه، دوباره مرده و از ریشه کنده شده،^{۱۳} و امواج جوشیده دریا که برای ایشان تاریکی ظلمت جاودانی مقرر

است.^{۱۴} لکن خنث که هفتم ازادم بود، درباره همین اشخاص خبر داده، گفت: «اینک خداوند با هیوان هزار از

مقدسین خود یهودا آمد^{۱۵} تا برهمه داوری نماید و جمیع بی دینان

مکاشفه پوحا

است. (aiōn g165, Hadēs g86) ۱۹ پس بنویس چیزهایی را

که دیدی و چیزهایی که هستند و چیزهایی را که بعد از این

۱ مکاشفه عیسی مسیح که خدا به او داد تا اموری را که خواهند شد، ۲۰ سر هفت ستاره‌ای را که در دست راست من می‌باید زود واقع شود، برغلامان خود ظاهر سازد و بوسیله فرشته دیدی و هفت چراغدان طلا را. اما هفت ستاره، فرشتگان هفت خودفرستاده، آن را ظاهر نمود بر غلام خود پوحا، ۲ که گواهی کلیسا هستند و هفت چراغدان، هفت کلیسا می‌باشند.

داد به کلام خدا و به شهادت عیسی مسیح در اموری که دیده بود. ۳ خوشحال کسی که می‌خواند و آنای که می‌شنوند کلام

این نبوت را، آنچه در این مکتوب است نگاه می‌دارند، چونکه او که هفت ستاره را بدست راست خود دارد و در میان هفت وقت نزدیک است. ۴ پوحا، به هفت کلیسانی که در آسیا چراغدان طلامی خرامد. ۲ می‌دانم اعمال تو را و مشقت و صبرتو را و اینکه متتحمل اشار نمی‌توانی شد و آنای را که خود را

رسولان می‌خوانند و نیستندآزمودی و ایشان را دروغگو یافته؛ ۲ و صبرداری و بخاطر اسم من تحمل کردی و خسته نگشته. ۴ (لکن بخشی بر تو دارم که محبت نخستین خود را ترک کرده‌ای.

۵ پس بخاطر آر که از کجا فتاده‌ای و توبه کن و اعمال نخست را خدا و پدر خود پادشاهان و کنه ساخت، او را جلال و توانایی باد

تا ابدالاًباد. آمن. (aiōn g165) ۷ اینک با ایره‌ها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید و آنای که او را نیزه زند و تمامی امت های جهان برای وی خواهند نالید. بلی! ۸ «من هستم الف و یا، می‌کنم اگر توبه نکنم. ۶ لکن این رادری که اعمال نقولاویان را دشمن داری، چنانکه من نیز از آنها نفرت دارم. ۷ آنکه گوش اول و آخر، » می‌گوید آن خداوند خدا که هست و بود و می‌آید، قادر علی الاطلاق. ۹ من پوحا که برادر شما و شریک در مصیبت

این را خواهیم بخشدید که از درخت حیاتی که در وسط فردوس خداست بخورد. ۸ و به فرشته کلیسانی در اسپیرنا بنویس که این دارد بشنوید که روح به کلیساها چه می‌گوید: هر که غالب آید، به او و ملکوت و صیر در عیسی مسیح هستم، بجهت کلام خدا

و شهادت عیسی مسیح در چیزهای مسمی به پطمس شدم. ۹ و در روز خداوند درروح شدم و از عقب خود آوازی بلند را می‌گوید آن اول و آخر که مرده شد و زنده گشت. ۱۰ اعمال و چون صدای صور شنیدم، ۱۱ که می‌گفت: «من الف و یا اول

و آخر هستم. آنچه می‌پیشی در کتابی بنویس و آن را به هفت که خود را بهود می‌گویند و نیستند بلکه از کیسه شیطانند. ۱۰ از آن زحماتی که خواهی کشید مترس. اینک ابلیس بعضی از شما را کلیسانی که در آسیاهستند، یعنی به افسس و اسپیرنا و پرغامس در زدن خواهد انداخت تا تجربه کرده شوید و مدت ده روز و طیاترا و ساردها و فیلادلفیه و لاپوکیه بفرست.» ۱۲ پس رو

برگردانید تا آن آوازی را که با من تکلم می‌نمود بنگرم؛ و چون رو گردانید، هفت چراغدان طلا دیدم، ۱۳ و در میان هفت چراغدان، شبهی پسر انسان را که ردای بلند در بر داشت و پرسینه می‌گوید: هر که غالب آید ازموت ثانی ضرر نخواهد یافت. ۱۲

وی کمرنگی طلا بسته بود، ۱۴ و سر و موی او سفید چون پشم، «و به فرشته کلیسانی در پرغامس بنویس این را می‌گوید او که شمشیر دودمه تیر را دارد. ۱۳ اعمال و مسکن تو را می‌دانم که

تخت شیطان در آنجاست و اسم مرا محکم داری و ایمان مرتکار ماند بینچ صیقلی که در کوهه تاییده شود، و آوار او مثل صدای آبهای بسیار؛ ۱۶ و در دست راست خود هفت ستاره داشت

و از دهانش شمشیری دودمه تیر بیرون می‌آمد و چهره اش چون در جایی که شیطان ساکن است کشته شد. ۱۴ لکن بحث کمی بر تو دارم که در آنجا اشخاصی را داری که متمسکند به تعیین بلعام که بالا را آموخت که در راه بینی اسرائیل سنگی مصادم پیش پایهایش افتادم و دست راست خود را بر من نهاده، گفت:

«ترسان می‌باش! من هستم اول و آخر و زنده؛ ۱۸ و مرده شدم و

اینک تا ابدالاًباد زنده هستم و کلیدهای موت و عالم اموات نزد من

والا بزودی نزد تو می آیم و به شمشیر زبان خود بالیشان جنگ حیات محظوظ خواهی ساخت بلکه به نام وی در حضور پدرم و خواهی کرد. ۱۷ آنکه گوش دارد، بشنوید که روح به کلیساها چه فرشتگان او اخراج خواهی نمود. ع آنکه گوش دارد بشنوید که روح می گوید: و آنکه غالب آید، از من مخفی به وی خواهم داد به کلیساها چه می گوید. ۱۸ «و به فرشته کلیسای در فیلانفیه وستنگی سفید به او خواهم بخشید که بر آن سنتگ اسمی جدید بنویس که این را می گوید آن قدوس و حق که کلید دارد ادارد که مرقوم است که احده آن رانمی داند جز آنکه آن را یافته باشد. می گشاید و هیچ کس نخواهد بست و می بندد و هیچ کس نخواهد ۱۹ «و به فرشته کلیسای در طبایتیرا بنویس این را می گوید پسر خدا گشود. ۲۰ اعمال تو رامی دانم. اینک دری گشاده پیش روی تو که چشممان او چون شعله آتش و پایهای او چون برجع صیقلی گذاردهام که کسی آن را نتواند بست، زیرا اندک قوتی داری و است. ۲۱ اعمال و محبت و خدمت و ایمان و صبر تو رامی دانم کلام مرا حفظ کرده، اسم مرا انکار ننمودی. ۲۲ اینک می دهم و اینکه اعمال آخر تو بیشتر از اول است. ۲۳ لکن بعثتی بر تو آنانی را از کیسه شیطان که خودرا بهود می نامند و نیستند بلکه دارم که آن زن ایزابل نامی را راه می دهی که خود را نبیه می گوید و دروغ می گویند. اینک ایشان را مجبور خواهم نمود که بیانید و پیش بندگان مراجعیم داده، اغوا می کند که مرتکب زنا و خوردن قربانی پایهای تو سجده کنند و بدانند که من تو را محبوط خواهم ۲۴ های بینها بشنوند. ۲۵ و به او مهلت دادم تاوبه کند، اما نمی چونکه کلام صبر مرا حفظ نمودی، من نیز تو را محبوط خواهم خواهد از زنای خود توبه کند. ۲۶ اینک او را بر بستره می اندام و داشت، از ساعت امتحان که بر تمام ربع مسکون خواهد آمدتا آنانی را که بازو زنا می کنند، به مصیبته سخت مبتلا می گردانم تمامی ساکنان زمین را بیازماید. ۲۷ بزودی می آیم، پس آنچه اگر از اعمال خود توبه نکنند، ۲۸ و اولادش را به قتل خواهم داری حفظ کن میادا کسی تاج تو را بگیرد. ۲۹ هر که غالب رسانید. آنگاه همه کلیساها خواهند دانست که من امتحان کننده آید، او را در هیکل خدای خود ستونی خواهم ساخت و دیگر جگرها و قلوب و هر یکی از شما را بر حسب اعمالش خواهم داد. هرگز بیرون نخواهد رفت و نام خدای خود را و نام شهرخدای خود لکن باقی ماندگان شما را که در طبایتیرا هستیدو این تعليم را یعنی اورسلیم جدید را که او آسمان از جانب خدای من نازل پنذیفته اید و عمقهای شیطان را چنانکه می گویند نفهمیده اید، بار می شود و نام جدید خودرا بر وی خواهم نوشت. ۳۰ آنکه گوش دیگری بر شمانسی گذازم، ۳۱ چر آنکه به آنچه دارید تا هنگام دارد بشنوید که روح به کلیساها چه می گوید. ۳۲ «و به فرشته آمدن من تممسک جویید. ۳۳ و هر که غالب آید و اعمال مرا تا انجام کلیسای در لاند که بنویس که این را می گوید آمن و شاهد امین نگاه دارد، او را بر امت هاقدرت خواهم بخشید ۳۴ تا ایشان را به و صدیق که ابتدای خلقت خداست. ۳۵ اعمال تو را می دانم عصای آهین حکمرانی کند و مثل کوزه های کوزه گرخود خواهند که نه سرد و نه گرم هستی. کاشکه سرد بودی یا گرم. ۳۶ لهذا شد، چنانکه من نیز از پدر خود یافته ام. ۳۷ و به او سtarه صیبح را چون فاتر هستی یعنی نه گرم و نه سرد، تو را از دهان خود قی خواهم بخشید. ۳۸ آنکه گوش دارد بشنوید که روح به کلیساها گویی دولتمند هستم و دولت اندوخته ام و چه می گوید.

۳۹ «و به فرشته کلیسای در ساردس بنویس این را می گوید او که هستی و فقیر و کور و عربان. ۴۰ تو را ناصیحت می کنم که زر هفت روح خدا و هفت ستاره را دارد. اعمال تو را می دانم که نام داری که زنده ای ولی مرده هستی. ۴۱ بیدار شو و مابقی را که نزدیک به فنا است، استوار نما زیرا که هیچ عمل تو را در حضور خدا کامل نیافتم. ۴۲ پس بیاد آورچگونه یافته ای و شنیده ای و ایستاده می کویم؛ اگر کسی آوازما بشنوید و در را باز کند، به نزد او در خواهم آمد و با وی شام خواهم خورد و او نیز با من. ۴۳ آنکه غالب آید، این را به وی خواهم داد که بر تخت من با من ساردس اسمهای چند داری که لباس خود را نجس نساخته اند و بشینید، چنانکه من غلبه یافتم و با پدر خود بر تخت او نشستم. ۴۴ در لباس سفید با من خواهند خرامید زیرا که مستحق هستند. ۴۵ هر که گوش دارد بشنوید که روح به کلیساها چه می گوید.»

۴ بعد از این دیدم که ناگاه دروازه‌ای درآسمان باز شده است و حیوان و دروسط پیران، برهای چون ذبح شده ایستاده است و هفت آن آواز اول را که شنیده بودم که چون کرنا با من سخن می‌گفت، شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خداید که به تمامی دیگریاره می‌گوید: «به اینجا صعود نما تا اموری را که بعد از جهان فرستاده می‌شوند. ۷ پس آمد و کتاب را از دست راست این باید واقع شود به تو بنمایم.» ۲ فی الفور در روح شدم و تخت نشینگ گرفته است. ۸ و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان دیدم که تختنی درآسمان قائم است و بر آن تخت نشینندگاند. و بیست و چهار پیر به حضور بره افتادند و هر یکی از ایشان بریطی دیدم که تختنی درآسمان قائم است و بر آن تخت نشینندگاند. و کاسه‌های زین پر از بخور دارند که دعاها مقدسین است. ۹ و آن نشینندگاند، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و کاسه‌های زین پر از بخور دارند که دعاها مقدسین است. ۱۰ قوس قرحی در گرد تخت که به مظلومیا به زمزد دارد ۴ و وسرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند: «مستحق گرفتن کتاب و گردآگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تختنیا بیست گشودن مهرهایش هستی زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای و چهار پیر که جامه‌ای سفید در بر دارند نشسته دیدم و برسر خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و امت خردی ۱۱ ایشان تاجهای زین. ۵ و از تخت، بر قها و صدایها و رعدها برمی و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کنهه ساختنی و بزمین آید؛ و هفت چراغ آتشین پیش تخت افروخته که هفت روح خدا سلطنت خواهند کرد.» ۱۲ و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان می‌پاشند. ۶ و در پیش تخت، دریابی از شیشه مانند بلور در میان بسیار راکه گردآگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عذردان ایشان می‌پاشند. ۷ و در پیش تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان کرورها کرور و هزاران هزار بود؛ ۸ که به آواز بلند می‌گویند: تخت و گردآگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان کرورها کرور و هزاران هزار بود؛ ۹ که به آواز بلند می‌گویند: تخت و گردآگرد تخت چهار حیوان که از پیش و پس به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌پر هستند. ۱۰ و حیوان اول مانند شیر بود؛ و حیوان دوم مانند «مستحق ایست بره ذبح شده که قوت و دولت و حکمت و گوساله؛ و حیوان سوم صورتی مانند انسان داشت؛ و حیوان چهارم مانند عقاب پرنده. ۱۱ و آن چهار حیوان که هر یکی از آنها شش آسمان و بر زمین وزیرمین و در دریاست و آنچه در آنها می‌باشد، بال دارد، گردآگرد و درون به چشمان پر هستند و شبانه‌روز باز نمی‌ایستند از گفتن «قدوس قدوس قدوس، خداوند خدای قادر مطلق توانایی باد تا ابدالاًبد». (aiōn g165) ۱۲ و چهار حیوان گفتند: «آمنی!» و آن پیران به روی درافتادند و سجاده نمودند.

۶ و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم ۷ سپاس به آن تخت نشینی که تا ابدالاًبد زنده است می‌خوانند، ۸ و دیدم چون بره یکی از آن هفت مهر را گشود؛ و شنیدم ۹ یکی از آن چهار حیوان به صدایی مثل رعد می‌گوید: «بیا (و بین آن تخت نشین و او را که تا ابدالاًبد زنده است عبادت می‌کنند و ۱۰ تاجهای خود را پیش تخت اندامخانه، می‌گویند: (aiōn g165) ۱۱ ای خداوند، مستحقی که جلال و اکرام و قوت را بیابی، زیرا که تو همه موجودات را آفریده‌ای و محض اراده تو بودند و آفریده شدند.»

۵ و دیدم بر دست راست تخت نشین، کتابی را که مکوب وی شمشیری بزرگ داده شد. ۶ و چون مهر سوم را گشود، حیوان است از درون و بیرون، و مختوم به هفت مهر. ۷ و فرشته‌ای قوی را سوم راشنیدم که می‌گوید: «بیا (و بین)!» و دیدم اینک اسپی دیدم که به آواز بلند ندا می‌کند که «کیست مستحق اینکه کتاب سیاه که سوارش ترازوی بدست خود دارد. ۸ و از میان چهار را بگشايد و مهرهایش را بردارد؟» ۹ و هیچ کس در آسمان و در حیوان، آوازی را شنیدم که می‌گوید: «بیک هشت یک گندم به زمین و در زیرزمین نتوانست آن کتاب را باز کند یا بر آن نظر یک دینار و سه هشت یک جو به یک دینار و به روغن و شراب کند. ۱۰ و من بشدت می‌گریسم زیرا هیچ کس که شایسته گشودن ضرر مرسان.» ۱۱ و چون مهرچهارم را گشود، حیوان چهار را کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد، یافت نشد. ۱۲ و شنیدم که می‌گوید: «بیا (و بین)!» و دیدم که اینک اسپی یکی از آن پیران به من می‌گوید: «گریان مباش! اینک آن شیری زرد و کسی بر آن سوار شده که اسم اموات است و عالم اموات از که از سبیط یهودا و ریشه داده است، غالب آمده است تاکتاب عقب او می‌آید؛ و به آن دو اختیار بر یک ربع زمین داده شد تا ۱۳ هفت مهرش را بگشايد.» ۱۴ و دیدم در میان تخت و چهار به شمشیر و قحط و موت و با وحش زمین بکشند. (Hadēs)

۹ و چون مهر پنجم را گشود، در زیر مذیح دیدم نفوس می‌گویند: «نجات، خدای ما را که بر تخت نشسته است و آنانی را که برای کلام خدا و شهادتی که داشتند کشته شده بره را است.» ۱۱ و جمیع فرشتگان در گرد تخت و پیران و بودند؛ ۱۰ که به آواز بلند صدا کرده، می‌گفتند: «ای خداوند چهار حیوان ایستاده بودند. و دریش تخت به روی درافتاده، خدا قدوس و حق، تا به کی انصاف نمایی و انقام خون ما را رساجده کردند ۱۲ و گفتند: «آمین! برك و جلال و حکمت و از ساکنان زمین نمی‌کشی؟» ۱۱ و به هر یکی از ایشان جامه‌ای سپاس و اکرام و قوت و توانایی، خدای ما را باد تا ابدالاً باد. سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی دیگر آرامی نماید آمین.» ۱۲ و یکی از پیران متوجه شده، به من تا عدد همقطاران که مثل ایشان کشته خواهد شد، تمام شود. گفت: «این سفیدپوشان کیاند و از کجا آمدند؟» ۱۴ من و چون مهر ششم را گشود، دیدم که زلزله‌ای عظیم واقع شد او را گفتم: «خداوندا تو می‌دانی!» مرا گفت: «ایشان کسانی و آفتاب چون پلاس پشمی سیاه گردید و تمام ماه چون خون می‌باشد که از عذاب سخت بیرون می‌آیند و لباس خود را به خون گشت؛ ۱۳ و ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، مانند درخت بره شست و شوکرده، سفید نموده‌اند. از این جهت پیش روی انجیری که از باد سخت به حرکت آمده، میوه‌های نارس خود را تخت خدایند و شبانه‌روز در هیکل او وی را خدمت می‌کنند و می‌افشانند. ۱۴ و آسمان چون طوماری پیچیده شده، از جا برده آن تخت نشینی، خیمه خود را برایشان بريا خواهد داشت. ۱۵ و شد و هرکوه و جزیره از مکان خود منتقل گشت. ۱۵ و پادشاهان دیگر هرگز گرسنه و تشنیه نخواهد شد و آفتاب و هیچ گرما بر زمین و بزرگان و سپه سالاران دولتمندان و جباران و هر غلام و آزاد ایشان نخواهد رسید. ۱۷ زیرا برمای که در میان تخت است، خود را دروغه‌ها و صخره‌های کوهها پنهان کردن. ۱۶ و به شبان ایشان خواهد بود و به چشم‌های آب حیات، ایشان را کوهها و صخره‌ها می‌گویند که «بر ما بیتفید و ما رامخفی سازید راهنمایی خواهد نمود؛ و خدا هر اشکی را از چشممان ایشان پاک از روی آن تخت نشینی و از غضب بره؛ ۱۷ زیرا روز عظیم غضب خواهد کرد.»

او رسیده است و کیست که می‌تواند ایستاد؟»

۸ و چون مهر هفتم را گشود، خاموشی قریب به نیم ساعت

۷ و بعد از آن دیدم چهار فرشته، بر چهارگوش زمین ایستاده، در آسمان واقع شد. ۲ و دیدم هفت فرشته را که در حضور چهار باد زمین را بازمی‌دارند تا باد بر زمین و بر دریا و بر هیچ خد ایستاده‌اند که به ایشان هفت کرنا داده شد. ۳ و فرشته‌ای درخت نوزد. ۲ و فرشته دیگری دیدم که از مطلع آفتاب بالا دیگرآمده، نزد مذیح بایستاد با مجرمی طلا و بخور سیار بدود داده می‌آید و مهر خدای زنده را دارد. و به آن چهار فرشته‌ای که شدت آن را به دعاهاش جمیع مقدسین، بر مذیح مقدسین، بر مذیح طلا که پیش بدهشان داده شد که زمین و دریا را ضرر رسانند، به آواز بلند ندا تخت است بدهد، ۴ و دود بخور، از دست فرشته با دعاهاش گردد، ۳ می‌گوید: «هیچ ضری ب زمین و دریا و درختان مرسانید مقدسین در حضور خدا بالا رفت. ۵ پس آن فرشته مجرماً گرفته، تا بندگان خدای خود را بر پیشانی ایشان مهر زنیم. ۴ و عدد از آتش مذیح آن را پر کرد و به سوی زمین انداخت و صدایها مهرشدنگان را شنیدم که از جمیع اسبابات بني اسرائیل، صد و چهل و رعدها و برقها و زلزله حداث گردید. ۶ و هفت فرشته‌ای که چهارهزار مهر شدند. ۵ و از سبیط یهودا دوازده هزار مهر شدند؛ و هفت کرنا را داشتند خود را مستعد نواختن نمودند ۷ و چون اولی از سبیط روبین دوازده هزار؛ و از سبیط جاد دوازده هزار؛ ۶ و از بنواخت تنگر و آتش با خون آمیخته شده، واقع گردید و به سوی سبیط اشیر دوازده هزار؛ و از سبیط شمعون دوازده هزار؛ و از سبیط زمین ریخته شد و ثلث درختان سوخته و هر گیاه سبز سوخته منسی دوازده هزار؛ ۷ و از سبیط شمعون دوازده هزار؛ و از سبیط شد. ۸ و فرشته دوم بنواخت که ناگاه مثال کوهی بزرگ، به آتش لای دوازده هزار؛ و از سبیط یساکار دوازده هزار؛ ۸ و سبیط زبولون افروخته شده، به دریا افکنده شد و ثلث دریا خون گردید، ۹ و دوازده هزار؛ و از سبیط یوسف دوازده هزار؛ و از سبیط بنیامین دوازده هزار؛ و ثلث مخلوقات دریایی که جان داشتند، بمردند و ثلث کشته‌ایان هزار مهرشدن. ۹ و بعد از این دیدم که اینک گروهی عظیم که گردید. ۱۰ و چون فرشته سوم نواخت، ناگاه ستاره‌ای عظیم، چون هیچ کس ایشان را نتواند شمرد، از هر امت و قبیله و قوم و زبان زنگاری افروخته شده از آسمان فرود آمد و بر ثلث نهرا و چشم‌های دریش تخت و در حضور بره به جامه‌های سفید آراسته و شاخه‌های آب افداد. ۱۱ و اسم آن ستاره را افسنتین می‌خوانند؛ و ثلث های نخل بدست گرفته، ایستاده‌اند. ۱۰ و به آواز بلند نداکرده، آبها به افسنتین مبدل گشت و مردمان بسیار از آبها که تالع شده

بود مرندن. ۱۲ و فرشته چهارم بنواخت و به ثلث آفتاب وثلث ماه آتشین و آسمان‌جوانی وکبریتی دارند و سرهای اسیان چون سر شیران و ثلث ستارگان صدمه رسید تا ثلث آنهاتاریک گردید و ثلث روز و است و از دهانشان آتش و دود و کبریت بیرون می‌آید. ۱۸ از این ثلث شب همچنین بی نور شد. ۱۳ و عقابی را دیدم و شنیدم که سه بلا یعنی آتش و دود و کبریت که از دهانشان برمی‌آید، ثلث دروسط آسمان می‌پرده و به آواز بلند می‌گوید: «وای وای بر مردم هلاک شدند. ۱۹ زیرا که قدرت اسیان در دهان و ام ایشان ساکنان زمین، بسبب صدای دیگرکنای آن سه فرشته‌ای که است، زیرا که دمهای آنها چون مارهاست که سرها دارد و به آنها اذیت می‌کنند. ۲۰ و سایر مردم که به این بلایا کشته نگشتند، از می‌پاید بنوازند.»

۹ و چون فرشته پنجم بنواخت، ستاره‌ای را دیدم که بر زمین افتاده بود و کلید چاه هاویه بدو داده شد. (**Abyssos g12**) ۲ و چاه هاویه را گشاد و دودی چون دود تنوری عظیم از چاه بالا آمد و آفتاب و هوا از دود چاه تاریک گشت. (**Abyssos g12**) ۳ و

از میان دود، ملخها به زمین برآمدند و به آنها قوتی چون قوت ۱۰ و دیدم فرشته زورآور دیگری را که از آسمان نازل می‌شود عقربهای زمین داده شد ۴ و بدیشان گفته شد که ضرر نرساند نه که ایری دربردارد، و قوس قرحقی بر سرش و چهراهش مثل آفتاب به گیاه زمین و نه به هیچ سبزی و نه به درختی بلکه به آن مردمانی و پایهایش مثل ستونهای آتش. ۲ و در دست خود کتابچه‌ای گشوده که مهر خدا را بر پیشانی خود ندارند. ۵ و به آنها داده شد که درد و پای راست خود را بردریا و پای چپ خود را بر زمین ایشان را نگشند بلکه تا مدت پنج ماه معذب بدارند و اذیت آنها نهاده؛ ۳ و به آوازی‌لند، چون غرش شیر صدا کرد؛ و چون صدا مثل اذیت عقرب بود، وقتی که کسی را نیش زند. ۶ و در آن کرد، هفت رعد به صدای خود سخن گفتند. ۴ و چون هفت ایام، مردم طلب موت خواهند کرد و آن را نخواهد یافت و تمنای رعد سخن گفتند، حاضر شدم که بنویس. آنگاه آوازی از آسمان موت خواهند داشت، اما موت از ایشان خواهد گریخت. ۷ و شنیدم که می‌گوید: «آنچه هفت رعد گفتند مهر کن و آنها را صورت ملخها چون اسپهای آراسته شده برای جندگ بود و بر سر منویس.» ۵ و آن فرشته‌ای را که بر دریا و زمین ایستاده دیدم، ایشان مثل تاجهای شبیه طلا، و چهره‌های ایشان شبیه صورت دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد، ۶ و قسم خورد به او انسان بود. ۸ و موبی داشتند چون موی زنان، و دندانهایشان مانند که تا ابدالاً باد زنده است که آسمان و آنچه را که در آن است و دندانهای شیران بود. ۹ و جوشنها داشتند، چون جوشنها آهنین زمین و آنچه را که در آن است و دریا و آنچه را که در آن است و صدای بالهای ایشان، مثل صدای ارابه‌های اسپهای بسیار که آفرید که «بعد از این زمانی نخواهد بود، ۷ بلکه

به جنگ همی تازند. ۱۰ و دمهای چون عقربها با نیش‌هاداشتند؛ درایام صدای فرشته هفتمن، چون کرنا را می‌پایدبنوازد، سر خدا به در دم آنها قادر بود که تا مدت پنج ماه مردم را اذیت نمایند. اتمام خواهد رسید، چنانکه بندگان خود آنها را بشارت داد.» ۸ و ۱۱ و بر خود، پادشاهی داشتند که ملک الهاویه است که در آن آوازی که از آسمان شنیده بودم، باریگر شنیدم که مرا خطاب عربانی به ابدون مسمی است و در یونانی او را اپلیون خوانند. کرده، می‌گوید: «برو و کتابچه گشاده را از دست فرشته‌ای که بر

۱۲ یک وای گذشته است. اینک دو وای دریا و زمین ایستاده است بگیر.» ۹ پس به نزد فرشته رفته، به وی دیگر بعد از این می‌آید. ۱۳ و فرشته ششم بنواخت که ناگاه گفتم که کتابچه را به من بدهد. او ما گفت: «بگیر و بخور که آوازی از میان چهار شاخ مذبح طلایی که در حضور خدادشت اندرونوت را تلح خواهد نمود، لکن در دهانت چون عسل شیرین شنیدم ۱۴ که به آن فرشته ششم که صاحب کرنابود می‌گوید: خواهد بود.» ۱۰ پس کتابچه را از دست فرشته گرفته، خوردم که آن چهار فرشته را که بر نهر عظیم فرات بسته‌اند، خلاص کن.» در دهان مثل عسل شیرین بود، ولی چون خورده بودم، درونم تلح ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای ساعت و روز و ماه و سال معین گردید. ۱۱ و ما گفت که «می‌باید تو اقوام وامت‌ها و زبانها و مهیا شده‌اند تا اینکه ثلث مردم را بکشند، خلاصی یافتد. ۱۶ و پادشاهان بسیار را نبوت کنی.»

عدد جنود سواران، دویست هزار هزار بود که عدد ایشان را شنیدم. ۱۱ و نیای مثل عصبا من داده شد و مرا گفت: «برخیز و ۱۷ و به اینطور اسیان و سواران ایشان را دررویا دیدم که جوشنها قدس خدا و مذبح و آنای را که در آن عبادت می‌کنند پیمایش نما.

۲ و صحن خارج قدس را بیرون انداز و آن را میپیمایری که به امت‌ها و ترسندگان نام خود راچه کوچک و چه بزرگ اجرت دهی و داده شده است و شهر مقدس راچهل و دو ماه پاییمال خواهند مقدسان زمین را فاسد گردانی. » ۱۹ و قدس خدا در آسمان نمود. ۳ و به دوشاهد خود خواهم داد که پلاس در بر کرده، مفتح گشت و تابوت عهدنامه او در قدس او ظاهر شد و بر قها مدت هزار و دویست و شصت روز نبوت نمایند. » ۴ ایناند دو وصدها و زلزله و تگرگ عظیمی حادث شد.

درخت زیتون و دو چراخدان که در حضور خداوند زمین ایستاده‌اند. ۱۲ و علامتی عظیم در آسمان ظاهر شد: زنی که آتفاب را

۵ و اگر کسی بخواهد بدینشان اذیت رساند، آتشی از دهانشان دربر دارد و ماه زیرپایهایش و بر سریش تاجی از دوازده ستاره است، بدر شده، دشمنان ایشان را فرو می‌گیرد؛ و هر که قصد اذیت

۶ و آبستن بوده، از درد زه و عذاب زاییدن فریاد برمی‌آورد. ۳ و ایشان دارد، بدینگونه باید کشته شود. ۶ اینها قدرت به سنت علامتی دیگر در آسمان پدید آمد که اینک اژدهاها بزرگ آتشگون آسمان دارند تا در ایام نبوت ایشان باران نبارد و قدرت بر آنها دارند

۷ که او را هفت سرو ده شاخ بود و بر سرهایش هفت افسر؛ ۴ و آنها را به خون تبدیل نمایند و جهان را هر گاه بخواهند، به ا نوع بلاя مبتلا سازند. ۷ و چون شهادت خود را به اتمام رسانند، آن وحش که از هاویه برمی‌آید، با ایشان جنگ کرده، غلبه خواهد

۸ ویدنها یافت و ایشان را خواهد کشت (Abyssos g12) ۸ ویدنها ایشان در شارع عام شهر عظیم که به معنی روحانی، به سدهم و

۹ مصر مسمی است، جایی که خداوند ایشان نیز مصلوب گشت، خواهد ماند. ۹ و گروهی از اقوام و قبایل زبانها و امت‌ها، بدنها ایشان را سه روز و نیم نظاره می‌کنند و اجازت نمی‌دهند

۱۰ و در آسمان جنگ شد: میکائیل و فرشتگانش با اژدها جنگ کردن و اژدها و فرشتگانش جنگ کردند، ۸ ولی غلبه نیافرند بلکه که بدنها ایشان را به قبرسپارند. ۱۰ و ساکنان زمین بر ایشان خوشی و شادی می‌کنند و نزد یکدیگر هدایا خواهند فرستاد، از آنرو

۱۱ که این دو نبی ساکنان زمین (امعبد ساختند. ۱۱ و بعد از سه روز و نیم، روح حیات از خدابدیشان درآمد که بر پایهای خود

۱۲ ایستادند و بینندگان ایشان را خوفی عظیم فرو گرفت. ۱۲ و آوازی بلند از آسمان شیدند که بدینشان می‌گوید: «به اینجا صعود

۱۳ مسیح او ظاهر شد زیرا که آن مدعی برادران ما که شبانه‌روز در حضور خدای ما برایشان دعوی می‌کند، به زیر افکنده شد. ۱۳ و در همان ساعت، زلزله‌ای عظیم حادث گشت که دیدی از شهر منهدم گردید و هفت هزارنفر از زلزله هلاک شدند

۱۴ و باقی ماندگان ترسان گشته، خدای آسمان را مجید کردند. ۱۴ وای دوم درگذشته است. اینک وای سوم بزودی می‌اید. ۱۵

۱۵ و فرشته‌ای بنواخت که ناگاه صدای بلندر آسمان واقع شد که می‌گفتند: «سلطنت جهان از آن خداوند ما و مسیح او شد و تا ابدالاً باده‌کرانی خواهد کرد.» (aiōn g165) ۱۶ و آن

۱۶ بیست و چهارپر که در حضور خدا بر تختهای خود نشسته‌اند، به روی درافتاده، خدا را سجده کردند ۱۷ و گفتند: «تو را شکر

۱۷ می‌کنیم ای خداوند، خدای قادر مطلق که هستی و بودی، زیرا که قوت عظیم خودرا بدست گرفته، به سلطنت پرداختی. ۱۸ و امت

۱۸ هاخشمناک شدند و غضب تو ظاهر گردید و وقت مردگان رسید تا بر ایشان داوری شود و تا بندگان خود یعنی انبیا و مقدسان

غضب نموده، رفت تا باباقی ماندگان ذریت او که احکام خدا را بشمارد، زیرا که عدوانسان است و عدش ششصد و شصت و حفظمنی کنند و شهادت عیسی را نگاه می دارند، جنگ کنند. شش است.

۱۳ و او بر ریگ دریا ایستاده بود. ۲ و آن وحش را که دیدم، ۱۴ و دیدم که اینک بره، بر کوه صهیون ایستاده است و با مانند پانگ بود و پایهایش مثل پای خرس و دهانش مثل دهان وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم او و اسم پدر او را بر شیر. و ازدها قوت خویش و تخت خود و قوت عظیمی به وی داد. پیشانی خود مرقوم می دارند. ۲ و آوازی از آسمان شنیدم، مثل ۳ و یکی از رسایهای را دیدم که تا به موت کشته شد و از آن آواز آبهای سپیار و مانند آواز رعد عظیم؛ و آن آوازی که شنیدم، زخم مهلك شفا یافت و تمامی جهان دربی این وحش در حریت مانند آواز بربطاواران بود که بربطهای خود را بنوازنند. ۳ و در حضور افتدند. ۴ و آن ازدها را که قدرت به وحش داده بود، پرستش تخت و چهار حوان و پیران، سروید جدید می سرایند و هیچ کس کردند و وحش را سجده کرده، گفتند که «کیست مثل آن سرودرا بیاموزد، جز آن صد و چهل و چهار هزار که وکیست که با وی می تواند جنگ کنند؟» ۵ و به وی دهانی داده از جهان خریده شده بودند. ۴ ایناند آنانی که با زنان آلوه نشدند، شد که به کبر و کفر تکلم می کنند؛ و قدرتی به او عطا شد که زیرا که باکره هستند؛ و آناند که بره را هر کجا می رود متابعت مدت چهل و دو ماه عمل کنند. ۶ پس دهان خود را به کفرهای می کنند و از میان مردم خریده شده اند تا نبور برای خدا و بره برخدا گشود تا بر اسم او و خیمه او و سکنه آسمان کفر گوید. ۷ باشند. ۵ در دهان ایشان دروغی یافت نشد، زیرا که بی عیب و به وی داده شد که با مقدسین جنگ کند و بر ایشان غلبه هستند. ۶ و فرشتهای دیگر را دیدم که در وسط آسمان پرواز یابد؛ و تسلط بر هر قبیله و قوم و زبان و امت، بدو عطا شد. ۸ و می کند و انجیل جاودانی را دارد تا ساکنان زمین را از هر امت و جمیع ساکنان جهان، جز آنانی که نامهای ایشان در دفتر حیات قبیله و زبان و قوم بشارت دهد، (aiōnios) ۹ و به آواز یارهای که از بای عالم ذبح شده بود مکتوب است، او را خواهند بلند می گوید: «از خدا پرسید و او را تمجید نمایید، زیرا که زمان پرستید. ۹ اگر کسی گوش دارد بشنو. ۱۰ اگر کسی اسیر نماید داوری اورسیده است. پس او را که آسمان و زمین و دریا و چشممه به اسیری رود، واگر کسی به شمشیر قتل کند، می پاید او به های آب را آفرید، پرستش کنید.» ۸ و فرشتهای دیگر از عقب او شمشیرکشته گردند. در اینجاست صیر و ایمان مقدسین. ۱۱ آمده، گفت: «منهدم شد بابل عظیم که از خمر غضب زنای و دیدم وحش دیگری را که از زمین بالامی آید و دو شاخ مثیل خود، جمیع امتهای را نوشتند.» ۹ و فرشته سوم از عقب این دو شاخهای بره داشت و مانند ازدها تکلم می نمود. ۱۲ و با تمام آمده، به آواز بلند می گوید: «اگر کسی وحش و صورت او را پرستش قدرت وحش نخست، در حضور وی عمل می کند و زمین وسکنه کند و نشان او را بر پیشانی یا دست خود پذیرد، ۱۰ او نیز از آن را بر این وامی دارد که وحش نخست را که از زخم مهلك شفا خمر غضب خدا که در پیله خشم و بیغش آمیخته شده است، یافت، پرستند. ۱۳ و معجزات عظیمه بعمل می آورد تا آتش را نیز خواهد نشید، و در نزد فرشتهگان مقدس و در حضوریه، به آتش و آزاسمن در حضور مردم به زمین فرود آورد. ۱۴ و ساکنان زمین را کبریت، معذب خواهد شد، ۱۱ و دود عذاب ایشان تا ابدالاً بد گمراه می کند، به آن معجزاتی که به وی داده شد که آنها را در بالا می رود. پس آنانی که وحش و صورت او را پرستش می کنند حضور وحش بنمایند. و به ساکنان زمین می گوید که صورتی را آزان و هر که نشان اسم او را پذیرد، شبانه روز آرامی ندارند.» (aiōn) ۱۵ و ۱۶ در اینجاست صیر مقدسین که احکام خدا و ایمان وحش که بعد از خوردن زخم شمشیر زیست نمود، بسازند. ۱۵ و (g165) ۱۶ در اینجاست صیر مقدسین که صورت وحش را روح بخشید تا که صورت عیسی را حفظ می نمایند. ۱۳ و آوازی را از آسمان شنیدم که وحش سخن گوید و چنان کند که هر که صورت وحش را پرستش می گوید: «بنویس که از کنون خوشحالند مردگانی که درخداوند نکنند، کشته گردد. ۱۶ و همه را از کبیرو صغیر و دولتمند و قبیر می مرنند. و روح می گوید: «بلی، تا از زحمات خود آرامی پایند و غلام و آزاد باین وامی دارد که بر دست راست یا بر پیشانی خود اعمال ایشان از عقب ایشان می رسد.» ۱۴ و دیدم که اینک ابری نشانی گذارند. ۱۷ و اینک هیچ کس خرید و فروش نتواند کرد، سفید پدید آمد و برابر، کسی مثل پسر انسان نشسته که تاجی از جز کسی که نشان یعنی اسم یا عدد اسم وحش را داشته باشد. طلادر و در دستش داسی تیز است. ۱۵ و فرشتهای دیگر از ۱۸ در اینجا حکمت است. پس هر که فهم دارد، عدد وحش را قدس بیرون آمده، به آواز بلند آن ابرنشین را ندا می کند که داس

خود را پیش بیاور و درو کن، زیرا هنگام حصاد رسیده و حاصل و خون شد. ۵ و فرشته آبها را شنیدم که می‌گوید: عادلی تو که زمین خشک شده است. ۱۶ و ابرنشین داس خود را بر زمین آورد هستی و بودی ای قلوس، زیرا که چنین حکم کردی، ۶ چونکه و زمین درویده شد. ۱۷ و فرشته‌ای دیگر از قدسی که در آسمان خون مقدسین و انبیا را ریختند و بدیشان خون دادی که بتوشد است، بیرون آمد و او نیز داسی تیز داشت. ۱۸ و فرشته‌ای دیگر که زیرا که می‌گفت: «ای خداوند، بر آتش مسلط است، از مذیح بیرون شده، به آواز بلند ندا درداده، خدای قادر مطلق، داریهای تو حق و عدل است.» ۸ و چهارمین، صاحب داس تیز را گفت: «داس تیز خود را پیش آور و خوش های پیاله خود را بر آفتاب ریخت؛ و به آن داده شد که مردم را به آتش مو زمین را بچن، زیرا انگویهایش رسیده است.» ۱۹ پس آن فرشته بسوزاند. ۹ و مردم به حرارت شدید سوخته شدند و به اسم آن خدا داس خود را بزمین آورد و موهای زمین را چیده، آن را درچرخشت که بر این بلایا قدرت دارد، کفر گفتند و توبه نکردند تا او را عظیم غضب خدا ریخت. ۲۰ و چرخشت را بیرون شهر به پا تمجید نمایند. ۱۰ و پنجمین، پیاله خود را بر تخت وحش ریخت بیفشنند و خون از چرخشت تا به دهن اسیان به مسافت هزار و مملکت او تاریک گشت و زیانهای خودرا از درد می‌گردند، ۱۱ و مشخصه تیز پرتاب جاری شد.

۱۵ و علامت دیگر عظیم و عجیبی درآسمان دیدم، یعنی عظیم فرات ریخت و آبش خشکید تا راه پادشاهانی که از منطقه هفت فرشته‌ای که هفت بلایی دارند که آخرین هستند، زیرا که به آفتاب می‌آید، مهیا شود. ۱۳ و دیدم مثال دریایی از آنها غضب الهی به انجام رسیده است. ۲ و دیدم مثال دریایی از وحش و از دهان نبی کاذب، سه روح خبیث چون وزعجهای بیرون شیشه مخلوط به آتش و کسانی را که بر وحش و صورت او و عدد می‌آیند. ۱۴ زیرا که آنها ارواح دیوها هستند که معجزات ظاهر می‌غلبه می‌یابند، بر دریای شیشه ایستاده و بربطهای خدارا بدانند گرفته، ۳ سرود موسی بنده خدا و سروده را می‌خوانند. ۱۵ و می‌گویند: «عظیم و عجیب است اعمال توابی خداوند خدای قادر «اینک چون دزد می‌آیم! خوشحال کسی که بیدار شده، رخت خود را نگاه دارد، می‌اعربان راه رود و رسوایی او را بیبند.» ۱۶ و کیست که از تو نترسد، خداوندا و کیست که نام تو را تمجید ننماید؟ زیرا که تو تنها قدوس هستی و جمیع امت‌ها آمده، در حضور تو پرستش خواهند کرد، زیرا که احکام تو ظاهرگردیده است. ۵ و بعد از این دیدم که قدس خیمه شهادت درآسمان گشوده شد، ۶ و هفت فرشته‌ای که هفت بلایشند، کنانی پاک و روشن دربر کرده و کمرایشان به کمرید زین پسته، بیرون آمدند. ۷ و یکی از آن چهار حیوان، به آن هفت فرشته، هفت پیاله زرین داد، پر از غضب خدا که تا ابدالایاد زنده است. (aiōn g165) ۸ و قدس از جلال خدا و قوت او پر دودگردید. و تا هفت بلای آن هفت فرشته به انجام نرسید، هیچ کس نتوانست به قدس درآید.

۱۶ و آوازی بلند شنیدم که از میان قدس به آن هفت فرشته گفتگر، خدا را کفر گفتند زیرا که صدمه‌اش بینهایت سخت بود. می‌گوید که «بروید، هفت پیاله غضب خدا را بر زمین ببریزید.» ۲ **۱۷** و یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت پیاله را داشتند، و اولی رفته، پیاله خود را بر زمین ریخت و دمل زشت و بد بر آمد و به من خطاب کرده، گفت: «یا تا قضای آن فاحشه مردمانی که نشان وحش دارند و صورت او را می‌پرستند، بیرون آمد. بزرگ را که برآبهای بسیار نشسته است به تو نشان دهم، ۲ که ۳ و دومین پیاله خود را به دریا ریخت که آن به خون مثل خون پادشاهان جهان با او زنا کردند و ساکنان زمین، از خمر زنای او مرده مبدل گشت و هر نفس زنده از چیزهایی که در دریا بود مست شدند.» ۳ پس مرا در روح به بیان برد و زنی را دیدم بر بمرد. ۴ و سومین پیاله خود را در نهرها و چشمه های آب ریخت

وحش قمری سوارشده که از نامهای کفر پر بود و هفت سر و ده گردیده است. ۳ زیرا که از خمر غضب آلود زنای او همه امت شاخ داشت. ۴ و آن زن، به ارغوانی و قمر ملیس بود و به طلا و هانو شیده اند و پادشاهان جهان با وی زنا کرده اند و تجارت جهان از جواهر و مروارید مزین و پیاله ای زین به دست خود پر از خبائث و کثرت عیاشی او دولتمند گردیده اند.» ۴ و صدایی دیگر از آسمان نجاسات زنای خود داشت. ۵ و بر پیشانی اش این اسم مقرم بود: شنیدم که می گفت: «ای قم من از میان او بیرون آید، مبادر دیدم، مست از خون مقدسین و از خون شهدای عیسی و از دیدن تا به فلک رسیده و خدا ظلمهایش را به یاد آورده است. ۶ بدو او بی نهایت تعجب نمودم. ۷ و فرشته مرا گفت: «چرا متعجب رد کنید آنچه را که او داده است و بحسب کارهایش دوچندان شدی؟ من سر زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد که بدو چرا دهید و در پیاله ای که او آمیخته است، او را دو چندان حامل اوت، به تو بیان می نمایم. ۸ آن وحش که دیدی، بود و بیامزید. ۷ به اندازه ای که خوبیشن را تمجید کرد و عیاشی نمود، نیست و از هاوی خواهد بیامد و به هلاکت خواهد رفت؛ و ساکنان به آنقدر عذاب و ماتم بدو دهید، زیرا که در دل خودمی گوید: به زمین، جز آنانی که نامهای ایشان از بنای عالم در دفترحیات مقام ملکه نشسته ام و بیوه نیستم و ماتم هرگز نخواهم دید. ۸ لهذا مقرم است، در حیرت خواهند افتد از دین آن وحش که بود و بلایای او از مرگ و ماتم و قحط در یک روز خواهد آمد و به آتش نیست و ظاهر خواهد شد. (Abyssos g12) ۹ «اینجاست ذهنی سوخته خواهد شد، زیرا که زورآور است، خداوند خدایی که بر که حکمت دارد. این هفت سر، هفت کوه می باشد که زن بر او داوری می کند. ۱۰ آنگاه پادشاهان دنیا که با او زنا و عیاشی آنها نشسته است؛ ۱۰ و هفت پادشاه هستند که پیچ افتداده اند نمودند، چون دود سوختن او را بینند، گریه و ماتم خواهند کرد، و یکی هست و دیگری هنوز نیامده است و چون آیدمی باید ۱۰ و از خوف عذابش دور ایستاده، خواهند گفت: وا وای، ای اندکی بماند. ۱۱ و آن وحش که بود و نیست، هشتمنی است و شهر عظیم، ای بابل، بلده زورآوزیرا که در یک ساعت عقوبت تو از آن هفت است و به هلاکت می رود. ۱۲ و آن ده شاخ که آمد. ۱۱ «و تجار جهان برای او گریه و ماتم خواهند نمود، زیرا که دیدی، ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافهنه اند بلکه یک رای نفره و جواهر و مروارید و کتان نازک و ارغوانی و ابریشم و قمز و عود ساعت با وحش چون پادشاهان قدرت می باند. ۱۳ اینها یک رای نفره و جواهر و مروارید و کتان نازک و ارغوانی و ابریشم و قمز و عود دارند و قوت و قدرت خود را به وحش می دهند. ۱۴ ایشان با قماری و هر ظرف عاج و ظروف چوب گرانبهای مس و آهن و بره جنگ خواهند نمود و بره بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا که مومر، ۱۳ و دارچینی و حماما و خوشبوی ها و مر و کندر و شراب اور الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنانی نیز که با او هستند و روغن و آرد میده و گندم و رمهها و گلهای رسان و ارابهای و که خوانده شده و برگزیده و مینند. ۱۵ و مرا می گوید: «آبهایی اجساد و نفوس مردم. ۱۴ و حاصل شهوت نفس تو از تو گم شد که دیدی، آنجایی که فاحشه نشسته است، قومها و جماعتها و هر چیز فریه و روشن از تو نابود گردید و دیگر آنها را نخواهی وامتها و زبانها می باشد. ۱۶ و اما ده شاخ که دیدی و وحش، یافت. ۱۵ و تاجران این چیزها که از او دولتمند شده اند، از ترس اینها فاحشه را دشمن خواهند داشت و او را بینوا و عربان خواهند عذابش دور ایستاده، گریان و ماتم کنان ۱۶ خواهند گفت: وا وای، نمود و گوشش را خواهند خورد و او را به آتش خواهند سوزانید، وا وای شهر عظیم که به کتان و ارغوانی و قمز ملیس می بودی و ۱۷ زیرا خدا در دل ایشان نهاده است که اراده او را بهجا آزند و به طلا و جواهر و مروارید مزین، زیرا در یک ساعت اینقدر دولت یک رای شده، سلطنت خود را به وحش بدنه تا کلام خدا تمام عظیم خراب شد. ۱۷ و هنرخدا و کل جماعته که بر کشتهای شود. ۱۸ و زنی که دیدی، آن شهر عظیم است که بر پادشاهان می باشد و ملاحان و هر که شغل دریا می کند دور ایستاده، ۱۸ چون جهان سلطنت می کند.»

۱۸ بعد از آن دیدم فرشتهای دیگر از آسمان نازل شد که این شهر بزرگ! ۱۹ و خاک بر سر خود ریخته، گریان و ماتم کنان فریاد بآورده، می گفتند: «وای، وای بر آن شهر عظیم که از آن قدرت عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد. ۲ و به آوار هر که در دریا صاحب کشته بود، ازتفایس او دولتمند گردید که زورآورندا کرده، گفت: «منهدم شد، منهدم شد بابل عظیم! او در یک ساعت ویران گشت. ۲۰ «پس ای آسمان و مقدسان و مسکن دیوها و ملاذ هر روح خیث و ملاذ هر منغ ناپاک و مکروه رسولان و انبیاشادی کنید زیرا خدا انتقام شما را از او کشیده

است.» ۲۱ و یک فرشته زورآور سنگی چون سنگ آسیای بزرگ خدا» می‌خوانند. ۱۴ و لشکرهایی که درآسمانند، بر اسبهای گرفته، به دریا انداخت و گفت: «چنین به یک صدمه، شهر سفید و به کنان سفید و پاک ملیس از عقب او مامدند. ۱۵ و با پل مندهم خواهدگردید و دیگر هرگز یافت نخواهد شد. ۲۲ از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید تا به آن استها را بزندو آنها را وصوت بپیطنان و مغنایان و نی زنان و کربنوازان بعد از این در تو به عصای آهنهن حکمرانی خواهد نمودو از چرخشت خمر غضب شنیده نخواهد شد و هیچ صنعتگر از هر صنعتی در تو دیگر پیدا و خشم خدای قادر مطلق را زیر پای خود می‌افشد. ۱۶ و بر لباس نخواهد شد و باز صدای آسیا در تو شنیده نخواهدگردید، ۲۳ و نور و ران او نامی مرقوم است یعنی «پادشاه پادشاهان ورب الاراب». چراغ در تو دیگر نخواهد تایید و آواز عروس و داماد بار در تو شنیده ۱۷ و دیدم فرشتهای را در آفتاب ایستاده که به آواز بلند تمامی نخواهد گشت زیرا که تجار تو اکابر جهان بودند و از جادوگری تو مرغانی را که در آسمان پروازمی کنند، ندا کرده، می‌گوید: «باید جمیع امت‌ها گمراه شدنند. ۲۴ و درآن، خون آنیا و مقدسین و بجهت ضیافت عظیم خدا فراهم شوید. ۱۸ تا بخورد گوشت پادشاهان و گوشت سپه سالاران و گوشت جباران و گوشت اسبها

تمام مقتولان روی زمین یافت شد.»

۱۹ و بعد از آن شنیدم چون آوازی بلند ازگوهی کثیر در آسمان که می‌گفتند: «هللویاه! نجات و جلال و اکرام و قوت از آن خدای ما است، ۲ زیرا که احکام او راست و عدل است، چونکه داوری نمود بر فاحشه بزرگ که جهان را به زنای خود فاسد می‌گردانید و انتقام خون بندگان خود را از دست او کشید.» ۳

و بار دیگر گفتند: «هللویاه، و دودش تالبدالا باد بالا می‌رود!» ۴ و آن بیست و چهار پیر و چهار حیوان به روی درافتاده، خدایی را که بر تخت نشسته است سجده نمودند و گفتند: «آمین، هللویاه!» ۵ و آوازی از تخت بیرون آمده، گفت:

(Limnē Pyr g3041) ۶ و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون هاویه را دارد و زنجیری بزرگ بر دست وی است. (Abyssos) ۷ و ازدها یعنی مار قدیم را که ابلیس و شیطان می‌باشد، از دهان اسب سوار بیرون ۸ و باقیان به شمشیری که از دهان اسب سوار بیرون می‌آمد کشته شدند و تمامی مرغان از گوشت ایشان سیر گردیدند.

۹ (aiōn g165) ۱۰ و دیدم فرشتهای را که از آسمان نازل می‌شود و کلید

کثیر و چه صغیر. ۱۱ و شنیدم چون آواز جمعی کثیر و چون آوازآههای فراوان و چون آواز رعدهای شدید که می‌گفتند: «هللویاه، (g12) ۱۲ و ازدها یعنی مار را که ابلیس و شیطان می‌باشد، زیرا خداوند خدای ما قادر مطلق، سلطنت گرفته است. ۷ شادی و گرفتار کرده، او راتا مدت هزار سال در بند نهاد. ۳ و او را به وجود نمایم و او را تمجید کنیم زیرا که نکاح بره رسیده است و هاویه انداخت و در را برو بسته، مهر کرد تا امت‌ها را دیدگر گمراه عروس او خود را حاضر ساخته است. ۸ و او داده شد که به نکد تا مدت هزار سال به انجام رسد؛ و بعد از آن می‌باید اندکی کتان، پاک و روشن خود را پوشاند، زیرا که آن کتان عدالت‌های خلاصی یابد. (Abyssos g12) ۹ و تختها دیدم و بر آنها مقدسین است.» ۱۰ و مرا گفت: «بنویس: خوشحال آنانی که به نشستند و به ایشان حکومت داده شد و دیدم نفوس آنانی را که بزم نکاح بره دعوت شده‌اند.» و نیز مرا گفت که «این است کلام بجهت شهادت عیسی و کلام خدا سر بریده شدند و آنانی را که راست خدا.» ۱۱ و نزد پایه‌ایش افتادم تا او را سجده کنم. اوبه وحش و صورتش را پرستش نکردند و نشان او را بر پیشانی و دست من گفت: «ازنهار چنین نکنی زیرا که من با توهین‌خدمت هستم و خود نبینی‌گفتند که زنده شدند و با مسیح هزار سال سلطنت کردند. با برادرانت که شهادت عیسی را دارند. خدا را سجده کن زیرا که ۵ و سایر مردگان زنده نشستند تاهزار سال به اتمام رسید. این شهادت عیسی روح نبوت است.» ۱۲ و دیدم آسمان را گشوده و است قیامت اول. ۶ خوشحال و مقدس است کسی که از قیامت ناگاه اسی سفید که سوارش امین و حق نام دارد و به عدل داوری اول قسمتی دارد. بر اینها موت ثانی تسسلط ندارد بلکه کاهان خدا و چشم‌انش چون شعله آتش و بر سرش و مسیح خواهند بود و هزار سال با اوضاعیت خواهند کرد. ۷ و افسرهای بسیار و اسمی مرقوم دارد که جز خودش هیچ کس آن را چون هزار سال به انجام رسد، شیطان از زندان خود خلاصی خواهد نمی‌داند. ۱۳ و جامه‌ای خون آسود دربر دارد و نام او را «کلمه یافت ۸ تا بیرون رودو امت‌های را که در چهار زاویه جهانند،

یعنی جوج و ماجوج را گمراه کند و ایشان را بجهت جنگ فراهم شده به آتش و کبریت خواهد بود. این است موت ثانی.» **(Limnē Pyr g3041 g4442)**

آورد که عدد ایشان چون ریگ دریاست. ۹ و بر عرصه جهان برآمده، لشکرگاه مقدسین و شهر محبوب را محاصره کردند. پس پیاله پر از هفت بلای آخرین را دارند، آمد و مرا مخاطب ساخته، آتش از جانب خدا از آسمان فرو ریخته، ایشان را بتونشان دهم. ۱۰ آنگاه گفت: «بیا تا عروس منکوحه بره را به تو نشان را بله.» ۱۱ آنگاه ایشان را گمراه می کند، به دریاچه آتش و کبریت مرا در روح، به کوهی بزرگ بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به انداخته شد، جایی که وحش و نبی کاذب هستند؛ و ایشان تا من نمود که از آسمان از جانب خدا نازل می شود، ۱۲ و جلال ابدالا بادشانه روز عذاب خواهند کشید. **(aiōn g165, Limnē Pyr g3041 g4442)**

آن نشسته که از روی وی آسمان و زمین گریخت ویرای آنها جایی دوازده فرشته و اسمها بر ایشان مقوم است که نامهای دوازده سبط یافت نشد. ۱۳ و دیدم تخنی بزرگ سفید و کسی را بر و دیواری بزرگ و بلند دارد و دوازده دروازه دارد و بر سر دروازه ها ایستاده بودند؛ و دفترهارا گشودند. پس دفتری دیگر گشوده شد از جنوب سه دروازه و از شمال سه دروازه و ایستاده بودند؛ و دیوار شهردوازده که دفترحیات است و بر مردگان داروی شد، بحسب اعمال ایشان اساس دارد و بر آنها دوازده اسم دوازده رسول بره است. ۱۴ و آن از آنچه در دفترها مکتوب است. ۱۵ و دریا مردگانی را که در کس که با من تکلم می کرد، نی طلاداشت تا شهر و دروازه هایش آن بودند زار داد؛ و موت و عالم اموات مردگانی را که در آنها و دیوارش را پیسماید. ۱۶ و شهر مربع است که طول و عرضش بودندیاز دادند؛ و هر یکی بحسب اعمالش حکم یافت. **(Hadēs g86)**

مساوی است و شهر را به آن نی پیموده، دوازده هزار تیر پرتاب یافت و طول و عرض و بلندی اش برابر است. ۱۷ و دیوارش را صد **(Hadēs g86, Limnē Pyr g3041 g4442)** است موت ثانی، یعنی دریاچه آتش. و چهل و چهارذراع پیمود، موافق ذراع انسان، یعنی فرشته. ۱۸ و بنیاد دیوار آن از یشم بود و شهر از زر خالص چون شیشه مصنفی بود. ۱۹ و بنیاد دیوار شهر به هر نوع جواهر گرانهای مزین بود که بنیاد اول، یشم و دوم، یاقوت کبود و سوم، عقیق سفید و چهارم، زمرد و پنجم، جزع عقیقی و ششم، عقیق وهفت، زیرجد و هشتم، زمرد سلقی و نهم، طوبیاز ودهم، عقیق اخضار و یازدهم، آسمانجوانی دوازدهم، یاقوت بود. ۲۰ و دوازده دروازه، دوازده مرواید بود، هر دروازه از یک مرواید و شارع عام شهر، از زر خالص چون شیشه شفاف. ۲۱ و در آن هیچ قدس ندیدم زیرا بادمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او خواهند بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود. ۲۲ و آوازی بلندیار آسمان شنیدم که می گفت: «این خیمه خدا حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است. ۲۳ و آوازی بلندیار آسمان شنیدم که می گفت: «این خیمه خدا با خدا هر اشکی از چشمان ایشان پاک خواهد کرد. و بعد از آن موت نخواهد بود و ماتم و ناله و درد دیگر رو نخواهد نمود زیرا که چیزهای اول در گذشت.» ۲۴ و آن تخت نشین گفت: «الحال درآورد. ۲۵ و دروازه هایش در روز بسته نخواهد بود زیرا که شب همه چیز را نومی سازم.» و گفت: «بنویس، زیرا که این کلام امین و راست است.» ۲۶ باز مرا گفت: «تمام شد! من الف و یا و ابتداء و انتها هستم. من به هر که تشننه باشد، از چشمته آب حیات، زشت یا دروغ شود، هرگز داخل آن نخواهد شد، مگر آنani که در دفتر حیات بره مکتویند.

۲۷ و نهی از آب حیات به من نشان داد که درخششندۀ ترسندها و بی ایمان و خیثان و قاتلان و زانیان و جادوگران و بت پرستان و جمیع دروغگویان، نصیب ایشان در دریاچه افروخته بود، مانند بلور و از تخت خدا و بر جاری می شود. ۲۸ و در

وسط شارع عام آن و بر هر دو کناره نهر، درخت حیات را که «بلی، به زودی می‌آیم!» آمن. بیا، ای خداوند عیسی! ۲۱ فیض
دوازده میوه می‌آورد یعنی هر ماه میوه خود رامی دهد؛ و برگهای خداوند ما عیسی مسیح با همه شما پاد. آمن.

آن درخت برای شفای امت هامی باشد. ۲ و دیگر هیچ لعنت

نخواهد بود و تخت خدا و پره در آن خواهد بود و بندگانش او

راعبادت خواهند نمود. ۴ و چهره او را خواهند دید و اسم وی بر

پیشانی ایشان خواهد بود. ۵ و دیگر شب نخواهد بود و احتیاج

به چراغ و نوار قتاب ندارند، زیرا خداوند خدا بر ایشان روشنایی

می‌بخشد و تا ابدالاً باد سلطنت خواهد کرد. (aiōn g165) ۶ و

مرا گفت: «این کلام امین و راست است و خداوند خدای ارواح

انبیا، فرشته خود را فرستادتا به بندگان خود آنچه را که زود می‌باید

واقع شود، نشان دهد.» ۷ «و اینک به زودی می‌آیم. خوشحال

کسی که کلام نبوت این کتاب را نگاه دارد.» ۸ و من، یوحنا،

این امور را شنیدم و دیدم و جون شنیدم و دیدم، افتادم تا پیش

پایهای آن فرشته‌ای که این امور را به من نشان داد سجده کنم. ۹

او مرا گفت: «زنهار نکنی، زیرا که همخدمت با تو هستم و با

انبیا یعنی برادرانت و پستانی که کلام این کتاب را نگاه دارند.

خدای راسجده کن.» ۱۰ و مرا گفت: «کلام نبوت این کتاب

را مهر مکن زیرا که وقت نزدیک است. ۱۱ هر که ظالم است،

باز ظلم کند و هر که خبیث است، باز خبیث بماند و هر که عادل

است، باز عدالت کند و هر که مقدس است، باز مقدس بشود.»

۱۲ «و اینک به زودی می‌آیم و اجرت من با من است تا هر کسی

را بحسب اعمالش جزا دهم. ۱۳ من الف و ياء و ابتداء و انتها و

اول و آخر هستم ۱۴ خوشحال آنانی که رختهای خود رامی

شویند تا بر درخت حیات اقتدار یابند و به دروازه های شهر درآیند،

زیرا که سگان وجادوگران و زانیان و قاتلان و بتپستان و هر که

دروغ را دوست دارد و بعمل آورد، بیرون می‌باشند. ۱۶ من عیسی

فرشته خود را فرستادم تاشما را در کلیساها بدین امور شهادت

دهم. من ریشه و نسل داود و ستاره درخششده صبح هستم.»

۱۷ روح و عروس می‌گویند: «بیا!» و هر که می‌شود بگوید:

«بیا!» و هر که تشننه باشد، بیاید و هر که خواهش دارد، از آب حیات

بی قیمت بگیرد. ۱۸ زیرا هر کس را که کلام نبوت این کتاب را

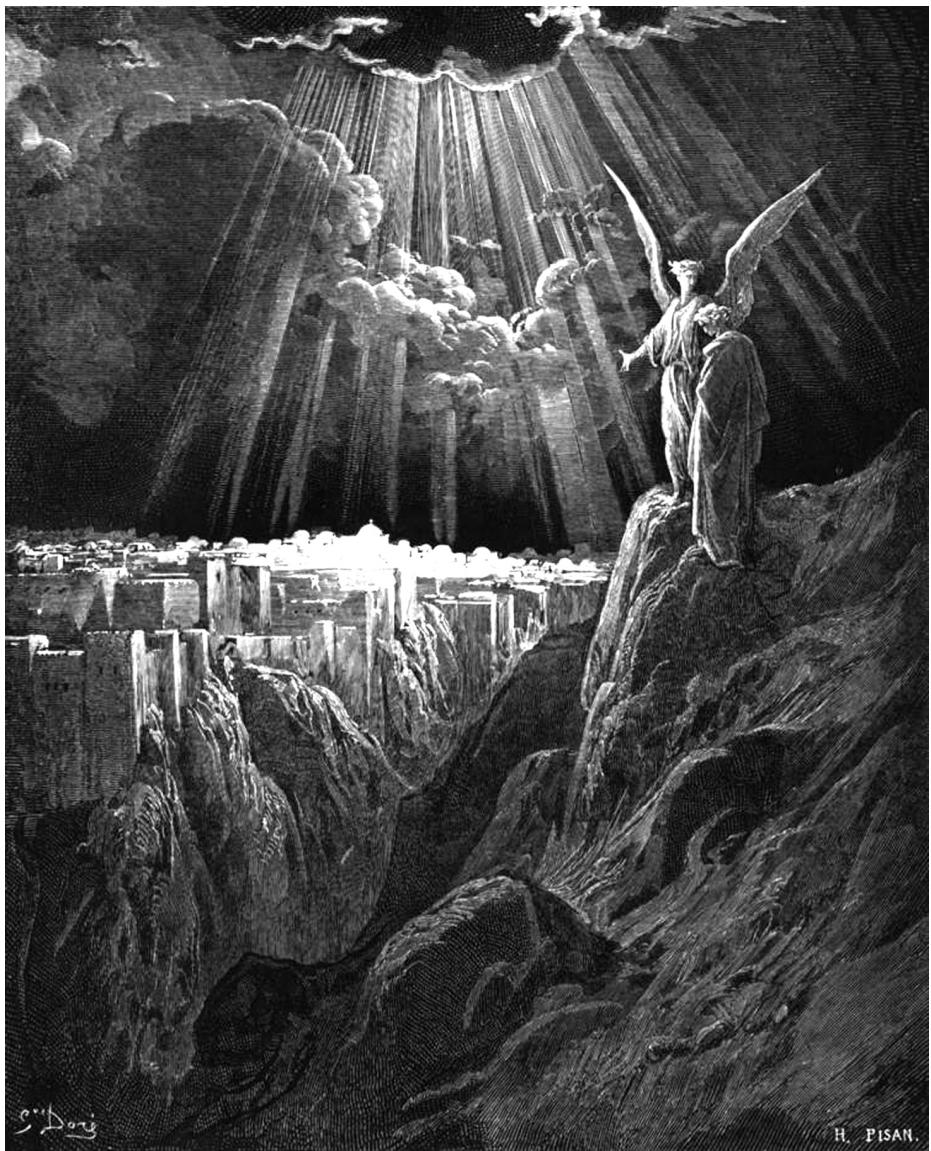
بشنوید، شهادت می‌دهم که اگر کسی بر آنها بیفراید، خدا بلا بایی

مکتوب در این کتاب را بروی خواهد افروز. ۱۹ و هر گاه کسی از

کلام این نبوت چیزی کم کند، خدا نصیب او را از درخت حیات

و از شهر مقدس و از چیزهایی که در این کتاب توشته است،

منقطع خواهد کرد. ۲۰ او که بر این امور شاهد است، می‌گوید:



و شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از جانب خدا از آسمان نازل می شود، حاضر شده چون عروسی که برای شوهر خود آراسته است. و آوازی بلندار آسمان شنیدم که می گفت: «اینک خیمه خدا با آدمیان است و با ایشان ساکن خواهد بود و ایشان قوم های او خواهد بود و خود خدا با ایشان خدای ایشان خواهد بود.

مکائنة پوختا

۳-۲۱:۲

راهنمای خوانندگان

فارسی at AionianBible.org/Readers-Guide

The Aionian Bible republishes public domain and Creative Common Bible texts that are 100% free to copy and print. The original translation is unaltered and notes are added to help your study. The notes show the location of eleven special Greek and Hebrew Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and for all mankind, and the nature of afterlife destinies.

Who has the authority to interpret the Bible and examine the underlying Hebrew and Greek words? That is a good question! We read in 1 John 2:27, “*As for you, the anointing which you received from him remains in you, and you do not need for anyone to teach you. But as his anointing teaches you concerning all things, and is true, and is no lie, and even as it taught you, you remain in him.*” Every Christian is qualified to interpret the Bible! Now that does not mean we will all agree. Each of us is still growing in our understanding of the truth. However, it does mean that there is no infallible human or tradition to answer all our questions. Instead the Holy Spirit helps each of us to know the truth and grow closer to God and each other.

The Bible is a library with 66 books in the Protestant Canon. The best way to learn God's word is to read entire books. Read the book of Genesis. Read the book of John. Read the entire Bible library. Topical studies and cross-referencing can be good. However, the safest way to understand context and meaning is to read whole Bible books. Chapter and verse numbers were added for convenience in the 16th century, but unfortunately they can cause the Bible to seem like an encyclopedia. The Aionian Bible is formatted with simple verse numbering, minimal notes, and no cross-referencing in order to encourage the reading of Bible books.

Bible reading must also begin with prayer. Any Christian is qualified to interpret the Bible with God's help. However, this freedom is also a responsibility because without the Holy Spirit we cannot interpret accurately. We read in 1 Corinthians 2:13-14, “*And we speak of these things, not with words taught by human wisdom, but with those taught by the Spirit, comparing spiritual things with spiritual things. Now the natural person does not receive the things of the Spirit of God, for they are foolishness to him, and he cannot understand them, because they are spiritually discerned.*” So we cannot understand in our natural self, but we can with God's help through prayer.

The Holy Spirit is the best writer and he uses literary devices such as introductions, conclusions, paragraphs, and metaphors. He also writes various genres including historical narrative, prose, and poetry. So Bible study must spiritually discern and understand literature. Pray, read, observe, interpret, and apply. Finally, “*Do your best to present yourself approved by God, a worker who does not need to be ashamed, properly handling the word of truth.*” 2 Timothy 2:15. “*God has granted to us his precious and exceedingly great promises; that through these you may become partakers of the divine nature, having escaped from the corruption that is in the world by lust. Yes, and for this very cause adding on your part all diligence, in your faith supply moral excellence; and in moral excellence, knowledge; and in knowledge, self-control; and in self-control patience; and in patience godliness; and in godliness brotherly affection; and in brotherly affection, love. For if these things are yours and abound, they make you to be not idle nor unfruitful to the knowledge of our Lord Jesus Christ,*” 2 Peter 1:4-8.

واژه نامه
at AionianBible.org/Glossary

The Aionian Bible un-translates and instead transliterates eleven special words to help us better understand the extent of God's love for individuals and all mankind, and the nature of afterlife destinies. The original translation is unaltered and a note is added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. Compare the meanings below to the Strong's Concordance and Glossary definitions.

Abyssos g12

Greek: proper noun, place

Usage: 9 times in 3 books, 6 chapters, and 9 verses

Meaning:

Temporary prison for special fallen angels such as Apollyon, the Beast, and Satan.

aīdios g126

Greek: adjective

Usage: 2 times in Romans 1:20 and Jude 6

Meaning:

Lasting, enduring forever, eternal.

aiōn g165

Greek: noun

Usage: 127 times in 22 books, 75 chapters, and 102 verses

Meaning:

A lifetime or time period with a beginning and end, an era, an age, the completion of which is beyond human perception, but known only to God the creator of the aiōns, Hebrews 1:2. Never meaning simple endless or infinite chronological time in Greek usage. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs.

aiōnios g166

Greek: adjective

Usage: 71 times in 19 books, 44 chapters, and 69 verses

Meaning:

From start to finish, pertaining to the age, lifetime, entirety, complete, or even consummate. Never meaning simple endless or infinite chronological time in Koine Greek usage. Read Dr. Heleen Keizer and Ramelli and Konstan for proofs.

eleēsē g1653

Greek: verb, aorist tense, active voice, subjunctive mood, 3rd person singular

Usage: 1 time in this conjugation, Romans 11:32

Meaning:

To have pity on, to show mercy. Typically, the subjunctive mood indicates possibility, not certainty. However, a subjunctive in a purpose clause is a resulting action as certain as the causal action. The subjunctive in a purpose clause functions as an indicative, not an optative. Thus, the grand conclusion of grace theology in Romans 11:32 must be clarified. God's mercy on all is not a possibility, but a certainty. See ntgreek.org.

Geenna g1067

Greek: proper noun, place

Usage: 12 times in 4 books, 7 chapters, and 12 verses

Meaning:

Valley of Hinnom, Jerusalem's trash dump, a place of ruin, destruction, and judgment in this life, or the next, though not eternal to Jesus' audience.

Hadēs g86

Greek: proper noun, place

Usage: 11 times in 5 books, 9 chapters, and 11 verses

Meaning:

Synonomous with Sheol, though in New Testament usage Hades is the temporal place of punishment for deceased unbelieving mankind, distinct from Paradise for deceased believers.

Limnē Pyr g3041 g4442

Greek: proper noun, place

Usage: Phrase 5 times in the New Testament

Meaning:

Lake of Fire, final punishment for those not named in the Book of Life, prepared for the Devil and his angels, Matthew 25:41.

Sheol h7585

Hebrew: proper noun, place

Usage: 66 times in 17 books, 50 chapters, and 64 verses

Meaning:

The grave or temporal afterlife world of both the righteous and unrighteous, believing and unbelieving, until the general resurrection.

Tartaroō g5020

Greek: proper noun, place

Usage: 1 time in 2 Peter 2:4

Meaning:

Temporary prison for particular fallen angels awaiting final judgment.

واژه نامه +

AionianBible.org/Bibles/Persian---Old-Persian-Version-Bible/Noted

Glossary references are below. Strong's Hebrew and Greek number notes are added to 64 Old Testament and 200 New Testament verses. Questioned verse translations do not contain Aionian Glossary words and may wrongly imply *eternal* or *Hell*. * The note placement is skipped or adjusted for verses with non-standard numbering.

Abyssos

۲۱:۸	لوقا	۲۱:۳	کارهای رسولان
۷:۱۰	رومیان	۱۰:۱۵	کارهای رسولان
۱:۹	مکاشفه بوحنا	۲۵:۱	رومیان
۲:۹	مکاشفه بوحنا	۵:۹	رومیان
۱۱:۹	مکاشفه بوحنا	۳۶:۱۱	رومیان
۷:۱۱	مکاشفه بوحنا	۲۱۲:۱	رومیان
۸:۱۷	مکاشفه بوحنا	۲۷:۱۶	رومیان
۱:۲۰	مکاشفه بوحنا	۲۰:۱	اول قرنتیان
۳:۲۰	مکاشفه بوحنا	۶:۲	اول قرنتیان

aïdios

۲۰:۱	رومیان	۱۳:۸	اول قرنتیان
۶:۱	پهودا	۱۱:۱۰	اول قرنتیان

aiōn

۲۲:۱۲	مئی	۳۱:۱۱	دوم قرنتیان
۲۲:۱۳	مئی	۴:۱	غلابطیان
۳۹:۱۳	مئی	۵:۱	غلابطیان
۴۰:۱۳	مئی	۲۱:۱	افسیان
۴۹:۱۳	مئی	۲:۲	افسیان
۱۹:۲۱	مئی	۷:۲	افسیان
۳:۲۴	مئی	۹:۳	افسیان
۲۰:۲۸	مئی	۱۱:۳	افسیان
۲۹:۳	مرقس	۲۱:۳	افسیان
۱۹:۴	مرقس	۱۲:۶	افسیان
۳۰:۱۰	مرقس	۲۰:۴	فیلیان
۱۴:۱۱	مرقس	۲۶:۱	کولسان
۳۳:۱	لوقا	۱:۱	تیموتادوس
۵۵:۱	لوقا	۱۷:۶	تیموتادوس
۷۰:۱	لوقا	۱۰:۴	تیموتادوس
۸:۱۶	لوقا	۱۸:۴	تیموتادوس
۳۰:۱۸	لوقا	۱۲:۲	تیطس
۲۴:۲۰	لوقا	۲:۱	عبرانیان
۳۵:۲۰	لوقا	۸:۱	عبرانیان
۱۴:۴	بوحنا	۶:۵	عبرانیان
۵۱:۶	بوحنا	۵:۶	عبرانیان
۵۸:۶	بوحنا	۲۰:۶	عبرانیان
۳۵:۸	بوحنا	۱۷:۷	عبرانیان
۵۱:۸	بوحنا	۲۱:۷	عبرانیان
۵۲:۸	بوحنا	۲۴:۷	عبرانیان
۲۲:۹	بوحنا	۲۸:۷	عبرانیان
۲۸:۱۰	بوحنا	۲۶:۹	عبرانیان
۲۶:۱۱	بوحنا	۳:۱۱	عبرانیان
۲۴:۱۲	بوحنا	۸:۱۳	عبرانیان
۸:۱۳	بوحنا	۲۱:۱۳	عبرانیان
۱۶:۱۴	بوحنا	۲۲:۱	اول پطرس

اول پطرس ۱

اول پطرس ۱۱:۴

اول پطرس ۱۱:۵

دوم پطرس ۱۸:۳

اول بوحنا ۱۷:۲

دوم بوحنا ۲:۱

پهودا ۱۳:۱

پهودا ۲۵:۱

مکاشفه بوحنا ۶:۱

مکاشفه بوحنا ۱۶:۱

مکاشفه بوحنا ۹:۴

مکاشفه بوحنا ۱۰:۴

مکاشفه بوحنا ۱۳:۵

مکاشفه بوحنا ۱۲:۷

مکاشفه بوحنا ۶:۱۰

مکاشفه بوحنا ۱۵:۱۱

مکاشفه بوحنا ۱۱:۱۴

مکاشفه بوحنا ۷:۱۵

مکاشفه بوحنا ۳:۱۹

مکاشفه بوحنا ۱۰:۲۰

مکاشفه بوحنا ۵:۲۲

مکاشفه بوحنا ۱۱:۱۶

مکاشفه بوحنا ۲:۱۵

مکاشفه بوحنا ۳:۱۹

مکاشفه بوحنا ۱:۲۰

مکاشفه بوحنا ۵:۲۲

مکاشفه بوحنا ۸:۱۸

مکاشفه بوحنا ۲۹:۱۹

مکاشفه بوحنا ۲۹:۱۹

مکاشفه بوحنا ۴۱:۲۵

مکاشفه بوحنا ۴۶:۲۵

مرقس ۲۹:۳

مرقس ۱۷:۱۱

مرقس ۳۰:۱۱

لوقا ۲۵:۱۰

لوقا ۹:۱۶

لوقا ۱۸:۱۸

لوقا ۳۰:۱۸

لوقا ۱۵:۳

بوحنا ۱۶:۳

بوحنا ۳۶:۳

بوحنا ۱۴:۴

بوحنا ۳۶:۴

بوحنا ۲۴:۵

بوحنا ۳۹:۵

بوحنا ۲۷:۶

بوحنا ۴۰:۶

بوحنا ۴۷:۶

بوحنا ۵۴:۶

بوحنا ۶۸:۶

بوحنا ۱۰:۱۴

بوحنا ۱۱:۱۴

بوحنا ۱۲:۱۴

بوحنا ۱۳:۱۴

بوحنا ۱۴:۱۴

بوحنا ۱۵:۱۴

بوحنا ۱۶:۱۴

بوحنا ۱۷:۱۴

بوحنا ۱۸:۱۴

بوحنا ۱۹:۱۴

بوحنا ۲۰:۱۴

بوحنا ۲۱:۱۴

بوحنا ۲۲:۱۴

بوحنا ۲۳:۱۴

بوحنا ۲۴:۱۴

بوحنا ۲۵:۱۴

بوحنا ۲۶:۱۴

بوحنا ۲۷:۱۴

بوحنا ۲۸:۱۴

بوحنا ۲۹:۱۴

بوحنا ۳۰:۱۴

بوحنا ۳۱:۱۴

بوحنا ۳۲:۱۴

بوحنا ۳۳:۱۴

بوحنا ۳۴:۱۴

بوحنا ۳۵:۱۴

بوحنا ۳۶:۱۴

بوحنا ۳۷:۱۴

بوحنا ۳۸:۱۴

بوحنا ۳۹:۱۴

بوحنا ۴۰:۱۴

بوحنا ۴۱:۱۴

بوحنا ۴۲:۱۴

بوحنا ۴۳:۱۴

بوحنا ۴۴:۱۴

بوحنا ۴۵:۱۴

بوحنا ۴۶:۱۴

بوحنا ۴۷:۱۴

بوحنا ۴۸:۱۴

بوحنا ۴۹:۱۴

بوحنا ۵۰:۱۴

بوحنا ۵۱:۱۴

بوحنا ۵۲:۱۴

بوحنا ۵۳:۱۴

بوحنا ۵۴:۱۴

بوحنا ۵۵:۱۴

بوحنا ۵۶:۱۴

بوحنا ۵۷:۱۴

بوحنا ۵۸:۱۴

بوحنا ۵۹:۱۴

بوحنا ۶۰:۱۴

بوحنا ۶۱:۱۴

بوحنا ۶۲:۱۴

بوحنا ۶۳:۱۴

بوحنا ۶۴:۱۴

بوحنا ۶۵:۱۴

بوحنا ۶۶:۱۴

بوحنا ۶۷:۱۴

بوحنا ۶۸:۱۴

بوحنا ۶۹:۱۴

بوحنا ۷۰:۱۴

بوحنا ۷۱:۱۴

بوحنا ۷۲:۱۴

بوحنا ۷۳:۱۴

بوحنا ۷۴:۱۴

بوحنا ۷۵:۱۴

بوحنا ۷۶:۱۴

بوحنا ۷۷:۱۴

بوحنا ۷۸:۱۴

بوحنا ۷۹:۱۴

بوحنا ۸۰:۱۴

بوحنا ۸۱:۱۴

بوحنا ۸۲:۱۴

بوحنا ۸۳:۱۴

بوحنا ۸۴:۱۴

بوحنا ۸۵:۱۴

بوحنا ۸۶:۱۴

بوحنا ۸۷:۱۴

بوحنا ۸۸:۱۴

بوحنا ۸۹:۱۴

بوحنا ۹۰:۱۴

بوحنا ۹۱:۱۴

بوحنا ۹۲:۱۴

بوحنا ۹۳:۱۴

بوحنا ۹۴:۱۴

بوحنا ۹۵:۱۴

بوحنا ۹۶:۱۴

بوحنا ۹۷:۱۴

بوحنا ۹۸:۱۴

بوحنا ۹۹:۱۴

بوحنا ۱۰۰:۱۴

بوحنا ۱۰۱:۱۴

بوحنا ۱۰۲:۱۴

بوحنا ۱۰۳:۱۴

بوحنا ۱۰۴:۱۴

بوحنا ۱۰۵:۱۴

بوحنا ۱۰۶:۱۴

بوحنا ۱۰۷:۱۴

بوحنا ۱۰۸:۱۴

بوحنا ۱۰۹:۱۴

بوحنا ۱۱۰:۱۴

بوحنا ۱۱۱:۱۴

بوحنا ۱۱۲:۱۴

بوحنا ۱۱۳:۱۴

بوحنا ۱۱۴:۱۴

بوحنا ۱۱۵:۱۴

بوحنا ۱۱۶:۱۴

بوحنا ۱۱۷:۱۴

بوحنا ۱۱۸:۱۴

بوحنا ۱۱۹:۱۴

بوحنا ۱۲۰:۱۴

بوحنا ۱۲۱:۱۴

بوحنا ۱۲۲:۱۴

بوحنا ۱۲۳:۱۴

بوحنا ۱۲۴:۱۴

بوحنا ۱۲۵:۱۴

بوحنا ۱۲۶:۱۴

بوحنا ۱۲۷:۱۴

بوحنا ۱۲۸:۱۴

بوحنا ۱۲۹:۱۴

بوحنا ۱۳۰:۱۴

بوحنا ۱۳۱:۱۴

بوحنا ۱۳۲:۱۴

بوحنا ۱۳۳:۱۴

بوحنا ۱۳۴:۱۴

بوحنا ۱۳۵:۱۴

بوحنا ۱۳۶:۱۴

بوحنا ۱۳۷:۱۴

بوحنا ۱۳۸:۱۴

بوحنا ۱۳۹:۱۴

بوحنا ۱۴۰:۱۴

بوحنا ۱۴۱:۱۴

بوحنا ۱۴۲:۱۴

بوحنا ۱۴۳:۱۴

بوحنا ۱۴۴:۱۴

بوحنا ۱۴۵:۱۴

بوحنا ۱۴۶:۱۴

بوحنا ۱۴۷:۱۴

بوحنا ۱۴۸:۱۴

بوحنا ۱۴۹:۱۴

۲۸:۱۰ پوچنا
 ۲۵:۱۲ پوچنا
 ۵۰:۱۲ پوچنا
 ۲:۱۷ پوچنا
 ۳:۱۷ پوچنا
 کارهای رسولان ۴۶:۱۳
 کارهای رسولان ۴۸:۱۳
 رومیان ۷:۲
 رومیان ۲۰:۵
 رومیان ۲۲:۶
 رومیان ۲۳:۶
 رومیان ۲۵:۱۶
 رومیان ۲۶:۱۶
 دوم قریتبان ۱۵:۴
 دوم قریتبان ۱۶:۴
 دوم قریتبان ۱۵:۵
 غلام طیان ۸:۶
 ۲ تosalonیکیان ۹:۱
 ۲ تosalonیکیان ۱۶:۲
 ۱ تمیتوواس ۱۶:۱
 ۱ تمیتوواس ۱۲:۶
 ۱ تمیتوواس ۱۶:۶
 ۲ تمیتوواس ۹:۱
 ۲ تمیتوواس ۱۰:۲
 تیطس ۲:۱
 تیطس ۷:۲
 فلیمون ۱۵:۱
 عبرایان ۹:۵
 عبرایان ۲:۶
 عبرایان ۱۲:۶
 عبرایان ۱۴:۹
 عبرایان ۱۵:۹
 عبرایان ۲۰:۱۲
 اول پطرس ۱۰:۵
 دوم پطرس ۱۱:۱
 اول پوچنا ۲:۱
 اول پوچنا ۲۵:۲
 اول پوچنا ۱۰:۳
 اول پوچنا ۱۱:۵
 اول پوچنا ۱۳:۵
 اول پوچنا ۲۰:۵
 پهودا ۷:۱
 پهودا ۲۱:۱
 مکاشفه پوچنا ۶:۱۴
 موقس ۴۵:۹
 موقس ۴۷:۹
 لوقا ۵:۱۲
 یعقوب ۶:۳
 متی ۲۳:۱۱
 متی ۱۸:۱۶
 لوقا ۱۵:۱۰
 لوقا ۲۳:۱۶
 کارهای رسولان ۲۷:۲
 کارهای رسولان ۳۱:۲
 اول قریتبان ۵۵:۱۵
 مکاشفه پوچنا ۱۸:۱
 مکاشفه پوچنا ۸:۶
 مکاشفه پوچنا ۱۳:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۱۴:۲۰
 غزل غزلهای ۶:۸
 اشیعای ۱۴:۵
 اشیعای ۱۱:۷
 اشیعای ۹:۱۴
 اشیعای ۱۱:۱۴
 اشیعای ۱۵:۱۴
 مکاشفه پوچنا ۲۰:۱۹
 مکاشفه پوچنا ۱۰:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۱۴:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۱۵:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۸:۲۱
 مکاشفه پوچنا ۲۰:۱۹
 بیدایش ۳۵:۲۷
 بیدایش ۳۸:۴۲
 بیدایش ۲۹:۴۴
 بیدایش ۳۱:۴۴
 اعداد ۳۰:۱۶
 اعداد ۳۳:۱۶
 تئیه ۲۲:۳۲
 اول سموئیل ۶:۲
 دوم سموئیل ۶:۲۲
 اول پادشاهان ۶:۲
 اول پادشاهان ۹:۲
 ایوب ۹:۷
 ایوب ۸:۱۱
 ایوب ۱۳:۱۴
 ایوب ۱۳:۱۷
 ایوب ۱۶:۱۷
 ایوب ۱۳:۲۱
 ایوب ۱۹:۲۴
 ایوب ۶:۲۶
 مزمیر ۵:۶
 مزمیر ۱۷:۹
 مزمیر ۱۰:۱۶
 مزمیر ۵:۱۸
 مزمیر ۳:۳۰
 مزمیر ۱۷:۳۱
 مزمیر ۱۴:۴۹
 مزمیر ۱۵:۴۹
 مزمیر ۱۵:۵۵
 مزمیر ۱۳:۸۶
 مزمیر ۳:۸۸
 مزمیر ۴۸:۸۹

Hadēs

مزمیر ۳:۱۱۶
 مزمیر ۸:۱۳۹
 مزمیر ۷:۱۴۱
 امثال ۱۲:۱
 امثال ۵:۵
 امثال ۲۷:۷
 امثال ۱۸:۹
 امثال ۱۱:۵
 امثال ۲۴:۱۵
 امثال ۱۴:۲۳
 امثال ۲۰:۲۷
 امثال ۱۶:۳۰
 جامعه ۱۰:۹
 غزل غزلهای ۶:۸
 اشیعای ۱۴:۵
 اشیعای ۱۱:۷
 اشیعای ۹:۱۴
 اشیعای ۱۱:۱۴
 اشیعای ۱۵:۱۴
 اشیعای ۱۵:۲۸
 اشیعای ۱۸:۲۸
 اشیعای ۱۰:۳۸
 اشیعای ۱۸:۲۸
 اشیعای ۹:۵۷
 حرققال ۱۵:۲۱
 حرققال ۱۶:۲۱
 حرققال ۱۷:۲۱
 حرققال ۲۱:۳۲
 حرققال ۲۷:۳۲
 هوشیع ۱۴:۱۳
 عاموس ۲:۹
 پیونس ۲:۲
 حقیق ۵:۲

Limnē Pyr

مکاشفه پوچنا ۲۰:۱۹
 مکاشفه پوچنا ۱۰:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۱۴:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۱۵:۲۰
 مکاشفه پوچنا ۸:۲۱
 بیدایش ۳۵:۲۷
 بیدایش ۳۸:۴۲
 بیدایش ۲۹:۴۴
 بیدایش ۳۱:۴۴
 اعداد ۳۰:۱۶
 اعداد ۳۳:۱۶
 تئیه ۲۲:۳۲
 اول سموئیل ۶:۲
 دوم سموئیل ۶:۲۲
 اول پادشاهان ۶:۲
 اول پادشاهان ۹:۲
 ایوب ۹:۷
 ایوب ۸:۱۱
 ایوب ۱۳:۱۴
 ایوب ۱۳:۱۷
 ایوب ۱۶:۱۷
 ایوب ۱۳:۲۱
 ایوب ۱۹:۲۴
 ایوب ۶:۲۶
 مزمیر ۵:۶
 مزمیر ۱۷:۹
 مزمیر ۱۰:۱۶
 مزمیر ۵:۱۸
 مزمیر ۳:۳۰
 مزمیر ۱۷:۳۱
 مزمیر ۱۴:۴۹
 مزمیر ۱۵:۴۹
 مزمیر ۱۵:۵۵
 مزمیر ۱۳:۸۶
 مزمیر ۳:۸۸
 مزمیر ۴۸:۸۹

Sheol

حرققال ۱۶:۲۱
 حرققال ۱۷:۲۱
 حرققال ۲۱:۳۲
 حرققال ۲۷:۳۲
 هوشیع ۱۴:۱۳
 عاموس ۲:۹
 پیونس ۲:۲
 حقیق ۵:۲

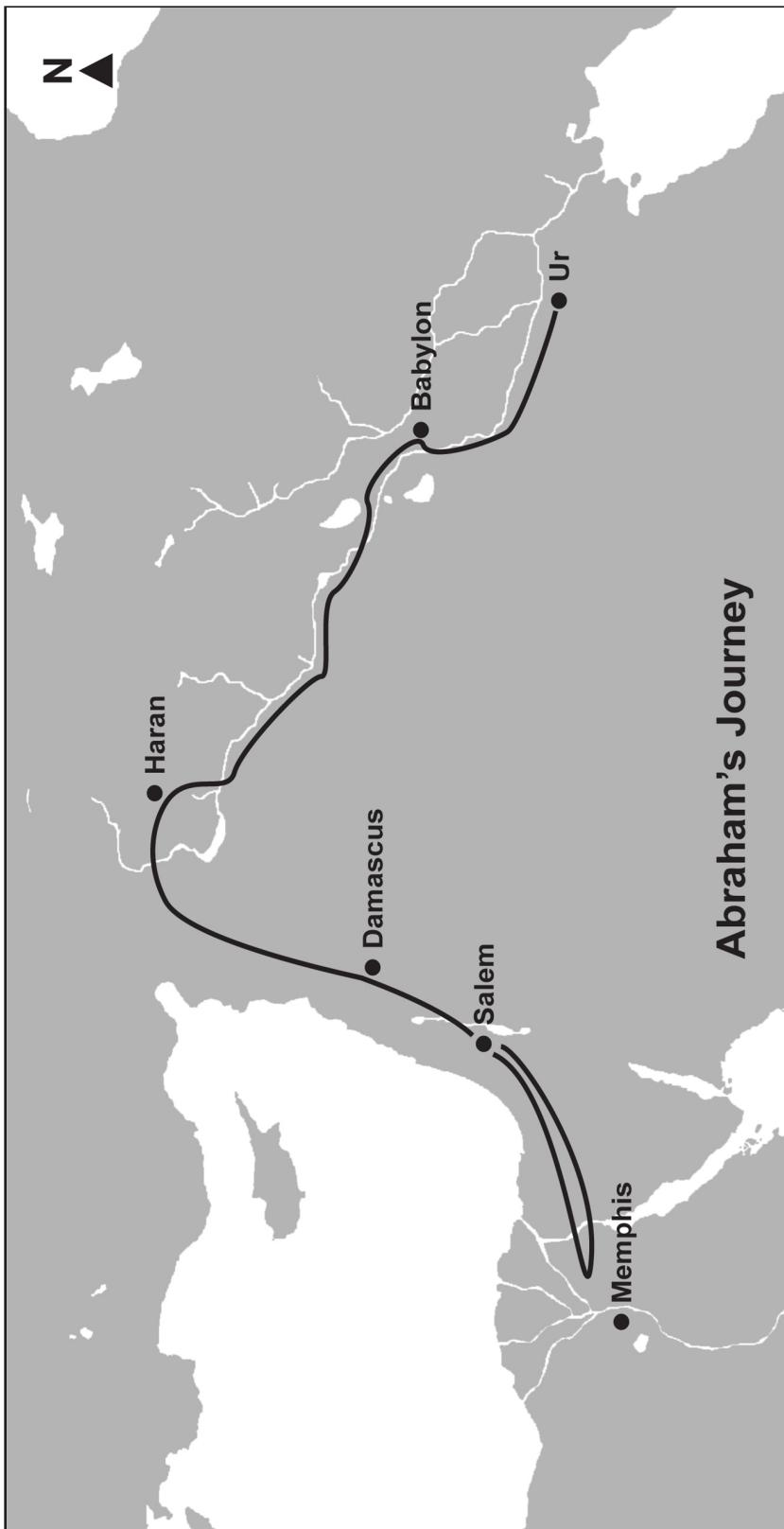
Tartaroō

دوم پطرس ۴:۲
 دوم پطرس ۱۷:۲

Questioned

eleēsē
 رومیان ۳۲:۱۱
 Geenna
 مئّی ۲۲:۵
 مئّی ۲۹:۵
 مئّی ۳:۵
 مئّی ۲۸:۱۰
 مئّی ۹:۱۸
 مئّی ۱۵:۲۲
 مئّی ۳۳:۲۲
 موقس ۴۳:۹

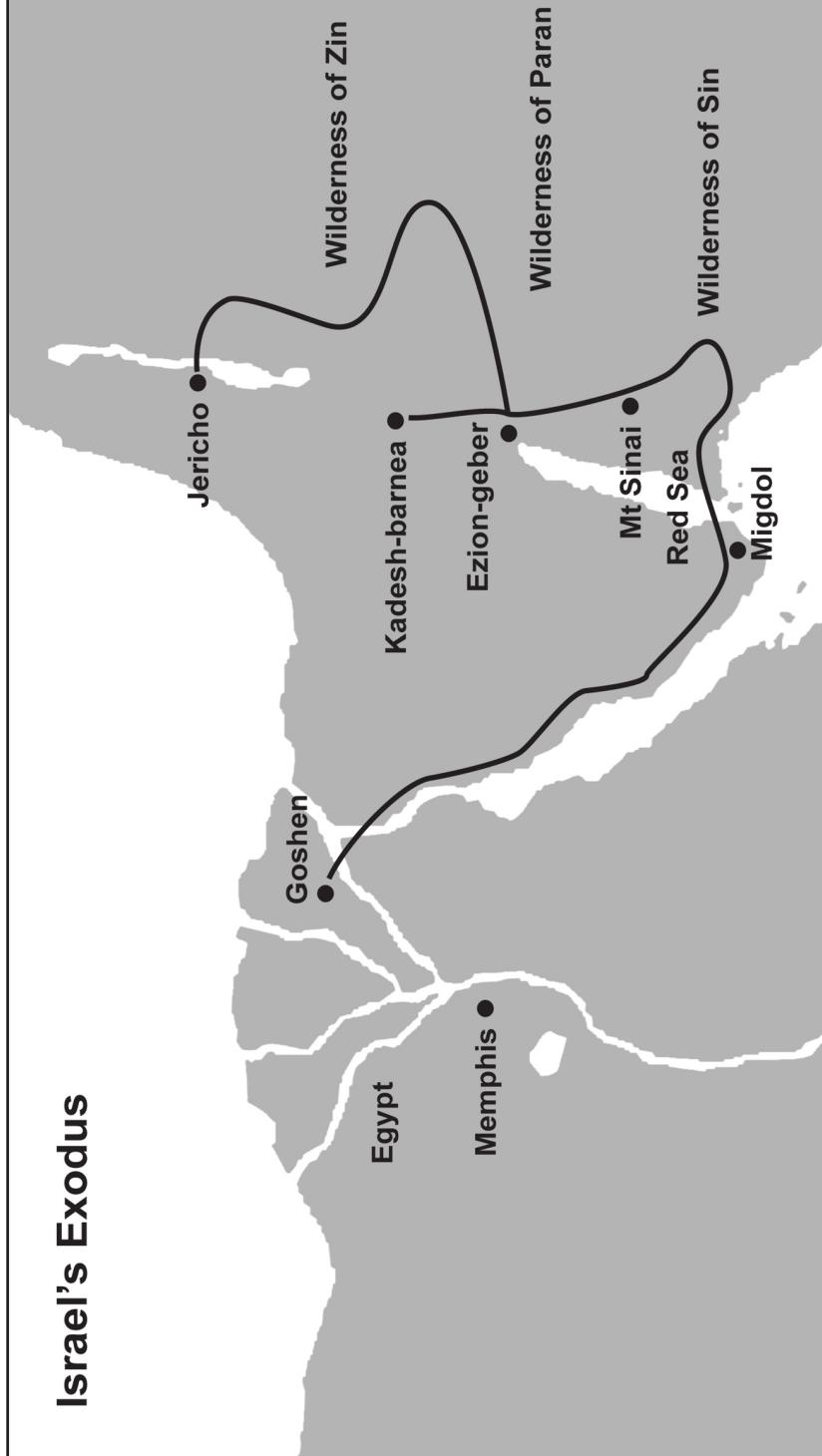
Abraham's Journey



به ایمان ابراهیم چون خوانده شد، اطاعت نمود و پیروز رفت به سمت آن مکانی که می‌بایست به میراث پادشاه بسیار زیاد داشت به کجا می‌زد. - عربیان ۸:۱

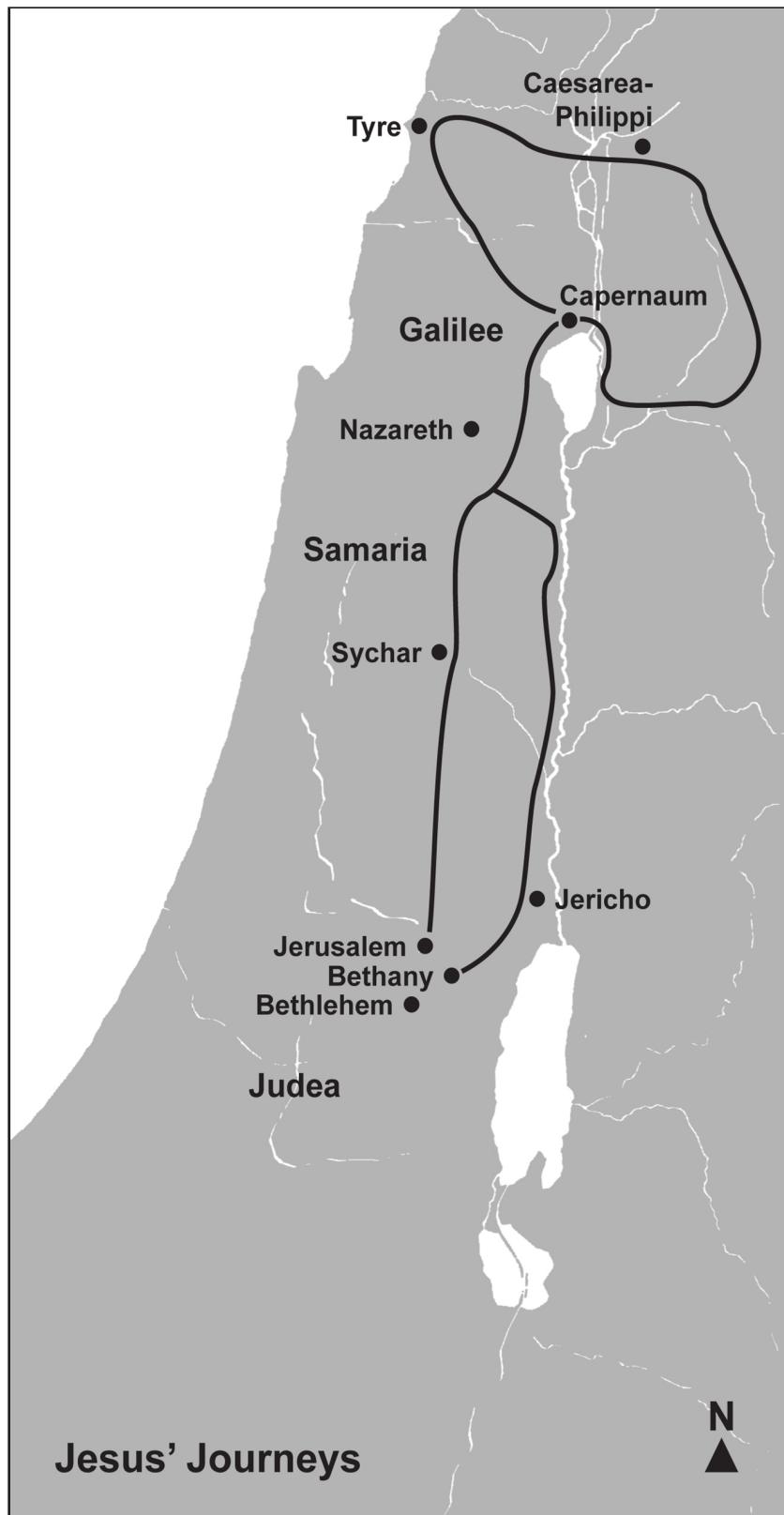
Israel's Exodus

N ▲

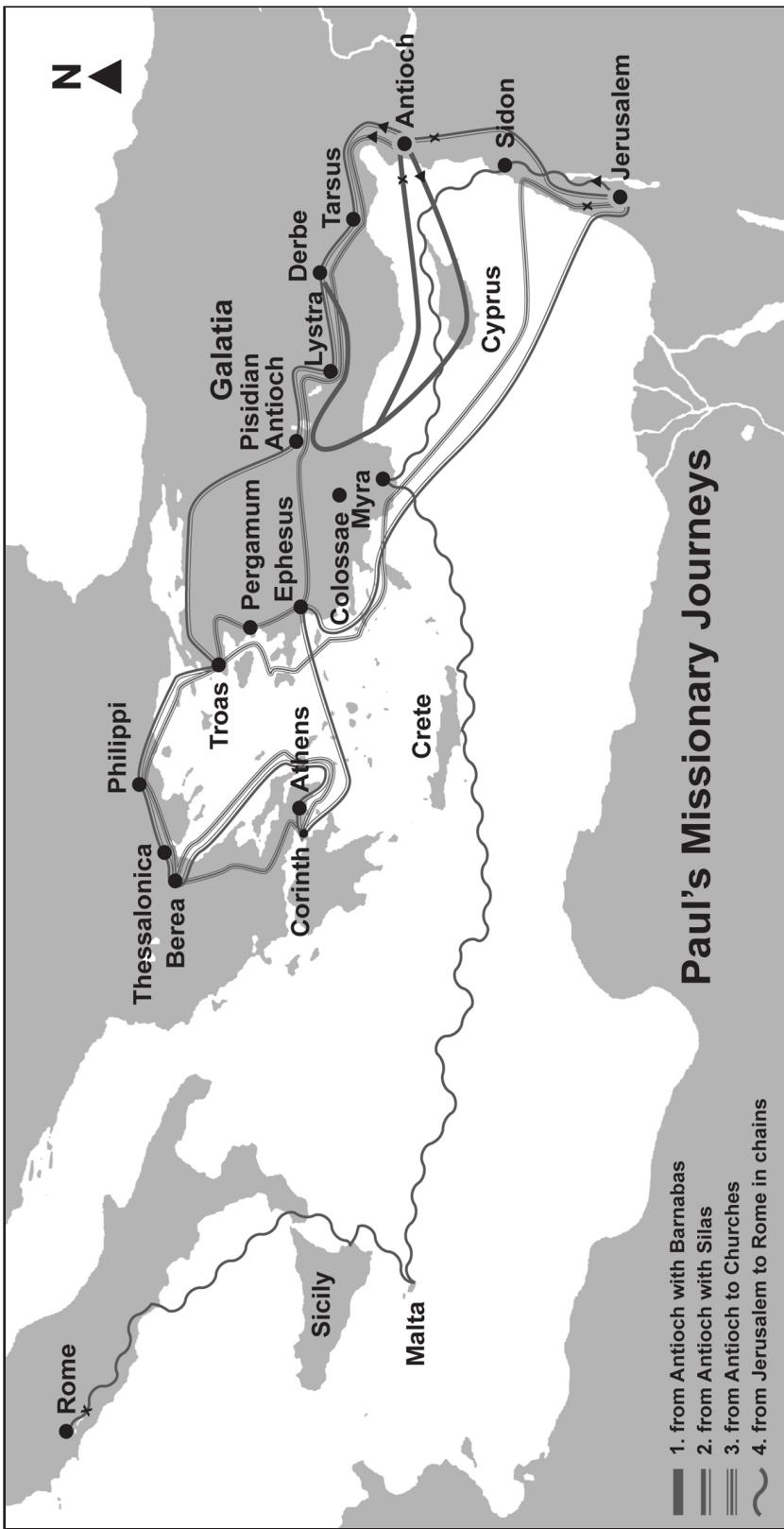


رواق شد که چون فرعون قوم را راه کرده بود، خدا ایشان را از راه زمین فلسطینیان رهبری نکرده، هرچند آن تواند نباشد. نیز خدا گفت: «همدان که چون قوم جیگ پیشند، پیشمان شوند و به مصر برگردند.». - محرج ۷:۱۳

نحو کی پس انسان نیز تبلده و تابعیت شد بلکه تا خدمت کرد و تا جان خود را ازی بسیاری کرد. - محقن ۴۵:۱۰



N



Paul's Missionary Journeys

1. from Antioch with Barnabas
2. from Antioch with Silas
3. from Antioch to Churches
4. from Jerusalem to Rome in chains

پولس، غلام عیسی مسیح و رسول مختاره شده و جما مسده شده برای انجیل خدای - رومان ۱:۱

New Heavens and Earth



- Christ returns for his people
- 1956 Jim Elliot martyrd in Ecuador
 - 1830 John Williams reaches Polynesia
 - 1731 Zinzendorf leads Moravian mission
 - 1614 Japanese kill 40,000 Christians
 - 1572 Jesuits reach Mexico
 - 1517 Martin Luther leads Reformation
 - 1455 Gutenberg prints first Bible
 - 1323 Franciscans reach Sumatra
 - 1276 Ramon Llull trains missionaries
 - 1100 Crusades tarnish the church
 - 1054 The Great Schism
 - 997 Adalbert martyrd in Prussia
 - 864 Bulgarian Prince Boris converts
 - 716 Boniface reaches Germany
 - 635 Alopen reaches China
 - 569 Longinus reaches Alodia / Sudan
 - 432 Saint Patrick reaches Ireland
 - 397 Carthage ratifies Bible Canon
 - 341 Ulfilas reaches Goth / Romania
 - 325 Niceae proclaims God is Trinity
 - 250 Denis reaches Paris, France
 - 197 Tertullian writes Christian literature
 - 70 Titus destroys the Jewish Temple
 - 61 Paul imprisoned in Rome, Italy
 - 52 Thomas reaches Malabar, India
 - 39 Peter reaches Gentile Cornelius
 - 33 Holy Spirit empowers the Church

(Wikipedia, Timeline of Christian missions)

Resurrected 33 A.D.

Creation 4004 B.C.

Adam and Eve created	4004
Tubal-cain forges metal	3300
Enoch walks with God	3017
Methuselah dies at age 969	2349
God floods the Earth	2349
Tower of Babel thwarted	2247
Abraham sojourns to Canaan	1922
Jacob moves to Egypt	1706
Moses leads Exodus from Egypt	1491
Gideon judges Israel	1245
Ruth embraces the God of Israel	1168
David installed as King	1055
King Solomon builds the Temple	1018
Elijah defeats Baal's prophets	896
Jonah preaches to Nineveh	800
Assyrians conquer Israelites	721
King Josiah reforms Judah	630
Babylonians capture Judah	605
Persians conquer Babylonians	539
Cyrus frees Jews, rebuilds Temple	537
Nehemiah rebuilds the wall	454
Malachi prophesies the Messiah	416
Greeks conquer Persians	331
Seleucids conquer Greeks	312
Hebrew Bible translated to Greek	250
Maccabees defeat Seleucids	165
Romans subject Judea	63
Herod the Great rules Judea	37

(The Annals of the World, James Usher)



Jesus Christ born 4 B.C.

Mankind is created in God's image, male and female He created us

Sin entered the world through Adam and then death through sin

When are we?



Fallen				Glory
Fall to sin No Law	Moses' Law 1500 B.C.	Christ 33 A.D.	Church Age Kingdom Age	New Heavens and Earth
1 Timothy 6:16 Living in unapproachable light				Acts 3:21 Philippians 2:11 Revelation 20:3
John 8:58 Pre-incarnate	John 1:14 Incarnate	Luke 23:43 Paradise		
Psalm 139:7 Everywhere	John 14:17 Living in believers			
Ephesians 2:1-5 Serving the Savior or Satan on Earth				God's perfectly restored fellowship with all Mankind praising Christ as Lord in the Holy City
Luke 16:22 Blessed in Paradise				
Luke 16:23, Revelation 20:5,13 Punished in Hades until the final judgment				
Hebrews 1:14 Serving mankind at God's command				
2 Peter 2:4, Jude 6 Imprisoned in Tartarus				Matthew 25:41 Revelation 20:10
1 Peter 5:8, Revelation 12:10 Rebelling against Christ Accusing mankind				Revelation 20:13 Thalaasa
				Revelation 19:20 Lake of Fire
				Revelation 20:2 Abyss
Lake of Fire prepared for the Devil and his Angels				

For God has bound all over to disobedience in order to show mercy to all

► Who are we?	What are we? ►		Genesis 1:26 - 2:3	
	How are we sinful? ►		Romans 5:12-19	
	Where are we? ◀		Innocence	
			Eternity Past	Creation 4004 B.C.
	God	Father	John 10:30 God's perfect fellowship	Genesis 1:31 God's perfect fellowship with Adam in The Garden of Eden
		Son		
		Holy Spirit		
	Mankind	Living	Genesis 1:1 No Creation No people	Genesis 1:31 No Fall No unholy Angels
		Deceased believing		
		Deceased unbelieving		
	Angels	Holy		
		Imprisoned		
		Fugitive		
		First Beast		
		False Prophet		
		Satan		
Why are we? ►		Romans 11:25-36, Ephesian 2:7		

سرنوشت

فارسی at AionianBible.org/Destiny

The Aionian Bible shows the location of eleven special Greek and Hebrew Aionian Glossary words to help us better understand God's love for individuals and for all mankind, and the nature of after-life destinies. The underlying Hebrew and Greek words typically translated as *Hell* show us that there are not just two after-life destinies, Heaven or Hell. Instead, there are a number of different locations, each with different purposes, different durations, and different inhabitants. Locations include 1) Old Testament *Sheol* and New Testament *Hadēs*, 2) *Geenna*, 3) *Tartaroō*, 4) *Abyssos*, 5) *Limnē Pyr*, 6) *Paradise*, 7) *The New Heaven*, and 8) *The New Earth*. So there is reason to review our conclusions about the destinies of redeemed mankind and fallen angels.

The key observation is that fallen angels will be present at the final judgment, 2 Peter 2:4 and Jude 6. Traditionally, we understand the separation of the Sheep and the Goats at the final judgment to divide believing from unbelieving mankind, Matthew 25:31-46 and Revelation 20:11-15. However, the presence of fallen angels alternatively suggests that Jesus is separating redeemed mankind from the fallen angels. We do know that Jesus is the helper of mankind and not the helper of the Devil, Hebrews 2. We also know that Jesus has atoned for the sins of all mankind, both believer and unbeliever alike, 1 John 2:1-2. Deceased believers are rewarded in Paradise, Luke 23:43, while unbelievers are punished in Hades as the story of Lazarus makes plain, Luke 16:19-31. Yet less commonly known, the punishment of this selfish man and all unbelievers is before the final judgment, is temporal, and is punctuated when Hades is evacuated, Revelation 20:13. So is there hope beyond Hades for unbelieving mankind? Jesus promised, "*the gates of Hades will not prevail*," Matthew 16:18. Paul asks, "*Hades where is your victory?*" 1 Corinthians 15:55. John wrote, "*Hades gives up,*" Revelation 20:13.

Jesus comforts us saying, "*Do not be afraid*," because he holds the keys to *unlock* death and Hades, Revelation 1:18. Yet too often our *Good News* sounds like a warning to "*be afraid*" because Jesus holds the keys to *lock* Hades! Wow, we have it backwards! Hades will be evacuated! And to guarantee hope, once emptied, Hades is thrown into the Lake of Fire, never needed again, Revelation 20:14.

Finally, we read that anyone whose name is not written in the Book of Life is thrown into the Lake of Fire, the second death, with no exit ever mentioned or promised, Revelation 21:1-8. So are those evacuated from Hades then, "*out of the frying pan, into the fire?*" Certainly, the Lake of Fire is the destiny of the Goats. But, do not be afraid. Instead, read the Bible's explicit mention of the purpose of the Lake of Fire and the identity of the Goats, "*Then he will say also to those on the left hand, 'Depart from me, you cursed, into the consummate fire which is prepared for... the devil and his angels,'*" Matthew 25:41. Bad news for the Devil. Good news for all mankind!

Faith is not a pen to write your own name in the Book of Life. Instead, faith is the glasses to see that the love of Christ for all mankind has already written our names in Heaven. Jesus said, "*You did not choose me, but I chose you,*" John 15:16. Though unbelievers will suffer regrettable punishment in Hades, redeemed mankind will never enter the Lake of Fire, prepared for the devil and his angels. And as God promised, all mankind will worship Christ together forever, Philippians 2:9-11.

World Nations

پس زقه، همه امانتها را شاگرد سازند و ایشان را به اسم اوی و روح القدریس تعجب دهید. - متن ۱۹:۲۸



